

سید علی خامنه‌ای

دشمن شناسی

شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن

از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی



مؤسسه پژوهش‌های فرهنگی
مجلس شورای اسلامی
دانشگاه و نشر آراء حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

عنوان و نام پدیدآور	: دشمن‌شناسی (شناخت و روشهای دشمن و راههای مقابله با آن) از دیدگاه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی / سید امیر پورفاضلی.
مشخصات نشر	: تهران : انتشارات انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۵۱۲ ص.
شابک	: ۱۵۰۰۰۰ ریال : ۷-۵۶-۲۹۵۱-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع: خامنهای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - نظریه دربارهی دشمنان	
موضوع	: خامنهای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - پیامها و سخنرانیها
موضوع	: دشمنان
موضوع	: تبلیغات ضد اسلامی
شناسه افزوده	: پورفاضلی، سیامیر، ۱۳۴۶ - ، گردآورنده
رده بندی کنگره	: DSR ۱۶۹۲/۵۵۴۷ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	: ۰۸۴۴/۹۵۵
شماره کاتالوگ ملی	: ۲۹۵۳۲۷۷

مؤسسه پژوهشی فرهنگی



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)

دشمن‌شناسی

شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن

از دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی

گردآورنده: سید امیر پورفاضلی

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

شمارگان: ۲۰۰۰

چاپ دوم - بهار ۱۳۹۴

۱۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۷-۵۶-۲۹۵۱-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷

تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ - - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۹۷۵

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir - سامانه پیامکی: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰ - <http://Book-khamenei.ir>

مقدمه

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیر رسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی (ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام (ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان می‌دهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در انجام همین وظیفه به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاهها و رهنمودهای معظم‌له در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می‌پردازد.

کتاب حاضر حاوی بیانات مقام معظم رهبری پیرامون دشمن‌شناسی است که به کوشش جناب آقای سیدامیر پورفاضلی تدوین شده و از سوی انتشارات انقلاب اسلامی عرضه میشود.

دشمن‌شناسی از مفاهیمی است که در آیات و روایات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است و بر هوشیاری همیشگی مؤمن و دشمن‌شناسی او تأکید شده و تبری از دشمن که لازمه‌ی آن دشمن‌شناسی است در زمره‌ی فروع دین قرار دارد. علمای شیعه نیز به پیروی از معارف و احکام دینی توجه و اهتمام زیادی را صرف معرفی دشمن و موضع‌گیری

و / دشمن‌شناسی

در قبال آن در طول تاریخ داشته‌اند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بخش معتنا بهی از بیانات حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری به این موضوع اختصاص داشته است. رهبر انقلاب بارها بر کسب بصیرت، بصیرت‌زایی و بصیرت‌افزایی که از ضروریات دشمن‌شناسی به خصوص در طوفان حوادث‌اند تأکید کرده‌اند. ایشان شناخت انواع و اقسام حیل‌های دشمن و معرفی آنها و آگاه کردن ملت را بارها و بارها به مسئولان و مردم گوشزد کرده‌اند. کتاب پیش رو به منظور شناخت و روش‌های دشمن و راه‌های مقابله با آن در چهارده فصل تعاریف، ضرورت شناخت دشمن، علل و دلایل دشمنی، ماهیت و ویژگی‌های دشمن، اهداف دشمن، شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن، برنامه‌ریزی‌های دشمن، شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن، اقشار مورد هدف دشمن، عوامل کمک به دشمن، نقش امام راحل در مقابله با دشمن، ایستادگی در برابر دشمن، رسانه‌ها و دشمن، استعمار فرانو و صهیونیسم، بزرگترین دشمن ملت ایران و کلام آخر تحت عنوان پایان رویارویی ما با دشمنان چه وقت خواهد بود؟ تنظیم شده و در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.

و من الله التوفیق

فهرست مطالب

۱	فصل اول: تعاریف
۳	مفهوم دشمن از منظر قرآن
۴	دشمن کیست؟
۶	دشمن درونی و دشمن بیرونی
۸	مفهوم دشمن اسلام
۸	مفهوم جهاد و مبارزه با دشمن
۹	دشمن خارجی و دشمن درونی
۱۰	مفهوم جنگ نرم دشمن
۱۳	فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن
۱۵	اهمیت دشمن شناسی
۱۶	اهمیت شناخت و روش دشمنی
۱۷	لزوم دشمن شناسی و فریب نخوردن از دشمن
۱۷	دشمن شناسی؛ اولین قدم مبارزه
۱۸	شناخت دشمن
۱۹	دشوار نبودن شناسایی دشمن
۲۰	شناخت دشمن با فکر و انتخاب درست
۲۱	لزوم تمرکز بر دشمن ستیزی و دشمن شناسی
۲۲	دانستن و شناسایی ابعاد دشمنیها
۲۲	لزوم دقت مسلمانان در شناسایی دوست و دشمن
۲۳	لزوم درک و شناسایی دشمن

- ۲۵..... لزوم شناخت روش و صفوف دشمن
- ۲۶..... تشخیص حق از باطل با آگاهی از اوضاع و احوال زمانه
- ۲۷..... موقعیت و فرصت شناسی
- ۲۷..... خدا، رسول اکرم ﷺ و جامعه‌ی اسلامی معیار تشخیص دشمن
- ۲۸..... شناسایی نقاط مورد هدف دشمن
- ۲۸..... شناخت دشمن محصول شناختها
- ۲۹..... لزوم شناسایی دشمن در چهره‌ها و لباسهای مختلف
- ۳۰..... شناخت اثر انگشت دشمن در فضای سیاسی و فرهنگی
- ۳۰..... لزوم شناسایی طبیعت دشمن
- ۳۱..... دشمن، واقعیت انکارناپذیر
- ۳۱..... فهم و درک نسبت به وارد شدن دشمن
- ۳۳..... شناخت هندسه‌ی کار دشمن
- ۳۴..... شناخت ترندهای دشمن در زمان خود
- ۳۵..... شناسایی به موقع دشمن
- ۳۶..... بی اطلاع نبودن از حضور دشمن
- ۳۷..... لزوم شناخت چگونگی ورود دشمن
- ۳۸..... انسان زمان شناس در برابر ترندهای دشمن
- ۳۸..... دشمن را با چشم باز دیدن
- ۳۹..... دشمن را در هر چهره و لباس شناختن
- ۴۰..... بصیرت لازمه‌ی شناخت دشمن
- ۴۱..... تمیز دادن عنصر خائن با افراد بصیر
- ۴۲..... شناسایی توطئه‌ی دشمن توسط انسانهای بصیر و خبیر
- ۴۲..... عدم شناخت انسانهای بی بصیرت از دشمن
- ۴۳..... دقت دشمن در شناخت نقاط ضعف ما
- ۴۴..... رخنه‌ی دشمن از راههای مختلف
- ۴۴..... تلاش دشمن در برابر ملت‌های تلاشگر
- ۴۵..... پایان ناپذیری توطئه‌ی دشمن علیه انقلاب
- ۴۷..... فصل سوم: علل و دلایل دشمنی
- ۴۹..... علت دشمنیها

فهرست مطالب / ذ

۵۱	نفی و اثبات جمهوری اسلامی
۵۲	قدرت‌طلبی و سلطه‌طلبی، انگیزه‌ی دشمنان
۵۴	علل دشمنی دنیای استکبار با نظام اسلامی
۵۶	تمام نشدنی دشمنیها
۵۶	حجم دشمنیها
۵۸	مخالفت با تحمیل فرهنگ غرب بر ملت‌های مسلمان
۵۸	صدور انقلاب؛ علت دشمنی استکبار
۵۹	علل دشمنی با پیشرفت هسته‌ای ایران اسلامی
۶۰	خشمگینی دشمن از نظام اسلامی
۶۱	انگیزه‌های دشمن برای تهدید و دشمنی کردن
۶۱	جمهوری اسلامی؛ مهمترین خطر برای دشمن
۶۲	آگاهی اسلامی و بیداری؛ علت دشمنیها
۶۳	قصد دشمن؛ نابودی جمهوری اسلامی
۶۳	مخالفت دشمن با محور تربیت و تعلیم قرآنی
۶۵	دفاع از ملت‌های مسلمان؛ علت خشم دشمن از جمهوری اسلامی
۶۶	تلاش دشمن جهت تضعیف اسلام
۶۷	فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن
۶۹	شروع توطئه دشمن همزمان با پیروزی انقلاب
۶۹	تقسیم‌بندی دشمن
۷۰	دشمنان درونی و بیرونی دولت اسلامی
۷۱	نحوه‌ی توطئه دشمنان
۷۱	پنج دشمن اصلی جامعه‌ی نبوی
۷۸	دشمن ما، دشمنی جهانی
۷۹	آرایش دشمن به صورت طرحهای روزانه
۸۰	فهم دشمن از آسیب‌پذیری انسان
۸۱	عصبانیت دشمن
۸۲	بی‌باک بودن دشمن در ارتکاب جنایت
۸۴	توهم نبودن توطئه‌ی دشمن
۸۴	توطئه و خدعه‌ی همیشگی دشمن

- سیاستهای دشمن ۸۶
- پابرجا بودن دشمنیها ۸۷
- تلاش دشمن در خدشه به انقلاب اسلامی ۸۸
- شقاوت دشمن؛ عکس العمل نسبت به بیداری ملتها ۸۹
- کینه‌ی عمیق دشمنان نسبت به مسلمانان و جوامع اسلامی ۹۰
- همیشگی بودن تهدید دشمن علیه دنیای اسلام ۹۱
- منافع مادی دشمن در جنگیدن ۹۲
- ترس عده‌ای از دشمنیها ۹۳
- وقاحت و پرویی دشمن ۹۳
- عکس العمل دشمن، نشان‌دهنده‌ی صحت کار ما ۹۴
- خواست دشمن، کنار آمدن جمهوری اسلامی با آنها ۹۵
- فصل پنجم: اهداف دشمن ۹۹
- لزوم شناسایی اهداف و ترفند دشمن ۱۰۱
- فهمیدن افکار دشمن ۱۰۲
- هدف دشمن، مبارزه با اسلام و تزلزل پایه‌های ایمانی ۱۰۲
- هدف دشمن؛ تزلزل پایه‌های مستحکم ایمانی مردم ۱۰۳
- فکر و پردازش تفکر اسلامی، هدف دشمن ۱۰۴
- هدف دشمن؛ تشکیک عقیده مهدویت ۱۰۴
- تلاش دشمن؛ در از بین بردن عقاید اسلامی مردم و ذهنیت آنها ۱۰۶
- منحرف کردن ذهن مردم از سرمایه‌گذاری دشمن ۱۰۷
- اعمال جاهلانه در عزاداریها ۱۱۰
- هدف‌گیری دشمن روی علم ۱۱۰
- تلاش دشمن برای از بین بردن آرامش ۱۱۲
- ایجاد هرج و مرج، هدف دشمن ۱۱۲
- جنگالهای زیر نام آزادی از نقشه‌های دشمن ۱۱۳
- پوساندن انقلاب با ترویج فساد ۱۱۴
- به فساد کشاندن زنان ۱۱۴
- کارزار همه‌جانبه‌ی فرهنگی دشمن در برابر ملت ۱۱۵
- تسخیر پایگاههای فرهنگی ۱۱۶

فهرست مطالب / ز

۱۱۷ حمله‌ی دشمن به کشور با ابزار فرهنگی
۱۱۸ تحقیر جریان هنر و فرهنگ انقلاب از دسیسه‌های دشمن
۱۱۹ حضور دشمن در پشت پرده‌ی فرهنگ و سیاست
۱۲۰ اهداف گوناگون دشمن برای سلطه بر ملت ایران
۱۲۱ تلاش دشمن؛ خارج کردن مردم از عرصه‌های انقلاب اسلامی
۱۲۲ هدف دشمن تضعیف ارزشهای انقلاب و اسلام
۱۲۳ هدف دشمن تسلط بر دنیا
۱۲۴ اهداف دشمن علیه انقلاب اسلامی
۱۲۵ تحریف حقایق و تاریخ
۱۲۶ تردیدافکنی و سلب اعتماد مردم
۱۲۷ ایجاد شکاف و اختلاف در بدنه‌ی حاکمیت نظام
۱۲۸ در اختیار گرفتن افکار عمومی، هدف دشمن
۱۲۹ بی‌اعتمادی ملت ایران به فرهنگ خود
۱۳۰ اضمحلال یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران
۱۳۰ از بین بردن یکپارچگی و انشقاق
۱۳۲ به زنجیر کشیدن ملت
۱۳۳ ناامید کردن ملت
۱۳۳ گرفتن عزم راسخ از مردم
۱۳۴ تخریب وحدت ملی؛ باورساز و امید
۱۳۶ ایجاد اختلال در وحدت ملی
۱۳۶ ایجاد ناامنی در مرزها
۱۳۸ تضعیف استقلال و اقتدار ملی هدف دشمنان
۱۳۸ امنیت اجتماعی و مدنی مورد هدف دشمنان
۱۳۸ در هم شکستن مقاومت ملی، خواست دشمن
۱۳۹ اتحاد؛ نقطه‌ی هدف دشمن
۱۴۰ مسائل اقتصادی؛ نقطه‌ی هدف و امید دشمن برای فلج کردن نظام اسلامی
۱۴۱ سازندگی کشور؛ نقطه‌ی هدف دشمن
۱۴۲ مرعوب کردن افراد از کارهای دشمن
۱۴۲ فراموش کردن یاد شهدا؛ هدف دشمن

- ۱۴۲ تزلزل در مشروعیت نظام اسلامی
- ۱۴۳ قانون اساسی هدف دشمن
- ۱۴۳ ایجاد وابستگی نظام اسلامی به قدرتهای بیگانه
- ۱۴۷ فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن
- ۱۴۹ آماج حملات
- ۱۴۹ ابزارهای دشمن در تضعیف و توهین اسلام
- ۱۵۰ سعی دشمن در نابودی عنصر دین
- ۱۵۱ دین و وفاداری مردم نقطه‌ی آماج دشمنان
- ۱۵۱ هدف دشمن، روشهای تبلیغی و تخریب باورهای مردمی
- ۱۵۳ آگاهی دشمن به تأثیرات اسلام و ایمان
- ۱۵۴ احکام و مقررات اسلام، مورد هجوم دشمنان
- ۱۵۵ اساس حمله‌ی دشمن، خارج ساختن حکومت از محور دین و امامت
- ۱۵۶ تبلیغ دشمن مبنی بر جدایی اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی
- ۱۵۷ تبلیغات دشمن علیه ولایت فقیه
- ۱۵۸ نفوذ رهبری؛ نقطه‌ی مقابله دشمن
- ۱۵۹ جمود و تحجّر
- ۱۶۰ اختلافات مذهبی از ابزار دشمن
- ۱۶۱ بیگانه کردن مسلمانان از هویت اسلامی سرانگشت دشمن
- ۱۶۲ وجود وسایل تفرقه‌افکنی
- ۱۶۲ منابع انسانی و مالی را در مقابل هم قرار دادن
- ۱۶۳ سوءاستفاده‌ی دشمن از اختلاف بین امت اسلامی
- ۱۶۴ معرفی انقلاب اسلامی بعنوان یک حرکت شیعی
- ۱۶۵ نزاع میان فرق اسلامی
- ۱۶۶ ایجاد حساسیتهای مذهبی
- ۱۶۶ سوءاستفاده دشمن از اختلافات مذهبی
- ۱۶۷ ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی از سیاست دشمنان
- ۱۶۷ سیاست دشمنان برای جدا کردن شیعه از غیرشیعه
- ۱۶۸ مهمترین شگرد؛ دشمن ایجاد دودستگی در بین مردم
- ۱۷۰ تبلیغات از شگردهای دشمن

فهرست مطالب / ش

۱۷۱	تلاش تبلیغاتی دشمن جهت حذف نظام اسلامی
۱۷۲	وادر کردن اتهامات خصمانه از ابزار تبلیغاتی دشمن
۱۷۴	تازگی نداشتن جنجالهای تبلیغاتی
۱۷۶	فریب نخوردن از لبخند دشمن
۱۷۷	مقابله با شیوههای دشمن در پایمال کردن حقّ ملت
۱۷۷	صف‌آرایی دشمن در برابر ما
۱۷۸	سوءاستفاده‌ی دشمن از غفلت و تنبلیها
۱۸۰	مأیوس کردن مردم با شواهد دروغین
۱۸۱	سرمایه‌گذاری دشمن در ایجاد یأس
۱۸۲	حاکم کردن یأس در دلها
۱۸۲	سعی دشمن بر تبدیل کردن مایه‌های تردید بر امید
۱۸۳	تحریک مردم از راه واسطه‌ها
۱۸۴	عدم خوش‌بینی نسبت به دشمن
۱۸۵	توسلّ دشمن به دروغ و فریب
۱۸۶	راه علاج، عدم تسلیم
۱۸۶	مرعوب ساختن ملت‌ها از ابزارهای دشمن
۱۸۶	شعارهای انحرافی در میان مردم
۱۸۸	تهاجم فرهنگی دشمن در برابر اسلام
۱۸۹	عوض کردن ذهنیت مردم، هدف تهاجم فرهنگی دشمن
۱۸۹	اجزای نقشه دشمن: ایجاد مشکلات اقتصادی و تشنج در کشور
۱۹۱	اقتصاد از نقاط امید دشمنان در فلج کردن نظام اسلامی
۱۹۳	فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن
۱۹۵	حمله‌ی دشمن به مسلمات اسلامی و خلدشه کردن چهره‌ی رسول اکرم ﷺ
۱۹۶	کمرنگ کردن آرمانهای الهی
۱۹۷	توطئه‌چینی مستمر دشمن علیه اسلام
۱۹۸	اباحیگری از سیاستهای دشمنان اسلام
۱۹۹	اسلام منهای سیاست و روحانیت دو نکته‌ی اساسی در برنامه‌ریزی دشمنان
۲۰۱	اهمیت نقش رهبری در خشی‌سازی توطئه‌ی دشمن
۲۰۲	الگوسازی دشمن در جوامع مختلف

- ۲۰۳ مطالعه و برنامه‌ریزی دشمن برای ملت‌ها
- ۲۰۴ سعی دشمن در خستی کردن حرکت‌های ملت
- ۲۰۵ دشمن و تشکیل ناتوی فرهنگی
- ۲۰۶ نیرنگ دشمن در القای تفکرات غلط
- ۲۰۷ انزوای مجموعه‌های مؤمن؛ از برنامه‌های دشمن
- ۲۰۸ داشتن استدلال دشمنان برای حمله به جمهوری اسلامی
- ۲۰۹ حملات دشمن علیه ملت و انقلاب اسلامی با تبلیغات وسیع و جبهه‌ای
- ۲۰۹ فتنه‌انگیزی؛ توطئه‌ی دشمن
- ۲۱۰ تدارک اتحاد علیه جمهوری اسلامی بین دشمنان و دولتهای عربی
- ۲۱۱ انواع توطئه‌چینیها در تخریب جمهوری اسلامی
- ۲۱۳ تلاش دشمن برای ایران‌هراسی
- ۲۱۴ سعی دشمن در سوق دادن نظام در جهت خلاف اصول خود
- ۲۱۵ سعی دشمن بر زدودن شعارها و هدفهای انقلاب
- ۲۱۷ تشویق تخطئه شعار ظلم‌ستیزی انقلاب
- ۲۱۸ تلاش برای ضد ارزش کردن انقلابیگری
- ۲۱۸ وادار کردن ارزشهای غیراسلامی از برنامه‌های دشمن
- ۲۱۹ شایعه‌پراکنی از راههای نفوذ دشمن
- ۲۲۰ تبلیغات سوء دشمن روی ظواهر اسلامی
- ۲۲۰ آگاهی به توطئه‌چینی دشمنان از پشت مرزها
- ۲۲۱ تلاش دشمنان علیه بیداری اسلامی
- ۲۲۳ مقابله‌ی دشمن با سرچشمه‌های جوشان بیداری (ایران اسلامی)
- ۲۲۴ سعی دشمنان بر مشوش کردن دل مسلمانان
- ۲۲۵ سعی دشمن بر وابسته کردن افراد سیاسی به خود
- ۲۲۶ طراح‌ی دشمن در عوض کردن ذهن خواص
- ۲۲۶ ایجاد جنگ قدرت بین مسئولین از برنامه‌ریزیهای دشمن
- ۲۲۷ سوءاستفاده‌ی دشمن از نادانی مردم
- ۲۲۹ دشمن به دنبال کوبیدن حرکت علمی در کشور
- ۲۳۰ مخالفت دشمن با استعداد ایرانی
- ۲۳۰ تحقیر استعداد ملت ایران

فهرست مطالب / ض

۲۳۱	انکار مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی توسط دشمن
۲۳۲	هزینه و سرمایه‌گذاری دشمن در ضربه زدن به انتخابات
۲۳۳	تلاش دشمن برای خلدشه‌دار کردن نظام قانونی
۲۳۴	تبلیغات دشمن در تضعیف انتخابات
۲۳۴	تخریب انتخابات؛ راهبرد کلی دشمن
۲۳۵	امید بستن دشمن به طراح فتنه‌ی ۸۸
۲۳۶	تدارک طرح همه‌جانبه برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی مانند شوروی
۲۳۹	فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن
۲۴۱	امام علی <small>علیه السلام</small> ؛ الگوی نه‌راسیدن از دشمن
۲۴۱	امام حسین <small>علیه السلام</small> ؛ الگوی قیام علیه دشمن
۲۴۳	درسهای عاشورا، مقابله با دشمن
۲۴۳	واقعه‌ی عاشورا حربه علیه دشمن
۲۴۴	رحمت الهی؛ موجبات تأثیر نپذیرفتن از دشمن
۲۴۴	انبیا؛ الگوی ایستادگی در مصاف با دشمن
۲۴۵	برکت و اهمیت اسلام در دفع دشمنان
۲۴۶	الگوگیری از سیاست پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در مقابله با دشمن
۲۴۶	پیغمبر؛ الگوی مقابله و ایستادگی در برابر دشمن
۲۴۷	چگونگی شکست مسلمانان در جنگ احد
۲۴۸	عاشورا؛ مجاهدت در دو جبهه‌ی خارجی و بیرونی
۲۴۹	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> ؛ الگوی قاطعیت در برابر دشمن
۲۴۹	زینب <small>علیه السلام</small> ؛ الگوی ایستادگی در برابر دشمن
۲۵۰	فکر اعتقاد به مهدویت نقطه‌ی مقابل تبلیغات ظالمانه دشمن
۲۵۰	ایمان به خدا؛ مایه‌ی رفع طمع‌ورزی دشمن
۲۵۱	بی‌ایمانی، نقطه ضعف دشمن
۲۵۲	کوتاه شدن دست دشمن، سنت الهی
۲۵۳	مسدود بودن راه دشمن با حاکمیت دین
۲۵۵	فضیلت جهاد در برابر دشمن
۲۵۵	جهاد اقتصادی، یعنی عقیم کردن تلاش دشمن
۲۵۶	جهاد فکری عاملی برای مقابله با دشمن

۲۵۷	ایستادگی در برابر تعرض و کید دشمن
۲۵۸	لزوم شوق مؤمن در جهاد با دشمن
۲۵۹	تهدیدها نشاندهنده‌ی عجز دشمن
۲۶۰	بی‌اعتنایی ملت به تهدیدات دشمن
۲۶۰	فشار دشمن بخاطر درستی راه ما
۲۶۱	مذمت عقب‌نشینی در برابر دشمن
۲۶۲	علت عقب‌نشینی دشمن؛ اقتدار ملت
۲۶۳	عقب‌نشینی دشمن در برابر مجد و عظمت امت اسلام
۲۶۳	عدم تسلیم در قاموس فرهنگ و تاریخ ما
۲۶۴	توانایی غلبه‌ی نظام اسلامی بر تهدیدات دشمن
۲۶۶	عدم تسلیم در مقابل زیاده‌خواهی دشمن
۲۶۷	نرمش نشان دادن یعنی تیز کردن آتش دشمن
۲۶۸	عدم انفعال در برابر دشمن
۲۶۹	سر سخت بودن در برابر دشمن
۲۷۰	شکست حتمی دشمن در مقابل عزم و اراده‌ی مؤمنان
۲۷۰	سختگیری دشمن، نشانه‌ی آسیب‌پذیری او
۲۷۱	قدرت ملت؛ عامل حیرت دشمن
۲۷۲	لزوم احساس قدرت در برابر دشمن
۲۷۳	عامل ناکامی دشمن در مقابله با جمهوری اسلامی
۲۷۴	حساس بودن نسبت به حساسیت دشمن
۲۷۴	کند بودن سلاحهای دشمن
۲۷۴	مستحکم کردن ساخت داخلی نظام
۲۷۵	پایبندی به مبانی انقلاب خلاف خواست دشمن
۲۷۶	لزوم برنامه‌ریزی متناسب با طرحهای دشمن
۲۷۷	لزوم ابتکار جهت پیش‌بینی ضربات دشمن
۲۷۸	لزوم مقابله با حيله‌گری دشمن
۲۷۸	غفلت ما، بزرگترین فرصت برای دشمن
۲۸۰	غفلت از توطئه‌ی دشمن یعنی اسیر توطئه شدن
۲۸۱	غافل نشدن از کید و توطئه دشمن

فهرست مطالب / ظ

۲۸۲ هیجانانگیز کشور باعث سوءاستفاده‌ی دشمنان
۲۸۳ فراهم کردن وسایل مصون‌سازی در برابر دشمن
۲۸۴ فراموش کردن دشمن یعنی بزرگترین خطر
۲۸۴ عدم اعتماد به دشمن
۲۸۵ کار سازنده؛ مبارزه با دشمن
۲۸۵ عکس‌العمل ما در برابر تعریف و تمجید دشمن
۲۸۶ کوچک نشمردن دشمن
۲۸۶ ضعف ما باعث جسارت دشمن
۲۸۷ پیشرفت ما علی‌رغم خواست دشمن
۲۸۷ کینه‌ی دشمن را از دل بیرون نکنید
۲۸۸ کم شدن کینه در برابر دشمن یعنی یک علامت خطر شخصی
۲۸۹ پیشگیری از نفوذ دشمن
۲۹۰ لزوم تبلیغات در جهت شکست تبلیغات دشمن
۲۹۱ عدم نرمش در برابر پیشروی دشمن
۲۹۱ تمرکز دشمن در نقاط حساس تبلیغی
۲۹۲ لرزش دشمن در برابر واحد امت اسلامی
۲۹۳ شجاعت و ایمان؛ عامل ناکام گذاشتن دشمن
۲۹۳ شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخصها
۲۹۴ منع هراس از دشمن
۲۹۵ وحدت و قاطعیت ملی عامل مقابله با دشمن
۲۹۶ باج ندادن به قدرتها
۲۹۶ عزت در برابر دشمنان
۲۹۷ وحدت و الفت دلها نقطه‌ی مقابل القاء دشمن
۲۹۷ تأثیر هنر در مقابله با دشمن
۲۹۸ توجه به بهره‌وری سلاح دشمن در هنر
۲۹۸ سرمایه‌گذاری دشمن بر روی هنر
۲۹۹ پیامهای دشمن به کمک ابزار هنر
۳۰۰ لزوم کار فرهنگی در مقابله با تبلیغات دشمن
۳۰۱ زیرساختهای اقتصادی مورد هجوم دشمن

- ۳۰۳ لزوم تحمل سختیها در مقابل چالش‌آفرینی دشمن
- ۳۰۴ ناتوان بودن دشمن در برابر شهادت و شهادت‌طلبی
- ۳۰۵ ناکامی دشمن در کمرنگ کردن ارزشهای اسلامی
- ۳۰۶ ایستادگی و تمسک به آرمانها و اصول تنها راه مقابله با دشمن
- ۳۰۷ ایستادگی در برابر تحمیل انحرافات دشمن
- ۳۰۹ ایستادگی در برابر طرأحی و نقشه‌های دشمن
- ۳۰۹ لزوم جهتگیری متحد در برابر دشمن متجاوز
- ۳۱۰ رعایت قانون یعنی جلوگیری از نفوذ دشمن
- ۳۱۱ لزوم آگاهی و هوشمندی در مقابل توطئه‌های دشمن
- ۳۱۱ تأثیرناپذیری از دشمن در صحنه‌ی کسب علم
- ۳۱۲ ناتوانی دشمن در برابر صاحبان اندیشه
- ۳۱۳ دشمن میخواهد، مردم سیاسی نباشند
- ۳۱۳ سست نشدن عقیده در برابر تمسخر دشمن
- ۳۱۴ لزوم دید حکیمانه در اتخاذ مواضع مقابل دشمن
- ۳۱۵ ضعف و ناامیدی، سبب طمع دشمنان
- ۳۱۶ نگاه امیدوارانه نه نگاه نومیدانه
- ۳۱۷ تقویت نظام ضربه به دشمن
- ۳۱۸ اهمیت آرامش در مواجهه با دشمن
- ۳۱۹ استحکام نظام باعث یأس دشمن
- ۳۲۱ فصل نهم: اقشار مورد هدف دشمن
- ۳۲۳ (۱) خواص
- ۳۲۳ لزوم موقعیت‌شناسی خواص در برابر تهدیدات دشمن
- ۳۲۳ مرزبندی خواص در برابر دشمن
- ۳۲۴ تکلیف خواص
- ۳۲۶ خطرهای تأثیرگذار در خواص
- ۳۲۷ هوشیاری در حرف زدن و اقدام کردن
- ۳۲۸ (۲) روحانیت
- ۳۲۸ روحانیت آماج حملات دشمن
- ۳۲۸ تضعیف پشتوانه‌ی معنوی انقلاب

فهرست مطالب / غ

۳۲۹	روحانیت؛ هدف اصلی حملات وحشیانه‌ی دشمن
۳۳۱	عدم فتح لباس روحانیت توسط دشمن
۳۳۱	دشمنی با روحانیت
۳۳۲	نقش پرشور مرجعیت در خشتی‌سازی توطئه دشمنان
۳۳۲	انتقام از مرجعیت
۳۳۴	(۳) نماز جمعه و ائمه‌ی جمعه
۳۳۴	مأیوس نمودن دشمن از نفوذ ذهنی در ملت از وظایف ائمه‌ی جمعه
۳۳۴	تبلیغات وسیع دشمنان نسبت به نماز جمعه
۳۳۶	نماز جمعه حربه‌ای برای آگاهی از توطئه‌های دشمن
۳۳۶	(۴) دانشگاه و مدارس
۳۳۶	دانشگاه مورد هجومی دشمن
۳۳۷	سعی دشمن، ناامنی در دانشگاهها
۳۳۹	جلوگیری از نفوذ دشمن در دانشگاه
۳۳۹	تلاش دشمن در منحرف کردن دانشگاه از دین و روحیه‌ی انقلابی
۳۴۰	غافل نبودن دشمن از دانشگاه
۳۴۱	سعی دشمن در تعطیلی علم و تحقیق
۳۴۲	دانشجویان و دانشگاهیان، آماج تبلیغات خصمانه‌ی دشمن
۳۴۳	نفوذ دشمن در دانشجویان به قصد فساد و تباهی
۳۴۴	وارد کردن دانشجویان از محاسبات دشمن
۳۴۵	مقابله با افزار تبلیغی و فرهنگی دشمن
۳۴۶	اخلال دشمن در میدان تعلیم و تربیت
۳۴۷	تلاش دشمن در خارج کردن خوشنامی معلمان
۳۴۷	(۵) مسئولین
۳۴۷	تبلیغات دشمن جهت فاصله‌اندازی بین مردم و مسئولان
۳۴۸	رخنه ایجاد کردن در اراده‌ی مردم و مسئولین
۳۴۹	مسئولان مردم‌گرا؛ نقطه‌ی تهاجم دشمن
۳۵۰	اراده‌ی قوی و کارآمدی مسئولان
۳۵۱	اختلاف مسئولان موجبات شادی دشمن
۳۵۲	لزوم یکپارچگی و وحدت مسئولان در برابر دشمن

- تخطئه‌ی مسئولین توسط دشمن ۳۵۳
- خداشده‌دار کردن تصمیمات مسئولان، مایه‌ی شادی دشمن ۳۵۳
- مدیران فاسد پایگاه دشمنان خارجی ۳۵۳
- وظایف مسئولان در برابر آسیب‌رسانی دشمن ۳۵۴
- استحکام پایه‌های ایمان از وظایف مسئولان ۳۵۶
- بصیرت و هوشیاری مسئولان در برابر تبلیغات دشمن ۳۵۷
- لزوم آگاهی مسئولان در برابر توطئه دشمن ۳۵۷
- لزوم هوشیاری مسئولان در برابر توطئه‌های دشمن ۳۵۸
- (۶) نیروهای مسلح ۳۵۸
- نقش نیروهای مسلح در حفظ استقلال کشور ۳۵۸
- جایگاه نیروهای مسلح در مقابله با تهاجم دشمن ۳۶۰
- لزوم آمادگی نیروهای مسلح در برابر دشمن ۳۶۱
- لزوم بصیرت نیروهای مسلح در برابر دشمن ۳۶۲
- نقش ارتش در مقابله با دشمن ۳۶۲
- مراقبت از دشمن از خصوصیات دشمن ۳۶۴
- علت دشمنی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۳۶۵
- صف‌آرایی دشمن در مقابل سپاه پاسداران ۳۶۶
- بسیج مورد تهاجم دشمن ۳۶۶
- تبلیغ دشمن؛ کنار گذاشتن ارزشهای بسیجی ۳۶۷
- بسج یعنی بیمناک کردن دشمن و امیدوار کردن دوستان ۳۶۸
- (۷) جوانان ۳۶۹
- سرمایه‌گذاری دشمن روی جوانان ۳۶۹
- تأثیرات تبلیغات و عدم دفاع صحیح از حقایق روی جوان ۳۷۰
- برنامه‌های همه‌جانبه‌ی دشمن در ضایع کردن نسل جوان ۳۷۱
- نفوذ دشمن در سنگرهای جوانان ۳۷۲
- مهمترین برنامه‌ی دشمن؛ از بین بردن هویت جوانان ۳۷۳
- هجوم دشمن به تفکر و احساس جوانان ۳۷۳
- فسادانگیزی دشمن در نسل جوان ۳۷۴
- منزوی کردن مجموعه‌های مؤمن و جوان ۳۷۴

فهرست مطالب / ق

۳۷۵.....	تهی کردن جوانان از امید، توان و تلاش
۳۷۷.....	شیوهی دشمن؛ تضعیف تقوای جوانان
۳۷۸.....	جدا شدن نسل سوم از ایده‌های انقلاب؛ محور جنگهای روانی دشمن
۳۷۹.....	سرگرم کردن جوان به شهوات از تلاشهای دشمن
۳۸۰.....	مقابله‌ی جوانان با تئوریهای وارداتی غربی
۳۸۱.....	سیل تهاجم تبلیغاتی روی جوان و کودک
۳۸۲.....	دانه پاشیدن دشمنان در مقابل جوانان ما
۳۸۲.....	شناخت دوست از دشمن؛ وظیفه‌ی جوانان
۳۸۳.....	۸) جناحهای سیاسی
۳۸۳.....	جناح‌بندی خصمانه در کشور از طرفدای دشمن
۳۸۴.....	اتحاد جریان‌های سیاسی در برابر دشمن
۳۸۴.....	حمله‌ی دشمن از راه نفوذ در جناحهای سیاسی
۳۸۵.....	به جان هم انداختن جناحهای سیاسی
۳۸۶.....	جلوگیری از گسترش نفوذ دشمن
۳۸۷.....	عداوت دشمن با هر دو جناح سیاسی
۳۸۸.....	سوءاستفاده‌ی دشمن از بگومگوهای بیهوده‌ی خودیها
۳۸۸.....	متمرکز شدن روی دشمنان اصلی
۳۸۹.....	۹) نخبگان
۳۸۹.....	نیفتادن روشنفکران در دام دشمنان
۳۹۰.....	وظیفه نخبگان سیاسی در مراقبت از گفتارها
۳۹۱.....	نخبگان فکری افسران جنگ نرمند
۳۹۲.....	۱۰) مطبوعات
۳۹۲.....	دمیده شدن اثر انگشت (عبدالله بن ابیها) در لابه‌لای قلمها
۳۹۲.....	انتقال سالم اطلاعات؛ جلوگیری از نفوذ دشمن
۳۹۳.....	سوءاستفاده‌ی دشمن از مطبوعات
۳۹۵.....	انتشار مطالب دروغ و فریب دشمن توسط مطبوعات و رسانه‌ها
۳۹۷.....	پیام دشمن با استفاده از فضای آزادی
۳۹۹.....	فصل دهم: عوامل کمک به دشمن
۴۰۱.....	مغرضان و غافلان؛ تسهیل‌کنندگان نفوذ دشمن

- ۴۰۱.....تطمیع دشمن توسط بیگانه‌صفقتان
- ۴۰۲.....دوستان نادان و غافل
- ۴۰۳.....فتنه یعنی انسان نفهمد چه کسی دوست و چه کسی دشمن است
- ۴۰۴.....شناسایی نفوذیهای خارج از کشور
- ۴۰۴.....روشهای مختلف سربازگیری دشمن
- ۴۰۶.....عوامل کمک دشمن در پیروزی بر مردم
- ۴۰۷.....فصل یازدهم: نقش امام راحل در مقابله با دشمن
- ۴۰۹.....امام یک دشمن شناس واقعی
- ۴۱۰.....سعی امام بر بیان حقایق
- ۴۱۱.....علت دشمنی استکبار با امام راحل(ره)
- ۴۱۲.....بینش خردمندانه‌ی امام در برابر دشمن
- ۴۱۲.....ایستادن امام در برابر تهدید و ارعاب دشمن
- ۴۱۳.....ایستادن امام با جرأت و شهامت خود در مقابل دنیایی از دشمن
- ۴۱۳.....هدف امام، استقامت و ایستادگی در برابر دشمنان
- ۴۱۴.....آشنایی امام با ریزه‌کاریهای دشمن
- ۴۱۵.....عدم تردید امام در برابر تهدید دشمن
- ۴۱۶.....اهمیت جهاد از منظر امام راحل(ره) برای مقابله با دشمن
- ۴۱۷.....فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن
- ۴۱۹.....نقش توده‌ی مردم در مقابله با دشمن در کلام حضرت علی علیه السلام
- ۴۲۰.....وظیفه‌ی منتظران موعود در برابر دشمن
- ۴۲۰.....فهم دشمن از راز پیروزی ملت ایران
- ۴۲۱.....شکست نخوردن نظام اسلامی در برابر حرکات مذبحخانه
- ۴۲۲.....عدم شکست ملت با مسجد ضرار
- ۴۲۲.....وظیفه‌ی ملت شناسایی دشمن و اهداف او
- ۴۲۲.....ختی کردن پاتک دشمن
- ۴۲۳.....موفقیت ملت در پیشرفتهای
- ۴۲۴.....عمل صالح یعنی از دشمن نترسیدن
- ۴۲۵.....هوشیاری در برابر پیچیدگی روشهای دشمن
- ۴۲۵.....عزم و جدیت ملت راه مقابله با توطئه‌ی دشمن

فهرست مطالب / ل

۴۲۷ حیرت و گیجی دشمن از مبارزه و مقاومت ملت
۴۲۸ بیداری، شرط تحقق پیروزی مؤمنین و شکست دادن دشمنان
۴۲۸ نقش همبستگی ملی در مقابل دشمن
۴۲۹ مقاومت و خودباوری ملت ایران برای دشمن
۴۲۹ استقامت؛ لازمه‌ی رسیدن به اهداف عالی اسلامی
۴۳۰ تدبیر و شجاعت در برابر دشمنیها
۴۳۱ شناخت ملت از حیل‌های دشمن
۴۳۱ اجازه ندادن ملت نسبت به فتنه‌انگیزی دشمن
۴۳۲ رها نکردن منافع ملت در مقابل احم دشمنان
۴۳۲ توطئه‌های دشمن و عزم راسخ ملت ما
۴۳۳ خسته شدن ملت خواست دشمن
۴۳۳ انسجام ملت در برابر نفوذ دشمن
۴۳۴ حرکت ملت، فراتر از تحلیلهای دشمن
۴۳۵ حجم کثیر دشمنی دشمنان با ملت
۴۳۶ تبلیغات گسترده‌ی دشمن علیه ملت
۴۳۶ اتخاذ روشهای گوناگون توسط مردم برای مقابله با دشمن
۴۳۷ انگیزه‌ی تمام‌نشدنی ملت در برابر دشمن
۴۳۸ حرکت خودجوش ملت در برابر جدیت دشمن
۴۳۸ یأس دشمن به‌واسطه‌ی حضور همه‌جانبه و وسیع مردم
۴۳۹ روحیه‌ی دفاع مردمی؛ مانع تحقق نیات دشمن
۴۴۰ افزایش آمادگی ملت
۴۴۲ استقلال ملت، عدم اجازه‌ی دخالت به دشمنان
۴۴۳ تهدیدات دشمن نشان از قدرتمندی ملت ایران
۴۴۳ نیرومند و مقاوم در برابر فشارهای دشمن
۴۴۴ ایستادگی اسلامی و هضم نشدن در مقابل دشمن
۴۴۵ عقلائیّت؛ مایه‌ی ایستادگی ملت در برابر دشمن
۴۴۶ ایستادگی علمی ملت ایران در برابر جبهه‌بندی دشمنان
۴۴۸ نشان دادن عکس‌العمل ملت در برابر سران استکبار
۴۵۰ ضروری بودن حضور فداییان انقلاب در برابر دشمن

- ۴۵۰ خوب کار کردن در برابر مسلط نشدن دشمن
- ۴۵۱ وظیفه‌ی ما نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان
- ۴۵۲ عدم آشنایی دشمن به تأثیر تفکرات معنوی مردم
- ۴۵۴ روحیه‌ی ایثارگری نجاتبخش یک کشور
- ۴۵۵ دست دوستی دراز نکردن ملت به سوی دشمن
- ۴۵۷ فصل سیزدهم: رسانه و دشمن
- ۴۵۹ سلاح ارتباطات رسانه‌ای؛ عامل رهنمود دادن دشمن به طرفدارانش
- ۴۶۰ ارزش نداشتن رسانه‌های دشمن
- ۴۶۱ وظیفه‌ی رسانه‌ها در برابر بهانه‌جویی‌های دشمن
- ۴۶۱ لزوم آگاهی در برابر پیشرفتهای فناوری دشمن
- ۴۶۳ جهتگیریها نقطه‌ی مقابل جهتگیری دشمن
- ۴۶۴ سینه سپر کردن رسانه‌ی ملی در مقابل تبلیغات دشمن
- ۴۶۷ فصل چهاردهم: استعمار فرانو و صهیونیسم؛ بزرگترین دشمن ملت ایران
- ۴۶۹ استعمار فرانو بالاتر از استعمار نو
- ۴۷۰ مفهوم استعمار فرانو
- ۴۷۱ تجربه از دوران استعمار فرانویین
- ۴۷۱ علت مخالفت و دشمنی صهیونیسم با جمهوری اسلامی
- ۴۷۳ نابودی صهیونیسم از علل دشمنی دشمنان با ما
- ۴۷۴ صهیونیسم، دشمن اصلی ملت ایران
- ۴۷۶ توطئه‌های دشمن صهیونیسم علیه نام حکومت اسلامی
- ۴۷۸ لزوم ایستادگی در مقابل صهیونیسم؛ بزرگترین دشمن جهان اسلام
- ۴۷۹ کلام آخر
- ۴۸۱ پایان رویارویی ما با دشمنان چه وقت خواهد بود؟
- ۴۸۳ نمایه

فصل اوّل ————— ❁
تعاريف

مفهوم دشمن از منظر قرآن

آن عاملی که ملت‌ها را در مقابل قدرتها ضعیف میکند، بی‌ارادگی خود ملت‌هاست. اگر ملتی با اراده حرکت کند، به خدا متکی باشد و دستور الهی را اطاعت نماید، هیچ قدرتی نمیتواند مویی از سر او کم کند «اف لکم و لما تعبدون من دون الله»^۱ ابراهیم علیه السلام فرمود: «اف بر شما و بر آن چیزی که جاهلانه عبادتش میکنید و در مقابل آن سر فرو می‌آورید.» سیر حرکت ابراهیم علیه السلام به این ترتیب بود که اول حرکت تندی انجام داد، تا وجدانها و ذهنها را متوجه کند. آنگاه، با استفاده از آن توجهی که دلها پیدا کرد، سخن حق را در یک جمله به دلها و ذهنهای آنها القاء نمود. بعد از آنکه بیداری در مردم به وجود آمد، نوبت به دشمن رسید تا عکس‌العمل نشان دهد. دشمن کیست؟ همان است که قرآن فرمود: «و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً»^۲ کسانی که مست شهوت و قدرت و پولند، آنها هستند که میخواهند همه‌ی مردم در حال غفلت باشند. همه مست باشند؛ چون آنها مستند! مسأله این است. ملت و رهبر الهی ایران- آن مردی که در راه انبیاء حرکت میکرد- همین راه را طی نمودند و امروز شما ملاحظه میکنید که در دنیا، بیداری به وجود آمده است. این سخن، سخنی اغراق‌آمیز و مبالغه‌آلود نیست؛ بلکه یک حقیقت

۱. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۶۷

۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۲۷

است. میبینید که عکس‌العمل دشمن چگونه است؟! میبینید که قدرتهای استکباری و در رأس آنها قدرت استکباری آمریکا چگونه به تهدید میپردازند و برای تبلیغات علیه ملت ایران و نظام اسلامی پول خرج میکنند؟! این عکس‌العمل آنهاست. اگر آنها از حرکت عظیم ملت ایران ضربه نخورده بودند عکس‌العمل نشان نمیدادند.^۱

دشمن کیست؟

دشمن کیست؟ هرکس که با حاکمیت نظام مستقل مردمی دینی مخالف است، دشمن است. طمع‌ورزان، غارتگران، سودجویان، زراندوزان، زورگویان، وابستگان، مایلین به فساد و کسانی که از حاکمیت فرهنگ دینی زیان شخصی میبینند، دشمنند. البته در رأس اینها دشمنان خارجی هستند که بیش از همه ضرر دیده‌اند. آمریکا بیش از همه از تشکیل حکومت اسلامی خسارت دید و هنوز هم میبیند. آنها جلوتر از همه‌اند. صهیونیستها همینطور، کمپانیهای بزرگ جهانی همینطور، بی‌بندوبارهای گوناگون در بخشهای مختلف همینطور، کیسه‌دوخته‌های برای ثروت ملی همینطور. همه‌ی اینها دشمنند.

چه عاملی برای دشمن- همان جبهه‌ی دشمنی که گفتم؛ هر کس هست- بهتر از این است که در داخل جامعه‌ی اسلامی، مردم و جوانها بالاخره به این نتیجه برسند که چرا باید با کیسه‌دوخته‌های خارجی که میخواهند منابع ایران را غارت کنند، مخالف باشند؟! نخیر، بفرمایند تشریف بیاورند؛ حکومت را خودشان تنظیم کنند؛ اداره‌ی امور را خودشان به عهده بگیرند؛ از منابع هم هرچه میخواهند، ببرند؛ لطف کنند فقط چیزی به ما بدهند تا بخوریم و گرسنه نمانیم! همچنان که در دوران قبل از انقلاب اینگونه بود. البته آنجا این قسمت آخر دیگر نبود که «بدهیم بخورند تا گرسنه نمانند»؛ نخیر، گرسنگی و فقر و ناتوانی و بی‌خونی عمومی ملت بیداد میکرد. اگر این فکر را در بین مردم ترویج

۱. بیانات در صحن آستان قدس رضوی ۱۳۷۳/۰۱/۰۱

فصل اول: تعاریف / ۵

کنند و به صورت یک باور درآورند، آیا خطری برای یک ملت بالاتر از این هست؟^۱

جبهه‌ی دشمن، غیر از آن آدم غافلی است که خودی هم هست؛ منتها بیچاره دچار غفلت و اشتباه و فریب میشود؛ بر اثر حادثه‌ای، عقده و کینه‌ای پیدا میکند و در مقابل نظام می‌ایستد؛ در مقابل سخن حق می‌ایستد؛ در مقابل امام و راه امام می‌ایستد. این، آن دشمن اصلی نیست؛ این یک آدم فریب‌خورده است؛ این یک آدم قابل ترحم است! دشمن اصلی آن کسی است که پشت سر این قرار میگیرد، اما خودش را نشان نمیدهد. در داخل کشور، خودش را نشان نمیدهد؛ در خارج کشور چرا؛ در جبهه‌ی جهانی، در جبهه‌ی بین‌المللی، بعنوان یک عضو وفادار سازمان جاسوسی سیای آمریکا، یا موساد صهیونیستها چرا. کاملاً چهره‌ی او آشکار است؛ حرف هم میزند، حقایق را هم میگوید؛ انگیزه‌هایی را هم که او برای مبارزه با اسلام و مسلمین دارد، بیان میکند؛ اما آن دنباله‌ی او که داخل کشور است، خود را دم چک اقتدار حکومت قرار نمیدهد. میدانند که این حکومت، حکومت مقتدری است؛ حکومتی است که متکی به آراء مردم است؛ متکی به محبت مردم است؛ متکی به ایمان مردم است. از این حکومت میترسند و خودشان را جلو نمیدهند؛ حرفشان را با یک واسطه، با دو واسطه، با سه واسطه، از زبان آدمهای غافل میزنند. یک وقت میبینید طرف یک روحانی است، اما غافل و فریب‌خورده و بی‌خبر؛ یا یک دانشجوست، اما اسیر احساسات شده و نیندیشیده؛ یا یک فرد معمولی حتی انقلابی است، اما زمان را نشناخته، دشمن را نشناخته، یا احياناً دچار عقده و کینه‌ای شده است. حرف از زبان این فرد خارج میشود؛ اما این بیچاره حرف خودش نیست؛ حرف دشمن است! دشمن ما آن کسی است که: «قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر»^۲. دشمن ما آن کسی است که برای این انقلاب، نه فقط دل

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از مردم قم ۱۳۷۹/۱۰/۱۹

۲. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۱۸

نسوزانده است، بلکه حتی در مقابل این انقلاب، در برهه‌هایی از زمان شاید ایستاده است. بعضیشان در مقابل انقلاب در زمان رژیم پهلوی ایستادند؛ بعضیشان بعد از آنکه نظام اسلامی بر سر کار آمد، خرابکاری کردند؛ بعضیشان مدتی را ترسیدند، کنار رفتند و خود را مخفی کردند؛ بعد که حالا فرصتی برایشان پیش آمده، از لاک خود بیرون خزیده‌اند! خیال میکنند که فرصتی هست.

گفت این مار است او کی مرده است

از پی بی‌آلتی افسرده است

اینها از پی بی‌آلتی افسرده بودند، بعد آفتابی به تنشان خورد، خیال میکنند که الآن میدانی است که بتوانند نیش بزنند، وارد میدان میشوند. متتها باز هم مارگونه!^۱

دشمن درونی و دشمن بیرونی

ما دو دشمن بزرگ داریم. من این دو دشمن را امروز به اختصار برای شما معرفی و چهره‌نمایی کنم تا ببینیم من و شما در مقابل این دو دشمن چه باید بکنیم. یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه‌ی دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند. ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن درونی خطرناکتر است. دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی خصلتهای بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهیهای افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود- نه به شخص خود و نه به ملت خود- اینها بیماری است. اگر این دشمنهای درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل میشود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده‌اند این میکروبها را در درون جامعه‌ی ایرانی رسوخ دهند: «شما نمیتوانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده‌تان تاریک است»، «افقتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد». سعی این بوده است که ملت ما

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران / ۱۳۷۸/۹/۲۶

فصل اول: تعاریف / ۷

را ناامید، کسل، بی‌اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ اینها دشمنان درونی است. در طول سالهای قبل از بروز حرکت اسلامی در کشور ما، بلای عمده‌ی ملت ما اینها بود. اگر ملتی این بیماریها را داشته باشد، این ملت پیشرفتش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردمش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش نخواهد رفت؛ اینها مثل موربانه‌ای که در درون پایه‌ی بنا بیفتد، بنا را ویران میکند؛ مثل کرمی است که داخل میوه قرار بگیرد، میوه را فاسد میکند. باید با این صفات مبارزه کرد. ملت ما باید امیدوار، دارای اعتماد به نفس، خوش‌بین به آینده، علاقه‌مند به پیشرفت، و معتقد و مؤمن به معنویاتی باشد که او را در این راه کمک میکند. بحمدالله امروز ملت ما چنین اعتماد به نفس و چنین امیدی دارد؛ باید اینها را تکمیل کرد. اگر ما بتوانیم این دشمنها را در درون خود، در جان خود، در فرهنگ عمومی جامعه‌ی خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمیتواند به ما صدمه و لطمه‌ای برساند.

و اما دشمن بیرونی. دشمن بیرونی این هدف ما عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او میگوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم میکند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی میکنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی میکنند مقاومت او را درهم بشکنند. این، دشمن یک ملتی است که میخواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه‌گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده‌ی آمریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روشها تغییر میکند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هرچه توانسته‌اند، فشار وارد آورده‌اند، اما عبث؛ فشارهای آنها نتوانسته است ملت ایران را ضعیف کند یا به عقب‌نشینی وادار کند؛ نه تحریم

اقتصادیشان، نه تهدید نظامی‌شان، نه فشار سیاسی‌شان، نه جنگ روانی‌شان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار قویتر هستیم؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که دشمن در دشمنی با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است؛ اما این دشمنی هست.^۱

مفهوم دشمن اسلام

دشمن اسلام کیست؟ جبهه‌ی استکبار، از صهیونیسم تا آمریکا، تا کمپانیهای نفتی، تا قلم به‌مزدان و روشنفکرانی که برای آنها کار میکنند، در سرتاسر جهان مجهزند. هیچ وقت جبهه‌ی مقابل اسلام، اینقدر به همه‌ی ابزارها مجهز نبوده است. دنیای اسلام، در مقابل دشمن اسلام و مسلمین، با این دو خصوصیت قرار دارد مجهز بودن بیش از همیشه و حساسیت نسبت به اسلام بیش از همیشه. این دشمن چه کار خواهد کرد؟^۲

مفهوم جهاد و مبارزه با دشمن

جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی، جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمیدهد. میگوییم من دارم مبارزه میکنم: مبارزه‌ی علمی میکنم، مبارزه‌ی اجتماعی میکنم، مبارزه‌ی سیاسی میکنم، مبارزه‌ی مسلحانه میکنم؛ همه‌ی اینها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پُرنیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده‌ی آسفالته، انسان پایش را روی گاز بگذارد و با باک پر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه نمیگویند. مبارزه آنجایی است که انسان با مانعی برخورد کند، که این مانع در جبهه‌های انسانی، میشود دشمن؛ و در جبهه‌های طبیعی، میشود موانع طبیعی. اگر انسان با

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۶/۱/۱

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۴/۵/۲۴

فصل اول: تعاریف / ۹

این موانع درگیر شود و سعی کند آنها را از میان بردارد، این میشود مبارزه. جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه جا به معنای جنگ مسلحانه نیست. البته یک جا با جنگ مسلحانه تطبیق میکند، یک جا هم با جنگ غیرمسلحانه تطبیق میکند.^۱

دشمن خارجی و دشمن درونی

دو خطر عمده، اسلام را تهدید میکند که یکی خطر دشمنان خارجی و دیگری خطر اضمحلال داخلی است. دشمن خارجی یعنی کسی که از بیرون مرزها، با انواع سلاحها، موجودیت یک نظام را با فکرش و دستگاه زیربنایی عقیدتی اش و قوانینش و همه چیزش هدف قرار میدهد، که شما در مورد جمهوری اسلامی، این را به چشم دیدید و گفتند که «ما میخواهیم نظام جمهوری اسلامی را از بین ببریم». دشمنانی بودند از بیرون، و تصمیم گرفتند که این نظام را از بین ببرند. از بیرون یعنی چه؟ نه از بیرون کشور. از بیرون نظام؛ ولو در داخل کشور.

دشمن و آفت دوم، آفت «اضمحلال درونی» است؛ یعنی در درون نظام، که این مال غریبه‌ها نیست؛ این مال خودیهاست. خودیها ممکن است در یک نظام، بر اثر خستگی، بر اثر اشتباه در فهم راه درست، بر اثر مغلوب احساسات نفسانی شدن و بر اثر نگاه کردن به جلوه‌های مادی و بزرگ انگاشتن آنها، ناگهان در درون، دچار آفت زدگی شوند. این، البته خطرش بیشتر از خطر اولی است. این دو نوع دشمن - آفت برونی و آفت درونی - برای هر نظامی، برای هر تشکیلاتی و برای هر پدیده‌ای وجود دارد. اسلام برای مقابله با هر دو آفت، علاج، معین کرده و جهاد را گذاشته است. جهاد، مخصوص دشمنان خارجی نیست. «جاهد الکفار و المنافقین»^۲ منافق، خودش را در درون نظام قرار میدهد. لذا با همه‌ی اینها باید جهاد کرد. جهاد، برای دشمنی است که میخواهد از روی

۱. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۳/۸/۲۰

۲. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۳

بی‌اعتقادی و دشمنی با نظام، به آن هجوم بیاورد. همچنین، برای مقابله با آن تفکک داخلی و از هم پاشیدگی درونی، تعالیم اخلاقی بسیار باارزشی وجود دارد که دنیا را به‌طور حقیقی به انسان می‌شناساند و می‌فهماند که: «اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد»^۱؛ یعنی این زر و زیورها، این جلوه‌ها و این لذت‌های دنیا اگرچه برای شما لازم است؛ اگرچه شما ناچارید از آنها بهره ببرید؛ اگرچه زندگی شما وابسته به آنهاست و در این شکی هم نیست و باید آنها را برای خودتان فراهم کنید؛ اما بدانید که مطلق کردن اینها و چشم‌پسته به دنبال این نیازها حرکت کردن و هدفها را به فراموشی سپردن، بسیار خطرناک است.^۲

مفهوم جنگ نرم دشمن

همه این را امروز فهمیده‌اند و دانسته‌اند که مواجهه‌ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه‌ی دهه‌ی اوّل انقلاب نیست. در آن مواجهه، زورآزمایی کردند؛ شکست خوردند. مواجهه سخت بود؛ ایجاد جنگ بود، کودتا بود. در اوّل انقلاب کودتا راه انداختند، شکست خوردند؛ شورشهای قومی راه انداختند، سرکوب شدند و شکست خوردند؛ جنگ تحمیلی را به راه انداختند که هشت سال به طول انجامید، شکست خوردند؛ پس دنبال این راهها نخواهند رفت؛ یعنی احتمالش ضعیف است. البته باید همیشه هشیاری نسبت به همه‌ی جوانب باشد. اما این، اولویّت استکبار در مواجهه‌ی با نظام اسلامی نیست. اولویّت، آن چیزی است که امروز به آن می‌گویند جنگ نرم؛ یعنی جنگ به‌وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به‌وسیله‌ی نفوذ، به‌وسیله‌ی دروغ، به‌وسیله‌ی شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و

۱. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۰

۲. بیانات در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، به مناسبت سوّم شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۶

ذهنهای مردم.

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند؛ یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. اینجور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دل‌های مردم نسبت به یکدیگر؛ یک بهانه‌ای مثل بهانه‌ای انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دل‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست‌آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرحهای اساسی است. اینجور کاری را دنبال میکنند.^۱

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

فصل دوّم ————— ❁
ضرورت شناخت دشمن

اهمیت دشمن‌شناسی

همه‌ی کارهای ما، یک نوع مبارزه است. زندگی، میدان مبارزه است. شما در خانه‌ی خودتان هم که نشسته باشید، مجبورید چالشی را بر خودتان تحمیل کنید تا بتوانید تنفس کنید و ادامه‌ی حیات دهید. مبارزه‌ها فرق میکند؛ کوچک و بزرگش فرق میکند؛ شخصی و عمومی‌اش فرق میکند؛ جهتگیری انسانی و ضدانسانی‌اش فرق میکند؛ همه در حال مبارزه‌اند. اینکه گفته‌اند «انما الحیة عقیده و جهاد»^۱، یک واقعیت است. انسان راهی را انتخاب میکند و در آن راه مشغول چالش و مبارزه میشود. زندگی این است. این مبارزه علیه کیست؟ فلش این مبارزه را به سمت چه کسی باید قرار داد و جهت مبارزه کدام است؟ یعنی در این مبارزه، عبارت اخرای اینکه دشمن کیست مهم است.

دستگاههای مسلط بر این کشور که با فریب و نیرنگ و فشارهای گوناگون، با ادامه‌ی سلطه‌ی ظالمانه‌ی رژیم طاغوت نتوانسته بودند کاری انجام دهند و همه چیز از دستشان در رفته بود، یک راه بیشتر نداشتند و آن، کودتای نظامی بود. ژنرال آمریکایی را به ایران فرستادند تا زمینه‌ی کودتای نظامی را بررسی کند. اگر قرار بود این کودتای نظامی انجام گیرد، به وسیله‌ی چه کسانی انجام میگرفت؟ به وسیله‌ی سران خودفروخته و خائنی که در نیروهای مسلح آن روز جا گرفته بودند. پس در واقع چه

۱. حدیث از امام حسین(ع)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (خوبی)، ج ۲۱، ص ۲۲۱.

کسی می‌توانست دشمن این ملت و دین و انقلاب و این حرکت عظیم باشد؟

حال که احساس تکلیف کردیم، می‌خواهیم کاری کنیم. بنابراین باید موقعیت و فضا و زمینه‌ها و امکانات را بشناسیم تا بدانیم کدام کار، بهین و برتر است و ما باید آن را انجام دهیم. این مبارزه‌ی بهینه در برابر کیست؟ دشمن ما کیست؟

اکثر رسانه‌های دنیا در دست همان غارتگران است. رادیوها و تلویزیونها و مطبوعات و سازمانهای خبررسانی متعلق به آنهاست. غالباً در بیشتر نقاط عالم، جنگ فرهنگی و سیاسی عظیمی را علیه جمهوری اسلامی شروع کرده‌اند؛ که دنبال این جنگ فرهنگی، جنگ سیاسی همراه با موذیگریهای اقتصادی و فشارهای گوناگون است. اگر کسی این دشمن با این وضوح را نبیند، آیا چنانچه بدخواه نباشد، غافل نیست؟!^۱

اهمیت شناخت و روش دشمنی

بنده به ملت ایران مکرراً عرض کرده‌ام؛ که مهمتر از شناختن دشمن، شناختن دشمنی و روش دشمنی کردن اوست. اگر انسان بداند دشمن از چه راهی وارد میشود، حواس خود را جمع خواهد کرد. همه، دشمن را میشناسند. امروز دشمن ملت ایران و دشمن استقلال و آزادی او، دولت استکباری و متکبر آمریکاست. در این شکی نیست؛ به این موضوع، خودشان هم اعتراف میکنند. البته گاهی چاپلوسانه و ریاکارانه میگویند ما با ملت ایران مخالف نیستیم؛ اما اتفاقاً مخالفت اصلی آنها با ملت ایران است؛ چون ملت ایران است که این قیام عظیم را به راه انداخت؛ ملت ایران است که این پشتیبانی صادقانه و غیرتمندانه را از اسلام میکند؛ ملت ایران است که موجب شده آمریکا نتواند طمع بورزد؛ و الا اگر ملت ایران پشتیبان نظام و مسئولان نبود، مگر مسئولان میتوانند در مقابل این زیاده‌خواهیها بایستند؟ ما این دشمن را میشناسیم؛ اما روش دشمنی را هم باید شناخت. امروز روش دشمنی، ایجاد اختلاف و نفرت و کینه

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرسنل نیروی هوایی ۱۳۷۹/۱۱/۱۹

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۱۷

میان آحاد مردم است؛ ایجاد دلسردی نسبت به آرمانهای اسلامی است؛ منحرف کردن شعارهای مردم و طرح شعارهایی است که با حرکت عظیم مردم هیچ همخوانی ندارد.^۱

لزوم دشمن‌شناسی و فریب‌نخوردن از دشمن

یک عنصر، دشمن‌شناسی و فریب‌نخوردن از دشمن است. اولین کار دشمن این است که تبلیغ میکند هیچ دشمنی وجود ندارد! چطور نظام اسلامی دشمن ندارد؟! جهان‌خواران را از این سفره‌ی به یغما رفته‌ی سالهای متمادی، محروم کرده است؛ معلوم است که دشمنند، میبینیم که دشمنی میکنند. در تبلیغات، در محاصره‌ی اقتصادی- هر کاری که میتوانند در تقویت دشمن علیه نظام، میکنند؛ صریح هم میگویند!^۲

دشمن‌شناسی؛ اولین قدم مبارزه

بحمدالله امروز جمهوری اسلامی در سطح دنیا دارای عزت و چهره‌ی پیشرونده است. تلاشهای آمریکاییها برای اینکه بتوانند ملت و دولت ایران را محاصره کنند و در انزوا بیندازند، به جایی نرسیده است و هرگز هم به جایی نخواهد رسید. ملت ما پشت سر مسئولان نظام ایستاده است. شناختن دشمن از همه مهمتر است. دشمن سعی میکند خود را دوست جلوه دهد و شعارهای ملتها را عوض کند؛ کمااینکه شعار ضدیت با صهیونیسم را در میان بعضی از دولتمردان عرب، تبدیل به یک شعار انحرافی کردند! یکی از کارهایشان تبدیل کردن شعارهاست. ملت و دولتی تسلیم میشود که دشمن را درست نشناسد، یا دچار فساد و بدبختی باشد؛ اما اگر دشمن‌شناسی بود- که من این توصیه را به جوانان دارم- آنوقت شعارها، شعارهای روشن و آگاهانه‌ای خواهد بود و آنچه که دشمن میخواهد، به فضل پروردگار آن را در میان ملت ایران به دست نمی‌آورد. امیدواریم خدای متعال شما جوانان را حفظ کند. با نور هدایت

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۹/۱

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۳/۱۴

خود همه‌ی دلها را هدایت کند و گامهای ملت ایران را استوار بدارد و دشمنان ملت ایران را منکوب فرماید و ان‌شاءالله شما جوانان با توجهات ولی‌عصر (ارواحناfade) آینده‌های روشن و درخشان را در این کشور ببینید و با دست خودتان بسازید.^۱

شناخت دشمن

من در صحبت‌های خود بارها از دشمن اسم آورده‌ام و راجع به دشمن صحبت کرده‌ام. بعضی نسبت به این رویکرد، حساسیت نشان دادند؛ گفتند یا فهماندند که شما چرا مرتب به دشمن می‌پردازید. من در جواب آنها همیشه گفته‌ام و اکنون هم می‌گویم که اگر فرض کنیم دشمنی بر سر هر راهی وجود دارد، خردمندانه نیست که انسان دشمن را نبیند و وجود او را عدم فرض کند. اگر فرض کنیم که دشمن در کمین ما نیست، این لزوماً به این معنا نیست که او در کمین ما نباشد. اگر دشمنی فرض می‌شود، باید او را شناخت و از او برحذر بود. ما در زمینه‌ی مسأله‌ی سیاسی بزرگ کشورمان- یعنی پیدایش نظام نو، نظام بی‌سابقه، نظامی که دارای پیام و سخن تازه‌ای است؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی- از روز اوّل تا به حال با دشمنانی مواجه بوده‌ایم. اگر ما چشم خودمان را بر این دشمنها بندیم، این دشمنها از بین نمی‌روند. اگر ما به خودمان تلقین کنیم که او دشمن ما نیست، او از دشمنی منصرف نخواهد شد؛ باید دشمن را شناخت.^۲

نظام سلطه، مثل اختاپوسی خطرناک و مثل سرطان دنیا را گرفته است. کشور ما جزو نقاط سالم دنیاست. نمی‌گوییم همه‌ی دنیا ناسالمند. ممکن است نقاط معدودی در دنیا سالم مانده باشند. کشور و دولتی که از نظام سلطه و کمند این عنکبوت خطرناک تنده‌ی در تار و بود ملت‌ها و

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا

(روز ملی مبارزه با استکبار جهانی) ۱۳۷۸/۸/۱۲

۲. بیانات در دیدار گروه کنیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۱۹

کشورها، سالم و برکنار مانده است، نظام جمهوری اسلامی است. طبیعی است که علیه شما بیدار باشند، فکر کنند و هر تلاشی انجام دهند. شما هم باید بیدار باشید. دانشجوی، طلبه و دانش‌آموز باید بیدار باشد. بچه‌های دبیرستانی، دخترها و پسرها باید بیدار و هوشیار باشند. امروز از همه‌ی شما این انتظار هست. شما نسل برگزیده‌ی این کشورید. دشمن باید شناخته شود. این اولین قدم است.^۱

دشوار نبودن شناسایی دشمن

ما امروز به معنای حقیقی کلمه در دنیا دشمن داریم. آیا میتوانیم دشمن را از دشمنی منصرف کنیم؟ این یک سؤال است. آیا میتوانیم با دشمن مقابله کنیم؟ این هم سؤال دیگری است. پاسخ به این سؤالها را باید داد. هر انسان صاحب آگاهی از مسائل سیاسی عالم، میتواند پاسخ این سؤالها را با تأملی نه‌چندان دشوار پیدا کند. بحث من بر سر این نیست که ما حالا بیاییم دشمن را به‌طور مشخص با نشانه‌ها و با خصوصیات معرفی کنیم؛ نه. شناسایی دشمن دشوار نیست. آنچه مسلم است، این است که یک نظام سلطه‌ی جهانی وجود دارد که امروز در رأس آن، رژیم آمریکاست. در گذشته دیگرانی بودند، ممکن است در آینده هم قدرتهای دیگری باشند. امروز آمریکا منافع خودش را در دنیا تعریف کرده- پنهانی هم نیست- در مقالاتشان نوشته‌اند؛ در تحلیلهای سیاسیشان، منافع خودشان را تعریف کرده‌اند. منافع آنها عبارت است از ایجاد دنیای یک‌قطبی؛ یعنی در رأس مجموعه‌ی کشورهای عالم، دولتی به نام دولت آمریکاست و در بدنه، انواع و اقسام دولتها هستند؛ بعضی دارای قدرت علمی و پیشرفتهای علمی و دارای توان نظامی‌اند؛ باید با آنها به نحوی ساخت و در معارضه‌ی با آنها، منافع آنها را بر منافع خود ترجیح داد- این تحلیل آمریکایی است- دولتهایی هم هستند که از اقتدار نظامی یا اقتدار اقتصادی برخوردار نیستند؛ اسمهایی برای آنها گذاشته میشود: کشورهای در حال توسعه، کشورهای- در اصطلاح قبلی- جهان

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۴/۸/۱۰

سوم. از همه‌ی فرصت‌های اینها که میتوان برای توسعه‌ی اقتدار آمریکا استفاده کرد، باید استفاده کرد. اگر به انرژی آنها احتیاج داریم. نفت آنها، گاز آنها. باید راه را به سمت نفت و گاز آنها به هر کیفیتی باز کرد. اگر به بازار مصرف آنها احتیاج داریم، به هر کیفیتی که ممکن است، باید این راه را به سوی بازار مصرف آنها باز کرد. اگر به حضور سیاسی و اقتصادی در میان آنها نیاز است، باید این راه را گشود. اگر دولتهای مزاحمی در آن کشورها بر سر کارند، باید آن دولتها را کنار زد. اگر اندیشه‌های مزاحمی در آن کشورها وجود دارد، باید آن اندیشه‌ها را از فضای ذهنی جامعه زدود. اگر شخصیت‌هایی در آن کشورها هستند که میشود آنها را خرید، باید خرید. اگر نیروهایی در آن کشورها هستند که میشود از آنها بعنوان نیروی فشار علیه دولتهایی که با این سیاست مخالفند، استفاده کرد، باید خرج کرد و به کار برد. این سیاست استکباری است. امروز آمریکا این سیاست را دارد. یک روز انگلیس داشت؛ آن روزی که در شرق و غرب دنیا حاکمیت پادشاهی انگلیس تثبیت شده بود؛ در آسیا، در شبه قاره‌ی هند، در استرالیا، در کانادا و در جاهای دیگر. قبل از آن هم روسیه‌ی تزاری نسبت به همان منطقه‌ی محدودی که روی آن نفوذ و فشار داشت، این سیاست را اعمال میکرد. البته امروز ابزارها مدرنتر و وسایل پیشرفته‌تر شده است.^۱

شناخت دشمن با فکر و انتخاب درست

در اسلام هست که: «تفکر ساعة خیر من عبادة ستین سنة»^۲؛ یک ساعت فکر کردن، ارزشش از عبادت سالها بیشتر است؛ بخاطر اینکه اگر شما فکر کردید، عبادتتان هم معنا پیدا میکند؛ تلاش سازندگیتان هم معنا پیدا میکند؛ مبارزه‌تان هم معنا پیدا میکند؛ دوستتان را میشناسید، دشمنتان را هم میشناسید. شما فرض کنید در یک جبهه‌ی جنگی آدمهایی پیدا شوند که جبهه‌ی خودی را از جبهه‌ی دشمن تشخیص ندهند. حیران و

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ۱۰۵

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۲۱

سرگردان دور خودشان بچرخند. گاهی اینجا تیر بزنند، گاهی آنجا تیر بزنند؛ گاهی بالا تیر بزنند، گاهی به خودشان تیر بزنند! ببینید فکر که نباشد، آدم اینطوری میشود. عده‌ای میخواهند در های وهوی فریادها و شعارها و رنگ و روغنها و رنگ و لعابهای دروغین، مجموعه‌ی دانشجویی را به این سمت بکشانند. این برای جنبش و حرکت دانشجویی خطر است. باید فکر کرد. با فکر، انتخاب، انتخاب درست‌ی خواهد بود. اگر در انتخاب اشتباه هم بکند، چنانچه انسان اهل فکر باشد، با او راحت‌تر میشود حرف زد. آن آدمی که اهل فکر نیست، هرگونه انتخابی بکند، اگر اندک خطایی در آن باشد، نمیشود با او حرف زد و منطقی صحبت کرد؛ تسلیم تعصبات و ندانستنها و جهالت‌های خودش است؛ اما وقتی اهل فکر و دقت بود، اگر خطایی هم اتفاق افتاده باشد، یک نفر آدم خیرخواه میتواند با او حرف بزند و بگوید به این دلیل، این کار خطاست. نباید سطحی بود. به هر شعاری، به هر حرف گرمی، به هر دهان گرمی و به هر نقلی، نمیشود اعتماد کرد؛ باید فکر کرد. اساس قضایا فکر است. آن چیزی که انتظار عمده از انسانهای فرزانه و هوشمند است، این است.^۱

لزوم تمرکز بر دشمن‌ستیزی و دشمن‌شناسی

دشمن‌ستیزی، مشخص کردن دشمن اصلی و متمرکز شدن روی دشمنان اصلی، از دیگر مسائل مهم است. بگردید دشمن اصلی را بیابید و به مردم معرفی کنید. سعی میشود دشمن‌تراشی شود. بنده شنیدم که بعضی از افراد جناح‌های مختلف گفته بودند که امروز دشمن اصلی ما، جناح مقابل ماست! خطای بزرگی در جامعه است که در مجموعه‌ای که همه معتقد به اسلام و انقلاب و نظام اسلامی‌اند، یک جناح، دشمن اصلی خود را جناح مقابل بداند. این خیلی تأسف‌بار است. اگر این حرف قائم به ذهن یک نفر یا ده نفر یا صد نفر باشد، آدم میگوید به جهنم! بگذار آنطور خیال کنند؛ اما اگر این به صورت یک فرهنگ درآید و در

۱. بیانات در دیدار از دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۸/۹/۱

ذهن مجموعه‌ای از مردم جا بگیرد، چیز خیلی خطرناکی خواهد شد. لذاست که بایستی روی دشمن اصلی متمرکز شد و او را معرفی کرد و مردم را به ستیزه با او تشویق نمود.^۱

دانستن و شناسایی ابعاد دشمنیها

ما باید جوانب توطئه‌ها را بروشنی بشناسیم و بشناسانیم؛ وظیفه‌ی ما این است. امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست. نمی‌گوییم بکلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست. لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمی‌خواهد. در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی میکند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند میکنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند میکنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده میکند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.^۲

لزوم دقت مسلمانان در شناسایی دوست و دشمن

ما می‌گوییم: ای مسلمانان عالم! در هر جای دنیا که هستید، اگر با هم

۱. بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۴

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۲۳

دشمنی نکنید، علیه هم مبارزه و جنگ نکنید و دشمنان و دوستانان را بشناسید، وضع زندگی شما با آنچه که امروز است، تفاوت خواهد کرد. امروز، دچار تشّت و ضعف و عقب‌ماندگی هستید. کشورهای اسلامی - غالباً یا عموماً - فقیر و وابسته و اسیرند. دشمنان اسلام می‌خواهند اسلام را از میان کشورهای اسلامی به زور بیرون برانند. قلب آحاد مردم مسلمان، با اسلام و خداست. آنها به اسلام علاقه‌مندند. سیاستها و قدرتهای بزرگ جهانی سعی میکنند به وسیله‌ی دولتهای دست‌نشانده، مردم را از اسلام دور نمایند. اگر شما با هم باشید و با هم دعوا نکنید و نیروی خود را - که عنصر عظیمی است و برای بهتر کردن دین و دنیاتان، میشود از آن استفاده کنید - علیه یکدیگر مصرف نکنید، اهداف پلید دشمن محقق نخواهد شد.^۱

لزوم درک و شناسایی دشمن

من میخواهم به شما عزیزانم و به شما فرزندان و برادران بسیجی خودم، این نکته را عرض کنم این را سررشته‌ی یک تحلیل طولانی و همیشگی قرار دهید تا دشمن را بشناسید و بفهمید دشمن، امروز چه کار میکند. وقتی در یک نظام، مسئولینی عده‌ای که یک کشور بزرگ مثل ایران را اداره میکنند متکی به آحاد مردم هستند؛ به این نیروهای زنده و پرنشاط؛ به این جوانانی که خطر را در مقابل هدفهای خودشان به هیچ می‌انگارند؛ به این دل‌های سرشار از شور و شوق و عشق به هدف والا؛ همینهایی که جنگ هشت ساله را اداره کردند؛ همینهایی که امروز اگر ما در مقابل استکبار جهانی با قدرت می‌ایستیم، بخاطر این است که به ایستادگی این نیروی عظیم در داخل کشور اعتماد و اطمینان داریم؛ وقتی که بین این نیروی عظیم با مرکزیت کشور، با مسئولین کشور، با دستگاه اداره‌کننده‌ی کشور، با رهبر، با دولت، پیوند و ارتباط مستحکم باشد، اداره‌کنندگان چنان قدرت روحی پیدا میکنند که در مقابل فشارها و

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم، روحانیون و معاونان دفاتر عقیدتی، سیاسی نیروی زمینی ارتش و جمعی از شیعیان استان سرحد پاکستان ۱۳۶۸/۷/۱۹

تحمیلات جهانی بگویند «نه»؛ تا استکبار نتواند بر آنها چیزی را تحمیل کند. کمالینکه امروز آمریکاییها و بقیه‌ی قدرتهای ظالم و غاصب، بر خیلی از دولتها تحمیل میکنند. هم آنها قدرت پیدا میکنند، هم نیروی مردم در راه مصالح کشور به‌کار می‌رود. اراده‌های مردم، مشت‌های گره کرده‌ی مردم، در راه استقلال و آباد شدن کشور و در راه آزاد زیستن و عزت ملت به‌کار می‌افتد. و کدام عزت برای یک ملت از این بالاتر، که هیچ قدرتی نتواند آن را ابزار دست و وسیله برای رسیدن به خواسته‌های خودش قرار دهد؟! این، برای یک ملت، از هر عزتی بالاتر است.^۱

شما ببینید نقطه‌ی قوتتان چیست و روی آن تکیه کنید؛ چنانکه در میدان جنگ همین کار را میکنید. یعنی نقطه ضعف طرف را می‌یابید، رخنه‌گاه را در صفوف طرف مقابل پیدا میکنید و حمله را بر نقاط ضعف طرف متمرکز مینمایید؛ و اگر بتوانید نقاط قوت طرف را از بین ببرید، به این کار می‌پردازید. فرض بفرمایید اگر دشمن هواپیماهای بسیار تیزپروازی دارد، برای زمینگیر کردن او در منطقه، ضد هوایی تان را تقویت میکنید. یا اگر زرهی بسیار مسلطی دارد، شما ضد زرهی تان را مجهز میکنید تا او زمینگیر شود. در مبارزات نظامی، این قاعده‌ی کلی است و همه‌ی ارتشهای جهان، در نبردها چنین کاری میکنند. در دنیای سیاست نیز همینطور است. استکبار به کشور ما نگاه کرده و دیده است که ملت ایران نقاط قوت و نقاط ضعفی دارد. بنابراین میخواهد ضمن حداکثر استفاده از نقاط ضعف، تا آنجا که میتواند نقاط قوت را از بین ببرد و مانع استفاده‌ی این ملت از نقاط قوت خود شود.^۲

فرض کنید شما در کلاس آموزش تاکتیک، شرکت کرده‌اید. در آنجا مثلاً جبهه‌ی دشمن فرضی را مشخص میکنید، جبهه‌ی خودی فرضی را

۱. بیانات در اجتماع بزرگ فرماندهان «نیروی مقاومت بسیج» سراسر کشور در دومین روز از

«هفته‌ی بسیج» ۱۳۷۲/۸/۳۰

۲. بیانات در دیدار ارتشیان، به مناسبت «روز ارتش» ۱۳۷۳/۱/۲۴

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۲۵

هم مشخص می‌کنید. بعد متوجه تاکتیک غلط جبهه‌ی خودی می‌شوید و می‌بینید که طراح نقشه‌ی خودی، فلان اشتباه را کرده است. شما دیگر در وقتی که می‌خواهید تاکتیک طراحی کنید، نباید مرتکب آن اشتباه شوید. یا مثلاً تاکتیک درست بوده؛ اما فرمانده یا بیسیمچی یا توپچی یا قاصد و یا سرباز ساده، در جبهه‌ی خودی، فلان اشتباه را کرده‌اند. می‌فهمید که شما نباید آن اشتباه را تکرار کنید. تاریخ، اینگونه است.^۱

لزوم شناخت روش و صفوف دشمن

دشمن را بشناسید، ادامه‌ی صفوف دشمن را در داخل کشور بشناسید، روشهای دشمنی را بشناسید، تبدیل شده و ترجمه شده‌ی آن روشها در داخل کشور را هم بشناسید. در داخل دانشگاه، در داخل دبیرستان، در متن جامعه، در فعالیتهای کشور، در مطبوعات و در تبلیغات، ادامه‌ی حضور استکبار را بشناسید. استکبار می‌خواهد در این کشور و در میان این ملت، ایمان عمیق نباشد، سرگرمی به شهوات باشد، «معروف» اسلامی نباشد و آنچه از نظر اسلام «منکر» است، رایج باشد. استکبار می‌خواهد در داخل کشور، تنبلی و بیکارگی باشد، سازندگی و ابتکار و اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم نباشد. استکبار می‌خواهد پیشرفت علم و دانش در کشور نباشد، تحقیقات نباشد، کلاس درس نباشد.^۲

مقاصد بسیار خطرناکی برای ملت ایران دارند. آنها دنبال کارهای خودشان هستند؛ اما ما باید کار دشمن را بشناسیم. ولو هیچ اقدامی هم در مقابل دشمن نخواهیم بکنیم، باید بدانیم دشمن چه کار میکند. ما نباید اجازه بدهیم که دشمن نسبت به کشور ایران و ملت و مسئولان آن، هر کاری که می‌خواهد، در زمینه‌ی تبلیغات بکند و ما همینطور سکوت

۱. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) ۱۳۷۵/۳/۲۰

۲. بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۸/۹

کنیم! اینکه نمیشود. لازم است اهداف و مقاصد دشمن شناخته شود.^۱

دشمن را هوشیارانه بشناسید. دشمن را در هر لباسی بشناسید. دشمن را در زیر قالب هرگونه کلماتی بشناسید و با دشمن، با نفس رحمانی مواجه شوید. با دشمن به‌وسیله‌ی نام و یاد خدا مقابله کنید که نام خدا و یاد خدا و اتکال به پروردگار، دشمنانی را که جهت شیطنی دارند، دچار هزیمت خواهد کرد.^۲

تشخیص حق از باطل با آگاهی از اوضاع و احوال زمانه

«العالم بزمانه لا تهجم علیه اللّوابس»^۳؛ کسی که زمانه را میشناسد، یعنی وقتی اوضاع و احوال محیط خود و محیط پیرامونی‌اش و محیط جهان را میداند و میفهمد جریانهای گوناگون جهانی کی‌هایند، کجایند، اهدافشان چیست، چه جور با هم مواجه میشوند، دچار اشتباه نمیشود؛ در قضایای گوناگون، قضاوت اشتباه نمیکند و دچار اشتباه نمیشود. این آشنایی، برای همه لازم است؛ برای روحانی هم لازم است، برای دانشگاهی هم لازم است؛ برای معلّم حوزه هم لازم است، برای معلّم دانشگاه هم لازم است؛ این یک چیز مهمی است. وقتی انسان جریانات گوناگون را میشناسد، میتواند پدیده‌ها را استنتاج کند، که این پدیده چیست، چه شد که این اتفاق افتاد، در تحلیل، دچار خطا و اشتباه نمیشود.

البته دشمن مرتّب دارد تحلیل‌باران میکند. این تعداد رسانه‌هایی که آمارش را چندی پیش اینجا آوردند و به ما دادند، اصلاً دهشت‌آور است. اینها غیر از رسانه‌های اینترنتی است. اینترنت که دیگر یک دنیای بی‌مرز و خارج از محدوده‌ای است. منظور، همین ماهواره‌ها و رادیوها و تلویزیونهاست. تحلیلهایی که در این رسانه‌ها مرتّباً با هدف مقابله با جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و ملت ایران داده میشود، سرسام‌آور

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۶/۱۰/۲۶

۲. بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید غدیر ۱۳۷۷/۱/۲۷

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۷

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۲۷

است. حالا آنهایی که انبوه تولید میکنند، میدانند هم که مردم به همهی اینها گوش نمیدهند. میگویند هر مقداری که میشود، باید تلاش کرد. راست را با دروغ مخلوط میکنند، می‌آیند یک تحلیل غلط و معیوب از این درمی‌آورند؛ «و لکن یؤخذ من هذا ضغثٌ و من هذا ضغثٌ فیمزجان». امیرالمؤمنین میفرماید: اگر حق به‌طور خالص و بی‌شائبه خودش را نشان بدهد، کسی دچار اشتباه نمیشود؛ اگر باطل بدون آمیختگی با حق، خودش را نشان بدهد، کسی دچار باطل نمیشود؛ «فلو ان الباطل خلص من مزاج الحق لم یخف علی المرتدین و لو ان الحق خلص من لبس الباطل انقطعت عنه السن المعاندين و لکن یؤخذ من هذا ضغثٌ و من هذا ضغثٌ فیمزجان»^۱. یک لقمه از حق، یک لقمه از باطل را مخلوط میکنند، یک غذایی که ظاهرش نشان نمیدهد مسموم است، در اختیار کسی که بی‌اطلاع است، میگذارند؛ این تحلیل در ذهنها اثر میکند. گاهی اوقات تحلیلهایی که در بعضی از محافل دانشگاهی، دانشجویی و استادی از بعضی از مسائل میشود، آدم میبیند این بر اثر بی‌اطلاعی است؛ کسی هیچ تقصیری هم ندارد. بنابراین اساتید باید در جریان مسائل قرار بگیرند.^۲

موقعیت و فرصت‌شناسی

غالباً کشورها و جوامع از ندانستن موقعیت و شناختن فرصت، ضربه میخورند. وقتی دشمنی کمین میگیرد و ما نمیدانیم که او کمین گرفته است، نمیشناسیم؛ یا اگر چنانچه اطلاع پیدا کردیم، علاج را زود و بهنگام ارائه نمیدهیم؛ آن وقت ضربه میخوریم.^۳

خدا، رسول اکرم ﷺ و جامعه‌ی اسلامی معیار تشخیص دشمن

همه‌ی آحاد مردم وظیفه دارند که فضا را فضای سالم قرار بدهند؛

۱. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۵۰

۲. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها ۱۳۹۰/۶/۲

۳. بیانات در جمع خانواده شهدا و ایثارگران استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۱

فضایی که در آن، محبت بر خصومت فائق و غالب باشد. این، در اسلام بسیار مهم است. انسان، ترکیبی از دوست داشتن و دشمن داشتن است. هم احساس محبت و هم احساس بغض و عداوت، در وجودتان هست. این، طبیعی هر انسان است که یک روح دوست داشتن و یک روح دشمن داشتن و کینه ورزیدن، در او وجود دارد. اسلام، تکلیف اینها را معین کرده و گفته است روح خصومت و دشمنی شما، مخصوص به دشمنان خدا و نظام اسلامی و مردم است. ببینید آن کسانی که با خدا و رسولش و جامعه‌ی اسلامی و ملت مسلمان دشمنند، چه کسانی هستند؛ دشمنی را متوجه آنها کنید تا مابقی وجود شما، دوستی و محبت نسبت به آحاد جامعه باشد.^۱

شناسایی نقاط مورد هدف دشمن

نظام جمهوری اسلامی به طبیعت خود، نظامی وابسته‌ی به علمای دین است؛ و علمای دین، هم از این حیث که در پدید آوردن این نظام سهم وافر را داشته‌اند؛ و هم از این جهت که مردم درباره‌ی نظام به آنها مراجعه میکنند؛ و هم از این جهت که خود از جهات مختلف و در مشاغل مختلف، در نظام مسئولند؛ لذا علمای دین و حوزه‌های علمیه باید از وضعیت و موجودیت نظام، آنچنان که هست، مطلع باشند؛ نقایص را بشناسند و پیشرفته‌ها را بدانند؛ آنجا که کمک لازم است، آن را تشخیص بدهند؛ آنجا که دشمن به آن توجه پیدا کرده و هدف گرفته است، آن را شناسایی کنند، تا بتوانند نقش صحیح خود را در تداوم این نظام ایفا کنند.^۲

شناخت دشمن محصول شناختها

شناخت دشمن، محصول همه‌ی آن شناختها و متمم و مکمل

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۷/۲۸

۲. بیانات در جمع علما و مدرّسان و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی(عج) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۲۹

آنهاست. بدون آن، دل و ذهن مسلمان، مخزنی بی حصار است که از دستبرد راهزن و خائن و غارتگر، مصون نیست.^۱

لزوم شناسایی دشمن در چهره‌ها و لباسهای مختلف

نکته‌ی قطعی و مسلم این است که آمریکا، اروپا و همه، قادر نیستند برخلاف اراده‌ی مردم مسلمان ایران، در مورد این کشور قدمی بردارند و کاری صورت دهند. شما غالب هستید؛ شما قدرتمند هستید؛ شما باید که علی‌رغم خواست دشمن، توانستید اسلام و جمهوری اسلامی را حفظ و از آن دفاع کنید. شما توانستید توطئه‌ها را درهم بکوبید؛ پس قویتر از آنها هستید. این، نکته‌ای مسلم و قطعی است. اگر بخواهید قدرتان باقی بماند، باید هشیار باشید؛ همچنانی که تا امروز هم هشیاری به درد این مردم خورده و آنها را نجات داده است. کسانی را که علیه دین و تعالیم دینی و معلمین راستین دین و علما و بزرگان دین اقدام میکنند، حرف میزنند، توطئه میچینند و سعی در ساقط کردن ارزشهای آنان دارند، بشناسید. دشمن را در هر لباسی باید شناخت. جوانان مسلمان، مثل شما جوانان قم و سایر نقاط کشور که بحمدالله مظهر شور و هیجان اسلامی و شعار همراه با شعور و منطق هستید، این شناخت را دارید و خدا را از این بابت شکرگزاریم. اتحاد و اتّفاقتان را محکمتر و مستحکمتر کنید. انقلاب اسلامی دستاورد بزرگی است و برای جمهوری اسلامی و ملت ایران، بزرگترین ارزش است. پیوند میان مردم و مسئولین؛ پیوند میان آحاد مردم؛ احترام به خدمتگزاران دین؛ احترام به خدمتگزاران کشور و کوشش برای عمق بخشیدن به معارف اسلامی، عواملی است که دشمن را مأیوس میکند. این عوامل و ویژگیهاست که راه را برای پیشرفت باز میکند. کشور ما بحمدالله سرشار از امکانات بالقوه‌ای است که باید بالفعل شود. سالها دشمنان ما تلاش کردند این امکانات را نابود، یا از آنها به نفع خودشان استفاده کنند. سالها تلاش کردند استعدادها را بمرانند. لذا، سالهایی هم طول میکشد تا همه‌ی اینها مجدداً احیا شود.^۲

۱. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۷/۱/۱۲

۲. بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم قم ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

شناخت اثر انگشت دشمن در فضای سیاسی و فرهنگی

شما جوانان عزیز می‌توانید اثر انگشت دشمن را در بسیاری از مسائلی که امروزه در فضای سیاسی و فرهنگی مطرح است، مشاهده کنید و نشانه‌های هدفمندی این مسائل و جریان‌ها را بسوی تغییر باورهای اسلامی و انقلابی ببینید. این واقعیت باید سمت و سوی فعالیتهای جامعه‌ی اسلامی دانشجویان و دیگر تشکلهای اسلامی دانشجویی را ترسیم کند.^۱

بسیار کسان هستند که سرانگشت دشمنند؛ اما نه در چهره‌ی یک برخوردار نظامی، بلکه با برآشفتن محیط امن زندگی مردم، با شکستن حریم خلوت امن خانواده‌ها و با نفوذکردن در حصار محکم عفت عمومی این ملت. سرانگشت دشمن است که اینگونه عمل میکند. هنر بزرگ شما این است که اینها را بشناسید. همه یکسان نیستند. آنکه به خطا و بی‌آنکه بخواهد ضربه‌ای وارد کند، عملی انجام میدهد، تفاوت دارد با کسی که از روی نقشه و به دنبال اراده‌ی دشمنان این ملت، حرکتی را انجام میدهد. نیروی انتظامی باید این دو را از هم باز شناسد و به وظیفه‌ی خود عمل کند.^۲

لزوم شناسایی طبیعت دشمن

این نکته را بایستی در این مجالس و محافل تذکر داد که اگرچه ما امروز بحمدالله از لحاظ سیاسی، در موضع قوتیم و دشمن؛ یعنی استکبار، در موضع انفعال قرار دارد؛ اما این به معنای تمام شدن کید و مکر دشمن نیست. «ولن ترضی عنک الیهود ولا النصارى حتی تتبع ملتهم»^۳ البته بر مبنای: «قل ان هدی الله هو الهدی»^۴، جناح حق به خواست دشمن تسلیم نمیشود؛ ولی به‌هرحال، طبیعت دشمن را باید شناخت. ما نباید هیچ

۱. پیام به کنگره‌ی جامعه‌ی اسلامی دانشجویان در مشهد ۱۳۸۰/۶/۱۰

۲. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان «دانشگاه علوم انتظامی» ۱۳۷۲/۴/۲۶

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۰

۴. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۰

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۳۱

لحظه‌ای از کید دشمن غافل باشیم. این نکته را باید به مردم گفت. ما امروز در قوتیم و دشمن و استکبار جهانی، در انفعال است.^۱

دشمن، واقعیت انکارناپذیر

اگر در جمهوری اسلامی، مسئولان، زبندگان و نخبگان- اعم از علما و امر ایشان- به این حقایق توجه و خویشتنداری کنند؛ خود را اسیر هواها و هوسها و مطامع دنیوی نسازند؛ جاذبه‌های گمراه‌کننده‌ی دنیا آنها را مفتون خود نکنند؛ ارباب و تهدید دشمنان، آنها را از میدان خارج نکند و در اراده‌ی آنها تلزلی به وجود نیاورد، هیچ قدرتی نخواهد توانست عزم و اراده‌ی عظیم ملی را که در این کشور وجود دارد، اندکی مخدوش کند. دشمن وجود دارد و یک واقعیت است. انتظار اینکه دشمنی نباشد، یا اینکه دشمن، دشمنی نکند، غلط است. دشمن هست و دشمنی هم میکند و میخواهد به همه‌ی مناطقی که برای او سود مادی در آن هست، پنجه بیندازد؛ از همه‌ی ابزارها هم استفاده میکند. آنچه دشمن را مأیوس میکند، این است که امت اسلامی قدر و اهمیّت و توان و ارزشهای خود را بشناسد و عظمت خود را- وقتی که میان او وحدت باشد- بفهمد و قدرت ایستادگی‌ای را که خدای متعال در او قرار داده است، قدر بداند.^۲

فهم و درک نسبت به وارد شدن دشمن

کی با این مردم در طول این سی سال دشمن بوده است؟ در درجه‌ی اول، آمریکا و صهیونیسم. از اینها دشمنتر ما سراغ داریم برای جمهوری اسلامی؟ از روز اول، دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی و صهیونیستهای دنیا در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایستادند. امروز هم حَقّاً و انصافاً دشمنترین دشمنان، اینها هستند. بنده که نگاه میکنم، میبینم بعضی از

۱. بیانات در دیدار با اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه‌ی جماعت و جامعه‌ی وعاظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی،

در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۶۸/۵/۱۱

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در سالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۲/۷/۲

دولتهای غربی گاهی یک حرفهای بی‌ربط بی‌معنایی می‌زنند؛ اما محرک، صهیونیست‌هایند؛ عامل، همان طبقه‌ی مسلطی هستند که بر حکومت آمریکا و دولت آمریکا و انتخابات آمریکا هم مسلطند؛ این‌ها ایند که دارند صحنه‌گردانی میکنند. خوب، پس این‌ها شدند دشمنترین دشمنان ملت ایران.

حالا اگر آن کسی که در مقابل مردم می‌ایستد، به این‌ها دل بست، این آن خطای دوّم است که اتفاق می‌افتد. دل بستن به دشمن؟! وقتی میبینیم که این دشمن وارد میدان شده است، بایستی بفهمیم، بشناسیم؛ اگر خطایی، اشتباهی کرده باشیم، باید اشتباه را برطرف کنیم. از روز اوّل، آمریکاییها علیه جمهوری اسلامی توطئه کردند. خوب، این توطئه‌ها زائد است که بگوییم بی‌اثر بود؛ واضح است که بی‌اثر بود؛ اگر این توطئه‌ها بی‌اثر نبود که حالا باید اثری، نشانی از جمهوری اسلامی باقی نباشد؛ ببینید که جمهوری اسلامی امروز دهها برابر قویتر از روز اوّل است؛ پس این توطئه‌ها بی‌اثر بود. امروز هم هی نقشهای جدیدی می‌زنند، باز هم توطئه میکنند؛ عبرت هم نمیگیرند. من تعجب میکنم! به گذشته فکر نمیکنند که خوب، این همه توطئه کردیم، این همه علیه جمهوری اسلامی پول خرج کردیم، این همه اینجا آنجا این را دیدیم، آن را دیدیم، در داخل مزدور پرورش دادیم، در بیرون این و آن را علیه جمهوری اسلامی بسیج کردیم؛ اثری نکرد. باز دوباره مینشینند چهل و پنج میلیون دلار بودجه تصویب میکنند، برای اینکه جمهوری اسلامی را شکست بدهند! بودجه تصویب میکنند که از طریق اینترنت، انقلاب ایران را از بین ببرند؛ جمهوری اسلامی را سرنگون کنند! ببینید چقدر این دشمن، دشمن درمانده‌ای است. خوب، شما چند ده «چهل و پنج میلیون دلار» را تا حالا مصرف کرده‌اید؟ چقدر شما برای شکست دادن جمهوری اسلامی کار دیپلماسی کردید، تحریم اقتصادی کردید، انواع و اقسام توطئه‌ها را کردید، جاسوس فرستادید، جاسوس تربیت کردید؛ چه فایده‌ای کردید که حالا باز میخواهید از این طریق وارد شوید و ملت ایران را به خیال خودتان از انقلاب جدا کنید؟ این را دشمن نمیفهمد. این، همان سنت الهی است؛ این، همان زدن به چشم و گوش دشمن

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۳۳

غافل از خدای متعال است که حقایق را نفهمد؛ غافل کردن دشمن است. «فسینفقونها ثم تکون علیهم حسرة»؛ پول را خرج میکنند، بعد هم برایشان حسرت میشود؛ چون بی‌فایده است. من نمیدانم چقدر نشستند طراحی کردند، کار کردند تا بتوانند در تهران به یک بهانه‌ای آشوب راه بیندازند؛ خدا میداند که از چه مدت قبل اینها نشستند طراحی کردند؛ خوب، چه شد؟ غیر از این شد که مردم از آنچه که بودند، بیدارتر شدند؟ اگر کسی خیال میکرد که لازم نیست دیگر بیاید توی میدان، از نظام جمهوری اسلامی دفاع کند، با این حوادث، همه احساس کردند که باید همیشه برای دفاع از جمهوری اسلامی حاضر باشند.^۲

شناخت هندسه‌ی کار دشمن

نقشه‌هایی از پیش طراحی شده بود. من کسی را متهم نمیکنم؛ اما هندسه‌ی کار دشمن را میشناسم، میبینم، آن را تشخیص میدهم؛ نمیتوانم آن را انکار کنم. هندسه‌ی کار دشمن، یک هندسه‌ی مشخصی بود. نظیر این کار را در جاهای دیگر هم کردند. وقتی قدرتهای مستکبر بین‌المللی از یک نظامی ناراضی و ناخشنود باشند، یکی از راههایی که یافتند و عمل کردند، این است که منتظر یک فرصت انتخابات بشوند، بعد در آن فرصت انتخابات، اگر کسانی که مورد رضای آنها نیستند، بر سر کار آمدند، و آنهایی که آنها میخواهند، بر سر کار نیامدند، آن وقت با یک حرکت نمایشی مردمی، اوضاع را برگردانند؛ با شعارهایی گروهی از مردم را توی صحنه بکشانند، با فشار در صحنه‌ی خیابانها، آن چیزی را که با قانون به دست آمده است، با خشونت دگرگون کنند. این یک نقشه‌ی شناخته شده است. اگر ملاحظه میکنید که حوادثی که بعد از انتخابات پیش آمد، در ذهن مردم، در ذهن تحلیلگران مستقل و صادق و تیزبین، متناسب به عوامل خارجی و بیرونی میشوند، ناشی از این است. اگر کسی هیچ خبری هم از پشت پرده نداشته باشد، اطلاعاتی که افراد

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۳۶.

۲. در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه‌ی ۶ بهمن ۱۳۸۸/۱۱/۶

صاحب اطلاع به دست می‌آورند، اگر این اطلاع هم در دسترس نباشد، انسان شکل کار را که نگاه میکند، میفهمد که این کار، کار دشمنان ملت است؛ کار بیگانگان است. انتخاباتی انجام میگیرد، یک حرکت قانونی اتفاق می‌افتد، یک نتیجه‌ای هم با خود به دنبال می‌آورد؛ این نتیجه را به زور خشونت بخواهند عوض کنند. یک عده‌ای را بکشند توی صحنه؛ احیاناً اگر اقتضاء شد، خشونت هم بکنند، آتش‌سوزی هم راه بیندازند، بانک هم آتش بزنند، اتوبوس هم آتش بزنند، برای اینکه نتایج قانونی را برگردانند. خوب، این حرکتی است که هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است. پیداست این حرکت، حرکت هدایت‌شده‌ای از طرف بیگانگان است. یک چنین اتفاقی را میخواستند در کشور پیش بیاورند. آزمون مهمی بود برای کشور. من به شما عرض بکنم، آزمون مهمی بود؛ هم عبرتهای زیادی داشت، هم درسهای زیادی داشت؛ و در این آزمون، ملت ایران پیروز شد. آنها میخواستند مردم را تقسیم کنند به یک گروه اقلیت، به یک گروه اکثریت؛ یک گروهی که برنده‌ی انتخابات است، یک گروه هم که در انتخابات به نتیجه‌ی مطلوب خود دست پیدا نکرده، اینها را در مقابل هم قرار بدهند. ملت را دوپارچه کنند؛ یک عده اغتشاشگر هم وارد میدان بشوند و با ایجاد اغتشاش، جنگ را در داخل کشور مغلوبه کنند، جنگ داخلی راه بیندازند؛ امیدشان این بود. اما ملت هوشیاری به خرج داد.^۱

شناخت ترفندهای دشمن در زمان خود

همیشه اطلاع از آنچه که دشمن در گذشته عمل کرده است، موجب میشود که انسان ترفندهای دشمن را در زمان خودش هم بداند. البته روشها عوض میشود. شما ببینید که در مبارزات ورزشی هم مربیان مینشینند و عملکرد فلان تیم رقیب را با دقت نگاه میکنند تا روشهای او را بشناسند. ملت ایران در طول صد سال اخیر اقلأ در دو قضیه‌ی مهم قبل از انقلاب اسلامی با آمریکا و انگلیس روبه‌رو شده است. یک قضیه،

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۳۵

قضیه‌ی مشروطیت است؛ یک قضیه، قضیه‌ی نهضت ملی شدن صنعت نفت است. در هر دو قضیه، آنها ترفندی زدند و ملت ایران را از لذت بردن از پیروزی خود محروم کردند و یک دیکتاتوری سخت و سیاه را در هر کدام از این دو مقطع در کشور به وجود آوردند.^۱

شناسایی به موقع دشمن

مقصود من از این حرف این نیست که بخواهم نگرانی کسانی را از مسائل فرهنگی کشور کاهش دهم؛ نخیر، من از همه‌ی شما نگرانترم؛ از زمان حیات مبارک امام هم من همیشه نگران مسائل فرهنگی بوده‌ام. بنابراین لازم است نگرانی باشد؛ اما علاج نگرانی مبارزه است؛ مبارزه‌ی درخور و شایسته، ورود در میدان، فکر کردن- این میدان، میدانی است که بیش از همه‌ی میدانها، فکر در آن اهمیت دارد- مطالعه کردن، کار خبره‌وار انجام دادن، به موقع وارد میدان شدن، دشمن را کاملاً شناختن و روشهای او را سنجیدن.^۲

یکی از اشکالات کار ما، نشناختن وضع زمانه است. بعضیها علم و تقوا هم دارند، اما درعین حال نمیتوانند جایگاه و سنگری را که باید در آن بایستند و کار کنند، بشناسند؛ مثل کسی که در بین جبهه‌ی خودی و دشمن، سنگر و جایگاه خودش را گم میکند و جهت دشمن را اشتباه میکند؛ آتش هم میگیرد، اما گاهی آتش را روی سر دوستان میریزد. نشناختن فضای جغرافیای سیاسی و فکری دنیا و همچنین نقطه‌ی تمرکز و خط نگاه و امتداد تیر دشمن- که از کمان حقد و کینه‌ی او پرتاب میشود- ما را خیلی دچار اشکال میکند. باید در زمینه‌ی علمی کار کنیم؛ در زمینه‌ی سیاسی هم برای خودمان آگاهی درست کنیم؛ خود را پاکیزه کنیم و از لحاظ شخصی هم اهل تزکیه باشیم.^۳

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۸/۲۰

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۷۹/۱۱/۲۷

۳. بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱

بی‌اطلاع نبودن از حضور دشمن

وقتی می‌گوییم دشمن، می‌گویند دشمن چیست؟ وقتی می‌گوییم توطئه، می‌گویند شما بدبین هستید! نمیشود با پاک کردن صورت مسأله، قضیه را تمام کرد. قضیه که حل نمیشود؛ باید فکر کرد. البتّه علّت اینکه من این را با قشر دانشگاهی در میان می‌گذارم، بخاطر این است که برای دانشگاهی احترام قائلم. من ارزش دانشگاه را برای کشور با همه‌ی وجود حس می‌کنم. دانشگاه نقطه‌ی اوج خدماتی را که میتواند به یک کشور ارائه شود، تأمین میکند. دانشگاه برای کشور، بسیار مهم است.

من از طرق رسمی و غیررسمی سعی می‌کنم با واقعیّات در تماس باشم. گزارشهایی که به من داده میشود، بسیار متنوع است. هم گزارشهای دستگاههای مختلف اطلاعاتی است. چه اطلاعات مربوط به وزارت اطلاعات، چه آنچه که مربوط به اطلاعات نیروهای مسلح است، چه آنچه که مربوط به بعضی از دستگاههای خبررسانی دستگاههای دولتی است. هم بخشی از دفتر ما کارش اطلاع‌رسانی است؛ مثل دفتر ارتباط مردمی و دفتر بازرسی، که اینها از طریق نامه و تلفن مرتباً با مردم در تماسند. با اشخاص و تیپهای مختلف اجتماعی هم ملاقاتهای فراوانی دارم و نامه هم زیاد دریافت می‌کنم. به‌هرحال گوش من، گوش فعلی است؛ اما درعین حال مدعی نیستم که همه چیز را میدانم. ممکن هم نیست که همه چیز را بدانم؛ البتّه ممکن است چیزهایی را بدانم و چیزهایی را هم ندانم. معتقدم که برای یک مسئول در دستگاه حکومتی - اعم از مسئولیتی که بنده دارم یا مسئولیتی که دیگر مسئولان دارند - انقطاع از واقعیّات و دوری از مردم، عامل انحطاط است. معتقدم که یک مسئول نباید اجازه دهد که از واقعیّات جامعه و از خبرهایی که در جامعه جاری است، دور بماند. البتّه انقطاع از مردم - که در تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام احتجاب از مردم است؛ یعنی حجاب داشتن و با مردم هیچ مواجه نشدن - چیز بسیار خطرناکی است. حضرت به مالک اشتر فرموده‌اند: «قلّة علم بالامور»؛ بخاطر احتجاب از مردم، آگاهی انسان از همه چیز کم میشود. البتّه من به خانه‌های اشخاص هم میروم. یکی از کارهایی که بحمدالله من از اوایل ریاست جمهوری تا به حال انجام داده‌ام - البتّه گاهی

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۳۷

بیشتر است، گاهی کمتر- این است که به منازل اشخاصی از آحاد و توده‌های مردم میروم، روی فرشتان مینشینم، با آنها حرف میزنم و زندگیشان را از نزدیک لمس میکنم. البته به شما عرض کنم، اطلاع از مردم، یک بخش از اطلاع است؛ بخش دیگرش اطلاع از دشمن است. کسی از من نپرسید که شما از دشمن هم اطلاعی دارید یا نه؟! ولی من خودم عرض میکنم: بله، بنده از دشمنان هم بی‌اطلاع نیستم. خیلها خیال میکنند که ما گاهی تیر به تاریکی می‌اندازیم و از دشمن صحبت میکنیم. نه؛ تیر به تاریکی انداختن نیست؛ میدانیم و حس میکنیم که دشمن حضور دارد. اتفاقاً همین چند روز قبل بعضی از مطبوعات آمریکا خبر از اظهارات رئیس سازمان سیا دادند که در بعضی از روزنامه‌های ما هم منعکس شد. او گفته بود ما در فلان تعداد کشور- از جمله ایران را هم اسم آورده بود- مأموران سازمان خودمان را فعال کرده‌ایم که زبان مادریشان، زبان آن کشورهاست. بعد بخصوص اسم ایران را آورده بود و گفته بود ما مأمورانی داریم که زبان مادریشان فارسی است و متوسط سنی‌شان هم سی سال است. ممکن است برای بعضی این سؤال پیدا شود که چرا این حرفها را میگویند. وقتی اطلاعاتی زیاد و سرریز میشود، برای صاحب آن اطلاعات اهمیتش کم میشود؛ لذا از گوشه و کنار حرفها خیلی چیزها میشود فهمید. بله، ندیدن دشمن هنر نیست.^۱

لزوم شناخت چگونگی ورود دشمن

راههای از بین بردن وحدت و چگونگی ورود دشمن را بشناسید و با آن مقابله کنید. حضور در صحنه‌های انقلاب و حمایت از نظام و احساس صاحب انقلاب و کشور بودن را که همه‌ی ملت ما دارند، حفظ کنید؛ راز اصلی این است. اگر اینها حفظ شد- که البته به فضل الهی خواهد شد- تمام قدرتهای بزرگ و همه‌ی توطئه‌گرها و حيله‌گرهای عالم، از اینکه بتوانند به شما ضربه و خدشه وارد آورند، ناتوان و کوچکند. ما باید فرض کنیم که همواره دشمن داریم و انقلاب تهدید

۱. بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

میشود. نمیخواهم بگویم حتماً جنگی علیه ما به راه خواهد افتاد؛ شکل خاصی از تهدید مورد نظر نیست؛ اما آنچه که میتوانم در قلبم به آن معتقد باشم، این است که تهدید علیه نظام جمهوری اسلامی که انقلاب را با خود دارد و از او جدا نشده است، همیشگی است. فقط یک شق دیگر وجود دارد که ما آن شقه را رد کردیم و آن، این است که جمهوری اسلامی برقرار باشد، اما دیگر انقلاب نباشد؛ در آن صورت فرض میشود که ما دشمنی هم نداشته باشیم!^۱

انسان زمان‌شناس در برابر ترفندهای دشمن

اگر انسان زمان‌شناس نباشد و دنیا را نشناسد، فریب خواهد خورد. باید زمان‌شناس باشد، تا دشمن را بشناسد، تا حیلها و ترفندها را بشناسد، تا بتواند در مقابل ترفندها آنچه را که لازمی وظیفه و مسئولیت اوست، آن را تدارک ببیند و انجام دهد. این ساز و کارهای لازم، در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. این آن چیزی است که مطلوب است.^۲

دشمن را با چشم باز دیدن

هنگامی که دشمن حمله میکند، ابتکار عمل در دست اوست؛ شما باید کاملاً حواستان جمع باشد و مثل جبهه‌ی جنگ آمادگی خود را حفظ کنید؛ چون ما نمیدانیم که دشمن از کجا حمله خواهد کرد؛ ممکن است از جبهه‌ی میانی و یا بالا و پایین حمله کند. به‌رحال، باید در همه جا بیدار باشیم. باید در طول جبهه‌ای که یقیناً از لحاظ معنوی به مراتب طولانیتر از مرزهای ماست، دائماً بیدار باشید و فوراً ضربه را به خودشان برگردانید صحنه‌ای که شما درگیر آن هستید، صحنه‌ی بسیار عجیبی است. شاید در میان سنگرهایی که جمهوری اسلامی مبارزه میکند- مبارزه به معنای خاص آن و دست به یقه‌شدن و ضربه‌زدن و ضربه‌خوردن- هیچ سنگری بافضیلت‌تر از سنگر شما نباشد؛ چون همیشه و در همه جا،

۱. بیانات در مراسم بیعت فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۴/۱۹

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۳۹

خطر از ناحیه‌ی نفوذ اطلاعاتی دشمن بیشتر است. در قضیه‌ی جنگ هم اگر ما بیشتر میزدیم و کمتر میخوردیم، بخاطر این بود که کار اطلاعاتی شایسته و ممتازی انجام میدادیم. با چشم بسته که نمیشود به جنگ رفت؛ باید با چشم باز دشمن را دید و محل پرتاب ضربه‌اش را برآورد کرد، تا متقابلاً پاسخ کوبنده‌تری به او داد.^۱

دشمن را در هر چهره و لباس شناختن

هنوز دشمنهای ما چشم میگردانند تا نقاط ضعف را پیدا کنند و فشار خود را وارد آورند. اگر مردم و قشرهای مختلف و مسئولان در هر رده‌ای، به دشمن نقطه ضعف نشان دهند، دشمن رحم نخواهد کرد. شما که به شهرهای خود برمیگردید، شاهد شایعه‌پراکنی، اختلاف‌افکنی، نق زدن، کم‌کاری، بدکاری و کارشکنی خواهید بود. اینطور نیست که هرکسی ما را قبول نداشته باشد، ما با او با شدت عمل برخورد کنیم. روش ما این است که با قدرت و تدبیر و بدون عصبانیت برخورد کنیم. ما باید با روش درست و اداره‌ی صحیح، دشمن را - اگر با انصاف باشد - به دوست تبدیل کنیم. البته بعضیها غرض‌ورزی و توطئه و شمانت میکنند، که طبیعی است نظام جمهوری اسلامی با اینها برخورد قوی خواهد کرد. وظیفه‌ی مردم مؤمن - خصوصاً جوانان - این است که اولاً مغرضان را بشناسند و آنها را با آدم خیرخواه اشتباه نگیرند؛ ثانیاً افراد غافل را آگاه کنند و راه را به آنها نشان دهند. شما جوانها که روحیه و نشاط و توان بالایی دارید، باید مسئولیت بیشتری را بر دوش خود احساس کنید. آگاه کردن مردم، هوشیار بودن و دشمن را در هر چهره و لباسی شناختن، اساسیترین تکلیف ماست.^۲

۱. بیانات در مراسم بیعت جمعی از مسئولان وزارت اطلاعات و ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸/۴/۱۸

۲. بیانات در مراسم بیعت امام جمعه و نماینده‌ی ولی‌فقیه و قشرهای مختلف مردم سمنان، کرج، شیروان، قوچان، کازرون و جمعی از بسیجیان نیشابور ۱۳۶۸/۴/۴

بصیرت لازمه‌ی شناخت دشمن

در این شرایط وظیفه‌ی شما سنگین، پرهیجان و پُراجر است. شما و دیگر تشکلهای اسلامی دانشگاه، به کار خود نظم دهید، آن را با هدفهای روشن که از بینات و محکّمات انقلاب گرفته شده، جهت بخشید، بصیرت لازم و دید نافذ را برای شناخت دشمن و روشهای کینه‌ورزانه‌اش برای خود و عموم دانشجویان فراهم سازید، فتنه‌گریها و فتنه‌گرها را بخصوص در محیط دانشجویی شناسایی و خنثی کنید، اختلافات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی را به حداقل برسانید، خدا را در همه حال حاضر و ناظر اعمال و نیات خود بدانید، و بدانید که هیچ هدفی برای انسان، شایسته‌تر و والاتر از رضای الهی نیست.^۱

انسانهای بی‌بصیرت، زود فریب می‌خورند. همین امروز هم در دنیا آدمهای دلسوزی هستند که فریب خورده‌اند؛ دشمن را نشناخته‌اند و صف را تشخیص نداده‌اند. در ایران، امام عظیم‌الشأن ما، به برکت بصیرت مردم- که با صبر و مقاومت آنها همراه بود- این راه را طی کرد و به موفقیت رسید. خود او، در ایجاد این بصیرت و صبر در مردم، بزرگترین مؤثر بود. هر جا در انجای عالم مبارزه‌ای صورت می‌گیرد، حرکتی میشود، انسان دلسوزی در پی نجات توده‌های مردم حرکت میکند، باید بداند که این راه، با هوشمندی و بصیرت و نیز با صبر و مقاومت طی‌شدنی است، و لاغیر. دشمن را بشناسید و دشمنیها و ترفندهای او را درست تشخیص بدهید. تبلیغاتی که دشمن میکند، حرفی که دشمن می‌زند و شایعه‌ای که دشمن می‌اندازد، به چشمتان بیاید. توجه کنید که دشمن با چه انگیزه‌ای این حرف را می‌زند، این شایعه را می‌پراکند، این خبر دروغ را نقل میکند و این اظهار منافقانه را بر زبان جاری مینماید. به‌هرحال، دشمن، دشمن است.

نکته‌ی دیگر و بسیار مهمی که باید ملت‌های مسلمان و مبارز به یاد داشته باشند، این است که فریب ترفندها و تبلیغات و حيله‌گریهای

۱. پیام به مناسبت برگزاری دومین کنگره‌ی جامعه اسلامی دانشجویان ۱۳۷۷/۷/۸

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۴۱

دشمن را نخورند؛ دوست و دشمن را بشناسند و دشمن را در اظهاراتش متهم کنند. اگر اینطور باشد، این حرکت‌های اسلامی به پیروزی خواهد رسید. ما معتقدیم که این دوران، دوران اسلام و دوران غلبه‌ی ارزشهای الهی و معنوی است، و همانطوری که سال گذشته عرض کردم، این دوران، دوران امام خمینی است و ان‌شاءالله نسلهای جوان ما این آینده را خواهند دید.^۱

تمیز دادن عنصر خائن با افراد بصیر

شما ببینید در یک چنین وضعیتی چه چیزی بیش از همه برای انسان مهم است؟ بصیرت. بنده بارها بر روی بصیرت تکیه میکنم، بخاطر همین. مردم بدانند چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ ببینند آن دستی را که دارد صحنه‌گردانی میکند، صحنه را شلوغ میکند تا در خلال شلوغیهای مردم، یک عنصر خائنی، یک عنصر دست‌نشانده و دست‌آموزی بیاید کاری را که آنها میخواهند، انجام بدهد و نشود او را توی مردم پیدا کرد؛ این کاری است که دشمن میخواهد انجام بدهد. هر اقدامی که به بصیرت منتهی بشود، بتواند عنصر خائن را، عنصر بدخواه را از آحاد مردم و توده‌ی مردم جدا کند، او را مشخص کند، این خوب است. هر اقدامی که فضا را مغشوش کند، مشوش کند، انسانها را نسبت به یکدیگر مردد کند، فضای تهمت‌آلود باشد، مجرم و غیرمجرم در آن مخلوط بشوند، این فضا مضر است، مخالف است.

اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از اینگونه عناصر در داخل ملتها دارد؛ در داخل ملت ما هم اینجور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا میشوند. متن ملت، آحاد مردم، این توده‌ی عظیم مردمی- از خواص تا عامه‌ی مردم- اینها را باید از آن عناصر

۱. بیانات در مراسم دوّمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۴

معدود خودفروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه اتفاق بیفتد. من میبینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرفها، فضا آنچنان مغشوش میشود که افراد سردرگم میشوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان، نسبت به مسئولانشان بدبین میشوند؛ این درست نیست.^۱

شناسایی توطئه‌ی دشمن توسط انسانهای بصیر و خبیر

علما، بزرگان و مسئولین کشور، به فضل پروردگار، مثل همیشه در نهایت هوشیاری عمل کردند و تا دیدند که توطئه است، اقدام نمودند. البته سخنرانی در دنیا زیاد است، شب‌نامه در دنیا زیاد است، حرف نادرست، تهمت و افترا و دروغ، کم نیست؛ اما هر تهمت و دروغی، توطئه نیست، هر شایعه‌ای به وسیله‌ی دشمن نیست. آن شایعه‌ای که توطئه‌ی دشمن است، به وسیله‌ی انسانهای خبیر و بصیر شناخته میشود.^۲

در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم، همینطور بوده که حالا اینها بحث‌های تفسیری زیادی دارد. در دوره‌های گوناگون دیگر هم همینطور است. نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشمان جلوه دهد.^۳

عدم شناخت انسانهای بی‌بصیرت از دشمن

انسانهای بی‌بصیرت، زود فریب میخورند. همین امروز هم در دنیا آدم‌های دلسوزی هستند که فریب‌خورده‌اند؛ دشمن را شناخته‌اند و صف

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

۲. بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

۳. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن / ۴۳

را تشخیص نداده‌اند. در ایران، امام عظیم‌الشان ما، به برکت بصیرت مردم- که با صبر و مقاومت آنها همراه بود- این راه را طی کرد و به موفقیت رسید. خود او، در ایجاد این بصیرت و صبر در مردم، بزرگترین مؤثر بود. هر جا در انجای عالم مبارزه‌ای صورت می‌گیرد، حرکتی می‌شود، انسان دلسوزی در پی نجات توده‌های مردم حرکت می‌کند، باید بداند که این راه، با هوشمندی و بصیرت و نیز با صبر و مقاومت طی‌شدنی است، و لاغیر.^۱

بصیر باشید در شناسایی دشمن. بصیر باشید در شناسایی ترفندهای دشمن. ببینید دشمن چگونه می‌خواهد جمهوری اسلامی را در سطح جهان بد معرفی کند، یا با شکل‌های غلط معرفی کند! البته موفق که نمیشود. تبلیغات دشمن، انصافاً تبلیغات حساب‌شده‌ای است. این را باید قبول کنیم. پول خرج می‌کنند؛ میلیاردها دلار خرج می‌کنند، برای اینکه بتوانند حرفی را جعل کنند که وقتی این حرف بر بال امواج رادیوهایشان قرار گرفت و با یکی دو واسطه به گوش فردی از ملت ایران رسید، در دل او اثر کند. چقدر دروغها همینطور درست کردند! اینها متخصصینی برای اینطور کارها دارند. لذا هدفشان را باید فهمید. هدف آنها این است که ما را از اسلام جدا کنند؛ ملت را از مسئولین جدا کنند؛ ملت را از انقلاب دلسرد کنند؛ ملت را از آینده‌ی جهاد و دفاعش ناامید کنند؛ ملت را از میدان و مرکز صحنه‌ی مبارزه عقب بزنند. البته باید بدانند که هرگز در این خواسته‌ها، موفق نخواهند شد.^۲

دقت دشمن در شناخت نقاط ضعف ما

دشمن نقاط ضعف ما را در دستگاههای فنی و صنعتی نفتی ما دیده بود و آنها را زیر فشار قرار میداد؛ و شما چه این دستگاه را، چه دستگاههای مربوط به تزریق گاز را، چه دستگاههای مختلفی را که بعضاً

۱. بیانات در مراسم دوّمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۰/۳/۱۴

۲. بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷

من خودم هم چند سال پیش آمدم و از نزدیک دیدم، و چه بعد از جنگ، پالایشگاه آبادان و دستگاه‌های مختلف مربوط به پتروشیمی و غیره را راه انداختید. همه‌ی اینها مربوط به این دستگاهی است که بحمدالله حرکت مفیدی دارد.^۱

رخنه‌ی دشمن از راه‌های مختلف

دشمن، برای ضربه‌زدن به انقلاب و اسلام، از یک راه نمی‌آید؛ از راه‌های مختلف می‌آید. باید چشمتان را باز کنید، متوجه باشید و دشمن را بشناسید. امام بزرگوار، این خطوط را برای ما درست مشخص کردند.^۲

تلاش دشمن در برابر ملت‌های تلاشگر

ما ملتی نیستیم که در دنیا هیچ‌کس با ما دشمنی نداشته باشد. آن ملت‌هایی دشمن ندارند که ارزش وجودی ندارند. ملتی که راهی دارد، هدفی دارد، کاری دارد، تلاشی میکند، دشمنانی هم پیدا میکند. البته دشمن داریم تا دشمن. دولت آمریکا هم در دنیا خیلی دشمن دارد؛ اما دشمن دولت آمریکا کیست؟ ملتها. ملتهایند که متنفرند، مکدرند، از دولت آمریکا بدشان می‌آید. چرا؟ بخاطر اینکه دولت آمریکا سابقه‌ی تجاوز و تعرض به کشورها از پنجاه سال، شصت سال قبل از این تا امروز در پرونده‌اش ثبت شده است. در طول پنجاه سال گذشته، دولت آمریکا نزدیک به شصت کشور را مورد تجاوز نظامی خودش قرار داده؛ این شوخی است؟ این کم است؟ خوب، پس او هم دشمن دارد، نظام جمهوری اسلامی هم دشمن دارد. دشمن نظام جمهوری اسلامی کیست؟ دولت‌های مستکبر، سرمایه‌دارهای صهیونیست، دشمنان بشر، دستگاه‌های جاسوسی غدار و سفاک. بنابراین دشمن هست؛ این دشمنان فعالیت میکنند، تلاش میکنند.^۳

۱. بیانات در دیدار با وزیر و جمعی از مسئولان و کارشناسان وزارت نفت و مهندسان و

کارگران اطفای حریق چاه‌های نفت کویت ۱۳۷۰/۹/۱۲

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از نیروهای مقاومت بسیج، گروهی از پرستاران و جمعی از

پرسنل نیروی دریایی ارتش ۱۳۶۹/۹/۷

۳. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

فصل دُوم: ضرورت شناخت دشمن / ۴۵

پایان‌ناپذیری توطئه‌ی دشمن علیه انقلاب

همه باید بدانند که توطئه‌ی دشمن نسبت به انقلاب تمام نشده است. بزرگ و کوچک ما، زن و مرد ما، عالم و جاهل ما، همه باید خود را سرباز مدافع از ارزشهای انقلاب به حساب بیاورند. هرکدام ما هرجا مشغول خدمت هستیم، باید آنجا را سنگر بدانیم. اگر اهل جهاد باشیم، هرجا هستیم، سنگر است.^۱

۱. بیانات در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، گروهی از خانواده‌های معظّم شهدا و جانبازان استانهای تهران و مازندران، مردم و مسئولان شهرهای نور و محمودآباد، و اساتید و دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۰/۶/۱۳

فصل سوم ————— ❁
علل و دلایل دشمنی

علت دشمنیها

دشمنیها چیست؟ عده‌ای خیال میکنند مسئولان انقلاب یا امام علیه السلام دشمن تراشی کرده‌اند؛ نه، قضیه این نیست. اگر شما خانه‌ای داشته باشید که گردن کلفت و ظالمی سالها آن را غصب کرده باشد، بعد شما با اسناد و مدارک به مراکز قانونی مراجعه کنید و ایستادگی کنید تا خانه را پس بگیرید، طبیعی است که آن غاصب با شما دشمن خواهد شد. نمیشود شما را ملامت کرد که دشمن تراشی کرده‌اید؛ شما خواسته‌اید حق خود را بگیرید؛ این دشمن تراشی نیست. سفره‌ای در مقابل بیگانگان پهن بود و بر سر این خوان یغما هر کاری میخواستند، میکردند. انقلاب این سفره را جمع کرده؛ معلوم است دشمن میشوند و کینه بر دل میگیرند و غیظ پیدا میکنند. این انقلاب در دنیای اسلام و دنیای عرب امیدها را زنده کرد. وقتی انقلاب ما پیروز شد، به‌طور کلی دنیای عرب و دنیای اسلام در یک حال رکود و سکوت و نومیدی به‌سر میبرد؛ صهیونیستها کار خودشان را پیش برده و همه را ترسانده بودند و هیچ ملتی گمان نمیکرد در امیدی برایش باز باشد. ناگهان دروازه‌ی عظیم فرج گشوده شد و ملت‌ها امید پیدا کردند. صهیونیستها خیال میکردند فلسطین را خورده‌اند و تمام شده است. شما ببینید امروز ملت فلسطین با همه‌ی وجود و با همه‌ی توان وسط میدان آمده است و با اینکه فشار زیادی هم روی او وارد میکنند، باز ایستاده است. این فقط شکست اسرائیل نیست؛ این شکست آمریکاست؛ این شکست همه‌ی قدرتهای صهیونیستی است که

بر دنیا مسلطند. یک ملت بی‌سلاح محصور در اراضی فلسطین، همه‌ی اینها را عاجز و بیچاره کرده است. این روح امیدواری بود که ملت لبنان را بیدار کرد. همان ایام انقلاب ما، لبنان غوغایی بود؛ صهیونیستها هر کاری میخواستند، با لبنان میکردند: حمله میکردند، میکشند، تجاوز میکردند و هواپیماهایشان در آسمان لبنان می‌آمدند و میرفتند؛ مثل اینکه آسمان کشور خودشان است! در عوض، گروههای لبنانی به جان هم افتاده بودند. نزدیک پیروزی انقلاب، یک نوار دو ساعته از مرحوم دکتر «چمران»^۱ آورده بودند؛ بنده در مشهد آن را گوش میکردم. خودش در لبنان بود و جزئیات مصیبت‌های مردم لبنان را در آنجا شرح میداد. الآن کار مردم لبنان به جایی رسیده است که به اسرائیل ضربه‌ای میزنند که از اول حضور صهیونیستها در این منطقه، هیچ دولت عربی چنین ضربه‌ای به آنها نزده است. دو سال قبل، آنها را وادار به عقب‌نشینی کردند؛ چند هفته پیش هم علی‌رغم صهیونیستها چند صد زندانی خود را آزاد کردند و قدرتمندانه جشن گرفتند. اگر در دل ملتی امید نباشد، این چیزها پیش نمی‌آید؛ این امید را شما دادید. امروز این امیدآفرینی در همه‌ی دنیای اسلام و عرب به چشم میخورد، که مجال نیست جزئیات نمونه‌ها را به شما عرض کنم. انقلاب ایران دنیای اسلام را امیدوار و زنده کرد. معلوم است وقتی انقلاب با این خصوصیات وارد میدان میشود، کسانی که از رکود و ضعف دنیای اسلام بهره‌مند بودند، با آن دشمن میشوند؛ یک موجود زنده هم که ما باشیم، از خود دفاع میکنیم. یک ملت وقتی زنده است و با او دشمنی کرده‌اند، طبیعی است که عکس‌العمل نشان میدهد. نمیشود ما دست‌بسته بنشینیم، با ما دشمنی کنند. دشمنی سیاسی، دشمنی اقتصادی. ما هم بگوییم چون نمیخواهیم دشمن‌تراشی کنیم، ساکت بمانیم و از خود دفاع نکنیم! اینکه منطق عقلایی نیست. مسأله‌ی دشمنیها این است.^۲

۱. شهید مصطفی چمران متولد ۱۳۱۱، سرپرست جنگ‌های نامنظم در منطقه‌ی دهلاویه در

تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ به شهادت رسید

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

نفی و اثبات جمهوری اسلامی

علت دشمنی عمیق و آشتی‌ناپذیر استکبار و در رأس آنها آمریکا و شبکه‌ی صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی، این حرفهایی که گاهی گوشه و کنار گفته میشود- چه چیزهایی که آنها شعارش را میدهند، چه تصوّراتی که بعضی در داخل میکنند- نیست. مسأله این است که جمهوری اسلامی یک «نفی» با خود دارد، یک «اثبات».

نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله‌ی قدرتهای سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحیگری؛ اینها را جمهوری اسلامی قاطع نفی میکند.

یک چیزهایی را هم اثبات میکند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزشهای اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قلّه‌های دانش؛ نه فقط دنباله‌روی در مسأله‌ی دانش، و فتح قلّه‌های دانش؛ اینها جزو چیزهایی است که جمهوری اسلامی بر آنها پافشاری میکند.

این نفی و این اثبات؛ اینها دلیل دشمنی آمریکا و دشمنی شبکه‌ی صهیونیستی دنیاست. اگر نفوذ آمریکا را قبول کنیم، دشمنیها کم خواهد شد؛ اگر راضی شویم که ملت ما به وسیله‌ی بیگانگان به طرق مختلف تحقیر شود، دفاع از هویت ملی یا دفاع از ارزشهای اسلامی را کنار بگذاریم، مطمئناً دشمنیها به همین نسبت کم خواهد شد. اینکه میگویند جمهوری اسلامی رفتار خود را عوض کند، یعنی این. شنفته‌اید گاهی مسئولین سیاسی کشورهای مستکبر از قبیل آمریکا، درباره‌ی ایران که صحبت میکنند، میگویند: ما نمیگوییم جمهوری اسلامی از بین برود، میگوییم جمهوری اسلامی رفتارش را عوض کند. رفتارش را عوض کند، یعنی این؛ یعنی از این نفی و از این اثبات دست بردارد. این را میخواهند.

با همین ایستادگی در این نفی و در آن اثبات، جمهوری اسلامی توانسته با جبهه‌ی گسترده‌ی مجهّز به انواع امکانات مواجه شود و در

مقابل او مقاومت کند؛ همان حالتی که در هشت سال دفاع مقدّس بود که شرق و غرب و اروپا و ناتو و بعضی از کشورهای عربی و همه، دست به دست هم دادند علیه جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی بالاخره همه‌ی آنها را وادار به عقب‌نشینی کرد و خود هیچ عقب‌نشینی نکرد. در عرصه‌ی سیاسی و در سالهای بعد از جنگ تا امروز همین معنا وجود داشته؛ یعنی جمهوری اسلامی توانسته در مقابل این جبهه‌ی عظیمی که در برابرش شکل پیدا کرده، بایستد؛ نه فقط عقب‌نشینی نکند، بلکه پیشروی کند و به دشمن ضربه وارد کند. این، اتّفاق افتاده است.^۱

قدرت‌طلبی و سلطه‌طلبی، انگیزه‌ی دشمنان

ما اگر توجّه کنیم کجا ایستاده‌ایم و در چه وضعیتی هستیم، جواب همه‌ی این سؤاها داده میشود؛ اینکه این اتّفاقیها چرا می‌افتد و انگیزه و هدف چیست؟ مسأله این است که ملّت ایران با انقلاب خودش سقف فلک فرهنگ و سیاست را در دنیا شکافته و طرح نویی در انداخته است. روزی که دنیا دو قطبی بود و دو ابرقدرت با همدیگر آنطور معارضه داشتند، در مقابله‌ی با این طرح نو با هم همدست شدند. پس معلوم میشود که طرح نوی ملّت ایران که با انقلاب اسلامی آن را به میدان آورد، چیزی است که جهت مشترک دو ابرقدرت را هدف و آماج خود قرار داده بود و آن را تهدید میکرد. آن جهت مشترک چیست؟ قدرت‌طلبی و سلطه‌طلبی. بله، ما با نظام سلطه مواجه شدیم. نظام سلطه یعنی اینکه در دنیا یک امپراتوری قدرت وجود دارد، متشکل از طرفهایی. در مقابل آنها، منابع ثروت متعلّق به ملّتها وجود دارد. رابطه‌ی بین این دو قطب، رابطه‌ی سلطه است؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. او سلطه‌گری میکند؛ ملّتهایی هم که یا خاکشان، یا آبشان، یا نفتشان، یا منابعشان، یا موقعیت سوق‌الجیشی‌شان مورد نیاز آن مرکز قدرت است، باید سلطه‌پذیر باشند و آنچه را که او لازم دارد و منافعش تأمین میشود، تقدیم او کنند. اگر این کشورها منابع و ثروت خود را تقدیم کردند، فبها؛ مثل خیلی از

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴

کشورهای جهان سوم به اصطلاح رایج؛ یعنی کشورهای عقب افتاده. دولتهایی سر کار بودند و منافع ملتهای خود را دودستی تقدیم میکردند؛ مثل کشور خود ما در دوران رژیم طاغوت؛ اینها مطیع و تسلیم بودند. تسلیم بودن معنایش این نبود که در همه‌ی امور حرف آنها را گوش میکردند؛ نه، در برخی از امور اختلاف نظر هم داشتند، اما خواسته‌ی آنها را برآورده میکردند. آنها میگفتند قرارداد نفت اینطوری باشد، اینها قبول میکردند؛ در ایک آنطوری تصمیم بگیرید، اینها میگفتند چشم؛ نسبت به اسرائیل و صهیونیسم اینگونه عمل کنید، اینها میگفتند چشم؛ نسبت به کشورهای منطقه اینگونه عمل کنید، اینها میگفتند چشم؛ موضعگیریتان در سازمان ملل اینطوری باشد، اینها میگفتند چشم؛ بعد به تدریج وارد امور داخلی کشورها میشدند و میگفتند دولت آنطوری به کار بگمارید، این سیاستها را اعمال کنید، چنین تغییراتی در کشور به وجود بیاورید، اینها هم میگفتند چشم.

نوع دیگر سلطه‌پذیری این است که یک وقت دولتی در مقابل منفعتی از منافع آنها سر بلند میکند، اما آنها میزنند سرش را میشکانند و کنارش میزنند؛ او هم که پشتوانه‌ی مردمی ندارد. چون همین سلطه‌گرها او را نگه داشته‌اند. به راحتی از میان می‌رود؛ در نتیجه یکی دیگر را سر کار می‌آورند، که نمونه‌هایش را در کشورهای دیدیم و من الآن نمیخواهم اسم این کشورها را بیاورم؛ شاید خود شماها هم توجه دارید. در میان کشورهای همسایه، از این قبیل کم نداشتیم؛ یکی را برده‌اند، یکی را آورده‌اند. این نظام سلطه است در دنیا. کسانی که در نظام سلطه پامال میشوند، ملتها هستند؛ منافع و هویت و شخصیت و ارزشها و فرهنگشان نابود میشود. روزبه‌روز هم نظام سلطه تقویت شده است؛ یعنی از وقتی که استعمار بر اثر ارتباطات آسان دنیا با یکدیگر و پیشرفت علم به وجود آمد، نظام سلطه هم پدید آمد. هرچه استعمار پیش رفته، نظام سلطه تقویت شده است. با امکانات جدید و وسایل ارتباطی سریع و فوق‌العاده‌ای که وجود دارد و امکانات نظامی و پولی و تبلیغاتی و غیره، نظام سلطه هرچه میخهای خود را بر سرزمین محل زندگی ملتها و

انسانها بیشتر فرو کرده، انسانها محکوم شده‌اند به تو سری خوری و سلطه‌پذیری. نظام ما آمد این مدار را قطع کرد؛ گفت نمیشود.^۱

علل دشمنی دنیای استکبار با نظام اسلامی

نظام جمهوری اسلامی با دنیای استکبار، با آمریکا، با دولتهای دیگری از بلوک استکبار، معارضات و اختلافاتی دارد. اختلاف بر سر چیست؟ این نکته‌ی مهمی است. دعوا سر چیست که امروز وقتی تحلیلگران تحلیل میکنند، میگویند در مسائل گوناگون دنیا که آمریکا وارد میشود، گوشه‌ی چشمی به جمهوری اسلامی و ملت ایران دارد؛ چرا؟ علت چیست؟ ما هم وقتی به مسائل داخلی خودمان نگاه میکنیم، میبینیم بسیاری از مشکلات ملت و کشور ما به طرق مختلف، از ناحیه‌ی تحمیل آمریکاییهاست؛ چرا؟ علت چیست؟ بایستی این را با نگاه دقیق جستجو و پیدا کرد.

دعوا بر سر چند مسأله‌ی سیاسی نیست. خوب، دو کشور با همدیگر سر مسائلی ممکن است اختلاف داشته باشند که مینشینند با مذاکره این اختلاف را حل میکنند؛ تمام میکنند. مسأله‌ی جمهوری اسلامی و دولت مستکبر آمریکا از این قبیل نیست. مسأله، مسأله‌ی دیگری است؛ مسأله ریشه‌ای تر است. مسأله این است که رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا از بعد از جنگ جهانی دوم، داعیه‌ی ابرقدرتی مطلق دنیا را داشت. البته آن روز شوروی در مقابلش بود، اما این مسأله‌ی رقابت بین آمریکا و شوروی آن روز صرفاً رقابت بین دو ابرقدرت نبود. آمریکا میخواست بر روی تمام منابع حیاتی عالم دست بگذارد. عملاً هم منطقه‌ی عظیم و حساسی که به آن خاورمیانه میگویند و شمال آفریقا و خلیج فارس - منطقه‌ی نفت - در پنجه‌ی اقتدار آمریکا بود. نفت، خون حیاتبخش تحرک دنیای امروز است. حالا فردا چه بشود، نمیدانیم؛ اما امروز و توی این دنیا، نفت مایه‌ی تولید، مایه‌ی گرما، مایه‌ی نور و روشنایی و در واقع مایه‌ی حیات برای خیلی از کشورهاست. اگر نفت نباشد، کارخانه‌ها نیست، تولیدات

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۳/۸/۶

فصل سوم: علل و دلایل دشمنی / ۵۵

نیست، تجارتها نیست. نفت یعنی خون؛ یعنی زندگی. حالا بخش اعظم این نفت توی این منطقه است؛ منطقه‌ای که اسمش خاورمیانه است. تسلط بر اینجا مهم است که آمریکا هم تسلط پیدا کرده بود.

در وسط خاورمیانه، ایران قرار داشت؛ پایگاه اصلی استکبار. در اطراف ایران کشورهای مختلفی بودند که هر کدام به نحوی در اختیار آمریکا بودند. شوروی البته در این خلال دست‌اندازیهایی کرده بود، اما آمریکاییها غلبه داشتند و این روال باید ادامه پیدا میکرد. البته طمع‌ورزی مخصوص این منطقه و مخصوص نفت هم نبود. آمریکاییها در آمریکای لاتین، در آفریقا، در شرق آسیا و در جاهای مختلف - که حالا جای تفسیر آن نیست؛ یک وقتی به شما جوانها عرض خواهم کرد - مشغول تحکیم قدرت خودشان بودند و پیش هم میرفتند و روزبه‌روز سلطه را تقویت میکردند و رقبایشان روزبه‌روز عقب میکشیدند.

در وسط این بحبوحه‌ی روزافزونی اقتدار استکباری و در حساسترین نقطه، انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد که مهمترین شعار این انقلاب مقابله با ظلم و استکبار بود؛ دفاع از حقوق ملتها بود. انقلاب اسلامی این نقطه‌ی اصلی یعنی ایران را از زیر سیطره‌ی آمریکا بیرون کشید. یک روز آمریکاییها توی همین کشور شما، توی همین تهران شما، توی مناطق مختلف کشور، در همه‌ی نقاط حساس، آدم داشتند؛ در نیروهای مسلح، در بخشهای مربوط به مالیه و دارایی، در بخشهای حساس سیاست، در بخشهای امنیّت، عناصر و آدمهای آنها همه‌کاره بودند. خود شاه مملکت هم که رئیس همه‌ی دستگاههای کشور بود و دخالت در همه‌ی امور میکرد، گوشش به دهان سفیر آمریکا و سفیر انگلیس بود. اگر آنها چیزی میخواستند و اصرار داشتند، او ناگزیر، خواه و ناخواه، اطاعت میکرد. گاهی هم نمیخواست، اما مجبور بود اطاعت کند و اطاعت میکرد. از یک چنین نقطه‌ای آمریکاییها بیرون رانده شدند. خوب، این خیلی حادثه‌ی مهمی بود؛ این زخم کوچکی نبود.^۱

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان

تمام نشدنی دشمنیها

کشورهای استکباری میخواهند همیشه زور بگویند، بچاپند، ثروت و قدرت عالم در اختیار آنها باشد؛ ملت‌هایی هم باشند که کار کنند، زحمت بکشند و منابعشان غارت برود. هر حرکتی که در مقابل آنها بایستد، با آن دشمن میشوند؛ و اسلام در مقابل آنها می‌ایستد. علت اینکه استکبار با ایران مخالف است، این است. علت دشمنی عمیق آمریکا با انقلاب اسلامی و با اسلام، این است. این دشمنی، تمام‌شدنی نیست. در اینجا، آن عامل تعیین‌کننده که میتواند صحنه را به سود یک طرف سنگین کند و تغییر بدهد و میتواند معین نماید که کدام‌یک از دو طرف پیروز خواهند شد، عبارت از حقیقت، مفید بودن برای انسانیت، دل‌های مؤمن و قدم‌های استوار است، و اینها در طرف ما و پیش ماست.^۱

من معتقدم، این حجّت خداست که به نفع جمهوری اسلامی تمام کرده است. هر جا جناح خبیث و پلید و منفوری هست، با جمهوری اسلامی بد و مخالف و دشمن است؛ درست مثل زمان رسول اکرم ﷺ که اشراف فاسد و زورگوها و دشمنان طبقات مظلوم و محروم و کسانی که خودشان به این طبقات ظلم میکردند و منافقان که در دلشان مرض بود، با دعوت پیامبر مخالفت کردند. امروز عیناً همان جناحها در برابر جمهوری اسلامی ایستاده‌اند؛ چون جمهوری اسلامی راه پیامبران را طی میکند.^۲

حجم دشمنیها

جنگ را علیه ایران- اگر نگوییم راه انداختند- پشتیبانی کردند. احتمال دارد که در راه‌اندازی جنگ عراق علیه ایران هم، آمریکاییها دست داشته باشند. متنها چون نمیخواهیم تا یقین نداشته باشیم، چیزی بگوییم؛

۱. بیانات در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، جانبازان شهرهای مختلف، جمعی از دانش‌آموزان

مدارس تهران، و گروهی از ورزشکاران و مسئولان سازمان تربیت بدنی کشور ۱۳۶۹/۶/۲۱

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا(ع) ۱۳۶۹/۱/۲

میگوییم احتمال دارد. اما پشتیبانی آنها از عراق، یقینی و قطعی است. همه رقم پشتیبانی کردند. ملت ایران از یادش می‌رود؟ همه نوع کمکی که عراق لازم داشت به آن کردند. ملت ایران فراموش میکند؟ این صدام حسین و رژیم بعثی که در قضیه‌ی حمله به کویت، در مطبوعات آمریکایی و در نظرات رسمی آمریکا، آن چهره‌ها را برایش ترسیم کردند، در دورانی که خانه‌های مردم در سی، چهل شهر ایران را در آن واحد با موشکها میکوبید، برایشان یک چهره‌ی خواستنی و محبوب و پسندیده بود! ملت ایران اینها را فراموش میکند؟ با ملت ایران دشمنی کردند؛ باز هم دشمنی میکنند و علت دشمنی هم معلوم است. حال ممکن است کسی بپرسد: چرا اینقدر دشمنی میکنند؟ از اول چرا کردند؟ علت این است که ملت ایران، با ایمان اسلامی و با فرهنگی که این مبارزه و این انقلاب و آن امام به آن بخشیده است، تسلیم تسلط قدرتها نمیشود. آمریکاییها هم این را دوست ندارند. سردمداران استکباری دنیا- در رأس همه و بیش از همه، آمریکا- دولتها و ملتهای تسلیم را دوست میدارند. میخواهند ملتها و دولتها تسلیم آنها باشند و هر چه آنها میگویند، گوش کنند. نگاه کنید و وضع اینها را در دنیا ببینید! وقتی ملتی ایستاده است؛ قبول ندارد و میگوید شما که هستید؟ شما یک کشور، ما هم یک کشور؛ شما یک دولت، ما هم یک دولت؛ شما دولتی هستید که ثروتمندید، پول دارید، پیشرفتهای علمی دارید؛ ما هم ملتی هستیم که استعداد درخشان داریم، سابقه‌ی درخشان داریم، امکانات داریم، ذخایر ارضی داریم؛ شما یکی، ما هم یکی. وقتی ملتی با این استقلال و با این احساس توانایی و قدرت در صحنه حاضر میشود و دولتی به آنها، به چشم یک ابرقدرت نگاه نمیکند، دیگر تحملشان تمام میشود. این، طبیعت سردمداران استکباری است. میروند سراغ اینکه ببینند چنین فکری را این ملت از کجا پیدا کرده است. اگر کسی این فکر را به این ملت داده بود، از اعماق با او دشمن میشوند. مثل اینکه با امام، از اعماق وجودشان دشمن بودند.^۱

۱. بیانات در آستانه‌ی سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا و روز ملی مبارزه با استکبار

مخالفت با تحمیل فرهنگ غرب بر ملت‌های مسلمان

از دیگر مسائلی که دشمن استکباری را نسبت به جمهوری اسلامی خشمگین میکند، این است که ما با تحمیل فرهنگ غرب بر ملت‌های مسلمان، مخالفیم. فرهنگ غرب، فرهنگی است که در عین برخورداری از نقاط مثبت، نقاط منفی هم دارد. ما معتقد به تبادل فرهنگها هستیم. ما میگوییم ملتی مثل ملت ایران، یا دیگر ملل مسلمان، باید در میان فرهنگهای عالم نگاه کنند و آنچه را که برایشان مفید و به‌دردبخور است، جذب و از آن استفاده کنند. از این فرهنگها، آنچه را هم که برایشان لازم و مفید نیست باید طرد کنند. اما دولت‌های غربی، سردمداران نظام‌های استکباری و بخصوص نظام آمریکا، اصرار دارند با انواع و اقسام طرق، فساد و بی‌بندوباری را که جزو خصوصیات فرهنگ غربی است، به ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی تزریق و تحمیل کنند. ما با این روشها، که مختص امروز هم نیست و در تاریخ معاصر، مسبوق به سابقه است، مخالفیم. ما میگوییم چرا شما آن روشی را که خودتان درباره‌ی زنان انتخاب کردید و صددرصد به زیان آنان و منافع جوامع و مصالح انسانیت و بر خلاف عقل سلیم و منطق درست است، می‌خواهید به ملت‌های دیگر تحمیل کنید؟! شما برای این منظور، از وسایل تبلیغاتی و طرق گوناگون استفاده میکنید. ما با این مخالفیم. و این از جمله مواردی است که سردمداران استکباری را خشمگین میکند.^۱

صدور انقلاب؛ علت دشمنی استکبار

هرکس، در هر جای دنیا برای عزت اسلام قیام کند، ما از او حمایت معنوی و سیاسی میکنیم. دشمن میخواهد بگوید «شما پشتیبانی مادی میکنید.» این، دروغ است. دشمن میخواهد بگوید «شما با نهضتهایی که در کشورهای اسلامی است، ارتباط دارید.» ما ارتباط سازمانی را، ارتباط رسمی را، ارتباط به آن معنایی را که دشمن در نظر دارد، جداً تکذیب میکنیم. البته امروز همه‌ی کسانی که در دنیای اسلام، به نام اسلام صدا

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۲/۳/۱۴

فصل سوم: علل و دلایل دشمنی / ۵۹

بلند میکنند، تحت تأثیر امام بزرگوار ما هستند. در اینکه تردیدی نیست. دشمن به ما میگوید چرا انقلابتان را صادر میکنید؟ ما در جواب دشمن میگوییم انقلابمان را صادر نمیکنیم. انقلاب ما صادر شد و گذشت و تمام شد! شما در مقابل یک عمل انجام شده قرار دارید. صدور انقلاب به معنای صدور یک کالا نیست که به طور دائم، آن هم به وسیله اشخاص بخواهد ادامه داشته باشد. صدور یک فکر و یک اندیشه، به معنای آن است که آن اندیشه، صحیح است و دل انسانها را در اکناف عالم، به خود جذب میکند. این کار انجام گرفت و روزبه روز آثارش را در دنیا حتی بعد از رحلت امام بزرگوار ما نشان میدهد. ولی ما حمایت معنوی و سیاسی میکنیم. ما جوانانی را که در مصر، یا در الجزایر، یا در سایر کشورهای اسلامی، به نام اسلام سخن میگویند، یا مسلمانانی را که در تاجیکستان از تفکر اسلامی و قرآنی حمایت میکنند، یا مسلمانانی را که در هند، هویت اسلامی خودشان را میخواهند حفظ کنند، یا مسلمانان مظلومی را که در عراق زیر فشار رژیم بعثی قرار دارند، یا هر گروه مسلمانی را که در هر نقطه‌ی عالم تفکر اسلامی را احیا میکند، قبول داریم و حمایت میکنیم. قلباً برای آنها دعا میکنیم و از بُعد سیاسی، در سطح جهان از آنها حمایت مینماییم. این هم یکی از مسائل است.^۱

علل دشمنی با پیشرفت هسته‌ای ایران اسلامی

یکی از علل دشمنی استکبار و توطئه‌های جهانی با ملت ایران در قضیه‌ی انرژی هسته‌ای و قضایای مشابه همین است. شما ببینید در همان حالی که آمریکاییها پیشقراولند و بعضی از اروپاییها هم دنباله‌رو آمریکا در ضدیت با دستیابی ملت ایران به انرژی هسته‌ای و تلاش میکنند و تهدید میکنند و الفاظ درشت به کار میبرند، میروند با کشورهای دیگری که از لحاظ علمی و صنعتی به مراتب عقب مانده‌تر هستند و بسیار با ملت ایران فاصله دارند، قرارداد انرژی هسته‌ای مینبندند!

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۲/۳/۱۴

معنای این حرف چیست؟ معنایش این است که اگر انرژی هسته‌ای موجب وابستگی بیشتر یک ملت به خودشان شود، آن را برای آن ملت مجاز میدانند. آنها با آن انرژی هسته‌ای مخالفند که یک ملت با ابتکار خود، به دست خود، بدون نیاز به آنها، با استقلال کامل به دست آورده است. جوانان عزیز ما، ملت بزرگ ما، این امتیاز را پیدا کرده‌اند که به این رتبه‌ی علمی و صنعتی پیشرفته با اتکاء به نیروی خود رسیدند؛ وابستگی ایجاد نکردند، بلکه این ضد وابستگی است. همین انرژی هسته‌ای برای دیگر ملتها که دولتهای مستکبر به آنها میدهند، موجب وابستگی است؛ اما برای ملت ایران که خود از درون میجوشد، ابتکار میکند، نوآوری میکند، خودش خلاقیت و تولید میکند، موجب قطع وابستگی است. استکبار جهانی و دشمنان ملت ایران، با این دشمنند.^۱

خشمگینی دشمن از نظام اسلامی

در بسیاری از کشورهای دیگر دنیا، به برکت همین احساس هویت و بیداری اسلامی که این انقلاب به وجود آورد، امروز جمعیت‌های اسلامی حضور دارند، قوی‌اند و برای خودشان آینده دارند. اگر بگذارند، احتمال دارد دولت هم تشکیل دهند. این جمعیتها، مخالفان و دشمنان اسلام را تهدید میکنند؛ آمریکا را دشمن می‌شمارند، دشمنان اسلام را دشمن می‌شمارند. این موضوع، بیشتر از همه چیز استکبار جهانی را خشمگین میکند. البته وقتی آمریکاییها، یا همدستانشان، یا شبکه‌ی صهیونیستی خبرگزاریها و روزنامه‌نگاران دنیا، می‌خواهند علیه انقلاب و ملت ایران قلم‌فرسایی کنند یا حرف بزنند، تهمتهایی را ردیف میکنند و می‌گویند: شما ضد حقوق بشرید، حقوق زن را رعایت نمی‌کنید، می‌خواهید سلاح اتمی درست کنید و غیره. اما اینها ظاهری است؛ بهانه است. باطن قضیه این نیست. باطن قضیه همین موضوعی است که عرض کردم. اینها می‌گویند شما چرا موجب شده‌اید که در دنیا هر جا مسلمانی هست،

۱. بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴

فصل سوم: علل و دلایل دشمنی / ۶۱

احساس هویت کند، بیدار شود، طلبکار شود و از حالت بره‌ای مطیع و رام و زیرکارد بیرون آید؟!^۱

انگیزه‌های دشمن برای تهدید و دشمنی کردن

دلایلی وجود دارد که انگیزه‌ی دشمن برای تهدید و دشمنی کردن، به این زودیه‌ها از بین نرود و ادامه پیدا کند یا گاهی تشدید شود. یکی از آنها این است که میلیاردها دلار خرج کرده‌اند. البته دلشان نمی‌آید به خودشان بباوراند که خرجهایی که برای ضربه‌زدن به نظام اسلامی کرده‌اند، همه بیهوده بوده است. یک دلیل این است که امیدوارند روح دینی در جوانان ما زایل شده باشد. اگر خبرنگارشان در منطقه‌ای از شهرهای ایران چهار نفر جوان را پیدا کرد و توانست از آنها حرفهایی را ضبط کند که معنایش بی‌اعتنایی به دین باشد، این را بزرگ میکنند و به همه‌ی جوانان کشور تعمیم میدهند و خودشان را دلخوش میکنند و به خود امید میدهند که روح دینی، روح ایمان و روح پابندی به حفاظت از ایمان مذهبی در ایران ضعیف شده است! البته اشتباه میکنند. امروز اگر حادثه‌ای به وقوع بپیوندد که در آن، ملت ایران احساس خطر کند، تعداد جوانانی که فداکارانه و داوطلبانه حاضرند برای خدا، نظام اسلامی و منافع ملتشان سینه سپر کنند و جلو بروند، یقیناً بیشتر از دوران جنگ تحمیلی است. جوانان ما همان شور و هیجان، همان ایمان و همان آمادگی‌ای که چشم دنیا را در دوران جنگ تحمیلی خیره کرد، امروز هم دارند.^۲

جمهوری اسلامی؛ مهمترین خطر برای دشمن

انقلابی به وجود آمده است و حکومت مقتدری با رهبر عظیمی مثل امام راحل، خود را به دنیا نشان داده است. اگر میتوانستند جلوییش را بگیرند، علاج آن بود؛ اما نتوانستند و این اتفاق افتاد. حال که اتفاق افتاده

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۹ رمضان ۱۴۱۶) ۱۳۷۴/۱۱/۲۰

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۸/۸

و کار گذشته است، چه کار کنند؟ دو راه بیشتر ندارند. اگر توانستند یکی از این دو راه را بروند و به یکی از این دو مقصود برسند، خطر از سر استکبار برطرف شده است، وگرنه خطر هست. تلاش آنها برای این است که یکی از این دو راه را در پیش گیرند. یکی این است که جمهوری اسلامی؛ این بنای مستحکم را مضمحل کنند و از بین ببرند. اگر بتوانند چنین کاری بکنند، برای مسلمانان عالم تجربه میشود و میگویند: «خوب؛ چه فایده‌ای دارد! ما زحمت بکشیم، کشته بدهیم، این همه مشکل برای خود درست کنیم و آخرش هم بعد از پنج سال، ده سال، پانزده سال، مثل ایران شویم. جمهوری اسلامی از بین رفت، تمام شد.» این یک تجربه میشود. خطر از سر دشمن، به خیال خودش، برطرف میگردد. این تحلیل آنهاست. البته ما در این خصوص هم حرف داریم. اگر این کار نشدنی و رؤیای بی‌تعبیر؛ یعنی از بین بردن جمهوری اسلامی - العیاذ بالله - روزی انجام گیرد، باز مشکل استکبار لاینحل باقی خواهد ماند؛ هرچند آنها خیال میکنند مشکلشان حل خواهد شد. به این دلیل تلاش میکنند بلکه بتوانند این نظام را با محاصره‌ی اقتصادی، جنگ و تهدید، مضمحل کنند و از بین ببرند. تاکنون چندین بار هم تصمیم گرفتند کارهای خطرناک بکنند؛ اما دیدند نمیشود. به‌رحال گیر کرده‌اند؛ مانده‌اند که با جمهوری اسلامی چه کنند!^۱

آگاهی اسلامی و بیداری؛ علت دشمنیها

امروز بحمدالله جوامع اسلامی به اهمّیت نظام اسلامی واقف شده‌اند. در طول سالهای متمادی، نویسندگان و گویندگان بزرگ و دل‌های فراوانی به این سمت متوجّه شده‌اند. بیداری اسلامی شروع شده است؛ جوامع اسلامی به اهمّیت این ذخیره‌ای که در اختیار آنهاست، واقف شده‌اند؛ البته به همین نسبت هم دشمنیهای دشمنان اسلام زیاد شده است. مرتّب مشغول تفرقه‌افکنی و اختلاف‌اندازی بین ملت‌های مسلمانند تا با تحریک قومیتها و ملیت‌ها و عرقها و تعصّبات، هر گروهی را به سمتی بکشند. این

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۹ رمضان ۱۴۱۶) ۱۳۷۴/۱۱/۲۰

فصل سوم: علل و دلایل دشمنی / ۶۳

نشاندنده‌ی آن است که دشمن فهمیده است آگاهی اسلامی و بیداری اسلامی در محیط مسلمان‌نشین عالم، کار خود را میکند. حقیقت هم همین است. یقیناً همین احساس، ملت‌های اسلامی را به سمت نظام اسلامی و به سمت تشکیل امت واحده‌ی اسلامی خواهد کشاند؛ این یک آینده‌ی حتمی است. این دشمنیها هم اثری ندارد. نیروی اسلام بالاتر از این حرفهاست؛ کماینکه در ایران اسلامی، نقطه‌ای که هیچ‌کس تصور آن را نمیکرد، همین بود که نیروی عظیم اسلامی توانست مردم را متحد کند؛ دلها را به هم نزدیک نماید؛ ایمان اسلامی را پشتوانه‌ی این حرکت قرار دهد و یک نظام اسلامی را در اینجا به وجود آورد. این امری است که اتفاق افتاده است.^۱

قصد دشمن؛ نابودی جمهوری اسلامی

وقتی به آنها گفته شد که دشمن قصد دارد با تهاجم نظامی، نظام جمهوری اسلامی را منهدم کند و از بین ببرد، مردم قبول کردند و به میدان جنگ رفتند و از موجودیت جمهوری اسلامی و تمامیت کشور دفاع کردند. با گذشت زمان، روشن شد که قضیه چه بوده است. همه فهمیدند که قصد دشمن از سازماندهی این حمله و تهاجم نظامی، همین بود که نظام جمهوری اسلامی را از بین ببرد. مسأله، یک مسأله‌ی مرزی و اختلاف دو همسایه نبود.^۲

مخالفت دشمن با محور تربیت و تعلیم قرآنی

امروز دنیای اسلام تشنه‌ی عمل به قرآن است؛ و دشمنان اسلام این را نمیخواهند. بدیهی است که دشمنان اسلام صریحاً نمیگویند ما دشمن قرآنیم یا دشمن اسلام. «یخادعون الله و الذین امنوا»؛^۳ آنها با خدا هم

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت میلاد پیامبر

اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) ۱۳۷۸/۴/۱۰

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۷/۲۸

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۹

خدعه میکنند، با بندگان خدا هم خدعه میکنند. آنها میگویند ما طرفدار اسلامیم، اما درست به همان نقطه‌ای که اسلام از ما میخواهد، به آن نقطه حمله میکنند.

امروز شما میبینید در بعضی از کشورهای اسلامی، طرح مسأله‌ی جهاد جرم است؛ در کتاب درسی نباید مسأله‌ی جهاد مطرح بشود، در گفتگوهای کسانی که به نحوی با دستگاه‌های دولتی مرتبطند، اسم جهاد و اسم شهادت نباید مطرح بشود. به این چیزها و به عمل ما حمله میکنند. اتحاد اسلامی را ضربه میزنند، دلها را نسبت به یکدیگر بدبین میکنند، مسأله‌ی سنّی و شیعه، مسأله‌ی فرق گوناگون بین شیعیان، مسأله‌ی فرق گوناگون بین اهل تسنّن؛ اینها موضوع کارهای دشمنان اسلام است. نمیگوید من با قرآن مخالفم، اما با آنچه که محور تربیت و تعلیم قرآنی است، با او مخالفت میکند، که مثالش همین مثال وحدت است. چقدر خیرخواهان زحمت میکشند که بین برادران در دنیای اسلام اتحاد ایجاد کنند، یک وقت میبینیم از یک جا بمبی منفجر شد. بمب ضد وحدت. یا از آن طرف یا از آن طرف؛ فرقی نمیکند. این چیزهاست که بایستی ما بیدار باشیم، هشیار باشیم. ما مردم ایران هم همینجور. ما آنچه که میگوییم، برای دیگران نیست؛ در درجه‌ی اول برای خودمان است. خود ما باید وحدت را حفظ بکنیم. ببینید همین آیاتی که الآن خواندند: «و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته اخواناً. برادر شدید با هم. و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها!»؛ اسلام شما را از آتش تفرقه نجات داد. فراموش کردید؟ هی این به آن ایراد بگیرد، آن به این ایراد بگیرد؛ فروع را اصل بکنیم، اصول را فراموش کنیم، هی اختلاف بین ما بیفتد. اینکه قرآن میگوید: «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً»^۱، یعنی همه با هم اعتصام به حبل‌الله بکنید، خوب، این «همه» در سطح واحدی که نیستند؛ بعضی ایمانشان قویتر است، بعضی ایمانشان ضعیفتر است، بعضی عملشان بهتر است، بعضی عملشان

۱. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۰۳

۲. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۰۳

فصل سوم: علل و دلایل دشمنی / ۶۵

متوسط‌تر است؛ در عین حال خدای متعال به همه خطاب می‌کند. می‌گوید اعتصام به حبل‌الله را جمعاً بکنید، با هم بکنید. تو بگویی من جداگانه اعتصام به حبل‌الله کردم و دیگری نه؛ او- دیگری- باز بگوید من جداگانه اعتصام به حبل‌الله کردم، این طرف را نه؛ اینکه نمیشود. همدیگر را تحمل کنید. اصولی هست، محورهایی هست؛ اصل این است که در این اصول همدل باشیم.^۱

دفاع از ملت‌های مسلمان؛ علت خشم دشمن از جمهوری اسلامی

یکی دیگر از مسائلی که دشمن را خشمگین می‌کند، دفاع از ملت‌های مسلمان است. برادران و خواهران عزیز! بیش از یک سال است که ملت و دولت ایران، از مردم مظلوم بوسنی دفاع می‌کنند و سخن حق را در آن مورد به زبان می‌آورند. آنچه را که باید انجام گیرد، ما اعلام کردیم. باز هم اعلام می‌کنیم که غرب و بعضی از کشورهای اروپایی و به‌ویژه آمریکا، در قضیه‌ی بوسنی به اندازه‌ی گروه‌های افراطی و متعصب و نژادپرست صرب، گناهکارند. گناه همه‌ی اینها به یک اندازه است. ماههاست اعلام کرده‌ایم که راه حل مسأله‌ی بوسنی این است که راه را باز کنید، بگذارید مسلمانان بوسنی بتوانند به امکانات دفاعی دسترسی داشته باشند و از خودشان دفاع کنند. این، حرفی است که همه‌ی منصفین عالم آن را می‌فهمند و می‌پذیرند. ما نخواستیم مثل بعضی از دولت‌های دیگر، خودمان را در قالب الفاظ فریبنده و بی‌محتوا و پوچ مثل قطعنامه‌های بی‌حاصل شورای امنیت سازمان ملل محصور و زندانی کنیم. ما راه را به‌طور دقیق و مشخص گفتیم: حمایت از ملت‌ها. حمایت از ملت بوسنی. حمایت از ملت فلسطین. این راهی است که پیمودنش وظیفه‌ی ماست و درست همین موضوع است که دشمنان استکباری ما را خشمگین می‌کند.^۲

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات قرآن ۱۳۸۸/۵/۳

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۲/۳/۱۴

تلاش دشمن جهت تضعیف اسلام

ملت ایران بداند: امروز بزرگترین تلاشها و جهادها در سطح جهان که از نظر خدای متعال در جهت تحکیم اسلام و پیام اسلام است، این است که ایران اسلامی آباد و برکاتش آشکار شود. باید زندگی در این کشور مایه‌ی رشک ملت‌های دیگر شود، تا بخواهند از آن درس بگیرند. این، عاملی است که دشمن را محکوم میکند. دشمن میخواهد وانمود کند که اگر کشور و ملتی به آغوش اسلام پناه برد، باید در فقر زندگی کند، از پیشرفتهای علمی محروم بماند و نتواند خود را اداره کند. ملت ایران! شما در طول این شانزده سال- از اول انقلاب تا امروز- با این خواست دشمن جنگیده و مبارزه کرده‌اید. شما ملت بزرگ، عزیز، هوشیار و توانا، کاری کردید که کشور شما که در آغوش و زیر پرچم اسلام زندگی میکند، بتواند برای کشورهای دیگر الگو باشد. شما ملت ایران برای بازسازی این کشور خیلی زحمت کشیدید. هشت سال جنگ تحمیلی را از سر گذراندید؛ با دخالت دشمن مبارزه کردید؛ مرزها را حفظ کردید؛ استقلال را تأمین کردید و تا امروز، در آبادی این کشور سعی کرده‌اید. از امروز به بعد، وظیفه‌ی عمومی این ملت این است که این کشور را هر چه میتواند آبادتر و آبادتر کند.^۱

۱. بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در مرداد مظهر ۱۳۷۴/۳/۱۴

فصل چهارم ————— ❁
ماهیت و ویژگیهای دشمن

شروع توطئه دشمن همزمان با پیروزی انقلاب

از روز دوازدهم بهمن، توطئه‌ی دشمن شروع شده است. البته تاریخ انقلاب یک بحث دیگر است. باید تاریخ انقلاب را کسانی بنویسند. تاریخ انقلاب هم فقط تاریخ پیروزی انقلاب نیست؛ تاریخ شروع نهضت است. حقیقتاً مردم ما از قضایای طولانی این نهضتی که از روز شروع تا روز پیروزی، پانزده، شانزده سال طول کشید، به تفصیل مطلع نیستند. از قضایای بعد از پیروزی هم، گاهی به وسیله‌ی بعضی افراد، مختصر سخنی گفته میشود؛ اما به‌طور کامل و جامع و ریز، بخصوص با شکل‌های هنری و ماندگار و نافذ، ثبت نشده، یا خیلی کم ثبت شده است. من از کسانی که توانایی این قبیل کارها را، بخصوص در زمینه‌های هنری دارند، واقعاً انتظار دارم. باید تاریخ انقلاب را ثبت کنند. من حالا نمیخواهم تاریخ بگویم. با امروز کار دارم؛ امروز، دشمن در دشمنی خود، یک لحظه کوتاه نیامده است! الآن هم آن دشمنان اصلی، با شدت تمام دشمنی میکنند. البته بعضیها وسط راه میبرند. دشمن، اینطور است. همیشه انسانها در هر بخش، یک طیف هستند؛ بالاخره بعضی زودتر تسلیم میشوند و بعضی جان‌سختی نشان میدهند.^۱

تقسیم‌بندی دشمن

ما چند نوع دشمن داریم: بعضی دشمنها، دشمن هستند؛ اما دائماً

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۵/۱۱/۱۲

نمیخواهند به صورت انقلاب پنجه بزنند. بعضیها نه، دایم میخواهند در چشم انقلاب و نظام اسلامی انگشت فروکنند و پنجه بزنند. وقتی نگاه میکنی، میبینی بعضی از اینها کسانی هستند که بسیار تند و داغ، خیلیها را قبول نداشتند؛ مثل شعله‌ای که از روی خس و خاشاک بلند میشود. البته از چوب محکم هم گاهی شعله‌ی مفصل بلند میشود؛ اما از خس و خاشاک هم که هیچ چیز ندارد، شعله بلند میشود، ولی فوراً میخوابد. گاهی ما کسانی از این قبیل داریم؛ ایمان اینها مستقر نیست؛ مستودع و زوال‌پذیر و بدون تکیه‌ی به یک استدلال محکم است. همانطور که عرض کردیم، این ایمان زایل شده اینطور نیست که وقتی بخواهد برود، زنگ بزند و خبر کند و بگوید رفتم و از این ساعت من دیگر کافر میشوم و نماز نمیخوانم؛ بتدریج انسان نمیفهمد و ملتفت نمیشود که چگونه این ایمان از او زایل شد. خیلی باید مراقب بود و به خدا پناه برد.^۱

دشمنان درونی و بیرونی دولت اسلامی

دولت اسلامی دشمنانی هم دارد. دولت اسلامی دو دسته دشمن دارد؛ یک دسته دشمنان شناخته‌شده هستند. همه‌ی سلطه‌گران و دیکتاتورهای دنیا به دلایل واضح دشمن دولت اسلامی‌اند؛ چون دولت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است. کسانی هستند که به دین یا به ورود دین در عرصه‌ی زندگی معتقد نیستند. به اصطلاح سکولارها. اینها هم با دولت اسلامی مخالفند؛ میگویند اقتصاد باید از دین جدا باشد، سیاست از دین جدا باشد، زندگی اجتماعی از دین جدا باشد، تحرکات و نشاطهای مردمی عمومی از دین جدا باشد. مخالفتها هم در طیف وسیعی انجام میگیرد؛ از مخالف بودن، تا مخالفت کردن، تا معارضه‌های جدی کردن. مترفین بین‌المللی. یعنی ثروتمندان عظیم جهانی که نفت و منابع عمده‌ی جهانی را در اختیار خودشان میخواهند و برای این کار دارند حداکثر تلاش علمی و عملی را میکنند. اینها هم جزو دشمنان

۱. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۳/۸/۲۰

فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن / ۷۱

بیرونی دولت اسلامی‌اند. عرض کردیم دشمنها لزوماً دشمنی نمیکنند؛ بعضی از آنها دشمن‌اند، بعضی دشمنی کردنشان به صورت مخالفت و اعتراض است، بعضی وارد میدان میشوند و گلاویز میشوند. بنابراین انواع و اقسام دشمنی وجود دارد و باید با هر کدام به نحوی برخورد کرد.^۱

نحوه‌ی توطئه دشمنان

شما ملاحظه کنید ببینید توطئه‌های دشمن چگونه است. گروههایی هستند که در اساسیترین مسائل، فکرشان یکی است؛ در اعتقاد به اسلام، در اعتقاد به شریعت، در اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی، در تدین، گاهی در رعایت حتی مستحبات، فکرشان، عقیده‌شان، راهشان، حتی عملشان یکی است؛ اما با تلقین دشمن اینها احساس جدایی و نفرت از هم میکنند؛ در مراکز مربوط به نظام، جلو هم صف‌آرایی میکنند؛ در بین مردم، جلو هم صف‌آرایی میکنند؛ در بخشهای مختلف، جلو هم صف‌آرایی میکنند! در میان این مجموعه‌ها، هر کدام که نسبت به دیگران سختگیرتر، با اعلام دشمنی صریح، تندکننده‌تر و تیزکننده‌تر آتش اختلاف باشد، این چه بداند و چه نداند، بیشتر در خدمت دشمنان این ملت و این نظام است. اتحاد و وحدت هم یکی از شرایط لازم است. این ساختن و تأمین کردن آینده‌ی این نظام است. البته حرف در این باره زیاد است.^۲

پنج دشمن اصلی جامعه‌ی نبوی

پنج دشمن اصلی، جامعه‌ی تازه متولد شده پیامبر ﷺ را تهدید میکنند: ۱. یک دشمن، کوچک و کم‌اهمیت است؛ اما درعین حال نباید از او غافل ماند. یک وقت ممکن است یک خطر بزرگ به وجود آورد. او کدام است؟ قبایل نیمه‌وحشی اطراف مدینه. به فاصله‌ی ده فرسخ، پانزده

۱. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

۲. بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۹/۸/۱۱

فرسخ، بیست فرسخ از مدینه، قبایل نیمه وحشی‌ای وجود دارند که تمام زندگی آنها عبارت از جنگ و خونریزی و غارت و به جان هم افتادن و از همدیگر قاپیدن است. پیغمبر اگر بخواهد در مدینه نظام اجتماعی سالم و مطمئن و آرامی به وجود آورد، باید حساب اینها را بکند. پیغمبر فکر اینها را کرد. در هر کدام از آنها اگر نشانه‌ی صلاح و هدایت بود، با آنها پیمان بست؛ اول هم نگفت که حتماً بیاید مسلمان شوید؛ نه، کافر و مشرک هم بودند؛ اما با اینها پیمان بست تا تعرض نکنند. پیغمبر بر عهد و پیمان خودش، بسیار پافشاری میکرد و پایدار بود؛ که این را هم عرض خواهم کرد. آنهايي را که شریر بودند و قابل اعتماد نبودند، پیغمبر علاج کرد و خودش سراغ آنها رفت. این سربیه‌هایی که شنیده‌اید پیغمبر پنجاه نفر را سراغ فلان قبیله فرستاد، بیست نفر را سراغ فلان قبیله، مربوط به اینهاست؛ کسانی که خوی و طبیعت آنها آرام‌پذیر و هدایت‌پذیر و صلاح‌پذیر نیست و جز با خونریزی و استفاده از قدرت نمیتوانند زندگی کنند. لذا پیغمبر سراغ آنها رفت و آنها را منکوب کرد و سر جای خودشان نشانند.

۲. دشمن دوّم، مکه است که یک مرکزیت است. درست است که در مکه حکومت به معنای رایج خودش وجود نداشت؛ اما یک گروه اشراف متکبر قدرتمند متنفّذ با هم بر مکه حکومت میکردند. اینها با هم اختلاف داشتند، اما در مقابل این مولود جدید، با یکدیگر همدست بودند. پیغمبر میدانست خطر عمده از ناحیه‌ی آنهاست؛ همینطور هم در عمل اتفاق افتاد. پیغمبر احساس کرد اگر بنشیند تا آنها سراغش بیایند، یقیناً آنها فرصت خواهند یافت؛ لذا سراغ آنها رفت؛ منتها به طرف مکه حرکت نکرد. راه کاروانی آنها از نزدیکی مدینه عبور میکرد؛ پیغمبر تعرض خودش را به آنها شروع کرد، که جنگ بدر، مهمترین این تعرضها در اول کار بود. پیغمبر تعرض را شروع کرد؛ آنها هم با تعصب و پیگیری و لجاجت به جنگ آن حضرت آمدند. تقریباً چهار، پنج سال وضع اینگونه بود؛ یعنی پیغمبر آنها را به حال خودشان رها نمیکرد؛ آنها هم امیدوار بودند که بتوانند این مولود جدید- یعنی نظام اسلامی- را که از آن

فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن / ۷۳

احساس خطر میکردند، ریشه‌کن کنند. جنگ اُحد و جنگهای متعدّد دیگری که اتّفاق افتاد، در همین زمینه بود.

آخرین جنگی که آنها سراغ پیغمبر آمدند، جنگ خندق- یکی از آن جنگهای بسیار مهم- بود. همه‌ی نیرویشان را جمع کردند و از دیگران هم کمک گرفتند و گفتند میرویم پیغمبر و دویست نفر، سیصد نفر، پانصد نفر از یاران نزدیک او را قتل‌عام میکنیم؛ مدینه را هم غارت میکنیم و آسوده برمیگردیم؛ دیگر هیچ اثری از اینها نخواهد ماند. قبل از آنکه اینها به مدینه برسند، پیغمبر اکرم از قضایا مطلع شد و آن خندق معروف را کند. یک طرف مدینه قابل نفوذ بود؛ لذا در آنجا خندقی تقریباً به عرض چهل متر کردند. ماه رمضان بود. طبق بعضی از روایات، هوا بسیار سرد بود؛ آن سال بارندگی هم نشده بود و مردم درآمدی نداشتند؛ لذا مشکلات فراوانی وجود داشت. سخت‌تر از همه، پیغمبر کار کرد. در کندن خندق، هر جا دید کسی خسته شده و گیر کرده و نمیتواند پیش برود، پیغمبر میرفت کلنگ را از او میگرفت و بنا میکرد به کار کردن؛ یعنی فقط با دستور حضور نداشت؛ با تن خود در وسط جمعیت حضور داشت. کفّار، مقابل خندق آمدند، اما دیدند نمیتوانند؛ لذا شکسته و مفتضح و مأیوس و ناکام مجبور شدند برگردند. پیغمبر فرمود تمام شد؛ این آخرین حمله‌ی قریش مکه به ماست. از حالا دیگر نوبت ماست؛ ما به طرف مکه و به سراغ آنها میرویم.

سال بعد از آن، پیغمبر گفت ما میخواهیم به زیارت عمره بیاییم. ماجرای حدیبیه^۱ - که یکی از ماجراهای بسیار پرمغز و پرمعناست- در این زمان اتّفاق افتاد. پیغمبر به قصد عمره به طرف مکه حرکت کرد. آنها دیدند در ماه حرام- که ماه جنگ نیست و آنها هم به ماه حرام احترام میگذاشتند- پیغمبر به طرف مکه می‌آید. چه کار کنند؟ راه را باز بگذارند بیاید؟ با این موقّعت، چه کار خواهند کرد و چگونه میتوانند در مقابل او بایستند؟ آیا در ماه حرام بروند با او جنگ کنند؟ چگونه جنگ کنند؟ بالاخره تصمیم گرفتند و گفتند میرویم و نمیگذاریم او به مکه بیاید؛ و

۱. تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۳۱۰

اگر بهانه‌ای پیدا کردیم، قتل‌عامشان می‌کنیم. پیغمبر با عالی‌ترین تدبیر، کاری کرد که آنها نشستند و با او قرارداد امضاء کردند تا برگردد؛ اما سال بعد بیاید و عمره بجا آورد و در سرتاسر منطقه هم برای تبلیغات پیغمبر فضا باز باشد. اسمش صلح است؛ اما خدای متعال در قرآن میفرماید: «اَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا»؛ ما برای تو فتح مبینی ایجاد کردیم. اگر کسانی به مراجع صحیح و محکم تاریخ، مراجعه کنند، خواهند دید که ماجرای حدیبیه چقدر عجیب است. سال بعد پیغمبر به عمره رفت و علی‌رغم آنها، شوکت آن بزرگوار روزبه‌روز زیاد شد. سال بعدش- یعنی سال هشتم- که کفار نقض عهد کرده بودند، پیغمبر رفت و مکه را فتح کرد، که فتحی عظیم و حاکی از تسلط و اقتدار آن حضرت بود. بنابراین پیغمبر با این دشمن هم مدبرانه، قدرتمندانه، با صبر و حوصله، بدون دستپاچگی و بدون حتی یک قدم عقب‌نشینی برخورد کرد و روزبه‌روز و لحظه‌به‌لحظه به طرف جلو پیش رفت.

۳. دشمن سوم، یهودیها بودند؛ یعنی بیگانگان نامطمئنی که علی‌العجله حاضر شدند با پیغمبر در مدینه زندگی کنند؛ اما دست از موذیگری و اخلاصگری و تخریب برنمی‌داشتند. اگر نگاه کنید، بخش مهمی از سوره‌ی بقره و بعضی از سوره‌های دیگر قرآن مربوط به برخورد و مبارزه‌ی فرهنگی پیغمبر با یهود است. چون گفتیم اینها فرهنگی بودند؛ آگاهی‌هایی داشتند؛ روی ذهنهای مردم ضعیف‌الایمان اثر زیاد می‌گذاشتند؛ توطئه می‌کردند؛ مردم را ناامید می‌کردند و به جان هم می‌انداختند. اینها دشمن سازمان‌یافته‌ای بودند. پیغمبر تا آنجایی که می‌توانست، با اینها مدارا کرد؛ اما بعد که دید اینها مدارا بردار نیستند، مجازاتشان کرد. پیغمبر، بیخود و بدون مقدمه هم سراغ اینها نرفت؛ هر کدام از این سه قبیله عملی انجام دادند و پیغمبر بر طبق آن عمل، آنها را مجازات کرد. اول، بنی‌قینقاع بودند که به پیغمبر خیانت کردند؛ پیغمبر سراغشان رفت و فرمود باید از آنجا بروید؛ اینها را کوچ داد و از آن منطقه بیرون کرد و تمام امکاناتشان برای مسلمانها ماند. دسته‌ی دوم،

۱. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۱

بنی‌نضیر بودند. اینها هم خیانت کردند. که داستان خیانت‌هایشان مهم است. لذا پیغمبر فرمود مقداری از وسایلتان را بردارید و بروید؛ اینها هم مجبور شدند و رفتند. دسته‌ی سوم بنی‌قریظه بودند که پیغمبر امان و اجازه‌شان داد تا بمانند؛ اینها را بیرون نکرد؛ با اینها پیمان بست تا در جنگ خندق نگذارند دشمن از طرف محلّاتشان وارد مدینه شود؛ اما اینها ناجوانمردی کردند و با دشمن پیمان بستند تا در کنار آنها به پیغمبر حمله کنند! یعنی نه فقط به پیمانشان با پیغمبر پایدار نماندند، بلکه در آن حالی که پیغمبر یک قسمت مدینه را- که قابل نفوذ بود- خندق حفر کرده بود و محلّات اینها در طرف دیگری بود که باید مانع از این میشدند که دشمن از آنجا بیاید، اینها رفتند با دشمن مذاکره و گفتگو کردند تا دشمن و آنها- مشترکاً- از آنجا وارد مدینه شوند و از پشت به پیغمبر خنجر بزنند! پیغمبر در اثنای توطئه‌ی اینها، ماجرا را فهمید. محاصره‌ی مدینه، قریب یک ماه طول کشیده بود؛ در اواسط این یک ماه بود که اینها این خیانت را کردند. پیغمبر مطلع شد که اینها چنین تصمیمی گرفته‌اند. با یک تدبیر بسیار هوشیارانه، کاری کرد که بین اینها و قریش به هم خورد- که ماجرایش را در تاریخ نوشته‌اند- کاری کرد که اطمینان اینها و قریش از همدیگر سلب شد. یکی از آن حیل‌های جنگی سیاسی بسیار زیبای پیغمبر همین‌جا بود؛ یعنی اینها را علی‌العجاله متوقف کرد تا نتوانند لطمه بزنند. بعد که قریش و همپیمانانشان شکست خوردند و از خندق جدا شدند و به طرف مکه رفتند، پیغمبر به مدینه برگشت. همان روزی که برگشت، نماز ظهر را خواند و فرمود نماز عصر را جلو قلعه‌های بنی‌قریظه میخوانیم؛ راه بیفتیم به آنجا برویم؛ یعنی حتی یک شب هم معطل نکرد؛ رفت و آنها را محاصره کرد. بیست‌وپنج روز بین اینها محاصره و درگیری بود؛ بعد پیغمبر همه‌ی مردان جنگی اینها را به قتل رساند؛ چون خیانتشان بزرگتر بود و قابل اصلاح نبودند. پیغمبر با اینها اینگونه برخورد کرد؛ یعنی دشمنی یهود را- عمدتاً در قضیه بنی‌قریظه، قبلش در قضیه‌ی بنی‌نضیر، بعدش در قضیه یهودیان خیبر- اینگونه با تدبیر و قدرت و پیگیری و همراه با اخلاق والای انسانی از

سر مسلمانها رفع کرد. در هیچکدام از این قضایا، پیغمبر نقض عهد نکرد؛ حتی دشمنان اسلام هم این را قبول دارند که پیغمبر در این قضایا هیچ نقض عهدی نکرد؛ آنها بودند که نقض عهد کردند.

۴- دشمن چهارم، منافقین بودند. منافقین در داخل مردم بودند؛ کسانی که به زبان ایمان آورده بودند، اما در باطن ایمان نداشتند؛ مردمان پست، معاند، تنگ‌نظر و آماده‌ی همکاری با دشمن، منتها سازمان‌یافته. فرق اینها با یهود این بود. پیغمبر با دشمن سازمان‌یافته‌ای که آماده و منتظر حمله است تا ضربه بزند، مثل برخورد با یهود رفتار میکند و به آنها امان نمیدهد؛ اما دشمنی را که سازمان‌یافته نیست و لجاجتها و دشمنیها و خباثهای فردی دارد و بی‌ایمان است، تحمل میکند. عبدالله بن ابی، یکی از دشمن‌ترین دشمنان پیغمبر بود. تقریباً تا سال آخر زندگی پیغمبر، این شخص زنده بود؛ اما پیغمبر با او رفتار بدی نکرد. در عین حال که همه میدانستند او منافق است؛ ولی با او مماشات کرد؛ مثل بقیه‌ی مسلمانها با او رفتار کرد؛ سهمش را از بیت‌المال داد، امنیتش را حفظ کرد، حرمتش را رعایت کرد. با اینکه آنها این همه بدجنسی و خباثت میکردند؛ که باز در سوره‌ی بقره، فصلی مربوط به همین منافقین است. وقتی که جمعی از این منافقین کارهای سازمان‌یافته کردند، پیغمبر به سراغشان رفت. در قضیه‌ی مسجد ضرار، اینها رفتند مرکزی درست کردند؛ با خارج از نظام اسلامی- یعنی با کسی که در منطقه‌ی روم بود؛ مثل ابو عامر راهب- ارتباط برقرار کردند و مقدمه‌سازی کردند تا از روم علیه پیغمبر لشکر بکشند. در اینجا پیغمبر به سراغ آنها رفت و مسجدی را که ساخته بودند، ویران کرد و سوزاند. فرمود این مسجد، مسجد نیست؛ اینجا محلّ توطئه علیه مسجد و علیه نام خدا و علیه مردم است.^۱ یا آنجایی که یک دسته از همین منافقین، کفر خودشان را ظاهر کردند و از مدینه رفتند و در جایی لشکری درست کردند؛ پیغمبر با اینها مبارزه کرد و فرمود اگر نزدیک بیایند، به سراغشان میرویم و با آنها می‌جنگیم؛ با اینکه منافقین در داخل مدینه هم بودند و پیغمبر با آنها کاری نداشت.

۱. بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۲۶۳

فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن / ۷۷

بنابراین با دسته‌ی سوّم، برخورد سازمان‌یافته قاطع؛ اما با دسته‌ی چهارم، برخورد همراه با ملایمت داشت؛ چون اینها سازمان‌یافته نبودند و خطرشان، خطر فردی بود. پیغمبر با رفتار خود، غالباً هم اینها را شرمنده میکرد.

۵. اما دشمن پنجم، دشمن پنجم عبارت بود از دشمنی که در درون هر یک از افراد مسلمان و مؤمن وجود داشت. خطرناکتر از همه دشمنها هم همین است. این دشمن در درون ما هم وجود دارد: تمایلات نفسانی، خودخواهیها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزشهایی که زمینه آن را خود انسان فراهم میکند. پیغمبر با این دشمن هم سخت مبارزه کرد؛ متها مبارزه با این دشمن، به وسیله شمشیر نیست؛ به وسیله تربیت و تزکیه و تعلیم و هشدار دادن است. لذا وقتی که مردم با آن همه زحمت از جنگ برگشتند، پیغمبر فرمود شما از جهاد کوچکتر برگشتید، حالا مشغول جهاد بزرگتر شوید. عجب! یا رسول‌الله! جهاد بزرگتر چیست؟ ما این جهاد با این عظمت و با این زحمت را انجام دادیم؛ مگر بزرگتر از این هم جهادی وجود دارد؟ فرمود بله، جهاد با نفس خودتان! اگر قرآن میفرماید: «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»، اینها منافقین نیستند؛ البتّه عدّه‌ای از منافقین هم جزو «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» آند، اما هر کسی که «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» است- یعنی در دل، بیماری دارد- جزو منافقین نیست؛ گاهی مؤمن است، اما در دلش مرض هست. این مرض یعنی چه؟ یعنی ضعفهای اخلاقی، شخصیتی، هوسرانی و میل به خودخواهیهای گوناگون؛ که اگر جلوییش را نگیری و خودت با آنها مبارزه نکنی، ایمان را از تو خواهد گرفت و تو را از درون پوک خواهد کرد. وقتی ایمان را از تو گرفت، دل تو بی‌ایمان و ظاهر تو باایمان است؛ آن وقت اسم چنین کسی منافق است. اگر خدای نکرده دل من و شما از ایمان تهی شد، در حالی که ظاهرمان، ظاهر ایمانی است؛ پابندیها و دلبستگیهای اعتقادی و ایمانی را از دست دادیم، اما زبان ما همچنان همان حرفهای ایمانی را

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۴۶۶

۲. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۵۲

میزند که قبلاً میزد؛ این میشود نفاق؛ این هم خطرناک است. قرآن میفرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاءُوا السَّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ»؛ آن کسانی که کار بد کردند، بدترین نصیبتان خواهد شد. آن بدترین چیست؟ تکذیب آیات الهی. در جای دیگر میفرماید: آن کسانی که به این وظیفه بزرگ- انفاق در راه خدا- عمل نکردند، «فَاعْتَبِهِمْ نَفَاقًا فِي قُلُوبِهِمُ الَّتِي يَوْمَ يَلْقَوْنَهُمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ»؛ چون با خدا خلف وعده کردند، در دلشان نفاق به وجود آمد. خطر بزرگ برای جامعه اسلامی این است؛ هر جا هم که شما در تاریخ میبینید جامعه‌ی اسلامی منحرف شده، از اینجا منحرف شده است. ممکن است دشمن خارجی بیاید، سرکوب کند، شکست دهد و تار و مار کند؛ اما نمیتواند نابود کند بالاخره ایمان میماند و در جایی سر بلند میکند و سبز میشود. اما آنجایی که این لشکر دشمن درونی به انسان حمله کرد و درون انسان را تهی و خالی نمود، راه منحرف خواهد شد. هر جا انحراف وجود دارد، منشأش این است. پیغمبر با این دشمن هم مبارزه کرد.^۳

دشمن ما، دشمنی جهانی

ما با چالشهای جهانی مواجه‌ایم و دشمن جهانی داریم. نمیخواهند بگذارند زیر پرچم دین و معنویت و اسلام، جامعه‌ای با این خصوصیات به وجود بیاید. این جامعه، اهداف استکباری را هدف قرار میدهد و میکوبد؛ لذا مخالفت وجود دارد. ما با مسائل گوناگونی در عرصه‌ی کشور مواجه هستیم؛ چه مسائل خارجی، چه مسائل داخلی. من همیشه به بعضی از دوستان که می‌آیند سؤالی میکنند و چیزی میگویند، میگویم میدان مبارزه است. ما یک روز با رژیم طاغوت مبارزه میکردیم و طرف مقابل ما پلیس شاه بود؛ امروز با نظام قدرت طلب خونریز جهانی داریم مبارزه میکنیم. مبارزه مشکلاتی دارد؛ این مشکلات را باید تحمل کنیم و

۱. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۱۰

۲. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۷

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۲/۲۸

فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن / ۷۹

به جان بخریم. بنده خودم برای تحمل مشکلات آماده هستم؛ در هر مسئولیتی که باشم. ملت ما هم نشان داده‌اند که آماده‌اند؛ همانطور که یکی از برادران عزیز ما الآن گفت. ملت ما امتحان خوبی داده‌اند. مبارزه، سختی دارد؛ عقب‌نشینی و پیشرفت دارد؛ اما همه چیز باید با حساب و کتاب باشد. در جنگ، عقب‌نشینی هم گاهی تاکتیک است. عقب‌نشینی غیر از فرار است؛ نباید فرار کرد؛ نباید منهزم شد. عقب‌نشینی تاکتیکی یکی از فنون جنگ است؛ مثل پیشروی تاکتیکی است. فرار یعنی عقب‌نشینی بی‌نقشه؛ کمالینکه پیشروی بی‌نقشه هم منجر به شکست خواهد شد. همه چیز باید با میزان و با حساب باشد؛ منتها در جهت حرکت به جلو.^۱

آرایش دشمن به صورت طرحهای روزانه

خبرهایی که از مراکز حساس سیاسی و امنیتی دنیا به دست ما میرسد، نشان میدهد که دستگاههای عظیمی، گسترده‌ای، با بودجه‌های کلانی، به‌طور دائم متوجه به نظام جمهوری اسلامی هستند؛ با انگیزه‌هایی که دارند، که گفته شده است و معلوم است برای ما و شما. دارند کار میکنند؛ هر روز طرحی را به میدان می‌آورند و هر روز عرصه‌ی جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی می‌آیند. و این ادامه هم پیدا خواهد کرد، تا وقتی که مایوس بشوند؛ آن وقتی که نظام جمهوری اسلامی به نصابهای مشخصی در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های امنیتی، در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های اخلاقی برسد. تا جمهوری اسلامی به این نصابهای معین نرسیده است، اینها ادامه پیدا خواهد کرد؛ به آنجا که رسیدیم، دشمن طبعاً مایوس خواهد شد و واقعیت را به‌طور کامل خواهد پذیرفت. به هر حال امروز توطئه‌ی دشمن، توطئه‌ی پیچیده‌ای است.^۲

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاههای استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

درجات دشمن، مختلف است؛ ولی در مجموع، یک جبهه‌ی دشمن به‌وجود آمده است. این جبهه مرتب از اول انقلاب سعی کرده این قلعه را پس بگیرد. هدف این است که حکومت مردمی دینی متکی به ایمان و عشق و اراده‌ی مردم- که امروز در ایران وجود دارد- به یک حکومت وابسته‌ی انحصاری تبدیل شود که آمریکا راحت بتواند با آن مذاکره کند؛ به آن امتیاز شخصی بدهد و از آن امتیاز بگیرد. اما امروز نمیتوانند این کار را بکنند.^۱

فهم دشمن از آسیب‌پذیری انسان

اگر میبینید که مسأله‌ی تهاجم فرهنگی یا شیخون فرهنگی یا قتل عام فرهنگی در این کشور به‌شدت از طرف دشمن دنبال میشود؛ اگر میبینید که تبلیغات دشمن در همه جای دنیا روی جمهوری اسلامی بیش از جاهای دیگر متمرکز است و اگر میبینید که دائم تلاش میکنند ذهن ملت- بخصوص جوانان و مؤمنین- را در داخل جمهوری اسلامی تصرف کنند، به همین سبب است. دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب‌پذیر است. میگویند: «هر انسانی، قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، میتواند فاسدش کرد.» البته راست میگویند؛ با یک استثنا: «الَّا الْمُتَّقِينَ». متقین را نمیتوان فاسد کرد. آنها این را؛ یعنی معنای تقوا را دیگر نمیفهمند. بله؛ انسانها را میتوان فاسد کرد و میتوان زیباییهای دنیا را از طرق نامشروع در جلو چشم آنها به رژه در آورد و دل‌هایشان را بُرد؛ طوری که همه‌ی ارزشها را دور بریزند و در مقابل جلوه‌های مادی قربانی کنند. اما اگر تقوا نباشد: «الَّا الْمُتَّقِينَ». تقوا در قیامت هم اثر میکند، در دنیا هم اثر میکند، در سیاست هم اثر میکند، در حفظ نظام هم اثر میکند، در جنگ هم اثر میکند. و این را خود شما، درک و لمس کردید و دیدید.^۲

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از مردم قم ۱۳۷۹/۱۰/۱۹

۲. بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، به مناسبت «روز پاسدار» ۱۳۷۳/۱۰/۱۵

عصبانیت دشمن

مردم، این انقلاب را به پیروزی رساندند. حکومتی را خود این مردم به وجود آوردند که حرف اولش این است که میگوید، من مصالح این ملت را محترم می‌شمارم؛ نه مصالح کشورها و دولتهای دیگران را؛ هرکس میخواهد باشد. در باب سیاست خارجی و ارتباط با دنیا، حرف اساسی نظام جمهوری اسلامی، این است دیگر. از این موضع، عصبانی‌اند. در گذشته، اگر گفته میشد که نفت را به فلان قیمت بفروشید، میگفتند چشم. به فلان کشورها بفروشید، میگفتند چشم. به فلان کشورها بفروشید، میگفتند چشم. کما اینکه امروز نمونه‌هایش را در اوپک میبینیم. امروز بعضی از کشورها هستند که بخاطر آمریکا، به خاطر سرمایه‌داران بین‌المللی، بخاطر کمپانیهای غربی، قیمت نفت خودشان را از صفر هم کمتر میدهند! یعنی واقعاً این پولی که امروز بابت نفت میگیرند، چیزی نزدیک به صفر است! اگر یک مقدار ملاحظه کنند و مدت و مهلت بدهند، زیر صفر میشود! برای خاطر اینکه مصالح آنها تأمین شود، دستور شرکتهای خارجی و کمپانیهای بزرگ این است که بایستی این ماده حیاتی- که امروز تمدن بشری متوقف به همین نفتی است که متعلق به ماست و اگر نفت ما نباشد، تمام چرخهای بزرگ صنعت عالم از کار خواهد افتاد و تمام شهرها خاموش خواهد شد- با قیمت پایین عرضه شود. نفت هم قسمت عمده‌اش در منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه است. هر چه که آنها بخواهند، بعضی از این آقایانی که در اوپک هستند، همان را عمل میکنند؛ ملاحظه‌ی خودشان را نمیکند.^۱

نمیتوان انتظار داشت که دشمن توطئه و دشمنی نکند؛ او دشمن است و توطئه و دشمنی خواهد کرد. این ما هستیم که باید در مقابل مشکلات و توطئه‌هایی که دشمن سر راه ما میگذارد، صبر و استقامت کنیم و نسبت به ادامه‌ی راه، خسته و کسل و ملول نشویم. از طرف دیگر، باید

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸

از خدا استعانت بجوییم و با او رابطه داشته باشیم و راه او را درست بدانیم و جز حول و قوه‌ی الهی، به نیروی دیگری اعتقاد نداشته باشیم.^۱

دشمن، به‌هرحال دشمن است و من هم نمیتوانم از غیب بگویم آن دشمن بیدار یا خواب است، یا قصد جنگ دارد یا ندارد، یا خواهد جنگید و یا نخواهد جنگید؛ ولی میگویم که دشمن، دشمن است و مادامی که از خودش انصاف نشان نداده است و پشیمانی از تجاوز و تعرض در او مشهود نیست، بایستی از او برحذر بود. دشمن، چنین است؛ مگر اینکه نشان بدهد دشمن نیست.^۲

عزیزان من! ما در شناختن دشمن، دچار اشتباه نخواهیم شد؛ این را دشمن بداند! خیال نکند که اگر آمدند و چند نفر آدم ساده‌لوح و معمم را وادار کردند که حرفی بزنند، ما اشتباه میکنیم و خیال میکنیم که دشمن ما اینها هستند! اینها کسی نیستند! دشمن، خود را پشت پرده پنهان میکند. دشمن که جلو نمی‌آید و خود را نشان نمیدهد. دشمن سعی میکند شناخته نشود! آن کسی که سینه سپر میکند و به خیال خود جلو می‌آید، یک عامل است؛ ممکن است خودش هم نداند عامل است!^۳

بی‌باک بودن دشمن در ارتکاب جنایت

دستهای دشمن، بی‌ملاحظه و در ارتکاب به جنایت بی‌باک است که اگر این حادثه، حادثه‌ای محسوب شود که برنامه‌ریزی کرده و عمداً خواسته باشد آن را به وجود آورد، کسانی را از بهترین عناصر یک کشور- جوان و دانشجو؛ آن هم اینگونه دانشجویانی- انتخاب کند! به خیال او، جرقه اینطوری زده شد. منتها محاسباتش غلط از آب درآمد؛ که حالا من خواهم گفت اشتباهات دشمن در محاسبات کجاها بود. من که

۱. بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۳/۳۱

۲. بیانات در مراسم اعطای نشان فتح به فرماندهان و نیروهای نظامی ارتش و سپاه در عملیات

کربلای ۵ و ۷ ۱۳۶۸/۱۱/۱۵

۳. بیانات در جمع بسیجیان به‌مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن / ۸۳

این اشتباه او را در محاسبه می‌گوییم، میدانم که نمیتواند این اشتباه محاسبه‌ها را درست کند؛ یعنی راهی ندارد. نه اینکه بگویم کجا اشتباه کردی که برود اشتباهش را تصحیح کند؛ نه. دشمن قادر نیست خودش را از این تناقض و از این موقع و موقف اشتباه خارج کند.^۱

انقلاب اسلامی یک تجربه‌ی جدید و یک حرف نو در دنیاست. نظام اسلامی یک حرف تازه در محیط سیاسی عالم است. این چیزی نیست که نظامهایی که منافع کلان قدرتهای مستقر و مسیطر عالم به آن آنها وابسته است، حاضر باشند به آسانی از سرش بگذرند. لذا مقابله و معارضه و کارشکنی و تهدید میکنند؛ برای اینکه بتوانند این تجربه‌ی جدید را به شکست بکشانند. بنابراین، مشکلات، تحمیلی است. علاوه بر ضعفها و فتورها و بی‌فکریها و عقب‌ماندگیهایی که در طول زمان بر ملت و کشور ما تحمیل شد، فشارهای دشمن هم زیاد است. در این محیط حقیقتاً جنگ احزابی، مسئولان نظام وظیفه دارند از همه‌ی توانشان استفاده کنند؛ برای اینکه بتوانند یک قدم جلو بروند و کاری انجام دهند و یکی از مشکلات را حل کنند و گرهها را بگشایند؛ و این با اخلاص، با صفا، با همکاری، با حفظ آن مبانی‌ای که این انقلاب براساس آن به‌وجود آمد، ممکن است. عزیزان من! شما بدانید که دشمن شما، دشمن این انقلاب، دشمن این نظام، برنده‌ترین حربه‌ای که در اختیار خواهد داشت، فقر و گرفتاری اقتصادی مردم است. روی این مسأله باید فکر کرد. گرفتاریهای اقتصادی مردم، همین بیکاری‌ای است که در کلمات شما تکرار میشود و درست هم هست؛ همین کمبودها و همین مشکلات فراوان است. البته فسادهای گوناگون، سوءاستفاده‌های گوناگون، تبعیضهای گوناگون، مشکلات اداری و مشکلات قضایی هم در کنارش هست. اولویّت اوّل برای شما این است که امید مردم را حفظ کنید. اولویّت اوّل این است که شکم مردم را سیر کنید. میشود نشست و

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۵/۸

حرفهای روشنفکری زد: اگر فلان‌طور نشود، فلان‌طور نخواهد شد؛ اگر چنین نشود، چنان نخواهد شد؛ اما باید دید واقعیت چیست.^۱

توهم نبودن توطئه‌ی دشمن

اینجور نیست که شما خیال کنید توطئه نسبت به این کشور، یک توهم است؛ نه، یک واقعیت است؛ از همه طرف دارد توطئه میشود. ممکن است آن کسی که در جهت آن توطئه‌ها در داخل کشور محور حرکت قرار میگیرد، خودش اصلاً نفهمد. فهمیدن این هم ذکاوت میخواهد. بعضیها این ذکاوت را ندارند. ما آدمها را تجربه کردیم؛ نمیفهمند دارند به ساز کی میرقصند. ولی، این واقعیت را عوض نمیکند که آنها بفهمند یا نفهمند؛ بدانند یا ندانند. این توطئه‌ها وجود دارد. در عین حال این کشور، این نظام نه فقط سست نمیشود، ضعیف نمیشود؛ جامعه‌ی علمی‌اش، جامعه‌ی پیشرفته‌اش - که همین شما جوانها باشید - امروزش از ده سال قبلش به صورت آشکاری جلوتر میرود. این معنایش چیست؟ این معنایش حقایقت است. این معنایش اصالت است. این معنایش ریشه‌دار بودن است. «الم تر کیف ضرب الله مثلاً کلمةً طيبةً كشجرةً طيبةً»^۲ اعتقاد ما این است. ما با اعتقاد، با دل کار میکنیم.^۳

توطئه و خدعه‌ی همیشگی دشمن

شما از پیروزی انقلاب گذشته، بارها به دشمن تودهنی زده‌اید و او را دچار شکستی خفت‌بار کرده‌اید؛ اما باز هم دشمن دست به توطئه و خدعه و خبثت خواهد زد. البته او انتظار دارد که ملت ایران دهها بار دیگر هم در مقابله با توطئه‌های خبیثانه‌اش، مشت محکم خود را به دهان و سینه‌ی او بکوبد و انشاءالله خواهد کوبید. برای این کار، بیداری ملت

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره‌ی ششم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۹/۳/۲۹

۲. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۴

۳. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۸/۶

ایران و وحدت کلمه‌ی شما مردم همیشه لازم است.^۱

جنگ تبلیغاتی عظیمی را در هر برهه‌ای که لازم دانستند، علیه جمهوری اسلامی به راه انداختند و در یکی دو هفته‌ی اخیر بعد از بیست و دوی بهمن، پس از آنکه گجی و عدم قدرت تحلیل آنها برطرف شد، حجم عظیمی از تبلیغات را علیه جمهوری اسلامی شروع کردند و هر کاری که توانستند، انجام دادند. ملت ایران باید توجه داشته باشند که دشمن دست به هر کاری میزند: از شایعه‌پراکنی و دروغ‌آفرینی تا تحریک و بزرگ کردن ضعفها و ایجاد فضای غبارآلود و نومیدکننده از آینده؛ درست همان چیزهایی که برای دشمن آرامبخش است.^۲

بعضی خیال میکنند حمله به دشمنان، معنایش این است که انسان حتماً توپ و تفنگ به جایی ببرد؛ یا فریاد سیاسی بلند کند. البته این هم در مواقعی لازم است. بله؛ لازم است انسان فریاد سیاسی هم بزند. بعضی اینطور خیال نکنند که وقتی ما به مسأله‌ی فرهنگ اشاره میکنیم، منظور فریاد کشیدن بر سر دشمن است؛ نه. البته آن هم جای خودش کار لازمی است؛ اما فقط آن نیست. کار سازندگی انسان بر روی خود، بر روی فرزندان، زیردستان و کسان و بر روی امت اسلامی، بزرگترین کارهاست. دشمن دائم پنجه میزند، برای اینکه بتواند این سد عظیم را به نحوی متزلزل یا نازک و نفوذپذیر کند. دشمن که رها نمیکند. دشمن با عظمت ظاهری و پوشالی خود، همه‌ی استکبار غربی و فرهنگ منحط جاهلی و طاغوتی است. این دشمن در طول قرن‌ها به وجود آمده است؛ بر همه‌ی منافذ عالم. منابع اقتصادی، فرهنگی، انسانی و سیاسی. دست و چنگ انداخته است. حالا با یک مانع مهمی که اسلام واقعی است. نه اسلام ادعایی. روبه‌رو شده است. البته اسلام ادعایی هست. اسمشان مسلمان

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۴/۲۳

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پاسداران، در سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار ۱۳۶۸/۱۲/۱۰

است. سر سفره‌ی آن، هم مینشینند؛ هم میچرند؛ انگشتان را هم میلیسند! طبیعی است آنکه ترسی ندارد.^۱

سیاستهای دشمن

ملت ایران باید بداند چه کار بزرگی انجام داده است. طبیعی است که در چنین شرایطی، دشمنان همه‌ی همت خود را علیه نظام جمهوری اسلامی متمرکز کنند. چگونه این کار را بکنند؟ با حمله‌ی نظامی کاری از پیش نمیبرند؛ خودشان هم میدانند. کودتا و روشهای براندازی را تجربه کردند و دیدند کاری از پیش نمیبرند. یک راه برای آنها بیشتر باقی نماند و آن این است که در درون ملت نفوذ کنند؛ افکار و انگیزه‌های مخالف با اسلام را همراه با تهمت و اهانت و نارواگویی نسبت به انقلاب اسلامی گسترش دهند؛ بتدریج دل‌های مردم را نسبت به سرچشمه‌ی جوشان و فیاضی که آنها را در طول سالها وادار به حرکت و مقاومت کرده است، سرد کنند. این جزو کارها و برنامه‌ریزیهای اصلی آنهاست. خود آنها از این حرکت به «فروپاشی» تعبیر کرده‌اند و گفته‌اند ما می‌خواهیم نظام اسلامی فروپاشد! فروپاشی یعنی چه؟ یعنی ملت را نسبت به آرمانهای انقلاب دچار تردید و تزلزل و دودلی کند و مردم پشتیبانی لازم را از نظام نداشته باشند. این، سیاست دشمن است.^۲

خیال نکنید ملت‌های دنیا نسبت به شعارهای شما بی تفاوتند. هرچند دولتهای آنان غالباً محافظه‌کارند و مجبورند به نحوی ملاحظه کنند؛ لیکن ملت‌ها این شعارها را تا اعماق وجود می‌فهمند، می‌شنوند، مینوشند و به آنها معتقد میشوند. اعتقادات مردم ما، شعارهای اساسی امروز ملت‌های مسلمان است. دشمن به شدت از این امر بیمناک است.^۳

هرگز دشمن آرام نمینشیند. یک سیاست خبیثی از دوران طاغوت بر

۱. بیانات در دیدار پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۵/۹/۲۴

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۹/۱

۳. بیانات در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶

فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن / ۸۷

کشور حاکم بود و آن عبارت بود از بیگانه دانستن اقوام گوناگون؛ گرد بیگانه بود، بلوچ بیگانه بود، ترک بیگانه بود، عرب و ترکمن بیگانه بودند، اینها را بیگانه حساب میکردند. در عملکرد آنها هم این معنا مشهود بود.^۱

پابرجا بودن دشمنیها

سربازان انقلاب فقط کسانی نیستند که در هنگام بروز انقلاب حضور داشتند و میتوانستند سربازی کنند. جوانان مؤمن و نواندیش و آزادفکر و پاکدامن امروز ما و نسلهای بعد هم سربازان انقلابند؛ چون انقلاب یک حقیقت همیشه جاوید است؛ انقلاب پرچم عدالت و آزادی و استقلال و عزت است؛ انقلاب پرچم اسلام است. چنین چیزی هرگز کهنه نمیشود، همیشه طرفدار و سرباز دارد و همیشه در میان انسانهای آگاه، دارای دلباخته است. آن کسانی که سعی میکنند جوانان امروز ما را بعنوان نسل سوّم و نسل چهارم و امثال این تعبیرات، پشت کرده به اسلام و انقلاب وانمود کنند، خودشان دلهای افسرده و درمانده و وامانده دارند و حال خودشان را به دیگران تعمیم میدهند، در حالی که حقیقت قضیه این نیست. همچنانکه اسلام ۱۴۰۰ سال پیش ظهور کرد؛ اما حقایق اسلام در تمام دورانهای تاریخ دلهایی را مجذوب خود نمود، جسمها و فکرها و نیروهایی را به حرکت درآورد و تحولات عظیمی را در همه عرصه‌های زندگی بشریت ایجاد کرد. انقلاب یکی از همان تحولات است و نام و حقیقت و روح اسلام عنصر اصلی این انقلاب است؛ لذا همیشه زنده است. البته انقلاب زنده است و به همین دلیل دشمن هم دارد. همچنانکه پیروزی انقلاب و ولادت آن با مقاومت دشمنان روبه‌رو شد، تداوم انقلاب، برپا ماندن و اثربخش شدن آن هم با دشمن و دشمنیها مواجه است.^۲

۱. بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سندج ۱۳۸۸/۲/۲۲

۲. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

دشمن دهان را باز کرده است. یک روز این کشور با همه‌ی امکاناتش در اختیار آمریکا و عوامل آمریکا بود. انقلاب آمد، مسأله را بکلی دگرگون کرد؛ ملت را مستقل کرد، کشور را مستقل کرد، منابع کشور را مستقل کرد. اینها کمین گرفته‌اند و سینه خوابانده‌اند، تا بلکه بتوانند مجدداً کشور و منافع کشور و موارد حیاتی کشور و این ملت را در کام خودشان بگیرند. ملت باید بیدار باشد؛ و بیدار است.^۱

ملت و جوانان باید آماده باشند و ترس از دشمن را در دل خود جای ندهند؛ چون دشمن میخواهد در سایه‌ی این رعب، خرده‌فرمایشها و تحمیل‌های خود را بر گردن این ملت سوار کند؛ بدون اینکه هزینه‌ی یک کار بزرگ و یک دخالت نظامی را متحمل شود. این مربوط به ملت است.^۲

تلاش دشمن در خدشه به انقلاب اسلامی

دشمنان اسلام و انقلاب، با یاد دوران پیروزی انقلاب دشمنند؛ اما علی‌رغم میل آنها، خاطره‌ی انقلاب را بزرگ بشمارید همیشه دشمنان ما خواسته‌اند به این انقلاب خدشه وارد کنند و سیمای منور امام را مخدوش نمایند. شما با گرامیداشت دهه‌ی فجر، تمایل دشمن را خنثی کنید.^۳

یکی از چیزهایی که از اوّل انقلاب از طرف دشمنان شروع شد، همین بود که رواج سکه انقلاب را در دنیا انکار کنند؛ بگویند انقلاب منزوی است و کسی آن را قبول ندارد. الآن هم همان حرفهایی را میزنند

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۷۸/۱۱/۲۶

۲. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۳ آبان ۱۳۸۱/۸/۱۳

۳. بیانات در دیدار با جمعی از علما، مسئولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش‌آموزان و فرهنگیان استانهای تهران و کرمان و مازندران، گروهی از قاریان قرآن کریم ۱۳۶۸/۱۱/۴

فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن / ۸۹

که بیست سال پیش میگفتند. آن روز دروغ بود، امروز هم دروغ است. مفاهیم انقلاب در دنیا زنده است. آنچه را که ما به آن معتقدیم - مردم‌سالاری دینی، خضوع در مقابل دین حق و ارزشهای دینی و اخلاقی، نفرت و معارضة با قدرتهای زورگو، قائل بودن حق برای همه‌ی انسانها و انسانیت - مفاهیمی است که همه‌ی ملت‌ها آنها را قبول دارند؛ می‌پسندند و می‌پذیرند. البته تبلیغات دشمنان، قوی است. من بارها گفته‌ام: امروز زر و زور و تزویر با هم در اختیار استکبار است و تزویرشان به وسیله‌ی همین بوقهای تبلیغاتی است.^۱

شقاوت دشمن؛ عکس‌العمل نسبت به بیداری ملت‌ها

شقاوتی که قدرتهای استکباری در این سالهای اخیر در نقاط مختلف عالم از خودشان نشان دادند، عکس‌العمل بیداری و شجاعت ملت‌هاست. وقتی ملت‌های تحقیرشده، غبار تحقیر را از لباس خود میتکانند و احساس تحقیر را کناری می‌اندازند و سرپا بلند میشوند، قدرتهای تحقیرکننده مجبورند هوای خودشان را داشته باشند. ضربه بر آنها وارد خواهد آمد و وارد آمد و بیشتر از این هم می‌آید. در جوامع اسلامی، موج‌گرایی به اسلام انقلابی، یک موج زنده است؛ هیچ کارش هم نمیتواند بکنند. البته، سرکوب و سختگیری میکنند، تهمت میزنند، رویشان اسم تروریست میگذارند، ولو هیچ ارتباطی هم با جمهوری اسلامی نداشته باشند؛ ولی برای اینکه دو طرف را بکوبانند، این ارتباط را ادعا میکنند. این کارها را دشمن میکند؛ اما آن کاری را که نمیتواند بکند، از بین بردن این موج‌گرایی به اسلام انقلابی در میان ملت‌هاست. این کار را نمیتواند بکند، نتوانستند و بعد از این هم نخواهند توانست انجام بدهند.^۲

موضع ما در مقابل این حرکت‌های مردمی روشن است: هر جا حرکت

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۸۱/۶/۲۴

۲. بیانات در دیدار با خانواده‌های معظم شهدا و مفقودان و اسرا و جانبازان شهرهای رودبار، منجیل، ساوه، اراک، محمودآباد آمل و فریدن و خانواده‌های معظم شهدای وزارت اطلاعات

۱۳۶۸/۱۰/۱۳

اسلامی است، مردمی است، ضدّ آمریکایی است، ما با این حرکت همراهیم؛ اما اگر در جایی بینیم با تحریک آمریکاییها، با تحریک صهیونیستها، یک حرکتی به راه افتاده است، با آن حرکت همراهی نمیکنیم. ما با حرکت‌های ضدّ آمریکایی و ضدّ صهیونیستی همراهیم. آنجایی که خود آمریکا و خود صهیونیستها وارد میدان میشوند تا یک رژیم را ساقط کنند، تا یک کشوری را اشغال کنند، آنجا ما نقطه‌ی مقابل حرکت آمریکاییها قرار میگیریم. آمریکا نمیتواند به نفع ملت‌های این منطقه فکری بکند و کاری بکند؛ هر کاری میکنند و هر کاری تا امروز کردند، بر علیه ملت‌های این منطقه بوده است. این موضع ماست.^۱

کینه‌ی عمیق دشمنان نسبت به مسلمانان و جوامع اسلامی

در جهان اسلام آنچه امروز بروشنی به چشم میخورد، روش خصومت‌آمیز و جبهه‌گیری خشونت‌باری است که از سوی مراکز قدرت استکباری و عمدتاً از سوی آمریکا نسبت به مسلمانان عالم دیده میشود. البته گاهی سعی میکنند با روشها و شیوه‌های سطحی بگویند ما با مسلمانان مسأله‌ای نداریم؛ اما این روشها فایده‌ای ندارد؛ چون در عمل و گفتار، بخصوص در یکی دو سال اخیر، بارها نشان داده‌اند که در دلشان کینه‌ی عمیقی نسبت به مسلمانان و جوامع اسلامی وجود دارد. امروز شاید در سطح دنیای اسلام هیچ کشور اسلامی‌ای را نشود پیدا کرد که از تحریکات و آسیب‌های گوناگون آمریکا و قدرت استکباری محفوظ و مصون باشد. کشورهای عربی، حتی کشورهایی هم که سوابق دوستی سنتی با آمریکا دارند، امروز به انحاء مختلف زیر فشار و مورد آزارند. آنطور که از حرف‌های مسئولان آمریکایی برمی‌آید. که در گفتارها و مصاحبه‌ها و در گوشه و کنار، این حرفها از آنها بروز میکند. هدفشان این است منطقه‌ای را که اتفاقاً دنیای اسلام در آن قرار دارد و از لحاظ سوق‌الجیشی و موقعیت جغرافیایی و همچنین از لحاظ منابع طبیعی - بخصوص نفت - بی‌نظیر و درجه یک است، از وجود مزاحمی به نام

۱. بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره) ۱۳۹۰/۳/۱۴

فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن / ۹۱

اسلام و فکر اسلامی و انگیزه‌های اسلامی بکلی خلاص کنند و آن را صددرصد در مشت و قبضه خود بگیرند. این مطالب، تحلیل نیست. البته یک روز ما همین مطالب را بعنوان تحلیل مطرح میکردیم و میگفتیم اینها با اسلام مخالفند؛ اما امروز این مطالب در واقع خبرهایی است از آنچه وجود دارد و اتفاق می‌افتد و به آن اقرار میکنند. علت واقعی این دشمنی این است که امروز قدرت استکباری آمریکا با حرص روزافزونی درصدد توسعهی قدرت و نفوذ خود است و همانطور که گفتیم منطقه‌ی خلیج فارس- به‌طور خاص- منطقه‌ی خاورمیانه و تقریباً عمده مناطق اسلامی و به یک معنا همه‌ی مناطق اسلامی جزو مناطقی است که اگر قدرت استکباری آمریکا توانست آنها را تحت نفوذ خود درآورد، از لحاظ نفت و گاز- که در واقع رگ حیات دنیای صنعتی کنونی است- و از لحاظ موقعیت سیاسی و جغرافیایی، دیگر دردمندی نخواهد داشت.^۱

همیشگی بودن تهدید دشمن علیه دنیای اسلام

کسی فکر نکند که از دنیای اسلام، تهدید و خطر برطرف شده است. درست است که ما در این سالها پیش رفتیم، مناطقی را در صحنه‌ی سیاسی تصرف کردیم، کارهای زیادی به برکت رهبریه‌ی امام بزرگوارمان و پایداری این ملت انجام شد و ما امروز در دنیا نسبت به سالهای قبل، قویتر، قدرتمندتر و آبرومندتریم و ملتهای عالم، قدرت و عظمت این ملت را فهمیده‌اند و آن را تأیید کرده‌اند و ما دشمن را به میزان زیادی مأیوس کرده‌ایم؛ اما تهدیدها تمام نشده است.^۲

امروز علی‌رغم همه‌ی دشمنیها، همه‌ی خباثتها، همه‌ی لشکرکشیهای تبلیغاتی و سیاسی و امنیتی و اقتصادی و غیره که علیه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی دارند انجام میدهند و در واقع دشمنیها با اسلام است و میخواهند از اسلام انتقام بگیرند، ما به توفیق الهی داریم پیش میرویم؛

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۹/۱

۲. بیانات در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، در اوکین سالگرد آزادی و بازگشت به کشور

آن هم با سرعتی بیش از سرعت متوقع و متعارف. ما داریم خیلی خوب به جلو حرکت میکنیم. اگر هیچ دلیل دیگری بر این وجود نداشته باشد، همین دلیل کافی است که دشمن متوجه و مترصد درصدد عکس‌العمل بر بیاید؛ همین کارهایی که میبینید در تبلیغات و غیرتبلیغات و فشار اقتصادی و بهانه‌های گوناگون در دنیا مطرح میکنند. وقتی جبهه‌ی استکبار- که یک دشمن قوی پنجه‌ی مادی است- اینجور وارد میدان میشود، خود این دلیل بر این است که شما دارید موفق میشوید؛ و آلا اگر شما بی‌اثر بودید، بی‌خاصیت بودید، عقب‌مانده بودید، پیشرفتی نداشتید، دشمن اصراری نداشت که اینجور با شما پنجه در بیندازد؛ دشمن میبیند که شما دارید جلو می‌روید.^۱

منافع مادی دشمن در جنگیدن

داستان تسلیحات و هزینه‌های نظامی، امروز در دنیا یکی از داستانهای غم‌انگیز بشریت است. امروز در دنیا کارخانه‌های اسلحه‌سازی انواع سلاحها را می‌سازند، برای اینکه این سلاحها فروش برود. در دنیا جنگ ایجاد میکنند، انسانها را به جان هم می‌اندازند، دولتها را در مقابل هم قرار میدهند، ایجاد تهدید میکنند تا بتوانند فکر خائنانه و طمع خبثت‌آلود خودشان را تأمین و اشباع و ارضاء کنند. تا وقتی که ابرقدرتها سلسله‌جنبان مسائل جهانی هستند، جنگ در دنیا تمام نمیشود. جنگ برای آنها دارای منافع مادی است. این جنگ، جنگ در راه عدالت نیست. دروغ میگویند آمریکاییها و دیگران که میگویند ما جنگ میکنیم برای اینکه امنیت بدهیم؛ نه، درست عکس این است. هر جا حضور نظامی و حرکت نظامی دارند، موجب ناامنی و موجب بی‌عدالتی و موجب سخت کردن زندگی برای انسانها هستند. از وقتی که این ابزارهای مدرن در دنیا به وجود آمده است، انسانها دچار فشارند. در طول چهل و پنج سال- یعنی از بعد از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۹۰ مسیحی- که به اصطلاح دوران «جنگ سرد» نامیده میشود، در گزارشهای رسمی بین‌المللی آمده

۱. بیانات در دیدار مسئولین اجرایی ۱۳۹۰/۷/۲۸

فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن / ۹۳

است که فقط سه هفته در دنیا جنگ وجود نداشته است! در تمام این چهل و پنج سال، در گوشه و کنار دنیا جنگهایی وجود داشته است. این جنگها را کی به وجود می‌آورد؟ همان کسانی که تسلیحات را تولید میکنند. هزینه‌های نظامی قدرتهای بزرگ، امروز یکی از سرسام‌آورترین هزینه‌هاست. طبق آمارهای خودشان، در همین سال گذشته‌ی مسیحی، دولت آمریکا بیش از ششصد میلیارد دلار صرف هزینه‌های نظامی کرده است! این هزینه‌های نظامی را ما امروز در همسایگی خودمان داریم مشاهده میکنیم. این هزینه‌ها صرف افغانستان میشود، برای سرکوب ملت مسلمان افغانستان؛ صرف عراق میشود، برای در قبضه نگه داشتن ملت عراق؛ صرف کمک به رژیم خبیث صهیونیستی میشود، برای ملت‌هپ نگه داشتن همیشگی خاورمیانه. امروز جهت قدرتهای فاسد این است. اسلام با اینها مبارزه میکند، با اینها مخالفت میکند.^۱

ترس عدّه‌ای از دشمنیها

عدّه‌ای نگاه میکنند به دشمنیها، دلشان را از دست میدهند؛ زهره‌شان آب میشود از اینکه میبینند دهانهای از خشم گشوده، علیه جمهوری اسلامی بدگویی میکنند، حرف میزنند. خوب، همه‌ی نظامهای عالم، همه‌ی حکومتهای عالم دشمنانی دارند و دوستانی؛ امروز هم اینجور است، در طول تاریخ هم اینجور بوده. هیچ حکومتی را شما پیدا نمیکنید که همه‌ی مردم در داخل آن حکومت و خارج آن حکومت با او خوب باشند یا همه با او بد باشند؛ نه، یک عدّه‌ای موافق دارند، یک عدّه‌ای مخالف.^۲

وقاحت و پرویی دشمن

امروز نمیخواهم بگویم که دشمنان مسلح به پول و زور بیکارند و ضربه نمیزنند. ضربه میزنند و حرفهایشان را هم میشنوید. امروز آنقدر

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث ۱۳۸۹/۴/۱۹

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۶/۲۰

هم بی‌حیا شده‌اند که صریحاً می‌گویند: ما رفتیم به فلان کشور و گفتیم که رابطه‌اش را با ایران قطع کند، یا فلان کشور، معامله‌اش را چنان کند. وقاحت دشمنان ما- بیش از همه آمریکاییها- آنقدر هست که تصریح هم میکنند! صهیونیستهای بی‌وجود مجهول‌الهویه مجعول‌النسب هم که جرأت نمیکردند اظهار وجودی بکنند و همه‌ی تلاششان برای دفاع از خود مصروف بود، اکنون بخاطر بدکرداری بعضی از رؤسای عرب در منطقه، کارشان به جایی رسیده است که اینجا و آنجا میروند و میگویند با ایران اینگونه و آنگونه رفتار کنید! گفت: «یکی را به ده راه نمیدادند، سراغ خانه‌ی کدخدا را میگرفت.» وجود خودشان در منطقه زیادی است، حالا راه افتاده‌اند که فلان و فلان!^۱

در سطح جامعه، تشنج، اغتشاش، درگیری مصلحت نیست؛ این چیزی است که دشمن میخواهد. دشمن میخواهد جامعه آرام نباشد. امنیت، مهم است. دشمنان امنیت مردم دوست دارند که مردم در ناامنی زندگی کنند، ناراحت بشوند، کلافه بشوند، عصبانی بشوند؛ ما این را نمیخواهیم. ما میخواهیم مردم زندگی‌شان، زندگی آرامی باشد.^۲

عکس‌العمل دشمن، نشاندهنده‌ی صحت کار ما

تاریخ کوتاه انقلاب ما سرشار از حوادثی است که هرکدام از آنها به تنهایی ملتی را به تفکر و تأمل وادار میکند. در همه‌ی این رویدادها، دو نکته‌ی روشن مشاهده میشود: اول، خبثت دشمن؛ و دوم، مقاومت و ایمان عمیق و کم‌نظیر ملت مسلمان و بااخلاص ما. بارها گفته‌ام که قبل از پیروزی انقلاب، دستگاه جبار برای هر کلمه‌ای که منادیان نهضت اسلامی در سرتاسر کشور بر زبان می‌آوردند، فشارهای زیادی را متوجه آنها میکرد؛ در حالی که خودشان علی‌الظاهر کارهای شبه‌اسلامی-

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، به مناسبت «روز

پاسدار» ۱۳۷۳/۱۰/۱۵

۲. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۱۳۸۸/۹/۲۲

فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن / ۹۵

سخنرانی مذهبی، تلاوت قرآن، روضه خوانی و... انجام میدادند! آنها روی کارهای مبارزان، به شدت حساس بودند. عکس العمل دشمن در آن زمان، نشاندهنده‌ی صحت کار ما بود. اصولاً تا وقتی دشمن تهدید نشود، به عکس العمل وادار نخواهد شد. عکس العمل دشمن، نشاندهنده‌ی این است که کار و حرف و پیام و اقدام ما برای او خطرناک است.^۱

خواست دشمن، کنار آمدن جمهوری اسلامی با آنها

انقلاب اسلامی تحول عظیمی را در شخصیت و روح و وجود مسلمانان در همهی عالم به وجود آورده است و باید هم به وجود بیاورد و این را هم خبر داریم که آنها از این موضوع به شدت عصبانی اند. استکبار در مقابل این پدیده دو راه بیشتر ندارد. اگر توانست یکی از این دو راه را در پیش گیرد، خود را از خطر بیداری اسلامی نجات میدهد. به هر حال، انقلابی به وجود آمده است و حکومت مقتدری با رهبر عظیمی مثل امام راحل، خود را به دنیا نشان داده است. اگر میتوانستند جلویش را بگیرند، علاج آن بود؛ اما نتوانستند و این اتفاق افتاد. حال که اتفاق افتاده و کار گذشته است، چه کار کنند؟ دو راه بیشتر ندارند. اگر توانستند یکی از این دو راه را بروند و به یکی از این دو مقصود برسند، خطر از سر استکبار برطرف شده است، وگرنه خطر هست. تلاش آنها برای این است که یکی از این دو راه را در پیش گیرند. یکی این است که جمهوری اسلامی؛ این بنای مستحکم را مضمحل کنند و از بین ببرند. اگر بتوانند چنین کاری بکنند، برای مسلمانان عالم تجربه میشود و میگویند: «خُب؛ چه فایده‌ای دارد! ما زحمت بکشیم، کشته بدهیم، این همه مشکل برای خود درست کنیم و آخرش هم بعد از پنج سال، ده سال، پانزده سال، مثل ایران شویم. جمهوری اسلامی از بین رفت، تمام شد.» این یک تجربه میشود. خطر از سر دشمن، به خیال خودش، برطرف

۱. بیانات در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه، روحانیون، مسئولان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اقشار مختلف مردم و خانواده‌های معظم شهدای استانهای یزد و کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۶۸/۴/۱۱

میگردد. این تحلیل آنهاست. البته ما در این خصوص هم حرف داریم. اگر این کار نشدنی و رؤیای بی‌تعبیر؛ یعنی از بین بردن جمهوری اسلامی- العیاذ بالله- روزی انجام گیرد، باز مشکل استکبار لاینحل باقی خواهد ماند؛ هرچند آنها خیال میکنند مشکلشان حل خواهد شد. به این دلیل تلاش میکنند بلکه بتوانند این نظام را با محاصره اقتصادی، جنگ و تهدید، مضمحل کنند و از بین ببرند. تاکنون چندین بار هم تصمیم گرفتند کارهای خطرناک بکنند؛ اما دیدند نمیشود. به‌هرحال گیر کرده‌اند؛ مانده‌اند که با جمهوری اسلامی چه کنند! راه دوم که به خیال آنها آسانتر است؛ اما همان اثر را دارد، این است که کاری کنند جمهوری اسلامی بماند، لکن با استکبار- دشمن دیروز- کنار بیاید و دست از شعارهای مخالف خود بردارد. اگر این کار هم انجام گیرد، باز خطر از سر استکبار برطرف شده است. چرا؟ چون سازش و کنار آمدن جمهوری اسلامی با استکبار، روحیه‌ی مسلمانان را- که در همه جای دنیا روحیه پیدا کرده‌اند- دچار ضربه و صدمه خواهد کرد و خواهند گفت: «فایده‌ای ندارد! ملّتها جان میکنند، زحمت میکشند، بعد رهبران، مثل رهبران جمهوری اسلامی ایران میشوند. ببینید چه کردند! در نهایت تن به سازش دادند!» باز خطر از سر استکبار برطرف خواهد شد. تمام کارهایی که امروز آمریکا و صهیونیسم و مزدوران و ایادی آنان و شبکه‌ی تبلیغاتی و نظامی و امنیتی و بقیه‌ی وابستگانشان میکنند، در جهت یکی از این دو راه است. میگویند یا ضربه بزنی که جمهوری اسلامی از بین برود، یا فشار بیاوریم که مسئولان جمهوری اسلامی بیایند بگویند ما با شما آشتی میکنیم! خوب؛ بالاخره آنها هم آرزوهایی دارند! بالاخره رؤسایشان هم جوانند و آرزو بر جوانان عیب نیست! بگذار آرزو کنند که یا جمهوری اسلامی را دچار شکست و اضمحلال کنند، یا جمهوری اسلامی را وادارند که از آمریکا عذرخواهی کند و بگوید ما این چند ساله بدی کردیم؛ به شما بد گفتیم، مرگ بر آمریکا گفتیم، شما ببخشید! آنها آرزوی خودشان را دارند؛ اما نکته‌ی اساسی اینجاست که آیا این آرزوی خام، شدنی است یا نه؟ من عرض میکنم: ملّت ایران! ای کسانی که در زمان

فصل چهارم: ماهیت و ویژگیهای دشمن / ۹۷

حاضر بزرگترین حماسه‌ی تاریخ معاصر را به وجود آوردید! بدانید که این آرزوهای آمریکا در یک صورت نشدنی و در صورت دیگر کاملاً شدنی است. در چه صورتی نشدنی است؟ در صورتی که آحاد و قشرهای مردم، همچنان که در صحنه حضور داشتند، انقلاب را مال خودشان و مسئولان را از خودشان دانستند و به مسائل کشور و انقلاب حسّاس بودند، از اکنون به بعد هم در صحنه حضور داشته باشند، انقلاب را مال خودشان بدانند.^۱

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۴/۱۱/۲۰

فصل پنجم ————— ❁
اهداف دشمن

لزوم شناسایی اهداف و ترفند دشمن

یکی از هدفهای دشمن این است که با تحریک احساسات، در کشور ایجاد ناامنی کند. من قویاً توصیه میکنم که بخاطر احساسات و بخاطر طرفداری از فلان کس، مبدا برخلاف قانون اقدامی شود. من به هیچ وجه اجازه نمیدهم. دشمن وقتی بخواهد ایجاد اغتشاش و درگیری کند، برایش چندان مشکل نیست که چهار نفر مزدور را در بین بچه‌های مؤمن، بچه‌های حزب‌اللهی و بچه‌های صادق بفرستد؛ بعنوان طرفداری از رهبری، بعنوان اینکه رهبری مظلوم واقع شده، بیاید کمک کنید؛ سپس جنجال درست کنند! مراقب نفوذیها باشید. من میخواهم فقط شما بدانید؛ میخواهم افکار عمومی بی‌خبر نماند از اینکه دشمن در زمینه‌ی مسائل فرهنگی در کشور چه میکند و هدفهایش چیست. هدفهای دشمن از این کارها عبارت است از بی‌ایمان کردن، ایجاد گسست بین نسل کنونی و نسل گذشته و کوچک کردن افتخارات بیست سال اخیر. همه‌ی مردمان با فرهنگ در کشورها سعی میکنند افتخارات گذشته‌ی خودشان را بزرگ کنند. این جنگ هشت ساله و این دفاع مقدس، از بزرگترین افتخارات ملت ایران بود. همه‌ی دنیا- ناتو، کشورهای بلوک شرق، خود آمریکا، کشورهای مرتجع منطقه- با هم همدست شدند، به عراق کمک کردند و به ایران فشار آوردند؛ اما نتوانستند یک وجب از خاک این کشور را اشغال کنند.^۱

۱. بیانات در دیدار با جوانان در مصلائی بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

فهمیدن افکار دشمن

در جبهه، یک فرماندهی خوب، آن کسی است که بتواند بفهمد دشمن از کجا می‌خواهد حمله کند و این را به نیروهای خودش تفهیم نماید. در دوران جنگ تحمیلی، جوانانی که آن روز در میدان جنگ بودند، این نکته را خیلی خوب میدانند. اگر در هر نقطه‌ای که شما هستید، بتوانید بفهمید دشمن در فکر چیست، یقیناً مبالغه زیادی از حمله‌ی دشمن را پیشگیری خواهید کرد و خودتان را مصونیت خواهید بخشید و کارهایی را که باید انجام دهید، انجام خواهید داد. البته ما نمی‌خواهیم حالا دشمن معرفی کنیم. غالباً ملت ایران دشمنان بین‌المللی و جهانی خودش را می‌شناسد. اما هدفهای دشمن در این مرحله چیست؟ اگر از من سؤال کنند، من میتوانم دو، سه هدف را بعنوان هدفهای مرحله‌ای دشمن در این مقطع زمانی برای کشور و ملت نام ببرم. البته برخلاف تبلیغات رادیوهای همان دشمنان، ما ادعا نمی‌کنیم که آنچه ما می‌فهمیم، مر حقیقت است و هیچ خدشه‌ای در آن نیست و ما در فهمیدن، معصوم هستیم؛ نه. این فهم من است؛ این آن چیزی است که من بعنوان خدمتگزاری که خدای متعال با همه‌ی حقارت این بنده‌ی حقیر، مسئولیت سنگینی را بر دوشم گذاشته، احساس میکنم و درمی‌یابم که بایستی ذهن مردم را نسبت به این مطالبی که می‌فهمم، روشن کنم. البته اگر کسی اطلاعات بیشتر و فهم بهتری از مسائل دارد و طور دیگری می‌فهمد، او هم فهم خودش برایش معتبر است؛ اما آنچه که من می‌فهمم، اینهاست.^۱

هدف دشمن، مبارزه با اسلام و تزلزل پایه‌های ایمانی

هدف دشمنان جهانی - اعم از استکبار و در رأس آن آمریکا و دیگر خرده‌ریزهای دشمن - در هر نقطه‌ی عالم، در مخالفت با انقلاب ما این است که با «اسلام» مبارزه کنند. اینها با اسلام مخالفند؛ چون که اسلام را باعث کوتاه‌شدن دست غارتگران میدانند. با اسلام مخالفند. چون اسلام

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۹/۲۶

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۰۳

را موجب بریده شدن پای سگهای ولگردی میدانند که به جان خزائن این کشور افتاده بودند. با اسلام مخالفند و آن را ضد حقوق بشر معرفی میکنند. هدفشان این است که اسلام را از چشمها بیندازند. این در حالی است که اسلام پرچمدار حقوق بشر است. حقوق بشر یعنی چه؟ آیا فلسطینیهایی که در این سرمای زمستان به وسیلهی صهیونیستهای خبیث، از خانه و کاشانهی خود آواره شده‌اند، بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟ حقوق بشر دربارهی اینها صادق نیست؟ مگر برجسته‌ترین مادهی منشور عمومی حقوق بشر- که این آقایان از آن دم میزنند- این نیست که هر کس در خانهی خود آزاد است و حق انتخاب مسکن خود را دارد؟ پس چرا در خانهی اینها وارد شدند و صاحبان آن را از درون خانهی خودشان بیرون کردند؟! مگر فلسطین، خانهی فلسطینیها نیست؟ این حقوق بشر است؟ فلسطینیها بشر نیستند؟ این جوانان مؤمن که جرمشان طرفداری از اسلام است، بشر نیستند؟ این مسلمانانی که در کشور بوسنی هرزگوین، از جانشان، از خانه‌شان، از میهنشان و از استقلالشان دفاع میکنند و اینطور زیر فشار قرار گرفته‌اند، بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟ کیست که امروز ترفند و دروغ خباثت‌آمیز مدعیان حقوق بشر را تشخیص ندهد و درک نکند؟^۱

هدف دشمن: تزلزل پایه‌های مستحکم ایمانی مردم

امروز تنها یک راه برای دشمن باقی مانده است. آن راه، عبارت است از محاصره‌ی تبلیغاتی. این تنها راهی است که دشمن میخواهد با همه‌ی توان و قوای خود، آن را آزمایش کند. البته تا الآن صدها رادیو و روزنامه و مجله و تلویزیون و وسایل گوناگون ارتباط علیه این انقلاب و مفاهیم این انقلاب در همه‌ی دنیا راه انداخته‌اند و داخل ایران هم گسترش داده‌اند. در این شکی نیست. اما میخواهند همین را چند برابر کنند و میکنند و همین الآن مشغولند. هدف چیست؟ هدف این است که

۱. بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم قم ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

مردم را نسبت به این پایه‌ی مستحکم ایمانی متزلزل کنند؛ البتّه مهم هم هست.^۱

فکر و پردازش تفکر اسلامی، هدف دشمن

انقلاب مانند هر حرکت اجتماعی عظیم ماندگار، احتیاج به سوخت دارد؛ این ماشین بدون سوخت متوقف می‌شود؛ سوخت فکری. روزبه‌روز با توجه به تحولات جهانی، با توجه به حوادث جدید، سؤالها و ابهامهای تازه‌ای در ادامه‌ی این راه مطرح است. از طرفی، قبل از آنکه نوبت به عمل برسد، نوبت فکر و پردازش تفکر راهنماست و این، خاص آشنایان به مبانی اسلام است؛ و بدیهی است که دشمنان، همین نقطه را هم مثل بقیه‌ی نقاط حسّاس هدف میگیرند. بنابراین، فضایی برجسته‌ی حوزه، نباید گوششان بدهکار تلاش دشمن باشد و باید بدانند که فکر جدید، مفاهیم جدید و راههای نو، مدد فکری برای پیشرفت این حرکت است. امروز ما نسبت به اوایل انقلاب درباره‌ی مبانی نظام اسلامی، به برکت تلاش دین‌شناسان و عالمان- چه در دانشگاه، چه در حوزه- روشن‌بینیهای بیشتر و مفاهیم تازه‌تری را در اختیار داریم، که این پشتیبانی فکری باید ادامه پیدا کند. امروز چشم دنیا به شماست؛ حالیا! چشم جهانی نگران من و توست.^۲

هدف دشمن؛ تشکیک عقیده مهدویّت

چقدر خطا میکنند کسانی که به اسم روشنفکری و بعنوان تجدّدطلبی می‌آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع و بدون اینکه بدانند چه کار میکنند، مورد تردید و تشکیک قرار میدهند! اینها همان کاری را که دشمن میخواهد، راحت انجام میدهند! عقاید اسلامی اینگونه است. چند خصوصیت در عقیده‌ی مهدویّت هست که این خصوصیات برای هر ملّتی، به منزله‌ی خون در کالبد و در حکم روح در جسم است.

۱. بیانات در دیدار کارگران و معلمان در آستانه‌ی روز کارگر و روز معلم ۱۳۷۷/۲/۹

۲. پیام به حجّاج بیت‌الله الحرام ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

یکی، امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملت‌های ضعیف را به جایی میرسانند که امیدشان را از دست میدهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمیکنند؛ میگویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است؛ با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمیتوانیم. این، روح ناامیدی است. استعمار این را میخواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که ملت‌های مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شوند و بگویند: دیگر نمیشود کاری کرد؛ دیگر فایده‌ای ندارد! میخواهند این را به زور در مردم تزریق کنند. ما که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم، به عیان میبینیم که اغلب خبرهایی که تنظیم میکنند، برای مایوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مایوس کنند، متدینین را از گسترش دین مایوس کنند، آزادی‌طلبان و علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی و سیاسی را از امکان کار سیاسی، یا کار فرهنگی مایوس کنند و آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته‌اند، تیره و تاریک جلوه دهند! برای چه؟ برای اینکه جوشش و امید را از این مجموعه‌ی انسانی که با امید کار میکند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که مایلند انجام دهند! با یک ملت زنده که نمیتواند هر کاری بخواهند، انجام دهند. به یک جسم بی‌هوش مدهوش بی‌حسی که کنجی افتاده است، هر کس هرچه دلش خواست، میتواند تزریق کند؛ با آن هر کاری میتواند بکند؛ اما با یک موجود سرحال زنده‌ی باهوش متحرک فعال که نمیتواند هر کاری را انجام دهند! یک ملت نیز همین‌طور است. با ملت مسلمان و انقلابی ایران- این مردمی که در سایه‌ی جمهوری اسلامی زندگی میکنند- نمیتواند هر کاری را انجام دهند. ملتی است بیدار، زنده، متوجه که قدر خودش را میداند، قدرت و عزت خودش را میداند، با دنیا آن‌طور که شایسته‌ی خود اوست، رفتار میکند؛ نتیجه را هم میبیند. اگر ملتی برای خودش تحرکی نداشت و ارزش و آینده‌ای برای خود قائل نبود، دشمنان میتوانند بیایند و برایش نقشه بکشند، به او توصیه کنند، به جای

او تصمیم بگیرند و عمل کنند! بدون هیچ مانعی این کارها را میتوانند انجام دهند. این ناشی از عدم تحرک است. عدم تحرک، ناشی از عدم امید است. لذا سعی میکنند مردم را ناامید کنند! شما بدانید. امروز هر نفسی و هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد و به صدا درآید بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلق به دشمن است. چه صاحب این قلم بداند، چه نداند، دشمن از او استفاده میکند. آن وقت اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدس مهدی موعود ارواحنفا، امید را در دلها زنده میکند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمیشود. چرا؟ چون میداند یک پایان روشن حتمی وجود دارد؛ برو برگرد ندارد. سعی میکند که خودش را به آن برساند. پس، عقیده این است. البته وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، میکوشند آن را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند امام زمان می‌آید و همه‌ی کارها را درست میکند! این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور محرکی به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل کردن یک داروی مقوی، به یک داروی مخدر و خواب‌آور است.^۱

تلاش دشمن؛ در از بین بردن عقاید اسلامی مردم و ذهنیت آنها

همه‌ی عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است. برادران و خواهران عزیز! این نکته‌ی بسیار مهمی است. توجه بفرمایید که ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم! دشمنان سراغ مجموعه احکام و مقررات اسلام رفتند. هر عقیده، هر توصیه‌ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آینده فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت بارزی داشته است. و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند!

خوب ممکن است شما بگویید که «مگر دشمن چه کاره است؟ چطور

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۹/۲۵

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۰۷

دشمن میتواند عقاید اسلامی را کاری کند که از استفاده‌ی مردم خارج شود؟» نه؛ این خطاست. دشمن میتواند؛ منتها نه در کوتاه‌مدت، بلکه در طول سالهای متمادی. گاهی دهها سال زحمت میکشند، برای اینکه بتوانند یک نقطه‌ی درخشان را کور، یا کمرنگ کنند، یا نقطه‌ی تاریکی را به وجود آورند! سالهای متمادی مینشینند و پول خرج میکنند! یکی زحمت میکشد و تلاش میکند، ولی توفیق نمی‌یابد؛ بعد از او کسان دیگری می‌آیند. روی عقاید دنیای اسلام، از اینگونه کارها خیلی شده است. روی عقیده‌ی توحید، عقیده‌ی امامت و اخلاقیات اسلامی- معنای صبر، معنای توکل، معنای قناعت- کار کرده‌اند!^۱

منحرف کردن ذهن مردم از سرمایه‌گذاری دشمن

خطی که دشمن دارد سرمایه‌گذاری میکند- منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است. ما هرگز منکر نیستیم که در نارساییهای گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می‌آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ کسی این را منکر نیست. «ما أصابك من حسنة فمن الله و ما أصابك من سيئة فمن نفسك»^۲؛ اینکه معلوم است؛ دشمن هم اگر ضربه‌ای به ما زد و این ضربه کاری شد، این هم «من نفسك» است؛ در این شکی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد، در حقیقت مسلمانها از خودشان ضربه خوردند؛ در اینکه بحثی نیست؛ منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که میخواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفال بخصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن، یکی از خطوط القایی و تبلیغاتی دشمن است. حالا طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، میگویند: آقا شما همه‌اش به گردن دشمن می‌اندازید!

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی(عج) ۱۳۷۶/۹/۲۵

۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۹

خوب، هست دشمن؛ چرا نمیبینیم دشمن را؟ چرا نمیبینیم شعف عظیمی که دشمن پیدا میکند از آنچه که اینجا از اختلاف ما، از حوادث گوناگون، از بلوای بعد از انتخابات به وجود می‌آید؟ تشویق کنند کسانی را که عامل هستند. آنجا، رئیس یک کشور بزرگ از آدمها اسم می‌آورد! خوب، این جز ایجاد دشمنی است؟ از معارضین نظام اسم می‌آورد و تمجید میکند از فلان کس که آقا از شجاعت او (!) ما تعجب کردیم. چرا؟ چون یک کلمه‌ای گفته که آنها خوششان آمده. اینها را باید دید؛ اینها را باید متوجه شد و نبایستی از دشمنی دشمن غفلت کرد.

البته دشمنی او خلاف انتظار نیست، غفلت ما خلاف انتظار است. دولت انگلیس که کارنامه‌ی دو‌یست ساله‌ی حضور آنها و ارتباط آنها با کشور ما، کارنامه‌ی سر تا پا سیاه است. واقعاً یک نقطه و یکجا نداریم که بشود نشان داد که دولت انگلیس به نفع ملت ایران یک قدم کوچکی برداشته باشد؛ هرچه بوده ضرر؛ هرچه بوده صدمه‌های بزرگ. اینها اعلان میکنند که ما طرفدار ملت ایرانیم! دولت آمریکا اعلام میکند که ما طرفدار مردم ایرانیم! یعنی: با نظام جمهوری اسلامی بدیم، اما مردم را دوست داریم! خوب، مردم جزو این نظامند؛ این نظام که منفک از مردم نیست. این طرفندهای دشمن است. اینها را باید شناخت، فهمید. او البته دشمنی‌اش را میکند؛ امر طبیعی است، اما اینکه ما نفهمیم دشمنی او را و از این معنا غفلت کنیم، این قابل قبول نیست. یک وقت میبینید ما در داخل جدول و پازل‌های دشمن قرار میگیریم. در پازل، مجموعه‌ای را کنار هم میچینند، تا یک شکلی از تویش دربیاید. تا یکی از این اجزاء را ما تأمین نکنیم. خوب، این خیلی چیز بدی است؛ ما باید سعی کنیم که تأمین‌کننده‌ی اجزاء او نباشیم. مثل این جدول حروف متقاطع که وقتی کنار هم گذاشته میشود، یک کلمه‌ای از تویش درمی‌آید. دشمن یک جدولی اینجوری درست کرده، برای اینکه یک حرفی از تویش در بیاورد؛ چند تا از این حروف را هم ما بگذاریم! این را باید مراقبت کرد؛ بحث سر این است؛ باید جدول دشمن را کامل نکنیم؛ پازل دشمن را کامل نکنیم؛ ببینیم دشمن چه کار دارد میکند و چه کار میخواهد بکند؛

اهداف و حضور واضح او را ببینیم. امروز مؤثرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قویترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناکتر است. این سلاح دشمن را شما در بلوهای بعد از انتخابات ندیدید؟ دشمن با همین سلاح، لحظه به لحظه، قضایای ما را دنبال میکرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند، رهنمود میداد. «و انّ الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلواکم»؛^۱ دائم به اولیاء خودشان ایحاء میکردند. خوب، این حضور دشمن است دیگر؛ حضور دشمن را از این واضحتر و روشتر میشود فرض کرد؟^۲

ذهن مردم، ایمان مردم، دل مردم، عواطف مردم و عشق مردم است که هدف دشمنان قرار دارد و نفوذ در اینها از طرق فرهنگی است. البته تصور میکنند که موفقیت یافته‌اند و گمان میکنند که پیشرفت کرده‌اند؛ لیکن خطا کرده‌اند؛ اشتباه کرده‌اند. ارکان نظام مستحکم است و مسئولان نظام هم مراقبند و باید هم مراقب باشند. من الآن- آقای وزیر ارشاد هم اینجا هستند- بخصوص میگویم، باید مراقبت کنید و مراقبت شما باید یک مراقبت مضاعف باشد. از جنجالها و از متهم شدن به اینکه اینها ضد آزادیند، نترسید. شما حتی اگر بالاترین انواع آزادی را هم بدهید، اما اصولتان را حفظ کنید، باز هم خواهند گفت که شما ضد آزادی هستید! کما اینکه الآن در این منطقه، کشورهایی هستند که در همه‌ی تاریخ خودشان، روی یک مجلس ملی انتخاباتی را ندیده‌اند؛ آنها را متهم به نظام دیکتاتوری نمیکند، ولی کشور ما را که در طول بیست سال عمرش، بیست تا انتخابات آزاد و انتخابات مردمی داشته، متهم میکنند! از دشمن که انتظاری نیست. برای خاطر حرف دشمن که انسان نمیتواند ممشای صحیح و منطقی و خردمندانه‌ی خودش را تغییر دهد. بنابراین، هیچ ملاحظه نکنید.^۳

۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۱

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

۳. بیانات پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه‌ی امام خمینی(ره) ۱۳۷۸/۲/۲۸

اعمال جاهلانه در عزاداریها

اینجانب میبینم که چگونه اخلاص و محبت مردم به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) مورد جفا در قضاوت‌های جهانی واقع میشود، چگونه درک روشن‌بینانه‌ی آنان در اعتقاد به مقام والای اهل‌بیت (ع)، بخاطر بعضی اعمال جاهلانه، حمل بر اموری میشود که از ساحت شیعه و ائمه‌ی بزرگوارشان بسی دور است. میبینم که چگونه عزاداری بر جگرگوشه‌گان زهرای اطهر (ع) مورد تبلیغ سوء دشمنان متعصب و تبلیغاتچیهای شیطان استعمار قرار میگیرد، میبینم که بعضی اعمالی که هیچ ریشه‌ی دینی هم ندارد بهانه به دست دشمن مغرض میدهد که بدان وسیله هم اسلام و تشیع را العیاذبالله بعنوان آئین خرافه معرفی کنند و هم بغض و عداوت خود را نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغات خود آشکار سازند.^۱

هدفگیری دشمن روی علم

رمز پیشرفت یک کشور، یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفت همراه با اقتدار، علم است. آماج بسیاری از توطئه‌های امروزی که علیه جمهوری اسلامی هست، علم و اهل علم و دانشجویان علم و محیط علمی است؛ این را توجه داشته باشید. نگذارید این تیر طبق آن هدف‌گیری دشمن، به هدفی که آنها گرفته‌اند، اصابت کند. کار علمی را نگذارید متوقف بشود.^۲

هیچ چیز نباید موجب شود که در حرکت علمی آنها، اندک توقف و تعللی به وجود آید. دشمن این را میخواهد. نباید بگذارید او به اهدافش برسد. علی‌رغم خواست دشمن، باید حرکت علمی در کشور شکوفا و امیدبخش و آینده‌نگر باشد.^۳

۱. پاسخ به نامه‌ی امام جمعه‌ی اردبیل حجة‌الاسلام والمسلمین آقای مروّج ۱۳۷۳/۳/۲۷

۲. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۸/۶

۳. بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان ۱۳۶۸/۳/۲۳

امروز، یکی از حساسیتهای استعمار و استکبار و آمریکا و صهیونیستهای طراح فساد در عالم عبارت است از اینکه نگذارند کشورهای برخوردار از نظام انقلابی، از لحاظ علمی پیشرفت کنند. این حساسیت، نسبت به کشور ما مضاعف است؛ چون حساسیتی که آنها نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی دارند، نسبت به هیچ انقلاب دیگری نداشته و ندارند و نخواهند داشت. البته اگر در آینده، انقلاب غیراسلامی‌ای تحقق پیدا کند، این حساسیت را نخواهند داشت. امروز، کسانی که میتوانند دانش را در این کشور رشد بدهند، باید احساس وظیفه‌ی مضاعف کنند؛ چون دشمن نمیخواهد بگذارد ما روی پای خودمان بایستیم. روی پای خود ایستادن، آن وقتی تحقق پیدا خواهد کرد که علم از درون خود ما بجوشد و ما دست‌گذاری به سمت دشمنانمان دراز نکنیم. استعدادهای خوب و برجسته، دانش‌آموزان تیزهوش و کسانی که میتوانند برای آینده‌ی کشور مفید باشند، بایستی خیلی احساس وظیفه و مسئولیت کنند. البته خیلی هم باید خوشحال باشند که علی‌رغم میل دشمنان، میتوانند برای کشور و ملتشان مفید و مؤثر باشند.^۱

عزیزان من! امروز کشور به نشاط شما، به نیروی شما، به ابتکار شما، به ایمان شما و به صفای شما به‌شدت نیازمند است. امروز جوانها باید خردمندی خودشان را، معرفت و دانش خودشان را، ایمان خودشان را، همبستگی و یکپارچگی خودشان را هرچه ممکن است، تقویت کنند؛ درست همان مناطقی که دشمن میخواهد تقویت نشود. دشمن میخواهد دانش ما پیشرفت نکند؛ دانشگاههای ما به‌جای درس خواندن، به کارهای دیگر پردازند؛ ایمان نسل جوان تقویت نشود و جوان مؤمن تبدیل شود به جوان هوسران. دشمن میخواهد وحدت بین نیروهای ما نباشد و برادران تبدیل شوند به دشمنان. دشمن میخواهد ما صفا و نورانیت و معنویت نداشته باشیم و جوان ما به یک عنصر مادی و بی‌عاطفه تبدیل

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه ۱۳۶۸/۹/۲۹

شود؛ این چیزی است که دشمن میخواهد. امروز همه وظیفه دارند در مقابل این حرکت کنند.^۱

تلاش دشمن برای از بین بردن آرامش

از مدتی پیش احساس میشد که مراکز عمده‌ی دشمنی با ملت ما، در انتظار حوادثی در ایران هستند؛ در حرفه‌ایشان این معنا روشن بود. در سال گذشته، رئیس سازمان جاسوسی کشور آمریکا در گزارشی که برای خودشان تهیه کرده بود و داد، اینطور گفت: در سال ۱۹۹۹ در ایران انتظار حوادثی را داریم که در این بیست سال گذشته - یعنی از اول انقلاب تاکنون - بی‌سابقه است! در واقع با این زبان، نشان میداد که از چیزهایی پشت پرده مطلع است. بعضی از این فراریهایی هم که با دشمن همکاری میکنند و به آمریکا پناهنده هستند، شبیه این حرفها را زدند. یکی از همین وابستگان فراری - آنطور که در خبرها آمده بود - گفته بود که ما سال آینده به ایران خواهیم رفت! این خوابهای خوش بی‌تعبیری که همیشه میبینند! پس معلوم بود که صهیونیستها، آمریکاییها و مراکز اصلی قدرت، در فکر حوادثی در ایران هستند و قرار است حوادثی اتفاق بیفتد.^۲

ایجاد هرج و مرج، هدف دشمن

بی‌شک یکی از مهمترین هدفهای دشمن ایجاد هرج و مرج و آشفتگی و درگیری میان اقشار ملت است. با کمال هوشیاری از تحقق این خواسته‌ی دشمنان زبون و ابله و پلید، جلوگیری کنید.^۳

دشمن میخواهد در کشور هرج و مرج شود؛ بی‌ایمانی باشد؛ بی‌اعتمادی به حکومت باشد و در سایه‌ی این هرج و مرج و اغتشاش،

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۵/۸

۳. پیام به مناسبت انتشار نامه‌ی آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری امام جمعه‌ی اصفهان

۱۳۸۱/۴/۲۰

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۱۳

یک دیکتاتوری مثل دیکتاتوری رضاخان را سر کار بیاورد؛ همان چیزی که یک بار در اوایل این قرن در دوره‌ی رضاخان و یک بار هم در ۲۸ مرداد در ایران تجربه شد. ۲۸ مرداد هم همینطور شد؛ گروهی از ایادی داخلی آنها تبلیغات و جنجال و هیاهو راه انداختند و اغتشاشگران به خیابانها ریختند. به دنبال آن، کنار زدن روحانیت و ناامیدی مردم و آمدن آمریکا بود و دیکتاتوری سخت و سیاه دوران محمدرضا آغاز شد. امروز میخواهند آن کارها را بکنند.^۱

جنگالهای زیر نام آزادی از نقشه‌های دشمن

عزیزان من! امروز همدلی شما مردم در هر نقطه‌ی کشور، یک امر تشریفاتی و تزئیناتی نیست؛ یک امر ضروری است. چیزهای مورد اختلاف را مطرح نکنند، به نقاط اختلاف فکری تکیه نکنند، چیزهای مورد اتفاق را بگویند. همه‌ی این مردم، مسلمانند. همه‌ی این مردم، طرفدار اسلام و قرآنند. تمام این مردم، انقلابشان را دوست دارند، امام بزرگوار و رزمندگان مدافع شرف و حیثیت را دوست دارند؛ روی اینها تکیه کنید. کسانی نیابند چیزی را بهانه قرار دهند. مثلاً یک وقت کسی یک کلمه حرفی زده، این را بهانه برای جنجال کنند! یا دستگاه قضایی با یک نفر برخورد کرده، آن را بهانه برای جنجال کنند! یا یک نفر در فلان دستگاه امنیتی، یا اقتصادی، یا سیاسی، حرکتی انجام داده است، این را بهانه برای جنجال کنند! این جنگالها به ضرر کشور است. چرا؟ چون دلهای مردم را از هم دور میکند. همه‌ی اینها هم زیر نام آزادی است! آزادی هدیه‌ی الهی و هدیه‌ی انقلاب است. آزادی متعلق به مردم و جزو فطرت مردم است. اما این کارها ربطی به مسأله‌ی آزادی ندارد؛ اینها بخشی از نقشه‌ی دشمن است. من امروز برای مردم عزیز کشورمان هوشیاری، هوشمندی، تمسک به اسلام، تمسک به نام امام، تمسک به راه و معنویت امام بزرگوار که امسال سال آن بزرگوار است، تمسک به وحدت کلمه و برافراشتن پرچم برادری و مهربانی را از واجبتین

واجبات میدانم و امیدوارم همین خواسته‌ی بزرگ ملی و دینی، مورد ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة‌الله‌الاعظم (ارواحنافداه) قرار گیرد و آن بزرگوار برای رفع مشکلات و برای باز شدن راهها به سمت پیشرفت و برای گرم کردن دل‌های این ملت دعا کنند. ما هم در این آستان، دعا میکنیم.^۱

پوساندن انقلاب با ترویج فساد

دشمن نباید بتواند با ترویج فرهنگ فساد- هر نوع فساد، چه فسادهای مربوط به شهوات جنسی و چه فسادهای مالی و چه انواع و اقسام فسادهای اخلاقی و عملی دیگر- این انقلاب را از درون پوساند. یکایک شما زن و مرد، باید مثل آن جوان شجاع و غیرتمندی که در برابر خانه و حریم و خانواده و موجودی خود سینه سپر میکند و از آن دفاع میکند، از انقلاب و اسلام و مسئولان و دستاوردها و ایمان اسلامیتان دفاع کنید و در مقابل کسانی که به آن هجوم می‌ورزند، بایستید.^۲

به فساد کشاندن زنان

غرب میخواهد فرهنگ خود را بر همه جا حاکم کند. فرهنگ غرب، برهنگی است. البته به شما عرض کنم که این برهنگی، این فساد و بی‌بندوباری و این شکل فضاحت‌آمیزی که بعضی از زنان در بسیاری از کشورهای غربی دارند، بحمدالله در خود غرب نیز همه‌گیر نیست. این، کاری است که بر اثر تبلیغات غلط خود آنها، روزه‌روز افزایش پیدا میکند. وَاَلَا حَتَّىٰ تَأْجِلَ، پنجاه سال پیش، در خود کشورهای غربی، به این شدت نبود. آنها میخواهند همان فساد و بی‌بندوباری را که خودشان گرفتارش شده‌اند، به کشورهای اسلامی هم صادر کنند. ولی ما این را نمیخواهیم. این، برای زندگی اجتماعی مضر است و برای آنها هم مضر است. هر جا باشد، مضر است. روش اسلامی برای ما بهترین است. زنان

۱. بیانات در دیدار مردم مشهد و زائران علی‌بن موسی‌الرّضا(ع) در صحن امام خمینی(ره)

۱۳۷۸/۱/۱

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۷/۲۸

ما در طول حوادث انقلاب و بعد از انقلاب تا امروز، نشان داده‌اند که در آن چیزهایی که معیار واقعی زندگی و ارزش و برجستگی آنهاست، در سطوح عالی قرار دارند. مادری که فرزندان خود را در راه خدا و در راه هدف- هدفی که برای او مقدس است و پیش خدا هم مقدس است- تقدیم میکند و خم به ابرو نمی‌آورد، یک عمل برجسته انجام داده است و این امر کوچکی نیست. این را با هر معیار و میزانی اندازه‌گیری کنید، باعظمت است. زن جوانی که حرمت همسرش و خودش را به مدت ده، یازده سال که همسرش در زندانهای دشمن اسیر بوده، باکمال عفت و سربلندی و پاکدامنی حفظ کرده است، آیا کارش ارزش نیست؟! اینها ارزشند.^۱

کارزار همه‌جانبه‌ی فرهنگی دشمن در برابر ملت

وقتی به صحنه‌ی نبرد نگاه میکنم، صحنه‌ای را میبینم که یک طرف آن، شما ملت ایران که طرفدار اسلام و نجات مستضعفان و دشمن نظام استکباری دنیا هستید، قرار دارید و طرف دیگر آن، دشمنان شما، یعنی سرمداران جبهه‌ی استکبار و ضد اسلام، دنباله‌روهایشان و اراذلی که در این بین، بخاطر منافع شخصی و هواهای نفسانی، دنبال بوق استکبار و خر دجال او راه افتاده‌اند، قرار دارند. الآن، کارزاری برپاست؛ شوخی نیست. جنگ نظامی، تمام شد. تازه اگر دشمن- یعنی استکبار جهانی- بتواند، حرفی ندارد که باز هم جنگ نظامی را راه بیندازد؛ منتها برایش آسان نیست.

الآن، یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است. هرکس بتواند بر این صحنه‌ی کارزار و نبرد تسلط پیدا کند، خبرها را بفهمد، احاطه‌ی ذهنی داشته باشد و یک نگاه به صحنه بیندازد، برایش مسلم خواهد شد که الآن دشمن از طرق فرهنگی، بیشترین فشار خود را وارد می‌آورد. کم هم نیستند قلم‌به‌مزدها و فرهنگیهای دین و دل و وجدان باخته و نشسته‌ی پای بساط فساد استکبار- چه غالباً و اکثراً در خارج

۱. بیانات در دیدار گروهی از خواهران پرستار ۱۳۷۳/۷/۲۰

کشور و چه تک‌وتوکی در داخل کشور- که برای مقاصد استکباری، قلم هم بردارند، شعر هم بگویند، کار هم بکنند و دارند میکنند.^۱

تسخیر پایگاه‌های فرهنگی

دل بی‌آلایش جوان، هنگامی که با نور ایمان و فروغ اندیشه‌ی عالمانه روشن شود گنجینه‌ای الهی است که فرآورده‌های آن، امروز و فردای کشور را بهره‌مند می‌سازد. در مرحله‌ی کنونی، آنچه میباید پس از تحصیل علم، در صدر فعالیت‌های دانشجویی قرار گیرد، ارتقاء فکری دانشجویان در زمینه‌ی فرهنگ و سیاست است. امروز هیچکس نمیتواند انکار کند که فوریت‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی در کشور است. آنان درصددند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلیت‌ترین عامل ایستادگی ملت ایران در برابر نظام سلطه‌ی استکباری است، از ذهنها و دلها بزدايند و باورهای سلطه‌پذیری و فرودستی در برابر غرب را به جای آن بنشانند. تلاش آشکار از سوی واسطه‌ها و دست‌نشانندگان امپراتوریهای زر و زور، در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی برای تردیدافکنی در مبانی اسلام و انقلاب، امروز افراد دیرباور را نیز به دغدغه افکنده است، و کسانی که دیروز هشدار در برابر شیخون فرهنگی را جدی نمیگرفتند، امروز آن را به چشم خود میبینید. بی‌شک نخستین آماج این شیخون، جوانان‌اند، بویژه آنانکه در جاده‌ی دانش و فرزانیگی قدم برمیدارند و آینده‌ی فرهنگی و سیاسی کشور در دست آنها است. درست است که دشمن به‌رغم تلاش و هزینه‌ی فراوان، نتوانسته است به محصول مورد نظر خود دست یابد، ولی بروشنی میدانیم که مهمترین پاسخ کوبنده‌ی بدخواهان، معرفت و ایمان روشن‌بینانه و قدرت تحلیل سیاسی است، و اینها همان است که تشکلهای دانشجویی شایسته‌ی همت گماشتن و پرداختن به آن میباشند.^۲

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسئولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز معلم و روز جهانی کارگر ۱۳۶۹/۲/۱۲
 ۲. پیام به کنگره جامعه‌ی اسلامی دانشجویان در مشهد ۱۳۸۰/۶/۱۰

حمله‌ی دشمن به کشور با ابزار فرهنگی

دشمن وقتی که می‌خواهد با ابزار فرهنگی به کشور و جامعه و نظامی حمله کند، چیزهایی را هدف می‌گیرد، که به نظر من امروز در کشور ما چنین چیزهایی هست. هم در عالم کتاب هست، هم در عالم مطبوعات هست، هم در عالم هنر هست. البته وقتی ما می‌گوییم که این فکر غلط، یا این طرح غلط، یا این سخن نادرست، در چارچوب یک طرح امنیتی و براندازی قرار دارد، ممکن است صاحب آن اندیشه، مطلقاً نداند که چه کار میکند! این به معنای آن نیست که خود او هم در آن طرح براندازی یا خرابکاری شریک است؛ نه، گاهی اصلاً او هیچ سهمی ندارد، اما دشمن از او استفاده میکند. اینجا یک انسان خیرخواه، به مجرد اینکه دید از سخن او، از حرف او و از کار او بعنوان جزئی از یک مجموعه‌ی خرابکاری در این کشور استفاده میشود، اگر خود او به این کار براندازی یا خرابکاری مایل نیست، فوراً عقب میکشد. قاعده‌اش این است؛ اگر عقب نکشید، پس او هم سهیم و شریک است. این، نوع دوم از اندیشه‌های غلط است. خطاست اگر کسی گمان کند، ما که نسبت به مسأله‌ی مطبوعات و کتاب و نوشتن و نشر در جامعه حساسیت به خرج میدهیم، با تفکر آزاد، با فکر آزاد و با مباحثه‌ی آزاد مخالفیم؛ نه. ما کسانی هستیم که اولین شعارهای این مسائل را داده‌ایم و الحمدلله تا الآن هم دنبالش بوده‌ایم؛ اما با آزادی گناه و آزادی ویرانگری مخالفیم. نمیشود اجازه داد که نسل جوان یک کشور که به اعتماد ما می‌آید کتاب را از شما می‌خرد و می‌گوید اینها متدینین و در رأس کار هستند، از این طریق گمراه یا فاسد شود؛ یا از این طریق دشمن بخواند کاری انجام دهد.^۱

من شنیده‌ام که در قضایای جنگ جهانی در روسیه، شور علی‌اف^۲ - آهنگ معروفی است که البته من نه آهنگش را شنیده‌ام، نه درست میدانم چیست؛ آقایان میدانند- در تهییج مردم برای وارد شدن به میدان جنگ،

۱. بیانات پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی (ره) ۱۳۷۸/۲/۲۸

۲. موسیقی که در زمان شوروی سابق خوانده میشد.

بیشترین تأثیر را داشت؛ یعنی در خدمت اهداف مردمی قرار گرفت. به‌طور طبیعی این توقع از هنرمند هر کشوری وجود دارد؛ بنابراین چطور میتواند نسبت به این قضیه بی‌تفاوت بماند؛ در حالی که دشمن از ابزار هنر استفاده میکند.^۱

برای من کتابهای متعددی از نقاط مختلف عالم میرسد، که پیداست اصلاً سعی افرادی بر این بوده که این کتابها برای ایجاد کینه و کدورت و بغض و نگرانی نوشته بشود. حالا که در جمهوری اسلامی بحمدالله پرچم اسلام و قرآن بلند است، و حالا که شعارها، شعارهای اسلامی و پرجاذبه است، سعی میکنند از طریق دیگری کینه‌ی این کشور، این ملت و این حکومت را در دل برادران مسلمان در نقاط مختلف عالم وارد کنند؛ کتابهایی مخصوص این کار مینویسند؛ دشمن که بیکار ننشسته است.^۲

تحقیر جریان هنر و فرهنگ انقلاب از دسیسه‌های دشمن

من وقتی به تنوع ابزارهای دشمن نگاه میکنم، میفهمم چقدر این قضیه برای اینها اهمیت داشت! یکی از کارها این بود که جریان ادب و هنر و فرهنگ انقلابی را در کشور تحقیر کنند و به انزوا بکشانند. این یکی از کارهایشان بود. از جمله کارهای مهمی که انقلاب کرده، یکی این است که یک عده عنصر فرهنگی و ادیب و هنرمند و دارای اقتدار فرهنگی تربیت کرده و بحمدالله کم هم نیستند. شعرای زیادی به وجود آمدند؛ داستان‌نویسان زیادی به وجود آمدند؛ نویسندگان قلم‌زن دقیق فارسی‌نویس محکمی به وجود آمدند و بحمدالله هستند. از اول انقلاب تاکنون، سیزده سال گذشته است. شما نگاه کنید ببینید کدام سیزده سال در دوران عمر فرهنگی و تاریخی ما، توانسته است شخصیت‌های درجه‌ی

۱. بیانات در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۵/۱

۲. بیانات در دیدار با اعضای شرکت‌کننده در گردهمایی نخستین دوره‌ی شورای عالی

بین‌المللی مجمع التقریب بین المذاهب الاسلامیه ۱۳۷۰/۷/۱

یک به وجود آورد؟ البته اینها تا شخصیت درجه‌ی یک بشوند، هنوز فاصله دارند؛ اما کسانی که شخصیت درجه‌ی یک بشوند، در این مجموعه‌ای که انقلاب پدید آورده، زیادند. مادر میهن ما، در دوران استبدادهای اواخر دوران پادشاهی، سترون و عقیم شده بود. حقیقتاً آدمهای بزرگ، نویسندگان بزرگ، هنرمندان بزرگ، بخصوص در بعضی از رشته‌های هنری، پرورش پیدا نمی‌کردند. لکن امروز میبینیم در میان بچه‌های جوان ما، سینماگران خوب، نمایشنامه‌نویسان خوب، کارگردانان خوب، شعرای خوب و داستان‌نویسان خوب، زیادند. انقلاب است که این نیروها را آزاد کرد.^۱

حضور دشمن در پشت پرده‌ی فرهنگ و سیاست

حضور دشمن را در پشت پرده‌ی فرهنگ و سیاست جدی بگیرید. این یک واقعیت است و هرچه میگذرد، این حقیقت که دشمن در مقاصد پلید خود، امید زیادی به مقوله‌ی فرهنگ و مسائل سیاسی دارد، بیشتر واضح و آشکار میشود. نباید غافلانه و ساده‌لوحانه بعضی از پدیده‌ها را جدای از علت و بریده‌ی از عامل اصلی‌اش تلقی کرد و به این و آن نسبت داد. حقیقتاً دشمنان میخواهند از فضای فرهنگی کشور علیه انقلاب، نظام و دولت استفاده کنند. باز مجدداً تأکید میکنم: هم به مردم اطلاع‌رسانی کنید، خبر دهید و پیشرفتها را بگویید؛ هم اگر واقعاً موانعی وجود دارد، آنها را هم شفاف با مردم در میان بگذارید. صرف اینکه ما بگوییم موانعی در کار هست، مردم را قانع نمیکنند و آنها نمیپذیرند. اگر واقعاً موانعی وجود دارد و کسانی هستند و جریانی موجود است که نمیگذارد شما کار کنید، این را شفاف و صریح به مردم بگویید. یا این است که حقیقتاً معلوم میشود این شخص یا این افراد یک حرکت مجرمانه انجام میدهند و نمیگذارند مسئولان یا دولت کار کنند، که در این صورت باید به این جرم رسیدگی شود، یا این است که آن

۱. بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور

طرف هم منطقی دارد. بالاخره یا باید او را متقاعد کرد یا او شما را متقاعد کند. این را در معرض افکار عمومی بگذارید و صریح و روشن و شفاف با مردم در این زمینه‌ها صحبت کنید. به نظر من این به پیشرفت کار کمک میکند.^۱

اهداف گوناگون دشمن برای سلطه بر ملت ایران

اروپاییها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلندمدت کردند. آن روز صهیونیستها نبودند؛ اما دشمنان اسلام و مراکز سیاسی، علیه اسلام فعال بودند. آنها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در این راستا انگیزه‌های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند. یکی از کارها این بود که تاکستانهایی را وقف کردند تا شراب آنها را به‌طور مجانی در اختیار جوانان قرار دهند! جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آنها را به شهوات آلوده کنند! گذشت زمان راههای اصلی برای فاسد یا آباد کردن یک ملت را عوض نمیکند. امروز هم آنها همین کار را میکنند. البته دشمن هدفهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هم دارد. هدفهای اقتصادی‌اش معلوم است؛ برای آنها تسلط اقتصادی بر منطقه‌ی خاورمیانه حیاتی است. امروز در حال راه‌اندازی یک جنگ بزرگ در همسایگی ما و در کشور عراق هستند. همه‌ی دنیا میدانند که هدف آنها در درجه‌ی اول هدف اقتصادی است. تسلط بر اپک، نفت عراق و سلطه‌ی نهایی بر نفت خاورمیانه از جمله‌ی این اهداف است. اقتصاد، خدای امروز دنیای مادی است؛ خدای واجب‌الاطاعه‌ای که همه باید در مقابل او زانو بزنند و هر کاری برای به‌دست آوردن ثروت بکنند. این اقدامات برای بهبود اقتصاد بشر صورت نمیگیرد؛ بلکه در جهت پر کردن جیب کمپانیهای نفتی و تسلیحاتی و امثال آنها که مظهر فرعونیت و قارونیت هستند، صورت میپذیرد.^۲

۱. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، به مناسبت هفته‌ی دولت ۱۳۸۱/۶/۴

۲. بیانات در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۲۶

استکبار میخواست دولتها را با نظام جمهوری اسلامی دشمن کند. بعضی از دولتها هوشیارانه فهمیدند و نگذاشتند خواست استکبار عمل شود؛ اما بعضی از دولتها، بدون توجه در این دام استکباری غلتیدند. در سطوح ملتها هم مسأله‌ی اختلافات فرقه‌ای و اختلافات شیعه و سنی و اختلافات عقیدتی را مطرح کردند و افراد زیادی را واداشتند که با گرفتن مزد، علیه جمهوری اسلامی یا علیه تشیع یا علیه برخی از عقاید ملت مسلمان ایران، کتاب بنویسند و کتابهای زیادی نوشته شد. عده‌ای را هم وادار کردند با زبان خود آنها، که به این کتابها و به این اشکالها و دشنامها پاسخ دهند. متأسفانه هر دو طرف در این دام افتادند. عزیزان من! امروز در دنیای اسلام، مسأله این است.^۱

تلاش دشمن: خارج کردن مردم از عرصه‌های انقلاب اسلامی

همه‌ی تلاش دشمن این بود که مردم را از عرصه‌ی عظیم انقلاب خارج کند. پاسخ شما مردم، آنچنان بوده است که در همه‌ی سالهایی که بر این انقلاب میگذرد، در میدانهایی که باید حضور مردم در آن آشکار شود، پاسخ شما به استکبار جهانی، کوبنده‌تر و صریح‌تر و قاطع‌تر بوده است. یک نمونه، اجتماع عظیم شما در روز جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان امسال- روز قدس- بود. عجیب است که سال هفدهم از اعلام روز قدس، مردم بیشتر از سال هفدهم شرکت میکنند. سال هفدهم، بیشتر از سال شانزدهم شرکت میکنند. این، چه حرکت و چه همت و چه لطفی از طرف پروردگار عالم به این ملت بزرگ است! پیش‌بینیها از قبل از انقلاب این بود که چون در مجموعه‌ی ملت ایران، اقوام مختلف حضور دارند و زبانهای مختلف رایج است، پس، زمینه‌ی اختلاف زیاد است؛ اما خلافش ثابت شد و همه دیدند که ملت ما یک ملت متحد و متفق است. شما ببینید در مراسم گوناگون و در صحنه‌هایی که جای ابراز عقیده نسبت به یک مسأله‌ی سیاسی است- مثل مراسم «روز قدس» که

۱. بیانات در دیدار رؤسای سه قوه، کارگزاران نظام اسلامی و شخصیت‌های خارجی شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۵/۵/۱۳

پریروز برگزار شد و شما ملاحظه کردید که چه غوغایی در سراسر ایران، چه در شرق و غرب و چه در مرکز بود. ملت یکپارچه‌ی ما چگونه وحدت خود را به نمایش می‌گذارند! اقوام مختلف، در هر جا که هستند. فارسشان، ترکشان، کردشان، عربشان، بلوچشان و ترکمنشان. همه یکسان حرکت میکنند، یک شعار میدهند و یک حرف را میزنند. این همه، نشانگر وحدتی عجیب و بزرگ است. نوبت انتخابات هم که میرسد، مردم همینطور شرکت میکنند. نوبت دفاع مقدس هم که میرسد. جنگ هشت ساله‌ی ما. مردم همینگونه از همه جا شرکت میکنند؛ همه شهید میدهند؛ همه برای خدا وارد میدان میشوند و همه حول یک احساس وظیفه‌ی مشترک، اقدام میکنند. حتی در دوران دفاع مقدس، در بین داوطلبان ما. سرباز وظیفه که به جای خود محفوظ. هم‌میهنان غیرمسلمان هم شرکت داشتند. مسیحیانی بودند که داوطلبانه به میدان جنگ رفتند و جانشان را هم در این راه فدا کردند. اینها را دیدیم، شناختیم و میشناسیم. یعنی وحدت عجیبی در میان ملت ما وجود دارد؛ با اینکه دشمن هم برای از بین بردن آن خیلی کار کرده است. بنابراین، در داخل کشور ایران اسلامی، به برکت حاکمیت اسلام و به برکت وجود محورهای اساسی وحدت‌آفرین، هر دو محور ذکر الهی و وحدت عمومی تأمین است و در آینده هم ان‌شاءالله مثل گذشته خواهد بود. نگرانی، بابت امت اسلامی است؛ چون متأسفانه در سطح امت اسلامی، شرایط، اینگونه نیست.^۱

هدف دشمن تضعیف ارزشهای انقلاب و اسلام

عزیزان! نگذارید با تضعیف ارزشهای انقلاب و اسلام، به جبهه‌ی دشمن کمک کنند؛ و بخصوص نگذارید غفلت‌زدگانی از این قبیل، در مجموعه‌های شما. یعنی در صفوف مقدم. جا بگیرند. شعارهای انقلاب را که پرچمهای راهنما در راه اعتلاء و سربلندی و آبادانی این کشور است، گرامی بدارید و با همه‌ی وجود از آن دفاع کنید و سهل‌انگاری

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید سعید فطر» ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۲۳

نسبت به آن را از بیگانگانی که احیاناً به لباس خودی درمی‌آیند و با زبان خودی سخن می‌گویند، تحمل نکنید.^۱

هدف دشمن تسلط بر دنیا

من یادم است که در شورای انقلاب، بعضی از افراد هیأت دولت آن روز که در شورای انقلاب شرکت می‌جستند، کار دانشجویان را تخطئه میکردند و میگفتند چرا به سفارت آمریکا رفتند؟! اینها دلشان آن طرف بود. کسانی که دلشان آن طرف است، الآن هم هستند. اینها به چیزی به نام استقلال ملی، هویت ملی، شخصیت و عزت ملی باور ندارند. تربیت‌هایشان طوری است که به آنها اجازه نمیدهد درست بفهمند که حضور یک قدرت استکباری در یک کشور، چقدر برای یک ملت، زیانبار و سنگین است. دستورات اسلام هم برای بعضی از آنها چندان اهمیتی و ارزشی ندارد. اینها همیشه یک اقلیت کوچک بودند؛ امروز هم هستند. البته فعالیت میکنند، تبلیغات میکنند، تبلیغات دشمنان اسلام را ادامه میدهند؛ اما دل متن مردم، بخصوص جوانان- دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر قشرهای مختلف جوان- هر جا هستند، درک میکنند که برای یک ملت، بزرگترین اهانت این است که تسلیم قدرت استکباری بیگانه باشد. هرکس که اهل تحلیل باشد، این معنا برایش روشن است که امروز آمریکا برای ایران هیچ نقشه‌ای جز نقشه‌ی استکباری ندارد؛ یعنی بازگشت به وضعیت قبل از انقلاب! معلوم است که ملت ایران در مقابل این نقشه می‌ایستد. این، آن جهتگیری ضد استبدادی ملت ایران است. البته تلاشهایی از طرف دشمنان هست: تبلیغات میکنند، حرف می‌زنند، سفسطه میکنند؛ بعضی حتی سعی میکنند روز سیزده آبان را- که روز مقاومت در مقابل استکبار است- به روز نرمش در مقابل آمریکا تبدیل کنند! اگر نگوییم ساده‌لوحی است، ناچاریم بگوییم خیانت است؛ منتها چون انسان نمیخواهد بگوید خیانت، لابد این کارها از روی ساده‌لوحی و غفلت است. شما جوانان باید خیلی هوشیار و بیدار باشید؛ باید اهداف

۱. پیام به مناسبت گردهمایی مسئولان انجمنهای اسلامی دانشگاهها ۱۳۷۷/۵/۱۰

دشمن را بشناسید. امروز قدرت استکباری آمریکا هدفش تسلط بر دنیاست و این چیزی نیست که پنهان و پوشیده باشد. حتی دولتهای اروپایی از تهاجم فرهنگی و از دخالت و از نفوذ مداخله‌جویانه‌ی پول آمریکا گله دارند. مسأله، مسأله‌ی تصرف و دست‌اندازی است. البته کشورهای هستند که نمیتوانند مقاومت کنند و بایستند؛ اما ملت ایران ایستاده است. آن طرف مقابل هم تهدید میکند، تطمیع میکند، چرب‌زبانی میکند، تبلیغات میکند؛ از همه‌ی اینها هم یک هدف را دنبال میکند، تا اینکه راهی بگشاید و مجدداً وارد کشور ایران شود و دوباره بساطش را پهن کند و بتواند آن وضع شرم‌آور قبل از انقلاب را برای ملت ایران تکرار نماید؛ اما بدون تردید ملت ایران در مقابل این طمعهای استکباری، با قدرت تمام خواهد ایستاد.^۱

اهداف دشمن علیه انقلاب اسلامی

هدفهایی که آنها^۲ دنبال میکردند، در درجه‌ی اول، سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اول، براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه‌ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه‌ی ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود. یک عده‌ای در داخل، بخاطر حب به نفس، حب به مقام- از این قبیل امراض خطرناک نفسانی- اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام؛ طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. این هم هدف دوم.

هدف سوم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به‌مناسبت سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا

(روز ملی مبارزه با استکبار جهانی) ۱۳۷۸/۸/۱۲

۲. منظور دشمنان است.

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۲۵

اسلامی باقی میماند، از عناصر ضعیف‌النفسی که میتوان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرفهای اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد. عمده این است که سرسپرده باشد، مطیع باشد. در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند. اهداف اینهاست.^۱

تحریف حقایق و تاریخ

از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهم دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. اگر یک وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مزدوری پیدا میشد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف میکرد، میدیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند میشود. امروز نیز همینطور است. امروز هم اگر در داخل کشور کسانی بخاطر خوش کردن دل استکبار و راضی کردن دشمنان اسلام و این ملت و این کشور چیزی بگویند و بنویسند که در آن تحریف اسلام و تاریخ انقلاب و چهره‌های انقلاب باشد، میبینید که در دنیا از طرف دستگاههای تبلیغاتی استکبار برای او هورا میکشند و او را تشویق میکنند! تبیین، موضوع بسیار مهمی است. انسانها تابع بینش و دید خودشان هستند. اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده‌ی مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن میخواهد. امروز اگر کسانی علیه اسلام و مقدّسات و مجاهدتهای این ملت قلمفرسای کنند و چیزی بنویسند؛ اگر کسانی علیه بهترین فرزندان این کشور- یعنی شهیدان ما و مجاهدان راه خدا- اظهارنظری کنند و ریشی بجنبانند؛ اگر کسانی علیه بسیج و جهاد و شهادت حرفی بزنند و چیزی بنویسند؛ میبینید مورد تشویق رادیوها و سیاستمداران و نویسندگان خارجی قرار میگیرند. امروز همه‌ی افراد- چه کسانی که بیاناتشان در حوزه‌های وسیع کاربرد دارد، چه کسانی که در حوزه‌های کوچکتر سخنانشان مؤثر واقع

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

میشود؛ مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیط‌های کارگری و غیره- مسئولند و اگر دیدند حقایق و محکومات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار میگیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند. امام به این نکته بسیار توجه میکرد. و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است.^۱

تردیدافکنی و سلب اعتماد مردم

تردیدافکنی در ارزشهای اصولی، بزرگنمایی مشکلات و نفی موفقیتها، از نیازهای قطعی آمریکاست. آمریکا به این عوامل و شرایط نیاز دارد تا بتواند موفقیت خود را در تقابل با جمهوری اسلامی تضمین کند. هر کس در این زمینه‌ها به نفع آمریکا کار کند، در واقع زمینه‌سازی میکند برای اینکه آمریکا بتواند مقاصد خودش را، ولو با شیوه نظامی یا شبه‌نظامی، نسبت به ملت ایران انجام دهد. البته در بعضی جاها انسان میبند این تصور و تصویر را خیلی پر و بال میدهند تا آمریکا را بعنوان یک قدرت موفق در حال پیشرفت و پیروزی معرفی کنند و جبهه مقابل را در حال انفعال نشان دهند. این صددرصد نادرست و غیرواقعی است؛ این محصول کار تبلیغاتی رسانه‌های آمریکایی است؛ به‌هیچ‌وجه اینطور نیست. پیروزی نظامی بر رژیم صدام، غیر از برآورده شدن هدف آمریکا در مسأله‌ی عراق و حتی افغانستان است. البته مسأله‌ی عراق از مسأله‌ی افغانستان خیلی مهمتر است؛ مشکلات آمریکا در عراق هم به‌مراتب بیشتر از مشکلاتش در افغانستان خواهد بود. میخواهند اینطور وانمود کنند که مسأله تمام شده و آمریکا به همه‌ی هدفهای خود رسیده است؛ در حالی که به‌هیچ‌وجه اینطور نیست؛ مسأله تمام نشده است و مشکلات فراوانی بر سر راه اینها قرار دارد.^۲

یکی از مسائلی که اینها به‌شدت دنبال آن هستند، سلب اعتماد مردم

۱. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۸۰/۳/۱۴

۲. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۲۷

از کارایی نظام است. بعضی از حرفه‌ایی که می‌شنوید، اتّفاقی نیست. تصادفی نیست که بعضی کسان بیایند درباره‌ی نظام اسلامی بحث کنند و بحران مشروعیت نظام را مطرح سازند. نظامی را که با رأی و خواست و مجاهدت مردم و با این همه احساسات و عواطف سر کار آمده، با این همه مشکلات دست و پنجه نرم کرده و از این همه دشمنیها و مقابله‌ها سرافراز بیرون آمده- و همه هم به کمک مردم بوده است- زیر علامت سؤال بگذارند و بگویند بحران مشروعیت! اینها تصادفی نیست. بعضی از حرفه‌ایی که میبینید در بعضی از تریبونها پخش میشود، همه در جهت همین تصویرسازی منفی از نظام اسلامی در ذهن مردم و برای سلب اعتماد آنهاست تا آن مقصود حاصل شود؛ یعنی گسستگی پیوند میان مردم و نظام.^۱

ایجاد شکاف و اختلاف در بدنه‌ی حاکمیت نظام

دشمن وقتی میتواند به هدفهای خودش برسد که بتواند در بدنه‌ی حاکمیت نظام و در مسئولان بخشهای مختلف، اختلاف و شکاف ایجاد کند. دشمن دنبال این قضیه است. درگیری در سطوح بالای حکومت، همان چیزی است که دشمن آن را میخواهد و آن را به جد تعقیب میکند. همان چیزی که قبلاً عرض کردم: اگر توانستند کسی را نفوذ دهند، این کار را میکنند- که خوشبختانه تاکنون در مراکز بالا چنین توفیقی پیدا نکرده‌اند و ان‌شاءالله بعد از این هم توفیق پیدا نخواهند کرد- اما راه دیگری که در دسترس آنهاست، این است که خودشان را به بعضی نزدیک نشان دهند و علیه بعضی و به نفع بعضی دعوا را تشدید کنند. یکی از سیاستهای واضح و روشن ضدانقلاب در چند سال اخیر همین نکته بوده است. اگر حرف میزنند، با این هدف است؛ اگر موضعگیری میکنند، با این هدف است؛ اگر رادیو به راه می‌اندازند، با همین هدف است. در داخل هم دنباله‌های ضدانقلاب و عوامل سرویسهای جاسوسی خارجی هستند- اینطور نیست که نباشند- اینها نیز همانطور موضعگیری

۱. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

میکنند، همانطور حرف میزنند و همان هدف را تعقیب میکنند. فقط ایجاد شکاف در دستگاههای بالای حکومتی، هدف آنها نیست؛ ایجاد شکاف در حوزه‌ی علمیه هم هدف دیگر آنها بود. سعی‌شان این بود که بین مراجع و بزرگان و علمای نامدار در سطح حوزه‌ی علمیه، اختلاف ایجاد کنند، که خوشبختانه نتوانستند و امیدواریم در هیچ جا نتوانند.^۱

در اختیار گرفتن افکار عمومی، هدف دشمن

دشمن میخواهد افکار عمومی را در اختیار گیرد. شما باید نگذارید که او افکار عمومی ملت خودتان و ملتهای دیگر را- تا هرجایی که صدای شما میرسد- در اختیار گیرد. شما امروز حادثه‌ای مثل حادثه‌ی فلسطین را ببینید که دیگر در آنجا جبهه‌ی حق و باطل معلوم است. ملتی را از سرزمین آبا و اجدادش- که استخوانهای اجدادش در این زمین دفن شده و همه‌ی تاریخ میگوید که اینجا مال اوست- و از خاک و زندگی و خانه و از حق انتخاب در کشور خودش محروم کردند و یک عده بیگانه را از اروپا و اروپای شرقی و روسیه و آمریکا و از جاهای دیگر جمع کرده‌اند و گفته‌اند شما اینجا را اداره کنید! خوب؛ اگر هیچ عامل دیگری هم در این بین نبود، همین اندازه نشان میدهد که حق و باطل کجاست؛ چه برسد به اینکه آن گروه بیگانه‌ی متصرف اشغالگر، با انواع و اقسام روشهای خشونت‌بار و سبع‌وار، آن جمعی را که صاحب آن سرزمین هستند، نابود میکند؛ یعنی میزند، میکوبد و میکشد. دیگر حق و باطل از این منجاست و متمایزتر؟! شما ببینید همین را جماعت طرفدار حضور اسرائیل در این منطقه- آمریکا و خود صهیونیستها و بعضی دولتهای دیگر- چگونه در افکار عمومی دنیا عوض کرده‌اند! یعنی افکار عمومی را طوری تغییر داده‌اند که امروز در مقابل این حوادث تلخ در دنیا حرکت مهمی انجام نگیرد. والا اگر این تبلیغات نبود، ملتهای دنیا- ولو هیچ رابطه‌ای هم با فلسطین نداشتند- روزی نبود که تظاهراتی به نفع مردم فلسطین راه نیندازند، اعتراضی نکنند، حکومتها را زیر فشار قرار

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

ندهند و دولتهای خودشان را برای موضعگیری تحت فشار نگذارند. اگر این تبلیغات نبود، اصلاً صحنه‌ی سیاست دنیا عوض میشد. اینها افکار عمومی را همانطور که خودشان میخواستند، تصرف و هدایت کردند. بخاطر رعایت همان ترتیب منطقی کار رسانه‌ای- و این دروغ بزرگ را در ذهن مردم جا انداختند. اگر ما بتوانیم یک کار رسانه‌ای درست انجام دهیم، میتوانیم این صحنه‌ی باطل را لااقل تا حدودی به صحنه‌ی حق تبدیل کنیم؛ یعنی در افکار عمومی دنیا کار را طوری پیش ببریم که واقعاً قضیه بعکس شود. بنابراین ما در این زمینه ضعیف هستیم. «ما» که میگوییم، یعنی جبهه‌ی حق. این در مورد افکار عمومی دنیا نسبت به یک قضیه‌ی بین‌المللی است. در مورد افکار عمومی داخل کشور هم عیناً همین مسأله وجود دارد.^۱

بی‌اعتمادی ملت ایران به فرهنگ خود

ملت ما را در طول سالهای متمادی به یک ملت وابسته تبدیل کرده بودند؛ ملت ما را با تبلیغات پیوسته، از فرهنگ خود، از اعتماد به خود تهی کرده بودند؛ ملت ما را به خود بی‌اعتماد و ناامید کرده بودند. ملتی با این سابقه‌ی تاریخی، در این موقعیت حساس جغرافیایی، با این همه استعداد انسانی و طبیعی نهفته‌ی در این سرزمین، تبدیل شده بود به وسیله‌ای برای استفاده و بهره‌برداری قدرتهای بیگانه؛ مدتی انگلیس، بعد هم آمریکا؛ اما این انقلاب ما را بیدار کرد؛ ما را به خود آورد؛ این همان حرکت عاشورایی بود. این اقدام بزرگ، سرنوشت و راه ما را عوض کرد. ما امروز در راه عزت، در راه استقلال، در راه استفاده از استعدادهای طبیعی و انسانی خودمان حرکت میکنیم و پیش رفته‌ایم و دنیا هم تا حدود زیادی به این اعتراف کرده و آن را قبول کرده است؛ چاره‌ای ندارد؛ اما ما باید این راه را ادامه بدهیم. هیچ ملتی با تنبلی و تن‌آسایی نخواهد توانست به عزت برسد. رسیدن به استقلال، رسیدن به عزت ملی، رسیدن به کرامت انسانی، برای یک ملت هزینه دارد، که باید این

۱. بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۴

هزینه را متحمل شد و باید تلاش کرد؛ باید به عاقبت کار، امیدوارانه و واقع‌بینانه نگاه کرد، که یک نگاه واقع‌بینانه، امید به انسان خواهد بخشید. این دشمن است که می‌خواهد شما را مأیوس کند.^۱

اضمحلال یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران

دشمن می‌خواهد ایران نباشد. دشمن می‌خواهد یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران نباشد. دشمن می‌خواهد پرچم اسلام بالای سر این ملت در اهتزاز نباشد. دشمن می‌خواهد در رأس این حکومت، کسانی مثل رژیم گذشته- نوکرها و دست‌نشانده‌های خودش- بر سر کار باشند. البته که دشمنان جهان‌خوار حاضر نیستند یک ملت مستقل را با اتکا به نفس، با اعتماد به خدا، با تکیه به دین اسلام ببینند؛ آن هم در چنین منطقه‌ی حساسی از عالم و با این احساس عظمتی که در این ملت هست و احساس همدردی‌ای که نسبت به مسلمانان دارند!^۲

در قضیه‌ی قومیتها، که دشمنان کمین گرفته‌اند؛ پشت خم کرده‌اند تا بلکه بتوانند به نحوی بین قومیت‌های ایرانی که در طول تاریخ در کنار هم زندگی کردند، اختلاف ایجاد کنند، باید هوشیارتر و مواظبتر باشید. اینها آن نقطه‌هایی است که دشمن می‌خواهد از شان استفاده کند. باید در مقابل اینها ایستاد.^۳

از بین بردن یکپارچگی و انشقاق

متن ملت عزیز ما، تسلیم فشار تبلیغاتی دشمن نشده و نخواهد شد؛ اما کسانی که خودشان اشتباه کردند، در بین ما هستند. اینها راه غلطی رفتند و بعضی از مجموعه‌ها را هم با خودشان به راه غلط کشاندند. امام به ملت ما یاد دادند که باید مسئولان در فکر ضعفها و پابره‌ها باشند و

۱. بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ۱۳۸۴/۱۱/۱۸

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت سالروز ولادت رسول اکرم(ص) و امام

جعفرصادق(ع) ۱۳۷۱/۶/۲۴

۳. همان

به نیازهای مردم توجه کنند. آنها در تبلیغات و در تهاجم فرهنگی خود، توجه به خواست قدرتهای استکباری را ملاک قرار دادند؛ ببینند آمریکا از چه چیزی بدش می‌آید، از آن پرهیز کنند؛ ببینند قلدران و زورگویان عالم به چه چیزی تمایل دارند، به طرف آن حرکت کنند. این نقطه‌ی مقابل تعالیم جمهوری اسلامی است که در گفتار امام بزرگوار ما تجلی می‌کرد. امام به ما یاد دادند که هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید؛ اما عده‌ای فریادهای خود را بر سر خودیها کشیدند؛ به دیگران هم یاد میدهند که بر سر همدیگر فریاد بکشند! امام در وصیتنامه و در تعلیمات دوران حیات بابرکت خود تکرار میکردند که از غریبه‌ها و نامحرما و نفوذیها برحذر باشید. مراقب باشید تا کسانی که با این انقلاب و این نظام و این اسلام و با منافع مردم هیچ میانه‌ی خوبی ندارند، در ارکان تصمیم‌گیری کشور نفوذ نکنند. مسأله‌ی غریبه‌ها و نااهلها و نامحرما را، اول امام مطرح کردند. اینها در مقابل آن جهت و آن خط روشن، میگویند از دوستان و از خودیها برحذر باشید و پرهیز کنید. اینها را با نامهای گوناگون و چپ و راست مطرح میکنند. اگر شما هر کدام از این رادیوهای بیگانه را باز کنید، در هر یک از برنامه‌هایشان، حداقل چند بار اسم جناح محافظه‌کار و نوگرا را مطرح میکنند؛ تعبیراتی که ملت ایران و علاقه‌مندان به انقلاب و مؤمنان و وفاداران به مصالح عمومی این ملت و این کشور را به جبهه‌های مختلفی تقسیم میکند. امام میگفتند ایران یکپارچه، ملت متحد و همزبان؛ اما عده‌ای سعی میکنند طبق خواست و میل و صلاحدید دشمنان این ملت، جهات غیرعمومی را- قومیتها و مذاهب و دسته‌دسته کردن مردم و بازی با الفاظی از قبیل حزب و امثال آن را- در میان مردم رایج کنند و یکپارچگی مردم و آن وحدتی را که میتواند ایران اسلامی را از لابلای توفانها عبور دهد، به هر شکلی دچار انشقاق و پراکندگی کنند.^۱

آنچه که مهم است، این است که ما در داخل، حرکت خودمان را

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهر امام رضا(ع) ۱۳۸۰/۱/۱

به‌طور منطقی ادامه بدهیم. دستگاه در سطوح تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، قانونگذاری و اجرا- در هر جایی که دستگاه به‌صورت اصولی دارد عملی انجام می‌دهد- همین هدف اسلامی را با قوت و قدرت پی می‌گیرد. ما تکلیف و وظیفه‌ی خودمان میدانیم که هر گامی که برمی‌داریم، ان‌شاءالله خود را یک گام به اهداف اسلامی نزدیکتر کنیم؛ این وظیفه را ان‌شاءالله با قوت و قدرت انجام می‌دهیم؛ از تبلیغات و جنجال و عصبانیت دنیای استکباری هم مطلقاً بی‌می‌نداریم. البته شرط موفقیت در این راه، اتحاد و هماهنگی و وحدت کلمه‌ی ملت است؛ لذا مقاصد دشمن این است که ملت را دچار انشقاق کند و اگر بتواند، ملت را از نظام و از دولت و از مسئولان جدا نماید؛ که بحمدالله تاکنون نتوانسته و ان‌شاءالله بعد از این هم نمیتواند.^۱

به زنجیر کشیدن ملت

برای به زنجیر کشیدن یک ملت، هیچ چیزی ممکنتر و سهلتر از این نیست که قدرتمندان عالم بتوانند باورهای آن ملت و آن کشور را بر طبق نیازهای خودشان شکل دهند. هر باوری که یک ملت را به اتکای به خود، اعتماد به نفس، حرکت به جلو و تلاش برای استقلال و آزادی وادار کند، دشمن خونی آن، کسانی هستند که میخواهند با قدرت متمرکز، همه‌ی دنیا را در اختیار بگیرند و به نفع خودشان همه‌ی بشریت را استثمار کنند. لذا با آن فکر مبارزه میکنند. در نقطه‌ی مقابلش، سعی میکنند با راهها و شیوه‌های مختلف، افکار و باورها و جهت‌گیریایی را در میان آن ملت ترویج کنند که به‌گونه‌ای بیندیشد که آنها میخواهند. وقتی آنطور اندیشید، آنگونه هم عمل و حرکت خواهد کرد. این یک ابزار بسیار رایج است؛ تئوری‌سازی استعماری. این کار را از اوّل انقلاب در ایران کرده‌اند و امروز هم میکنند. در جاهای دیگر دنیا هم انجام داده‌اند؛ مخصوص این دوران هم نیست.^۲

۱. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۷۰/۱۲/۱۲

۲. بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۳۳

نامید کردن ملت

اگر دشمن بتواند مردم ما را، جوانان ما را، قشرهای ما را، نسبت به آینده‌ی این حرکتشان ناامید کند، ضربه‌ی خود را زده است. این خطر عمده است. لذا شما میبینید با انواع و اقسام روشها، بیانه‌ها، زبانها و شیوه‌ها سعی میکنند دلها را نسبت به تداوم این حرکت پرافتخار اسلامی مردد و مأیوس کنند و امید را از آنها بگیرند. این مهمترین خطر است.^۱

چرا ملت ایران امیدوار نباشند؟ دشمن که میخواهد ملت ایران امیدوار نباشند، در تبلیغات و شایعه‌پراکنیها و دروغ‌سازیهای خود، این نومیدی را منعکس میکند. خدا میداند که در این روزها، چقدر شایعه‌ی دروغ به دست دشمن در میان جامعه‌ی ما منتشر کردند. من، دائماً در جریان این شایعات قرار میگیرم و میدانم که مخصوصاً چه شایعاتی را- حتی در بعضی از شهرها- به وسیله‌ی همین رادیوها و معدود عناصر خودفروخته‌ی خائن پشت به خدا و خلق کرده، منتشر میکند.^۲

دشمن امیدوار است که از طریق ایجاد دودستگی و اختلاف، در میان ما نفوذ کند. این، کار بسیار ظریف و دقیقی است که روی آن سرمایه‌گذاری میکند. اینطور نیست که ما بگوییم دشمن میخواهد تفرقه‌افکنی کند، ما هم مشتها را گره میکنیم و شعار میدهیم و نمیگذاریم دشمن به اهدافش برسد؛ خیر، او روشها و مکانیسمهای بسیار حساب‌شده و دقیقی را برای این کار دارد؛ لذا ما باید هوشیار باشیم.^۳

گرفتن عزم راسخ از مردم

دشمن، همان عنصری است که میخواهد یک ملت و یک کشور را از ابزارهای اقتدارش تهیدست کند. ابزارهای اقتدار و عزت کنونی ملت ما

۱. بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۷۹/۳/۱۴

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پاسداران، در سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار ۱۳۶۸/۱۲/۱۰

۳. بیانات در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور به اتفاق رئیس مجلس خبرگان ۱۳۶۸/۴/۱۲

چیست؟ ایمان، عزم راسخ الهی، کار برای خدا، احساس سربازی دین خدا. اینهاست که ملت ما را عزیز کرده است؛ اینهاست که انسانهای پولادین به وجود آورده است و می‌آورد و میتواند مقابله کنند. دشمنان میخواهند این خصوصیات را از جوانمردان و انسانهای والای کشور بگیرند.

کار دشمن قابل فهم است. قابل فهم است که دشمن بخواهد مردم را از ایمانشان، از تقوایشان، از روحیه‌ی غیرت دینی‌شان، از عزم راسخشان و از امیدشان تهیدست کند. دشمن در این صدد است؛ منتها بعضیها که شاید دشمن هم نیستند، ندانسته، نفهمیده و با غفلت کارهایی میکنند که نتیجه‌ی آن کارها، بی‌ایمانی مردم، نومیدی مردم و تردید و تزلزل روحی در مردم است.^۱

تخریب وحدت ملی؛ باورساز و امید

دشمن سه هدف مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب میکند. اول، عبارت است از تخریب وحدت ملی؛ یکپارچگی ملت ایران را بشکنند و تخریب کنند. دوم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی به تخریب ایمانها و باورها و اعتقاداتی که این ملت را از یک ملت عقب‌افتاده‌ی توسری‌خور، به یک ملت پیشرو و شجاع و میداندار در دنیا تبدیل کرد، پردازند. این حرکت، با اعتقادات و باورهای انجام گرفت؛ بدون این باورها که انسان حرکت نمیکرد و این ملت پیش نمیرفت. دشمن میخواهد این باورها را در ذهن ملت ما تخریب کند. سوم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم. پس، سه تخریب، مورد نظر دشمن است: تخریب وحدت ملی، تخریب باورهای کارساز و مقاومت‌بخش، و تخریب روح امید. اسم این تخریبها را هم «اصلاح» میگذارند! من کاری به این دوستان و خودیهای غافل ندارم؛ بحث من بر سر دشمن است که سلسله‌جنبان این حرکت، به بیرون از این مرزها

۱. بیانات در دیدار جمعی از پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز ارتش

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۳۵

مربوط است. در داخل مرزها هم کسانی که اساس کار دست آنهاست، جزو دشمنانند؛ مثل جبهه‌ی قاسطین که من سال گذشته در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم. در مقابل حکومت علوی، سه جبهه وجود داشت: قاسطین و مارقین و ناکثین. مارقین و ناکثین، جبهه‌ی داخلی و جبهه‌ی خودی بودند؛ متتها خودیهای فریب‌خورده و به دام افتاده- یا به دام ثروت‌طلبی و مقام‌خواهی و عقده‌های خودشان، یا به دام جهالتها و حماقتها و تعصبهای خودشان- اما جبهه‌ی قاسطین، جبهه‌ی دشمن بود؛ جبهه‌ی آشتی‌ناپذیر بود؛ با علی آشتی‌بکن نبود. آمدند به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند: «یا امیرالمؤمنین! بگذارید جناب معاویه بن ابی سفیان چند صباحی در رأس حکومت بماند» اما حضرت فرمود: «نه؛ اگر من حاکم، او نمیتواند استاندار این حکومت باشد؛ باید کنار برود». آنها امیرالمؤمنین علیه السلام را تخطئه کردند و گفتند بی‌سیاستی کرده است! بعضی از نویسندگان تا امروز هم میگویند امیرالمؤمنین علیه السلام بی‌سیاستی کرد! اما خودشان بی‌سیاستند؛ امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار پخته عمل کرد؛ برای اینکه معاویه بن ابی سفیان، جناب طلحه و زبیر نبود که اگر آن امتیازی را که میخواست، به او میدادند، او ساکت مینشست؛ نه. آن جبهه، جبهه‌ی قاسطین بود؛ جبهه‌ای بود که با جبهه‌ی علوی نمیساخت؛ در هیچ شرایطی هم نمیساخت. هرچه او عقب میرفت، این یک قدم جلو می‌آمد و جز در میدان جنگ، نقطه‌ی تلاقی با هم نداشتند. امیرالمؤمنین علیه السلام این را میدانست و لذا تا زمانی که بر سر کار بود، جبهه‌ی قاسطین هیچ کار نتوانستند بکنند و همیشه شکست خوردند؛ اما وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسید- که شهادت علی هم به دست آن گروههای شبه‌خودی متعصب عقده‌ای بدفهم کج‌فهم فریب‌خورده بود، نه بیگانه‌ی آنچنانی- آن بیگانه‌ها- قاسطین- حکومت را گرفتند و با گذشت چند سال، نشان دادند که ایده‌آل آنها در حکومت چیست! حکومت «حجاج بن یوسف» در همین کوفه به وجود آمد؛ حکومت «یوسف بن عمر ثقفی» به وجود آمد؛

حکومت یزید بن معاویه به وجود آمد! معلوم شد که آن جریان، اصلاً جریانی نیست که بتواند در یک نقطه با جریان علوی تلاقی کند.^۱

ایجاد اخلال در وحدت ملّی

اقبال ملّتهای مسلمان در همه جای دنیای اسلام- بعضی جاها با شتاب بیشتر و بعضی جاها با شتاب کمتر- به امور معنوی و دینی، روزبه‌روز زیاد شده است. اما موضوع وحدت، موضوع یکپارچگی، موضوع یک جهتی دنیای اسلام و موضوع «واعتصموا بحبل الله جمیعاً»^۲، که قرآن ما را به آن امر می‌کند، متأسفانه، آنگونه که باید باشد، نیست و این کار دشمن است. ملّتهای اسلامی مایل به اتحادند. اما دشمن تلاش ویژه‌ای برای اخلال در این امر انجام می‌دهد؛ یعنی از طرق مختلف سرمایه‌گذاری مادی و معنوی مخصوصی برای ایجاد تفرقه می‌کند که بخشی از این سرمایه‌گذاری، مربوط به سابق است و مثل تقویت ناسیونالیستهای افراطی، از قبل از انقلاب است.^۳

ایجاد ناامنی در مرزها

عزیزان من! جوانان! این مطالبی که من به شما عرض می‌کنم، جزو بیانات و واضحات فضای عمومی کشور است. در قبل، این حرفهایی که الآن عرض می‌کنم، برای هیچ‌کس در این کشور تازگی نداشت؛ چون همه با تمام وجود آن را لمس می‌کردند؛ اما امروز نسل جوانی که آن روز را به‌درستی لمس و درک نکرده، در میدان است. ناامنی تبلیغاتی و ناامنی سیاسی از طرف دشمن به قدری پرفشار است که می‌خواهد مانع شود و نسل جوان امروز، این حقایقی را که ده سال قبل، پانزده سال قبل جزو واضحات بود، انکار کند و پوشیده بدارد. من می‌خواهم ذهن شما نسل جوان امروز را به این حقیقت متوجه کنم که حتی حقایق به این روشنی را- که برای کسانی که آن روز در این مملکت صحبت می‌کردند و امروز

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۹/۲۶

۲. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۰۳

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید سعید فطر» ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

هم اکثر مردم مملکت را تشکیل می‌دهند، چیزهای جدیدی نیست. دشمن می‌خواهد با حمله‌ی سنگین تبلیغاتی و سیاسی خود بپوشاند. آن روز به نفع عراق که با ما وارد جنگ شده بود تا مرزهای ما را ناامن کند، همه‌ی قدرتهایی که در دنیا می‌توانستند در این زمینه کاری بکنند، وارد شدند. عده‌ای- یا ناخرمدانان و یا خائنان- می‌خواهند از یاد این ملت ببرند که دشمنی رژیم آمریکا با ملت ایران، چقدر برای این ملت خسارت ایجاد کرده است و هنوز هم خسارت ایجاد میکند؛ می‌خواهند این را انکار کنند! همین رژیم آمریکا- که آن روز ما به صورت تحلیل می‌گفتم و بعد از جنگ، اخبار و آمار و اطلاعات ریز آن منتشر شد- به عراق کمک کرد؛ کمک الکترونیکی، کمک تسلیحاتی، کمک در روشهای جنگیدن، کمک مالی، کمک مستقیم و غیرمستقیم! ناتو هم کمک کرد؛ بسیاری از کشورهای عربی هم کمک کردند؛ برای اینکه بتوانند با فشار نامنی، نظام انقلابی را از پا بیندازند و یا به زانو درآورند. باز هم ملت جوانان این مملکت، دلهای پاک و باایمان این کشور، همین بسیج، همین سپاه، همین ارتش، همین انسانهای مؤمن و پاک‌نهادی که در پشت جبهه‌ها کانون همت را گرم می‌داشتند، توانست بر تمام توطئه‌های دشمن فائق آید و به رژیم مهاجم و به همه‌ی پشتیبانانش- از آمریکا و شوروی آن روز و دیگران- تودهنی بزند و ملت ایران را بعنوان قهرمان این برهه، در مقابل چشم جهانیان قرار دهد و امنیت را بعنوان بزرگترین نعمت به این مملکت برگرداند؛ مرزها را آرام کند و برای شهرهایی که زیر بمباران بودند- که در دوران جنگ، تقریباً نیمی از جغرافیای این کشور در زیر بمباران بود- اعاده‌ی امنیت کند؛ برای زن و مرد، برای کاسب، برای عالم، برای دانشجو، برای کارگر، برای سیاستمدار، برای رئیس، برای مؤسس و برای همه‌ی کسانی که به امنیت نیاز دارند، امنیت ایجاد کند؛ حتی برای آنهایی که ناشکرانه این امنیت را انکار میکنند. بنابراین، دلهای باایمان و عزم ایمانی و راسخ این جوانان، امنیت را برای همه‌ی مردم به‌وجود آورد.^۱

۱. بیانات در مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۶/۱۰

تضعیف استقلال و اقتدار ملی هدف دشمنان

هر چیزی که بتواند یک ملت را به استقلال و به اقتدار ملی و خودجوش و درون‌زا برساند، آن چیز مبعوض مراکز قدرتی است در دنیا که همه‌ی دنیا را برای خودشان می‌خواهند؛ نظام سلطه اینطور است.^۱

کسانی که در داخل با انگیزه‌های مختلف گاهی حرفهای دشمن را تکرار میکنند- که ان‌شاءالله نادانسته و ناخودآگاه و از روی بی‌اطلاعی است- باید خیلی مراقب باشند. هر نقطه‌ای را که دشمن هدف می‌گیرد و استکبار و صهیونیسم آن را آماج قرار میدهند، شما بدانید آن نقطه یکی از نقاط اصلی اقتدار ملت ایران است؛ می‌خواهند این اقتدار را درهم بشکنند.^۲

امنیت اجتماعی و مدنی مورد هدف دشمنان

امروز دشمنان، امنیت اجتماعی و مدنی ما را هدف قرار داده‌اند؛ این چیزی است که به‌طور واضح و جلو چشم، همه می‌بینند و مشاهده میکنند. دشمنانی که با اساس جمهوری اسلامی مخالفند، امروز بهترین راه اعمال مخالفت خود را در این پیدا کرده‌اند که امنیت کشور را به خطر بیندازند. علاوه بر امنیت اخلاقی و فرهنگی که چند سال است دشمن روی آن با شدت کار میکنند- که مکرر بعنوان هشدار به مسئولان، تهاجم فرهنگی دشمن را یادآور شده‌ایم- و علاوه بر امنیت سیاسی که دشمن در حرکت سیاسی کلان نظام می‌خواهد اختلالاتی ایجاد نماید، امروز درصدد است امنیت اجتماعی و مدنی مردم را از بین ببرد.^۳

در هم شکستن مقاومت ملی، خواست دشمن

ملت ایران، به فضل پروردگار در مقابل همه‌ی فشارها و تهدیدهای دشمنان مقاومت کرده است؛ آن هم مقاومتی بسیار با عظمت و باشکوه.

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۳/۸/۱۵

۲. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

۳. بیانات در دیدار مسئولان، قضات و کارکنان قوه‌ی قضاییه ۱۳۸۲/۴/۷

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۳۹

همین مقاومت شماسست که ملت‌های دیگر را امیدوار نگه داشته است. دشمن می‌خواهد این مقاومت را در هم بشکند. اینکه می‌بینید سردمداران استکبار جهانی، پیوسته شعار میدهند «ما مایلیم با ایران روابط داشته باشیم»، اظهاراتی ریاکارانه و خلاف حقیقت است. معنای واقعی این اظهارات و شعارها، محبت به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی نیست. به معنای قبول کردن اشتباهات گذشته‌شان نیست. به معنای تعهد نیست به آینده. که بعد از این به ملت ایران زورگویی نکنند. این یک نوع فریب است. به‌ظاهر می‌گویند «ما آماده‌ایم روابط برقرار کنیم» و متعاقب آن عنوان می‌کنند «مشروط بر اینکه ایران از حرف‌های افراطی خود صرف‌نظر کند». حرف‌های افراطی ما چیست؟ یکی از حرف‌های افراطی نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، همین است که می‌گوییم «نمی‌خواهیم دولتهای استکباری در کار ما دخالت کنند». این حرف، افراطی است؟! این حرف، به نظر سردمداران استکبار، حرفی نگفتنی است! می‌گویند چرا عنوان می‌کنید که «در کار ما دخالت نکنید»؟! در همین منطقه‌ی خاورمیانه و منطقه‌ی اسلامی خودمان، دولتهایی را می‌شناسیم که اگر بخواهند با دولتی دیگر رابطه برقرار کنند، از آمریکا اجازه می‌گیرند! به آمریکا می‌گویند: شما اجازه دهید ما با فلان دولت، رابطه داشته باشیم؟ این را خودشان می‌گویند. حیا نمی‌کنند و خجالت هم نمی‌کشند!^۱

اتحاد؛ نقطه‌ی هدف دشمن

دشمنان ملت ایران برای ضربه زدن به این ملت، یکی از راه‌هایی که پیدا کرده‌اند، ایجاد اختلاف میان آحاد ملت مسلمان است؛ کما اینکه در دنیای اسلام و در امت اسلامی هم همین سیاست را دنبال کرده‌اند. از اول پیروزی انقلاب سعی کردند کشورهای مسلمان همسایه‌ی ما را- از جمله کشورهای همسایه‌ی در خلیج فارس را- از جمهوری اسلامی و از انقلاب اسلامی بترسانند؛ متأسفانه در مواردی هم موفق شدند؛ در حالی که جمهوری اسلامی، دست برادری به سوی همه‌ی ملت‌های مسلمان و

۱. بیانات در صحن «آستان قدس رضوی» ۱۳۷۳/۱/۱

همه‌ی دولتهای مسلمان دراز کرده بوده است و دراز میکند. جمهوری اسلامی از بن دندان معتقد به اتحاد اسلامی است؛ اتحاد اسلامی به معنای همدلی ملت‌ها و همکاری دولتهاست. ملت‌ها بحمدالله با هم همدلند؛ اختلافات طائفی و فرقه‌ای و مذهبی نمیتواند میان ملت‌ها شکاف ایجاد کند، مگر به وسوسه‌ی دشمن. اما دولتها را متأسفانه دست سیاست میتواند به این طرف و آن طرف بکشاند. ما امروز هم اعلام میکنیم: کشورهای همسایه برادران ما هستند؛ دست دوستی و برادری ما به سوی این کشورها دراز است. به آنها هیچ نیازی نداریم؛ این برادری، از روی نیاز نیست. ملت ایران ثابت کرده است که با توکل به خدا و با اعتماد به نفس بر مشکلات فائق می‌آید، اما ما اختلاف را بر خلاف مصلحت دنیای اسلام میدانیم؛ لذا دست دوستی به سوی همه‌ی کشورها دراز کرده‌ایم. خوشبختانه امروز علی‌رغم تلاش دشمنان دنیای اسلام و علی‌رغم تلاش دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و صهیونیستی - که دائم مشغول فتنه‌انگیزی هستند - و به کوری چشم آنها، روابط دولت جمهوری اسلامی با کشورهای منطقه - کشورهای عربی، کشورهای غیرعربی - سالم و خوب و برادرانه است؛ و این باید روزبه‌روز تقویت شود.^۱

مسائل اقتصادی؛ نقطه‌ی هدف و امید دشمن برای فلج کردن نظام اسلامی
 امروز دشمن چشمش به نقطه‌ی حساس اقتصادی است تا بلکه بتواند این کشور را از لحاظ اقتصادی دچار اختلال کند. هرچه میتواند اختلال ایجاد کند و هرچه هم نمیتواند، در تبلیغاتشان وانمود کنند که اختلال هست! این کاری است که امروز در تبلیغات دشمنان ما، با قدرت و به شکلهای مختلف انجام میگیرد. راه مقابله هم انضباط مالی و صرفه‌جویی و نگاه پرهیزگرانه‌ی به مصرف‌گرایی است. من این را میخواهم به مردم عزیزمان تأکید کنم: مصرف‌گرایی به صورت اسراف یکی از بیماریهای خطرناک هر ملتی است. ما یک خرده به این

۱. بیانات در دیدار عمومی با مردم لار ۱۳۸۷/۲/۱۹

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۴۱

مصرف‌گرایی افراطی دچار هستیم. یکی از نمونه‌هایش را به مناسبت مشکل کم‌آبی- که چند استان کشور از جمله استان شما تاکنون مشکل کم‌آبی داشته‌اند که امیدواریم خدای متعال تفضل کند و باران رحمتش را بر شما نازل بکند- عرض بکنم؛ یکی از موارد اسراف، اسراف در آب است؛ نه فقط آبی که مصرف شرب در خانه‌ها میشود، نوع آبیاری کشاورزی ما هم یک نوع مسرفانه است و آب را هدر می‌دهیم. وظیفه‌ی مسئولین و دست‌اندرکاران این بخش است که به این مسأله به‌طور ویژه توجه کنند! پس به مسأله‌ی اسراف- هم در مسأله‌ی آب و هم در مسائل دیگر- باید با اهمیّت نگاه کنند.^۱

سازندگی کشور؛ نقطه‌ی هدف دشمن

نقطه‌ای که دشمن به آن چشم دوخته، این است که ایران اسلامی نتواند به‌طور شایسته، سازندگی کشور را انجام بدهد. این هم مایه‌ی امید دشمنان است. آنها مایلند که دولت جمهوری اسلامی نتواند در داخل کشور سازندگی را پیش ببرد، وضع زندگی مردم را سروسامان بدهد، تولید داخلی را افزایش بدهد، اتکای به خارج از کشور را کم کند و مردمان پابرنه و مستضعف و فقیر را به سروسامان زندگی لازم اسلامی برساند. آنها می‌خواهند دولت اسلامی، توفیق این وظایف بزرگ را به دست نیآورد و نتواند این کارها را انجام بدهد. به این آرزو، چشم دوخته‌اند. اگر کشور اسلامی، با همّت شما مردم و با پیوند مستحکمی که بحمدالله بین شما و دولت هست، به وضع درخشانی نایل بیاید، استعمار، آمریکا، دشمنان دلباخته‌ی ساده‌لوحی که چشم به دهان آنها دوخته‌اند و بعضی از گروهکها و جریانهای داخلی، خلع سلاح خواهند شد.^۲

۱. بیانات در دیدار با مردم شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۱

۲. بیانات در مراسم اوّلین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۴

مرعوب کردن افراد از کارهای دشمن

دشمن، بعضی کسان را مرعوب می‌کند؛ به بعضی افراد تحلیل غلط از وضع کشور می‌دهد؛ بعضی افراد را وابسته‌ی به خود می‌کند. که اینها علاجی ندارند جز اینکه کار دشمن را بکنند و حرف او را بزنند. بعضی کسان را تشویق می‌کند که به طبل بی‌خیالی بزنند و پی شهوات و کیف کردن بروند؛ بخصوص در جاهایی که امید بیشتری به آنهاست. دنبال آرمانها نرفتن، اراده‌ی اصلاح را در دل از بین بردن و بی‌نظمی کردن، از کارهای دشمن است.^۱

فراموش کردن یاد شهیدا؛ هدف دشمن

ما آن احساس افتخاری را که نام شهید و یاد شهید به ما می‌دهد، حفظ کنیم. همچنانی که به دلاوری مردان بزرگ صدر اسلام افتخار می‌کنیم، به دلاوری این مردان بزرگ دوران خودمان افتخار کنیم. دشمن این را نمی‌خواهد. دشمن می‌خواهد یاد شهیدان فراموش شود. دشمن می‌خواهد خاطره‌ی این مجاهدتها و بزرگمردیها در حافظه‌ی این ملت نماند. درست نقطه‌ی مقابل این، همه باید حرکت کنند. یاد شهیدان را برجسته کنید، زنده کنید، خاطره‌ی آنها را حفظ کنید.^۲

تزلزل در مشروعیت نظام اسلامی

دشمنان ملت ایران میدانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آنها این را می‌خواهند؛ هدف دشمن این است. می‌خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش به مراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بیایند در یک چنین

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۲

۲. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۴۳

حرکت عظیمی اینجور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را میخواهد.^۱

قانون اساسی هدف دشمن

در نگاه واضحی که انسان به مسائل میکند، میتواند چند نقطه را بروشنی پیدا کند. یک نقطه، نظریه‌ی حکومت اسلامی است. این، یکی از موارد آماج حملات دشمن است. یا به مبانی اسلام، یا به قانون اساسی و یا به برخی از بخشهای برجسته‌ی نظام اسلامی که علامت و شاخصه‌ی نظام است، تهاجم فکری و نظری میشود. این تهاجم از تهاجم عملی کم‌اهمیت‌تر نیست. چون همانطور که آقایان اشاره کردند- تکیه‌ی نظام اسلامی به قدرت مردم است. قدرت مردم هم با ایمان آنهاست؛ اگر مؤمن باشند، دفاع خواهند کرد؛ اما اگر پایه‌ی ایمان سست شد، این پشتیبانی و این دفاع به مرور از بین خواهد رفت. بنابراین چیزی که ایمان و اعتقاد راسخ مردم را هدف گرفته است، نباید دست‌کم گرفت. علاج این کار، پیکار نظری است. یک حرکت علمی در این زمینه لازم است.^۲

ایجاد وابستگی نظام اسلامی به قدرتهای بیگانه

مشروعیت این نظام به تفکر اسلامی و به استواری بر پایه‌ی اسلام است؛ مشروعیت مجلس و رهبری هم بر همین اساس است. امام یک وقت فرمود: «اگر من هم از اسلام روی برگردانم، مردم مرا کنار میگذارند.» راست هم میگفت. مردم امام را به اسلام شناختند؛ بخاطر فداکاری و عظمت او در راه اسلام دنبالش راه افتادند، که همه‌ی ما، بنده و شما هم همینطور هستیم. اگر ما از این راه منصرف و منحرف شویم، خودمان ضرر میکنیم؛ اما این حرکت و جریان راه افتاده و متوقف‌شدنی

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۳/۲۹

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵

نیست. حقیقتاً نظام اسلامی به ما و امثال من و شما وابسته نیست. امام یک وقت میفرمود: «نظام اسلامی به من وابسته نیست!» ما واقعاً تعجب میکردیم، چون امام خالق این انقلاب و در واقع پدیدآورنده‌ی این نظام بود و واقعاً تفکیک بین بقای امام و بقای نظام هم برای ما مشکل بود؛ اما امام قرص و محکم میگفت نخیر، نظام اسلامی به من وابسته نیست. حالا وقتی امام با آن عظمت، وجودش ملازم با وجود نظام نباشد و با نبودن او این مردم انقلاب و اسلام را حفظ کنند، دیگر امثال من چه جای حرف زدن دارند که بگوییم اسلام و نظام به من وابسته است! نه؛ صدها نفر از قبیل ما باید قربان اسلام شویم؛ جانمان، مالمان، آبرویمان را بدهیم تا نظام اسلامی بماند و پایه‌های آن استوار شود. آنچه را که دشمن هدف گرفته، این است؛ باید به این موضوع توجه داشت. دشمن، سیاسی و سیاستمدار است؛ مغز طراح سیاسی دارد، فکر میکند که چه کار باید بکند. یکی از طراح‌ها این است که حرف آخر را اوّل نزنند؛ آرام‌آرام و بتدریج طلبکاری ایجاد نمایند و طرف مقابل را وادار به عقب‌نشینی کنند. به‌مجردی که عقب‌نشینی کردید، طلبکاری دیگری شروع خواهد شد. حالا بعضیها میگویند چیزی بدهیم، چیزی بگیریم! بدهیمش درست است، بگیریمش درست نیست؛ هیچ چیز نخواهند داد. شعارهایی را درست میکنند؛ ایران را در محور شرارت گذاشته‌اند. فلان کارها را بکنیم تا ما را از محور شرارت بردارند! این شد حرف؟! غلط کردند گذاشتند که حالا بخواهند بردارند. دوباره و هر وقت لازم شد، ما را در محور شرارت میگذارند. اگر قرار است قدرتی این امکان و توان را پیدا کند که اخمهایش را در هم بکشد و بگوید من قوی هستم و میزنم و میبرم و میندم؛ حواستان جمع باشد، انسان جا بخورد، این جا خوردن، حد یقف ندارد؛ شما این سنگ را عقب مینشینید، فرض کنید فلان الحاقیه را قبول میکنید، بعد یک مطالبه‌ی دیگری را مطرح میکنند: فلان دولت غیرقانونی را به رسمیت بشناسید! باز همان فشارها و همان تهدیدها. به‌مجردی که فلان دولت غیرقانونی را به رسمیت شناختید، باز یک درخواست دیگر مطرح میشود: اسم اسلام را از قانون اساسیتان بردارید! شما باید ذره‌ذره

فصل پنجم: اهداف دشمن / ۱۴۵

عقب بنشینید؛ این حد یقینی ندارد. من این موضوع را بارها به بعضی از مسئولانی که دچار وسوسه و واهمه‌هایی بودند، گفته‌ام که حد یقف فشار آمریکا کجاست؛ آن را مشخص کنید، که اگر به آنجا رسیدیم، دیگر بعد از آن هیچ فشاری علیه ما نخواهد بود. من عرض کنم حد یقف کجاست؟ آنجایی است که شما - که چنین حقی را نه شما دارید، نه من - از طرف ملت ایران اعلام کنید که ما اسلام، جمهوری اسلامی و حکومت مردمی را نمیخواهیم؛ هر کسی که شما مصلحت میدانید، بیاید در این مملکت حکومت کند! این حد یقف است؛ اول اسارت مملکت. مگر میتوانیم؟ من و شما مگر میتوانیم مملکت را به دست دشمن بدهیم؟ مگر ما چنین حقی داریم؟ این ملت ما را برای این سر کار نیاورد.^۱

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۷

فصل ششم ————— ❁

شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن

آماج حملات

در مجموع حوادث این سی سال، کشور بتدریج به مجموعه‌ی مصونیت‌دار، ضدّ ضربه، ضدّ بمب تبدیل شده؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی. شوخی نیست. شما قدرت امنیتی و جاسوسی و تبلیغاتی این سرویس‌های گوناگون امنیتی و تبلیغاتی دنیا را دست‌کم نگیرید. همه این را احساس میکنند. حالا شاید کسانی که کمتر توی مقوله‌های گوناگون تبخّر داشتند، کمتر ببینند. هالیوود را شما دست‌کم نگیرید. قدرت اثرگذاری هنری در غرب و چینش بسیار دقیق حروف تبلیغات در دنیای غرب را دست‌کم نگیرید. همه‌ی این نیروی عظیم، به اضافه‌ی ثروت بی‌پایان، به اضافه‌ی دستگاه‌های عظیم سیاسی و تبلیغاتی، افتادند به جان جمهوری اسلامی. امروز هیچ کشور دیگری در دنیا پیدا نمیکنید که اینجور آماج حملات باشد. و جمهوری اسلامی دارد مقاومت میکند. این شوخی است؟ این موجود هفت‌جوش مستحکم مصونیت‌یافته دارد مقاومت میکند. این، کم چیزی نیست. توطئه‌ی توهم نیست؛ این را جوانها، این جوانهای عزیز ما، بدانند.^۱

ابزارهای دشمن در تضعیف و توهین اسلام

مسلمانان در همه جای جهان، باید نسبت به اقدامات توطئه‌آمیز دشمنان برای تضعیف و توهین اسلام، کاملاً حسّاس و هوشیار باشند؛

۱. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۸/۶

مخصوصاً نسبت به توطئه‌های فرهنگی، از قبیل نوشتن کتابها و ساختن فیلمها و نمایشنامه‌های ضداسلامی. در این صحنه، سنگرداران اصلی، نویسندگان و هنرمندانی هستند که دلشان برای اسلام میتپد و از حقد و کینه‌ی دستگاههای استکباری با اسلام و مسلمین باخبرند. تهیه‌ی مقالات و کتب و آثار هنری در تبیین اسلام و افشای توطئه‌های دشمن و دفاع از حقوق مسلمانان جهان، وظیفه‌ی عمومی و بزرگ آنهاست.^۱

سعی دشمن در نابودی عنصر دین

دشمن، همیشه درصدد است تا نیروی دفاع‌کننده‌ی طرف مقابل را نابود کند و از بین ببرد. چون نیروی پیش‌برنده و دفاع‌کننده‌ی این انقلاب، عنصر دین و رهبری دینی بوده است، لذا دشمن سعی میکند این را از بین ببرد. شما ببینید بعد از پیروزی انقلاب، چقدر علیه حضور رهبری دینی در انقلاب حرف زدند! این حرفها مخصوص بعد از زمان امام هم نیست. کسی خیال نکند کسانی که با رهبری دینی مخالفت میکنند، بعد از زمان رحلت امام علیه السلام پیدا شده‌اند. ابداً! از اوّل پیروزی انقلاب، همه‌ی کسانی که از دست این انقلاب داغدار بودند، با رهبری و هدایت دینی این انقلاب مخالفت کردند. چرا؟ برای اینکه انقلاب را از پا درآورند. این، آن هدفی است که دشمن نشانه‌گیری کرده است و باز هم میکند.^۲

خاصیت دین اصیل و عمیق این است که برای نفوذ در دستگاهها و در جاهای مختلف و در محیط‌های انسانی، منتظر اجازه‌ی کسی نمی‌ماند. دین، در دانشگاه و در محیط روشنفکری و در علم هم نفوذ کرد و همه‌جا رفت؛ لیکن بنا، بنای غلطی بود. این بنا بایستی دگرگون بشود و نگذاریم دوباره آنگونه بشود؛ البته دشمن بیکار نمی‌ماند.^۳

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۶۸/۴/۱۴

۲. بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم قم ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

۳. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا ۱۳۷۰/۹/۲۰

دین و وفاداری مردم نقطه‌ی آماج دشمنان

دشمنان این انقلاب وقتی خواسته‌اند در طول این مدت به این انقلاب و این نظام صدمه‌ای وارد کنند، آماج حملات آنها چه بوده است؟ آماج حملات دشمنان، دو نقطه‌ی اساسی است: یکی دین، یکی مردم و وفاداری آنها. میدانند که اگر این انقلاب، یک انقلاب دینی نبود، قدرت مقاومت نداشت؛ چون دین است که پیروان خود را از تسلیم شدن در مقابل ظلم منع میکند، به مقابله‌ی با ظالم تشویق میکند؛ عدالت و آزادی و معنویت و پیشرفت را به زندگی انسانها پیشنهاد میکند. این، خصوصیت دین است. پس آن نظامی که بر مبنای دین باشد، معنی ندارد که تسلیم فشار و زور دشمنان و زورگویان و زیاده‌طلبان بشود. اگر عنصر دین در این انقلاب نبود، ممکن بود مسئولین انقلاب و سرکردگان انقلاب با گرفتن یک امتیازی در مقابل دشمن کوتاه بیایند و راه را برای سلطه‌ی دوباره‌ی دشمن باز کنند؛ اما چون دین ستون فقرات این انقلاب است، چنین چیزی تاکنون پیش نیامده است و بعد از این هم پیش نخواهد آمد.^۱

هدف دشمن، روشهای تبلیغی و تخریب باورهای مردمی

شما امروز میبینید که ایادی دشمن در تبلیغاتشان- چه در رادیوهای بیگانه، چه در ادامه‌ی آن رادیوها در داخل و در بعضی از رسانه‌های داخلی- مرتب حرفهایی میزنند و کارهایی میکنند که اینطور احساس شود که تشنج عظیم سیاسی‌ای وجود دارد؛ در حالی که واقعیت این نیست. شما به بعضی از این رسانه‌های داخلی نگاه کنید! البته همه‌ی اینها بیگانه نیستند؛ اما بعضی چرا؛ بعضی مال آن دشمنانند! البته اینها را هم میشناسید؛ همه‌اش هم فریاد میزنند که اختناق هست. حالا نمیفهمند همین فریادی که میزنند اختناق هست، این آنها را بیشتر رسوا میکند؛ بخاطر اینکه هر روز حرفهای دروغ و خلاف و تشنج‌آفرینشان منتشر میشود؛ دستگاهها هم میبینند. مادامی که یک جرم مشخصی را

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۷/۲۷

مرتکب نشده باشند، کسی به آنها کاری ندارد؛ حرفهایشان را میزنند و در واقع خودشان را تخطئه و تکذیب میکنند؛ اما هستند و سعی میکنند فضا را آشفته، مغشوش، متشنج و ناآرام جلوه دهند. در حالی که چنین چیزی نیست. دانشجو در محیط دانشگاه خود نگاه میکند، میبیند کلاسهای درس دایر است، آزمایشگاه مشغول است، امتحانات بر سر جای خود هست. کاسب در محیط کسب خودش نگاه میکند، کارگر در کارخانهی خودش نگاه میکند، روحانی در حوزهی خودش نگاه میکند و میبیند که همه چیز سر جای خودش هست؛ وقتی که به تیر فلان روزنامه نگاه میکنند، گویی که الآن اینجا تشنجی هست! آن کارشناسان خارجی هم بیچاره‌ها به همین تیرها نگاه میکنند و به طمع می‌افتند و باور میکنند! آنها که نزدیک نیستند تا ببینند چه خبر است. پس، این یکی از اهداف امروز دشمنان است که از طریق همین روشهای تبلیغی و رادیوهای مزدور- رادیو آمریکا که باید گفت رادیو صهیونیستها، رادیو انگلیس و رادیوی صهیونیستها- و از طریق دنباله‌های کم‌ارزششان در داخل دنبال میشود. دوّمین هدف دشمنان، تخریب باورهاست. ببینید عزیزان من! همه‌ی انسانها در هر مرحله‌ای که مشغول فعالیت هستند، این حرکت جسمانی و حرکت ذهنی و این همّت آنها، ناشی از باورهایی است. آن سربازی که در میدان جنگ مشغول جنگیدن با دشمن است، باورها و اعتقاداتی او را به این کار وادار میکند. اگر این اعتقادات را از او بگیرند، او که تا آن زمان مثل گلوله‌ی سوزانی به سینه‌ی دشمن مینشست، به یک موجود سرد تبدیل میشود و به گوشه و کناری می‌افتد. اعتقادات و باورها اینطورند. باورهای اسلامی، اعتقاد به پاداش الهی، اعتقاد به حقانیت ملت ایران در مقابل دشمنان متجاوز و در مقابل آمریکا، باورهایی بود که این ملت را به حرکت واداشت؛ رژیم دژخیم بسیار فاسد پهلوی را از سر راه برداشت و نابود کرد؛ نظام اسلامی را بر سر کار آورد و دست دشمنان را کوتاه کرد. همین باورها بوده که بیست سال است این ملت در مقابل

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۵۳

همه‌ی توطئه‌های دشمن توانسته مقاومت کند. هدف دشمن چیست؟ هدف دشمن این است که این باورها را از مردم بگیرد؛ هر چند کار آسانی هم نیست.^۱

آگاهی دشمن به تأثیرات اسلام و ایمان

عقبه‌ی ما، در مبارزه‌ی ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت بود از «فرهنگ» ما. منطقه‌ی عقبه‌ی ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام. یعنی علاقه‌ی آن مادری که چهار پسرش شهید شده‌اند و می‌گوید من اینها را در راه اسلام دادم، و به این راضی است. بنده خانواده‌هایی را از نزدیک دیده‌ام- یعنی به خانه‌ی آنها رفته‌ام و با پدران و مادران صحبت کرده‌ام. روایت نیست؛ خودم از نزدیک دیده‌ام- خانواده‌ای که دو پسر داشتند، هر دو شهید شدند. خانواده‌ای که سه پسر داشتند و هر سه شهید شدند. این مگر شوخی است؟! این مصیبت، مگر قابل تحمل است؟! این پدر و مادر باید از غصه دیوانه شوند. آن وقت، مادر، که عواطف جوشانتری هم دارد، با کمال قدرت می‌گوید: «ما اینها را در راه اسلام دادیم، و حرفی نداریم.» عجب!

پس تأثیر اسلام این است! تأثیر ایمان به خدا این است! این را دشمن فهمید. پدر و مادری به جوان خود می‌گویند «تو هنوز شانزده سال است، هفده سال است؛ برو درست را بخوان؛ برو بازیت را بکن؛ لذتت را ببر. برادرت رفت و شهید شد.»؛ جوان می‌گوید: «نه! من سهم خودم را باید برای اسلام ادا کنم.» این، عبارتی است که ما در وصیتنامه‌های شهدا دیده‌ایم و از پدران و مادران شهدا و خانواده‌ها شنیده‌ایم. اثر اسلام، این است.

یک روز امام فرمود: «امروز اسلام محتاج کمک شما جوانهاست.» بعد از ظهرش بنده به خیابانها آمدم و کاری داشتم. دیدم مثل روزهای اول انقلاب شده و مردم به طرف پاوه در حرکتند. این ماجرا و این

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۹/۲۶

صحنه، بارها تا آخر جنگ تکرار شد. هر وقت که اسم اسلام و فرمان امام به گوش مردم میرسید- فرمان امام، فرمان اسلام بود و مردم برای امام بخاطر اسلام اهمیّت قائل بودند- ناگهان میدیدید این ملت، به جوش و خروش درمی‌آید. جوانان شهر را، ده را، دانشگاه را، بازار را، کار و کسب را، میدان فوتبال را، همه را رها میکنند و میروند. برای چه؟ برای اینکه جانشان را در معرض خطر مرگ بگذارند! این شوخی نیست! دشمن که کور نبود. دشمن اینها را دید، دشمن اینها را تحلیل کرد و فهمید این ملت عقبه‌ای دارد. فهمید تا آن عقبه هست، این ملت را با محاصره‌ی اقتصادی و با محاصره‌ی نظامی و یا چه و چه، نمیشود به زانو درآورد. پس، آن عقبه را باید بمباران کرد؛ فرهنگ او را، اخلاق او را، ایمان او را، ایثار او را، اعتقاد به دین او را، اعتقاد به رهبری او را، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت او را؛ اینها را باید از بین برد و شروع کرد.^۱

احکام و مقرّرات اسلام، مورد هجوم دشمنان

دشمنان سراغ مجموعه‌ی احکام و مقرّرات اسلام رفتند- هر عقیده، هر توصیه‌ای از شرع مقدّس که در زندگی و سرنوشت آینده‌ی فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت بارزی داشته است- و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند! این عقیده که همه‌ی مسلمانان هم به آن معتقدند، مخصوص شیعه نیست. البتّه در خصوصیات و جزئیّاتش، بعضی فرق، حرفهای دیگری دارند؛ اما اصل اینکه چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیامبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»^۲ بین مسلمانان متواتر است. همه، این را قبول دارند. خوب؛ این عقیده از آن عقاید

۱. بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور

۱۳۷۱/۵/۲۱

۲. کفایة‌الاثّر، ص ۸۹

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۵۵

بسیار کارگشاست که من مختصری راجع به آن عرض خواهم کرد. به دلیل همین که کارگشاست، دشمنان از یک طرف و البته دوستان نادان هم از طرف دیگر بر آن می‌تازند. گاهی دوستان نادان، از روی نادانی و بر اثر بی‌توجهی، کاری میکنند که هیچ دشمن داناایی به آن خوبی نمیتواند ضربه بزند!^۱

تکلیف ما این نیست که بگوییم: «ما گفتیم؛ هر کس میخواهد، عمل بکند». این مربوط به این دوره نیست که حکومت به دست مسلمین است؛ دوره‌ای که بار اداره‌ی جامعه بر دوش ماست؛ بخصوص دوره‌ای که دشمن این همه تلاش میکند، تا مفاهیم اسلامی را از ذهنها بزدايد. تکلیف ما فقط این نیست که حالا مطلبی را گفتیم؛ شد، شد؛ نشد، نشد؛ ما فقط بایستی حرفمان را بزنییم؛ اینگونه نیست. ما بایستی حرف خود را به دلها برسانیم؛ «و ما علی الرسول الا البلاغ»^۲. اینکه چیزی را در هوا پرتاب کنیم، کسی گرفت، گرفت؛ نگرفت، نگرفت؛ به جایی رسید، رسید؛ نرسید، نرسید؛ این قبول نیست. من این را بعنوان یک مشکل مشاهده میکنم.^۳

اساس حمله‌ی دشمن، خارج ساختن حکومت از محور دین و امامت

در صدر اسلام بزرگترین و مهمترین ضربه‌ای که بر اسلام وارد شد، این بود که حکومت اسلامی از امامت به سلطنت تبدیل شد. حکومت امام حسن و حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام به سلطنت شام تبدیل شد! البته امام حسن مجتبی علیه السلام آن روز بخاطر یک مصلحت بزرگتر- که حفظ اصل اسلام بود- مجبور شد این تحمیل را به جان بپذیرد. حکومت را از امام حسن گرفتند. وقتی حکومت از مرکز دینی خودش خارج شد و در اختیار دنیاطلبان و دنیاداران گذاشته شد، بدیهی است که بعد هم حادثه‌ی کربلا پیش می‌آید. آن وقت حادثه‌ی کربلا حادثه‌ای

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۹/۲۵

۲. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۹۹

۳. بیانات در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۷۰/۶/۲۵

نیست که بشود جلوش را گرفت؛ اجتناب ناپذیر میشود. بیست سال بعد از آنکه حکومت اسلامی از دست محور اصلی آن- که امامت است- گرفته شد، امام حسین فرزند پیامبر در کربلا با آن وضع فجیع به خاک و خون کشیده شد. اساس حمله و نقشه‌ی دشمن این است که حکومت را از محور اصلی- محور امامت، محور دین- خارج کند. بعد خاطرش جمع است که همه کار خواهد کرد!^۱

تبلیغ دشمن مبنی بر جدایی اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی

امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملت‌های اسلامی، تبلیغ میکردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جداست. امروز هم همین را تبلیغ میکنند. امروز هم دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن و جبهه‌ی دشمن نظام اسلامی با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی سعی میکند اسلام سیاسی و اسلام عدالتخواه و اسلام اجتماعی را بعنوان چهره‌ای خشن در دنیا معرفی کند و مردم را به اسلام منزوی، اسلام تسلیم‌طلبانه و اسلامی که در مقابل متجاوز و ظالم و زورگو هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمیدهد، سوق دهد. امام این را شکست و این انگاره‌ی دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود. اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضد اسلام متحجر و خرافی و همچنین ضد اسلام رنگ‌باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی. هم آن روز، هم در طول سال‌های مبارزه برای تشکیل نظام اسلامی، و هم تا امروز، این یکی از نقاطی است که جبهه‌ی دشمن اسلام روی آن تأکید میکند: سیاست را از معنویت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی میخواهد مسلمان باشد، باید سر خود بگیرد و گوشه‌ای بنشیند و به اینکه دشمن چه میکند، متجاوز چه میکند، اشغالگر چه میکند، کاری نداشته باشد. امروز هم این را تبلیغ میکنند. امام نقطه‌ی مقابل این را در دنیای اسلام مطرح کرد و امروز دنیای اسلام این موج عظیم را در

۱. بیانات در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۵۷

درون خود دارد. شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی بروید، ببینید اسلام زنده، در نظر نخبگان، جوانان، دانشگاهیان، دانشمندان، علما و آزادگان آنجا، اسلامی است که بتواند ملت خود را در مقابل زورگویان و قلدران و قدرت‌طلبان و متجاوزان عالم حفظ و حمایت کند و به آن مصونیت ببخشد و اجازه‌ی دخالت و تسلط و سیطره‌ی دشمن را بر مردم ندهد. آنها این اسلام را می‌خواهند و اسلام ناب محمدی یعنی همین.^۱

تبلیغات دشمن علیه ولایت فقیه

در داخل ایران اسلامی که مرکز توجه خصمانه‌ی دشمن است، دشمن از تجربه‌های خود حداکثر استفاده را میکند. لذا ما ملت ایران باید هشیار باشیم. دشمن چند نکته را برحسب تجربه فهمید و دانست که اینها نقاط اصلی پیشرفت انقلاب اسلامی است و باید با اینها مقابله کند. یک نکته، امام، آن رهبر عجیب، استثنایی و عظیم‌القدر بود. دشمن متوجه شد که نفوذ رهبری در ایران اسلامی چه میکند و چگونه این رابطه‌ی محبت‌آمیز میان رهبر و ملت، در میدانهای مختلف گره‌گشا و بازکننده‌ی راههاست. دشمن دید که نفوذ امام علیه‌السلام، چگونه مردم را در همه‌ی میدانها، مقابل دشمن بسیج میکند. این، نکته‌ای بود که دشمن روی آن تکیه کرد. تجربه‌ای که دشمن پیدا کرد این بود که باید شخص امام امت و مطلق رهبری اسلامی- یعنی همان چیزی که در معارف انقلاب و معارف اسلامی با عنوان «ولایت فقیه» شناخته شده است- را زیر سؤال ببرد. لذا بیشترین تبلیغات دشمن، علیه امام بود. منتها به شکلی هدایت شده، دقیق و البته بی‌فایده! امروز هم ایادی دشمن، در اطراف عالم و داخل ایران، علیه امام تبلیغ میکنند. منتها به نام امام کاری ندارند؛ چون میدانند که به نام امام نمیشود نزدیک شد و به آن جسارت کرد. لذا به راه و عملکرد امام حمله میکنند و گذشته‌ی

۱. بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۲/۳/۱۴

انقلاب را زیر سؤال می‌برند. این قلم‌های مأجور و مزدور و یا غافل- از این دو خارج نیست- که در یک مقاله، سالهای اوّل انقلاب را بکلی زیر سؤال می‌برند، مقصودشان چیست؟! اینها با چه کسی طرفند؟! با امام؟! مگر رهبری امام نبود که ده سال به این ملت کمک کرد تا بتواند دشوارترین راهها را بپیماید؟ چه کسی میتوانست کشور ویران‌شده‌ای را که ایادی دشمن و رژیم فاسد پهلوی آن را به خاک سیاه نشانده بودند و در دل آن، جنگ خانمان‌برانداز و ویرانگری پیش آمده بود، حفظ کند و به پیش برود؟ چه کسی ممکن بود این کار را بکند؟ این، رهبری امام بود. و حال رهبری امام و رهبری اسلامی را زیر سؤال می‌برند؛ اصل مفهوم رهبری فقیه و حاکمیت دین‌شناسان را زیر سؤال می‌برند.^۱

نفوذ رهبری؛ نقطه مقابله دشمن

دشمن از نفوذ و شخصیت امام و نفوذ رهبری دینی، در هر زمانی به شدت صدمه خورده و داغدار است. یکی از نقاطی که دشمن می‌خواهد با آن مقابله کند، رهبری و نفوذ آن است.^۲

در کشور خود ما، انقلاب مشروطیت بود. اما بعد از پیروزی، هنگامی که علما را کنار زدند، از مسیر منحرف شد و مشروطیت به جایی رسید که رضاخان قلد، فردی که ضد همه آرمانهای مشروطه‌خواهی بود، به حکومت رسید. اگر انقلاب اسلامی ما هم تحت رهبری دینی نبود، سرنوشتی چون انقلاب مشروطیت پیدا میکرد. هر انسان هوشمندی، وقتی توجه میکند که اولاً شروع این نهضت و پیروزی آن، ثانیاً بقای جمهوری اسلامی و مضمحل نشدن آن و ثالثاً مستقیم حرکت کردن جمهوری اسلامی و انحراف نشدن آن، به برکت دین و رهبری دینی است، پشت سر آن، یک نکته‌ی دیگر را هم

۱. بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی

شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

۲. همان

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۵۹

می‌فهمد و آن نکته این است که دشمنان انقلاب اسلامی، چه در خارج و چه در داخل، سعی می‌کنند دین و رهبری دینی را از این انقلاب بگیرند. این، یک امر قهری است. اگر از یک قلعه یا حصار، جوانی کارآمد، جانانه دفاع کند، دشمن آن قلعه و آن حصار، راه را در این میبندد که زیر پای آن جوان، حفره و گودالی بکند و او را از بین ببرد.^۱

من در دنیا هیچ کشوری را سراغ ندارم که در آن علقه‌ی عاطفی و رابطه‌ی قلبی میان ملت و مسئولین، مانند ایران باشد. ملت، مسئولین را دوست میدارد؛ مسئولین هم ملت را با همه‌ی وجود دوست میدارند و خود را خدمتگزار او میدانند. این ملت است و این احساساتش. تبلیغات دشمن، هرچه می‌خواهد بگوید. در سالهای آخر زندگی بابرکت امام، دشمن تبلیغ میکرد که گویا راه امام، از نظر مردم راه متروکی است! اما بدرقه‌ای که مردم از جسد این بزرگمرد کردند، باشکوه‌تر از استقبالی بود که از خود ایشان در هنگام ورود فاتحانه به تهران کردند. این است علقه و ارتباط میان ملت و دولت. این امام، این نظام، این دستگاه سیاسی، این برنامه و این هم ملت. همه استثنائی و همه از جهات مختلف، در دنیا منحصر به فرد.^۲

جمود و تحجر

آنهایی که به ارزشها توجه میکنند و تحوّل و تغییر و پیشرفت را ندیده میگیرند، خطر تحجر تهدیدشان میکند؛ باید مراقب باشند. آنهایی که به تحوّل و تغییر توجه میکنند و ارزشها را در درجه‌ی اوّل قرار نمیدهند، خطر انحراف برایشان وجود دارد؛ اینها هم باید مراقب باشند. هر دو طرف باید مواظب باشند. مبدا گروه اوّل دچار جمود و تحجر شود. مبدا گروه دوّم دچار انحراف و زمینه‌سازی برای دشمن و مخالفان اساس ارزشها شود. اگر دو گروه این توجه را داشته باشند،

۱. بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم قم ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

۲. بیانات در مراسم «پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)» ۱۳۷۳/۳/۱۴

آن وقت جامعه می‌تواند جامعه‌ای باشد که با همان وحدتی که مورد نظر و لازم است، زندگی خودش را به سمت تکامل و تعالی‌ای که اسلام برای او در نظر گرفته، پیش ببرد.^۱

اختلافات مذهبی از ابزار دشمن

ما اطلاع داریم- اینها تحلیل نیست، اطلاع است- آمریکاییها طرحهای خطرناکی برای کردستان دارند؛ هدفشان دفاع از قوم کُرد نیست؛ هدف پنجه‌انداختن و سلطه یافتن بر قوم کرد است؛ این را ما از روی اطلاع میدانیم؛ اینها تحلیل نیست، اطلاع است. دوستان کُرد ما در آن سوی مرزهای غربی به ما اطلاع دادند و اطلاع میدهند افسران آمریکایی پول می‌برند بالای بلندیهایی «قندیل»، به قیمت خون جوانان کُرد از آنها اطلاعات میگیرند؛ پول میدهند برای مزدورسازی. این شأن جوان کُرد نیست. به هر جا بتوانند دست میزنند، دست می‌اندازند، برای اینکه بتوانند پنجه‌ی ننگین و خونین خود را در پیکر مردم کُرد فرو ببرند. ملت ما و کُرد ایرانی، بحمدالله هشیار است و من این را هم بگویم: جماعت کُرد و قوم کُرد حتی در غیر ایران هم غالباً خودشان را ایرانی میدانند؛ به ایرانی بودن خودشان افتخار میکنند. اگر کسانی از کُردهای بیرون ایران در خدمت هدفهای آمریکا قرار میگیرند، بدانند که ممکن است در کوتاه‌مدت چیزی گیرشان بیاید، اما در بلندمدت نفرین و لعنت قوم کُرد آنها را تعقیب خواهد کرد و رهایشان نخواهد کرد. این هوشیارها را باید حفظ کنید. هشیاری فقط در این زمینه نیست. در زمینه‌ی اختلافات درونی خود ما هم، همه باید هوشیار باشند. من در سندج هم در روز اول- سه‌شنبه‌ی گذشته- گفتم، اینجا هم باز تکرار میکنم: مذاهب اسلامی باید دست در دست هم، برادروار در جهت اهداف و آرمانهای بلند اسلامی به کمک هم حرکت کنند. دشمن امید بسته است که بتواند پیروان مذاهب گوناگون را مقابل هم قرار بدهد. هیچکس نباید تسلیم این نقشه‌ی خائنانه و خباثت‌آمیز دشمن بشود.

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۶۱

آنها می‌خواهند شیعه در مقابل سنی، سنی در مقابل شیعه، دلها از هم چرکین، نسبت به هم بدبین؛ آنها این را می‌خواهند. برای همین است که من اعلام کردم، باز هم تأکید می‌کنم: خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما، عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر. آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، گاهی از روی تعصبهای کور و بی‌جا، چه سنی و چه شیعه، به مقدسات یکدیگر توهین میکنند، نمی‌فهمند چه میکنند. بهترین وسیله برای دشمن همینها هستند؛ بهترین ابزار در دست دشمن همینها هستند؛ این خط قرمز است.^۱

سنی و شیعه هر کدام مراسم مذهبی خودشان را، آداب خودشان را، عادات خودشان را، وظایف دینی خودشان را انجام میدهند و باید بدهند؛ اما خط قرمز این است که نباید مطلقاً بین اینها بخاطر اهانت به مقدسات - چه آنچه که از سوی بعضی از افراد شیعه از روی غفلت صادر میشود، چه آنچه که از روی غفلت از بعضی از افراد سنی مثل سلفیها و امثال اینها صادر میشود که یکدیگر را نفی میکنند - چیزی بیان شود. این همان چیزی است که دشمن میخواهد. اینجا هم باید هوشیاری باشد.^۲

بیگانه کردن مسلمانان از هویت اسلامی سرانگشت دشمن

هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویت اسلامیشان بیگانه کند، یا به تفرق و پراکندگی بکشانند، یا به کسب عزت و عظمت اسلامی بی‌اعتنا، یا از آن مأیوس سازد، کاری دشمنانه میکند؛ و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است! شیطان در قرآن، تعبیری از نیروهای شرآفرین و فسادآفرین و انحطاط‌آفرین است که در صف مقابل انبیا قرار میگیرد؛ «و کذلک جعلنا

۱. بیانات در دیدار مردم سقز ۱۳۸۸/۲/۲۹

۲. بیانات در دیدار مردم سقز ۱۳۸۸/۲/۲۹

لکلّ نبیّ عدوّاً شیاطین الإنس والجن.^۱ و در سراسر قرآن، یاد و نشان شیطان تکرار شده و در تمام طول مدّت نزول وحی، از آن نام برده شده است. این بدان معناست که یاد و نشان دشمن، هرگز نباید مورد غفلت جوامع مسلمان قرار گیرد.^۲

وجود وسایل تفرقه‌افکنی

به کشورهای اسلامی نگاه کنید! همه‌جا وسایل برای تفرقه‌افکنی هست. یک عده هم، حقیقتاً در این بین، سرشان کلاه می‌رود. یعنی فریب می‌خورند، بازی می‌خورند و بازیچه‌ی دست دشمن میشوند. امروز امت اسلامی، باید متحد باشد. نقاط اتّحاد و اجتماع زیادی هست که همیشه باید آنها را در نظر داشته باشیم.^۳

منابع انسانی و مالی را در مقابل هم قرار دادن

امروز در دنیای اسلام، پول زیاد است، فکر زیاد است، نیروی انسانی قابل‌ی وجود دارد، جمع کثیری از علما، شعرا، نویسندگان، هنرمندان و شخصیت‌های سیاسی قابل در دنیای اسلام هستند و بخش عمده‌ای از منابع عظیم مالی و منابع زیرزمینی - معادن خداداد زیرزمینی - در اختیار کشورهای اسلامی است. اگر اینها با هم همسو باشند، یا لاقلاً علیه هم کار نکنند، ببینید در دنیا چه اتّفاقی خواهد افتاد! دشمن کاری میکند که در دنیای اسلام، همه‌ی این منابع انسانی و مالی، در مقابل هم قرار گیرد، رژیم عراق را تحریک کردند؛ هشت سال یک جنگ خانمان‌برانداز در این منطقه به وجود آوردند، بعد هم کمکش کردند که اگر بتواند این نهال نورسته را بکلی از بیخ و بن برکند، که البته نتوانستند.^۴

۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۱۲

۲. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۷/۱/۱۲

۳. بیانات در دیدار کارگزاران، به مناسبت «عید غدیر خم» ۱۳۷۴/۲/۲۸

۴. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در کنفرانس

بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۴/۵/۲۴

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۶۳

حضور دشمنی مانند حکومت صهیونیستی در قلب قلمرو اسلامی، شاید می‌توانست ما را به یکدیگر نزدیکتر سازد، ولی دستهای مرموز استکبار، این خطر را هم از برابر خود برداشت. با ما کاری کرد که اینک از یکدیگر بیشتر می‌ترسیم تا از دشمن! وسوسه‌ها و دروغها و تبلیغات موزیانه، کشورهای اسلامی را به غلط و نابجا از یکدیگر ترسانده است.^۱

سوءاستفاده‌ی دشمن از اختلاف بین امت اسلامی

آنچه که ما امروز باید به آن توجه کنیم، این است که شیعه این عقیده را برای خود مثل جان عزیز در طول قرنهای متمادی حفظ کرده است؛ با وجود دشمنیهایی که شده است. که این دشمنیها را کم و بیش همه میدانند؛ چقدر ظلم کردند، چقدر فشار آوردند، چقدر اختناق ایجاد کردند. شیعه این عقیده را حفظ کرد؛ معارف تشیع را گسترش داد؛ فقه شیعه، کلام شیعه، فلسفه‌ی شیعه، علوم گوناگون شیعه، تمدن شیعی، فکر راقی شیعیان، بزرگان شیعه و برجستگان شیعه در تاریخ اسلام درخشان است. بنابراین، این عقیده‌ای است که شیعه آن را حفظ کرده است و حفظ خواهد کرد؛ اما توجه بکنید که این اعتقاد مایه‌ی دعوا و نزاع نباید بشود. این، آن حرفی است که ما سالهاست این را گفتیم و تکرار کردیم، باز هم تکرار میکنیم. و میبینیم که دشمن چه نیّتی دارد، چه قصد خبیثی دارد از ایجاد اختلاف بین آحاد امت اسلامی به عناوین مختلف، از جمله با عنوان شیعه و سنی. دشمن یعنی دشمن اسلام، دشمن قرآن، دشمن مشترکات، دشمن توحید؛ نه دشمن یک بخشی از اسلام. دشمن سعی‌اش این است که بین امت اسلامی، دشمنی برقرار کند؛ میفهمد که اتحاد دنیای اسلام چقدر برای او مضر است. دشمن دید که وقتی انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، عظمت این انقلاب و تشعشع این انقلاب، چطور در دنیای اسلام و در کشورهای اسلامی توانست دلها را به خود جذب کند؛ دلهایی که شیعه

۱. بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۳۷۶/۹/۱۸

نبودند. میلیونها نفر از برادران اهل سنت در کشورهای عربی، در کشورهای آفریقایی، در کشورهای آسیایی مجذوب انقلاب شدند و از این ناحیه، دشمن ضربه خورد؛ از اتحاد دلها، از توجه دلها به جمهوری اسلامی- دلهای آحاد مسلمانها- دشمن ضربه خورد. میخواهد این توجه را از بین ببرد؛ چه جور؟ با ایجاد دشمنی بین شیعه و سنی^۱.

معرفی انقلاب اسلامی بعنوان یک حرکت شیعی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه‌گیر اسلامی این بوده است که از سوی انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه‌ای آن- و نه اسلامی به معنای عام- معرفی کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و تقار میان شیعه و سنی سعی بلیغ کنند. ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده‌ایم این فتنه‌گری را خنثی کنیم و بحمدالله با تفضل الهی توفیقات فراوان نیز داشته‌ایم، که یکی از آخرین آنها، تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است و هم‌اکنون در سراسر جهان اسلام، علما و روشنفکران و شعرا و نویسندگان و عامه‌ی مردم از همه‌ی مذاهب اسلامی، دوشادوش و با یک زبان و یک نفس، از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند؛ لیکن دشمن با پول و طرح و تبلیغ و خبائت فراوان مجهز است و متأسفانه در نقاطی از جهان کسانی را می‌یابد که بتواند با تطمیع و اغفال، بر ذهن و زبان آنان تسلط یابد. لذا گاه‌به‌گاه در کشوری از یک سیاستمدار، و در کشور دیگری از یک عالم‌نما یا انقلابی‌نما شنیده میشود که به تشیع و ناسزا به شیعیان یا به ملت ایران- که بزرگترین انقلاب معاصر را به وجود آورده و به گونه‌ای بهت‌انگیز از آن دفاع کرده‌اند- زبان می‌گشاید و قلم میراند. یا در کشور

۱. بیانات در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیر خم

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۶۵

مسلمان پاکستان- که ملت آن، در شمار عزیزترین ملتها برای ما و همیشه در خط دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی ایران بوده و هست- کسانی با دلارهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر میکنند و کتاب و مقاله مینویسند، تا شیعه و تشیع اهل بیت پیامبر ﷺ را به باد حمله بگیرند و به مقدّسات اهانت کنند.^۱

نزاع میان فرق اسلامی

دشمن میخواهد میان فرقه‌های اسلامی نزاع باشد؛ بخصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دشمن خواسته است بین ایران انقلابی و اسلامی و بقیه‌ی ملتها جدایی بیندازد. از خدا میخواهند که در دنیای اسلام گفته شود: «اینها شیعه هستند و انقلابشان انقلاب شیعی است و به ما سنیها ربطی ندارد!» ملت ایران از اوّل انقلاب گفته است بله، ما شیعه و موالیان اهل بیت پیامبریم؛ اما این انقلاب، یک انقلاب اسلامی بر اساس قرآن، بر اساس توحید، بر اساس اسلام خالص و ناب، بر اساس وحدت و برادری بین همه‌ی مسلمین است. این را از اوّل ملت ما گفتند و امام ما نیز این را فریاد کشید و بیان کرد.^۲

امروز وظیفه‌ی این امت بزرگ، در مقابل پیامبر، نجات‌دهنده، پیشوا، معلّم، امانت الهی در میان خود و محبوبترین چهره در میان امت؛ یعنی وجود مقدّس نبی اکرم ﷺ این است که عزّت و شوکت امت اسلامی را با حفظ وحدت پاس بدارد. این وظیفه‌ی امروز امت است. امت از پیامبر خود عیدی میخواهد؛ اما امت، در مقابل پیامبر موظّف است وظیفه‌ی عیدی خود را هم انجام دهد. عیدی امت این است که حفظ وحدت کند و آبروی پیغمبر را محفوظ بدارد. امروز همه‌ی تلاش دشمنان اسلام و امت اسلامی این است که این امت را به جان یکدیگر بیندازند و آنها را با همدیگر دشمن کنند. این تلاش، مخصوص امروز

۱. پیام به حجّاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۰/۷/۵

نیست و از گذشته نیز همینطور بوده است. اما امروز، این مأموریت خباثت‌آمیز و رذالت‌آلود از طرف دشمنان، با سازماندهی و تدبیر و همه‌جانبه انجام میگیرد. علت هم این است که احساس میکنند روحیه و شوق اسلامی، در میان مسلمانان رو به فزونی است و اسلام، دلها را زنده کرده است.^۱

ایجاد حساسیتهای مذهبی

ما که مسلمان هستیم، باید حواسمان جمع باشد. ما باید بفهمیم که پول نفت فلان کشوری که به نوکری آمریکا و غرب، در میان ملت‌های مسلمان شناخته شده و روسیاه است و به استکبار وابستگی دارد، اگر صرف انتشار کتابی در رد تشیع شد، محض رضای خدا و علاقه‌ی به تسنن نیست و غرض خبیثی را دنبال میکند. عکس قضیه هم صادق است. اگر دیدیم عواملی در جامعه‌ی شیعی، مشغول تحریک و برانگیختن حساسیت نسبت به برادران اهل سنت یا مقدسات آنها هستند، اگر حمل بر کج‌سلیقگی و بدفهمی نکنیم، باید بدانیم که قطعاً دست دشمن است. دشمن، از کجی سلیقه نیز بیشترین استفاده را میکند. لذا امروز، اتحاد مسلمین و صفای دل برادران مسلمان با یکدیگر، شرط اصلی اعلامی کلمه‌ی اسلام است.^۲

سوءاستفاده دشمن از اختلافات مذهبی

آحاد ملت ما، علی‌رغم توطئه‌ها و بذر نفاق‌افکنیها، با هم متحدند و در یک جهت حرکت میکنند: در جهت اسلام؛ در جهت قرآن؛ در جهت حاکمیت دین؛ بدون فرقی بین شیعه و سنی و قومیت‌های مختلف (فارس و عرب و ترک و ترکمن و بلوچ و گُرد و غیر اینها)؛ یک ملت یکپارچه. واقعاً ملت ایران، به برکت اسلام، یک نمونه است. بین ملت‌های مسلمان، یک الگوی موفق است. خداوند از شما ملت ایران،

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۷۳/۱۲/۱۱

۲. بیانات در دیدار با جمعی از بسیجیان و روحانیون تهران، مدرسان و طلاب اهل سنت استان خراسان و گروهی از اعضای حزب‌الله لبنان ۱۳۶۸/۷/۵

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۶۷

بخاطر صادقانه پاسخ گفتن به دعوت دین و ندای امام بزرگوارتان راضی باشد. این را باید حفظ کنید. همین وحدت باارزشی که به برکت آن، شما توانسته‌اید این همه پیروزی را به دست بیاورید، دشمنهایی در کمین دارد. باید هوشیار باشید و نگذارید اختلافات به وجود آید. در آنجایی که بهانه‌ی اختلاف هست و دشمن می‌تواند آنجا مستمسکی برای اختلاف درست کند، بیشتر مواظب باشید. در مسأله‌ی مذهب و اختلافات مذهبی، که قرنهای متمادی دشمنان از آن سوءاستفاده کردند، بیشتر باید مواظب باشند. هم شیعه باید مواظب باشد، هم سنی.^۱

دست دشمن، توطئه‌ی دشمن و تدبیر دشمن را در ورای این اختلافات میشود به وضوح دید؛ این را باید علاج کرد. عقلای امت از همه‌ی فرقه‌ها باید نگذارند امواج فتنه در میان مسلمانها- که به‌وسیله‌ی دشمنان اسلام تحریک میشود- به‌طور روزافزون آرامش و الفت و محبت را به خطر بیندازد.^۲

ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی از سیاست دشمنان

سیاست دشمنان اسلام ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. این، یکی از راههایش است. هر کسی به این اختلافات شدید کمک کند، در واقع به آن اهداف کمک کرده است. جا دارد که همه‌ی گروههای عراقی، این حرکات را محکوم کنند و از آن تبری بجویند. خوشبختانه بزرگان شیعه عاقلانه و خوب عمل کردند؛ به شیعیان توصیه کردند که عکس‌العمل نشان ندهند، که این کار مهمی بود.^۳

سیاست دشمنان برای جدا کردن شیعه از غیرشیعه

سیاست استکبار امروز، جدا کردن شیعه از غیرشیعه است، جدا

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به‌مناسبت سالروز ولادت رسول اکرم(ص) و امام جعفرصادق(ع) ۱۳۷۱/۶/۲۴

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۸۴/۲/۶

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۷/۲۹

کردن گروه‌های مسلمان از یکدیگر و به جان هم انداختن گروه‌های مسلمان است. ما باید کمک نکنیم به این هدف؛ ما بایستی نگذاریم دشمن به این هدف برسد؛ هم ما موظفیم، هم غیرشیعه؛ آن کسانی که شیعه نیستند؛ جمعیتها و مذاهب غیرشیعه در اسلام. همه این را بدانند: امروز شیعه است که در ایران اسلامی، این پرچم اقتدار اسلامی و عزت اسلامی را بلند کرده است و بر روی دست گرفته و استکبار احساس عجز میکند؛ این یک واقعیت است؛ این یک واقعیت است. این توطئه‌هایی که در این سی سال علیه نظام جمهوری اسلامی از سوی دشمنان گوناگون- البته در رأس آنها آمریکا و خبیثترین آنها انگلیس- انجام دادند، بخاطر این است که اینها مرعوبند؛ از حرکت اسلامی، از بیداری اسلامی، از به خود آمدن دنیای اسلام میترسند؛ میدانند که اگر دنیای اسلام به خود بیاید، توجه کند، احساس استقلال کند، احساس هویت کند، احساس عزت بکند، این منطقه‌ی حساس دنیا که در اختیار مسلمانان است- که حساسترین مناطق دنیا، همین منطقه‌ی مسلمان‌نشین است- از تحت سیطره‌ی استکبار بیرون خواهد رفت؛ از این میترسند. چون میترسند، توطئه میکنند؛ ابزارهای گوناگون را به کار میگیرند. امروز سردمداران سیاستهای استکباری- آمریکا و صهیونیستها و بقیه‌ی مستکبرین- همه‌ی توان خودشان را به کار گرفته‌اند، بلکه بتوانند ملت ایران را، نظام جمهوری اسلامی را منزوی کنند، بی‌اثر کنند؛ نتوانسته‌اند و به توفیق الهی، به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی باز هم نخواهند توانست.^۱

مهمترین شگرد؛ دشمن ایجاد دودستگی در بین مردم

امروز مسئولیت من و شما خیلی خطیر است. بایستی با عقل، تدبیر و همراه با توکل به خدا و شجاعت، نه با جبن، راه را طی کرد. اولین کار، استحکام داخلی است. نباید بگذارید این مباحثات و بگومگوها به

۱. بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر ۱۳۸۸/۹/۱۵

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۶۹

مقابله و مواجهه و تخاصم تبدیل شود؛ این تنها توصیه‌ی من به شماست. گفتن و شنودن و اعتراض کردن، هیچ اشکالی ندارد. افرادی از اعتراض کردن بدشان می‌آید که یا متکبرند یا پشتوانه‌ی مردمی ندارند؛ می‌ترسند؛ دلشان می‌لرزد. اگر کسی اهل تکبر نباشد - که خدای تعالی را شکر میکنیم که این آلودگی را در ما قرار نداده - و متکی به حمایت مردم باشد، به هیچ وجه از این گفتن و شنودن ناراحت نمیشود؛ اما مراقب باشید که از این گفت و شنودها، دشمن همان چیز را که میخواهد وانمود کند، به دست نیاورد. امروز یکی از مهمترین شگردهای دشمن این است که بگوید در داخل نظام جمهوری اسلامی دودستگی است و این دو دسته با هم بدند. دو صدایی و چند صدایی که شما می‌گویید و بنده هم معتقدم، نمی‌گوید. بحث چند صدایی نیست؛ چند صدایی همه جا هست. می‌گوید مخاصمه و دشمنی؛ یعنی فرض میکند یک گروه، گروه دیگر را میخواهد نابود کند! اینگونه تصویر میکند. نگذارید این تصویرسازی مطلوب دشمن تحقق پیدا کند؛ این را مراقب باشید. بحث و مجادله و مباحثه و گفتگو را طلبگی انجام دهید. امام هم مکرر به ما می‌فرمود. واقعیت هم همین است که در محیط‌های طلبگی، گاهی دو طلبه دعوا و جنجال میکنند؛ عصبانی میشوند، اما وقتی مباحثه تمام میشود، با یکدیگر ناهار و چایی می‌خورند و «لم یکن شیئا مذکورا!» حرفهایشان را میزنند، اما بینشان دشمنی و شکاف ایجاد نمیشود. در بحث، منطق و استدلال باشد، چهارچوب هم چهارچوب قانون است. قانون هم در درجه‌ی اول، قانون اساسی است. این چهارچوب را رعایت کنید. بنده آن روز هم به جوانان دانشجو گفتم که قانون آمده تا جای صدای کلفت را بگیرد؛ کسی با صدای کلفت در هر موضعی که هست، بگوید اینطور باید بشود! خیال هم نکنید که استبداد و دیکتاتوری و صدای کلفت و افزون‌طلبی، مخصوص کسانی است که در رأس نظامند؛ نخیر، در بدنه‌ی نظام هم چنین چیزهایی وجود دارد و همه جایش هم بد است. خوی پادشاهی، خوی استبداد در همه جا بد است؛ در هر جا زشت است؛ به هر شکلی که باشد، بد است. قانون

آمده جلو این مسائل را بگیرد. بر طبق قانون و در چهارچوب آن باید حرف زده و عمل و رفتار شود و حل و فصل هم به وسیله‌ی قانون صورت گیرد. این بهترین معیار وحدت است؛ انگیزه‌های دیگر را کنار بگذارند. امروز روزی نیست که اگر از این وظیفه‌ی حفظ استحکام داخلی عدول کنیم و آن را پشت سر بیندازیم، خدای متعال و مردم و تاریخ بر ما ببخشایند؛ امروز روزی نیست که بشود این وظیفه را نادیده گرفت؛ باید هوشیار بود. نباید در نیروی دشمن مبالغه کرد و نباید هم دشمنی و کید او را نادیده گرفت؛ باید مراقب بود. امیرالمؤمنین فرمود: «والله لا اکون کالضبع تنام علی طول اللدم»^۱. معروف است بین عربها که کفتار را وقتی می‌خواهند صید کنند، پایکوبی میکنند و آهنگی می‌خوانند که خواب‌آور است. کفتار را با آهنگی در لانه‌اش می‌خوابانند و وقتی خوابید، به سراغش می‌روند. حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید: «والله لا اکون کالضبع» من آن کفتاری نیستم که مرا با پایکوبی آوازه‌خوانی بخوابانند و هر کار می‌خواهند، بکنند.^۲

تبلیغات از شگردهای دشمن

یکی از شگردهای دشمن، تبلیغات است. تبلیغ کنند که جمهوری اسلامی نتوانست. تبلیغ کنند که اسلام کافی نیست. تبلیغ کنند که مردم ایران ترسیدند و عقب‌نشینی کردند. تبلیغ کنند که ملت ایران، از انقلاب و از اسلام فاصله گرفته‌اند. تبلیغ کنند که دولت ضعیف است و نمیتواند کار کند. سعی کنند که احساسات قشری و صنفی را در افراد زنده کنند، تا چوب لای چرخ دولت و مسئولان و کارگزاران کشور بگذارند. دشمن فقط این کارها را میتواند بکند؛ کار دیگری از دست دشمن ساخته نیست.

شما خیال نکنید که دشمن فقط از جبهه‌ی جنگ حمله میکند. دشمن وقتی در مقابل نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت و

۱. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۶

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۷

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۷۱

دید که نمیتواند از جبهه، بر این انقلاب و بر این ملت پیروز بشود، سعی میکند که در داخل ملت رخنه کند و از درون، کار را مشکل نماید.

بله، هنر انقلاب این است، و هنر امام این بود. آن بزرگوار، در جامعه‌ای که دشمن پنجاه، شصت سال به‌طور مستقیم و غیرمستقیم روی آن کار کرده بود، تا آن را به لجنزار فساد بکشاند، کار کرد و جوانانش را مثل گل، پاک و پاکیزه تربیت کرد. خود آن بزرگوار فرمود: این، فتح‌الفتوح است. بله، فتح‌الفتوح امام، ساختن جوانان مؤمن، مخلص، سالم، صادق، بی‌اعتنای به شهوات و دل‌هایشان متوجه به سمت خدا بود. در طول تاریخ، در این مملکت و یا در سایر ممالک اسلامی، ما چه موقع اینقدر جوان خوب و صالح، مثل دوران انقلاب داشتیم؟^۱

تلاش تبلیغاتی دشمن جهت حذف نظام اسلامی

دشمن میکوشد با جوسازی و حیل‌های تبلیغاتی، شما را از نام حکومت اسلامی و نظام اسلامی برحذر دارد، و شاید برخی از ساده‌دلان به این فکر بیفتند که برای حساس نشدن آمریکا و دولتهای غربی، بهتر است که در اظهارات علنی، از نام حکومت اسلامی اجتناب شود. توصیه‌ی اینجانب، اجتناب جدی از این مصلحت‌اندیشی خلاف مصلحت است. هدف تشکیل نظام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام را، بی‌هیچ انفعالی به صراحت و به تکرار و در همه‌ی شرایط بیان کنید و با عدول از نام مقدس اسلام، دشمن را به طمع نیندازید و هدف را مبهم و غبارآلود نسازید.^۲

امروز الگوی زندگی سیاسی و اقتصادی و منش کلی انقلابی ما همان چیزی است که از امام دانسته‌ایم و شنیده‌ایم و همان منش و افکار و رفتار امام- که درست هم بود، منطبق بر حق هم بود، با همه‌ی

۱. بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵

۲. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

جان و دل هم ملت ایران و مسئولان دنبال آن راه بودند و بعد از آن هم هستند. راه حق است و یک لحظه نباید از راه حق جدا شد. واقعیت این است؛ منتها دشمن دست‌بردار نیست. او (دشمن) سعی میکند برای افکار عمومی دنیا- که این افکار عمومی عالم، متضمن افکار و احساسات و استهزاهای ملت‌های مسلمان و ملت‌های جهان سوم، که مخاطب انقلاب اسلامی بودند، نیز هست- اثبات کند که ایران خودش آن دوران را تخطئه میکند؛ شما از چه کشوری میخواهید تقلید کنید؟! میخواهد برای مردم فلان کشور اسلامی و یا حتی غیراسلامی ثابت کند که ایران از مواضع قبلی خود عدول کرده است. ما دیدیم که کشورهای غیراسلامی، در حرکات عظیم خودشان، راه ایران را بعنوان شعار مشخص کردند، تابلو زدند و گفتند راه ما همان راهی است که ایران رفته است؛ یعنی راه مقابله با استکبار آمریکایی و غول خونخوار قدرت سلطه‌ی جهانی. میخواهد به مردم دنیا بگوید که شما دنبال آن راه رفتید و جاذبه‌ی آن شما را به حرکت درآورد و به شما امید بخشید؛ اما حالا خود متوکیان و کارکنان و رهروان آن راه، آن را تخطئه میکنند؛ شما چه میگویید؟! میخواهد این را در دنیا جا بیندازد.^۱

و اداری کردن اتهامات خصمانه از ابزار تبلیغاتی دشمن

تبلیغات مدرن و دارای پوشش جهانی، بی‌شک کارآمدترین حربی استکبار است. امروز تعداد رسانه‌های صوتی و تصویری و مطبوعاتی‌ای که بیشترین تلاش خود را وقف دشمنی با اسلام کرده‌اند، بسیار زیاد و همچنان رو به افزایش است. کارشناسانی مزدور، فقط سرگرم ساختن و پرداختن مطلب و خبر و تحلیل، برای گمراه کردن ذهن مستمعان خود و معرفی نادرست و ترسیم زشت از نهضت اسلامی و شخصیت‌های بزرگ اسلامی‌اند، و جمهوری اسلامی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب تا امروز بی‌وقفه و روزافزون با چنین

۱. بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۴/۱۸

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۷۳

تبلیغات خصمانه‌ای مواجهه بوده است. باید گفت که این ترفند نیز در مقابل حرکت اسلامی اصیل و نشأت گرفته از فطرت و نیاز، توفیق زیادی نداشته و مقصود دشمن را برنیاورده است. گسترش موج دعوت انقلابی امام راحل عظیم‌الشأن در سراسر دنیای اسلام و حضور فکر و نام و رهنمود و عکس و نشان آن بزرگوار در شرق و غرب عالم، با وجود آن همه تبلیغ دروغ و سخن ناحق که به نیت مخدوش کردن سیمای ملکوتی آن وارث پیامبران، گفته و پخش شده است، روشنترین دلیل این مدعا است. با این همه باید اذعان کرد که عامل مهم در حفظ سلامت و سداد فکر ملت‌های مسلمان، روشنگری‌های علما و روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان و جوانان فعال و آگاه است. و همه بخصوص علما متعهد دین در این مورد وظیفه‌ای بزرگ بر عهده دارند. دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همواره تا امروز سیاهه‌ای از اتهامات را متوجه ایران اسلامی کرده است. میبینیم که همان تهمتها امروزه به همه‌ی نهضت‌های اسلامی در هر جای دنیا که باشند نیز زده میشود. تهمت تعصب و جمود فکری که از آن، با عنوان «بنیادگرایی» نام می‌برند، تهمت تروریسم، تهمت بی‌اعتنایی به حقوق بشر، تهمت ضدیت با دموکراسی، تهمت بی‌اعتنایی به حقوق زنان، تهمت ضدیت با صلح و طرفداری از جنگ. اندکی انصاف، هر کسی را به دروغ بودن این تهمتها و بی‌شرمی واردکنندگان آگاه می‌سازد. ایران اسلامی در حالی متهم به مخالفت با دموکراسی میشود که از پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا ۱۴ ماه پس از آن، دو همه‌پرسی عمومی، که در یکی از آنها مردم ایران، جمهوری اسلامی را بعنوان نظام سیاسی کشور برگزیدند، و در دیگری به قانون اساسی رأی دادند، و سه انتخابات که در آنها به ترتیب: اعضای مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، رئیس‌جمهور، و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی معین شدند، در آن برگزار شده، و تا امروز همواره انتخابات آزاد، با شرکت پرشور مردم برای تعیین رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس، در موعد قانونی خود انجام گرفته است. تهمت به تروریسم را،

کسانی به ایران اسلامی میزنند، که خود از دولت تروریست صهیونیستی بیشترین پشتیبانی را کرده و گروههای تروریست ضدانقلاب ایرانی را در زیر چتر حمایت خود قرار میدهند و حقوق‌بگیران آنان صدها بار در داخل ایران اسلامی بمب‌گذاری کرده و هزاران نفر از مردم عادی و عناصر انقلابی و مرد و زن و کودک بیگناه را به قتل رسانده‌اند. ضدیت با صلح را کسانی به جمهوری اسلامی نسبت میدهند که جنگی هشت ساله را با تشویق رژیم بعثی عراق و به دست او بر ایران تحمیل کردند و در همه‌ی آن مدت، انواع کمکها را به آن رژیم که بخاطر حمله به ایران اسلامی، رژیم محبوب آنان به شمار میرفت مبذول داشته‌اند. تضييع حقوق زنان، تهمت از سوی کسانی است که شأن والای زن ایرانی را که با حفظ حجاب و حد شرعی، در برترین فعالیتهای کشور شرکت میورزد، نمیپسندند و ابتذال حاکم بر روابط زن و مرد و بهره‌کشی ناجوانمردانه از زن در جوامع غربی را، نسخه‌ی مطلوب در حیات اجتماعی زن می‌شمرند. تهمت نقض حقوق بشر را رژیمهایی متوجه ایران می‌سازند که خود قلمهای بزرگ و حیرت‌انگیز پایمال کردن حقوق انسانها را مرتکب شده یا زمینه‌سازی کرده‌اند.^۱

تازگی نداشتن جنجالهای تبلیغاتی

این جنجالهای تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی، تازگی ندارد و مال امروز و دیروز نیست. از اوّل انقلاب این بحثها بود. البته اوّل اوّل انقلاب را نمی‌گوییم؛ چون اوّل اوّل انقلاب، دشمن گیج بود؛ سرگیجه داشت؛ نمیفهمید چه شده است؛ قدرت نداشت موقعیت را درک کند. لذا، آن چند ماه اوّل انقلاب، تبلیغاتی از این قبیل نبود. اما هنوز چند ماهی نگذشته بود که سنای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مصوبه‌ای گذراند و دشمنی خودش را با اسلام و نظام جمهوری اسلامی و امام بزرگوار ما روشن و واضح کرد. این اقدامها، از آن روز

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۲/۲/۲۸

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۷۵

تا امروز، ادامه داشته است. پس اینها تازگی ندارد. همیشه دشمن می‌خواهد ضربه‌ها و حمله‌های خود را بزرگ نشان دهد. یادتان هست در دوران جنگ تحمیلی، وقتی جوانان ما سرزمینهایی را می‌گرفتند و ضربات سختی را به دشمن وارد می‌کردند و دشمن هم در مقابل، پاتک کوچکی می‌کرد، جنجال راه می‌انداخت که «ما عملیات کردیم. چنین کردیم، چنان کردیم»؟ دشمن اگر حرکتی تعرض‌آمیز انجام می‌دهد، می‌خواهد آن را بزرگ نمایش دهد تا روحیه‌ی طرف مقابل را تضعیف کند. خودشان که حمله می‌کنند، حملاتشان را بزرگ می‌شمارند و در رادیوهایشان، جنجال راه می‌اندازند؛ این از آن نقل می‌کند و آن از این نقل می‌کند! اینها تازگی ندارد. اینها با اسلام بدند؛ با جمهوری اسلامی بدند؛ با استقلال یک ملت به شدت دشمنند و با ملتی که بخواهد در مقابل آنها استقلال خودش را حفظ کند، از اعماق قلب کینه می‌ورزند. پس، اینها تازگی ندارد.^۱

دشمن، تبلیغات، زهرپراکنی و لجن‌پراکنی زیادی می‌کند. از دشمن، غیر از دشمنی انتظاری نیست. دشمن یا باید محاصره‌ی اقتصادی کند، یا تبلیغات دروغ کند، یا تهاجم امنیتی و توطئه کند. دشمن، دشمن است. اما ملت ایران، به خدای بزرگ معتقد و متکی است. با خدای بزرگ رابطه دارد. از قدرت پروردگار عالم برخوردار است که به برکت اسلام و مسلمین، به یک ملت آن قدرت را بخشیده است.^۲

برادران و خواهران عزیز! اینها [مصمم بودن اراده‌ی مردم در قیام، اعتماد به خدا، حفظ وحدت و...] تجربیات ما [در پیروزی علیه ابرقدرتها و مزدوران] است، من بعنوان برادر مسلمان شما و از سر تعهد دینی، آن را با شما در میان گذاشتم. بوقهای تبلیغاتی دشمن مانند همیشه فریاد خواهند کرد که ایران می‌خواهد دخالت کند، می‌خواهد

۱. بیانات در اجتماع مردم نوشهر ۱۳۷۲/۲/۱۸

۲. بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) در مرقد مطهر ۱۳۷۴/۳/۱۴

مصر را شیعه کند، می‌خواهد ولایت فقیه را به مصر صادر کند و می‌خواهد و می‌خواهد... این دروغها را سی سال است می‌گویند تا ملت‌های ما را از یکدیگر جدا و از کمک یکدیگر محروم کنند و مزدوران آنها هم آن را تکرار میکنند. «یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غروراً ولو شاء ربک ما فعلوه فذرهم وما یفترون»^۱. با این ترندها، هرگز وظایفی را که اسلام بر دوش ما گذاشته است، رها نخواهیم کرد.^۲

فریب نخوردن از لبخند دشمن

یکی از کارهای اصلی که باید انجام بدهیم و همه باید به آن توجه داشته باشیم، این است که فریب لبخند دشمن و وعده‌های دروغ جبهه‌ی دشمن را نخوریم. در این سی سال، تجربه هم پیدا کرده‌ایم. گاهی به روی ما لبخند زدند. اوایل گاهی بعضی از ما باور میکردیم. یواش‌یواش فهمیدیم پشت صحنه چیست. فریب لبخند دشمن را، فریب وعده‌های دروغ دشمن را نخوریم. جبهه‌ی قدرت مادی‌ای که امروز بر دنیا مسلط است، راحت عهد می‌شکنند. بدون هیچ دغدغه‌ای عهدشکنی میکنند، زیر قولشان میزنند، زیر حرفشان میزنند، نه از خدا خجالت میکشند، نه از خلق خجالت میکشند، نه از طرف مذاکره خجالت میکشند؛ راحت دروغ می‌گویند! من نمونه‌های زنده دارم. که حالا در اینجا جای بحثش نیست؛ شاید آن وقتی که لازم باشد، عرض بکنم. همین اظهاراتی که آمریکاییها کردند، رئیس‌جمهور آمریکا کرد؛ نامه‌ای که به ما نوشت، جوابی که ما دادیم؛ بعد عکس‌العمل و اقدامی که آنها با مضمون آن نامه‌ها کردند. اینها یک روزی در اختیار افکار عمومی دنیا. آن وقتی که لازم باشد. قرار خواهد گرفت؛ خواهند دید که اینها چه جوری‌اند، حرفشان چقدر اهمیّت و ارزش دارد، وعده‌شان چقدر ارزش دارد. بنابراین یکی از کارهای اساسی ما این است که

۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۱۲

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۷۷

فریب لبخند و وعده‌ی دروغ اینها را نخوریم.^۱

شیوه‌های دشمن از همیشه پیچیده‌تر و هشداردهنده‌تر است و مسلمین در سراسر جهان باید مسأله را از همیشه جدی‌تر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند.^۲

مقابله با شیوه‌های دشمن در پایمال کردن حق ملت

دشمن نمیتواند با تهدید کاری بکند. این روزها باز صدای تهدیدشان بلند شده است: آمریکا و صهیونیستها یک جور، بعضی از دولتهای اروپایی هم جاهلانه و ناخردمندانه، دنباله‌رو آمریکا! مگر ملت ایران را تجربه نکردید؟ مگر این ملت عظیم و مقاوم را نیازمودید؟ ما راه خودمان را با قدرت ادامه خواهیم داد و نمیگذاریم مستکبران عالم، حق این ملت را پایمال کنند. این تکلیف ما، وظیفه‌ی ما و حق این ملت عظیم است که ما باید به مقتضای مسئولیتیمان، این حق را ادا کنیم؛ باید نگذاریم دشمن با شیوه‌های گوناگون، با روشهای مختلف، با جنگ روانی و با انواع و اقسام حيله‌ها و ترفندها حق این ملت را پامال کند و به فضل پروردگار نخواهیم گذاشت.^۳

صف‌آرایی دشمن در برابر ما

من مجدداً تأکید میکنم که از کید دشمن غافل نباشید. درست است که ما علی‌الظاهر در جبهه‌ی نظامی جنگ نداریم؛ اما در جبهه‌های اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی، فرهنگی و همچنین در جبهه‌ی پنهان نظامی، دشمن در مقابل ما صف‌آرایی کرده است. مسئولان کشور باید با خیال راحت و حواس جمع و با قدرت، کید دشمن را خنثی کنند و به مقابله با آن پردازند. مردم باید کمک کنند که ذهن مسئولان آرام

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

۲. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

۳. بیانات در دیدار با مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی ۱۳۸۷/۲/۱۵

باشد تا بتواند ان‌شاءالله با جرأت و قدرت، کار خود را ادامه بدهند و مطمئناً خدای متعال هم به ما لطف خواهد کرد.^۱

دشمنی آن دشمن، آشکار است و برای اهل بصیرت، مخفی نیست و دشمن آشکار هم، با وجود اینکه دشمنیش آشکار است، شیوه‌هایی برای فریب دارد. غالب ملت‌هایی که فریب خوردند و دولت‌هایی که اشتباه کردند، از اینجا اشتباه کردند که روشهای دشمن را درست نشناختند. اگر ما روشهای دشمن را نشناختیم و مبارزه با دشمنی که میخواهد ما را نابود کند، به فراموشی سپردیم، بدیهی است که راهی را خواهیم رفت که دشمن میپسندد؛ یعنی راه نابودی، راه ویرانی، راه فساد.^۲

در صدر اسلام هم خدای متعال به پیامبر خود همین نکته را فرمود: «لو انفتت ما فی الارض جميعاً ما الفت بین قلوبهم ولكن الله ألف بينهم».^۳ خدا دل‌های شما را به هم نزدیک کرد. او احساس محبت و صمیمیت و فشرده‌گی صفوف برای دفاع از انقلاب را به شما داد. شکر نعمت اعطا شده آن است که ما این محبت و الفت را در دل و عمل و زبان خودمان حفظ کنیم. دشمن بیکار نمینشیند؛ او دائماً مشغول ایجاد شر و فساد است.^۴

سوءاستفاده‌ی دشمن از غفلت و تنبلیها

یک عده‌ای غفلت میکنند، نمیفهمند که ما این همه حرکت کرده‌ایم، پیش آمده‌ایم؛ نمیفهمند که ما هنوز راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ نمیفهمند که ما دشمن داریم، دشمن از تنبلی ما، از غفلت ما، از اختلاف ما، سوءاستفاده میکند. مخاطب بیشتر این حرف شخصیت‌های مطرح جامعه- سیاسی و فرهنگی و غیره- هستند که باید مراقب حرف

۱. بیانات در دیدار با گروهی از روحانیون و مردم رفسنجان ۱۳۶۸/۷/۲۱

۲. بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۸/۹

۳. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۳

۴. بیانات در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم آذربایجان ۱۳۶۸/۳/۳۰

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۷۹

زدنهای خودشان، مراقب نوشتنهای خودشان، مراقب موضعگیریهایی خودشان باشند. اتحاد و اتّفاقی که رمز همه‌ی پیشرفته‌ها و پیروزیهاست، امروز بیشتر از همه برای این کشور لازم است. مسئولین کشور هم واقعاً دارند زحمت میکشند، حقیقتاً دارند زحمت میکشند. دولت، مسئولین، مدیران بخشهای مختلف، تلاش میکنند. اگر کسی ایراد و انتقادی هم دارد، نباید آن را جوری مطرح کند که این مدیری که در تلاش هست برای اینکه کار را بهتر انجام دهد، او را تضعیف کند. اختلافات غالباً از هوسهای نفسانی برمیخیزد. اگر کسی بگوید این عمل من که اختلاف‌انگیز بود، تفرقه‌انگیز بود، برای خداست، این را باور نکنید. تفرقه‌ی بین مؤمنین کار خدایی نیست، برای هدف خدایی انجام نمیگیرد؛ کار شیطانی است؛ کار شیطانی است. ایجاد بغضاء و کینه بین مؤمنین، فضای اختلاف را به وجود آوردن، این کار شیطان است، کار خدایی نیست. کار خدایی همدلی است. یک نفر یک کاری دارد، مسئولیتی را بر عهده گرفته، دیگران باید کمک کنند تا کار را خوب انجام دهد. اگر ضعفی داشت، به او تذکر دهند؛ اما نگذارند او تضعیف شود. این کسی که این علم را بر دوش کشیده، بلند کرده، همه باید کمکش کنند؛ یکی عرقش را پاک میکند، یکی بادش میزند. اگر دیدند که در نگه داشتن علم دارد اشتباه میکند، راهش این نیست که یک مثنی هم به پشتش بزنند، خود او و علم را سرنگون کنند. راهش این است که کمکش کنند این اشکال برطرف شود؛ این نکته را باید همه توجه کنند، بخصوص کسانی که در عرصه‌ی سیاست و در عرصه‌ی فرهنگ و در عرصه‌ی رسانه و در عرصه‌های گوناگون نقش و حضوری دارند.^۱

باید روزبه‌روز هشیارتر شویم. البتّه دشمن با همه‌ی توش و توان خود به میدان آمد، کاری از پیش نبرد، بعد از این هم به فضل الهی و به اذن الهی، دشمن کاری نخواهد کرد و نخواهد توانست بکند؛ اما این

۱. بیانات در دیدار جمعی از مدآحان و ستایشگران اهل بیت (علیهم‌السّلام) ۱۳۸۷/۴/۴

در صورتی است که ما هوشیار باشیم؛ ما بیدار باشیم. اگر دچار غفلت شدیم، اگر سرگرم مسائل کوچک شدیم، اگر در کنار مسائل روزمره‌ی خود از مسأله‌ی اصلی که حفظ کیان این ملت و حفظ کیان این نظام مقدّس است، غافل شدیم، دشمن ممکن است ضربه بزند. امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه فرمود: «و من نام لم ینم عنه»^۱؛ اگر شما در سنگر خوابت ببرد، معنایش این نیست که دشمن تو هم در سنگر خوابش برده. ممکن است او بیدار باشد و از خواب و غفلت تو استفاده کند.^۲

مأیوس کردن مردم با شواهد دروغین

تبلیغاتچیهای دنیا- و امروز بیشتر از گذشته- سعی میکنند ملت ایران را، که میرود تا به قلّه برسد، مأیوس کنند. میگویند: «آقا، وضع اقتصاد خراب است! آقا، دنیا نمیگذارد! آقا، آمریکا نمیگذارد! آقا، مردم ناراحتند!» دائم در گوش مردم این چیزها را میخوانند؛ آن هم با روشهای تبلیغاتی بسیار زیرکانه. بنده حرفهای اینها را گوش میدهم. حرفهایشان را گاهی مستقیماً گوش میدهم و بسیاری اوقات هم مینویسند یا ضبط میکنند و برایم می‌آورند. من مبینم اینها چه میگویند. مبینم که نشسته‌اند و کلماتی را انتخاب کرده‌اند که مردم این حرف را باور کنند! یک دروغ مسلّم را میخواهند مردم باور کنند! متأسفانه بعضی در داخل، هر چه حرف میزنند برای مأیوس کردن مردم است. یا سکوت میکنند، یا اگر یک کلمه حرف هم زدند، برای این است که مردم را مأیوس کنند!

چرا مردم را مأیوس میکنید؟! چرا به این ملت قدرتمند و شجاع، که میتواند راههای دشوار را برود و دشوارترین بخش راه را هم تاکنون رفته است میگویید: «نمیتوانید به حکومت و جامعه و نظام عادلانه اسلامی برسید»؟! چرا؟! همه‌ی راهها را دشمن رفت، بلکه بتواند شما ملت را شکست دهد؛ و نتوانست. همه‌ی راهها را رفتند: راه جنگ نظامی، راه محاصره‌ی اقتصادی، راه تبلیغات، راه فحاشی، راه تهمت

۱. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۶۲

۲. بیانات در دیدار سران و معتمدان عشایر کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۴

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۸۱

زدن به مسئولین. چقدر تهمت‌ها زدند بعد از این هم، البته خواهند زد کسی باور نکرد. حرفهایی میزنند با شواهد دروغین، و مطلبی را ادعا میکنند تا مردم را مأیوس کنند.^۱

سرمایه‌گذاری دشمن در ایجاد یأس

همه‌ی ما تصمیم بگیریم که دشمن را مأیوس سازیم. دشمن روی این نکته به شدت سرمایه‌گذاری تبلیغاتی میکند و سعی میکند به نحوی دل‌های مردم را- که در بهشتی از صفا آرمیده‌اند- مشوش و آشفته کند. همه‌ی دستگاہهای مسئول باید تلاش کنند و نگذارند آن سه نقطه‌ی امید دشمن، تأثیر سوء خودش را بگذارد. شما نمایندگان محترم میتوانید نقش عمده‌ای در خنثی کردن اهداف آنها در مجلس شورای اسلامی داشته باشید.^۲

یکی از ترندهای تبلیغاتی دشمن این است که به نحوی ذهنها را نسبت به آینده دچار تردید بکند. متأسفانه، بعضی از افراد ساده‌دل- که شاید آدمهای مغرضی هم دنبال قضایا باشند- وقتی میبینند کشور به سمت سازندگی و آبادی پیش میرود، به جای کمک و همکاری و تسهیل امور و روشن کردن افق دید مردم، بر همه چیز هاله‌ای از ابهام و شک می‌گسترانند؛ به گمان اینکه مردم را دچار تردید کنند. تلاش مدیریت قوی باید با پیشرفتها همراه باشد. چرا ما در پیشرفتهای یک ملت شک کنیم؟ کسانی که حرفی میزنند و اظهارنظری میکنند، مواظب باشند مبدا بر طبق خواست دشمن و استکبار حرف بزنند. دشمن، همین را میخواهد و مایل است که مردم در تلاش و سازندگی خودشان، دچار شک و تردید بشوند.^۳

۱. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت «روز میلاد حضرت علی(ع)» ۱۳۷۲/۱۰/۶

۲. بیانات در مراسم بیعت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۸/۳/۲۴

۳. بیانات در دیدار با ائمه‌ی جمعه، روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم شهرهای کبودرآهنگ و بهار همدان، هشتر طولش، سبزواری و مرند و فرهنگیان و دانش‌آموزان گلپایگان ۱۳۶۸/۹/۱

حاکم کردن یأس در دلها

کاری که دشمن می‌خواهد بکند، این است که یأس را بر دلها حاکم کند و هرکس به گونه‌ای مأیوس باشد؛ دانشجو یک‌طور، دانش‌آموز یک‌طور، کارگر یک‌طور، روحانی یک‌طور، کاسب یک‌طور، اداری یک‌طور، مسئول دولتی یک‌طور، مسئول بلندپایه یک‌طور. هرکدام روشهایی دارند؛ ما از نزدیک میبینیم. روشهایی دارند که حتی برخی از مسئولان بلندپایه را هم در یک کشور مأیوس کنند. ما مسئولانی را از کشورهای دیگر میبینیم که گاهی با ما صحبت میکنند، دلشان پر از یأس است. واقعاً آدم مأیوس چه کار میتواند بکند؟ ما سعی کردیم یأس را از دلهای آنها بیرون بکشیم و به جایش امید تزریق کنیم. بحمدالله ملت ما، ملت امیدوار و بانشاطی است. در مردم امید را تزریق کنید.^۱

سعی دشمن بر تبدیل کردن مایه‌های تردید بر امید

دشمنان ما؛ دشمنان انقلاب، دشمنان نظام جمهوری اسلامی، چند خط را دارند دنبال میکنند که این در تبلیغاتشان و در کاری که انجام میدهند، واضح هم هست؛ اینها چیزهای پوشیده و پنهانی نیست؛ باید در ذهن خودمان اینها را جمع‌بندی کنیم:

یکی این است که نشانه‌های امید را مخدوش کنند؛ مورد خدشه قرار بدهند، که از جمله همین انتخابات بود. حضور هشتاد و پنج درصدی مردم، یک چیز امیدبخشی است، یک چیز مهمی است؛ همانطور که عرض کردیم، سی سال بعد از یک انقلاب، مردم کشور بیایند به نظام برآمده‌ی این انقلاب یک چنین آراء وسیعی را تقدیم بکنند، این جز اعتماد به این نظام و دل بستن به این نظام، معنای دیگری ندارد؛ و این اتفاق افتاد. یا رئیس‌جمهوری را با این رأی بالا انتخاب بکنند، این یک چیز بی‌سابقه است. این اتفاق افتاد؛ این کار در کشور شد. این خیلی نقطه‌ی قوت مهمی است. سعی شد این نقطه‌ی قوت را تبدیل کنند به نقطه‌ی ضعف؛ این مایه‌ی امید را تبدیل کنند به

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶/۱۰/۳

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۸۳

مایه‌ی تردید، مایه‌ی یأس. این کار خصمانه‌ای است. در کشور، مایه‌های امید فراوان است؛ زیرساختهای کشور، امروز زیرساختهای بسیار مستحکمی است؛ کارهای مهمی در طول این سالها انجام گرفته و امروز کشور آماده‌ی یک حرکت جهش‌وار به جلوست.

یعنی همه‌ی این نقاط مثبت، این قلّه‌های برجسته‌ای که همه‌اش امیدافزا هست، اینها را سعی میکنند در چشمها کمرنگ کنند. متقابلاً نقاط ضعف کوچکی که حتماً وجود دارد، بزرگ کنند یا نقاط ضعف را- نمیگوئیم هم کوچک، نقاط ضعفی وجود دارد- بزرگنمایی کنند؛ چند برابر آنچه که هست، این نقاط ضعف را نشان بدهند؛ سیاه‌نمایی کنند؛ تلقیهای بدبینانه‌ی نسبت به نظام را گسترش بدهند. میبینید دیگر؛ به‌زور میخواهند این یأس را به جامعه القاء کنند. وقتی یأس وارد جامعه شد، جامعه از پویایی خواهد افتاد؛ افراد مبتکر، افراد نخبه، افراد جوان و پُرنشاط منزوی میشوند، کناره‌گیری میکنند، دست و دلشان به کار نمی‌رود، مشارکتها کم میشود، پویایی جامعه از دست میرود. این یکی از خطوط کاری دشمن است؛ مرتباً القای بن‌بست کردن. شما اگر ببینید این تبلیغات رادیوها را- حالا امروز رادیوها دیگر نیست. یک وقتی میگفتیم دهها رادیو، امروز مسأله‌ی هزارهاست؛ رادیو هست، تلویزیون هست، این وسائل اینترنتی هست- به‌طور دائم از مراکز مشخصی، مرتباً القای بن‌بست، القای بحران، القای سیاه بودن وضعیت میشود؛ هر مقداری که بگیرد، هر مقداری که مستمع و شنونده پیدا بکند و باورپذیر باشد برای آنها؛ دارند در این زمینه کار میکنند. این یکی از خطوط کاری دشمن است.^۱

تحریک مردم از راه واسطه‌ها

امام بزرگوار، مکرر میفرمود که گاهی دشمن با ده واسطه، یک نفر را تحریک میکند که حرفی بگوید، یا کاری را انجام دهد! اگر شما بخواهید دشمن را بشناسید، باید ده واسطه را طی کنید و بروید. دشمن

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

انقلاب در ایران- یعنی ایادی استکبار جهانی- راحت می‌توانند ده واسطه پیدا کنند و خودشان را در حوزه‌ی قم، به بیچاره‌ای برسانند و او را به حرفی، به گفته‌ای و به یک موضع‌گیری غلط و ناشیانه وادار کنند! آنقدر در کشور، ورشکستگان سیاسی، ضربت‌خورده‌های از انقلاب، تودهنی‌خورده‌های از همین بسیج، ضربت‌خورده‌های از دادگاه‌های انقلاب، ساواکیهای قدیم و کسانی که امیدشان به این بود که نظام مزدور گذشته‌ی ظالم بماند و آنها از آن استفاده کنند و محروم مانند، هستند که واسطه بشوند تا آن ده واسطه را درست کنند و خبر غلط و حرف دروغی را به فلان آدم بیچاره و مفلوک بدهند و او خیال کند که اوضاع و احوال به صورتی است که باید حالا حرفی زد؛ خودش و دیگران و زن و بچه‌ی خود را به بلا بیندازد!

عدم خوش‌بینی نسبت به دشمن

کسانی که روی مردم اثر می‌گذارند- کسانی که حرفشان، اقدامشان، عملشان، منششان، نوشته‌شان، روی مردم اثر می‌گذارد- چند خطر بزرگ آنها تهدیدشان می‌کند که باید بسیار مراقب باشند. یکی خطر خسته‌شدن است، یکی خطر راحت‌طلبی است، یکی خطر میل به سازش است، یکی خطر چسبیدن به منافع نقد است؛ همان بلایی که بر سر کسانی که انقلاب فلسطین را منحرف کردند، آمد؛ همان خطری که بر سر همه‌ی رهبرانی آمد که ملت‌های خودشان را از مسیر درست و راهی که شروع کرده بودند، منحرف کردند و بازداشتند. بارهای سنگین بر روی نیروهای اثرگذار روی ذهن‌های مردم است. باید ایمان و پارسایی خودشان را تقویت کنند؛ باید اتکای خودشان را به لطف و فضل خدا زیاد کنند؛ باید به دشمن لحظه‌ای خوشبین نباشند؛ دشمن درصدد ضربه‌زدن است. اگر خواص یک کشور- یعنی نیروهایی که با زبان‌شان، با قلمشان، با رفتارشان، با امضایشان، بر روی مسیر یک ملت اثر می‌گذارند- میل به سازش و راحت‌طلبی و زندگی مرفه و خوشگذرانی

۱. بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۸۵

پیدا کنند و از حضور در میدانهای خطر خسته شوند، آن وقت خطر تهدید میکند. لذاست که شما میبینید امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران خلافت کوتاه خود، بیشترین خطابش، بیشتری ملامتش، بیشترین توصیه‌اش و بیشترین تذکرش، به کسانی است که به آنها مسئولیت داده بود تا بخشهای مختلفی را در آن کشور بزرگی که در اختیار آن حضرت بود، اداره کنند. امام بزرگوار ما بارها و بارها به مسئولان کشور، به ما، به شاگردان خودش، به دستپروردگان خودش، تذکر میداد. مضمون آن تذکر این بود که مبادا به چرب و شیرین زندگی راحت، خودشان را عادت بدهند و از مجاهدت در راه خدا باز بمانند.^۱

توسل دشمن به دروغ و فریب

دشمن مایل نیست اهداف و مقاصد خیانت‌آمیز و جنایت‌بار خود را برای ملت‌ها تشریح کند. لذا از دور شعارهای انسان‌دوستی، حقوق بشر، دموکراسی و غیره را بر سر دست میکند. اما این دروغ‌گویی و فریب نمیتواند زیاد باقی بماند. قدرت‌طلبان و مستکبران عالم، در عمل خودشان را افشا میکنند. همین حالا در قضیه‌ی عراق ببینید. آمریکاییها صریحاً میگویند ما میخواهیم به عراق بیاییم و یک حاکم آمریکایی را حداقل به مدت دو سال بر سر کار بگذاریم. این، افشای مافی‌الضمیر آمریکاییهاست. آنها در ته دلشان همین را میخواهند و به کمتر از این راضی نیستند. اگر بخواهند یک حاکم دست‌نشانده‌ی عراقی را هم بر سر کار بگذارند، باز آنها را اشباع نمیکند. آنها میخواهند یک ملت، یک کشور و یک مجموعه منابع انسانی و مالی و مادی را یکجا و یکپارچه در حلقوم شرکتهای افرون‌طلب صهیونیستی و مراکز قدرت جهانی بریزند و به کمتر از این راضی نیستند. خواست آنها این است.^۲

۱. بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۷۹/۳/۱۴

۲. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۱/۱۱/۲۸

راه علاج، عدم تسلیم

علاج کار در مقابل آمریکای ماجراجو و متجاوز چیست؟ یک عده نسخه‌ی تسلیم را تجویز میکنند؛ این نسخه کارساز نیست. البته شما جوانان میدانید، هرکس هم که از هویت انسانی مستقل برخوردار باشد، میداند که نشان دادن نشانه‌های تسلیم در مقابل دشمن، به‌هیچ‌وجه کارساز نیست. نشانه‌های تسلیم و انقیاد و مرعوب شدن، دشمن را نیرومند میکند؛ به او روحیه می‌دهد و به او کمک میکند تا بتواند راه خود را در تجاوز ادامه دهد. بنابراین به‌هیچ‌وجه نباید تسلیم شد.^۱

مرعوب ساختن ملت‌ها از ابزارهای دشمن

بزرگترین خطا و زیان و خطر برای یک کشور در چنین شرایطی این است که دشمن احساس کند که توانسته است او را مرعوب کند. اصلاً یکی از ابزار ابرقدرتها مرعوب کردن است. گاهی اوقات هیبت ابرقدرتی در مقابل ضعف تأثیرش از سلاح بیشتر است. بعضی کسان از ترس ابرقدرت همان بلایی را سر خودشان می‌آورند که آن ابرقدرت ممکن است سر آنها در بیاورد. مرعوب نشوید! بعضی کسان در گفتگوهای گوناگونی که این روزها وجود دارد، طوری حرف می‌زنند، به‌گونه‌ای عمل میکنند که آن انضباط لازمی را که در این شرایط، کشور به آن احتیاج دارد، بر هم می‌زنند. به نظر ما برخی از روی کج‌سلیقگی است و برخی نیز نتیجه‌ی همین مرعوب شدن است.^۲

شعارهای انحرافی در میان مردم

نظام اسلامی، بینات و واضحات و امر و نهی‌ای دارد. نظام اسلامی، نظام عدالت است؛ هر بی‌عدالتی‌ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام قسط است، هر تبعیضی محکوم است. نظام اسلامی، نظام استقلال ملی است؛ هر نوع وابستگی‌ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام اخوت و

۱. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۸۷

برادری و پیوندهای قلبی آحاد ملت است؛ هر نوع تفرقه‌افکنی محکوم است. نظام اسلامی، نظامی است که مسئولان، خدمتگزار مردم و برای مردمند؛ هر نوع جدایی بین مسئولان و مردم محکوم است. اینطور نیست که بشود در این نظام کسانی بیایند که بر طبق میل دشمنان این ملت و برخلاف جهت کلی این نظام و این مردم و حرکت مردم در جهت اسلام، تلاش کنند و نظام اسلامی هم بیکار و ساکت و بی‌تفاوت بماند. مگر چنین چیزی ممکن است؟! همه‌ی آحادی که اهل فکر و اهل تأمل در مسائلیند، باید بروی این مسأله فکر خود را متمرکز کنند. امروز این کشور با این امکانات وسیع، با این جمعیت جوان، با این آفاق روشن آینده، با این پیشرفتهایی که بحمدالله در زمینه‌های مختلف در این بیست سال به وجود آمده است، با زمینه‌های مضاعفی هم که برای پیشرفت وجود دارد، مصلحتش در این است که حکیمانه و خردمندانه و شجاعانه، راه اسلام را - که دنیا و آخرت او را تأمین میکند - پی‌بگیرد و دنبال کند. دشمن، فریب و تبلیغات اغواگر خود را هم قطع نمیکند؛ نباید تسلیم تبلیغات اغواگر دشمن شد. آن کسانی که سعی میکنند با شعارهای انحرافی در میان مردم، ذهن مردم را از حرکت عمومی اسلامی و ایمانی آنها جدا کنند، به نفع دشمن کار انجام میدهند؛ چه بفهمند، چه نفهمند؛ چه بدانند، چه ندانند.^۱

دشمن روشهای تبلیغاتی بسیار فعالی دارد. امروز تقریباً همه‌ی رسانه‌های تبلیغاتی مهم دنیا در انحصار دستگاههای زرسالار قدرتمندی است که بر بسیاری از حکومتها تسلط دارند. بسیاری از آنها صهیونیست و یا از همپیمانهای صهیونیستهایند. اینها بی‌حساب و بی‌هدف تبلیغ نمیکند، کسی را مورد تهاجم قرار نمیدهند یا کسی را بالا نمیکشند. یا طمع دارند، یا هدفی دارند؛ بنابراین باید مراقب بود.^۲

۱. بیانات در مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۶/۱۰

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

تهاجم فرهنگی دشمن در برابر اسلام

از صد سال قبل هم تهاجم فرهنگی علیه اسلام بود؛ اما وقتی که انسان با یک دشمن خواب‌آلوده روبه‌روست، آرایش نظامی یک نوع است؛ وقتی با یک دشمن بیدار روبه‌روست، آرایش نظامی نوع دیگر میشود. آن روز عالم اسلام، خواب‌آلوده، بلکه تخدیرشده و مست بود؛ اصلاً گاهی دشمن به او ضربه‌ای میزد، یک سوزن در رگش فرو میکرد و چیزی تزریق میکرد؛ تمام میشد میرفت؛ اما الان اسلام بیدار است؛ دشمن دنیای غرب، امروز بیدار است؛ مثل قهرمانی در میدان است؛ یک خاطره‌ی تمام‌نشده‌ی از شخصیتی مثل امام را با خودش دارد؛ این همه ذخیره‌ی انقلابی دارد؛ این همه جوان خوب دارد؛ اینها شوخی نیست. امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما، آن ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال پیش را به خود نمیگیرد. ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم؛ اگر نشناختیم و خوابیدیم، از بین رفته‌ایم؛ همان «من نام لم ینم عنه» است. «ان اخا الحرب الارق و من نام لم ینم عنه»؛^۱ مرد جنگ باید بیدار باشد؛ و اگر تو خوابیدی، لازمه‌اش این نیست که حتماً دشمن تو در سنگر مقابل خوابیده باشد؛ او ممکن است بیدار باشد. هدف از این تبلیغات چه بود؟ هدف از تبلیغات، روحانیت نبود. روحانیت که خصوصیتی نداشت. هدف از این تبلیغات، دین بود. اگر ما بیاییم حیثیت روحانیت و فقاہت و رتبه‌ی علمی فقاہت و تأثیر آن را در حرکت کلی یک کشور منکر بشویم، یا زیر سؤال ببریم، یا دچار خدشه بکنیم، درحقیقت به گرایش دینی طبقه‌ی کارآمد و عظیمی لطمه زده‌ایم؛ و این همان کاری است که آنها میخواهند، و آبی است به آسیاب دشمن ریختن؛ لذا باید در محیط دانشگاه، به این نکته خیلی توجه شود.^۲

۱. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۶۲

۲. دیدار با اعضای ستاد پیگیری قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد ۱۳۷۰/۹/۳۰

عوض کردن ذهنیت مردم، هدف تهاجم فرهنگی دشمن

هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند؛ از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه ناامید سازد. آن آقای که خودش به حساب آنچه که ما میبینیم خسر دنیا و الاخرة است، برمی‌دارد مینویسد که «ملت ایران خسر دنیا و الاخرة شده‌اند!» مینویسند، و چاپ هم میکنند که «مسلمانهای عالم و از جمله ملت ایران، خسر دنیا و الاخرة شدند.» چرا؟ چون با آمریکا جنگیدند؛ مقصودش این است! این، خسر دنیا و الاخرة بودن است؟! ملت ایران که توانست خود را از ذلت وابستگی نجات دهد؛ توانست خود را از ذلت و ننگ ارتباط و اتصال با رژیم منحوس دست‌نشاندهی فاسد پهلوی و ارتباط با آمریکا نجات دهد و اینطور شجاعت و شهامت و سربلندی در دنیا از خود به نمایش بگذارد و در جاده‌ی آزادگی گام نهد، خسر دنیا و الاخرة است؟! این جوانان ما، این خانواده‌های مؤمن ما، این زن و مرد دلباخته‌ی دین و عاشق راه خدا، خسر دنیا و الاخرة‌اند؟! خودشان خسر دنیا و الاخرة‌اند! کسی که این را میگوید، حقیقتاً خسر دنیا و الاخرة است. نه دنیا دارند، نه آخرت. دنیاشان، دنیای نکبت؛ آخرتشان هم بلاشک، قهر و عذاب الهی است. نسبت به مردم این حرفها را میزنند و پخش هم میکنند. برای چه پخش میکنند؟ برای اینکه مردم را متزلزل کنند؛ برای اینکه ایمان مردم را عوض کنند. این، کار کیست؟ کار همان دشمنی که استقلال اقتصادی به ضرر اوست، استقلال سیاسی به ضرر اوست؛ استقلال فرهنگی به ضرر اوست.^۱

اجزای نقشه دشمن: ایجاد مشکلات اقتصادی و تشنج در کشور

اجزای نقشه‌ی دشمن چه چیزهایی است؟ اولاً تا آنجا که بتوانند- زورشان برسد و تیغشان ببرد- مشکلات اقتصادی برای کشور درست کنند و بتراشند؛ تحریم اقتصادی کنند و به مجازات شرکتها پردازند-

۱. بیانات در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»

همین‌هایی که می‌شنوید- جلو خط لوله‌ای را که فلان کشور میخواهد از اینجا بکشد، بگیرند! در امر تجارت کشور، اخلاص ایجاد کنند؛ مثل دو سال قبل که در دنیا به دروغ شایع کردند پسته‌ی ایران سرطان‌زاست! در باب صنایع غیرنفتی هم هر طور که میتوانند، بازارها را اشباع کنند، با دولتها و با کمپانیها بسازند و به‌طور خلاصه، مشکلات اقتصادی برای کشور درست کنند. در کنار این، در تبلیغات خودشان، نسبت به مسائل اقتصادی کشور، بزرگنمایی هم بکنند. البته مشکلات اقتصادی هست؛ اما دولت ما هم که بیکار نیست، کار دیپلماسی و کار تجاری میکند. وزارت خارجه، وزارت بازرگانی، وزارت صنایع، وزارت راه و وزارت نفت، هر کدام از یک طرف، دائم مشغولند، دائم کار میکنند. در این دنیای بزرگ، بالاخره دشمن تلاش میکند. ما هم که دست و پیمان چلاق نیست! اقدام میکنیم و اقدام ما بر اقدام دشمنان- در بسیاری از موارد- فائق هم می‌آید؛ اما در تبلیغات بیگانگان، این بخش از فعالیت‌های مسئولان کشور، مسکوت گذاشته میشود! آنها مرتب در تبلیغات، فقط بزرگنمایی مشکلات میکنند و به دروغ میگویند: ایران چنین است، ایران چنان است، تورم چنان است، دولت ورشکسته است و...! کاری میکنند که روحیه‌ی مردم را تضعیف نمایند و مردم احساس کنند که ای داد، چه اتفاقی میخواهد بیفتد! در حالی که اگر مردم بدانند دولت و مسئولینشان چه تلاشهایی میکنند، پشتشان گرم و دلگرم میشوند. اینکه هم در زمان امام علیه السلام بارها ایشان به مسئولین میگفتند و ما هم بارها تأکید کرده‌ایم کارهایی را که انجام میدهید، به مردم بگویید- تا مردم بدانند شما چقدر کار میکنید- برای همین است. پس بزرگنمایی در مورد مشکلات اقتصادی، بخش دیگری از توطئه است! از طرفی به بهانه‌های مختلف، سعی میکنند در فضای سیاسی کشور، تشنج و جنجال به‌وجود آورند، تا خود این هم در مردم، احساس ناامنی و احساس عدم انتظام کارها را به‌وجود آورد! آنها به هر بهانه‌ای، به مناسبت مسائل امنیتی، به مناسبت محاکمه‌ی یک نفر، به مناسبت کشته شدن دو، سه نفر- که دولت با کمال پیگیری آن را دنبال میکند- شروع میکنند فضا را متشنج

فصل ششم: شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌های دشمن / ۱۹۱

کردن و جنجال می‌آفرینند. این سال هفتاد و هفتی که ما گذرانیدیم - تقریباً از اول تا آخر سال - بیشترین تلاش دشمنان ما و دشمنان این ملت، صرف همین میشد که در فضای سیاسی کشور، تشنج و جنجال ایجاد کنند! طبعاً وقتی جنجال میشود، یک دسته از مردم، طرفدار یک حرف میشوند، دسته‌ی دیگر هم طرفدار حرفی دیگر میشوند و قهراً بین مردم، بگومگو به وجود می‌آید. دشمنان هم همین را میخواهند!^۱

اقتصاد از نقاط امید دشمنان در فلج کردن نظام اسلامی

به اعتقاد من امروز فوریت‌ترین کار این است که به مسائل اقتصادی و مسأله‌ی معیشت و در رأس همه مسأله‌ی اشتغال، با جدیت پرداخته شود. هیچکدام از اینها معضلات و گره‌های کوری نیستند که دستهای توانا و فکرهای کارآمد، نتوانند آنها را حل کنند. همه‌ی اینها کارهای ممکن و روانی هستند؛ منتها تلاش، جدیت، ابتکار و پشتکار لازم است تا این کارها انجام گیرد. امروز اگر اندکی سستی و کوتاهی شود، دیر خواهد شد. فرصت کوتاه است؛ فرصتهای دولتها مثل برق میگذرد. چهار سال به سرعت گذشت، این چهار سال هم به سرعت خواهد گذشت. بنابراین باید اولویت را در نیازها جستجو کرد و با آگاهی و شتاب لازم و تدبیر مقتضی، آن نیازها را برآورده ساخت. امروز این امر لازمی است. شما اگر به تبلیغات جهانی - که بی‌گمان از مرکزیت‌های حساب‌شده‌ی سیاسی و امنیتی هدایت میشود - نگاه کنید، ببینید یکی از نقاط امید دشمنان ما برای فلج کردن نظام اسلامی، همین مسأله‌ی اقتصاد است. ما منابع ثروت و درآمد و نیروی کار فراوان و زمینه‌های متعددی برای شکوفایی اقتصادی داریم. ما میتوانیم بسیاری از کارها را انجام دهیم. ما میتوانیم چهره‌ی زشت فقر را از کشور بزدایم.^۲

۱. بیانات در دیدار مردم مشهد و زائران علی بن موسی الرضا(ع) در صحن امام خمینی(ره)

۱۳۷۸/۱/۱

۲. بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی ۱۳۸۰/۵/۱۱

مسئولین دولتی، دلسوز و کارآمدند. مردم هم به فضل پروردگار در صحنه‌اند. دشمن می‌خواهد در این کشور تورم باشد. برای همین، تومان ایرانی را جعل میکنند تا بتوانند پول این کشور را با همان روشها و فرمولهای اقتصادی که وجود دارد، بی‌ارزش کنند.^۱

اگر چشمان باانصاف، وضع کنونی کشور را هم نگاه کنند، این موضوع را تصدیق میکنند. امروز این ملت و این دولت و این کشوری که هشت سال جنگ را بر آن تحمیل و مسلط کردند؛ کارخانه‌هایش را خراب کردند؛ راهپایش را نابود کردند؛ محاصره‌ی اقتصادی‌اش کردند؛ امکانات را از او باز گرفتند؛ هیچ دولتی هیچ کمکی به او نکرد و از داخل به‌وسیله کارهای سیاسی و تبلیغاتی هم انواع فشارها را بر آن وارد آوردند، برنامه‌های بازسازی و بخصوص کارهای زیربنایی را چنان دنبال میکند که ناظران هم به تحسین می‌پردازند. کسانی که می‌آیند و می‌بینند، هم برنامه و هم مجریان برنامه را تحسین میکنند. اگر فشار دشمن نبود؛ اگر دستهای خائن و تحریک‌شده‌ی دشمن نبود؛ اگر حضور تبلیغاتی و اقتصادی و سیاسی دشمن در پشت مرزهای ما نبود، وضع ما به‌مراتب بهتر از این بود و بسیاری از مشکلاتی که امروز از لحاظ اقتصادی در کشور هست، وجود نداشت.^۲

۱. بیانات در دیدار اقدار مختلف مردم در «صحن امام خمینی» حرم حضرت

علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) ۱۳۷۴/۱/۳

۲. بیانات در مراسم «پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)» ۱۳۷۳/۳/۱۴

فصل هفتم ————— ❁

برنامه ریزیهای دشمن

حمله‌ی دشمن به مسلمات اسلامی و خدشه کردن چهره‌ی رسول اکرم ﷺ

دشمنان، «ولایت مطلقه» را به معنای «استبداد» گرفته‌اند؛ یعنی میل فقیه عادل به صورت دلبخواه. این معنا در دل خودش یک تناقض دارد: اگر عادل است، نمیتواند مستبد باشد؛ اگر مستبد است و بر اساس دلخواه عمل میکند، پس عادل نیست. دشمنان، این را ملتفت نمیشوند و این معنا را نمیفهمند. این نیست مسأله‌ی «ولایت مطلقه» که فقیه هر کار دلش خواست، بکند؛ یک وقت یک چیزی به نظرش رسید که باید این کار انجام بگیرد، فوراً انجام دهد؛ قضیه این نیست. قضیه این است که یک حالت انعطافی در دست کلیددار اصلی نظام وجود دارد که میتواند در آنجایی که لازم است، مسیر را تصحیح و اصلاح کند، بنا را ترمیم کند. البته در اینجا هم خطری که وجود دارد، که باید از این خطر برحذر بود. این است که ما تصور کنیم این انعطاف بایستی تحت تأثیر فشارهای بیرونی و تغییر در جهت انعطاف به قالبهای غربی باشد. سر قضیه‌ی قصاص به ما اعتراض میکنند و فشار می‌آورند، سر قضیه‌ی دیه به ما فشار می‌آورند، سر قضایای گوناگون در مسائل مختلف به ما فشار می‌آورند؛ لذا ما تسلیم شویم؛ انعطاف به این معنا باشد. نه، این انحراف است؛ این انعطاف نیست. باید توجه کنیم، همان آیه‌ی شریفه‌ی «و ان تطع اکثر من فی الارض» اینجا هم جاری است. نباید بخاطر اینکه رادیوهای بیگانه و تبلیغات خصمانه و اتاقهای فکر دشمن و کمربسته‌ی علیه نظام اسلامی، راجع به فلان حکم، راجع به فلان مبنا اعتراض

میکنند، فریاد میکشند، ما بیاییم بگوییم حالا تجدیدنظر کنیم برای اینکه با دنیا هماهنگ شویم؛ نه، این خطاست، این انحراف است؛ به این انحراف نباید دچار شد.^۱

بعد از دوران قرون وسطی که در دنیای مغرب زمین و مسیحیت، تهاجم تبلیغاتی وسیعی نسبت به شخصیت رسول اکرم ﷺ انجام گرفت و دشمنان سوگندخورده‌ی اسلام فهمیدند که یکی از راههای مبارزه با اسلام این است که چهره‌ی نبی مکرم اسلام ﷺ را مخدوش بکنند و کارهای زیادی هم در این زمینه انجام گرفت، تا امروز که دشمن به نحو مستمر و با شیوه‌های مختلف، روی امحای شخصیت پیامبر از ذهنهای آزادگان عالم کار کرده است، مردم بسیاری در دنیا هستند که اگر پیامبر اسلام را به همان اندازه‌ای که مسلمانها میشناسند یا حتی کمتر از آن بشناسند- یعنی حقیقتاً فقط شبیحی از آن چهره‌ی منور بر دل‌های آنان آشکار بشود- عقیده و گرایش آنها نسبت به اسلام و معنویت اسلامی تضمین خواهد شد. ما باید روی این مسأله کار کنیم.^۲

کمرنگ کردن آرمانهای الهی

اگر این ملتی که با نیروی ایمان و با شجاعت ناشی از ایمان توانسته کار بزرگی را انجام دهد، یک دشمن داشته باشد، این دشمن چه کار میکند؟ خودتان فکر کنید. راه غلبه‌ی دشمن بر چنین ملتی چیست؟ راه غلبه‌ی دشمن این است که این عامل معنوی را از این ملت بگیرد. این دشمن میداند که تا وقتی در این مردم، همان روحیه‌ی ایمان- آن اخلاص ایمانی، آن شجاعت ایمانی، آن دلبستگی به هدفها- باشد، این ملت قابل دسترسی نیست. چه کار باید بکند؟ باید تلاش کند تا ایمان را در آنها

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۰/۶/۱۷

۲. بیانات در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، روحانیون و مسئولان و ائمه‌ی جمعه و برادران اهل تسنن و تشیع استانهای کردستان و کرمانشاه و جمعی از اقشار مختلف مردم

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۱۹۷

ضعیف کند؛ آرمانهای الهی را در ذهن آنها کمرنگ کند؛ میان آنها و آن آرزوهای بزرگ فاصله بیندازد. این کار هم با شمشیر و با ابزار مدرن و فوق‌مدرن نمیشود؛ این کار با تبلیغات میشود. از بعد از جنگ، بلکه در اثنای جنگ، این تبلیغات دشمن شروع شده است و تا امروز ادامه دارد.^۱

توطئه‌چینی مستمر دشمن علیه اسلام

خیال نکنید که دشمنان اسلام از دشمنی با اسلام فارغ شده‌اند؛ خیر، روزبه‌روز مشغول توطئه هستند و اگر جای پای پیدا کنند، هر لحظه یک قدم جلوتر میگذارند؛ باید به آنها فرصت نداد. البته اگر به آنها بگویید که شما قصد این خیانت و این جنایت و این سلطه‌گری را دارید، انکار هم میکنند؛ اما اگر فرصت پیدا کردند، یک خاکریز و یک سنگر جلوتر بیایند، می‌آیند. دشمن اینطور است.^۲

اگر آنچه واقع شد، ادامه پیدا نکند و تعمیق نشود و تعمیم نیابد و نسلی که رو به وجود است و نسلهای بعدی را فرا نگیرد و خدای نکرده اسم، اسلام و جمهوری اسلامی و حاکمیت منادبان اسلام باشد، اما واقع قضیه و متن زندگی مردم چیز دیگری باشد، این انقلاب قطعاً موفق نبوده و نیست. در آن صورت، از اینکه چنین چیزی پیش بیاید، به خدا پناه میبریم. نباید بگذاریم چنین چیزی رخ دهد. دشمن روی این نقطه کار میکند. تمام دستگاهها و تمام افراد، بخصوص علمای اعلام و روحانیون، بایستی روی تربیت نفوس مردم و تحقق انقلاب قلبی و اخلاقی در آنها، مخصوصاً در جوانان تلاش کنند.^۳

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از فرماندهان و رزمندگان عملیات بیت‌المقدس به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر ۱۳۷۸/۳/۳
۲. بیانات در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا، جانبازان و آزادگان به همراه کارکنان و مسؤلان بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی ۱۳۷۰/۷/۱۷
۳. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان ۱۳۶۹/۱۲/۱

آدم‌های کوتاه‌فکر گمان نکنند که دشمنان اسلام از دشمنی با نظام اسلامی و ملت مسلمان دست برداشته‌اند. آنها این دشمنی را در شکل‌های مختلف، در شکل تبلیغات سوء- که امروز دنیا را از تبلیغات علیه نظام اسلامی و مسلمین و اسلام پر کرده‌اند- نشان می‌دهند. البته بحمدالله تبلیغاتشان بی‌اثر یا کم‌اثر است. آنها کار خودشان را میکنند؛ ولو اثری نبخشد. آنها به وسیله‌ی رشد دادن عناصر خائنی که به انقلاب و ملت و کشور پشت کردند و با دشمنان ساختند و مزدور دشمن شدند، با ما خصومت میکنند. این کارها را بعد از دوران جنگ هم، به همان اندازه که در دوران جنگ انجام دادند- و بلکه بیشتر- انجام می‌دهند. تلاش دشمنان برای منحرف کردن افکار و جوانان، رها کردن ایمان و تعصبات پرچوش اسلامی و مذهبی، که همیشه در همه‌ی مواقع بحرانی، نگهدار یک ملت و یک جامعه بوده است، ادامه دارد. آنها میخواهند تعصب دینی و اسلامی- که اصل است- و تعصب فرهنگ ملی- که آن هم برخاسته از اسلام است- نباشد.^۱

اباحیگری از سیاستهای دشمنان اسلام

یکی از مسائلی که دشمن به‌طور جدی در کشور تبلیغ میکند، مسأله‌ی اباحیگری است. اباحیگری اعتقادی و عملی، یعنی پابندیها و تقیّدات و تکیه‌گاههایی که یک انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخصی عازم و مصمم میکند، از او گرفتن و او را سرگردان و لنگ کردن. این را باید جدی بگیرید. یکی از سیاستهای دشمنان اسلام این است که ایمان مردم را بگیرند و اعتقاد آنها به انقلاب را سلب کنند. چند سالی است که این را در تبلیغاتشان شروع کرده‌اند. بنده از همان اوایلی که این تبلیغات در رفتارهای دشمنان کشور، اجرایی و عملیاتی شده بود- حدود ده، یازده سال پیش- متوجه این نکته شدم و به همه، بخصوص به مسئولان فرهنگی هشدار دادم و گفتم اینها میخواهند اصل اعتبار انقلاب را زیر سؤال ببرند؛ انقلابی که یکی از افتخارات تاریخ بشری در زمان

۱. بیانات در مراسم دیدار قشرهای مختلف مردم با معظّم‌له ۱۳۷۱/۷/۲۹

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۱۹۹

ماست؛ انقلابی که یک ملت با دست خالی و به برکت ایمان، آن هم در مقابل یک دژ علی‌الظاهر تسخیرناپذیر استکبار در این منطقه آن را بر پا کرد و موفق شد؛ انقلابی به نام خدا؛ انقلابی در راه ارزشهای اسلامی؛ انقلابی که ملتهای مسلمان را به اسلامشان امیدوار و به هویت اسلامیشان دلگرم کرد؛ انقلابی که در همه‌ی نقاط جهان ملتها را خودباوری بخشید و آنها احساس کردند که یک ملت-وقتی که عزم و اراده‌ای از خود نشان دهد- میتواند بر بزرگترین موانع پیروز شود و فائق آید. دشمنان میخواستند پیام آزادی، معنویت، ارزش و فضیلت و کرامت انسانی‌ای را که در این انقلاب بود، ندیده بگیرند. این کاری بود که به صورت برنامه‌ریزی شده و با انواع و اقسام طرق تبلیغاتی، آن را دنبال کردند. البته- متأسفانه- یک عده غافل، به صورت پادو در داخل هم همانها را تبلیغ کردند و هنوز هم میکنند. این برای آن است که پشتوانه‌ی فکری- که در واقع تکیه‌گاه اراده و عزم راسخ مردم است- از آنها گرفته شود و مردم احساس کنند پشتشان خالی است. مگر بدون ایمان و اعتقاد و بدون باور به راهی که انسان در آن قدم گذاشته، میشود آن راه را ادامه داد؟ همه باید مسائل فرهنگی را جدی بگیرند. مظهر این تهاجم، همان اباحیگری است که از راه خدشه در اعتقادات، تشویق جریانهای خلاف اخلاق در جامعه و تشویق و ترویج انواع و اقسام فسادها ایجاد میشود. اینها چیزهایی است که همه‌ی مسئولان کشور باید به آن بسیار توجه کنند و فقط مخصوص مسئولان فرهنگی نیست.^۱

اسلام منهای سیاست و روحانیت دو نکته‌ی اساسی در برنامه‌ریزی دشمنان

دشمنان دو نکته‌ی اساسی را در باب دین دارند دنبال میکنند؛ چون دیده‌اند که این دو نقطه در زندگی مردم چقدر تأثیرگذار است: یکی مسأله‌ی اسلام منهای روحانیت است؛ چون دیده‌اند که روحانیت در جامعه‌ی ایرانی چه تأثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم

۱. بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی ۱۳۸۰/۵/۱۱

گذاشت. البته از قبل از انقلاب هم این زمزمه‌ها را میکردند. حضور روحانیون در انقلاب و پیشروی آنها در انقلاب، موقتاً این معنا را از صحنه خارج کرد؛ اما باز شروع کردند. یکی هم اسلام منهای سیاست است، جدایی دین از سیاست است. اینها از جمله چیزهایی است که امروز دارند با اصرار فراوان در مطبوعات، در نوشته‌جات، در وسایل اینترنتی ترویج میکنند. مسأله برای آنها اهمیت دارد. این را توجه داشته باشیم؛ هر آنچه را که دشمن بر روی آن تکیه میکند و نقشه‌ی راه دشمن و طرح کلی دشمن بر روی آنها متمرکز است، او میتواند برای ما هم یک طرح کلی و نقشه‌ی راهی را در اختیار بگذارد. همان چیزی را که آنها آماج حمله قرار میدهند، ما باید توجه داشته باشیم و بدانیم که آنها را بایستی حفظ کنیم، باید بر روی آنها تکیه کنیم: حضور مردمی و معارف دینی و اسلامی.^۱

در حالی که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی صد سال - تقریباً - علیه اسلام و علیه روحانیت تبلیغ کردند و تلاش کردند و در حالی که پنجاه سال یک رژیم وابسته‌ای در این کشور منافع ملت ایران را در مقابل دشمنان و بیگانگان قربانی کرد و کشور را به‌طور کامل وابسته‌ی به اجانب قرار داد - رژیم پهلوی - امام بزرگوار با پرچم اسلام، با پرچم ضدیت با سلطه و سلطه‌گرایی در این کشور قیام کرد و این کار بزرگ را به ثمر رساند. انقلاب اسلامی با همه‌ی انقلابهای دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است؛ یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خود اسلام است. همان‌طوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بُعد اقتصادی، بُعد سیاسی، بُعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روزبه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۷/۲۷

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۰۱

آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.^۱ مقطع سال ۵۶ که عمق توطئه‌ی دشمن را در اهانت به امام بزرگوار درک کردند؛ فهمیدند مسأله چیست؛ صرفاً این نیست که خواسته‌اند به امام بزرگوار اهانتی بکنند. در شهر قم، اولین تظاهرات مردمی گسترده علیه آن حرکت خائنانه به وجود آمد. خون جوانان قمی در این خیابانها، در همین خیابان ارم، در خیابان چهارمردان بر روی زمین ریخته شد؛ جان دادند؛ با خون خودشان صدق سخن خودشان را اثبات کردند. در طول این سی سال بعد از پیروزی انقلاب، باز در همه‌ی مقاطع، این مردم مردمی هستند که با اخلاص، با صدق و صفا و با بصیرت مثال‌زدنی وارد میدان شدند. دشمن برای قم برنامه داشت، طرح داشت؛ اگر مردم قم بیدار نبودند، با بصیرت نبودند، طرحهای دشمنان درباره‌ی قم، طرحهای خطرناکی بود. بیداری مردم و حضور حوزه‌ی علمیه در این شهر موجب شده است که این شهر پایگاه بصیرت باشد.^۲

اهمیت نقش رهبری در خنثی‌سازی توطئه‌ی دشمن

رهبری، یعنی آن نقطه‌ای که هر جا دولت- هر دولتی در ایران- مشکلی داشته باشد، مشکلات لاعلاجش به دست رهبری حل میشود. توجه کنید؛ هر جا که تبلیغات دشمن کاری کند تا مردم را به دولت‌ها بدبین سازد، اینجا نقش رهبری است که حقیقت را برای مردم، روشن، و توطئه‌ی دشمن را برملا میکند. این چند ساله ندیدید که درباره‌ی دولت‌ها، دولتمردان و مسئولان چه میکردند و چگونه سعی مینمودند که تبلیغات دروغ و ترفندهای گوناگونی را رایج کنند تا مردم را مأیوس نمایند! آنجایی که میخواهند مردم را مأیوس کنند، رهبری است که امید به مردم میدهد. آنجایی که میخواهند یک توطئه‌ی سیاسی بین‌المللی برای ملت ایران به وجود آورند، رهبری است که قدم جلو میگذارد و تمامیت انقلاب را در مقابل توطئه قرار میدهد- مثل همین قضیه‌ی اخیر اروپا که

۱. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۸/۳/۱۴

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۷/۲۷

ملاحظه کردید- و دشمن را وادار به عقب‌نشینی میکند. آنجایی که میخواهند در بین جناحهای گوناگون مردم، اختلاف ایجاد کنند، رهبری است که می‌آید مایه‌ی الفت و مانع از تفرقه میشود.^۱

الگوسازی دشمن در جوامع مختلف

امروز سعی میشود در زمینه‌های گوناگون برای جوامع مختلف الگو تراشیده بشود. حقیقتاً سیاستهایی این را دنبال میکنند. وقتی شما ببینید فرضاً یک موجود منحرف دوجنسی بدون اینکه یک هنر فوق‌العاده برجسته‌ای داشته باشد، یکهو اول در تمام رسانه‌های آمریکایی و بعد غربی، اسم و رسم پیدا میکند و مجلات معتبر و پرتیراژ غربی عکسهای او را، زندگینامه‌ی او را، سنین مختلف او را، شکل‌های گوناگون زنانه و مردانه‌ی او را منعکس میکنند، این را نمیشود حمل بر یک امر تصادفی کرد؛ این، فکرسده است. اینها الگوسازی‌هایی است برای منحرف کردن نسل‌های بشری. آماج حمله هم فقط ایران نیست. با مشاهده‌ی این چیزها، در ذهن انسان تأیید میشود آن چیزی که سالها قبل بعنوان پروتکل‌های صهیونیستی در دنیا منتشر شد و به زبانهای مختلف ترجمه شد؛ که یکی از مواد آن پروتکلها این بود که باید نسل‌های بشری از رویه‌ها و روش‌های انسانی متعارف دور بشوند؛ دچار انحرافات اخلاقی بشوند. حالا هدف چیست، جای بحث فراوانی دارد. یکی از اصول کارهای فراهم‌کنندگان این تفکر انحرافی و خطرناک صهیونیستی، همین بوده. انسان روزهای اول شاید باور نمیکرد، اما بتدریج انسان باور میکند. میخواهند الگوسازی کنند؛ حالا این نوع بدترش است، اما شکل‌های گوناگون دیگری هم دارد. ما نیاز داریم برای جوان خودمان، برای نسل نونهال خودمان، الگو‌هایی را از بخش‌های مختلف مشخص کنیم؛ آن کس که علاقه‌ی به علم دارد، آن کس که علاقه‌ی به هنر دارد، آن کس که علاقه‌ی به ادبیات دارد، آن کس که علاقه‌ی به تاریخ دارد، آن کس که علاقه‌ی به کارهای عملی دارد، آن کس که علاقه‌ی به کشاورزی یا صنعت یا فناوری دارد، هر

۱. بیانات در جمع بسیجیان به‌مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۰۳

کدام بتوانند الگوهای شایسته‌ی خودشان را پیدا کنند. این یکی از کارهای لازم ماست، که تشکیل این جلسات به ما کمک میکند.^۱

مطالعه و برنامه‌ریزی دشمن برای ملت‌ها

فاتحان جنگ بین‌الملل اول و دوم که عمدتاً چند کشور اروپایی و آمریکا بودند، اینها برای این منطقه‌ی مهم خاورمیانه یک سیاست تثبیت‌شده‌ای داشتند؛ چون این منطقه، هم از لحاظ موقعیت سوق‌الجیشی مهم است، منطقه‌ی اتصال آسیا و اروپا و آفریقا است، هم یکی از بزرگترین انبارهای نفت عالم است. که نفت، شریان حیاتی همه‌ی قدرتهای صنعتی است که بر دنیا مسلطند. هم از لحاظ ملت‌ها، اینجا دارای ملت‌های کهن، ریشه‌دار و با سوابق تاریخی است؛ لذا برای این منطقه یک سیاستی را اتخاذ کردند. آن سیاست عبارت بود از اینکه در این منطقه باید کشورهایی، واحدهای سیاسی‌ای وجود داشته باشند که این خصوصیات را داشته باشند: اولاً ضعیف باشند؛ ثانیاً با یکدیگر دشمن باشند، مخالف باشند، باهم کنار نیایند، نتوانند اتحاد بکنند. لذا دیدید سیاست تقویت ناسیونالیسم عربی، ناسیونالیسم ترکی، ناسیونالیسم ایرانی در طول سالهای متمادی دنبال شد. ثالثاً حکامشان از لحاظ سیاسی، دست‌نشانده باشند، مطیع باشند، زیر بار قدرتهای غربی بروند، حرف‌گوش‌کن باشند؛ رابعاً از لحاظ اقتصادی مصرف‌کننده باشند؛ یعنی نفتی را که تقریباً مفت از چنگ اینها خارج میکنند، پول همان نفت را باز خرج واردات کنند، خرج مصرف کنند تا کارخانه‌های غربی رونق بگیرد؛ خامساً از لحاظ علمی عقب‌افتاده باشند، اجازه‌ی پیشرفت علمی به آنها داده نشود. اینهایی که من عرض میکنم، سرفصل است. هر کدام از اینها حقیقتاً یک کتاب شرح و تفصیل دارد. چطور در ایران ما، در بعضی کشورهای دیگر، از توسعه‌ی علم، تعمیق علم جلوگیری میکردند. ملت‌های این منطقه، از لحاظ فرهنگی، مقلد محض اروپاییها باشند؛ از لحاظ

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با نخبگان و برگزیدگان علمی استان کرمانشاه

نظامی، ذلیل و آسیب‌پذیر و ضعیف باشند؛ از لحاظ اخلاقی، فاسد باشند، دچار انحطاط‌های گوناگون اخلاقی باشند؛ از لحاظ مذهبی هم کاملاً سطحی و قانع به مذهب فردی و احیاناً مذهب تشریفاتی باشند. این تصویری بود که آنها از این منطقه برای خودشان درست کرده بودند، برای این سیاستگذاری کردند؛ شاید استراتژیست‌های غربی هزارها ساعت نشستند درباره‌ی این مسائل مطالعه کردند، فکر کردند، برنامه‌ریزی کردند، آدم‌هایشان را اینجا در کشورهای این منطقه معین کردند و به وسیله‌ی آنها کارها را انجام دادند. با این تحلیل میشود رفتار رضاخان را درست فهمید، رفتار محمدرضا را فهمید، رفتار مصطفی کمال ترکیه و دیگران و دیگران را فهمید. این، برنامه‌ی اینها بود، موفق هم شدند.^۱

سعی دشمن در خنثی کردن حرکت‌های ملت

ما در این سی و دو سال تجربیات زیادی داریم. سی و دو سال است که ما با دشمنیها معارضه کرده‌ایم، ایستادگی کرده‌ایم و بر دشمنیها فائق آمده‌ایم. هیچ توطئه‌ای نبوده است که غرب و آمریکا بتوانند علیه جمهوری اسلامی انجام بدهند و انجام نداده باشند. هر کاری نکردند، چون نمیتوانستند. هر کاری توانستند، کردند و در همه‌ی مراحل توی دهنشان خورده است و شکست خورده‌اند. بعد از این هم همین‌جور خواهد بود. بعد از این هم در همه‌ی توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی شکست خواهند خورد؛ این وعده‌ی الهی است به ما، و ما شک نداریم. ما در صدق وعده‌ی الهی تردید نمیکنیم. ما به خدای متعال سوءظن نداریم. خدای متعال ملامت میکند کسانی را که به او سوءظن دارند؛ «و یُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا». وعده‌ی خدای متعال، وعده‌ی صادق است. ما چون وارد میدانیم، داخل عرصه‌ی مبارزه هستیم. ملت ایران همه‌ی امکانات خود را وارد

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۰۵

عرصه کرده است- بنابراین نصرت الهی قطعی است. در همه‌ی کشورهای دیگر هم همین‌جور است. منتها باید هوشیار باشیم. همه‌ی ما باید هوشیار باشیم. همه‌ی ما بایستی متوجه مکائد دشمنان باشیم. دشمن سعی میکند حرکتها را خنثی کند، اختلاف ایجاد کند.^۱

از دشمن نمیشود توقع داشت راهی را که برای مقابله با جبهه‌ی مقابل خود در پیش گرفته است، رها کند؛ مگر آن وقت که مأیوس شود، تیرش به سنگ بخورد و بفهمد فایده‌ای ندارد. در همه‌ی مسائل- چه مسائل سیاسی، چه مسائل اعتقادی، چه مسأله‌ی فلسطین، چه مسأله‌ی حزب‌الله و چه مسائل علمی- دشمن شبهه‌افکنی میکند. نقشه‌ی اساسی دشمن چیست؟ مقابله با جمهوری اسلامی برای دستیابی و سلطه بر ایران، با همان خصوصیات که میدانیم و عرض کردیم ایران برای اردوگاه استکبار و آمریکا چه اهمیتی دارد.^۲

دشمن و تشکیل ناتوی فرهنگی

ما در تحولات بنیانی اساسی جامعه، به جای اینکه بنیانها را حفظ کنیم و بر آنچه نیاز داریم، پافشاری کنیم و آنچه را که نداریم، برای خودمان فراهم کنیم، هویت مستقل ملی خودمان را فراموش کنیم! که متأسفانه این مسأله در کشور ما و خیلی از کشورهای اسلامی داستان و سرگذشت بسیار غمباری دارد، که حالا بعد ممکن است اشاره‌ای بکنم. از این خطرناکتر، این است که سررشته‌ی همین تحولات منفی در سطح بین‌المللی، در دست کسانی باشد که آنها به وسیله‌ی این تحولات میخواهند اهداف خودشان را- که یا زر است یا زور- تأمین کنند و برای آنها چیزی به نام هویت ملت‌ها اصلاً ارزش ندارد؛ که متأسفانه این در صد سال، صد و پنجاه سال اخیر، در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی تحولات کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین در دام طراحی باندهای

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

۲. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

قدرت بین‌المللی افتاده است و طراح اینها صهیونیست و سرمایه‌داران بین‌المللی بوده‌اند. برای اینها آنچه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولت‌های اروپایی و غیره نفوذ کنند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند و پول کسب کنند و این کمپانیها، سرمایه‌های عظیم، کارتلها و تراستها را به وجود آورند. هدف این بوده است؛ آن وقت اگر اقتضاء میکرده است که اخلاق جنسی ملت‌ها را خراب کنند، راحت میگردند؛ مصرف‌گرایی را در بین آنها ترویج کنند، به‌راحتی این کار را انجام میدادند؛ بی‌اعتنایی به هویت‌های ملی و مبانی فرهنگی را در آنها ترویج کنند، این کار را میگردند. اینها، اهداف کلان آنها بوده است که تصویر میگردند. آن وقت همیشه لشکری هم از امکانات فرهنگی و رسانه‌ای و روزنامه‌های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات در مشت اینها بوده است، که اینها امروز یواش‌یواش دارد پخش میشود و من پریروز در روزنامه-البته سه، چهار ماه قبل از این، من مقاله‌اش را دیده بودم- گزارشی از تشکیل «ناتوی فرهنگی» را خواندم. یعنی در مقابل پیمان ناتو که آمریکاییها در اروپا بعنوان مقابله‌ی با شوروی سابق یک مجموعه‌ی مقتدر نظامی به وجود آوردند؛ اما برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه‌ی خاورمیانه و آسیا و غیره از آن استفاده میگردند، حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده‌اند. این، بسیار چیز خطرناکی است. البته حالا هم نیست؛ سالهاست که این اتفاق افتاده است. مجموعه‌ی زنجیره‌ی به هم پیوسته‌ی رسانه‌های گوناگون- که حالا اینترنت هم داخلش شده است و ماهواره‌ها و تلویزیونها و رادیوها- در جهت مشخصی حرکت میکنند تا سررشته‌ی تحولات جوامع را به عهده بگیرند.^۱

نیرنگ دشمن در القای تفکرات غلط

ما صریحاً به همه‌ی ملت‌های جهان اعلام میکنیم که تفکر «خاتمه یافتن دوران امام خمینی» که دشمن با صد زبان سعی در القای آن دارد، خدعه

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۸

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۰۷

و نیرنگی استکباری بیش نیست و علی‌رغم آمریکا و همکارانش، امام خمینی در میان ملت خود و جامعه‌ی خود حاضر است و دوران امام خمینی ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما، و رهنمود او مشعل فروزنده‌ی ماست.^۱

انزوای مجموعه‌های مؤمن؛ از برنامه‌های دشمن

یکی از کارهای دشمن، این است که این مجموعه‌های مؤمن را منزوی کند. جوان، بی‌تجربه است. به مجرد اینکه ببیند در یک دستگاه رسمی کشور- مثلاً در یک مرکز فرهنگی کشور- دو نفر به او اخم کردند، به او بی‌اعتنایی کردند، او را تحقیر کردند؛ در حرکتش اثر میگذارد و او را کند میکند. یا مثلاً وقتی ببیند که در مجلات به اصطلاح ادبی و هنری کشور، چهره‌های مخالف با این روش و خط را، بزرگ میکنند، برجسته میکنند، تعریف میکنند، این جوان دلش آب میشود و روحیه‌اش را از دست میدهد. وقتی یک فیلمساز، اثرش را به مراکز میبرد که میتوانند از او استفاده کنند و کاری کنند که بتواند کارش را ادامه دهد؛ اما با بی‌اعتنایی به او میگویند: «نه آقا؛ ما این را قبول نداریم. اینطورش را قبول نداریم»، و بعد در همان حال ببیند انواع و اقسام کارهایی که از لحاظ مایه‌های هنری از کار او کمتر است اما چون مایه‌ی اسلامی ندارد مورد قبول آنهاست؛ این جوان به خودی خود، منزوی و ناامید خواهد شد. من بارها از اعماق جان، قلبم برای این جوانان مؤمن و انقلابی، سوخته و گداخته است. بارها تأسف خوردم که چرا باید به جوانان به این خوبی، بی‌اعتنایی شود؟! اینها هیچ چیزشان از آن کسانی که در جاهایی بعنوان هنرمند معروف شده‌اند، کمتر نیست. در بسیاری از امور، از آنها خیلی هم بهترند. اما به اینها بی‌اعتنایی میشود. وقتی که انسان مطلب را به درستی کاوش میکند، میبیند سر رشته میرسد به اراده‌ی خباثت‌آمیزی در نقطه‌ای! مسئولین هم متوجه نیستند. مسئولین فرهنگی، مردمان خوبی هستند؛ اما در سطوح بالا، از کارهایی که در سطوح

۱. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

متوسط انجام میگیرد، بیخبرند. لذا، این جوان، این مجموعه‌ی جوانان و این جریانها را، ناامید میکنند.^۱

داشتن استدلال دشمنان برای حمله به جمهوری اسلامی

آنها (دشمنان) برای حمله‌ی به جمهوری اسلامی استدلال دارند. به نظر من استدلالشان از دیدگاه آنها استدلال تامی است. در یک نقطه‌ی بسیار حساس جهان از لحاظ جغرافیایی، یعنی این نقطه‌ی خاورمیانه، خلیج فارس، دریای سرخ، شمال آفریقا، بخشی از مدیترانه- این حوزه‌ی عظیمی است دیگر- مجموعه‌ی امت اسلامی واقع شده. الان شما ببینید از این پنج تا، شش تا گذرگاه آبی حساس حیاتی که در دنیا وجود دارد، سه تایش توی این منطقه است: تنگه‌ی هرمز است، کانال سوئز است، باب‌المنندب است. اینها گذرگاههای مهمی است که تجارت جهانی متوقف به اینهاست. شما نقشه‌ی جهان را بردارید جلوی رویتان نگاه کنید، خواهید دید که این چند تا مرکز چقدر برای ارتباط تجاری و ارتباط اقتصادی دنیا مهم است. بنابراین، این منطقه، منطقه‌ی حساسی است. حالا در این منطقه‌ی بسیار حساس، یک قدرتی دارد قد میکشد و روزبه‌روز خودش را بیشتر نشان میدهد. این قدرت با همه‌ی خواسته‌های استکباری و دستگاههای کمپانیها و شبکه‌های عظیم اقتصادی مفسد فی الارض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است، با سلطه‌گری مخالف است، با ظلم مخالف است؛ خوب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است. دستگاه استکبار فقط ایالات متحده‌ی آمریکا نیست، یا فلان رئیس‌جمهور و فلان دولت آمریکا یا فلان کشور اروپایی نیست؛ دستگاه استکبار یک شبکه‌ی عظیمتری است که شامل اینهاست؛ شبکه‌ی صهیونیستی هست، شبکه‌ی تجار اساسی بین‌المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست؛ اینها هستند که مسائل سیاسی دنیا را دارند طراحی میکنند؛ دولتها را اینها می‌آورند، اینها میبرند. این مجموعه که تویش دولت ایالات متحده هست، دولت‌های اروپایی هستند، خیلی از این

۱. بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۰۹

نفتخوارهای ثروتمند منطقه‌ی خودمان هستند، با یک چنین قدرت رو به رشد رو به اعتلای در حال قدکشی به شدت مخالفند؛ بنابراین هرچه بتوانند، در مقابله‌ی او کار میکنند. توی این سی سال هم بیکار نماندند، هرچه بگذرد هم باز بیکار نمیانند؛ مگر آن وقتی که شماها همت کنید؛ شما جوانها کشور را از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه‌ای برسانید که امکان آسیب‌پذیری‌اش نزدیک به صفر باشد؛ آن وقت کنار میکشند و توطئه‌ها تمام خواهد شد.^۱

حملات دشمن علیه ملت و انقلاب اسلامی با تبلیغات وسیع و جبهه‌ای
دشمنان وقتی شروع میکنند، همه با هم شروع میکنند؛ چون طرف، یک جبهه است. از جمله، همین خبرگزاریهای صهیونیستی و استکباری-همین چهار، پنج خبرگزاری معروف- که همه آنتنهای دنیا، خبرها، تحلیلها و گزارشها را از آنها میگیرند؛ و همین چند رادیویی که سالهاست میلیونها دلار خرج میکنند، برای اینکه بتوانند مثلاً صدایشان را به گوش چند نفری در ایران برسانند. مینویسند؛ مترجمها و گوینده‌ها استخدام میکنند؛ خرج فنی و خرج تبلیغاتی میکنند؛ خرج مطلب‌نویسی میکنند؛ سیاستگذاری میکنند و پولها میدهند تا این صدا را به ایران برسانند؛ شاید چند نفری بالاخره در گوشه و کنار، گوش کنند و تحت‌تأثیر آن حرفها قرار گیرند.^۲

فتنه‌انگیزی؛ توطئه‌ی دشمن

ما در اختلافات بزرگ مذهبی، فکری، سیاسی دیده‌ایم که کسانی وارد میدان فتنه‌انگیزی میشوند و از زبان این، آن را میکوبند؛ از زبان آن، این را میکوبند؛ در حالی که نه به این علاقه دارند، نه به آن! اینها را پیدا کنید؛ مقصران اصلی بایستی مشخص شوند، که مطمئناً دست دشمن در کار است. بعضی اظهارات، متأسفانه عزیزترین قشرهای این کشور،

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۶/۴

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه در دانشگاه تهران ۱۳۷۲/۱۱/۲۹

جوانان مؤمن و بسیجی، را زیر سؤال برد! اینجور نیست، بلکه دستهای دشمن است که در کار است برای فتنه‌انگیزی و برای ایجاد فساد. (این ملت، ملت مؤمن و ملت پایبند به عدالت و تشنه‌ی عدالت است. سالها و قرنهای متمادی عدالت در این کشور سرکوب شده است. در دوران حکومتهای جبار پادشاهان، بخصوص آن وقتی که در کنار استبداد، نیروی خارجی و نفوذ خارجی هم وارد شد و دخالت خارجی با دیکتاتوری و استبداد توأم شد، این مردم چه‌ها کشیدند از توأم شدن این دو نیروی شر و شیطانی در کشور ما. مردم تشنه‌ی عدالتند، تشنه‌ی حقیقتند، دشمن فسادند؛ مردم اینها را میخواهند و آرا و شعارهای مردم هم همین را نشان میدهد. ما وظیفه داریم در این زمینه‌ها کار کنیم. مسئولان کشور باید آنچه را که مورد نیاز این ملت هست، بفهمند و درک کنند و آن را انجام بدهند.^۱

تدارک اتحاد علیه جمهوری اسلامی بین دشمنان و دولت‌های عربی

آمریکاییها دنبال این هستند که یک اتحادی متشکل از آمریکا و انگلیس و بعضی دولت‌های عربی علیه جمهوری اسلامی ایران درست کنند. دولت‌های عربی باید خیلی بیدار باشند؛ باید حواسشان خیلی جمع باشد. اتحاد دو دولت نجس و دشمن با مصالح مسلمین علیه یک ملت مسلمان؛ یک ملتی که در راه اسلام این همه مجاهدت کرده است، این همه برای عزت اسلام مایه گذاشته است، اینقدر جوان در راه نگه داشتن این پرچم سربلند قربانی کرده است؛ کسی با دو رجس نجس متحد بشود علیه یک چنین ملتی؟! که البته فایده‌ای هم نخواهد کرد. یک روزی بالاتر از این اتحاد را هم کردند؛ آمریکا و انگلیس و شوروی و همه‌ی اروپا و بسیاری از همین کشورهای عربی در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی با هم متحد شدند؛ هدف هم این بود که قسمتی از خاک ایران را به وسیله‌ی این بدبخت روسیاه بدعاقبت تصرف کنند و

۱. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه و خانواده‌های شهدای فاجعه‌ی هفتم تیر

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۱۱

جمهوری اسلامی را بی‌آبرو کنند و بگویند نتوانست خاک خودش را حفظ کند؛ هشت سال هم زور زدند و همه‌ی نیرویشان را به کار گرفتند، آخر هم هیچ غلطی نتوانستند بکنند. حالا هم همانطور است. توطئه‌ی آنها علیه نظام اسلامی به جایی نخواهد رسید. ولی باید بیدار باشند و مراقب باشند در دام دشمنان نیفتند. هرچه جمهوری اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری و از لحاظ اجتماعی قدرت پیدا کند، این قدرت متعلق به دنیای اسلام است؛ یک وزنه‌ی سنگینی در کفه‌ی دنیای اسلام است.^۱

انواع توطئه‌چینیها در تخریب جمهوری اسلامی

من فراموش نمیکنم در اواسط سال ۶۰، وقتی که دشمنان و گروهکها و تفاله‌های ضدانقلاب و استکبار، آن جنایات و فجایع عظیم را در این کشور به وجود آورده بودند. شهادت ۷۲ تن، شهادت نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور- بنده در بیمارستان بودم. خطبه‌های نماز جمعه در تهران، به اعتقاد من، در آن روز، بیشترین حمل بار انقلاب را بر دوش داشت. هر جمعه که میشد، از این کانون نماز جمعه، به سراسر کشور، نور منتشر میشد. حقایق برای مردم تشریح میشد و مردم میفهمیدند که در این کشور چه میگذرد و دشمن چه کار میکند. تریبونهای آزاد، اینگونه است. مجلس، چنین شأنی باید داشته باشد. در آنجا که برای مردم ابهامی هست، آنجا که دشمن سؤالاتی را مطرح میکند؛ بذر تردیدی می‌کارد و در جامعه میپاشد، آنجا وظیفه‌ی شماس است که این بذر تردید را از بیخ و بن در بیاورید و حقایق را روشن کنید. خیال میکنید دشمن بیکار است؟! یک لحظه، دشمن بیکار نیست. هر وقت، هرطور بتواند، عمل میکند. همین قضایایی که اخیراً پیشامد کرد- قضایای مشهد و امثال آن- کار دشمن است. دشمن جهاز فکری خودش را به کار انداخته، برای اینکه ببیند چه وقت میشود ضربه زد. درست مثل میدان جنگ! همینطور که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «و ان اخا الحرب الارق و من نام لم ینم عنه.» شما

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم در سالروز عید سعید غدیر خم ۱۳۸۵/۱۰/۱۸

اگر داخل سنگر خوابت ببرد، دلیل بر این نیست که سنگر نشین روبه‌روی شما هم خوابش برده است. شما اگر غافل شدی، باید انتظار داشته باشی که ضربه را، بلافاصله بخوری! دشمن، هوشیار نشسته است. میلیونها دلار، بلکه اگر مبالغه نباشد میلیاردها دلار صرف میکنند، تا بتوانند ضربه‌ی کاری را به این انقلاب بزنند. اینها که با این انقلاب آشتی بکن نیستند. هر وقتی به‌گونه‌ای درصدد وارد آوردن ضربه‌اند.^۱

امروز هم، بیگانگان دشمن، برای رساندن صدای مخالف خودشان به گوش آحاد ملت، پولها خرج میکنند، و اگر بگوییم میلیاردها دلار در این راه هزینه میکنند، اصلاً مبالغه نیست. آنها میخواهند ولو از راه تحلیل دروغین خود انقلاب، مسائلی را بیان کنند که انقلاب آنها را نفی کرده است.^۲

تا وقتی که قلم در دست دشمن باشد و هرچه به قلمشان می‌آید علیه ملت ایران بنویسند و هرچه به دهانشان می‌آید بگویند، نمیشود گله کرد فلان انسان که اهل کشور عربی، آفریقایی یا اروپایی است، چرا از وضع ایران خبر ندارد؟ البته ما به‌قدر توسعه‌ی تبلیغات خودمان و رسانه‌ها تبلیغ میکنیم؛ اما شمول تبلیغات دشمن بیشتر است و دهها رادیو، صداها روزنامه و مطبوعات علیه جمهوری اسلامی مینویسند.^۳

دشمن منتظر نشسته است که ببیند در جمهوری اسلامی چه حادثه‌ی کوچکی ممکن است اتفاق بیفتد، تا بشود با صد من سریشم، چیز بدی را به آن چسباند و برای مردم ما تلخ کرد و چهره‌ی ملت ایران را در دنیا مشوه نمود.^۴

۱. بیانات در دیدار نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی ۷۱/۳/۲۰

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۳/۱۱/۱۴

۳. بیانات در دیدار با مردم مشهد و زائران حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) در صحن حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۱/۴

۴. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۶/۳/۷

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۱۳

عزیزان من! کسی گمان نکند که توطئه‌ی دشمن تمام شد؛ نه! دشمن، از مقابله با نظامی که منافع نامشروع استکبار را در منطقه، از او گرفته است، آشتی نخواهد کرد. البته به زبان، چیزهایی اظهار میکنند، ولی باطن، چیز دیگری است!^۱

تلاش دشمن برای ایران‌هراسی

الآن یکی از بخشهای مهم سیاست استکبار در همین منطقه‌ی ما- علاوه بر دشمنیهای دیگری که میکنند- این است که این سران بعضی از کشورهای عربی را با خودشان همراه کنند و آنها را در مقابل ملت ایران قرار بدهند؛ در مسائل گوناگون؛ در مسأله‌ی هسته‌ای و غیر مسأله‌ی هسته‌ای، از مسائل مختلف. جلسه میگذارند، مینشینند، معامله میکنند، توطئه میکنند. آمریکا از بعضی از کشورهای اسلامی مطالبه میکند که شما چه سهمی حاضرید ایفا کنید در مقابله‌ی با ایران. سعی‌شان ایجاد دشمنی است. کاری که دشمن میتواند در محافل و تصمیم‌گیریهای سیاسی بکند، این است که سران دولتها را با جمهوری اسلامی وادار به مقابله کند؛ بیش از این کاری نمیتواند بکند. دشمن دل مردم- دل مردم کشورهای عربی، دل مردم کشورهای اسلامی، دل مردم فلسطین، دل مردم عراق- را نمیتواند از جمهوری اسلامی برگرداند؛ دلها را که نمیتواند؛ حداکثر کاری که بکنند این است که بتوانند دولتها را در مقابل جمهوری اسلامی قرار بدهند. البته آن دولتها هم هر کدام ملاحظه‌کاریهای خودشان را دارند و اینجور هم نیست که آماده باشند یکجا خودشان را در اختیار صهیونیستها و استکبار در این قضیه قرار بدهند؛ اما در دل مردم اثری نمیتواند بکنند. در دل مردم چه اثر میکند؟ چه چیزی میتواند دلهای دنیای اسلام را از جمهوری اسلامی و از ملت ایران جدا کند؟ همین اختلافها و تعصبات مذهبی است. اینها میتواند دلها را از هم جدا کند. از این باید ترسید؛ از این باید ترسید. همه مسئولند که مراقبت کنند. اینکه در دنیای تشیع علیه برادران اهل سنت،

۱. بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

در دنیای تسنن علیه برادران شیعه کتاب بنویسند، تهمت بزنند، بدگویی کنند، این نه هیچ شیعه‌ای را سنی خواهد کرد، نه هیچ سنی‌ای را شیعه خواهد کرد. آن کسانی که مایلند همه‌ی مردم دنیای اسلام به محبت اهل‌بیت و ولایت اهل‌بیت بگروند، بدانند با دعوا راه انداختن و با اهانت کردن و با دشمنی کردن هیچکس را نمیتوان شیعه کرد و به ولایت اهل‌بیت متوجه کرد. دعوا ایجاد کردن جز بغضاء و جدایی و دشمنی هیچ اثر دیگری ندارد و این بغضاء و دشمنی و جدایی همان چیزی است که امروز آمریکا می‌خواهد، صهیونیستها می‌خواهند و دارند برای آن تلاش میکنند. در یک کشور اروپایی غیراسلامی دشمن تاریخی و بنیادین با کشورهای اسلامی، شما میبینید توی تلویزیونشان، مناظره‌ی شیعه و سنی راه می‌اندازند. یکی را از شیعه دعوت میکنند، یکی را از سنی دعوت میکنند، که شما بیاید تو این تلویزیون با هم مناظره کنید. مقصودشان چیست؟ یک کشور مسیحی، یک کشور استعمارگر با سابقه‌ی سیاه، مناظره‌ی شیعه و سنی به چه مقصود راه می‌اندازد؟ می‌خواهد حقیقت معلوم بشود؟ می‌خواهد در بین مباحثه و مناظره، مستمعین و مخاطبانش حق را بفهمند؟ یا می‌خواهد از این گفتگوها و از آنچه در خلال این گفتگوها ممکن است از کسی سر بزنند، این آتش اختلاف را تشدید کند؟ نفت روی این آتش بریزد؟ اینها باید ما را بیدار کند. اینها باید ما را به خود بیاورد؛ باید هشیار بشویم.^۱

سعی دشمن در سوق دادن نظام در جهت خلاف اصول خود

آفتی که مسئولان و رهبران و گردانندگان اجتماعات را تهدید میکند، این است که آنها را دچار انفعال و خودباختگی کنند و در موضع تأثیرپذیری ناخواسته از اراده‌ی دیگران قرار دهند. امام بزرگوار، در مقابل این آفت هم مثل کوه ایستاد. آن چیزی که باید مورد توجه قرار گیرد و من اصرار دارم که مردم عزیز ما- بخصوص جوانان- و همچنین مسئولان

۱. بیانات در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیر خم

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۱۵

بخشهای مختلف نظام مقدّس جمهوری اسلامی به آن توجّه کنند، این است که دشمنان نظام جمهوری اسلامی، وقتی نمیتوانند در میدان مبارزه رویاروی، کار مؤثّری با این نظام انجام دهند؛ یعنی نمیتوانند به آن ضربه نظامی بزنند؛ نمیتوانند انفجار داخلی درست کنند؛ نمیتوانند ضربه‌های امنیتی بزنند؛ نمیتوانند با محاصره‌ی اقتصادی، آن را به زانو درآورند. وقتی از همه‌ی اینها مأیوس میشوند. یک راه برایشان باقی میماند و آن، این است که نظام اسلامی و انقلابی را به مواضعی برخلاف اصول خود سوق دهند، یا به عبارت ساده‌تر و روش‌تر، آن را وادار کنند که از گفته‌های خود در زمینه‌ی مسائل انقلاب برگردد؛ حرف و مواضع خود را تخطئه کند و خودش را دچار تناقض نماید! این را از چه راهی انجام میدهند؟ از راه فشارهای تبلیغاتی، فشارهای سیاسی، فشارهای فرهنگی. جو را آنچنان از فشار انباشته میکنند که انسانهای ضعیف‌النفس، در مقابل این فشار نمیتوانند مقاومت کنند.^۱

سعی دشمن بر زدودن شعارها و هدفهای انقلاب

امام در وصیّنامه‌شان تأکید میکنند که این انقلاب یک انقلاب الهی است و پایه‌ی اصلی آن مردمند؛ یعنی این انقلاب متعلّق به مردم است. معنای این حرف این است که هیچکس - هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای - نمیتواند و نباید ادّعای مالکیت این انقلاب را بکند؛ خود را مالک بداند، دیگران را مستأجر این انقلاب بداند. اگر قرار بود کسی خود را نسبت به این انقلاب مالک و صاحب بداند، از همه مناسب‌تر و شایسته‌تر، خود امام بود که انقلاب بر محور عزم و اراده و شخصیت او به وجود آمد؛ ولی امام خود را هیچکاره و خدا را همه‌کاره میدانند. این در بیانات امام موج میزند و در وصیّنامه به آن تأکید و تصریح شده است. پس صاحب این انقلاب مردمند. وظیفه‌ای بر دوش همگان سنگینی میکند و آن حفظ این امانت بزرگ الهی است. مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به

۱. بیانات در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۶/۳/۱۴

شعارهای انقلاب است؛ به جهت‌گیریهای انقلاب است؛ به ارزشها و مبانی انقلاب است. همیشه بوده‌اند، امروز هم هستند، در آینده هم خواهند بود کسانی که بخواهند به بهانه‌ی اینکه اوضاع جهان عوض شده است، شعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی- بعد دینی- را از انقلاب جدا کنند یا بعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بعد سلطه‌ستیزی و بیگانه‌ستیزی را از انقلاب جدا کنند یا بعد ضد استبداد بودن را از انقلاب جدا کنند. انگیزه‌های مختلف، به بهانه‌های مختلف همیشه ممکن است وارد میدان شوند، برای اینکه شعارهای انقلاب و هدفهای انقلاب را تغییر دهند. مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند. این انقلاب با شعارهای خود زنده است. اصلیت‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن است؛ پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی است؛ سلطه‌ستیزی است؛ ستیزه‌ی با استکبار است؛ دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه‌ی از همه‌ی مظلومان.

از جمله‌ی برترین شعارهای این انقلاب، تعلق این انقلاب به عموم مردم است؛ هیچ قشری، هیچ طبقه‌ای، در نسبت به انقلاب بر دیگران ترجیحی ندارد. جوانهای امروز هم مثل جوانهای دوران دفاع مقدس صاحبان انقلابند. نمیشود گفت آن کسانی که انقلاب را به وجود آوردند یا در زمان انقلاب در به وجود آوردن آن سهم بودند، آنها بیشتر با انقلاب نسبت دارند؛ نه، کسانی بودند که در اصل پیدایش انقلاب حضوری نداشتند، اما در دفاع مقدس جان خود را کف دست گرفتند و به میدان آمدند؛ آنها هم به همان اندازه با انقلاب نسبت دارند. در طول این سالهای متمادی بیست ساله‌ی بعد از پایان دفاع مقدس، جوانانی به صحنه آمده‌اند که با شعور خود، با شور فوق‌العاده‌ی خود، با علاقه‌مندبهای خود، با انگیزه‌های الهی خود، با تلاش علمی خود، با تلاش اجتماعی و سیاسی خود، بقای این انقلاب و نشاط این انقلاب را تضمین کرده‌اند؛ آنها هم فرزندان انقلابند؛ آنها هم مالکان انقلابند؛ نسبت آنها با انقلاب، مثل نسبت کسانی است که در صدر انقلاب حضور داشته‌اند؛ در آینده هم همین‌جور خواهد بود. طبقه‌ی جوان، نسلهای

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۱۷

پی‌درپی- همه- نسبت واحدی با انقلاب دارند؛ همه سهمیم در انقلابند و همه سهمیم در تکلیف حفظ امانت این انقلابند.^۱

تشویق تخطئه شعار ظلم‌ستیزی انقلاب

خیلیها بودند از همان اوایل انقلاب، میگفتند آقا حالا که انقلاب پیروز شد، دیگر بس است؛ برویم با آمریکاییها مسائل را تمام کنیم! این معنایش این بود که شعار ظلم‌ستیزی انقلاب تخطئه شود. این را تشویق میکردند. در طول زمان، بودند کسانی که دنبال این بودند؛ یعنی برویم با آمریکا همراه شویم؛ آن کسی که دشمن اصلی ماست، برویم زیر بال او؛ به دامن او پناه ببریم. معنای این حرف، فروختن قضیه‌ی فلسطین است. معنای این حرف، اغماض کردن از جنایات آمریکا در عراق و افغانستان و امثال اینهاست. معنای این حرف، چشم بستن بر روی این همه ظلمی است که آمریکا در جهان بر ملت‌ها دارد انجام میدهد. معنای این حرف، یعنی به این مسائل اعتراض نکنیم. خب، عادی کردن روابط معنایش این است که دیگر ملت ایران و مسئولین ایران نتوانند صریح اعتراض کنند و حرفشان را بزنند؛ و یک مرحله آن طرفتر، تدریجاً مجبور بشوند حرف آنها را قبول کنند. خب، این ثبات و استقامت، پُرزحمت بود؛ اما بابرکت بود، رحمت الهی را هم جلب کرد، توجه ملت‌ها را هم جلب کرد. ایستادگی شما ملت ایران ظرف این سی و دو سال بر روی شعارهای اصلی انقلاب، این برکت بزرگ را داشته است که امروز دنیای اسلام به چشم عظمت نگاه میکند. وقتی مسئولین کشور شما به کشورهای مختلف سفر میکنند، آنجور استقبالی از آنها میشود. وقتی حسابگرها میخواهند محبوبیت شخصیت‌های سیاسی را محاسبه کنند، مسئولین کشور شما در ردیف اول قرار میگیرند. ملت ایران کارش الگو شد؛ امروز دارید نشانه‌های این را مشاهده میکنید. این برکت بزرگ و این خصوصیت از خصوصیات است که جز با گذشت زمان معلوم نمیشد.^۲

۱. بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

تلاش برای ضد ارزش کردن انقلابیگری

آن کسانی که تلاش میکنند انقلاب و انقلابیگری را ضد ارزش کنند، همان کسانی هستند که بیشترین ضربه را از انقلاب خورده‌اند. تردید در مفاهیم انقلابی، ضد ارزش است. تردید در مبارزه‌ی با قدرتهای ستمگر و سلطه‌گر و ظالم، ضد ارزش است. راه نجات ملت‌ها، در استقلال آنها از قدرتهای ستمگر است. همیشه سعی قدرتهای ستمگر این بوده که به ملت‌ها ثابت کنند بیخود تکان میخورند و اشتباه میکنند. راه نجاتشان این است که زیر بال ما بیایند و پلکان دیگری از پلکان عروج در امور مادی و سلطه‌ی نابحق بشوند! این را تفهیم میکنند. ما باور نمیکنیم و نمیخواهیم بگذاریم ملت‌های دیگر هم باور کنند.^۱

دشمن، با همه‌ی راههای مختلفی که برای ایجاد شکاف در جامعه‌ی اسلامی آزموده است، امروز با پدیده‌ای بدون سابقه که مرکز وحدت همه‌ی مسلمین شده است، روبه‌روست و آن «جمهوری اسلامی» است. این پرچم بلند و صدای رسا، پدیده‌ای نوظهور است که قانون اساسی و شعار و عمل آن، مطابق اسلام است و به‌طور طبیعی دل‌های مسلمانان در اقطار عالم، برای آن میتپد. امروز، جای دیگری با این قاطعیت و جدیت، دنبال احکام اسلامی نیست. منظور، ملت‌ها نیستند؛ چرا که ملت‌های مسلمان، همه جا عاشق اسلام و آماده برای عمل به اسلامند. منظور، سیاستها و نظامها و دولتهاست که اگر به نام اسلام هم شروع کردند، وقتی با امواج شدید تهاجمهای جهانی مواجه شدند، عقب نشستند.^۲

و اداری کردن ارزشهای غیراسلامی از برنامه‌های دشمن

یکی از کارهای استعمارگران در جوامع اسلامی، این بوده است که خواسته‌اند کاری کنند که مردم مسلمان، در هر طبقه و رتبه‌ای از اهمیت

۱. بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران
۱۳۶۹/۵/۱

۲. بیانات در دیدار با جمعی از بسیجیان و روحانیون تهران، مدرسان و طلب‌اهل سنت استان خراسان و گروهی از اعضای حزب‌الله لبنان ۱۳۶۸/۷/۵

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۱۹

و مسئولیت در زندگی و جامعه، خودشان را به ارزشهای غیراسلامی نزدیکتر کنند. یعنی لباسشان مثل لباس آنها، رفتارشان مثل رفتار آنها، بینش‌شان مثل بینش آنها و اعمالشان هم مثل اعمال آنها باشد. در واقع، ارزشهای آنها را ارزش بشمارند، ضد ارزشهای آنها را ضد ارزش به حساب آورند و از اسلام یادشان نیاید. سعی کردند این کار را بکنند. متأسفانه، آنها در اکثر مناطق اسلامی، در طول سالهای استعمار و ورود فرهنگ استعماری به کشورهای اسلامی، موفق هم شدند. لباسها را عوض کردند، رفتارها را عوض کردند، آداب زندگی را عوض کردند، بینشها را عوض کردند و مسلمانان را از اسلام دور، و به آنچه ضد اسلام و غیراسلام است، نزدیک نمودند. امروز هم که ملت ایران اصرار دارد و پافشاری میکند بر اینکه مواضع اسلامی، ارزش اسلامی و فرهنگ اسلامی را در رفتار خود، در حرکات خود، در لباس خود، در برخورد جهانی خود و در گزینش دوست و دشمن خود رعایت کند، بیشترین حمله‌ها را برای همین میکنند.^۱

شایعه‌پراکنی از راههای نفوذ دشمن

از راههایی که دشمن امروز سعی میکند در میان مردم ما نفوذ پیدا کند، شایعه‌پراکنی است. از زمان پیروزی انقلاب تا امروز، هر جا توانستند، شایعه‌پراکنی کردند. هدفشان این است که دل مردم را بلرزاند و امید آنها را از بین ببرند. یک ملت با امید میتواند به پیش برود. یک سرباز در جبهه‌ی جنگ، فقط با امید میتواند بجنگد. اگر امید را از او گرفتند، همه چیز را از او گرفته‌اند. اگر کسی به این تبلیغاتی که دشمنان از راههای مختلف القا میکنند، گوش کند، به نظرش میرسد که در ایران همه چیز در سراسیمه سقوط است! انگاری میخواهند همه‌ی امیدها را پایان یافته وانمود و قلمداد کنند. اف بر این دشمنان خبیث! این ملت پرچوش و پرشور، این ملت جوان و شاداب- که انقلاب، این ملت را جوان کرد- این ملت با فرهنگ و باایمان، این ملتی که در طول دوازده

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، در روز «عید غدیر» ۱۳۷۳/۳/۸

سال بر این همه مشکلات فائق آمد، آیا جایی برای ناامیدی دارد؟ امید از خداست. «لا تياسوا من روح الله»^۱ - یأس از شیطان است. باید آحاد مردم بدانند، آینده‌ای که در انتظار این ملت است، به مراتب از سالهای گذشته بهتر و شیرینتر خواهد بود. به فضل پروردگار، در سایه‌ی پایمردی ملت و تلاش و توان شما مردم، هیچ چیزی نشدنی نیست. آنها میخواهند این ملت را ناامید کنند، تا کارها را متوقف نمایند.^۲

تبلیغات سوء دشمن روی ظواهر اسلامی

حفظ آثار و شعائر و ظواهر و نمای اسلامی جامعه خیلی مهم است. دشمنان سعی میکنند که این حرفها را بمباران تبلیغاتی کنند؛ لیکن گوش به حرف دشمن ندهید. دشمن، دشمن است. ظواهر اسلامی جامعه باید حفظ بشود. این جامعه، جامعه‌ی اسلامی نمونه است. زنان باید مواظب باشند. مردان باید مواظب باشند. کسانی که مأموریت دارند، بیشتر باید مواظب باشند. کسانی که در لباس انقلابند- مثل روحانیون و دیگر کسانی که لباسهای وابسته به انقلاب را دارند- بیشتر از دیگران باید مواظب باشند. همه‌ی آحاد جامعه باید سعی کنند که صورت جامعه را یک صورت اسلامی قرار بدهند.^۳

آگاهی به توطئه‌چینی دشمنان از پشت مرزها

امروز ما اطلاع داریم دشمنان نظام جمهوری اسلامی در پشت مرزهای ما در حال توطئه‌اند. ما میدانیم کردها در آن سوی مرز هم خودشان را ایرانی میدانند. ما میدانیم در بین برادران کرد ما در آن سوی مرز هم، دوستان نظام اسلامی و انقلاب اسلامی کم نیستند؛ شاید بشود گفت اکثریتند. جوانان مؤمن ما در دوران جنگ تحمیلی از توان و

۱. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۸۷

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم خرم‌آباد ۱۳۷۰/۵/۳۰

۳. بیانات در دیدار با خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان شهرهای مختلف، جمعی از مهاجران جنگ تحمیلی، کشاورزان و مسئولان هیأت‌های هفت‌نفره‌ی واگذاری زمین ۱۳۶۹/۳/۲

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۲۱

هوشیاری برادران گُرد ما در آن سوی مرز بهره‌های فراوان بردند. امروز هم که آنها می‌آیند به ایران- مسافرت میکنند و همیشه گفتگو میکنند- از عظمت قیام ایرانی و اعتمادی که آنها همیشه داشتند، یاد میکنند. این را ما میدانیم؛ اما معنای این سخن این نیست که دشمن از نفوذ، از توطئه، از رخنه غافل باشد. آنجا مشغول کارند، مشغول تلاشند؛ با توطئه، با ایجاد اختلاف، با به کار گرفتن شیوه‌های نامردانه، سعیشان این است که هر وقت توانستند، ضربه بزنند. این هوشیاری می‌طلبد. این هوشیاری و آمادگی که من با شما مطرح میکنم، صرفاً آمادگی نظامی نیست؛ آمادگی روحی. دشمن ممکن است از لحاظ نظامی هم نتواند کار کند، امیدی هم نداشته باشد، اما از لحاظ فرهنگی، از لحاظ سیاسی، از لحاظ امنیتی، از جاسوس‌پروری، از رخنه در اعتقادات و ایمان راسخ مردان و زنان مؤمن این مرز و بوم ممکن است بخواهد وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف شوم خودش پیدا کند. این، امنیت ما را تهدید میکند. امنیت در کشور و در هر منطقه، اساس پیشرفت است. برخی از فرصتهای کار در این استان و استانهای همجوار- در مناطق غرب و شمال غرب کشور- بخاطر ناامنی‌ای که عوامل و ایادی مزدور دشمن در طول سالهای اول بر این منطقه حاکم کردند، از دست رفت. درست است که مردم گُرد جانانه دفاع کردند، لیکن این نیرویی که صرف دفاع نظامی در این منطقه شد، میتواند صرف تلاش عمرانی شود. اگر این میبود، منطقه امروز جلوتر از این بود که هست.^۱

تلاش دشمنان علیه بیداری اسلامی

دشمن شماره‌ی یک این بیداری و گرایش اسلامی و این آزادیخواهی، قدرتهای استکباری‌اند. علت هم معلوم است؛ چون اسلام با سلطه مخالف است؛ با وابستگی ملت‌ها به قدرتهای بیگانه مخالف است؛ با عقب‌ماندگی علمی و عملی- که بر کشورهای اسلامی سالیان متمادی تحمیل کردند- مخالف است؛ با تقلید محض ملت‌ها و کورکورانه به

۱. بیانات در دیدار سران و معتمدان عشایر کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۴

دیگران نگاه کردن مخالف است. اینها همه درست نقطه‌ی مقابل سیاستهای استعماری و استکباری است که در طول دو‌یست سال یا بیشتر، از طرف مستکبران و غربیها بر دنیای اسلام اعمال شده؛ امروز هم برای این منطقه، پیش خودشان منافی تعریف کرده‌اند. بیداری اسلام، درست نقطه‌ی مقابل خواسته‌های آنهاست؛ لذا با همه‌ی وجود با آن مخالفند و مخالفت سیاسی و تبلیغاتی میکنند. امروز همه‌ی شگردهای تبلیغاتی را دارند علیه اسلام اعمال میکنند. شما نگاه کنید ببینید کاری که دولتهای غربی علیه مسلمانان و علیه اسلام میکنند. چه در آمریکا و چه در اروپا. چقدر پیچیده و گسترده است. تمام ابزارهای هنری در اختیار آنها، در خدمت این هدف پلید است. دشمنی را در اعلی درجه‌ی ممکن، با آمیخته‌ای از فعالیت‌های فرهنگی و امنیتی و سیاسی و نظامی، علیه اسلام به کار بردند؛ این هم یک واقعیت روشن و مسلم است. مظهر این بیداری اسلامی کسانی نیستند که امروز چهره‌ی تروریسم را در دنیای اسلام دارند نشان میدهند. کسانی که در عراق این جنایتها را میکنند؛ کسانی که در دنیای اسلام، به نام اسلام علیه مسلمانها فعالیت میکنند؛ کسانی که مهمترین وظیفه‌ی خود را ایجاد اختلاف بین مسلمانها- تحت عنوان شیعه و سنی، تحت عنوان قومگرایی- قرار میدهند؛ اینها نمیتوانند به هیچ‌وجه نمایشگر و نماد بیداری اسلامی باشند؛ این را خود مستکبران هم میدانند. همان کسانی که سعی میکنند اسلام را در چهره‌ی گروههای متحجر و دهشت‌افکن به دنیای غرب معرفی کنند، میدانند که واقعیت غیر از این است. اسلامی که امروز بیداری آن را دنیای اسلام دارد احساس میکند، اسلام فکر و اندیشه و تعمق و حرف نو است؛ اسلام ارائه‌ی راه‌حلهای زندگی برای گشودن گرههای زندگی بشریت است؛ نه اسلام متحجر، نه اسلام چشم‌پسته و نه اسلام دور از هرگونه آزادفکری؛ این را مستکبران میفهمند.^۱

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت مبعث فرخنده‌ی پیامبر مکرّم اسلام

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۲۳

مقابله‌ی دشمن با سرچشمه‌های جوشان بیداری (ایران اسلامی)
 یک استراتژیست آمریکایی در توصیه‌های خود به دولت آمریکا گفته بود: در کشورهای اسلامی به‌هیچ‌وجه نباید برای ایجاد دموکراسی عجله کرد؛ زیرا اگر امروز انتخابات آزاد در هر یک از کشورهای اسلامی برگزار شود، حکومت‌های اسلامی و جریان‌های اسلامی سر کار می‌آیند و مردم اینها را می‌خواهند. این اعتراف بسیار عجیب و حرف بسیار مهمی است. می‌گوید دموکراسی در کشورهای اسلامی، زودرس است. این حرف و ادعا نشان‌دهنده‌ی آن است که تفکر بیداری اسلامی و بازگشت به اسلام- که کانون آن در جمهوری اسلامی و میان شما مردم بوده- منتشر شده و به همه‌ی دنیا رسیده است. این اعتبار و ارزش کمی نیست. این بذر اکنون پاشیده شده است. اگر مراکز قدرت و کانونهای استکبار جهانی بخواهند این بذر نروید، راهش چیست؟ طبیعتی‌ترین راه این است که با سرچشمه‌های جوشان آبیاری‌کننده‌ی این بذر مقابله کنند.^۱

عزیزان من! حضور جمهوری اسلامی در این دنیای بزرگ؛ حضور این دولت قدرتمند، این نظام مقتدر و مستقل، این ملت شجاع و سربلند و فعال و کارآمد و مؤمن، این کشور بزرگ، این انقلابی که توفیق خود را در اغلب عرصه‌ها تا امروز اثبات کرده است- هم در پیروزی انقلاب، هم در پیروزی بر تهاجم دشمن بیگانه در جنگ تحمیلی، هم در عرصه‌ی سازندگی- و توانسته است وحدت ملی را به صورت کاملی حفظ کند، دشمنان اسلام را به شدت به فکر فرو برده است. آنها می‌ترسند؛ چون می‌بینند که این انقلاب جاذبه دارد. هر جا در دنیا مسلمانی هست، وقتی سر بلند میکند و چشمش به این پرچم برافراشته و به اهتزاز درآمده می‌افتد، به هیجان می‌آید و احساسات اسلامی در او زنده میشود. شما ببینید از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هیجان‌ها و احساسات و حرکات اسلامی و موفقیت‌های گروه‌های مسلمان در منطقه‌ی اسلامی، چقدر زیاد شده است! از شمال آفریقا و الجزایر بگیرید، تا به اینجا

۱. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

برسید و به طرف شرق بروید. این، به برکت همین پرچم رفیع و بلند است. احساس استقلال، احساس هویت اسلامی و احساس شخصیت در جوامع اسلامی زنده شد و دشمن اسلام و مسلمین، خائف گردید. کسانی که دهها سال تلاش کرده بودند تا مسلمانان را ضعیف و دلمرده و بی‌شخصیت و بی‌هویت بار بیاورند، ناگهان دیدند که همه‌ی بافته‌هایشان پنبه گردید و همه‌ی نقشه‌هایشان نقش بر آب شد. قیام این دولت اسلامی، به مسلمانان احساس اعتزاز داد. دشمنان درصدد برآمدند که از طرق مختلف، رابطه‌ی بین دولت اسلامی در ایران و بین جوامع و مجامع مسلمان در اقطار عالم را قطع کنند. این کار را میکنند. یکی از آنها، طرق مذهبی است؛ جنگ سنی و شیعه، دعوی سنی و شیعه، عمده کردن و درشت کردن تفاوت مذهبی، که آنها شیعه‌اند و به شما کاری ندارند؛ در حالی که ما در اینجا پرچم حکومت اسلام و قرآن و نام مبارک پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی را بلند کرده‌ایم. این چیزی است که همه‌ی مسلمانان، مشتاق و عاشق آن هستند. یکی از راهها این است. یکی از راهها این است که با تهمت تروریسم و امثال آن، جمهوری اسلامی و این ملت بزرگ و این دولت معنوی و اخلاقی و ارزشی را در دنیا از چشمها بیندازند.^۱

سعی دشمنان بر مشوش کردن دل مسلمانان

همیشه دشمنان اسلام خواسته‌اند دل مسلمانان را مشوش و مضطرب کنند. در طول تاریخ اسلام موارد زیادی پیش آمده است، قبل از اسلام هم در مورد حرکت‌های عظیم جهادی پیامبران قبل از نبی مکرم، مؤمنینی که توانستند ایمان خودشان را استوار نگه دارند، آرامش روحی پیدا کردند. این آرامش روحی حرکات آنها را در اختیار جهت ایمانی قرار داد؛ مشوش نشدند، مضطرب نشدند، راه را گم نکردند؛ چون در حال تشویش و اضطراب، پیدا کردن راه درست دشوار میشود. انسانی که از

۱. بیانات در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سالروز میلاد خجسته‌ی پیامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) ۱۳۷۶/۵/۱

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۲۵

آرامش روحی برخوردار است، درست فکر میکند، درست تصمیم میگیرد، درست حرکت میکند. اینها نشانه‌های رحمت الهی است.^۱

سعی دشمن بر وابسته کردن افراد سیاسی به خود

شما ببینید حکومت پهلوی را چه کسی سر کار آورد؟ رضاخان را چه کسی در این کشور حاکم کرد؟ اینکه دیگر جزو نقاط مبهم تاریخ نیست. امروز همه میدانند که رضاخان را انگلیسیها در این کشور سر کار آوردند؛ همچنانکه وقتی احساس کردند رضاخان دیگر به دردشان نمیخورد، او را برکنار کردند و محمدرضا را سر کار آوردند. این جزو بخشهای واضح تاریخ معاصر ماست. کسانی که آنها را سر کار آوردند، همانها سعی میکردند با انواع سیاستهای گوناگون، آنها را وابسته‌ی به خودشان نگه دارند. وقتی نهضت مصدق در این کشور پیش آمد- که یک نهضت ملی بود- جایی که بیشترین احساس خطر را کرد، دستگاه حکومت و سلطنت نبود؛ انگلیسیها بیشترین احساس خطر را کردند. بعد هم که انگلیسیها دیدند از عهده‌ی کار بر نمی‌آیند، آمریکاییها را وارد کار کردند. آنها به یک معنا آمدند صحنه را از دست انگلیسیها ربودند و حاکم شدند. یک نفر بلند شد و با یک چمدان دلار به اینجا آمد و با ایجاد یک بحران مصنوعی، حکومت ملی را سرنگون کرد و رژیم محمدرضا پهلوی بر کشور مسلط شد. این سیاست اینهاست؛ این چیز واضحی است و مدارک و اسناد و دستنوشته‌های آن، امروز در دسترس همه قرار دارد.

البته متأسفانه شما جوانها کمتر فرصت میکنید به این چیزها مراجعه کنید؛ اما لازم دارید و باید بدانید. امروز اسم کسی که رضاخان را در ایران سر کار آورد، مشخص است؛ اسم کسی که محمدرضا را سر کار آورد، مشخص است؛ اسم کسی که به ایران آمد و پول آورد، مشخص است؛ نقشه‌ای که در آمریکا طراحی شد و در اروپا اتاق عملیاتش تشکیل گردید، مشخص است؛ اینها نقشه‌های واضح و مشخصی است

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۳/۲۹

که وزارتخانه‌های امور خارجه‌ی خود آنها اینها را منتشر کرده‌اند و امروز در اختیار همه‌ی ماست.

از استقلال و خودباوری ملت ایران، سیاستهای زیاده‌خواه و دخالتجوی جهانی ضرر می‌بردند. برای یک ملت، سم بزرگ عبارت است از وابستگی؛ و پادزهر این سم، عبارت است از خودآگاهی، استقلال فکری، استقلال علمی، روی پای خود ایستادن، خود را اداره کردن و خود را محتاج دیگران ندیدن. بنابراین، اینها باید این پادزهر را از دسترس این ملت دور نگه دارند؛ این طبیعی است.^۱

طراحی دشمن در عوض کردن ذهن خواص

دشمن انواع و اقسام کار را میکند؛ انواع و اقسام فعالیت را میکند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. مینشینند طراحی میکنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظایف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم - ان شاء الله - بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم.^۲

ایجاد جنگ قدرت بین مسئولین از برنامه‌ریزیهای دشمن

دشمن به شدت روی جزئیات وقایع کشور ما حساس است. اینها به روزهایی امید بسته بودند که خلأ وجود امام در جمهوری اسلامی آشکار شود! به شروع اختلافات میان مسئولان و آن چیزی که آنها آن را جنگ قدرت (!) مینامند، امید بسته بودند! دلخوش بودند که جمهوری اسلامی، دچار آشفتگی سیاسی شدیدی شود و مسئولان - حتی اگر مسأله‌ی رهبری را هم حل کرده باشند - نتوانند اوضاع کشور را جمع‌وجور کنند و

۱. گزیده‌ای از بیانات در دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور ۱۳۸۴/۱/۳۰

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

فصل هفتم: برنامه‌ریزی‌های دشمن / ۲۲۷

کار را ادامه دهند! امید بسته بودند که مردم در صحنه حضور پیدا نکنند و فقدان امام به معنای خاموش شدن شعله‌ی انقلاب تلقی شود! امروز شما حیرت و تعجب آنها را از واقعیات باشکوهی که در کشور ما در حال اتفاق است، میبینید. هر روز با یک واقعه، رشد سیاسی مردم و عمق ایمان انقلابی آنها و رشد سیاسی مسئولان و دست‌اندرکاران- که موجب ناامیدی و حیرت دشمنان است- تأیید میشود.^۱

شما میبینید امروز تبلیغات جهانی روی چند چیز متمرکز است: یکی از آنها این است که در داخل نظام جمهوری اسلامی، مجموعه‌ی متصدیان و خدمتگزاران نظام و کارگزاران کشور را به دو دسته تقسیم میکنند و برای هر دسته اسم میگذارند؛ البته یک عده هم ساده‌لوحانه در داخل کشور همان حرفی را که آنها میزنند، تکرار میکنند که در واقع حرف اینها نیست، حرف آنهاست. همان دشمن خارجی وقتی متصدیان نظام را به دو دسته تقسیم کرد، اعلام میکند ما با این دسته موافق و با آن دسته مخالفیم؛ یک دسته اسمشان اصلاح طلب است، یک دسته اسمشان محافظه‌کار است. اینها دام دشمنان است؛ همه باید متوجه باشند در دام دشمن قرار نگیرند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) به ما میفرماید: «صلاح ذات بینکم»؛ دلها را با هم صاف و به هم نزدیک کنید. اختلاف سلیقه‌ها را به معنای دشمنی تلقی نکنید. اختلاف نظر و اختلاف سلیقه، حتی اختلاف عقاید سیاسی و دینی و غیره، تا آنجایی که به مبانی عملی نظام ارتباطی ندارد، میتواند موجب دشمنی و جدایی و خصومت با یکدیگر نشود.^۳

سوءاستفاده‌ی دشمن از نادانی مردم

برادران و خواهران عزیز! آنچه صلابت این ملت را حفظ خواهد کرد، عبارت است از وحدت حول محور ایمان و انقلاب؛ این چیزی است که دشمن را ناامید میکند. آنها خیال میکنند ما برای استحکام نظام

۱. بیانات در مراسم بیعت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۸/۳/۲۴

۲. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۷

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۹/۱

خود دنبال سلاح کشتار جمعی و دنبال اتم و این چیزها هستیم. اشتباه میکنند؛ این هم تحلیل غلط و اطلاعات نادرستی است. ما میدانیم آن چیزی که بمب اتم هم در آن کارگر نمیشود، عبارت است از یک ملت مصمم، عازم، مؤمن، متحد و یکپارچه؛ این است که کسی نمیتواند بر آن فائق شود و غلبه پیدا کند، و الاً مگر از اول انقلاب تا به حال با ما دشمنی کم بوده است؟ مگر ما از اول انقلاب تا الآن بمب اتم داشته‌ایم؟ آنچه عزت و کین این ملت را حفظ کرد؛ نظام اسلامی را سر بلند و نام امام را جاودانه کرد، ایمان و عزم راسخ این مردم و ایستادگی و وحدت و یکپارچگی آنها بود. نکند بعضیها برخی از ساده‌لوحیها و نسنجیده‌کاریها را مرتکب شوند و بعضی حرفهای نسنجیده را بگویند و بعضی موضعگیریهای نسنجیده را اتخاذ کنند و مردم را ناامید سازند! ضعفی در فلان دستگاه وجود دارد، فوراً نظام اسلامی را زیر سؤال ببرند که چرا این ضعف در این دستگاه هست. دستگاهها، دولتها و مجموعه‌های کاری، کار خوب دارند؛ اشتباه و خطا و کار بد هم دارند که باید اصلاح شود؛ این چه ربطی به ترکیب و هندسه‌ی نظام اسلامی دارد که بعضی نسنجیده‌گویی میکنند؟ خیلی اوقات در این نسنجیده‌گوییها، غرض هم نیست؛ بلکه نادانی است؛ نادانیهایی است که دشمن از آن استفاده میکند. این «نادان دوست» که در ادبیات و اشعار ما وجود دارد، یعنی همین. ممکن است دوست هم باشند، اما نادانند. حرفی میزنند که نظام اسلامی را زیر سؤال میبرد؛ حرفی میزنند که مردم را نسبت به آینده‌ی خود ناامید کنند؛ چرا آخر؟! این مردم بانشاط، پرامید و پرتوان که این همه‌گرفته‌ها را پشت سر گذاشته‌اند، میتوانند به قلّه برسند؛ چرا اینها را ناامید میکنید؟! اگر به قویترین کوهنوردها هم در وسط راه بگویند کمرت میشکند، پایت میشکند، سرت میشکند، چشمت کور میشود، نمیتوانی و می‌لغزی، در حقیقت مردّدش میکنند.^۱

۱. بیانات در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۱/۴/۲۶

دشمن به دنبال کوبیدن حرکت علمی در کشور

فرض بفرمایید در کشور ترور اتفاق می‌افتد؛ شهید علی‌محمدی، شهید شهریاری، شهید رضایی‌نژاد را ترور میکنند. این یک کار تروریستی است. یک وقت به این مسأله به چشم یک عمل تروریستی ضد امنیتی نگاه میکنیم؛ انسان غصه هم میخورد؛ چند تا دانشمند ما مورد اصابت جنایت دشمن- یک چند تا تروریست- قرار گرفتند. یک وقت نه، با همان چشم جبهه‌ای نگاه میکنید: این یک حرکت در مجموعه‌ی حرکت‌های خصمانه‌ی علیه نظام اسلامی است. مثلاً در جبهه‌ی جنگ مرزی با عراق- که هشت سال جنگ داشتیم- یک‌جا اگر چنانچه توپخانه‌ی دشمن کار کند، معنایش این نیست که دشمن با این‌جای بالخصوص کار دارد؛ این معنایش این است که این یک حرکتی است که دشمن دارد اینجا انجام میدهد، احتمالاً برای اینکه شما حواستان به اینجا منعطف شود، او به یک جای دیگر حمله کند- به قول خودشان حرکت‌های پشتیبانی، که این در واقع حيله است- یا برای این است که رزمنده‌ی ما را در اینجا تضعیف کند تا مثلاً بتواند یک حمله‌ی سراسری انجام دهد. وقتی با این چشم نگاه میکنید، معلوم میشود که دشمن به دنبال کوبیدن حرکت علمی در کشور است؛ یعنی یکی از حلقه‌های توطئه‌ی دشمن این است. چند تا حلقه‌ی بهم‌پیوسته وجود دارد؛ مثلاً حلقه‌های تحریم اقتصادی، ترویج ابتدال، ترویج مواد مخدر، کارهای امنیتی، ایجاد زلزله در مبانی و مسائل اعتقادی؛ چه اعتقاد به اسلام، چه اعتقاد به انقلاب. اینها حلقه‌های گوناگون بهم‌پیوسته است؛ یکی از این حلقه‌ها هم- که مکمل این زنجیره است- کوبیدن حرکت علمی در کشور، با ترساندن دانشمندان ما، با حذف دانشمندان ماست. با این چشم به قضیه نگاه کنیم. اگر چنانچه به مجموعه‌ی دشمن به چشم یک جبهه‌ی مستمری که وظایف را تقسیم کردند، نگاه کنیم، آن وقت احساس مسؤلیت ما در هر قضیه‌ای شکل تازه‌ای به خودش میگیرد.^۱

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۰/۵/۱۹

مخالفت دشمن با استعداد ایرانی

سالهای متمادی گذشته و به این ملت و این هویت ملی ظلم شده؛ این را باید همه‌ی ما دائماً در برابر چشم داشته باشیم. در طول زمان، حقیقتاً به ملت ما ظلم شده است. توانایی و استعدادی که امروز در شماها هست، در همه‌ی دوره‌ها در نسل جوان و مردان و زنان کشور ما وجود داشته؛ اما استعداد انسانی احتیاج به تشویق، شناخت و تزریق روح اعتماد و امید دارد تا بتواند شکوفا شود. درست عکس این سیاست در دوره‌های مختلف عمل شده. مقصّر اصلی هم در این زمینه، حکومتها و سیاستها بودند؛ در این موضوع اصلاً نباید تردید کرد. بعضی میفهمیدند دارند چه کار میکنند؛ مثل اغلب مسئولان در دوران پهلوی، که دانسته و شناخته این راه را رفتند؛ یعنی از بروز استعدادها جلوگیری میکردند. علت هم معلوم است؛ عقیده‌ی راسخ آنها این بود که ایرانی باید وابسته بماند. دشمنی آنها با نسل بااستعداد ایرانی، یک دشمنی طبیعی نبود. نه اینکه بخواهند واقعاً با اشخاص دشمنی کنند؛ نه، سیاستهای قاهر و مسلط جهانی از آنها این را خواسته بود.^۱

تحقیر استعداد ملت ایران

یکی از کارهای دشمن این است که آنچه را داریم، تحقیر کند؛ درست مثل بعضی از شرخرها و کهنه‌دلها که اگر جنسی را بخواهند، توی سر جنس میزنند و آن را بی‌اهمیت میکنند تا دارنده‌ی آن جنس راحت آن را از دست بدهد! نظام اسلامی شما بسیار مهم، ارزشمند و بزرگ است؛ استعداد ملت ایران هم بسیار درخشان است؛ اما دشمن دائم توی سر جنس ارزشمند ما میزند. امام صادق علیه السلام به صحابی خود فرمود: «اگر تو گوهر درخشانی در دست داشته باشی که قدر آن را بشناسی، همه‌ی دنیا هم که جمع شوند و بگویند این ریگ است، باور نمیکنی؛ اگر یک ریگ هم در دست بگیری و همه‌ی دنیا شهادت بدهند که

۱. گزیده‌ای از بیانات در دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور ۱۳۸۴/۱/۳۰

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۳۶

الماس است، باز هم باور نمیکنی! مهم این است که بدانی چه در دست داری.» تلاش من این است که ملت ایران بداند چه سرمایه‌ی عظیمی در اختیار دارد و بداند چه امتداد باارزشی در دنیای اسلام دارد.^۱

انکار مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی توسط دشمن

عزیزان من! بزرگترین هدیه‌ای که انقلاب اسلامی به این ملت داده است، این است که شرّ حکومت‌های فاسد و وابسته را که سالیان و سالیان بر این کشور و ملت و این مواهب الهی مسلط شده بودند، از سراسر این ملت و این کشور کم کرده است. امروز به فضل پروردگار، اداره‌کنندگان کشور، از خود این مردمند. امروز به همّت و هوشیاری این ملت، بهترین شکل حکومت مردمی و دخالت آرای مردم در این کشور است. البته دشمن در تبلیغات خود، این را منکر میشود و باید هم بشود. از دشمن چه انتظاری است؟! اینجا، مردم با معیارهای مورد اعتقاد خودشان که همان معیارهای اسلامی است، انسانی را برای اداره‌ی امور اجرایی کشور و انسانهایی را برای قانونگذاری و هدایت مجریان انتخاب میکنند؛ آن هم با کمال آزادی و با تکیه به ایمان. این همان نکته‌ی استثنایی است. اگر در کشورهای معروف امروز عالم که ادعای دموکراسی دارند، دعوای احزاب و تعصبات حزبی و کشمکشهای گوناگون سیاسی، انگیزه‌ی رأی دادن است، در ایران اسلامی و در این کشور سربلند و سرفراز، انگیزه‌ی رأی دادن فقط ایمان و تشخیص ارزشهای الهی و اسلامی است. این ارزش دارد. این اهمیت دارد. و این امروز هست.^۲

تلاش دشمن این است که وانمود کند در ایران، دموکراسی نیست. در حالی که خود دشمن هم میداند. این دموکراسی‌ای که امروز در ایران است، هیچ وقت در تاریخ ایران وجود نداشته است. هیچ وقت در دورانهای گذشته‌ی ایران، چنین آزادی‌ای که امروز هست، نبوده است.

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۲

۲. بیانات در مراسم «پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)» ۱۳۷۳/۳/۱۴

نمونه‌اش انتخابات و حضور مردم در صحنه است. دشمنان سعی میکنند آینده را در چشم مردم، کدر و ناامیدکننده معرفی کنند. اگر میبینید که گاهی بعضی راجع به اوضاع اقتصادی و آینده‌ی کشور، حرفهای ناامیدکننده میزنند، بدانید این حرفها اصلش از آن استکبار است.^۱

هزینه و سرمایه‌گذاری دشمن در ضربه زدن به انتخابات

ملت عزیز ما، خوشبختانه بر اثر بی‌اعتنایی به رادیوها و بوقهای بیگانه، چندان سر و کاری با تبلیغات دشمن ندارد. ولی ما و کسانی که دست‌اندرکار هستند، به‌طور روشن میدیدیم که دشمن برای اینکه شاید بتواند انقلاب اسلامی را از انتخابات عمومی با شرکت قشر عظیمی از مردم، محروم کند، یقه‌درانی میکند. از دو ماه پیش از انتخابات، یا شاید هم بیشتر، شروع کردند به انواع و اقسام تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم و استفاده از هرکس و ناکس من جمله از فراریها و تفاله‌های رژیم گذشته و ضدانقلاب بی‌آبرو و بی‌حیثیت تا شاید بتوانند از هر طریقی که شده است، به انتخابات ضربه وارد کنند. در روز انتخابات، اینها دیدند که در ایران چه خبر است. با وجود اینکه فصل امتحانات مدارس و فصل کشاورزی است، درعین حال، دیدند که مردم پای صندوقهای رأی جمع شدند و قریب به هفده میلیون نفر در انتخابات شرکت کردند که از اول انقلاب تا به حال آنطور که آمار نشان میدهد در هیچ انتخابات ریاست جمهوری، مردم به این تعداد شرکت نکرده بودند. بدیهی است که دشمن از این ضربه، به شدت پریشان و آشفته شد.^۲

چرا دشمن اینقدر هزینه و اصرار میکند که انتخابات ریاست جمهوری را خلوت کند؟ آیا از این تلاش مذبوحانه‌ی دشمن، نباید فهمید که حضور در سر صندوقهای رأی و انتخابات، مشت محکمی به دهان آنهاست؟ آیا از این ترفند محکوم به شکست، نباید فهمید که

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۱/۱/۷

۲. بیانات در جمع علما، طلاب و روحانیان، در آستانه‌ی ماه «محرم» ۱۳۷۲/۳/۲۶

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۳۳

دشمن از حضور مردم در صحنه ناراضی است؟ این خود، راه بسیار روشن و تعیین‌کننده‌ای است.^۱

تلاش دشمن برای خدشه‌دار کردن نظام قانونی

سیره‌ی امام بزرگوار فقط بیان شخصیت یک انسان نیست؛ بلکه راهنمای عمل همه‌ی ملت ایران و مسلمانان جهان است؛ راهنمای عمل همه‌ی کسانی است که میخواهند در سایه‌ی اسلام، برای خود زندگی شایسته‌ی انسانی فراهم کنند. البته ملت ایران بیش از دیگران مخاطب این سخنان است؛ زیرا بار امانتی که بر دوش ماست - یعنی حفظ دستاورد عظیم این انقلاب - یک ویژگی برای ملت ایران است. با حفاظت از این ذخیره‌ی عظیم، باید شکر این نعمت را بگزاریم. این بُعد از شخصیت امام عبارت است از اینکه امام در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی، همه‌ی عناصر و اجزایی را که میتواند این نظام را استوار و ماندگار کند، مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و مستحکم کار گذاشت. این عناصر اصلی عبارت است از اسلام، مردم، قانونگرایی و دشمن‌ستیزی. امام بزرگوار در بنای نظام شامخی که به جای رژیم پوسیده‌ی سلطنتی در ایران بر سر کار آورد، این عناصر و اجزا را با دقت تمام کار گذاشت؛ در عمل خود به آنها پایبند و متعهد ماند و در پیام و بیان و تعالیم خود بر آنها پافشاری کرد. امروز هم مثل بیست‌ودو سال گذشته، همه‌ی کسانی که وجود نظام اسلامی را با منافع نامشروع خودشان ناسازگار میبینند و با آن دشمنی میکنند، بیش از همه با همین چهار عنصر مقابله میکنند. عمده‌ی تلاش آنها این است که یا عنصر اسلامیت را از نظام بگیرند؛ یا تکیه بر مردم را - با همان معنای وسیع و بدیعی که امام به آن توجه داشت - از نظام سلب کنند؛ یا در بنای قانونی نظام خدشه کنند؛ یا هشیاری و بیداری دائمی در مقابل دشمن را از نظام بگیرند و بیداری را

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۲/۳/۱۴

به خواب‌آلودگی و غفلت تبدیل کنند. لذا برای ما این چهار عنصر اهمیت پیدا میکند.^۱

تبلیغات دشمن در تضعیف انتخابات

تبلیغات دشمن کوچکتر و ناتوانتر از آن است که حقایق را با این عظمت بتواند پوشیده نگه دارد. لکن ملت ما، باید امکان سوءاستفاده‌های تبلیغاتی را به دست دشمنان ندهد. دشمنان میخواهند ما در انتخابات شرکت نکنیم؛ دشمنان میخواهند که ما انتخاباتمان چشمگیر نباشد؛ دشمنان میخواهند چنین وانمود کنند که ملت، رغبتی به انتخابات و به کارهای مربوط به مجلس و مسائل اساسی نظام ندارد. شما باید این را تخطئه کنید و باید شرکت کنید.^۲

تخریب انتخابات؛ راهبرد کلی دشمن

همه‌ی همت و تلاش محافل سیاسی خارجی- یعنی کسانی که دشمن ما هستند- و دستگاه‌های اطلاعاتی و تبلیغاتی‌شان امروز متوجه به این مسأله است. راهبرد کلی آنها این است که انتخابات را تخریب کنند و نگذارند انتخاباتی برگزار شود. آنها از انتخابات به شدت ناراحت و ناراضی‌اند و میدانند انتخابات مانع توطئه‌ها و جلوگیری خبائتهای آنها نسبت به این کشور است؛ لذا میخواهند انتخابات برگزار نشود. این راهبرد کلی آنهاست.^۳

دشمن به همان اندازه‌ای که از اجتماع آرا در روز انتخابات ناراحت است، به همان اندازه هم درصدد است که اگر این تجربه به وسیله‌ی ملت ایران با موفقیت انجام شد، شیرینی انتخابات را به دهان مردم تلخ کند. از مدتی پیش نشسته‌اند و برای این قضیه برنامه‌ریزی میکنند.

۱. بیانات در اجتماع زائران مرقده مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۸۰/۳/۱۴

۲. مصاحبه در پایان بازدید از پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ۱۳۷۱/۲/۱۷

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۲/۱۱/۱۵

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۳۵

شایعه‌ی تقلب در انتخابات و صوری بودن آن را مطرح کردند، لطیفه و متل درست کردند و در دهان مردم انداختند؛ بعضی هم البته ناآگاهانه آنها را تکرار میکنند. من باید عرض کنم، شایعه‌ی اینکه در انتخابات تقلب خواهد شد، از طرف دشمن است. رادیوهای بیگانه، حرفهای دلسوزانه‌ی رئیس‌جمهور محترم را حمل بر چیزهای نامناسب و ناشایسته کردند. حتی بعضی از تحلیلگران و خودیها هم از روی غفلت برداشتند آن مسأله را حمل بر این کردند که آیا چه چیزی قرار است اتفاق بیفتد! این حرفها چیست؟^۱

امید بستن دشمن به طراحي فتنه‌ی ۸۸

این فتنه‌هایی که دشمن برپا کرده بود، امید بسته بود که شاید بتواند از این آب گل‌آلود ماهی بگیرد. بحمدالله این فتنه‌ها تمام شد. هر فتنه‌ای در مقابل حق، در مقابل ملت هوشیار از بین خواهد رفت؛ گرد و غبار فروخواهد نشست. همیشه همینجور است.

حواشی ایجاد شده به وسیله‌ی یک عده دشمن، یک عده غافل، از بین میروند، متن قضیه باقی میماند. متن قضیه این است که در یک انتخابات پرشکوه، تقریباً چهل میلیون نفر از ملت ایران شرکت کرده‌اند. این، متن قضیه است؛ این، حقیقت قضیه است. چهل میلیون، بعد از گذشت سی سال از انقلاب، اعتماد خود را به نظام، امیدواری خود را به آینده با این حضورشان نشان دادند. این، میماند. متن قضیه این است که رئیس‌جمهوری با بیش از بیست و چهار میلیون رأی مردم انتخاب شده است؛ اینها متن قضیه است. حواشی، گرد و غبارها، پیرایه‌ها، کارها و حرفهای دشمن‌شادکن تمام خواهد شد؛ اما این حقیقت میماند. «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»^{۲،۳}

۱. بیانات در دیدار خانواده‌های معظم اسرا و مفقودان جنگ تحمیلی ۱۳۷۶/۲/۳۱

۲. سوره‌ی الرعد، آیه‌ی ۱۷

۳. بیانات در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین (ع) ۱۳۸۸/۴/۱۵

اینی که عرض میکنم، تحلیل است؛ خبر نیست. به اعتقاد من، با تحلیل من، این مسأله از بعد از انتخابات یا از روزهای حول و حوش انتخابات شروع نشده؛ این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه‌ریزی شده. من متهم نمیکنم افرادی را که دست‌اندرکار بودند، که اینها دست‌نشانده‌ی بیگانه‌هایند یا انگلیسند یا آمریکایند. این را من ادعا نمیکنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست؛ چیزی که ثابت نیست، نمیتوانم بگویم. اما آنی که میتوانم بگویم، این است که این جریان، چه پیشقراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی شده؛ تصادفی نبود. همه‌ی نشانه‌ها نشان میدهد که این جریان طراحی شده بود، حساب شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت.

بعد از انتخابات که تحرکاتی از طرف بعضیها شروع شد، یک تجاوب نسبی هم از سوی جمعی از مردم تهران صورت گرفت، آنها امیدوار شدند؛ فکر کردند آنچه که تصور میکردند، انجام شد و گرفت و امیدوار شدند. لذا دیدید که این دستگاهها و وسایل رسانه‌ای و صوتی و الکترونیکی و ماهواره‌ای و غیره حضورشان در صحنه را چطور تشدید کردند؛ صریح وارد میدان شدند. قبلاً امیدوار نبودند که این کار بگیرد؛ بعد دیدند نه، گرفت؛ لذا سریع وارد میدان شدند؛ منتها خوشبختانه مثل همیشه که مسائل ایران را بد میفهمند و ملت ایران را نمیشناسند، این دفعه هم نشناختند. اینها تودهنی خوردند، سیلی خوردند، ولی هنوز ناامید نیستند. من به شما عرض کنم دانشجویهای عزیز! اینها ناامید نیستند؛ دارند قضایا را دنبال میکنند؛ به این زودی هم زمین نمیگذارند. اینها صحنه‌گردانهای دارند، صحنه‌گردانهای هم پیدا خواهند کرد.^۱

تدارک طرح همه‌جانبه برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی مانند شوروی

بنده بعنوان کسی که از اوّل این انقلاب تا امروز در مسائل گوناگون

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۶/۴

فصل هفتم: برنامه‌ریزیهای دشمن / ۲۳۷

و در عرصه‌های مختلف این نظام، با جوانب و جریانهای گوناگون مواجه بوده‌ام؛ هم آدمها را میشناسم، هم حرفها را میشناسم و هم با تبلیغات رسانه‌های دنیا آشنا هستم؛ به یک جمع‌بندی رسیده‌ام که به‌طور خلاصه این است: یک طرح همه‌جانبه‌ی آمریکایی برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی طراحی شد و جوانب آن از همه جهت سنجیده شد. این طرح، طرح بازسازی شده‌ی است از آنچه در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد. به‌نظر خودشان میخواهند همان طرح را در ایران اجرا کنند. دشمن این را میخواهد. من اگر بخواهم قرائن و شواهد این معنا را بگویم، الان در ذهنم هست؛ نه اینکه بخواهم دنبال نشانه‌هایش بگردم؛ شواهد آشکاری در اظهارات خودشان وجود دارد. در طول این چند سال، از اظهارات مغرورانه و قدرتمندانه و احیاناً حساب نشده آنها - که خودشان هم میگویند فلان مصاحبه‌ای که ما کردیم، عجولانه بود - صحت این ادعا کاملاً آشکار میشود که آنها به خیال خودشان طرح فروپاشی شوروی سابق را منطبق با شرایط ایران بازسازی کردند و میخواهند در ایران پیاده کنند. البته در چند مورد هم دچار اشتباه شدند که این هم از الطاف الهی است.

دشمنان ما در مواقع حساس در محاسبات خود دچار اشتباه میشوند. البته اینها اشتباهاتی نیست که اگر من ذکر کردم، آنها بتوانند اصلاحش کنند؛ نه، اشتباه در شناخت واقعیتها دارند. براساس این اشتباه برنامه‌ریزی میکنند و برنامه‌ریزی غلط از آب درمی‌آید؛ لذا موفق نمیشوند. آنها برای دفاع از رژیم پهلوی برنامه‌ریزی کردند و با همه‌ی قدرت هم ایستادند؛ متتها در شناخت مسائل ایران، در شناخت مردم، در شناخت روحانیت و در شناخت دین اشتباه کرده بودند؛ لذا شکست خوردند. اینجا هم سرنوشتشان جز این نیست و شکست خواهند خورد.^۱

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۴/۱۹

فصل هشتم ————— ❁

شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن

امام علی علیه السلام؛ الگوی نه‌راسیدن از دشمن

از آمریکا نباید ترسید، و ملت ایران نمیترسد. با این روح شجاعت، با این توکل به خدا، با این حماسه و شوری که در اقشار ملت ما- بخصوص در جوانان ما- هست، این ملت پیروز خواهد شد؛ به اهداف خود خواهد رسید و دشمنان را به زانو درخواهد آورد. هیچ دشمنی نمیتواند ملت ایران را از پیمودن این راهی که اسلام در مقابل او گذاشته است، بازدارد. فقط این نکته را بایستی به یاد داشت که مثل علی بن ابی طالب، از کثرت دشمن نباید هراس داشت.^۱

امام حسین علیه السلام؛ الگوی قیام علیه دشمن

بعد از آنکه اسلام، اشرافیت را قلع و قمع کرده بود، یک طبقه‌ی اشراف جدید در دنیای اسلام به وجود آمد. عناصری با نام اسلام، با سمت‌ها و عناوین اسلامی- پسر فلان صحابی، پسر فلان یار پیغمبر، پسر فلان خویشاوند پیغمبر- در کارهای ناشایست و نامناسب وارد شدند، که بعضی از اینها، اسمهایشان در تاریخ ثبت است. کسانی پیدا شدند که برای مهریه‌ی دخترانشان، به جای آن مهرالسّنه‌ی چهارصد و هشتاد درهمی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و مسلمانان صدر اسلام مطرح میکردند، یک میلیون دینار؛ یک میلیون مثقال طلای خالص قرار

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، در سالروز میلاد باسعادت حضرت علی (ع)

دادند! چه کسانی؟ پسران صحابیهای بزرگ، مثلاً مصعب بن زبیر و از این قبیل. وقتی می‌گوییم فاسد شدن دستگاه از درون، یعنی این. یعنی افرادی در جامعه پیدا شوند که بتدریج بیماری اخلاقی مسری خود-دنیازدگی و شهوت‌زدگی- را که متأسفانه مهلک هم هست، همینطور به جامعه منتقل کنند. در چنین وضعیتی، مگر کسی دل و جرأت یا حوصله پیدا می‌کند که به سراغ مخالفت با دستگاه یزید بن معاویه برود؟! مگر چنین چیزی اتفاق می‌افتاد؟ چه کسی به فکر این بود که با دستگاه ظلم و فساد آن روز یزیدی مبارزه کند؟ در چنین زمینه‌ای، قیام عظیم حسینی به وجود آمد، که هم با دشمن مبارزه کرد و هم با روحیه‌ی راحت‌طلبی فسادپذیر رو به تباهی میان مسلمانان عادی و معمولی. این مهم است. یعنی حسین بن علی علیه السلام، کاری کرد که وجدان مردم بیدار شد. لذا شما می‌بینید بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، قیامهای اسلامی یکی پس از دیگری به وجود آمد. البته سرکوب شد؛ اما مهم این نیست که حرکتی از طرف دشمن سرکوب شود. البته تلخ است؛ اما تلختر از آن، این است که یک جامعه به جایی برسد که در مقابل دشمن، حال عکس‌العمل نشان دادن پیدا نکند. این، خطر بزرگ است. پس، تا قبل از شروع قیام امام حسین علیه السلام، خواص هم حاضر نبودند قدمی بردارند. اما بعد از قیام امام حسین علیه السلام، این روحیه زنده شد. این، آن درس بزرگی است که در ماجرای عاشورا، در کنار درسهای دیگر باید بدانیم. عظمت این ماجرا این است. اینکه «الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته»؛ اینکه از قبل از ولادت آن بزرگوار «بکنه السماء و من فیها والارض و من علیها»؛ حسین بن علی علیه السلام را در این عزای بزرگ مورد توجه قرار دادند و عزای او را گرامی داشتند و به تعبیر این دعا یا زیارت، بر او گریه کردند، به این خاطر است. لذا شما امروز وقتی نگاه می‌کنید، اسلام را زنده شده‌ی حسین بن علی علیه السلام میدانید. او را پاسدار اسلام میدانید.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۴۷

۲. بیانات در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، به مناسبت سوّم شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۶

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۴۳

درسهای عاشورا، مقابله با دشمن

عاشورا پیامها و درسهایی دارد. عاشورا درس میدهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس میدهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. درس میدهد که در میدان نبرد حق و باطل، کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و وضعی و امام و رعیت، با هم در یک صف قرار میگیرند. درس میدهد که جبهه‌ی دشمن با همه‌ی تواناییهای ظاهری، بسیار آسیب‌پذیر است. (همچنانکه جبهه‌ی بنی‌امیه، به وسیله‌ی کاروان اسیران عاشورا، در کوفه آسیب دید، در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید، و بالأخره هم این ماجرا، به فنای جبهه‌ی سفیانی منتهی شد.) درس میدهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی‌بصیرتها فریب میخورند. بی‌بصیرتها در جبهه‌ی باطل قرار میگیرند؛ بدون اینکه خود بدانند. همچنانکه در جبهه‌ی ابن‌زیاد، کسانی بودند که از فسّاق و فجّار نبودند، ولی از بی‌بصیرتها بودند.^۱

واقعه‌ی عاشورا حربه‌ی علیه دشمن

امروز کسانی هستند که میخواهند ماجرای عاشورا را بعنوان یک درس، خاطره و یک شرح واقعه، از زبان علما، روحانیون، مبلغین، مبلغات و امثال اینها بشنوند. ما در این زمینه چه خواهیم کرد؟ در اینجا به قضیه‌ی خیلی مهم تبلیغ میرسیم. اگر روزی این طلب‌جویان، فضلاء حوزه‌های علمیه، مبلغین، وعّاظ، مدّاحان و روضه‌خوانان، توانسته‌اند ماجرای عاشورا را مثل حربه‌ی علیه ظلمات متراکم حاکم بر فضای زندگی همه‌ی بشر به کار گیرند و با این تیغ برنده‌ی الهی پرده‌ی ظلمات را بشکافند و خورشید حقیقت را به شکل حاکمیت اسلام، واضح و آشکار کنند. این حقیقت در زمان ما اتفاق افتاده است. چرا نباید متوقّع بود که در هر عصر و زمانی. هر چه هم که تبلیغات دشمن در آن دوره

۱. بیانات در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجّاد(ع) ۱۳۷۱/۴/۲۲

سخت، همه‌گیر و ظلمات «اشد تراکما» باشد. مبلّغین، گویندگان و علمای دین، بتوانند علیه هر باطلی، شمشیر حقّ و ذوالفقار علوی و ولوی را در دست گیرند و از آن استفاده کنند؟!^۱

رحمت الهی؛ موجبات تأثیر نپذیرفتن از دشمن

ما به دل خودمان نگاه میکنیم، به دل مردمان نگاه میکنیم، رحمت الهی را مشاهده میکنیم. وقتی میبینیم عزممان راسخ است، وقتی میبینیم تحریک دشمن ما را متحرک نمیکند، اخم او ما را نمیتراشد، وعده‌ی او ما را به او دلخوش و خوشبین نمیکند، میفهمیم رحمت الهی است؛ خدای متعال پشت سر همه‌ی این عوامل ظاهری و مادی است؛ دست قدرتمند الهی پشت این نظام است و دارد او را به پیش میبرد؛ دارد هدایت میکند. «اللّهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِي الْمَكْتَفُونَ بِفَضْلِ قَوْتِكَ»^۲. در دعای صحیفه‌ی سجّادیه- من توصیه میکنم همه‌ی شما را که با صحیفه‌ی سجّادیه انس پیدا کنید؛ دعا‌های امام سجّاد (علیه السلام) - آمده: همه‌ی کسانی که در دنیا قدرتی دارند، اکتفای ذاتی‌ای دارند، ریزه‌خوار قدرت تو هستند؛ در مشت قدرت تو هستند. «فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْظُنَا وَآمِنَا بِهَيْدَتِي الْمَهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنَا»^۳. اعتماد به خدا، اکتفای به کفایت الهی، پشتگرمی به رحمت و هدایت خدا، مگر میگذارد انسان ناامید شود.^۴

انبیا؛ الگوی ایستادگی در مصاف با دشمن

راز اصلی این است که انبیا از میدان درنرفتند و شکست یکی از آنها، باعث نشد که دیگری به مصاف باطل نرود. همه‌ی انبیا- مگر تعداد

۱. بیانات در دیدار روحانیون و وعظ، در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۴/۳/۳

۲. صحیفه‌ی سجّادیه، دعای پنجم

۳. همان

۴. بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۳

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۴۵

کمی- در زمان حیات خود، از طرف دشمنانشان ضربه خوردند. در عین حال نتیجه‌ی کار این مجموعه‌ای که یا کشته یا سوزانده شدند یا زندان رفتند یا زنده‌زنده ارّه شدند و آن همه از قدرتمندان شکنجه کشیدند؛ این است که امروز دنیا زیر پرچم معارف انبیا علیهم‌السلام است و هر جای دنیا که شما بروید، میبینید که معارف انبیا مطرح است و همه‌ی اخلاقیات خوب و این همه نامهای زیبا، مثل عدالت و صلح و... بخاطر تعلیمات انبیاست. راز همه‌ی اینها، خسته نشدن و از میدان در نرفتن است. در دوران امام حسین علیه‌السلام و آن بخش از تاریخ اسلام که اینقدر فاجعه‌آفرینی شده است؛ این اصل وجود نداشت؛ بخاطر اینکه آنها با هم پیوند و ارتباط نداشتند و زود احساس شکست میکردند و زود خسته میشدند و میدان را خالی میکردند؛ در نتیجه دشمن هم جلو می‌آمد.^۱

برکت و اهمیت اسلام در دفع دشمنان

ایران جای حساسی است؛ سرشار از منابع غنی است؛ سرشار از ثروت است؛ سرشار از ثروت فرهنگی است و موقعیت بسیار مهم سوق‌الجیشی دارد؛ لذا به این آسانی دلشان نمی‌آید که از آن دست بکشند. تلاش میکنند که برگردند و مجدداً سلطه پیدا کنند و همان منافع نامشروع را از این کشور ببرند. پول و عامل نظامی و عامل تبلیغاتی را به کار انداخته‌اند. ملت هم ایستاده است، بسیج هم ایستاده است، نیروهای مؤمن هم ایستاده‌اند، دولت هم ایستاده است، مسئولان هم ایستاده‌اند؛ همه ایستاده‌اند. مگر امروز کسی جرأت میکند بر خلاف نظر این مردم- که اسلام را میخواهند و با دشمن اسلام دشمنند- حرکتی انجام دهد؟ امروز همه‌ی جوانان ما، پیران ما، دانشجویان ما، روحانیون ما، بزرگان ما، کوچکان ما و قشرهای مختلف ما- مگر من شد و ندردی که دل به زندگیهای رنگ و لعابی دروغین غرب بسته باشند- فهمیده‌اند که سعادتشان در این است که اسلام را با بصیرت و با روشنی و

۱. بیانات در جمع فرماندهان، مسئولان و پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و جمعی از جانبازان انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۴/۱۰/۵

خردمندی بفهمند و آن را به‌کار گیرند تا بتوانند از دشمنیها بکاهند، دشمنیها را دفع کنند. این همان بسیج است؛ حقیقت بسیج یعنی این. ارتش بیست میلیونی که امام فرمودند، یعنی این.^۱

الگوگیری از سیاست پیامبر ﷺ در مقابله با دشمن

در ماجرای حرکت پیامبر اکرم ﷺ از مدینه به سمت مکه با چند صد نفر از یاران و اصحاب خود به قصد عمره- در سال ششم از هجرت- حوادثی پیش آمد که از چند جهت موجب طوفانی شدن دل‌های مؤمنان بود. از یک طرف، دشمنان با نیروی مجهزی آنها را محاصره کرده بودند؛ اینها از مدینه دور بودند- حدیبیه نزدیک مکه است- نیروهای دشمن متکی به عقبه‌ی مکه بودند، نیرو داشتند، سلاح داشتند، جمعیت زیاد داشتند؛ این یک طرف قضیه بود که موجب اضطراب میشد، موجب تشویش برای بسیاری از مؤمنین میشد؛ از طرف دیگر، پیغمبر اکرم بر طبق آن سیاست عظیم مکتوم الهی- که بعد برای همه آشکار شد- در مقابل کفاری که آمده بودند در مقابل او، در مواردی کوتاه آمد؛ گفتند اسم «رحمان و رحیم» را، «بسم‌الله»، را از این نوشته حذف کنید، پیغمبر قبول کرد؛ و چند مسأله از این قبیل پیش آمد. این هم دل‌هایی را مشوش کرد، مضطرب کرد، به تردید انداخت.^۲

پیغمبر؛ الگوی مقابله و ایستادگی در برابر دشمن

ام‌سلمه یک شب دید پیامبر نیست؛ رفت دید مشغول دعا کردن است و اشک میریزد و استغفار میکند و عرض میکند: «اللَّهُمَّ لَا تَكْلِنِي إِلَىٰ نَفْسِي طَرَفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»^۳ ام‌سلمه گریه‌اش گرفت. پیامبر از گریه‌ی او برگشت و گفت: اینجا چه میکنی؟ عرض کرد: یا رسول‌الله! تو که خدای متعال

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار ۱۳۷۷/۹/۲

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۳/۲۹

۳. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۴

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۴۷

اینقدر عزیزت میدارد و گناهانت را آمرزیده است. «لیغفر لک الله ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر»^۱ چرا گریه میکنی و میگویی خدایا ما را به خودمان وانگذار؟ فرمود: «و ما یؤمننی»؛ اگر از خدا غافل بشوم، چه چیزی من را نگه خواهد داشت؟ این برای ما درس است. در روز عزّت، در روز ذلّت، در روز سختی، در روز راحتی، در روزی که دشمن انسان را محاصره کرده است، در روزی که دشمن با همه‌ی عظمت، خودش را بر چشم و وجود انسان تحمیل میکند، و در همه‌ی حالات خدا را به یاد داشتن، خدا را فراموش نکردن، به خدا تکیه کردن، از خدا خواستن؛ این، آن درس بزرگ پیامبر به ماست.^۲

چگونگی شکست مسلمانان در جنگ اُحد

گناهان در زندگی انسان، علاوه بر این جنبه‌ی معنوی، عدم موفقیت‌هایی را نیز به بار می‌آورند. بسیاری از میدانهای تحرک بشری وجود دارد که انسان بخاطر گناهایی که از او سرزده است، در آنها ناکام میشود. اینها البته توجیه علمی و فلسفی و روانی هم دارد؛ صرف تعبد یا بیان الفاظ نیست. چطور میشود که گناه، انسان را زمینگیر میکند؟ مثلاً در جنگ اُحد، بخاطر کوتاهی و تقصیر جمعی از مسلمین، پیروزی اوّلیه تبدیل به شکست شد. یعنی مسلمین، اوّل پیروز شدند، ولی بعد کماندارانی که باید در شکاف کوه مینشستند و پشت جبهه را نفوذناپذیر میکردند، به طمع غنیمت، سنگر خودشان را رها کردند و به طرف میدان آمدند و دشمن هم از پشت، آنها را دور زد و با یک شبیخون، حمله‌ای غافلگیرانه کرد و مسلمانان را تار و مار نمود. شکست اُحد، از اینجا به وجود آمد. در سوره‌ی آل عمران، شاید ده، دوازده آیه یا بیشتر، راجع به همین قضیه‌ی شکست است. چون مسلمانان از نظر روحی به شدت متلاطم و ناآرام بودند و این شکست برایشان خیلی سنگین تمام شده بود، آیات قرآن هم آرامش‌شان میداد، هم هدایتشان میکرد و هم به آنها

۱. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۰/۷/۵

تفهیم مینمود که چه شد شما این شکست را متحمل شدید و این حادثه از کجا آمد. بعد به این آیه‌ی شریفه میرسد که میفرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا»^۱ یعنی اینکه دیدید عده‌ای از شما در جنگ احد، پشت به دشمن کردند و تن به شکست دادند، مسأله‌ی اینها از قبل زمینه‌سازی شده بود. اینها اشکال درونی داشتند. شیطان اینها را به کمک کارهایی که قبلاً کرده بودند، به لغزش وادار کرد. یعنی گناهان قبلی، اثرش را در جبهه ظاهر میکند؛ در جبهه‌ی نظامی، در جبهه‌ی سیاسی، در مقابله با دشمن، در کار سازندگی، در کار تعلیم و تربیت، آنجایی که استقامت لازم است، آنجایی که فهم و درک دقیق لازم است، آنجایی که انسان باید مثل فولاد بتواند برد و پیش برود و موانع جلو او را نگیرد. البته گناهایی که توبه‌ی نصوح و استغفار حقیقی از آنها حاصل نشده باشد.^۲

عاشورا؛ مجاهدت در دو جبهه‌ی خارجی و بیرونی

امیرالمؤمنین علیه السلام، شیر میدان نبرد با دشمن است و هنگامی که سخن میگوید آدم انتظار دارد نصف بیشتر سخنان او راجع به جهاد و جنگ و پهلوانی و قهرمانی باشد؛ اما وقتی در روایات و خطبه‌ی نهج‌البلاغه او نگاه میکنیم، مبینیم اغلب سخنان و توصیه‌های آن حضرت راجع به زهد و تقوا و اخلاق و نفی و تحقیر دنیا و گرامی شمردن ارزشهای معنوی و والای بشری است. ماجرای امام حسین علیه السلام، تلفیق این دو بخش است. یعنی آنجایی که هم جهاد با دشمن و هم جهاد با نفس، در اعلی مرتبه‌ی آن تجلی پیدا کرد، ماجرای عاشورا بود. یعنی خدای متعال میداند که این حادثه پیش می‌آید و نمونه‌ی اعلائی باید ارائه شود و آن نمونه‌ی اعلی، الگو قرار گیرد. مثل قهرمانهایی که در کشورها، در یک رشته مطرح میشوند، و فرد قهرمان، مشوق دیگران در آن رشته از ورزش میشود. البته، این یک مثال کوچک برای تقریب به ذهن است. ماجرای عاشورا

۱. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۵۵

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۴۹

عبارت است از یک حرکت عظیم مجاهدت‌آمیز در هر دو جبهه. هم در جبهه‌ی مبارزه با دشمن خارجی و برونی؛ که همان دستگاه خلافت فاسد و دنیاطلبان چسبیده به این دستگاه قدرت بودند و قدرتی را که پیغمبر برای نجات انسانها استخدام کرده بود، آنها برای حرکت در عکس مسیر اسلام و نبی مکرم اسلام ﷺ میخواستند، و هم در جبهه‌ی درونی، که آن روز جامعه به‌طور عموم به سمت همان فساد درونی حرکت کرده بود.^۱

امیرالمؤمنین ﷺ: الگوی قاطعیت در برابر دشمن

انسانی که در راه خدا با دشمن، با موارد غرض‌ورزی، آنچنان سخت و قاطع برخورد میکند؛ اما در مقابل انسانهای مظلوم، انسانهای ضعیف، آنچنان خاکسار است، آنچنان بردبار است که کسی باور نمیکند این امیرالمؤمنین ﷺ است. او ایلی که امیرالمؤمنین ﷺ وارد کوفه شده بودند و مردم آن حضرت را نمیشناختند، رفتار آن حضرت، لباس آن حضرت، مشی آن حضرت، جوری بود که هیچکس تو کوچه و بازار که حضرت راه میرفت، نمیفهمید که امیرالمؤمنین ﷺ به آن عظمت، همین شخصی است که دارد به‌طور معمولی و عادی راه میرود. در مقابل مردم ضعیف، مردم معمولی، این چنین متواضع و بردبار و خاکسار است؛ همان کسی که در مقابل دشمنان غدر، دشمنان گردن‌کلفت، آنچنان قاطع مثل کوه می‌ایستد؛ اینها الگوست.^۲

زینب ﷺ: الگوی ایستادگی در برابر دشمن

بانوی ما، زینب کبری ﷺ، خطاب به سیه‌روترین انسانهای زمان خود فرمود: «کد کیدک، واسع سعیک فوالله لاتمحوها ذکرنا»^۳ امروز ملت ایران و مسئولان این کشور، همان سخن را به دشمنان زورگو و یاوه‌گوی

۱. بیانات در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، به‌مناسبت سوم شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۶
۲. بیانات در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم به‌مناسبت عید سعید غدیر خم

۱۳۸۷/۹/۲۷

۳. لهوف، ص ۱۸۵

جمهوری اسلامی می‌گویند. آنهایی که در موضع مسئولان کشور آمریکا یا هر گوشه‌ی دیگر دنیا، علیه ملت ایران سخنان یاوه می‌گویند و زشتیهای خودشان را به ملت و دولت ایران نسبت می‌دهند، خودشان تروریست و زورگویند. آنان بدکاره و نژادپرستند. آنان از حل کردن ابتدایی‌ترین مشکلات اجتماعی خود، یعنی مسأله‌ی نژاد و سیاه و سفید، عاجزند. امروز همین سخنان را ملت و نظام ایران خطاب به آنها می‌گوید: «کدکدک. واسع سعیک. فوالله لاتمحووا ذکرتنا.» مگر شما می‌توانید کمترین آسیبی به جمهوری اسلامی برسانید؟! شما خواهید مرد. شما خواهید رفت. شما مانند آن امپراتوری دیگر، زایل خواهید شد و پرچم اسلام روزبه‌روز، برافراشته‌تر خواهد شد. ملت ایران و هرکس که متمسک به اسلام است، روزبه‌روز زنده‌تر خواهد شد.^۱

فکر اعتقاد به مهدویت نقطه‌ی مقابل تبلیغات ظالمانه دشمن

امروز دستگاه‌های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکران وابسته به آنها، در سطح عالم اینطور تبلیغ می‌کنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه‌ی کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمانگرایی مبارزه می‌کنند و می‌خواهند ملتها را متقاعد کنند که به همین وضعیّت کنونی ظالمانه‌ی دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی، نقطه‌ی مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی عج این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش می‌دهند که نظم ظالمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ میشود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.^۲

ایمان به خدا؛ مایه‌ی رفع طمع‌ورزی دشمن

ما از اصول خود دست نکشیدیم و همان حرف حقّ قوی را که روز اول زدیم، تا آخر زدیم و به فضل پروردگار تا قطره‌ی خونی در رگها و

۱. بیانات در مراسم صبحگاه «نیروی هوایی» ۱۳۷۴/۹/۲۶

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران ۱۳۸۱/۷/۳۰

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۵۱

نفسی در کالبد داریم، آن را خواهیم گفت. راز ایستادگی و اقتدار این نظام این است که آحاد آن با خدا رابطه‌ی قلبی و اعتقادی و پیوند ولایتی دارند. مردم ایران ثابت کردند که دشمن نمیتواند به آنها طمع ورزد؛ علّتش همین ایمان به خدا و کار برای رضای اوست.^۱

استکبار جهانی در طول این چند وقت، همواره نسبت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، تهدیدهایی صریح و غیرصریح و مستقیم و غیرمستقیم داشته است. ملّتی در مقابل تهدیدهای دشمن، مطلقاً تحت تأثیر قرار نمیگیرد که با خدا ارتباط دارد و خودش را وابسته‌ی به خدا میداند. امروز، مصداق آن به صورت سیاسی و جمعی، نظام جمهوری اسلامی و ملّت مسلمان ایران است. بنابراین، ما از تهدید دشمن به هیچ وجه دچار رعب نمیشویم و از هیچ دشمنی نمیترسیم و از هیچ قدرتی در دنیا هراس نداریم.^۲

آن سلاحی که هیچ دشمن مادی، قادر به مقابله‌ی با آن نیست، سلاح ایمان مخلصانه و عمل مخلصانه است. اخلاص یعنی اینکه انسان، کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه، انجام دهد. انسان برای هوای نفس، برای رسیدن به مال، به ثروت، به مقام، نام نیک، قضاوت تاریخ، برای انگیزه‌های نفسانی، برای اشباع صفت پلید حسد، طمع، حرص، زیاده‌طلبی و افزون‌طلبی کار نکند!^۳

بی‌ایمانی، نقطه ضعف دشمن

برادران عزیز ما این نکته را بدانند که دشمن بخاطر بی‌ایمانی به حقیقت و بخاطر تهیدست بودن از حق، علیرغم تجهیزات ظاهری‌اش،

۱. بیانات در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور ۱۳۶۸/۴/۵

۲. بیانات در دیدار با اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه‌ی جماعت و جامعه‌ی وعظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی،

در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۶۸/۵/۱۱

۳. بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

کاملاً آسیب‌پذیر و ضعیف است. ما این را در طول جنگ تحمیلی و در همین دریاها، بارها و بارها تجربه کرده‌ایم. امروز ما به‌طور آشکار و اعلام شده، جنگی علیه خودمان سراغ نداریم؛ اما تهدیدهایی هست که هوشیاری و آمادگی ما را ایجاب میکند. هرچه می‌توانید، این مانور را قویتر و هماهنگتر انجام بدهید، تا کاراییها بالا برود.^۱

شما در آنجایی که باید طبق تکلیف شرعی عمل کنید، هیچ ملاحظه نکنید که کسی خواهد گفت، برو تند عمل کن، این چه ملاحظه‌ای است که میکنی. ابدأً در میدان جنگ هم وقتی با دشمن طرفید، آنجایی که باید خشونت بکنید، به تکلیف شرعی خود عمل کنید و ملاحظه نکنید که کسی شما را بر تندی ملامت بکند؛ باید حد را بشناسید.^۲

کوتاه شدن دست دشمن، سنت الهی

این، سنت خداست. مال زمان ما هم نیست. در هر زمانی که عده‌ای از مؤمنین به اقامه‌ی دین کمر ببندند، خدا به آنها توفیق خواهد داد. این، وعده‌ی صریح قرآن و سنت لایتغیر الهی است. امروز عده‌ای به اقامه‌ی این دین، برافراشتن پرچم دین و تحکیم احکام و قوانین آن کمر بسته‌اند؛ خدای متعال هم اراده‌اش بر این قرار گرفته است که این خواست را منجز و دست دشمن را کوتاه کند و کوتاه هم خواهد کرد. نگرانی ندارد که کسی در گوشه و کنار، نگران این مسائل باشد. بحمدالله، کشور در حال عزت کامل، در جهت اعتزاز بیشتر و به سمت اهداف الهی، در پیش است. هر کس مشغول انجام وظایف خود است. در این مجموعه، تلاش مقدس و مجاهدت‌آمیز است. مجلس هم، بحمدالله، مشغول است.^۳

سیاستمدارانی که دائماً دم از جدایی دین و سیاست می‌زنند و کسانی

۱. بیانات در میدان صبحگاه ناوگان منطقه‌ی یکم نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران
۱۳۶۹/۹/۲۴

۲. بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۹/۱۰/۱۰

۳. بیانات در دیدار «نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی» ۱۳۷۴/۳/۸

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۵۳

از مدعیان دینداری که به کمک آنان شتافته و همین سخن را تکرار میکنند، آیا هرگز در آیات قرآن و تاریخ اسلام و احکام شریعت اندیشیده‌اند؟ آیا فکر کرده‌اند که اگر دین جدا از سیاست است، پس چرا قرآن همه‌ی امور سیاسی را، یعنی حکومت را، قانون را، صف‌بندی‌های زندگی را، جنگ و صلح را، تعیین دوست و دشمن را و دیگر مظاهر سیاست را، همه و همه را به خدا و دین خدا و اولیای خدا مرتبط میکند؟ همه‌ی ما در مقابل اسلام و انقلاب و دین و قرآن، مسئول و مدیون و بدهکاریم، که باید این بدهکاری را ادا کنیم. امروز بحمدالله در سطح عالم، نظام جمهوری اسلامی بعنوان یک نظام مستحکم و تثبیت‌شده و کاملاً جاافتاده معرفی شده و دشمن را دچار حیرت کرده است. این، به برکت ایمان قوی مردم و مخصوصاً وفاداری عموم قشرهای ملت نسبت به امام و انقلاب است.^۱

مسدود بودن راه دشمن با حاکمیت دین

در اول انقلاب، دو جریان در مقابل هم قرار گرفتند؛ یک جریان، جریان انقلاب و دین و حاکمیت قرآنی و اسلامی و مبانی دینی و ارزشهای دینی بود. که امام علیه السلام و قاطبه‌ی ملت این راه را دنبال میکردند. یک جریان هم جریانی بود که به حاکمیت دین خدا در این کشور راضی نبود. البته بعضی از اینها مردمانی بودند که انگیزه‌شان ضدیت با اصل دین بود. بعضی دیگر هم انگیزه‌شان حمایت از حضور آمریکا و قدرتهای بیگانه بود؛ اما به خودی خود با دین کاری نداشتند. بعضیشان علی‌الظاهر متدین هم بودند، ولی میدانستند که وقتی نظام و دولتی براساس دین و مبانی دینی بر سر کار باشد، دخالت قدرتهای مستکبر و بیگانه امکان‌پذیر نیست؛ این را خوب میفهمیدند. لذا به جای اینکه در این مسأله و آن مسأله با نظام مباحثه و مجادله کنند، اصل قضیه را مورد سؤال قرار میدادند: چرا باید دین در مسائل جامعه دخالت کند؟ چرا باید متولیان امور دینی- یعنی علمای دین- اصلاً کاری به کار جامعه داشته

۱. پیام به حجّاج بیت‌الله الحرام ۱۳۶۸/۴/۱۴

باشند؟ چرا باید فقه اسلام که امور زندگی مردم- اعم از دنیا و آخرت- را براساس حکم الهی معین میکند، در قانون و جعل قانون و انتخاب مسئول و امثال اینها دخالت داشته باشد؟ بنابراین، بنا کردند با اصل دین مقابله کردن. میدانستند که تا دین و حاکمیت دینی هست، از هیچ طرف راهی برای دشمن وجود ندارد. البته من خواهش میکنم که متفکران و صاحب‌نظران جامعه، این حرف را درست بشکافند که چرا وقتی دین هست، دشمن نمیتواند بیاید؟ یکی بخاطر خود احکام دینی و خود آیات قرآنی و خود قوای نظام اسلامی است که اصلاً اجازه‌ی دخالت به مستکبر و ظالم و توطئه‌گر و غارتگر را نمیدهد؛ جهت دیگر این است که حالا دولتی که معتقد است نباید به بیگانگان اجازه‌ی ورود داد، با چه ابزاری میخواهد هدف خود را محقق کند؛ جز با ابزار مردم و اراده‌های مردم؟ فقط در حاکمیت دینی است که اراده‌ی مردم، همراه با عشق، با شور، با ارادت و با اخلاص، همه‌ی وجود آنها را در مقابله‌ی با دشمن بسیج میکند. در غیر نظام دینی، چنین چیزی ممکن نیست. این نکته‌ی خیلی مهمی است. راه اینکه پشتیبانی مردم را از یک نظام جدا کنند، این است که اعتقادات آنها را در دفاعشان دخالت ندهند؛ بین حضور و اراده و اعتقادات آنها- آن هم اعتقادات دینی- انفکاک ایجاد کنند؛ که میدانید فرق اعتقاد دینی با اعتقاد حزبی و سیاسی این است که اعتقاد دینی، ایمان است و در آن، عشق و شور هست. به‌هرحال، اینها با اصل دین مقابله میکردند.^۱

اگر دشمن ملاحظه کند که در کشور ما یک گروه مؤمن، متعهد، منسجم، همدل و کارآمد بر سر کار هستند، ناامید میشود و انگیزه‌ی او برای دشمنی کم خواهد شد. کسانی که تفرقه‌ی بین مسئولان را تشویق میکنند، بفهمند چه کار میکنند. امروز سیاست دشمنان کشور این است که بین مسئولان اختلاف بیندازند. ما از گروه‌هایی که یک سرشان در داخل است، یک سرشان در خارج، خبرهای ویژه داریم. برنامه‌ی عمده‌ی

۱. بیانات در دیدار مسئولان قوه‌ی قضاییه و خانواده‌های معظم شهدای هفتم تیر ۱۳۷۸/۴/۷

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۵۵

اینها این است که بین مسئولان کشور، با عنوانهای چپ، راست و عناوین دیگر، اختلاف بیندازند. مردم وحدت مسئولان را میخواهند. مردم هر جا ببینند مسئولان با هم هستند و همدل و همزبانند و یکدیگر را تخریب نمیکنند، خوشحال و امیدوار میشوند؛ اما دشمن بعکس، ناامید میشود.^۱

فضیلت جهاد در برابر دشمن

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداقهای بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده میشود، «فرهنگ رزمندگی و جهاد» است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هر گونه تلاش در مقابله با دشمن، میتواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده میشود؛ یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر میشود و یک وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق میگردد. البته جهاد، با عنوانهای دیگر و در میدانهای دیگر هم هست. پس، شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش اینکه، در مقابل دشمن صورت گیرد.^۲

جهاد اقتصادی، یعنی عقیم کردن تلاش دشمن

توسعه‌ی تحریمها و تنوع تحریمها در سالهای اخیر بیشتر بوده، لیکن در مقابل توسعه و تنوع فعالیت‌های سازنده در کشور، کوچک و ناچیز است. سی سال پیش که تحریمها را علیه ما شروع کردند، آن تحریمها

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۸/۸

۲. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) ۱۳۷۵/۳/۲۰

ممکن بود علیه ما کارگرت‌تر واقع بشود تا تحریمهایی که امروز علیه ما دارند تصویب و اجرا میکنند و همینطور هی وعده هم میدهند که بیشترش خواهیم کرد. این معنایش این است که ما در مقابل تحریمها تدریجاً یک حالت ضدضربه پیدا کردیم؛ میتوانیم به شکلهای مختلف با تحریمها مقابله کنیم: یا با دور زدن تحریمها- که شگرد خوب و جالب و ظریفی است و خوب است که دولت و ملت این شگرد را به کار ببرند- یا از جهت رو آوردن به ظرفیتهای درونی‌ای که کار بنیادی و زیربنایی است و حتماً باید انجام بگیرد و تا حالا هم انجام گرفته. پس هدف دشمن، زمین زدن جمهوری اسلامی است؛ یعنی زمین زدن ایران اسلامی؛ یعنی زمین زدن ملتی که با حضور خود، با پشتیبانی خود، با حمایت خود، این نظام را تا امروز پیش برده و رشد داده و رونق داده. بنابراین، بایستی در مقابلش مجهز بود. جبهه‌ی مقابل را باید شناخت، ابزار و سلاح او را باید شناخت و ضد آن سلاح را باید آماده کرد؛ این جهاد اقتصادی میخواید. جهاد یعنی چه؟ هر تحرکی اسمش جهاد نیست. تحرکی با خصوصیات اسمش جهاد است. یکی از خصوصیات این تحرک که اسمش جهاد است، این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است؛ یعنی بداند در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض‌آلودی است که دارد انجام میگیرد. حرکتی که در مقابل یک چنین جهتگیری خصمانه وجود دارد، یکی از شرایط اصلی جهاد است. جهت دومی که در مفهوم جهاد حتماً بایستی ملاحظه بشود، استمرار و همه‌جانبگی است، هوشمندانه بودن است، مخلصانه بودن است. اینجور تحرکی اسمش جهاد است. بنابراین، جهاد اقتصادی یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه‌ی هدفدار ملت ایران با نیت خنثی‌کردن و عقیم کردن تلاش خصم‌آلود و غرض‌آلود دشمن.^۱

جهاد فکری عاملی برای مقابله با دشمن

یکی از جهادها، «جهاد فکری» است. چون دشمن ممکن است ما را

۱. بیانات در دیدار فعالان و برگزیدگان بخشهای اقتصادی ۱۳۹۰/۵/۲۶

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۵۷

غافل کند، فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند؛ هر کس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوءفهمی شود، از آنجا که در مقابله با دشمن است، تلاشش «جهاد» نامیده میشود. آن هم جهادی که شاید امروز، مهم محسوب میشود. پس، کشور ما امروز کانون جهاد است و از این جهت هیچ نگرانی‌ای هم نداریم.^۱

اگر دشمن با امواج خبری وارد کشور ما شود؛ با رادیوهایش وارد کشور ما شود و حرفهایش را وارد کشور ما کند و در ذهن ملت اینطور وارد کند که «مبارزه خوب نیست؛ دفاع از اسلام فایده‌ای ندارد؛ ایستادگی در مقابل دشمن ثمری ندارد؛ هر چه زحمت بکشید و مبارزه کنید، ضرر کرده‌اید» آیا باز هم در مملکت ایران، مبارزه‌ای علیه دشمنان اسلام باقی خواهد بود؟! معلوم است که نه! خیلی از مسلمانان در دنیا هستند که با آمریکا و دشمنان اسلام مبارزه نمیکنند. خیلی ملتها هستند که قرآن هم میخوانند، نماز هم میخوانند، عبادت هم میکنند، اما با دشمن اسلام مبارزه نمیکنند که هیچ، با آنها دوستی هم میکنند! اگر دشمن بتواند ملت ما را به ملتی که اعتقادی به مبارزه ندارد، امیدی به پیروزی ندارد، زهدی نسبت به جلوه‌های شهوانی و مادی ندارد، تبدیل کند، پیروز شده است. اینجاست که مبارزه‌ی فرهنگی، مبارزه‌ای واجبتر از واجب میشود.^۲

ایستادگی در برابر تعرض و کید دشمن

مقصود از مبارزه این است که ملت ایران، در مقابل کید و تعرض و دست‌اندازی و تلاشهای سیاسی دشمن و انواع و اقسام کارهایی که میکند تا دوباره کشور ایران را به یکی از اقمار خود تبدیل نماید، با

۱. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) ۱۳۷۵/۳/۲۰

۲. بیانات در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»

شدت و قدرت خواهد ایستاد و مقاومت خواهد کرد. مبارزه، یعنی این. مبارزه با استکبار، یعنی هر جا که در سطح جهان، دستمان برسد، نسبت به استکبار، افشاگری خواهیم کرد. هر جایی که مظلومی، از ظلم استکبار دچار آسیب است و به جان آمده، ما هر طور بتوانیم، طرف آن مظلوم را خواهیم گرفت.^۱

لزوم شوق مؤمن در جهاد با دشمن

در دوران اختناق و مبارزه، بعضی که آنگونه مبارزات را قبول نداشتند یا نمیفهمیدند- افرادی که معرفت سیاسی‌شان کم بود و نمیفهمیدند که چرا باید مبارزه و جهاد کرد- اما آدمهای مؤمنی بودند، میگفتند: «ای کاش وسیله‌ای فراهم شود، تا ما برویم در جایی که دشمن خدا هست، شمشیر بزنیم. در جبهه‌ها و سنگرها بجنگیم و از فضیلت جهاد برخوردار شویم.» دلشان به سوی چنان حالتی پرواز میکرد. جهاد در اختیار هرکس قرار نمیگیرد! جهاد با دشمن و در میدان خطر، در اختیار هر کس قرار نمیگیرد!^۲

جوانان عزیز! عزیزان نورانی! خدا را شکر میکنیم که دولت قدر شما را میداند؛ ملت قدر شما را میداند؛ مسئولان کشور قدر شما را میداند؛ رئیس‌جمهور قدر شما را میداند؛ مجلس قدر شما را میداند. خدا را شکر میکنیم که پرچم عزت و جهاد و ایثاری که با دست شما جوانان در این کشور به اهتزاز درآمد، امروز هم در دست جوانان است؛ جوانان مؤمن، جوانان پاک و نورانی در میدانهای مختلف. اگر روحیه‌ی جهاد و مقاومت در مقابل دشمنیهای دشمن باشد، این جوان هر جا هست- در پادگان، در دانشگاه، در حوزه‌ی علمیه، در بازار، در کارخانه، در محیط‌های گوناگون- «مجاهد فی سبیل‌الله» است؛ پاسدار ارزشها و پاسدار دین است و این امروز بحمدالله وجود دارد. این را قدر بدانید.^۳

۱. بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۸/۹

۲. بیانات در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف «سپاه پاسداران» ۱۳۷۳/۶/۲۹

۳. بیانات در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهداء(ع) ۱۳۷۷/۷/۲۶

تهدیدها نشان‌دهنده‌ی عجز دشمن

تهدید، همیشه به معنای اقدام نیست. یکی از فواید تهدید این است که بلکه بتوانند طرف مقابل را مرعوب و از میدان خارج و وادار به تسلیم کنند یا بتوانند در صف یکپارچه مسئولان، یا در صف مسئولان و مردم، یا در دل مردم ایجاد تردید کنند.^۱

مرتّباً تهدید میکنند؛ تهدید به این زبان: همه‌ی گزینه‌ها روی میز است! یعنی حتی گزینه‌ی جنگ. این، تهدید به جنگ است با این زبان. خوب، این تهدید به جنگ، به ضرر آمریکا است؛ خود جنگ، ده برابر به ضرر آمریکا است. چرا این تهدیدها به ضرر آمریکا است؟ بخاطر اینکه خود این تهدیدها نشان‌دهنده‌ی عجز آمریکا از مقابله‌ی منطقی و مقابله‌ی گفتمانی است؛ یک گفتمانی در مقابل گفتمان جمهوری اسلامی ندارند؛ نمیتوانند در میدان مقابله‌ی فکری و منطقی، برای خودشان غلبه‌ای ایجاد کنند؛ مجبور میشوند توسّل به زور و تشبّث به زور بکنند. این معنایش این است که آمریکا جز زور، هیچ منطقی ندارد؛ جز خونریزی، هیچ راهی برای پیشبرد خود ندارد. این، اعتبار آمریکا را بیش از آنچه تاکنون شکسته است، در چشم ملت‌ها و در چشم ملت خودش خواهد شکست؛ این همان چیزی است که سرنوشت رژیم‌ها را معین میکند. آن رژیم‌ها، آن نظامی که اعتبارش در چشم مردم خودش بشکند، سرنوشتش معلوم است؛ مثل رژیم شوروی سابق. اتفاقاً بعضی از صاحب‌نظران غربی همین چند روز قبل گفتند که امروز وضع آمریکا و غرب شبیه وضع شوروی سابق در سال‌های اواخر دهه‌ی ۸۰ میلادی است که منجر به سقوط شد. یعنی وقتی یک رژیم‌ها، یک نظامی از لحاظ گفتمان، از لحاظ منطق، در چشم مردم خودش ساقط بشود، دیگر امیدی به بقای این رژیم نیست. لذا هرچه تهدید کنند، به ضررشان است. البته آنها و دیگران بدانند. میدانند هم. که ما هم در برابر تهدید به جنگ و تهدید به تحریم نفتی،

۱. بیانات در پایان درس خارج فقه ۱۳۸۰/۱۱/۲۱

تهدیدهایی داریم که در وقت خودش، آن وقتی که لازم باشد، ان‌شاء‌الله اعمال خواهد شد.^۱

بی‌اعتنایی ملت به تهدیدات دشمن

تهدید دشمن، یک چیز قهری و طبیعی است. هر ملتی بخواهد مستقل زندگی کند و تحت سیطره‌ی قدرتهای بین‌المللی نباشد، با احم و تهدید و زبان خشن و تیز آنها روبه‌رو خواهد شد. ملت ما به این تهدیدها عادت کرده است. بیست‌وشش سال است که جهانخواران و جهانگشایان بین‌المللی و در رأس آنها دولت آمریکا با زبان تهدید با ملت ایران صحبت میکنند و روبه‌رو میشوند. گوش ملت ایران به شنیدن این تهدیدها عادت کرده است. ملت ایران با بی‌اعتنایی به تهدید دشمن، راه خود را ادامه داده است. امروز نظام جمهوری اسلامی و دولت برخاسته‌ی از انقلاب، تواناییهایش با آن روزی که این راه را آغاز کرد، زمین تا آسمان تفاوت کرده. امروز ملت ایران قویتر است و تواناییهای او در زمینه‌های علمی، اقتصادی، تسلیحاتی و غیره به مراتب بالاتر است. این تهدیدها هم وجود دارد.^۲

فشار دشمن بخاطر درستی راه ما

یک وقت در جریانی، امام بزرگوار^{علیه‌السلام} میفرمودند که وقتی دشمن از انسان تعریف کند و دشمنی نکند، انسان در خودش شک میکند. وقتی بدگویی میکند و فشار می‌آورد، انسان خوشحال میشود و اطمینان پیدا میکند که راه درست است. اینکه دشمن فشار می‌آورد و الآن هم با کمال شدت فشار می‌آورد، بخاطر درستی راه است. این حکومت - که راهش درست است و برای مصلحت مردم و در خدمت آنهاست - حکومت حق است. ملاک حق و باطل، در اینجا معلوم میشود.^۳

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

۲. بیانات در صحن جامع رضوی ۱۳۸۴/۱/۱

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مسئولان و کارکنان نهادها و سازمانهای خدماتی و حمایت‌کننده از مستضعفان و محرومان ۱۳۶۸/۷/۱۲

مذمت عقب‌نشینی در برابر دشمن

هرکس و هر گروهی که در میان این ملت تلاش بیشتری کرده است، در افتخارات و پیروزیها سهم بیشتری دارد. اگر ملتی از عزت و شرف خود دفاع نکند و از هدفهای خود دست بکشد و از گردن‌کلفت‌های عالم بترسد و حرف خود را پس بگیرد و در میدان مواجهه با دشمن عقب‌نشینی کند، سرنوشتش چیز دیگری خواهد بود و نتایجی که برای او حاصل میشود، غیر از آن چیزی میباشد که امروز برای ملت ایران پدید آمده است.^۱

دشمنان ما، عملاً نشان دادند که قادر نیستند به صورت جدی و قاطع به ما ضربه بزنند؛ بخاطر اینکه در این ده سال، هر کاری که میتوانستند، کردند و ما امروز بحمدالله از همیشه قویتر و پابرجاتر و در بین خود، امیدوارتریم. امروز، آینده برای ما از همیشه روشتر است. ما از دشمن نمیترسیم و دشمن هم قادر به ضربه زدن به ما نیست؛ اما همه‌ی اینها مشروط به حفظ هوشیاری و حضور آحاد مردم در صحنه است. اینطور نباشد که مردم احساس کنند که حالا دیگر بحمدالله کارها تمام شد و هر کسی سراغ کار خود برود. نه، صحنه را نباید خالی کرد. ملت، نباید حمایت از نظام و مسئولان و مجریان و مدیران کشور را، یک لحظه فراموش کند. البته، مسئولان و مدیران هم، در قبال این ملت وظایف زیادی دارند که بیان و ذکرش، جای خود را دارد و مسلم است.^۲

راه موفقیت این است که در مقابل دشمن، انسان یک قدم هم عقب‌نشینی نکند؛ و الا یک قدم عقب‌نشینی در مقابل دشمن، موجب تشجیع دشمن در چنگ انداختن و دست انداختن میشود. جمهوری اسلامی این افتخار را دارد که در طول این سی و دو سال، یک قدم در مقابل دشمن عقب‌نشینی نکرد. با اینکه فشار زیاد بود؛ فشار نظامی بود،

۱. بیانات در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم استان اصفهان ۱۳۶۸/۴/۲۵

۲. بیانات در دیدار با اعضای جامعه‌ی روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و انجمن جماعت و جامعه‌ی وعاظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی،

در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۶۸/۵/۱۱

فشار امنیتی بود، فشار تحریم بود، فشارهای سیاسی بود، فشارهای تبلیغاتی بود، ولی ما عقب‌نشینی نکردیم. و من به شما عرض بکنم؛ عزیزان من! برادران! خواهران! جوانان آگاه و روشنفکر این منطقه! بدانید ملت ایران و مسئولین کشور بعد از این هم در مقابل باج‌خواهی و فشار دشمنان، یک قدم عقب‌نشینی نخواهند کرد.^۱

وقتی دشمن روی یک نقطه متمرکز شد، ملت هم ایستادگی کرد. در این نقطه‌ای که دشمن روی او تمرکز پیدا کرده است، اگر ملت عقب‌نشینی کند، اگر مسئولین عقب‌نشینی کنند و از این حق قطعی و روشن صرف‌نظر کنند، بدون تردید راه برای دست‌اندازی به حقوق ملی برای دشمن باز خواهد شد.^۲

علت عقب‌نشینی دشمن؛ اقتدار ملت

آن چیزی که ابرقدرتها را در مقابل ملت ایران مرعوب کرده است، درجه‌ی اول وحدت کلمه بود. وقتی در میان ملتی وحدت کلمه باشد، قدرت آنها چند برابر میشود. اگر دشمن در مقابل خود ملت مقتدری را مشاهده کرد، مجبور به عقب‌نشینی خواهد شد. علت عقب‌نشینیهای مکرر دشمن در طول مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب هم همین بود.^۳

گمان نکنیم که اگر ما ضعیف باشیم، دشمن ترحم خواهد کرد. آن چیزی که مردم مادی را که معنویات و ارزشها برایشان مطرح نیست، میترساند، قدرت است. برای دولتهای گردن‌کلفت و مقتدر و زورگوی عالم، هیچ ارزش انسانی و اخلاقی مطرح نیست. آن چیزی که از آن وا همه دارند، قدرت است. قدرتهای بزرگ مادی دنیا هم احتیاط میکنند.^۴

۱. بیانات در دیدار مردم پاوه ۱۳۹۰/۷/۲۵

۲. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴

۳. بیانات در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و مردم استان زنجان و شهرهای نهاوند، کاشمر، بجنورد، اسفراین، طرقبه و چناران، اقلید، بم، ملایر و دهبید فارس ۱۳۶۸/۴/۱۵

۴. همان

عقب‌نشینی دشمن در برابر مجد و عظمت امت اسلام

ما تواناییهای خودمان را دست‌کم نگیریم. از بزرگترین آفتهایی که فرهنگ غربی بر کشورهای اسلامی وارد کرد، دو تصور غلط و انحرافی بود: یکی تلقین و تزریق ناتوانی ملت‌های مسلمان؛ باوراندند که از شما کاری بر نمی‌آید؛ نه در میدان سیاست، نه در میدان اقتصاد، نه در میدان علم؛ گفتند شما ضعیف هستید. ما کشورهای اسلامی دهها سال طولانی در این باور غلط باقی ماندیم و عقب ماندیم. تلقین دوم و باور دومی که به ما تزریق کردند، بی‌نهایت بودن و غیرقابل شکست بودن قدرت دشمنان ماست. اینجور تفهیم کردند که آمریکا را که نمیشود شکست داد، غرب را که نمیشود به عقب‌نشینی وادار کرد؛ مجبوریم در مقابل اینها تحمل کنیم. امروز برای ملت‌های مسلمان عینی شده است که این هر دو باور، غلط اندر غلط است. ملت‌های مسلمان میتوانند پیش بروند؛ میتوانند مجد و عظمت اسلامی را که یک روز در اوج افتخار و در قله‌ی درخشندگی علمی و سیاسی و اجتماعی قرار داشتند، تجدید کنند و دشمن مجبور است در میدانهای متعددی عقب‌نشینی کند.^۱

عدم تسلیم در قاموس فرهنگ و تاریخ ما

موضع ما چیست؟ ما از هیچ جنگی استقبال نمیکنیم؛ این را همه بدانند. این موضع متحد و یکپارچه همه‌ی مسئولان نظام است؛ اجتناب از جنگ را وظیفه خودمان میدانیم. معتقدیم رویکرد کنونی آمریکا، منطقه و دنیا را به بی‌ثباتی میکشد. درعین حال معتقدیم که آمریکا در برآورد تواناییهای خودش دچار مبالغه است. همه‌ی عناصر لازم برای آنچه آنها میخواهند به دست بیاورند، موشک و اتم نیست؛ خیلی چیزهای دیگر لازم است که آنها ندارند. در مورد تواناییهای ملت بزرگ، منطقه‌ی حساس و مسئولان هوشیار ما هم دچار غفلتند. ما تواناییهای انسانی داریم، تواناییهای جغرافیایی داریم. منطقه‌ی ما، منطقه‌ی بسیار حساسی است. بی‌ثباتی در این منطقه، دنیا را بی‌ثبات میکند. اینها حقایق بسیار

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

مهمی است که باید به آن توجه داشته باشیم. جمهوری اسلامی ایران هم «طالبان» نیست که بند نافش به یک کشور بیگانه وصل بود، لذا وقتی که بند ناف را قطع کردند، به خودی خود از بین رفت. جمهوری اسلامی کشوری بزرگ، با مردمی بزرگ، با امکاناتی فراوان، با سرزندگی و نشاط فراوان، با عقبه‌ی طولانی در همه‌ی دنیای اسلام و با قدرت بازدارندگی بسیار بالاست. جمهوری اسلامی قابل مقایسه با جاهای دیگر نیست.

ما ضعیف نیستیم، قوی هستیم، عزیز هستیم، سربلند هستیم. نه ملت ما، نه دولت ما، نه تاریخ ما و نه فرهنگ ما اجازه‌ی تسلیم در مقابل هیچ دشمنی را نمی‌دهد و این ملت به‌هیچ‌وجه تسلیم نخواهد شد. موضع ما پای فشردن بر حق و به کار گرفتن عقل و حزم و تدبیر است و تنها راه حفظ کشور را همین میدانیم. باید مواضع برحق خودمان را حفظ کنیم و باید عقل و تدبیر و حزم را در همه‌ی مراحل به کار بندیم. در این دوره نخبگان و وظایف سنگینی دارند و این دوره، دوره‌ی آزمایش مهمی است: روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید

حاليا چشم جهانی نگران من و توست

چشم تاریخی، نگران من و توست. امروز شما صحنه‌گردانان و قهرمانان و کارگردانان اصلی یکی از مقاطع مهم تاریخ کشور هستید؛ باید حواستان را خوب جمع کنید.^۱

توانایی غلبه‌ی نظام اسلامی بر تهدیدات دشمن

نقطه‌ی مثبت و نقطه‌ی قوت نظام این است که نظام ثابت کرده است که توانایی غلبه‌ی بر تهدیدها را دارد؛ این خیلی چیز مهمی است. ما در طول این سی و دو سال تهدیدهای فراوانی داشتیم. تهدید سیاسی، تهدید امنیتی، تهدید نظامی، تهدید اقتصادی. لازمه‌ی این تهدیدها این بوده است که نظام ضربه بخورد. البته آنها میخواستند نظام را ساقط کنند. حالا این، دور از دسترسشان بود. لاقط نظام را عقب نگه دارند، کشور را عقب نگه دارند. نظام بر همه‌ی این تهدیدها غلبه پیدا کرده است؛ یک

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۶۵

نمونه‌اش جنگ تحمیلی بود، یک نمونه‌اش حرکات آمریکاییها بود، یک نمونه‌اش تحریمهای گوناگون بود. بعضی از اینها مستقیماً از طرف بیگانگان بود؛ مثل تحریمها. تحریمها سالهای متمادی وجود داشته است، اما سالهای اخیر شدت پیدا کرده؛ خودشان گفتند تحریم فلج کننده. چه به کمک سازمان ملل- که در اختیار خودشان بود- و چه مستقلاً، این تحریمها را تحمیل کردند. اینها مربوط به بیگانگان بود، که مستقیماً آنها دخالت داشتند. تهدیدهایی هم بود که زمینه‌های داخلی داشت؛ اگرچه دشمن هم می‌توانست از آنها استفاده کند؛ مثل مسأله‌ی قومیتها در کشور. نظام بر همه‌ی اینها غلبه کرد. امروز قومیتهای گوناگون کشور ما، همه برادروار در کنار هم دارند زندگی میکنند؛ احساس اتصال به نظام و دلبستگی به نظام در همه‌ی آنها محسوس و مشهود است. به نظر من این یکی از مهمترین نقطه قوتهاست. ما در محاسبه‌ی نقاط قوت نظام باید این را در نظر بگیریم. نظامی تنها، بدون پشتیبان بین‌المللی، با دشمنی قدرتمندترین قدرتمندان مادی جهانی، در طول سی و دو سال با تهدیدهای متوالی و پی‌درپی مواجه بوده، اما بر همه‌ی این تهدیدها فائق آمده؛ این خیلی نقطه‌ی مهمی است. به نظر من نقطه‌ی قوت درجه‌ی اول نظام این است.^۱

ملت ما باید قدرت و عظمتی را که در سایه‌ی اسلام و وحدت و مجاهدت به دست آورده، حفظ کند و بر آن بیفزاید. کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن غدار، این سرمایه را که با بیشترین فداکاریها به دست آمده، بر باد خواهد داد و دشمن مستکبر را جریترا از پیش خواهد کرد.^۲

آن نظامی که به نام اسلام و به نام قرآن است، ولی در مقابل دشمنان خدا تسلیم میشود، دیگر جمهوری اسلامی نیست؛ جمهوری اسلامی

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰/۵/۱۶

۲. پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۶۹/۸/۱۳

آمریکایی است، مکتب قرآن و راه انبیا نیست. آن چیزی که در راهش، جوانیها از بین رفت، جانهای طیب و طاهر از تنها خارج گردید، خونها ریخته شد، برایش زحمتها کشیده شد، این دیگر آن نخواهد بود. چهره‌ی جمهوری اسلامی نسبت به دشمنان خدا و متعرضان به حریم ملتها و شرف انسانیّت و استقلال ملتها، چهره‌ی متعرض و عدم تسلیم است. ما بی‌اعتماد و مخالف و معارض بودیم و هستیم و خواهیم بود. سیاست جمهوری اسلامی و دیپلماسی ما، بر این پایه است.^۱

عدم تسلیم در مقابل زیاده‌خواهی دشمن

خوشبختانه مسئولین کشور عزّت مآلی را کاملاً در نظر دارند و میدانند که در مقابل زیاده‌خواهی دشمنان، راه نجات تسلیم شدن و عقب‌نشینی کردن نیست؛ اگر دشمن زورگویی و زورگیری میکند، باید در مقابل دشمن ایستاد و پیشرفت کرد. علاج ملت ایران در کسب اقتدار است؛ این اقتدار فقط به معنای اقتدار نظامی نیست؛ باید اقتدار علمی، اقتدار اقتصادی، به دست آوردن قدرت اخلاقی و اجتماعی و بالاتر از همه‌ی اینها اقتدار معنوی و روحی- که از اتکال به خداوند متعال برای یک ملت حاصل میشود- هم کسب کنیم.^۲

آنچه دشمن باید بداند، این است که با تشر زدن و به کار بردن ادبیات زورمدارانه و قلدرمآبانه نمیتواند ملت ایران را وادار به تسلیم کند. آن چیزی که برای ملت ما روشن و مسلم است، این است که هر گونه سلطه‌ی خارجی در این کشور، سعادت دین و دنیای او را تهدید و ذلت و تحقیر را بر او تحمیل خواهد کرد. امروز آمریکا نه فقط با ما، بلکه با دنیا با ادبیات قلدرمآبانه حرف میزند و برای گسترش نفوذ و سلطه‌ی خود در دنیا، صحبت از جنگ میکند. هر ملت و دولتی که مرعوب این

۱. بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران

۱۳۶۹/۵/۱

۲. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۷ ۱۳۸۷/۱/۱

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۶۷

ادبیات و این نحوه‌ی برخورد شود و تسلیم گردد، قطعاً گور خود را کنده و به ضرر خود اقدام کرده است.^۱

نرمش نشان دادن یعنی تیز کردن آتش دشمن

ما امروز به معنای حقیقی کلمه در دنیا دشمن داریم. آیا میتوانیم دشمن را از دشمنی منصرف کنیم؟ این یک سؤال است. آیا میتوانیم با دشمن مقابله کنیم؟ این هم سؤال دیگری است. پاسخ به این سؤالها را باید داد. هر انسان صاحب آگاهی از مسائل سیاسی عالم، میتواند پاسخ این سؤالها را با تأملی نه چندان دشوار پیدا کند.

سؤال دوم مطرح میشود: آیا امکان رفع این دشمنی هست یا نه؟ این سؤال مهمی است. اگر انسان بتواند یک دشمن را - هرچه هم بدخواه و بددل - از دشمنی منصرف کند، این یک پیروزی است. آیا امکان رفع این دشمنی هست یا نه؟ اینکه بعضی بردارند طبق میل دل کارشناسان سیای آمریکا، دم از نزدیکی و مذاکره و ارتباط بزنند و فضا را عادیسازی کنند، این بزرگترین توهین و خیانت به این مردم است. اگر قرار است سخن از رفع دشمنی دشمنان سوگند خورده بر زبان آورد، باید آن روزی باشد که این کشور از لحاظ اقتصادی پایه‌های خودش را مستحکم کرده باشد؛ محرومیتها را رفع کرده باشد؛ این نسبت بیکاری را از بین برده باشد؛ آینده‌ی جوانها را روشن کرده باشد؛ جوان تحصیلکرده و فارغ‌التحصیل دغدغهی معاش و دغدغهی کار نداشته باشد؛ از لحاظ مسائل فرهنگی این کشور بتواند هنرمندانی تربیت کند که بر طبق منافع و مصالح ملی، سینمای کشور را اداره کنند؛ هنر کشور را اداره کنند؛ مطبوعات کشور را اداره کنند. اگر اینطور شد، آن وقت نوبت این خواهد رسید که برای رفع دشمنی فکر کنیم؛ ولاً در غیر آن صورت، هرگونه نزدیک شدن به دشمن، هرگونه نرمش نشان دادن در مقابل دشمن، تیز کردن آتش دشمنی و ستمگری دشمن است.

سؤال سوم؛ آیا اکنون که ما با چنین دشمنانی در این سطح مواجهیم،

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (ره) ۱۳۸۱/۳/۱۴

امکان دفاع از خود، یا ضربه به دشمن، یا جلوگیری از ضربه‌ی دشمن را داریم یا نه؟ این هم سؤال مهمی است. پاسخ من این است که آری، داریم. نه اینکه بخواهم شعار بدهم. امروز در میان کشورهای خلیج فارس، این منطقه می‌شناسم- کشورهای خاورمیانه، کشورهای خلیج فارس، کشورهای شرق آسیا، کشورهای آسیای میانه و تازه استقلال یافته- هیچ کشوری جز ایران این توان را ندارد. البته کشورهای بزرگی هم هستند که آنها هم به دلایل دیگری این توانایی را دارند؛ اما دلایل ما ویژه‌ی خود ماست؛ ما کاملاً این امکان را داریم.^۱

عدم انفعال در برابر دشمن

در مقابل دشمنان خدا؛ یعنی استقامت، ایستادگی مطلق، از دشمن نترسیدن، از دشمن حساب نبردن، در مقابل دشمن به انفعال دچار نشدن. این خیلی مهم است که انسان در مقابل دشمن، دچار انفعال نشود. تمام سعی امروز دنیای مادی مستکبر- یعنی همین دولتهای استکباری که زمام مسائل اقتصاد و تسلیحات عالم و حتی در موارد بسیاری، فرهنگ خیلی از کشورها را هم در دست دارند- این است که هر جا مقاومتی هست، آن را از طریق منفعل کردن خرد کنند. انفعال در مقابل دشمن، غلط‌ترین کار و بزرگترین اشتباه است. دشمن را از لحاظ دشمنی، باید به حساب آورد؛ یعنی در مقابل او، او را حقیر نشمرد و در برابرش آماده بود و دفاع کرد؛ اما از دشمن نباید حساب برد، نباید تحت تأثیر قرار گرفت و نباید در مقابلش منفعل شد. دشمن می‌خواهد جوامع را منفعل کند. بزرگترین پشتوانه‌ی نقض حقوق بشر در هر جای دنیا که مشاهده شود، همین دولتهای مستکبر- امثال آمریکا- هستند. آن وقت اینها داعیه‌دار حقوق بشر میشوند و آن را برای ملتها و دولتهایی که می‌خواهند با آنها دریفتند، چماقی میکنند! اگر از این طرف کسانی بیایند طوری در باب حقوق بشر حرف بزنند، برای اینکه او را راضی کنند، این خیلی سیاست غلطی است. این، یعنی انفعال در مقابل دشمن.^۲

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵

۲. بیانات در دیدار با خانواده‌های سرداران شهید استان تهران ۱۳۷۶/۲/۱۷

سر سخت بودن در برابر دشمن

«و اعتصموا بحبل الله جميعاً»^۱، یک تعلیم قرآنی است؛ بارها هم تکرار کرده‌ایم، هی هم میخوانیم. وقتی که این آیه‌ی شریفه به عنوان الهام الهی، بر دل ما نازل شد. دل جذب کند، هضم کند، بگیرد، دل به شکل این آیه‌ی صیوروت پیدا کند، دل ما و جان ما در قالب این آیه قرار بگیرد. آن وقت مسأله‌ی وحدت برای ما یک مسأله‌ی اساسی خواهد شد و برای خاطر اغراض و مقاصد شخصی، وحدتهای عظیم ملّی را به هم نمیزنیم؛ ببینید، این اثرش اینجا ظاهر میشود. اگر آیات قرآن آنچنان بر دل انسان نازل بشود که دل جذب کند و فهم کند و به شکل آن آیه دربیاید، آن وقت وقتی که به ما میگویند که: «و الذین معه أشداء علی الکفار رحماء بینهم»^۲، پذیرش آن برایمان راحت میشود. با کفار سختگیر، سخت، اشداء؛ شدید و شدت به معنای سختی است؛ معنایش این نیست که حتماً بایستی دشمن را آدم بکلی پایمال کند و سرکوب کند؛ نه، یک وقت اقتضای سرکوبی دارد، یک وقت هم اقتضای سرکوبی ندارد؛ اما در همه حال باید در مقابل دشمن سرسخت بود. خاکریزتان باید در مقابل دشمن نرم نباشد؛ دشمن نتواند نفوذ کند؛ نتواند تأثیر بگذارد؛ این در مقابل دشمن. نقطه‌ی مقابل: «رحماء بینهم»؛ با همدیگر مهربان باشیم، رحیم باشیم، نرم باشیم در مقابل هم. ببینید این دستور قرآن است دیگر. چرا عمل نمیکنیم؟ اشکال کار کجاست؟ اشکال کار همین است. اگر دل‌هایمان را ظرف پذیرنده‌ی باران رحمت قرآن و باران هدایت قرآن قرار بدهیم، اگر دل را به قرآن بسپریم، برایمان راحت میشود. مقاصد شخصی، اغراض شخصی، منافع مادی، قدرت‌طلبی، پول‌طلبی، رفیق‌بازی، اینها موجب نخواهد شد که انسان این توصیه‌ی قرآنی و هدایت قرآنی را فراموش کند؛ از دست بدهد؛ پشت سر بیندازد.^۳

۱. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۰۳

۲. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۹

۳. بیانات در جمع قاریان قرآن در روز اول ماه رمضان ۱۳۸۸/۵/۳۱

شکست حتمی دشمن در مقابل عزم و اراده‌ی مؤمنان

مسلمانان با همکاری و تکیه بر مبانی مشترکی که قرآن و سنت بدان ناطق است قدرت خواهند یافت که در برابر این اهریمن چندچهره بایستند و آن را مغلوب اراده و ایمان خود سازند. ایران اسلامی با پیروی از درسهای امام خمینی کبیر، نمونه‌ی بارز این مقاومت موفق است. آنان در ایران اسلامی شکست خورده‌اند. سی‌سال ترفند و توطئه و دشمنی از کودتا و جنگ تحمیلی هشت ساله، تا تحریم و مصادره‌ی اموال، و از جنگ روانی و تبلیغاتی و صف‌بندی رسانه‌ای تا تلاش برای جلوگیری از رشد علمی و دستیابی به دانشهای نوین و از جمله دانش هسته‌ای، و حتی تحریک و دخالت آشکار در ماجرای پرشکوه و پرمعنای انتخابات اخیر، همه و همه به صحنه‌هایی از شکست و انفعال و سرگردانی دشمن تبدیل شد و آیه‌ی «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانُ ضَعِيفًا»^۱ در برابر چشم ایرانیان بار دیگر مجسم گشت. در هر نقطه‌ی دیگر نیز که مقاومت برخاسته از عزم و ایمان، مردم را به مصاف مستکبران پرمدعا کشانید، پیروزی نصیب مؤمنان و شکست و رسوایی سرنوشت حتمی ستمگران شد. فتح نمایان ۳۳ روزه در لبنان و جهاد سرافراز و پیروز غزه در سه سال اخیر، شاهد زنده‌ی این حقیقت است.^۲

سخنگیری دشمن، نشانه‌ی آسیب‌پذیری او

آنجایی که شما احساس میکنید دشمن سختگیری میکند، درست همانجایی است که دشمن آسیب مبیند. فشاری که این روزها به‌وسیله‌ی صهیونیستها بر مسلمانان مظلوم فلسطینی وارد میشود، به معنای آن است که استکبار در سرزمینهای اشغالی فلسطین مقدس، به‌طور جدی تهدید میشود. اگر تهدید جدی نبود، اینقدر فشار زیاد نمیشد. این روزها دولت غاصب صهیونیست، به‌طور روزمره در سرزمین اشغالی به مردم حمله میکند و حتی شنیدم به زنها حمله کرده، تعدادی از آنها را مضروب و

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶

۲. پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به کنگره‌ی عظیم حج سال ۱۴۳۰، ۱۳۸۸/۹/۵

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۷۱

مجروح نموده و تعداد کثیری از مردم را به وسیله‌ی مزدوران نظامی و پلیس خود مجروح کرده است. چقدر از افراد را میگیرند و در زندانهای خود بازداشت و شکنجه میکنند و در نهایت فشار نگه میدارند؛ اما شعله‌ی مقدّس، روزبه‌روز در سرزمینهای اشغالی مشتعلتر میشود.^۱

قدرت ملت؛ عامل حیرت دشمن

جایی که ما پایبندی و اعتقاد دینی قوی‌ای نشان دهیم، دشمن در ما چیزی از قدرت را احساس خواهد کرد که چون او را درست نمیشناسد، ابهت آن در دلش جای خواهد گرفت. چنین اعتقاد و اقتداری ابهت است؛ و آلا این اقتدارهای معمولی و ظاهری- چون پول و ثروت و علم و تسلیحات و... قابل فهم و تشخیص است و خیلها هم بیشتر از ما از آن برخوردارند.^۲

اینکه اسلام میفرماید: «وَللهُ العِزَّةُ و لِرِسولِهِ و لِلْمُؤْمِنِینَ» یک وجه از عزت مؤمنین همین است. مؤمن در سخت‌ترین شرایط هم احساس میکند عزیز است و احساس ذلت نمیکند و خودش را نسبت به دشمن، خوار احساس نمیکند؛ چون اقتدار معنوی و درونی خودش را حفظ کرده و از دست نداده است.^۳

من به آینده بسیار امیدوارم؛ زیرا اولاً لطف الهی شامل حال مؤمنین است؛ ثانیاً مسئولان نظام روزبه‌روز مجربتر میشوند؛ و ثالثاً آگاهی مردم در حدّ بالایی است. باید احساسات و عواطف و حضور شما کمک کند، تا ان شاء الله بهترین تلاشها در راه ساختن کشور و اداره‌ی درست آن انجام گیرد. ما هرچه جلوتر میرویم، قدرت اسلام بیشتر میشود و توطئه

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از دانشجویان و طلبان حوزه‌های علمیه ۱۳۶۸/۹/۲۹
 ۲. بیانات در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگیهای سیاسی خارج از کشور ۱۳۶۸/۵/۳۱
 ۳. بیانات در دیدار با جمع کثیری از خانواده‌های معظم اسرا و مفقودان شهرهای تهران، کرج، ورامین، قم، کاشان، زنجان و اهواز ۱۳۶۸/۵/۲۳

و مکر دشمن ضعیفتر می‌گردد. آن روز که دشمن احساس کند دیگر از دستش کاری علیه این نظام بر نمی‌آید، مردم نفس راحتی خواهند کشید، و آن روز دور نیست. باید از خدای متعال کمک بخواهیم و از روح مقدس امام عزیز استمداد کنیم، تا رابطه‌ی ما با پروردگار عالم، محکمتر و عمیقتر شود.^۱

دشمن علی‌رغم تظاهر به قدرت، قدرتمند نیست. قدرت استکبار، قدرت مادی است، و قدرت مادی توان مقابله با قدرت معنوی و انسانی را ندارد. آنجا که دلها و دستها و زبانهای یک ملت با هم یکی باشند و همه در راه هدفهای والای اسلام و انقلاب احساس مسئولیت کنند، استکبار جهانی و دیگر قدرتها نمیتوانند ضربه وارد کنند و آنها را از میدان خارج سازند. ده سال است که استکبار نسبت به ملت ایران سختگیری میکند؛ اما ثبات ما روزبه‌روز بیشتر شده و قدرت کاری ما بالاتر رفته است.^۲

لزوم احساس قدرت در برابر دشمن

امروز بحمدالله این استقلال، این شجاعت و این ایستادگی در مقابل زورگویی استکبار جهانی، مخصوص این ملت و این کشور است و همین است که استکبار را نسبت به این کشور و این ملت، دچار حقد و بغض کرده است. اما من این را عرض کنم؛ این هم ناشی از وعده‌ی الهی است که حقد و بغض استکبار، هیچ کاری نخواهد توانست بکند؛ «انتم الأعلون ان کنتم مؤمنین» قرآن کریم در دو جا میفرماید: «و لا تهنوا و لا تحزنوا»^۳، «فلا تهنوا و تدعوا إلى السلم»^۴. هرگز از مواضع خودتان پایین نیایید و در مقابل دشمن احساس ضعف نکنید. او که بنای کار را بر

۱. بیانات در مراسم بیعت امام جمعه و نماینده‌ی ولی‌فقیه و قشرهای مختلف مردم سمنان،

کرج، شیروان، قوچان، کازرون و جمعی از بسیجیان نیشابور ۱۳۶۸/۴/۴

۲. بیانات در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم آذربایجان ۱۳۶۸/۳/۳۰

۳. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۳۹

۴. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۳۵

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۷۳

دروغ و فریب و زورگویی گذاشته، ضعیف است؛ اما شما که به خدا متکی هستید، قوی هستید.^۱

عامل ناکامی دشمن در مقابله با جمهوری اسلامی

نظامی که براساس بعثت بنا شده باشد، هدفش، سعادت و زندگی راحت برای بشر است و این، جز با آن دو هدف، تأمین نمیشود. اگر اینطور شد، دیگر دشمنیها هم اثر نمیکند. بسیاری متحیرند که چه شد آن روزی که دو ابرقدرت بودند و هر دو ابرقدرت علیه ما اقدام میکردند، نتوانستند به جمهوری اسلامی آسیبی برسانند! امروز هم که یک ابرقدرت نابود شده و یکی مانده است، او و همدستانش- چه دولتهای پیشرفته و چه دولتهای ضعیفی که از روی حقارت و ذلت، همدستی آمریکا را پذیرفته‌اند و با هم تلاش میکنند- نمیتوانند به جمهوری اسلامی، ضربه‌ی کاری وارد کنند. سرش، همین ایمان، توجه و پایبندی مردم به دین، حضور معنویّت در زندگی مردم و این احساس است که نظام جامعه به سمت عدالت حرکت میکند. البته دشمن خیلی عریده میکشد و بسیار هم تهدید و اقدام میکند. منتها اقدام او، اقدام مؤثری نیست. فرق است بین نظامی که از مردم خود بریده است و ملّتی که متکی به معنویّت نیست، با ملّتی معنوی که با نظام و حکومت خود یکپارچه است و بین آنها ارتباطات مستحکمی وجود دارد. مردم، دولت و رئیس‌جمهور را از خود میدانند. گاهی آنها را از فرزندان خودشان هم بیشتر دوست میدانند. مردم به نمایندگان مجلس و رؤسای قوا، علاقه‌مندند. آنان را از خودشان میدانند و از ایمان و معنویّت هم برخوردارند. این ملّت و دولت را نمیتوان با آن نظام بریده‌ی منقطع از مردم خود مقایسه کرد. لذا، آن تهدیدها اثر نمیکند.^۲

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

۲. بیانات در دیدار کارگزاران، در روز «عید مبعث» ۱۳۷۴/۹/۲۹

حساس بودن نسبت به حساسیت دشمن

هر چیزی که دیدید دشمن روی آن حساسیت نشان می‌دهد، شما هم روی آن حساس بشوید و بفهمید که دشمن از اینجا می‌خواهد رخنه کند. وقتی که ببینید دشمنان خبیث، نسبت به ملت و انقلاب و پابندی مردم به انقلاب تبلیغات میکنند، بدانید که دشمن از پابندی مردم به انقلاب و از حضور آنها در صحنه‌های انقلاب می‌ترسد. حضور شما در صحنه‌های انقلاب و هوشیاری و آمادگیتان، دشمن را مأیوس خواهد کرد.^۱

کند بودن سلاحهای دشمن

همه‌ی سلاحهای دشمن، در مقابل نظام الهی و قرآنی جمهوری اسلامی، کند است. دشمن، بیخود خودش را زحمت و دردسر می‌دهد. هر کاری بکنند، با نظامی مردمی که راهی را انتخاب کرده است و آن را آگاهانه و با اراده و با همت طی میکند، هیچ کاری نمیتوانند بکنند.^۲

مستحکم کردن ساخت داخلی نظام

علاج صحیح در مقابل تجاوز آمریکا، مستحکم کردن ساخت داخلی نظام است. نظامی که حقیقتاً متکی به مردم است و مردم از آن دفاع میکنند، در درون خودش مستحکم است. رخنه‌های گوناگونی که به یک نظام صدمه می‌زند، بسته شده است و هیچ قدرتی نمیتواند این نظام را از بین ببرد. ما میتوانیم ساخت داخلی را مستحکم کنیم؛ همانطور که امروز هم بحمدالله مستحکم است. آمریکاییها این را میدانند؛ به‌طور کامل انسان میتواند این را در حرفهایشان بفهمد. آنها میدانند که وحدت این ملت، ارتباطش با اسلام، استحکام پیوند بین نظام و مردم با توجه به مبانی دینی و نقش ارزشهای دینی در این رابطه، به چه کیفیتی است؛ میخواهند اینها را از بین ببرند. ما بنشینیم و تماشا کنیم که اینها بیایند یکی‌یکی این

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از نیروهای مقاومت بسیج، گروهی از پرستاران و جمعی از

پرسنل نیروی دریایی ارتش ۱۳۶۹/۹/۷

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی به مناسبت عید سعید غدیر

۱۳۷۶/۲/۶

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۷۵

پیوندهای مستحکم را ببرند؟ یعنی در واقع سنگرهای ملت ایران و سنگرهای نظام اسلامی را یکی یکی از سر راه بردارند و بعد راحت حمله کنند. یکایک ملت ایران وظیفه دارند تا آنجایی که میتوانند، استحکام درونی نظام را که به همبستگی ملت، همبستگی دلها، همبستگی ملت با مسئولان نظام و وحدت کلمه در مجموعه ارکان نظام وابسته است، حفظ کنند.^۱

پایبندی به مبانی انقلاب خلاف خواست دشمن

بعضیها با نام عقلانیت، با نام اعتدال، با نام پرهیز از جنجال و دردسر بین‌المللی، میخواهند از مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند! این نمیشود؛ این نمیشود. این نشانه‌ی بی‌صبری و نشانه‌ی خسته شدن است. گاهی این خسته شدن را - که خودشان خسته شده‌اند - به مردم نسبت میدهند: مردم خسته شده‌اند! نه، نخیر. مردم آن وقتی که احساس کنند مسئولین کشور با سربلندی مسلمانی و عبودیت خودشان را اعلام میکنند، خوشوقت میشوند؛ خوشحال میشوند. این مردم، مسلمانند. حرکت مردم هم بخاطر همین بود. این مردم مگر همان مردمی نیستند که انقلاب کردند؟ شعارهای انقلاب چه بود؟ این مردم مگر همان مردمی نیستند که هشت سال این جنگ مظلومانه را اداره کردند؟ همین مردم اداره کردند. مگر مردم دیگری هستند؟ غیر از آن مردمی که توی این کشور این کارهای بزرگ را انجام دادند، کدام مردم این کارها را کردند؟ پریشب تلویزیون فرمایش امام را راجع به مرحوم آیت‌الله طالقانی نقل میکرد، که دیدم واقعاً سر تا پای بیانات امام، اول تا آخر، کلمه کلمه‌اش، نکته و حکمت است - رحمت و رضوان خدا بر او باد - ایشان در سخنرانی به مردم مطلبی به این مضمون میفرمود که نگاه کنید ببینید مردم در تشییع جنازه‌ی آقای طالقانی چه گفتند؟ گفتند ای نایب پیغمبر ما، جای تو خالی. عزاداری آنها برای نایب پیغمبر است. مسأله‌ی نیابت پیغمبر مطرح است؛ عالم دین. این نکته را امام از حرف مردم استفاده

۱. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

می‌کند و به ما تحویل می‌دهد. این درست است. مردم، پایبند اسلامند. در کنار مردم‌داری، در کنار مردمی بودن، برای مردم دل سوزاندن، برای مردم کار کردن، به آرای مردم اهمّیت گذاشتن، به احساسات و عواطف مردم اهمّیت دادن؛ این است مردمی بودن. وقتی مردم ببینند شما که مسئول جمهوری اسلامی هستید، افتخار می‌کنید، اعتزاز می‌کنید به مسلمانی خودتان، به ضدّ استکباری بودن خودتان، به ضدّ استبدادی بودن خودتان و از طرفی افتخار و اعتزاز می‌کنید به خدمتگزاری مردم؛ با مردم هستید، با مردم انس پیدا می‌کنید، به مردم محبّت می‌کنید، از مردم کمک می‌خواهید در مسائل گوناگون، خب، مردم خرسند میشوند؛ مردم این مسئول را دوست میدارند؛ خوششان می‌آید. ما وظیفه‌مان این است. ما حق نداریم از شعارهای انقلاب و شعارهای اسلام عقب‌نشینی کنیم؛ این، یک بی‌صبری است. این بی‌صبری‌ای است که نباید این را قبول کرد. پایبندی به شعارها برخلاف خواست دشمن، بر خلاف نظر دشمن، با حرکت کشور به سوی پیشرفت به معنای حقیقی کلمه، هیچ منافاتی هم ندارد که همیشه سعی میکردند اینجور القاء کنند که اگر اسلامی هستید، پس دیگر پیشرفت و دست یافتن به مراحل بالای رفاه مادی و پیشرفت علمی ممکن نیست؛ نخیر، درست بعکس است؛ درست بعکس است. ما پیشرفتهایمان زیاد بوده.^۱

لزوم برنامه‌ریزی متناسب با طرحهای دشمن

ما از همه طرف، با دشمنی و خصومت دشمنان اساسی و فرهنگیمان در عالم مواجه هستیم که نگذارند چه در زمینه‌ی فرهنگ عمومی و ذهنی‌ها و عمل فرهنگی مردم و چه در زمینه‌ی کار مدرسی و تربیت نیروی انسانی، به مقاصد خودمان برسیم. ما باید متناسب با دشمنی و خصومت دشمن، برنامه‌ریزی کنیم. در مسأله‌ی فرهنگ عمومی، همین که مشاهده می‌کنیم در جامعه‌ی ما- مثلاً در پیچ و خم ادارات و دستگاههای دولتی و بخصوص در بعضی از ارگانها که شکایت زیادی از آنها میشود-

۱. بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام ۱۳۸۷/۶/۱۹

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۷۷

کارهای مردم روان انجام نمیگیرد و امروز و فردا میشود و دردمندان و دلسوزانه با کار مردم برخورد نمیگردد، بخاطر یک نقص و بیماری فرهنگی است. یا اگر مشاهده میکنیم که افراد کارآمد فکری ما در دانشگاهها و کارگاهها و مراکز تحقیق، به نوآوریهای که برای یک محقق، نان و آب و شهرتی ندارد، اما زحمت زیادی دارد، کمتر تن میدهند و به کارهای آسانتر و سهلتر تسلیم میشوند، یک بیماری فرهنگی است.^۱

لزوم ابتکار جهت پیش‌بینی ضربات دشمن

دشمن دست‌بردار نیست و توطئه‌ی خودش را متوقف نخواهد کرد؛ ضربه را میخورد، ولی باز خودش را برای ضربه‌ی بعدی آماده و جمع‌وجور میکند؛ و بدون شک ضربه‌ی بعدی دشمن، با توجه به نقصهای او در ضربه‌ی اول است. یعنی دقت میکند ببیند شما چگونه و از چه راهی توانستید به او تودهنی بزنید، قطعاً آن روزنه را محکم خواهد گرفت. دشمن بیشترین تلاش خود را در ارزیابی دقیق نقطه‌ی ضعفش میکند و با دستگاههای آماده و منسجم و قوی‌ای که دارد، فوراً نقاط ضعف کار خود را پیدا میکند و به جبران آنها میپردازد. شما هم بایستی در نوبت بعد ضربه‌ی ابتکارآمیز دیگری بزنید.^۲

ما توقع نداریم دشمن نداشته باشیم؛ توقع هم نداریم که دشمن، دشمنی نکند. آنچه انتظار داریم، از خودمان است. ما باید بتوانیم با امید و شجاعت و عزم و اراده و وحدت و توکل به خدا، به فضل الهی همه‌ی دشمنها و دشمنیها را از سر راه این ملت برداریم و دشمن را از دشمنی کردن پشیمان کنیم. به امید خدا و به فضل الهی ما میتوانیم و خواهیم کرد و ان‌شاءالله آینده این را نشان خواهد داد. امید ما به ایمان و عزم و

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۸/۹/۲۱

۲. بیانات در مراسم بیعت جمعی از مسئولان وزارت اطلاعات و ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸/۴/۱۸

غیرت مردم و به بزرگواری کم‌نظیری است که ملت ایران در دورانهای مختلف نشان داده است و با تلاش و حضور و ایستادگی و هوشیاری خود توانسته توطئه‌های دشمن را خنثی کند. ان‌شاءالله در آینده نیز همین‌طور خواهد بود و مسئولان با تکیه به ذخیره‌ی عظیم و تمام‌نشدنی اقیانوس پربرکت انسانهای بزرگ در کشور ما، خواهند توانست به بهترین وجهی به وظایف خود عمل کنند.^۱

لزوم مقابله با حيله‌گری دشمن

دشمن از این مانع، غافل نیست. دائم بر این پنجه می‌اندازد. باید با پنجه‌افکنی و ناخن‌کشی و حيله‌گری دشمن مقابله کنیم. حرکت و تلاش لازم است؛ هم در جبهه‌ی خودسازی- این مقدم بر همه است؛ مثل امام حسین (ع) که آقا و مولای شماست- هم در جبهه‌ی سیاسی- که آن امر به معروف و حرکت و حضور سیاسی است و در جایی که لازم است، بیان مواضع و تبیین سیاسی در مقابل دنیای استکبار- هم در جبهه‌ی فرهنگی- یعنی آدم‌سازی، خودسازی، خودسازی فکری و اشاعه‌ی فکر و فرهنگ- اینها وظیفه‌ی همه‌ی کسانی است که امام حسین (ع) را الگو میدانند. خوشبختانه ملت ما همه نسبت به حسین بن علی (ع) خاضعند و آن بزرگواری را بزرگ می‌شمارند. حتی خیلی از غیرمسلمانها اینگونه‌اند. دشمن امام حسین (ع)، پول و زور و شمشیرزن و مروج و مبلغ و سینه‌چاک داشت. عزیزان من! الآن وضع شما این است. کربلا تا آخر دنیا گسترده است. کربلا که به مرزهای آن میدان چند صد متری محدود نمیشد. الآن همان روز است. همه‌ی دنیای استکبار و ظلم امروز، با جمهوری اسلامی مواجه است.^۲

غفلت ما، بزرگترین فرصت برای دشمن

اگر فراموش کردید که دشمن در کمین شماست، غفلت، شما را

۱. بیانات در دیدار با کشاورزان، به مناسبت هفته‌ی کشاورزی ۱۳۸۰/۱۰/۱۲

۲. بیانات در دیدار پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۵/۹/۲۴

فراخواهد گرفت، حرکت را کند خواهد کرد و از بین خواهد برد. یعنی بزرگترین فرصت برای دشمن است. لذا شما ببینید در طول این سالهای متمادی، هر وقت، هر کسی و هر جا، از دشمنی دشمنان و توطئه‌ی مستکبران و دشمنی آمریکا و اسرائیل و بقیه‌ی مخالفان آزادی و سعادت بشر، سخن گفته است، از سوی تبلیغاتچیهای جهانی مورد تخطئه قرار گرفته است! آنها میخواهند ملت ایران فراموش کند که دشمنی دارد. در سایه‌ی این فراموشی است که میتوانند مردم را به مسائلی کوچکتر، سرگرم کنند و میانشان اختلاف بیندازند. یک ملت و یک جمعیت، وقتی بدانند که دشمن در کمین اوست، به مسائل کوچک، به مسائل روزمره و درجه‌ی دوّم، مشغول نخواهد شد. اگر اختلافی هم دارد، آن را علی‌العجاله کنار میگذارد؛ اما وقتی از دشمن غافل شد، مسائل کوچک داخلی، عمده میشود؛ اختلافات، بزرگ میشود و افراد به جان هم می‌افتند و جناحها تشکیل میگردد. این بر اثر غفلت از دشمن است.

عزیزان من! یکی از کارهای مهم دشمن همین است که شما و ما را از وجود خود غافل کند، تا ما دشمن را در میان خود جستجو کنیم و دنبال دشمن در میان خودیها بگردیم! وقتی کسی دشمن بزرگی دارد که در بیرون مرزهای او منتظر فرصت است، هرگز به دشمنان کوچک، به دشمنان خیالی و به دشمنان جناحی توجه نمیکند. ما دشمنان بزرگی داریم. دشمن سعی میکند هر کسی را که بگوید «این ملت، دشمنی دارد و دشمنی در کمین اوست»، تخطئه کند! میخواهند اینطور وانمود کنند که نه آقا، چه دشمنی؟ کدام دشمن؟ حرفشان این است که شما ملت و این جوانان پاکباخته‌ی مؤمن غیور، آسوده‌خاطر شوید که دشمنی شما را تهدید نمیکند! وقتی جماعتی اینطور احساس کردند که در بیرون، هیچ دشمنی ندارند، در درون خودشان دنبال دشمنان کوچک و خیالی و فرضی و جناحی میگردند؛ آن وقت اختلافات به وجود می‌آید و رشد میکنند. نه آقا! اینگونه نیست. دشمنان سهمگینی در کمین این ملت و این کشور و این انقلابند. اگرچه همین دشمنان سهمگین هم با همه‌ی قدرت ظاهریشان و به فضل پروردگار، تا امروز هیچ غلطی نتوانستند بکنند؛ بعد

از این هم به فضل پروردگار نخواهند توانست هیچ غلطی بکنند؛ اما این موجب نمیشود که ما از وجود دشمن، غافل بمانیم.^۱

غفلت از توطئه‌ی دشمن یعنی اسیر توطئه شدن

اینکه میبینید ملت ما بعد از بیست‌وشش سال «مرگ بر آمریکا» را فراموش نمی‌کند، بخاطر این است که غفلت از توطئه‌ی استکبار جهانی همان، و اسیر توطئه شدن همان. در واقع «مرگ بر آمریکا»یی که مردم ما می‌گویند، مثل همان «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» است که اول هر سوره‌ی قرآن قبل از «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» گفته میشود. استعاده‌ی به خدا از شیطان رجیم برای چیست؟ برای این است که انسان مؤمن یک لحظه حضور شیطان را فراموش نکند؛ یک لحظه از یاد نبرد که شیطان آماده‌ی حمله به او و انهدام حصار معنوی و ایمانی اوست. «مرگ بر آمریکا» هم برای این است که ملت فراموش نکند سلطه‌گران جهانی منافع سرشاری که در این کشور داشته‌اند و دست آنها کوتاه شده، از یاد نبرده‌اند. آنها همیشه دنبال این هستند که همان منافع را باز در داخل این کشور برای خودشان تأمین کنند و به قیمت نابودی استعداد جوانان و آینده‌ی این کشور، بر ثروت و علم و فناوری خود بیفزایند. پس ملت ایران دیر شروع کرد؛ از انقلاب اسلامی شروع کرد.

برای تبدیل وضعیتی که برای ملت پیش آمده بود، به وضعیتی مطلوبی که اوّل شرح دادم، یک سال و دو سال و ده سال کافی نیست؛ این تغییرات عظیم عمیق اجتماعی باید در طول چند نسل به وجود بیاید. ما امروز مبالغه‌ی زیادی از این راه را پیش رفته‌ایم. کسانی که در سنین شما یا اندکی از سنین شما بیشتر، در انقلاب اسلامی حضور داشتند و جانانه کار کردند، وظیفه‌ی خود را آن روز خوب انجام دادند؛ نسل بعد از آنها هم در طول بیست‌وشش سال گذشته تلاشهای خوبی کردند.^۲

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از مردم آمل ۱۳۷۷/۳/۲۱

۲. بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان ۱۳۸۳/۱۲/۲۴

غافل نشدن از کید و توطئه دشمن

در وضع کنونی نباید یک لحظه از کید و توطئه‌ی دشمن و طرق گوناگون آن غافل باشیم. فکر نکنیم که چون مسأله‌ی رهبری حل شد، قانون اساسی شکل مطلوب خودش را پیدا کرد و مردم حضور قوی خودشان را در صحنه نشان دادند، پس همه‌ی قضایا تمام شد، و بنابراین از دقت و وسواس‌آمیز و مراقبتهایی که باید بکنیم، خدای نکرده غافل بشویم و منصرف بمانیم؛ نه، من در مسئولیت خودم، مسئولان گوناگون کشوری و عامه‌ی مردم در کار خودشان، و بخصوص شما آقایان محترم در مسئولیت و وظیفه‌ی خطیری که بر دوشتان گذاشته شده و بسیار مهم و تعیین‌کننده است، نباید غافل شویم، که دشمن از طرق مختلف ممکن است وارد شود و ضربه بزند.^۱

ما در طول این سالها، تجربه‌های زیادی کسب کرده‌ایم. حقیقتاً به این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده‌ام که: «و من نام لم ینم عنه»^۲. اگر غفلت کردیم، در همان لحظه‌ی غفلت، ضربه را خواهیم خورد. دشمن از ضربه زدن و حمله کردن و توطئه کردن علیه این بساط دینی و اسلامی، هیچ‌وقت منصرف نخواهد شد؛ منتها آن وقتی که ما قاعده‌ی کار را محکم کرده باشیم، دشمن مأیوس خواهد شد. اگرچه در حال یأس هم بتواند، ضربه میزند، منتها وقتی امید دشمن از او گرفته شد، طبعاً تلاش و تحرک او هم کم خواهد شد.^۳

بدانید که اگر اندکی غفلت کنیم، دشمن علیه مقدّسات ما شروع به حمله و اقدام خواهد کرد. این، یک نمونه است و نمونه‌های از این قبیل هم فراوان است. تکلیف ما زیاد است.^۴

۱. بیانات در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور به اتفاق رئیس مجلس خبرگان
۱۳۶۸/۴/۱۲

۲. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۶۲

۳. بیانات در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور به اتفاق رئیس مجلس خبرگان
۱۳۶۸/۴/۱۲

۴. بیانات در دیدار ائمه‌ی جماعات و روحانیون و مبلغین، در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان
۱۳۷۱/۱۱/۲۵

حالا بعضیها حساسند روی کلمه‌ی دشمن، که چرا شما میگویید دشمن؛ چرا هی تکرار میکنید دشمن. خوب، تکرار هم میکنیم و باز بعضی اینجوری دچار غفلت میشوند، نمیفهمند که دشمن دارد با آنها چه کار میکند؛ این همه هم میگوییم و نمیشود! اگر نمیگفتیم، چه میشد! شما ببینید از اول تا آخر قرآن، خدای متعال چقدر اسم شیطان و شیطان‌صفتها و ابلیس را آورده؛ چقدر اسم فرعون و نمرود و قارون و دشمنان پیغمبر در زمان بعثت آمده و چقدر اینها در قرآن تکرار شده. داستان ابلیس و شیطان در قرآن تکرار شده. میشد یک بار خدای متعال بگوید، برای اطلاع کافی بود. این برای این است که هیچ وقت نباید از کید دشمن غافل بود. امیرالمؤمنین فرمود: «و من نام لم ینم عنه»؛ اگر شما توی سنگر خوابتان برد، لازمه‌اش این نیست که دشمن شما هم که روبه‌رو نشسته، او هم توی سنگرش خوابش برده باشد؛ نه، ممکن است شما خوابت برده باشد، او بیدار باشد؛ آن وقت پدرتان درآمده است. نباید غفلت کرد. و ببینید که غفلت میشود.^۱

هیجانان کشور باعث سوءاستفاده‌ی دشمنان

وقتی هیجانان کور، پا وسط بگذارند، دشمن فوراً استفاده خواهد کرد. بارها گفته‌ام، باز هم تکرار میکنم؛ من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه‌ی میدانها حضور و آمادگی داشته باشد؛ منتها با انضباط. اینگونه حرکتی که ملاحظه شد کسانی به دانشگاه حمله کنند، ناشی از بی‌انضباطی است؛ با هر نامی انجام گیرد، غلط و محکوم است. اگر با نام دفاع از دین هم انجام گیرد، غلط است؛ اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام گیرد، غلط است. مگر من بارها نگفته‌ام در اجتماعات کسانی که مخالفند، هیچکس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد؛ چون این، دشمن را خوشحال میکند. بارها ما این حرف را گفتیم، چرا گوش نکردند؟! چرا گوش نمیکنند؟! حتی اگر یک حرفی که خون شما را به جوش می‌آورد به زبان آورند. مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند. باز هم

۱. بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران ۱۳۸۸/۱/۱۳

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۸۳

باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس مرا هم آتش زدند یا پاره کردند، باید سکوت کنید. نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب‌اللّٰهی باید در مقابله‌ی با دشمن بایستد، حفظ کنید، و آلاً حالا فرض کنیم یک جوان، یا یک دانشجوی فریب‌خورده‌ای هم حرفی زد و کاری کرد؛ چه اشکالی دارد؟ من از او صرف‌نظر می‌کنم.^۱

فراهم کردن وسایل مصون‌سازی در برابر دشمن

باید وسایل مصون‌سازی را فراهم کنید. جوانان را مصون کنید، ذهنها را مصون کنید، دلها را مصون کنید که اگر علی‌رغم شما، روزی دشمن توانست نفوذ کند، شما قبلاً مصونیت ایجاد کرده باشید. راهش این است؛ اینگونه باید با هجوم دشمن برخورد کرد. ما با این روحیه‌ی مقاومت و با این روحیه‌ی ایستادگی، توانسته‌ایم قدرتی مثل استکبار جهانی و مثل آمریکا را، بیست سال پشت در نگه داریم و باز هم میتوانیم! ملت ایران قوی است و این استقامت، استقامت ایمانی است. این استقامت، از دین، از اسلام و از ایمان سرچشمه میگیرد و هر جا که باشد، موجب ناکامی دشمن خواهد شد. این را ما باید حفظ و تقویت کنیم. ما باید دین را تقویت کنیم؛ ایمان جوانان را تقویت کنیم؛ اجتناب از فساد را تقویت کنیم. این کار، کار درستی است؛ این راه، راه صحیحی است و شما ناشران عزیز، در قبال این چیزها مسئولیت دارید. البته شما جمع معدودی از ناشران کشور هستید که اینجا جمع شده‌اید و خوشبختانه ما امروز شما را زیارت کردیم. بیشتر شما، یا همه‌ی شما هم کسانی هستید که علی‌القاعده، این حرفها را قبول دارید. حالا ممکن است بعضی هم قبول نداشته باشند؛ بالاخره این هم نظری است.^۲

متأسفانه این دستگاههای تبلیغاتی و مخرب و معاند با جمهوری اسلامی و با ملت ایران، دنباله‌هایی هم در داخل کشورمان دارند که مال

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱

۲. بیانات پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی (ره) ۱۳۷۸/۲/۲۸

امروز هم نیست، از دوران دفاع مقدس هم چنین چیزهایی بود. آنها هم به هوش بیایند و بدانند که پشتیبانی این گرگهای درنده به دردشان نمیخورد. اینها به فکر خودشان هستند، به فکر منافع خودشان هستند. از آدمها تا آنجایی که منافع آنها تأمین بشود، استفاده میکنند؛ همچنانی که از محمدرضا و صدام استفاده کردند. آن وقتی هم که لازم نبود، مثل یک دستمال کثیف‌شده‌ای مچاله میکنند و پرتابشان میکنند کنار؛ همچنانی که از محمدرضا شاه در دوران نکتش حمایت نکردند، از صدام در دوران رسوایی و نکتش حمایت نکردند. کسی به آنها دل نبندد.^۱

فراموش کردن دشمن یعنی بزرگترین خطر

این کشور، این انقلاب و این تاریخ، نجات‌یافته‌ی این مجاهدتها و این خونهاست. بدانیم که این انقلاب و این ملت و این کشور، بخصوص فعالان این نهضت بزرگ، چه دشمنان خونخوار و بیرحمی در کمین داشتند و هنوز هم دارند. همانهایی که شهید بهشتی را از دست این ملت گرفتند، هنوز در دنیا هستند. همانهایی که آنها را کمک میکردند، هنوز هم میکنند. مبدا بعضی ساده‌دلیها یا احیاناً کج‌فکرها موجب شود که ما تصور کنیم دشمنها و دشمنها تمام شدند؛ که این خطر بزرگی را تولید خواهد کرد. برای کسی که در مواجهه با دشمن است، هیچ خطری بالاتر از فراموش کردن دشمن نیست.^۲

عدم اعتماد به دشمن

به دشمن و ایادی او اعتماد نکنید. این بدحالتی است که انسان ببیند در داخل خطوط سیاسی، با خط مقابل خودشان خصمانه رفتار کنند؛ اما مرزهای خودشان را به روی دشمن باز بگذارند! من این را نمیپسندم؛ این را ملت نمیپسندد؛ به جرأت میتوانم بگویم که این را خدا هم نمیپسندد.^۳

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین (ع) ۱۳۸۸/۴/۱۵

۲. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های شهدای هفتم تیر ۱۳۷۷/۴/۷

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۵/۸

کار سازنده؛ مبارزه با دشمن

کار سازنده، مبارزه با دشمن است. اگر کسی برای علم و برای اداره‌ی کشور تلاش کند، با دشمن مبارزه کرده است. اگر کسی برای افزایش ثروت ملی تلاش کند، با دشمن این ملت و این کشور مبارزه کرده است؛ چون دشمن نمیخواهد این کشور بخوبی اداره شود و امور مردم به سهولت بچرخد. دشمن میخواهد مشکل درست کند. باید با اداره‌ی صحیح و کار سازنده و صحیح و منطقی، با دشمن مقابله کرد.^۱

عکس‌العمل ما در برابر تعریف و تمجید دشمن

این نظام، نظامی است. که خود شماها همیشه هم میگویید، درست هم میگویید. که بر پایه‌ی تلاشهای بیشمار و فداکاریهای فراوان به وجود آمده و امروز هم در دنیا دارد یکه‌تازی میکند؛ اما همین رادیوهای بیگانه‌ای که آقای پورمحمدی اشاره کردند، هرچه میخواهند بگویند، بگویند. بله، معلوم است؛ اگر مثلاً ده نفر بچه‌ی هرزه دور آدم دانشمند و شخصیت برجسته‌ای را بگیرند؛ یکی به او اهانت کند، یکی بگوید تو بیسوادی و...، طبعاً ممکن است او انکساری هم در خودش پیدا کند؛ اما شما که او را میشناسید، باورتان نمی‌آید. بله، نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی حرف میزنند؛ نمیزدند، تعجب می‌کردیم. امام میگفتند هر وقت از ماها تعریف میکنند، آدم در دلش چیزی پیدا میشود که چه اشکالی در من به‌وجود آمده که دشمن دارد از من تعریف میکند؛ واقعاً عقیده‌ی امام این بود؛ نه اینکه فقط در حرفهای عمومی آن را بیان کنند؛ حتی به ماها هم آن را میگفتند. بنابراین، ارزشها و اصول و هدفهایی وجود دارد؛ این تلاش ارجمند شما باید در همین سمت انجام گیرد؛ مقصود این است.^۲

۱. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۵ / ۱ / ۱۳۷۵

۲. بیانات در دیدار با اعضای «گروه اجتماعی» صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۱/۲۹

کوچک نشمردن دشمن

دشمن را نباید کوچکتر از آنی که هست گمان کرد؛ چون انسان آن وقت ضربه خواهد خورد. اما نباید هم دشمن را بزرگتر از آنکه هست جلوه داد. یعنی همان کاری که امروز دستگاه تبلیغاتی صهیونیستها و مستکبرین، خودشان انجام میدهند: از آمریکا و از قدرتها غولی درست کردند، که اگر کسی تجربه نداشته باشد، خیال میکند به یک اشاره‌ی اینها، همه جا دود خواهد شد، پودر خواهد شد و از بین خواهد رفت! این حرفها چیست؟! اینها اگر قدرت داشتند، روزبه‌روز نهضت اسلامی در دنیا ریشه‌دارتر و پرشکوه‌تر نمیشد! اینها در هر جا که دخالت زورمندانه و قدرتمندانه کردند یا خودشان یا عواملشان برای خودشان و عواملشان جهنم سوزان و باتلاقی درست کردند که تا خرخره در آن فرو رفتند. نگاه کنید به آنجاها که اینها کسانی را بر مردم تحمیل کردند! ببینید در چه وضعیتی زشتی به سر میبرند و در چه گرفتاریهایی زندگی میکنند!^۱

ضعف ما باعث جسارت دشمن

به هیچ ملت، دشمن با التماس چیزی نخواهد داد. هیچ ملتی بخاطر ضعیف بودن و گردن کج کردن در مقابل دشمن، به چیزی نمیرسد. هر ملتی که در دنیا به جایی رسیده است، بخاطر عزم و اراده و ایستادگی و سینه سپر کردن و سر را بالا نگه‌داشتن رسیده است. بعضی از ملتها این توان را ندارند؛ اما آن ملتی که به اسلام معتقد است، آن ملتی که به قرآن معتقد است، آن ملتی که به وعده‌ی خدا معتقد است، آن ملتی که معتقد است **لینصرن الله من ینصره** هر که خدا و دین خدا را یاری کند، خدا با تأکید او را یاری خواهد کرد، این توانایی را دارد.^۲

۱. بیانات در اجتماع بزرگ فرماندهان «نیروی مقاومت بسیج» سراسر کشور در دومین روز از «هفته‌ی بسیج» ۱۳۷۲/۸/۳۰

۲. بیانات در جمع بسیجیان شرکت‌کننده در اردوی فرهنگی، رزمی یاران امام علی(ع) ۱۳۷۹/۷/۲۹

پیشرفت ما علی‌رغم خواست دشمن

علی‌رغم آنچه دشمنان ما میخواستند و امروز تبلیغ میکنند، ما پیشرفت کرده‌ایم. معنای این پیشرفت‌ها این نیست که ما به هدف‌های خود رسیده‌ایم. من بارها گفته‌ام، الآن هم می‌گوییم: بنده بعنوان یک طلبه‌ی انقلابی معتقد به اسلام و انقلاب، اعتقاد این است که در بسیاری از اهداف خود هنوز در نیمه‌ی راه هستیم. ما عدالت اجتماعی و بنیان‌کنی فقر و آبادسازی همه‌جانبه‌ی کشور را می‌خواستیم؛ اما هنوز به آن مقاصد نرسیده‌ایم و در وسط راه هستیم؛ در عین حال حرکت کرده‌ایم و جلو آمده‌ایم و بخش مهمی از راه را پیش رفته‌ایم. این کارها را انقلاب و نظام اسلامی کرد.^۱

کینه‌ی دشمن را از دل بیرون نکنید

مردم نباید هیچ‌وقت کینه‌ی شیطانها و شیطان‌صفتان را از دل خود بیرون کنند. نگوید حالا گذشت و تمام شد و چه لزومی دارد که دیگر به یادمان آوریم. نه، دین ما این است: «هل الدین إِلَّا الحبّ و البغض»^۲. دین، عبارت از محبت و کینه است: از یک طرف، محبت به خوبان و خوبیها و مظلومان و انسانهایی که مورد جفای شیطانها قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر بغض و کینه نسبت به شیطانها و موجودات پلید و پلیدیها و کسانی که برای آنها، انسان و انسانیت و خدا، حرف مفت است. این هم جزو دین است. توکی و تبری، جزو فروع دین و به قول بعضی از علماء، جزو اصول دین است. زشت‌صورتی دشمنان خدا و خلق را فراموش نکنید. اگر فراموش کردید، همان دشمن، چهره‌ی خودش را عوض خواهد کرد و نزدیک میشود. دشمن که نزدیک شد، برای ضربه زدن نزدیک میشود. دشمن که برای نوازش نزدیک نمیشود. اینکه شما میبینید گاهی دشمنان ما - چه دشمنان شناخته‌شده، مثل مستکبران عالم و قلدراه‌ی روزگار و چه دشمنان شناخته‌نشده که خطرشان بیشتر است -

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

۲. بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۶۳

چهره‌ی خوب نشان می‌دهند و مثل مار خوش‌خط و خال به صورت فریبنده به طرف انسان می‌آیند، اظهار محبت میکنند و می‌گویند بیایید با هم دست بدهیم، بدانید این یک حمله و تهاجم خصمانه است. حواستان جمع باشد. نباید کینه‌ی دشمن از دلتان خارج شود. وقتی که دشمن می‌گوییم، منظور ما دشمنی نیست که برای یک شاهی صنار دنیا دشمنی کند- که اینها دشمنی نیست- و نه دشمنی برای اختلاف سلیقه و اختلاف نظر- که اینها خیالات است- و نه دشمنی برای امور دنیوی و مادی- که ممنوع و مطرود است- دشمن، یعنی آن شیطان و شیطان‌صفتی که با خوبیها و فضیلتها و بندگان صالح و صلاح و خدای صلاح‌آفرین، مخالف و دشمن است. این، آن دشمن اصلی است. نباید کینه‌ی این دشمن از دلتان خارج بشود. اگر احساس کردید که نسبت به این دشمن، در دلتان بغض و کینه کم شد، این یک علامت خطر شخصی برای شماست؛ باید احساس کنید مثل اینکه درجه‌ی ایمان در حال تنزل است. عیناً مثل محبت بندگان خدا که باید روزبه‌روز در دل قویتر و ریشه‌دارتر بشود. اگر به شیطان کینه و دشمنی نورزید، او می‌آید و راه شما به طرف خدا را سد خواهد کرد. این چیزی است که دیگر قابل جبران نیست. بنابراین، نسبت به اصل و تحلیل حادثه و آن سیه‌روهایی که این حادثه را راه انداختند، باید آحاد مردم از کوچک و بزرگ، بغض و کینه داشته باشند و آن را به یکدیگر نیز توصیه کنند.^۱

کم شدن کینه در برابر دشمن یعنی یک علامت خطر شخصی

مردم نباید هیچ‌وقت کینه‌ی شیطانها و شیطان‌صفتان را از دل خود بیرون کنند. نگوید حالا گذشت و تمام شد و چه لزومی دارد که دیگر به یادمان آوریم. نه، دین ما این است: «هل الدین الا الحب و البغض». دین، عبارت از محبت و کینه است: از یک طرف، محبت به خوبان و خوبیها و مظلومان و انسانهایی که مورد جفای شیطانها قرار گرفته‌اند و از طرف

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم استان چهارمحال و بختیاری و جمعی از خواهران بسیجی شهرهای اصفهان، یزد، فومن و گروهی از طلاب پاکستانی ۱۳۶۸/۶/۸

دیگر بغض و کینه نسبت به شیطانها و موجودات پلید و پلیدیها و کسانی که برای آنها، انسان و انسانیت و خدا، حرف مفت است. این هم جزو دین است. توکی و تبری، جزو فروع دین و به قول بعضی از علما، جزو اصول دین است. زشت‌صورتی دشمنان خدا و خلق را فراموش نکنید. اگر فراموش کردید، همان دشمن، چهره‌ی خودش را عوض خواهد کرد و نزدیک میشود. دشمن که نزدیک شد، برای ضربه زدن نزدیک میشود. دشمن که برای نوازش نزدیک نمیشود. اینکه شما میبینید گاهی دشمنان ما- چه دشمنان شناخته‌شده، مثل مستکبران عالم و قلدرهای روزگار و چه دشمنان شناخته‌نشده که خطرشان بیشتر است- چهره‌ی خوب نشان میدهند و مثل مار خوش‌خط و خال به صورت فریبنده به طرف انسان می‌آیند، اظهار محبت میکنند و میگویند بیایید با هم دست بدهیم، بدانید این یک حمله و تهاجم خصمانه است. حواستان جمع باشد. نباید کینه‌ی دشمن از دلتان خارج شود. نباید کینه‌ی این دشمن از دلتان خارج بشود. اگر احساس کردید که نسبت به این دشمن، در دلتان بغض و کینه کم شد، این یک علامت خطر شخصی برای شماست؛ باید احساس کنید مثل اینکه درجه‌ی ایمان در حال تنزل است. عیناً مثل محبت‌بندگان خدا که باید روزبه‌روز در دل قویتر و ریشه‌دارتر بشود. اگر به شیطان کینه و دشمنی نورزید، او می‌آید و راه شما به طرف خدا را سد خواهد کرد. این چیزی است که دیگر قابل جبران نیست. بنابراین، نسبت به اصل و تحلیل حادثه و آن سیه‌روهایی که این حادثه را راه انداختند، باید آحاد مردم از کوچک و بزرگ، بغض و کینه داشته باشند و آن را به یکدیگر نیز توصیه کنند.^۱

پیشگیری از نفوذ دشمن

آنچه امروز برای این ملت اهمیت دارد، این است که مسئولان کشور با همه‌ی قدرت و توان، شاخصهای اصلی را برای اصلاح امور کشور در

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم استان چهارمحال و بختیاری و جمعی از خواهران بسیجی شهرهای اصفهان، یزد، فومن و گروهی از طلاب پاکستانی ۱۳۶۸/۶/۸

نظر بگیرند؛ همان سه شاخص عمده‌ای که گفته شد: مبارزه‌ی با فقر، مبارزه‌ی با فساد، مبارزه‌ی با تبعیض. این اساس قضیه است. اگر فقر و فساد و تبعیض به وسیله‌ی مسئولان کشور تحمّل نشود؛ رضای الهی، توفیق الهی، هدایت الهی، شامل حال همه خواهد شد؛ گرچه باز خواهد شد. این ملت در میدان است؛ این ملت باوفاست؛ این ملت به قرآن دل داده است. اگر بخواهیم این کارها انجام گیرد، راهش این است که جلو نفوذ دشمن با کمال قدرت بسته شود. امام بزرگوار ما، قاعده‌ای پیش خودشان داشتند و بارها هم آن را بر زبان می‌آوردند. میگفتند هر جا که دیدید دشمنان سوگندخورده‌ی این ملت و این کشور، آنجا توجه و علاقه‌مندی نشان میدهند و از آنجا دفاع میکنند، به کار آنها سوءظن پیدا کنید. گاهی برای اینکه شخصیتی را خراب کنند، از او جانبداری میکنند. گاهی برای اینکه یک دست‌نشانده‌ی خود را بزرگ کنند، از او حمایت میکنند و جنگ روانی به راه می‌اندازند. خوشبختانه ملت ما سیاسی است؛ ملت ما هشیار و بیدار است و فریب این چیزها را نخواهد خورد.^۱

لزوم تبلیغات در جهت شکست تبلیغات دشمن

اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است. البته، اکثریت قاطع ملت و آحاد مردم ما، به برکت آگاهی ناشی از انقلاب، در مقابل تبلیغات دشمن بیمه هستند و مصونیت پیدا کرده‌اند. از بس دشمن دروغ گفت و چیزهایی را که در مقابل چشم مردم بود، به عکس و واژگون نشان داد و منعکس کرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته‌ها و بافته‌ها و یاوه‌گوییهای تبلیغات جهانی، بکلی سلب شده است.^۲

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم نایین و ایرده‌ی خراسان و جمعی از خانواده‌های شهدای تهران، گرگان و چهاردوونگه، اعضای جمعیت هلال احمر و خواهران دانشجوی دانشگاه اصفهان ۱۳۶۸/۶/۲۹

عدم نرمش در برابر پیشروی دشمن

دشمنی دشمنان و هیاهوی آنان نباید اراده‌ها را سست و دلها را مرعوب کند. ملت ایران نشان داده که میتواند بر دشمنی مانند ابرقدرتها در عرصه‌های مختلف پیروز شود و با استقامت و ایمان و مجاهدت، دشمن را از سر راه دور کند. خطای بزرگی است اگر کسی گمان کند که با نرمش و عقب‌نشینی میتوان دشمن را از پیشروی بازداشت. دشمن یعنی همان استکبار جهانی و به‌طور ویژه آمریکا و صهیونیسم، به چیزی کمتر از بازگرداندن وضع پیش از انقلاب یعنی سلطه‌ی کامل سیاسی و اقتصادی و قبضه کردن ایران و بر سر کار آوردن دست‌نشانده‌ای همچون محمدرضا پهلوی راضی نخواهد شد. ملت ایران باید با استقامت و قاطعیت خود آنها را برای همیشه مأیوس کند و خواهد کرد.^۱

تمرکز دشمن در نقاط حساس تبلیغی

عزیزان من! یکی از خدمت‌هایی که دشمنان ما به ما میکنند، همین است که به ما نشان میدهند در تبلیغ روی چه نقاطی باید متمرکز شویم. امروز اگر شما نگاه کنید، میبینید که همه‌ی دستگاه‌های تبلیغی دشمن دست به دست هم داده‌اند و تبلیغات خود را بر روی چند نقطه متمرکز کرده‌اند. در رأس آنها هم تبلیغات صهیونیست‌هاست. صهیونیست‌ها که عرض میکنیم، فقط مراد ما دولت صهیونیست غاصب نیست؛ او بخشی از مجموعه‌ی صهیونیست‌هاست؛ مجموعه‌ی صهیونیست‌هایی که سرمایه‌داران بزرگ کشورهای از جمله آمریکا را تشکیل میدهند و بر سیاست آن کشور مسلطند. امروز متأسفانه کشور آمریکا، دولت آمریکا، کنگره‌ی آمریکا، در زمینه‌های گوناگون- مالی، تبلیغاتی، فرهنگی و غیره- اسیر طلسم صهیونیست‌هاست. تبلیغات رسانه‌ای دنیا هم غالباً در اختیار اینهاست. این خبرگزاری‌های معروفی که شما میبینید، عمده‌شان در اختیار همین مجموعه‌اند. بعضی‌ها هم که متعلق به آنها نیستند، با آنها هم‌جهتند. اگر شما تبلیغات اینها را نگاه کنید، میبینید که در مورد کشور عزیز و

۱. پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی ۱۳۷۷/۱۱/۲۱

ملت بزرگ و قهرمان و درعین حال مظلوم ما، بر روی چند نقطه متمرکزند: اول، اختلاف و دوئیت و تفرقه است؛ همان داستان قدیمی «تفرقه بینداز، حکومت کن»؛ همان درد و بلای عمده‌ای که از قدیم در جان ملت‌ها می‌افتاده است. درصددند تفرقه ایجاد کنند، یا اگر هرچه تلاش کردند دیدند نمیتوانند تفرقه ایجاد کنند، شایعه‌ی تفرقه بیندازند.^۱

دشمنان تبلیغاتشان را میکنند. قوام مملکت و نظام اسلامی و این استقلال دیر یافته، به این است که شما مردم و شما جوانان، همان شور و احساس انقلابی را که در دوران جنگ و در آغاز انقلاب بود، با همان قدرت حفظ کنید. همان غیرت دینی، همان انگیزه و همان احساس حضور دشمن در جبهه‌ی مقابل را باید حفظ کنید. همچنان که بحمدالله، جوانان حفظ کردند.^۲

لرزش دشمن در برابر واحد امت اسلامی

اگر امت اسلامی به معنای واقعی کلمه‌ی امت تشکیل شود، استعمارگران و طمع‌ورزان و کسانی را که خواسته‌اند این منطقه را به نفع خودشان بفشردند و از آن بهره‌برداری کنند، بسیار میترسند. آنها میخواهند این اتفاق نیفتد.^۳

شک نیست که بی‌اعتنایی ملت‌های مسلمان در برابر این وضع، دشمن را تشویق میکند و صحنه را هر روز بر مؤمنین به اسلام تنگتر میسازد. مسلمانان باید نشان دهند که جهان اسلام دارای قدرت برخورد است و میتواند در برابر تجاوز و دشمنی آمریکا و هر متجاوز دیگری بایستد. همه‌ی لطمات جبران‌ناپذیری که تاکنون از سوی استعمارگران دیروز و مستکبران امروز به امت اسلامی وارد شده، عمدتاً ناشی از ضعف نفس و

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶/۱۰/۳

۲. بیانات در مراسم دیدار قشرهای مختلف مردم با معظم‌له ۱۳۷۱/۷/۲۹

۳. بیانات در دیدار میهمانان شرکت‌کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السّلام)

۱۳۸۶/۵/۲۸

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۹۳

ضعف روحیه‌ی دولتها یا ملت‌ها بوده است. ایستادگی ملت‌ها، دشمن را به ستوه می‌آورد و او را در رسیدن به هدف‌های متحیرانه‌اش ناکام می‌سازد.^۱

شجاعت و ایمان؛ عامل ناکام گذاشتن دشمن

دشمنی که با آن همه تجهیزات و پشتیبانی‌های بین‌المللی آمده بود، که امروز یواش‌یواش به آن اعتراف می‌کنند، مجبور شد ناکام از این مرزها عقب بکشد و ذلیل شود. این موفقیت بخاطر همین شجاعت‌ها و ایمان‌ها بود؛ اینها را باید زنده نگه دارید.^۲

شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخص‌ها

شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخص‌هاست. در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملت‌هایی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده‌ی علت این بود که مسئولان-پیشروان قافله‌ی ملت- شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آحاد مردم عناصر مؤمن، فعال، فداکار، آماده‌ی به جان‌بازی هستند، متنها مسئولین و رؤسا وقتی خودشان این آمادگی را ندارند، نیروهای آنها هم از بین می‌رود و این ظرفیت هم نابود می‌شود. آن روزی که شهر اصفهان در دوره‌ی شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل‌عام شدند و حکومت باعظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسینها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی‌کنند، در مردم خودشان احساس توانایی و قدرت نمی‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود.^۳

۱. پیام به حجّاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۱/۳/۱۳

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۸۱/۶/۲۴

۳. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴

مبارزه‌ی با سلطه هم یکی از وظایف دولت اسلامی است. نظام سلطه، نظامی است که مثل بختک سنگینی روی پیکر جامعه‌ی بشری می‌افتد و افتاده است. و او را نابود میکند و از بین میبرد. این نظام سلطه دو طرف دارد؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. با این نظام باید مبارزه کرد. مبارزه‌اش هم با شمشیر نیست؛ مبارزه‌اش با عقل، با کار حرفه‌ای سیاسی، و با شجاعت در میدانهای لازم و متناسب خودش است.^۱

اینها از اسلام میترسند. اینها از اسلام سیلی خورده‌اند. اینها از اسلام و مسلمانان مؤمن و منخلص و مبارز، در ذهن خودشان خاطره‌ی تلخ دارند. لذا از اول انقلاب، با نظام جمهوری اسلامی مقابله و مبارزه کردند و انواع و اقسام توطئه‌ها را به کار بردند، که یکی از خبیثت‌آمیزترین کارها این بود که همسایه‌ی ما را روزبه‌روز بیشتر و پیچیده‌تر تجهیز کنند و به جان جمهوری اسلامی بیندازند. شما ملت ایران، آن غائله را ختم کردید. شجاعت شما (ملت) بود که دشمن را وادار به ختم غائله کرد.^۲

منع هراس از دشمن

بنده میبینم دشمن میخواهد با ترساندن، کار خودش را پیش ببرد. ما به اتکای قدرت الهی که مجسم در قدرت ملت بزرگ ماست، از دشمن مستکبر متکبر، نمیترسیم. معتقدیم کاری نمیتواند بکند. «ان کید الشیطان کان ضعیفاً». این، قرآن است. قرآن را باید باور کرد. کید شیطان، ضعیف است. اگر روزی در قرآن این را میخواندیم و از روی ایمان و تعبد، فقط قبول میکردیم، خدایا تو شاهده‌ی که امروز این را از روی تجربه هم قبول کرده‌ایم. تجربه هم همین را نشان میدهد. اگر شیطان ضعیف نبود، جمهوری اسلامی را تحمل نمیکرد. ببینید چقدر با جمهوری اسلامی دشمنند. میبینید که «قد بدت البغضاء من أفواههم»^۳. رئیس‌جمهور آمریکا را

۱. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

۲. بیانات در دیدار با ائمه‌مختلف مردم و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران،

در سالروز میلاد حضرت علی(ع) ۱۳۶۹/۱۱/۱۰

۳. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۱۸

ببینید! آن وزیر امور خارجه‌ی بدشکلش را ببینید! راجع به جمهوری اسلامی که حرف میزنند، نفرت و بغض و دشمنی ملت ایران و جمهوری اسلامی، از سر و صورتشان میبارد. اما چرا با این همه نفرت، نمیتوانند هیچ غلطی بکنند؟ چرا؟ علت چیست؟ چه دلیلی دارد؟ کی شما را نگه داشته است؟ کی مانع از ضربه زدن آنها شده است؟ کی مانع شده است از اینکه محاصره‌ی اقتصادی کامل و تام و تمامی بکنند و به تعبیر خودشان، پدر ملت ایران را دریاورند؟ آن وقت بعضی از این آدمهای ساده‌لوح ضعیف‌النفس هم، همینها را تکرار میکنند که «آقا! پدر ملت ایران را درمی‌آورند!» غلط میکنند! مگر میتوانند پدر ملت ایران را دریاورند؟! اینها کسانی هستند که ملت ایران پدرشان را درآورده است. بنابراین، ضعف دارند. قدرت آنچنان ندارند. البته، شرطش این است که ملت ایران، همینطور که بحمدالله تا امروز در صحنه بوده است، در صحنه باشد. شرطش این است که خناسها و وسواسها نیفتند توی مردم، دل آنها را خالی کنند که «آقا چنین شد، آقا چنان شد. آقا میزنند، آقا میبرند.» نه آقا! این حرفها چیست؟! ما یک ملت قوی و مستحکم هستیم. ما که فلان کشور دو، سه میلیونی فلان گوشه‌ی آفریقا نیستیم که هر غلطی دلشان خواست، بتوانند با ما بکنند. ما ملتی در مرکز مدنیت تاریخی دنیا، و امروز هم در سر یک چهارراه مهم از چهارراههای جهانی هستیم.^۱

وحدت و قاطعیت ملی عامل مقابله با دشمن

امروز تحلیلگران سیاسی در سرتاسر عالم، اعتراف میکنند که ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، از لحاظ قدرت و قوت و ثبات، نسبت به سالهای پیش، اگر جلوتر و قویتر نباشد، عقبتر و ضعیفتر نیست. علت این اعتراف، رشد و آگاهی و اراده و تصمیم آگاهانه‌ی ملت ایران در اثبات قوام جمهوری اسلامی است. با این حرکت و حضور مردم در

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت «روز ملی مبارزه با استکبار»

مراسم عزاداری و اظهار وفاداری به امام عزیز و نظام جمهوری اسلامی، و با این وحدت و همدلی و هماهنگی و صفا که در این ایام بین تمام اقشار دیده شد، و با این شجاعتی که در برخورد با حادثه‌ی فقدان امام راحل از همه‌ی مردم مشاهده گردید، دشمن جرأت نکرد در مقابل قاطعیّت و اراده‌ی ملی و اسلامی ملت ایران، دست از پا خطا کند.^۱

باج ندادن به قدرتها

جمهوری اسلامی ایران قصد باج دادن به قدرتهای بزرگ را ندارد و ثابت هم کرده است که به هیچ قدرتی باج نخواهد داد و مرعوب هیچ قدرتی نخواهد شد. بنابراین، هیچگاه برای جلب محبت یا همکاری قدرتهای زورگوی عالم، از مواضع بحق خودمان تنزل نخواهیم کرد. ما این اراده را در طول ده سال گذشته نشان داده‌ایم، و امام فقید عزیز بزرگ ما که مظهر تبلور نظام جمهوری اسلامی و مظهر صلابت و مقاومت در مقابل زورگوییها بود، قاطعانه در برابر باج‌خواهیهای دشمن می‌ایستاد و مرعوب آنها نمیشد.^۲

عزت در برابر دشمنان

یک ملت اگر احساس عزت کرد، پیشرفت خواهد کرد و خواهد بالید؛ اما اگر توسری خورد، استعدادها در او خفه خواهد شد. عزت ملی و آنچه را که امروز به آن غرور ملی گفته میشود- البته تعبیر «غرور» با توجه به معنای لغوی‌اش خیلی رسا نیست، اما رایج است- باید در ملت تقویت کرد تا احساس عزت و توانایی کند. آنچه مایه‌ی عزت یک ملت است، مثل تراث عظیم فکری و فرهنگی و علمی در مقابل چشم آنها قرار میگیرد؛ شخصیت‌های برجسته‌شان، گذشته‌ی روشنشان، استعداد والایشان.^۳

۱. بیانات در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش، معلمان و دانش‌آموزان تهران ۱۳۶۸/۳/۲۶

۲. بیانات در مراسم بیعت وزارت اطلاعات و پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی ۱۳۶۸/۳/۳۰

۳. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

وحدت و الفت دلها نقطه‌ی مقابل القاء دشمن

هر چه می‌توانید، همان سکینه‌ای را که خدای متعال در زمان پیامبر، در جنگ بدر و در جنگ حنین و در قضایای گوناگون، بر دل‌های مؤمنین نازل کرد، با آیات الهی در دل‌های مؤمنین مستقر کنید. دشمن می‌خواهد مردم را مضطرب کند. یکی از راه‌های سکینه و اطمینان، وحدت و الفت دلهاست. وحدت ملت، وحدت قشرهای مختلف، آشنایی دلها با یکدیگر و محبت انسانها به هم، درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن می‌خواهد القاء کند. دشمن می‌خواهد بگوید که مردم، مسئولان، قشرها و جناح‌های مختلف به خون هم تشنه‌اند. این واقعیت ندارد. هرکس امروز طوری عمل کند، طوری مشی کند و به‌گونه‌ای حرف بزند که معنایش این باشد که در بین قشرهای ملت اختلاف است و در بین جناح‌های مختلف، اختلاف‌های عمیق و نفرت‌آور هست، یقیناً به دشمن کمک کرده است و یقیناً خدمت به دشمن است. بعضیها ساده‌لوحانه عملشان، حرف و اظهاراتشان اینگونه است! البته اختلاف سلیقه، اختلاف مذاق- همانطور که امام بارها میفرمودند- مثل اختلاف دو هم‌مباحثه‌ای است که سر یک مسأله با هم اختلاف دارند. مباحثه است؛ با هم می‌گویند، بحث میکنند، دعوا میکنند؛ اما رفیقند و دل‌هایشان به هم نزدیک است. در مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی هم همینطور است و باید همینگونه باشد.^۱

تأثیر هنر در مقابله با دشمن

بیان هنری شرط اصلی است؛ کما اینکه خطبه‌ی حضرت زینب در شهر کوفه و شهر شام، از لحاظ زیبایی و جذابیّت بیان، آیت بیان هنری است؛ طوری است که اصلاً هیچکس نمیتواند این را نادیده بگیرد. یک مخالف یا یک دشمن وقتی این بیان را می‌شنود، مثل تیر برنده و تیغ تیزی، خواهی‌نخواهی این بیان کار خودش را میکند. تأثیر هنر به خواست کسی که مخاطب هنر است، وابستگی ندارد. او بخواد یا نخواهد، این اثر را خواهد گذاشت. حضرت زینب علیها السلام و امام سجّاد در

۱. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۷/۹/۲۳

خطبه‌ی شام و در بیان رسا و بلیغ و شگفت‌آور مسجد شام این کارها را کردند. شما هم دارید این کار را می‌کنید.^۱

طنز صادق و دلسوزانه باید همه‌ی نقاط معیوب، بخصوص آنها را که کمتر به چشم می‌آیند و آنها که بیشتر به علم و اطلاع همگان از آن نیاز هست، هنرمندانه ببیند و بنمایاند. امروز جامعه و نظام انقلابی ما با دشمنانی روبه‌روست که همه‌ی ابزارهای محسوس و نامحسوس را برای ضربه زدن و جریحه‌دار کردن مردم و نظام و انقلاب به کار می‌برند. برای آگاه کردن ذهن مردم از خدعه‌ی دشمن، چه وسیله‌ای از طنز هنرمندانه و شیرین و زیرکانه، بهتر و کاریت‌ر؟^۲

توجه به بهره‌وری سلاح دشمن در هنر

انقلاب آن وقتی میتواند خودش را در قالب هنر بیاورد، که هنرمند خودی داشته باشد و خودش هنرمند را پرورش بدهد. البته یک عده از جوانان دارند این کارها را میکنند؛ خیلی هم خوب است؛ شما هم در هر جا و به هر شکل هستید، این کار را بکنید. به برآیی این سلاح توجه کنید. به بهره‌وری فراوان دشمن انقلاب از این سلاح توجه کنید. به اینکه مفاهیم انقلاب، خوب میتوانند در قالب هنرهای گوناگون واقع بشوند، توجه کنید و احساس نمایید که این یک ارزش است.^۳

سرمایه‌گذاری دشمن بر روی هنر

اینکه شما می‌بینید سیاستهای استعماری، علیه انقلاب و علیه همه‌ی ارزشهایی که آنها با آن بدند، اینقدر روی هنر سرمایه‌گذاری میکنند، به علت همین کارایی هنر است. شما بیرون بروید و شروع کنید به نقل کردن: بله، فلان‌جا بودیم، کسی اینطور شعری خواند، کسی اینگونه

۱. بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت ۱۳۸۴/۶/۳۱

۲. پاسخ به نامه‌ی آقای کیومرث صابری، مدیر مسئول مجله‌ی گل‌آقا ۱۳۷۰/۴/۲۷

۳. بیانات در دیدار با اعضای کنگره‌ی شعر حوزه ۱۳۷۰/۷/۱۵

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۲۹۹

گفت، کسی اینطور نشسته بود؛ اصلاً ممکن نیست آنطوری که هست، انعکاس پیدا کند؛ آن شخص، فقط خبری میشوند. اما با زبان هنر میتوان همین جلسه را منعکس کرد؛ به طوری که اگر مثلاً عکاس هنرمندی از زوایای خوبی از این جلسه عکس بردارد یا فیلم تهیه کند، بعد کسی که آن عکس یا فیلم را نگاه میکند، اگر صاحب‌نظر و صاحب‌ذوق و ریزبین باشد، چیزهایی را خواهد دید که ماها الآن شاید متوجه آنها نباشیم؛ مثلاً اینجا چند لباس فلان رنگ وجود دارد و کدام رنگها پهلوی هم نشسته‌اند. ببینید، اینها استتجاهایی است که ما که در اینجا نشسته‌ایم، اصلاً از آن غافلیم؛ اما نگاه هنرمند آن را فوراً حس میکند و میفهمد. برادران! اگر اینطور است، پس بدانید که ما این سلاح را آنچنان که باید، درست به دست نگرفته‌ایم. البته کشور و سرزمین ما، سرزمین هنر است؛ یعنی هنر جهانی از هزار سال پیش به این طرف، در مجموع مدیون سرزمین ماست، مدیون زبان فارسی است، مدیون هنرمندان ایرانی است؛ لیکن ما این سلاح را در اختیار نگرفته‌ایم. علت هم این است که عده‌ای بودند، هنرمند هم بودند، صاحب جوهر هم بودند، اما نتوانستند خودشان را با انقلاب تطبیق بدهند؛ چون هنرمندی به معنای بقیه‌ی خصال خوب که نیست. ای بسا هنرمندی که هنرش خیلی بالاست، اما آدم پست و حقیر و بد و فاسق و فاسد و خیانتکاری است. از این قبیل زیاد داشتیم، الآن هم داریم و جلوی چشممان فراوان قرار دارند.^۱

پیامهای دشمن به کمک ابزار هنر

امروز آن کسانی که پیامی برای مردم دارند؛ چه پیام رحمانی، چه پیام شیطانی- فرق نمیکند- بهترین وسیله‌ای که در اختیار میگیرند، وسیله‌ی هنر است. لذا شما میبینید به کمک هنر، امروز در دنیا باطلترین حرفها را در ذهن یک مجموعه‌ی عظیمی از مردم به صورت حق جلوه میدهند که بدون هنر امکان نداشت، اما با هنر و به کمک ابزار هنر این کار را میکنند. همین سینما، هنر است؛ همین تلویزیون، هنر است؛ انواع و اقسام

۱. بیانات در دیدار با اعضای کنگره‌ی شعر حوزه ۱۳۷۰/۷/۱۵

شیوه‌های هنری را به کار میگیرند برای اینکه بتوانند یک پیام باطل را به شکل حق به ذهنها منتقل کنند. بنابراین هنر اینقدر اهمیت پیدا کرده است. منتها ما مسلمانها و بخصوص ما شیعیان، امتیازی داریم که دیگر ملیتها و ادیان این امتیاز را به قدر ما ندارند و آن عبارت است از اجتماعات دینی که به شکل روبه‌رو، چهره‌به‌چهره، نفس‌به‌نفس تشکیل میشود که این را در جاهای دیگر دنیا و در ادیان دیگر کمتر میشود پیدا کرد. هست؛ نه به این قوت، نه به این وسعت، نه به این تأثیرگذاری و محتوای راقی.^۱

لزوم کار فرهنگی در مقابله با تبلیغات دشمن

وقتی خلأ نبود و پاسخ فکری به‌طور مناسب داده شد و معضلات ذهن مخاطبین به شکل حکیمانه‌ای حل گردید و گرهها باز شد، دشمن چه کار میتواند بکند؟ تبلیغ دشمن چه تأثیری میتواند ببخشد؟ حرف درست اینجاست. وقتی خلأ بود، دشمن همه کار میتواند بکند و در خانه‌ی ما هم میتواند نفوذ کند و جوانان ما را ببرد و بعد ما باید بدویم تا به او برسیم. نباید بگذارید چنین وضعی پیش آید.^۲

عوامل استکبار، امروز فیلم بد درست میکنند، نوار بد درست میکنند، حرفهای بد درست میکنند، شعر بد میگویند، داستان بد مینویسند و این همه را، در داخل کشور، بین نوجوانان، جوانان و مردم عادی پخش و منتشر میکنند و یا از طریق ماهواره، رواج میدهند. این مورد اخیر- ماهواره- واقعاً گنداب فساد است که تیرهای زهرآگین خود را به سمت ملتها و کشورها هدفگیری میکند. بحمدالله سال گذشته، مجلس شورای اسلامی، با حسن فهم قضیه، ماهواره را ممنوع کرد. با این همه، اگر در جامعه، به دستور اسلام و فرموده‌ی قرآن عمل شود، هیچ‌کدام از

۱. بیانات در دیدار جمعی از مدآحان و ستایشگران اهل بیت (علیهم‌السلام) ۱۳۸۷/۴/۴

۲. بیانات در دیدار جمع زیادی از روحانیون، فضلا و مبلغان اسلامی در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۴/۱۰/۲۷

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۳۰۱

ابزار و عوامل فساد، نمیتواند کمترین اثری بکند. به معنای دقیقتر، توجه از جوانب مختلف و امر به معروف و نهی از منکر، نمیگذارد دشمن پیروز شود. این است که جامعه‌ی اسلامی، یک جامعه‌ی ماندگار است. این است که «إِنَّا نَحْنُ الذَّكْرُ وَ إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ»^۱. این است که «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»^۲. این است که «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ»^۳ اینها تعارف نیست که خدا با ما کرده است. حال، قدرتمندان دنیا عربده بکشند و علیه نظام جمهوری اسلامی تهمت بزنند. بحمدالله اینجا بنای مستحکمی است. بنایی است که هر کس با آن زورآزمایی کند، دست و پنجه‌ی خودش را زخمی و مجروح خواهد کرد. امروز همه‌ی عوامل بقا و حیات، در نظام اسلامی هست. کسانی هم که گاهی اوقات نسبت به بعضی از کارهای دینی و شعارهای اسلامی، اعتراض دارند و نق میزنند که «آقا؛ شما هم دیگر شورش را درآوردید! دائم راجع به ارزشهای اسلامی میگویید! فلان شعار دیگر چیست و فلان کار دیگر کدام است؟!» در واقع حرف دشمن را تکرار میکنند. دشمن مایل نیست که اسلام به‌طور کامل پیاده شود؛ چون اگر اسلام به‌طور کامل پیاده شد، آسیب‌ناپذیر میگردد. حال، برای اینکه آسیب‌پذیر شود، باید چه‌کار کنند؟ باید ناقصش کنند. باید یک گوشه‌اش را نگذارند عمل شود. مثلاً نسبت به «لایحه‌ی قصاص» و «قانون مجازات»، جنجال‌آفرینی کنند.^۴

زیرساختهای اقتصادی مورد هجوم دشمن

ما در سند چشم‌انداز- که یک سند اساسی بالادستی مهم و مرجع است- برای کشورمان رتبه‌ی اول را در بخشهای مهم و حیاتی و اساسی پیش‌بینی کردیم؛ باید به این رتبه برسیم. خوب، دیگران طبعاً نمی‌ایستند تا ما برویم اول بشویم؛ دیگران هم دارند کار میکنند، تلاش میکنند. ما

۱. سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۹

۲. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰

۳. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹

۴. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه‌ی «ماه محرم» ۱۳۷۵/۲/۲۶

شاهد تلاش و تحرک شدید اقتصادی برخی از کشورهایی هستیم که در همین حوزه‌ی اوّل شدن ما واقع هستند. البته ما از بعضی از ابزارهایی که آنها استفاده میکنند، استفاده نمیکنیم و نخواهیم کرد؛ ما نظیفتر و شریفتر و نجیبانه‌تر حرکت میکنیم؛ اما معتقدیم میشود به آن مرحله‌ی اوّل رسید، اگر سرعت را بیشتر و منضبط‌تر بکنیم. لذا این احتیاج دارد به جهاد. هم باید شتاب باشد، هم باید تدبیر باشد تا بتوانیم به این رتبه‌ی اوّل برسیم. این رتبه‌ی اوّل بودن هم فقط یک هوس نیست که بگوییم اوّل بشویم؛ نه، این بخاطر این است که سرنوشت ملت‌ها امروز به این وابسته است. اگر یک کشوری نتواند از لحاظ اقتصادی، از لحاظ علمی، از لحاظ زیرساخت‌های پیشرفت، خودش را تأمین کند و رشد پیدا کند، بیرحمانه مورد تطاول قرار خواهد گرفت. ما نمیخواهیم مورد تطاول قرار بگیریم. دو‌یست سال کشور ما مورد تعرض و تطاول قرار گرفته. ضعف دستگاه‌های سلطنتی بی‌عرضه‌ی نالایق فاسد دنیاطلب، و نشاطی که در طرف مقابل وجود داشت، باعث این تطاول شد. از سال ۱۸۰۰ انگلیسها اوّل‌بار در دستگاه سیاسی کشور ما وارد شدند و دخالت کردند و نفوذ کردند و یارگیری کردند و همراه آنها یا قریب به آنها، بعضی از کشورهای دیگر اروپایی هم در این مدت همین کار را کردند. سال ۱۸۰۰ که اوّلین سفیر انگلیس وارد کشور شد. که از هند هم آمد؛ یعنی آن وقتی بود که حکومت هند در اختیار انگلیسها بود و نایب‌السلطنه در آنجا بود. از همان بوشهر که از کشتی پیاده شد، شروع کرد به رشوه دادن و خریدن افراد، و راحت توانست افراد را خریداری کند. این همه شاهزاده و امیر و اسمهای دهن‌پرکن، همه در مقابل هدایای این آقا خاضع و تسلیم شدند! روند تطاول دشمنان در این کشور، از آن زمان شروع شد. این خاک نرم و خاکریز بی‌بنیاد ملی آن روز اجازه داد دشمن نفوذ کند، و نفوذ کردند. ما نمیخواهیم دیگر این ادامه پیدا کند. انقلاب یک سدّ پولادینی در مقابل اینها درست کرده. ما میخواهیم این سد را مستحکم‌تر کنیم. به هیچ قیمتی اجازه ندهیم اینها در اقتصاد ما، در فرهنگ ما، در سیاست ما، در سرنوشت و مقدرات ما دخالت کنند؛ این

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۳۰۳

احتیاج دارد به اینکه استحکام درونی و داخلی پیدا کنیم. این استحکام درونی، یکی از پایه‌های مهمّش «اقتصاد» است. بنابراین، اینکه می‌گوییم اوّل بشویم، بخاطر این است؛ نه بخاطر اینکه حالا یک هوسی است که ایران در منطقه اوّل بشود؛ نه، سرنوشت ملت به این وابسته است. بنابراین، تلاش مستمر، هوشمندانه، مخلصانه و اثرگذار، که طبعاً همه‌ی ظرفیت کشور هم باید در آن به کار گرفته شود، در این زمینه مؤثر است.^۱

لزوم تحمل سختیها در مقابل چالش‌آفرینی دشمن

آنچه برای یک انسان اهمّیت دارد، این است؛ موقّیت در این دنیا، چشم‌انداز خوب و در نهایت چشم‌انداز رضوان الهی و بهشت الهی است. این با مجاهدت به دست می‌آید، با صبر به دست می‌آید، با پرهیزکاری و پاکدامنی به دست می‌آید و با تلاش خستگی‌ناپذیر به دست می‌آید. در مقابل چالش‌هایی که دشمن آفریده، انسان سختی‌هایی را تحمل میکند؛ اما قرآن به ما می‌گوید از این سختی‌ها نترسید: «ان تکنونوا تألّمون فإنّهم یألّمون کما تألّمون»^۲؛ اگر شما از ناحیه‌ی آسیب دشمن رنجی را تحمل میکنید، دشمن هم از ناحیه‌ی مقاومت، صبر و رشادت شما رنج‌هایی را تحمل میکند؛ اما با این فرق: «و ترجون من الله ما لا یرجون»^۳؛ چشم‌انداز برای شما چشم‌انداز روشن است، اما برای دشمن نه. مسأله‌ی شهادت و مسأله‌ی جهاد در اسلام این است: تلاش از همه سو سود، بدون زیان؛ تلاش صادقانه‌ای که به زندگی انسان معنا میدهد؛ جهت حرکت انسان را معین میکند؛ چشم‌انداز آینده‌ی زندگی را بعنوان یک ملت، چشم‌انداز روشن و تابناکی میکند و چشم‌انداز سرنوشت نهایی انسان را بعنوان یک فرد، رضوان الهی قرار میدهد؛ این جهاد و شهادت اسلام است؛ هیچ چیز جای این را نمی‌گیرد.^۴

۱. بیانات در دیدار فعالان و برگزیدگان بخشهای اقتصادی ۱۳۹۰/۵/۲۶

۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۰۴

۳. همان

۴. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۸

ناتوان بودن دشمن در برابر شهادت و شهادت‌طلبی

دشمنان نمی‌دانند قدرتی وجود دارد که بالاتر از قدرت سلاح آنهاست و آن قدرت ملت‌هاست، قدرت انسان‌هاست. هر ملتی که به یک مبدأ و به یک منطق و به یک مبنای فکری اعتقاد داشته باشد و با عزم راسخ پای آن منطق بایستد، هیچ قدرتی - چه قدرت اتمی و چه بالاتر و پایبتر از اتم - نمیتواند مقهورش کند. اینها قدرت ملت‌ها و قدرت خداوند قادر متعال را که پشت سر اراده و عزم و اقدام ملت‌هاست دست‌کم گرفته‌اند: «کلا نمدهؤلاء و هؤلاء»^۱ هر گروهی برای اهدافی که به آن ایمان دارد کار کند، خدای متعال کمک و مددش خواهد کرد. اگر گروهی مؤمن به خدا باشد، آن وقت در آویختن با آن و شکست دادنش ده برابر مشکلتر هم میشود؛ مگر آسان است؟! هر کس با این نیرو - نیروی ملت‌ها و انسان‌ها - درافتاد خرد میشود. آمریکا هم خرد خواهد شد. اینها میخواهند قدرت مقاومت ملت فلسطین را نابود کنند و نمیتوانند. خوب؛ حالا بالاخره چه خواهد شد؟ این حادثه‌ای که امروز اتفاق افتاده است، ظواهری دارد و بواطنی. ظواهرش همین است که گفتیم: گروهی با زور و سرنیزه و تفنگ و تانک و پشتیبانی سیاسی آمریکا به جان زن و مرد و پیرزن و کودک و غیره افتاده است. آنها را میکشد، خانه‌شان را ویران میکند، دستبند به دستشان میزند، تحقیرشان میکند؛ آنها را با اهانت از خانه و زندگیشان دور میکند، خانواده‌ها را آواره میکند. این ظاهر قضیه است. اما باطن قضیه این است که همین قدرت به‌ظاهر مسلط، در درون خود ذوب میشود، آب میشود. ملت فلسطین تصمیم گرفته است؛ سازمان‌های مبارز فلسطینی اعم از سازمان فتح، سازمان حماس، جبهه‌ی خلق، جهاد، حزب‌الله و دیگران، دستشان را روی هم گذاشته و تصمیم گرفته‌اند. همه به یک نتیجه رسیده و راه فداکاری را پیدا کرده‌اند؛ فهمیده‌اند که راه نجات فلسطین آماده شدن برای فداکاری است. شهادت را تجربه کرده و فهمیده‌اند که دشمن در مقابل شهادت و شهادت‌طلبی و نترسیدن از مرگ ناتوان است.^۲

۱. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۰

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۱/۱۶

ناکامی دشمن در کمرنگ کردن ارزشهای اسلامی

همه‌ی سعی دولت محترم و خدمتگزار، این باشد که ارزشهای اسلامی را هر چه بیشتر در جامعه زنده کند. بالاترین ارزش هم، ارزش تقواست. تقوا عاملی است که ما را در راه اسلام حفظ میکند. تقوا یعنی اینکه مواظب خود باشیم. این امر به گروه خاصی اختصاص ندارد و هر فردی را در هر جا که هست و هر عضوی از اجزای دولت را- از اجزای عالی رتبه تا کارمندان معمولی- دربر میگیرد. هر فردی از آحاد مردم، در هر جای کشور که زندگی میکند، مراقب باشد که از جاده‌ی اسلام تخطی نکند. اسلام وعده‌ی نصرت داده است. قرآن وعده‌ی پیشرفت و موفقیت در همه‌ی ابعاد زندگی داده است و دنیا و آخرت ملت را آباد میکند. همچنان که به فضل پروردگار، در همین مدت کوتاه که اسلام در این کشور حاکم شده است، کارهایی برای زندگی مردم انجام شده که قابل مقایسه با دوران گذشته نیست. خدماتی که در این مدت به طبقات محروم شده است، با آنچه قبل از پیروزی انقلاب انجام گرفته، قابل مقایسه نیست و این همه، با وجود همه‌ی مشکلاتی صورت گرفته است که علیه این کشور به وجود آورده‌اند. راه اسلام، راه سعادت است و ملاک پایبندی به اسلام، رعایت تقواست. این امر را هر کسی در عمل شخصی خود میتواند بفهمد و مواظب خود باشد. تقوا این است. برادران و خواهرانی که در گوشه و کنار این کشور هستید! مراقب باشید که از آنچه رضای خدا در آن است، تخطی نکنید. تابع شهوات نفس نشوید، تا راه خدا را گم نکنید. مسئولین کشور هم این مسأله را رعایت کنند. قوای محترم مقننه، قضائیه و مجریه که بحمدالله در این راه هستند، به رعایت تقوا بکوشند. شما در هیچ جای دنیا نمیتوانید دولتمردان، رجال و مسئولینی با این تقوا و طهارت و پاکیزگی که در جمهوری اسلامی هستند، پیدا کنید. همه همین راه را بایستی ادامه دهند. این راه، راه پیروزی است. دشمن در همه‌ی آزمایشهای خود علیه اسلام و مسلمین، ناکام شده است و باز هم ناکام خواهد شد.^۱

۱. بیانات در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۷۳/۶/۴

ایستادگی و تمسک به آرمانها و اصول تنها راه مقابله با دشمن

ملت ایران یک راه علاج دارد و همان راه علاجی است که تا امروز دنبال کرده و آن، ایستادگی و تمسک به آرمانها و اصول خود و حضور در صحنه است. من آن روز به ملت عزیزمان عرض کردم، الآن هم عرض میکنم: ملت بزرگ ایران! بدانید اگر ایستادگی و حضور شما در صحنه نبود، نظام جمهوری اسلامی و هیچکدام از مسئولان، یک سال هم نمیتوانستند مقاومت کنند. اراده‌تان را مستحکم نگه دارید و حضور و وحدت خود را حفظ کنید. میبینیم و میدانیم که ملت ایران تا امروز همینطور عمل کرده است، بعد از این هم همینگونه خواهد بود؛ ملت ما ملت ممتازی است. در کنار این، باید مسئولان با کارآمدی و هوشیاری، تلاش عالمانه و دلسوزانه داشته باشند و مشکلات را یکی پس از دیگری حل کنند و این راه نیمه‌رفته را به پایان برسانند. هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اقتصادی، این ملت باید روزبه‌روز خود را قویتر کند؛ این راه علاج ملت ایران است. بخشی از این کار به دست مردم است. که مردم عمل کرده‌اند و به فضل و حول و قوه‌ی الهی بعد از این هم عمل خواهند کرد. بخشی هم بر عهده‌ی مسئولان است که باید وظایف خود را درست بشناسند و عمل کنند. در این صورت دشمنیها دیگر اثر نخواهد کرد. البته بیگانگان فشار اقتصادی و سیاسی می‌آورند، اما بیفایده است. در کوتاه‌مدت ممکن است فشار اقتصادی علیه ملت ایران باشد، اما خودشان هم میدانند که در بلندمدت، هم به نفع ملت ایران است و هم به ضرر آنهاست. همین فشارها ملت ایران و دانشمندان و جوانان بااستعداد ما را به پیمودن راههای علمی و کشف راههای علمی پیچیده و دور از دسترس کشاند؛ بنابراین فشار اقتصادی تأثیری ندارد. تا شما در صحنه هستید، فشار سیاسی هم تأثیری ندارد. این ملت تلاش بزرگ و مجاهدت عظیمی کرده است؛ خدای متعال هم طبق وعده‌ی خود به این ملت پاداش داده است: استقلال و نظام اسلامی. خداوند عاقبت خوشی برای شما مقرر کرده است و ان‌شاءالله به این عاقبت خواهید رسید.^۱

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

ایستادگی در برابر تحمیل انحرافات دشمن

دنیای امروز، دنیای دروغ، دنیای زور، دنیای شهوترانی و دنیای ترجیح ارزشهای مادی بر ارزشهای معنوی است. این دنیاست! مخصوص امروز هم نیست. قرن‌هاست که معنویت در دنیا رو به افول و ضعف بوده است. پول‌پرست‌ها و سرمایه‌دارها تلاش کرده‌اند که معنویت را از بین ببرند. صاحبان قدرت، یک نظام و بساط مادی‌ای در دنیا چیده‌اند که در رأسش قدرتی از همه دروغ‌گوتر، فریبکارتر، بی‌اعتناتر به فضایل انسانی و نسبت به انسانها بیرحمت‌تر مثل قدرت آمریکا است. این می‌آید در رأس و همینطور، می‌آیند تا مراتب پایینتر. این، وضع دنیا است. انقلاب اسلامی، یعنی زنده کردن دوباره‌ی اسلام؛ زنده کردن «ان اکرمکم عندالله اتقیکم». این انقلاب آمد تا این بساط جهانی را، این ترتیب غلط جهانی را بشکند و ترتیب جدیدی درست کند. اگر آن ترتیب مادی جهانی باشد، معلوم است که شهوترانهای فاسد روسیاه و گمراهی مثل محمدرضا باید در رأس کار باشند و انسان بافضیلت منوری مثل امام باید در زندان یا در تبعید باشد! در چنان وضعیتی، جای امام در جامعه نیست. وقتی زور حاکم است، وقتی فساد حاکم است، وقتی دروغ حاکم است و وقتی بی‌فضیلتی حاکم است، کسی که دارای فضیلت است، دارای صدق است، دارای نور است، دارای عرفان است و دارای توجه به خداست، جایش در زندانها یا در قتل و مذبوح یا در گودال قتلگاههاست. وقتی مثل امامی بر سر کار آمد، یعنی ورق برگشت؛ شهوترانی و دنیاطلبی به انزوا رفت، وابستگی و فساد به انزوا رفت، تقوا بالای کار آمد، زهد روی کار آمد، صفا و نورانیت آمد، جهاد آمد، دلسوزی برای انسانها آمد، رحم و مروت و برادری و ایثار و از خودگذشتگی آمد. امام که بر سر کار می‌آید، یعنی این خصلتها می‌آید؛ یعنی این فضیلتها می‌آید؛ یعنی این ارزشها مطرح میشود. اگر این ارزشها را نگه داشتید، نظام امامت باقی میماند. آن وقت امثال حسین بن علی علیه السلام، دیگر به مذبوح برده نمیشوند. اما اگر اینها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه‌ی بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی، به فکر تجملات شخصی

خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مؤمن را، جوان بااخلاص را- که هیچ چیز نمیخواهد جز اینکه میدانی باشد که در راه خدا مجاهدت کند- در انزوا انداختیم و آن آدم پرروی افزون‌خواه پرتوقع بی‌صفای بی‌معنویت را مسلط کردیم چه؟ آن وقت همه چیز دگرگون خواهد شد. اگر در صدر اسلام فاصله‌ی بین رحلت نبی اکرم ﷺ و شهادت جگرگوشه‌اش پنجاه سال شد، در روزگار ما، این فاصله، خیلی کوتاهتر ممکن است بشود و زودتر از این حرفها، فضیلتها و صاحبان فضایل ما به مذبج بروند. باید نگذاریم. باید در مقابل انحرافی که ممکن است دشمن بر ما تحمیل کند، ایستاد.^۱

جز با ایستادگی پارسایانه و شجاعانه در مقابل دشمن، امکان‌پذیر نیست. دشمن لحظه‌ای غافل نیست و هر کاری بتواند میکند. من بارها گفته‌ام دشمنان جهانی ما، هیچ متنی بر ملت ایران ندارند که بگویند ما میتوانستیم فلان ضربه را به شما بزنیم و نزدیم؛ نه. هر ضربه‌ای که نزدند، نمیتوانستند! نتوانستن که فقط نداشتن مهمات نیست. هزار گونه مانع و مشکل داشتند که نمیتوانستند. از عکس‌العملش و از مشکلات منطقه‌ای ترسیدند؛ لیکن هیچ وقت هم غافل نبودند از اینکه بتوانند ضربه‌ای را وارد کنند که کاری و مؤثر باشد. امتحان هم کردند، دیدند که برای این ملت، ضربه‌ی کاری وجود ندارد. ضربه‌ای از جنگ هشت ساله کاریتر؟!^۲

همیشه خطر توطئه‌ی دشمن علیه ما وجود داشته است. آنچه مانع از توطئه، جنگ و غلبه‌ی دشمن میشود، ایستادگی و بیداری و حاضر بودن در میدان مقاومت است.^۳

۱. بیانات در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج

سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجاد(ع) ۱۳۷۱/۴/۲۲

۲. بیانات در دیدار پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۵/۹/۲۴

۳. بیانات در اجتماع بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵ کربلا ۱۳۸۲/۶/۲۹

ایستادگی در برابر طرّاحی و نقشه‌های دشمن

دشمن طرّاحی میکند. تو میدانی که او درست کرده، بازی نکنید؛ چون چه ببرید، چه ببازید، به نفع اوست. طرّاحی دشمن ایجاد اختلاف است، ایجاد ناامیدی است، به جان هم انداختن فعالان سیاسی است، منزوی کردن خط اصیل و ارزشهای اسلامی است. این کارها، نقشه‌های دشمن است؛ سرگرم کردن جوانها به هوی و هوس و لغویات و غافل کردن آنها از حرکت عمومی ملت ایران، به تعطیلی کشاندن مدارس، به تعطیلی کشاندن کلاسهای دانشجویی. اینها نقشه‌های دشمن است. باید مراقب بود. باید در مقابل هر کاری که به این نقشه‌ها منتهی میشود، ایستاد. وحدت را باید حفظ کرد، امید را باید حفظ کرد، تلاش را باید روزبه‌روز بیشتر کرد و با یکدیگر صادق بود و دلها را به هم نزدیک کرد و در وظایف گوناگون اجتماعی، باید پرشور حرکت کرد.^۱

لزوم جهتگیری متحد در برابر دشمن متجاوز

توصیه‌ی مهمی که هم قرآن به ما یادآور شده است، هم تاریخ با عبرتهای خود به ما توصیه میکند، هم امام بزرگوار بارها و بارها به ما گفتند، این است که نباید بگذاریم صدای ما و دعوت ما و شعارهای ما در تعارض و تضاد با یکدیگر قرار گیرد. در مقابل دشمنهای متجاوز و در میدانهای مختلف، باید جهتگیری متحد را حفظ کنیم؛ این وظیفه‌ی امروز ماست. اختلاف سلیقه، اختلاف عقیده در بسیاری از جزئیات، و شاید اختلاف مبانی در برخی از مسائل غیر دخیل در اساس نظام، وجود دارد و غیرمنتظره هم نیست؛ بودن چنین اختلاف سلیقه و نظراتی اشکالی هم ندارد؛ اما چیزی که اشکال دارد، این است که اختلافهایی حتی در سطوح کوچکتر و پایینتر از این، به اینجا بینجامد که کسانی در مقابل چشم دشمن، درباره‌ی مسائل کوچک یا بزرگ، در مقابل هم قرار گیرند و دشمن را فراموش کنند و احیاناً بعضی در خلال دعوای

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان

خانگی و داخلی، به دشمن چشمکی هم بزنند و به‌طور آشکار یا پنهان، به دشمن اظهار محبتی هم نکنند؛ این بد است. چیزی که ما همه‌ی جناحهای کشور را به‌شدت از آن برحذر میداریم، این است؛ و آلاً اختلافات وجود دارد، گفتگوها وجود دارد؛ همیشه هم بوده، اجتناب‌ناپذیر هم هست؛ خطر مهمی هم برای نظام ندارد. وقتی مسئولان بخشهای مختلف مشغول تلاشند و کار میکنند، اهمیتی ندارد که این اختلافها هم وجود داشته باشد؛ به شرطی که مانع کارها نشود. آنچه مهم است و باید از آن پرهیز کرد، اختلاف در موضعگیری و نشان دادن چهره‌های متناقض و متضاد به یکدیگر و در مقابل چشم دشمن است.^۱

رعایت قانون یعنی جلوگیری از نفوذ دشمن

قانون اساسی ما یک قانون مترقی، بسیار مستحکم و بسیار هوشمندانه نوشته شده است. براساس این قانون، همه چیز در جای خود قرار دارد و قرار گرفته است. توصیه‌ی من به همه‌ی مسئولان، به همه‌ی مراکز قانونگذاری، به همه‌ی مراکز قانونی و به همه‌ی آحاد ملت، رعایت قانون است. اگر ما قانون را رعایت کنیم، دشمن نمیتواند به طمع‌ورزی خود ادامه دهد. قانون باید رعایت شود. قانون، راه نفوذ دشمن را هم بسته است. اگر دیده میشود در مواردی اغتشاشگرانی از سوی دستگاههای تبلیغاتی دشمن تأیید میشوند، اینجا بهترین پاسخ به دشمن این است که قانون اجرا شود. اگر اغتشاشگران حوادثی از قبیل حوادث خرم‌آباد، با قوت و قدرت به وسیله‌ی دستگاههای قانونی به مجازات خود برسند- هر که هستند- دشمن دیگر جرأت نمیکند. با رعایت قانون، با رعایت انصاف، بدون تن دادن به اختلافات جزئی سیاسی- که همراه با هوشیگراییها، بزرگ نشان داده میشود- دشمن نمیتواند به طمع‌ورزی خود ادامه دهد.^۲

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۲/۶/۱۹

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴

لزوم آگاهی و هوشمندی در مقابل توطئه‌های دشمن

هر چه از دشمن و توطئه‌های دشمن غفلت کرده‌ایم، بایستی از آن استغفار و توبه کنیم. این توبه به معنای توجه دادن خود، تنبه دادن به خود به معنای آگاهی و هشیاری و باز شدن چشم ماست. مدتی این جنجال را راه انداختند که شما از دشمن، زیاد اسم می‌آورید؛ توهم توطئه دارید؛ خیال میکنید علیه شما توطئه است. با غفلت از توطئه، مگر توطئه از بین می‌رود؟ امروز دیگر همه چیز آشکار و ظاهر شده است. آن روزی که این حرفها زده میشد، شاید هنوز برخی از حرفها علنی نشده بود؛ اما امروز به‌طور علنی اعلان میکنند که علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه قانون اساسی ما، علیه ملت ما و علیه منافع ما توطئه وجود دارد. با غفلت از توطئه نمیتوان از توطئه جان سالم به در برد. باید هوشمندان و آگاهانه با دشمنیها و توطئه‌ها آشنا شد و در مقابل آن هوشمندان و آگاهانه مدبرانه از خود و از منافع ملی خود و از هویت خود دفاع کرد.^۱

تأثیر ناپذیری از دشمن در صحنه‌ی کسب علم

وابستگی را نباید با اشتیاق به فراگیری علم- که هر جا انسان آن را بیابد، دنبال آن خواهد رفت- اشتباه کرد. گاهی علم در دست دشمن ماست؛ پیش دشمن می‌رویم، زانو می‌زنیم و از او علم را فرا می‌گیریم؛ این اشکالی ندارد. ارزش علم فراتر از این است که انسان بخاطر آن، حتی سراغ کسی که با او مخالف است، نرود. این یک بحث است؛ تحت‌تأثیر آن دشمن قرار گرفتن از غیر جنبه‌ی علم- یعنی جنبه‌ی سیاست، فرهنگ و چیزهای دیگر- یک بحث دیگر است. آنچه برای ما درست کردند، این دوّمی است. آنچه برای- به اصطلاح رایج- جهان سوّم خواستند و برنامه‌ریزی کردند، این دوّمی است. اتفاقاً کاری کردند که اوّلی انجام نگیرد.^۲

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۸/۸

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا ۱۳۷۰/۹/۲۰

ناتوانی دشمن در برابر صاحبان اندیشه

جوانان و صاحبان دانش و اندیشه و خرد باید تلاش کنند. تصور هم نکنید که دشمن میتواند جلو این تلاش را بگیرد؛ نه. حداکثر کاری که این دشمن که امروز در مقابل ملت‌هاست- یعنی آمریکا- میتواند بکند، عبارت است از کار نظامی و جاسوسی، که یکی مثل صدام مفلوک بدبخت را در بیغوله و حفره پیدا کند، یا اینکه به کار فساد و ابتذال پراکنی به وسیله‌ی رسانه‌های جمعی و کارهای فرهنگی پردازد؛ و الا حتی از راه فشارهای اقتصادی هم آنچنان که میخواهد، برایش میسر نیست؛ چون در زمینه‌ی ارتباطات اقتصادی در دنیا، گوشه و کنارها و پیچیدگی‌هایی وجود دارد و اینطور نیست که اگر بخواهند ملتی را از لحاظ اقتصادی بیچاره کنند، بتوانند. در دوره‌ی جنگ، دنیای غرب- آمریکا و اروپا و وابسته‌هایشان- و دنیای شرق آن روز که شوروی بود، ما را تحریم کردند و از تعداد سلاحها و هواپیماها و تانک‌هایمان هم خبر داشتند و فکر میکردند ظرف شش ماه همه‌ی اینها تمام خواهد شد! هشت سال جنگ را کش دادند که در پایان این هشت سال امکانات و تجهیزات ما بهتر و بیشتر از اول شد! نتیجه‌ی غلبه‌ی نظامی بر مجموعه‌ای مثل مجموعه‌ی صدام که هم خودش خائن و زبون بود و هم اطرافیانش خیانتکار- او به ملتش خیانت میکرد، اطرافیانش هم به او- میشود همین. غلبه بر مثل صدام دلیل اقتدار نیست که کسی خیال کند حالا این قطب ابر قدرت جهانی هر کاری دلش میخواهد، میکند؛ نه، اینطور نیست که هر غلطی بخواهند، بتوانند بکنند. غلبه‌ی نظامی را مهاجمان به ملتها مثل «چنگیز» و «تیمور» و امثال اینها پیدا میکنند، که آمدند، بعد هم رفتند و نابود شدند؛ اما ملتها دوباره سر بلند کردند. آنجایی که ملتها بخواهند و بایستند، هیچ دشمنی نمیتواند در مقابل آنها پایداری کند و به تعرض، تجاوز و افزون‌طلبی خود ادامه دهد. ضربه‌ای میزند، ضربه‌ای هم میخورد.^۱

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۶

دشمن می‌خواهد، مردم سیاسی نباشند

بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتی دانش‌آموزان مدارس روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ باشد! خدا لعنت کند آن دستهایی را که تلاش کرده‌اند و میکنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیرسیاسی کنند. کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند، مسائل سیاسی دنیا را نمی‌فهمند، جریانهای سیاسی دنیا را نمی‌فهمند و تحلیل درست ندارند. مگر چنین کشوری میتواند بر دوش مردم، حکومت و حرکت و مبارزه و جهاد کند؟! بله؛ اگر حکومت استبدادی باشد، میشود. حکومت‌های مستبد دنیا، صرفه‌شان به این است که مردم سیاسی نباشند؛ مردم درک و تحلیل و شعور سیاسی نداشته باشند. اما حکومتی که می‌خواهد به دست مردم کارهای بزرگ را انجام دهد؛ نظام را می‌خواهد با قدرت بی‌پایان مردم به سرمنزل مقصود برساند و مردم را همه چیز نظام میداند، مگر مردمش بخصوص جوانان، و بالاخص جوانان دانشجویش میتوانند غیرسیاسی باشند؟! مگر میشود؟! عالمترین عالمها و دانشمندترین دانشمندان را هم، اگر مغز و فهم سیاسی نداشته باشند، دشمن با یک آبنبات ترش میتواند به آن طرف برود؛ مجذوب خودش کند، و در جهت اهداف خودش قرار دهد! این نکات ریز را، باید جوانان ما درک کنند.^۱

سست نشدن عقیده در برابر تمسخر دشمن

از روگرداندن و اعراض دشمن احساس تنهایی نکنید. از تمسخر دشمن درباره‌ی آنچه در دست شماست- که گوهر گرانبهایی است- عقیده‌تان سست نشود. شما گوهر گرانبهایی را در مشت گرفتید و کار عظیمی انجام دادید. گنجی تمام‌نشدنی را در داخل کشور خودتان کشف کردید، به اسلام رسیدید، به استقلال و آزادی رسیدید و توانستید خود را

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت «روز ملی مبارزه با استکبار»

از یوغ قدرتها خارج کنید. زمانی این مملکت، این دانشگاه، این تهران، این پادگانها، این نیروهای مسلح، این ادارات دولتی، این وزارتخانه‌ها، این دستگاههای اطلاعاتی، همه و همه، تیول آمریکا بود. امروز اگر این ملت در دورترین نقاط کشور، در کوره‌دههای این کشور، کسی را طرفدار آمریکا ببیند، سایه‌اش را با تیر میزند. زمانی در این مملکت، ملتی وجود نداشت، آرایی وجود نداشت، مجلسی وجود نداشت، انتخاباتی وجود نداشت. همه چیز تشریفاتی، صوری، دروغی و تصنعی بود. دوران پهلوی برای این ملت واقعاً دوران عجیبی بود. مثل اینکه کارخانه‌ی عظیمی را در داخل یک سالن درست کنند! وقتی نگاه میکنید میبینید کارخانه است و تجهیزات کارخانه است. وقتی نزدیک میروید، میبینید همه چیز از نایلون و از پلاستیک، بازیچه درست شده است. مانند عمارت عظیمی با مجسمه‌ها و ستونها و سقفهای مرتفع، که آدم خیال کند کاخی عظیم است؛ اما وقتی نزدیک رفت، ببیند از برف درست کرده‌اند!^۱

لزوم دید حکیمانه در اتخاذ مواضع مقابل دشمن

حکمت، یعنی نظام اسلامی حکیمانه کار کند و از روی احساسات و بی‌توجه به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که ما باید از رابطه با دنیا بگیریم، حرکت نکند. دید باید کاملاً حکیمانه و پخته باشد. ای بسا ما با یک دشمن که در نهایت هم برخورد داریم، الآن بایستی بنشینیم با او طرح دوستی بریزیم. این، حکمت است. خیال نکنید اینها از اسلام نیست؛ نخیر، آنجایی که جایش باشد، از اسلام است؛ کما اینکه رسول اکرم ﷺ با خیلیها- از جمله با یهود اطراف مدینه- مذاکره کرد.^۲

باید دید دشمن از کجا دارد حمله میکند. برای یک دفاع خوب، یک معرفت خوب لازم است؛ اگرچه حتی برای یک هجوم خوب هم یک

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۴/۱۱/۲۰

۲. بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در آستانه‌ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۳۶۸/۱۱/۹

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۳۱۵

معرفت خوب لازم است. اینها با همفکری و با تبادل نظر و با کار مشترک تأمین میشود. بنابراین، هفته‌ای یک بار که شما دور هم جمع میشوید، اگر فراغتی به این جلسه‌ی هفتگی شما بذل شود- فقط برای مثلاً رفع خستگی نباشد؛ یک آمادگی باشد و برنامه‌ریزی بشود- و همین مجمع شما کنار خودش دفتر یا دبیرخانه‌ای داشته باشد که کارها را ردیف کند، خوب است.^۱

ضعف و ناامیدی، سبب طمع دشمنان

وعده‌ی الهی این است که ملت‌های مسلمان را عزیز کند. این یک شبهه که ممکن نیست؛ بدون تلاش و عمل هم ممکن نیست. وعده‌ی الهی این بود که هر ملتی در راه خدا مبارزه کند و ایمان داشته باشد، پیروز شود. بسیار خوب؛ شما ملت ایران ایمان داشتید، مبارزه کردید، پیروز شدید. وعده‌ی الهی این است که شما بعد از این پیروزی، با دشمنان خدا درگیر خواهید شد و اگر پافشاری و صبر و ایستادگی کنید، باز هم پیروز خواهید شد؛ یعنی هم وعده‌ی پیروزی هست، هم وعده‌ی درگیری هست. آری؛ وقتی که قدرت الهی، قدرت اسلام، قدرت قرآن، قدرت معنویت، در یک جا علم برمی‌افزاید، کسانی که مخالف معنویتند، دشمنی میکنند؛ کسانی که اهل ظلمند، دشمنی میکنند؛ کسانی که اهل فسادند، دشمنی میکنند؛ کسانی که به هر جهتی معنویت و دین را برنمی‌تابند، دشمنی میکنند. «و لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا»^۲. وقتی در جنگ احزاب، قریش از یک طرف، یهود از یک طرف، سقیف از یک طرف و انواع و اقسام دشمنان از اطراف حمله کردند و مدینه را محاصره نمودند، در آنجا مردم دو دسته شدند؛ مؤمنین یک‌طور، غیرمؤمنین و کسانی که «و الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»^۳ بود، یک‌طور دیگر. آنهایی که در دلشان

۱. بیانات در دیدار با اعضای مجمع نویسندگان مسلمان ۱۳۷۰/۷/۲۸

۲. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۲

۳. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۱۲

مرض بود میگفتند: «ما وعدنا الله ورسوله إلا غروراً»^۱ ما فریب خوردیم؛ اسلام نتوانست به ما عزت و امنیت دهد و ما را نجات بخشد. ببینید؛ اطراف مؤمنین را محاصره کرده بودند. این حزبها و گروههای دشمن، شرقی‌اش، غربی‌اش، همسایه‌اش، دوردستش، همه دست‌به‌دست هم داده بودند، سر به هم آورده بودند و به دولت اسلامی حمله کرده بودند؛ اما مؤمنین میگفتند: «هذا ما وعدنا الله ورسوله»؛ ما تعجب نمیکنیم. این همان چیزی است که خدا و پیامبر به ما وعده کرده بودند. وعده‌ی خدا و پیامبر این است که «الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله و الَّذِينَ كفروا يقاتلون في سبيل الطَّاغوت»^۲. شما که مؤمنید، در راه خدا مبارزه میکنید. آنهایی که با خدا میانه‌ای ندارند، در راه طاغوت مبارزه میکنند. آری؛ آنها هم مبارزه میکنند؛ ولی «فقاتلوا اولياء الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كان ضعيفاً»^۳ اگر مبارزه کردید، اگر ایستادید، اگر صبر و ثبات خودتان را از دست ندادید، شما پیروزید؛ اما اگر رها کردید، احساس ضعف کردید، احساس نومیدی کردید، عقبگرد کردید، نه. پس، حضور دشمن و حمله‌ی دشمن، مایه‌ی تعجب نیست؛ «هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله و ما زادهم الا ايماناً و تسليماً»^۴ بنابراین، وعده‌ی الهی مسلم است؛ یعنی هم در صورت مبارزه، در صورت صبر و در صورت ایستادگی، پیروزی به دست می‌آید و هم در صورتی که شما صادق باشید، دشمنیها به سمت شما توجه پیدا میکند.^۵

نگاه امیدوارانه نه نگاه نومیدانه

عزیزان من! شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه‌ی جنگ نرم، یکی‌اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوشبینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی‌تان به جای پدر بزرگ شما هستم. من نگاهم به

۱. همان

۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶

۳. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶

۴. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۲

۵. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۱۰/۴

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۳۱۷

آینده، خوشبینانه است؛ نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید- مرکز خوشبینی- مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» شد، به دنبالش بی‌عملی، به دنبالش بی‌تحركی، به دنبالش انزوا است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن می‌خواهد.^۱

تقویت نظام ضربه به دشمن

عزیزان من! این آیه مربوط به یکی از جنگ‌های پیامبر ﷺ است: «الذین قال لهم الناس إن الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم إيماناً»^۲. خبر میدادند که دشمن به صورت متراکم در انتظار شماست؛ بترسید! در پاسخ به این هشدار و بیم‌دهی- که دشمن به صورت متراکم در انتظار شماست تا ضربه را وارد کند- اینها میگفتند: «و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل»^۳؛ خدا برای ما بس است و پشتیبانی او برای ما کافی است. البته «حسبنا الله و نعم الوكيل» را در پستوی اتاق و داخل بستر راحت نمیشود گفت. ما نه کاری بکنیم، نه تلاشی بکنیم، نه حرکتی بکنیم، نه جانی را به خطر بیندازیم، نه از آبرویی مایه بگذاریم، بعد هم بگوییم: «حسبنا الله و نعم الوكيل»! نه، خدای متعال آدمی را که در راه او مجاهدت نمیکند، کفایت نخواهد کرد. این کفایت مربوط به میدان جنگ است. ما امروز در یک میدان نبردیم؛ اگرچه نه نبرد نظامی و نبرد مرگ و زندگی. مستکبران عالم چون با اسلام و نظام اسلامی به‌جد دشمنند، ما هر اقدام خوبی که میکنیم، هر قانون خوبی که میگذاریم، هر اجرای خوبی که میکنیم، هر قضاوت خوبی که میکنیم، هر منش خوبی که از خودمان نشان میدهیم، هر کاری که به تقویت این نظام و تقویت اسلام منتهی میشود، اگر از ما سر بزند، در واقع داریم یک ضربه به دشمن می‌زنیم. اینجاست که آدم میگوید: «حسبنا الله و نعم الوكيل». پاسخ خدا هم این است که «فانقلبوا بنعمة من

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۶/۴

۲. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۷۳

۳. همان

اللَّهِ وَفَضْلٍ لِّمِيسَسِهِمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ^۱».

اهمیت آرامش در مواجهه با دشمن

چون تلاش جریانهای سیاسی ضدّ جمهوری اسلامی و ضدّ این حرکت عظیم اسلامی ملت ایران و ملت‌های منطقه- این جریان تبلیغاتی عظیمی که امروز به راه انداخته‌اند- در جهت ایجاد تلاطم- هم تلاطم‌های اجتماعی و هم تلاطم روحی- است؛ یعنی دل‌ها را مضطرب کردن، نگران و ترسان کردن که امروز سیاست کلی امپراتوری خبری در دنیا این است و تازگی هم ندارد- نه نسبت به ما در این بیست و چند سال و نه نسبت به جریان حق در طول تاریخ اسلام از اوّل تا امروز- لذا ملاحظه میکنید یکی از مطالبی که در قرآن روی آن بعنوان یک موضوع منفی تکیه شده، «مرجفون» است؛ یعنی همان کسانی که سعی میکنند دل‌ها را مضطرب، پریشان و ملتهب کنند و دل‌هره ایجاد نمایند. آن روز این آیهی شریفه را برای دوستان دیگری که اینجا بودند، خواندم: «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فأخشوهم»^۲ در مدینه‌ی پیغمبر جنجال درست میکردند که: «جمع شده‌اند و میخواهند پدرتان را در بیاورند! از بین رفتید، نابود شدید؛ تمام شد». آیهی قرآن نازل شد که وقتی یاوه‌گویان و هرزه‌گویان و ضعیفان چنین فضایی را ایجاد میکنند و این میکروب و ویروس خطرناک ترس را در فضا میپراکنند، مؤمنان کسانی هستند که «فزادهم ایمانا»^۳؛ ایمانشان بیشتر میشود. «و قالوا حسبن الله و نعم الوکیل»^۴ این «حسبن الله و نعم الوکیل» متعلّق به اینجاست. یعنی در مواجهه با تلاطمی که دشمن می‌خواهد به‌وسیله‌ی امواج تبلیغاتی و روانی خود ایجاد کند، آرامش دارند. همان «سکینه» است: «هو الّذی أنزل السّکینه فی

۱. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۷۴

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۴/۱۹

۳. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۷۳

۴. همان

۵. همان

فصل هشتم: شیوه‌ها و ابزار مقابله با دشمن / ۳۱۹

قلوب المؤمنین»^۱؛ خدای متعال آرامش به دل‌های مؤمنین داد: «لizardادوا ایماناً مع إيمانهم»^۲؛ برای اینکه ایمانشان هم تقویت شود. واقع قضیه هم همین است.^۳

انسانها اگر از سکینه و آرامش و توکل و اعتماد به خدا و اعتماد به آینده و اعتماد به آنچه از مبانی حق در اختیار آنهاست، برخوردار نباشند، در مقابل اینطور حوادث دست و پایشان را گم میکنند؛ بخصوص اگر انسان بداند که این حوادث را دشمن برنامه‌ریزی کرده است؛ که بعید هم نیست و قرائنی هم دارد.^۴

استحکام نظام باعث یأس دشمن

امروز دشمن در مقابل نظام جمهوری اسلامی، با همه‌ی ساز و برگ خود از لحاظ نظامی، از لحاظ سیاسی، از لحاظ تبلیغی و از لحاظ فرهنگی وارد میدان شده است؛ اما درعین‌حال انسان بروشنی درمی‌یابد که دشمن مأیوس است. دشمن احساس میکند با این نظام مستحکم درگیر شدن و به آن خدشه وارد آوردن، کار او نیست. امیدش به این است که ما که مسئولیتهای این نظام را بر دوش داریم، خودمان عوامل شکست خود را فراهم کنیم. ما اگر خودمان عوامل شکست را فراهم نکنیم، دشمن نمیتواند کاری کند. بزرگترین مصیبت برای یک ملت این است که مسئولان در میان آن ملت، از مسئولیتهای حقیقی خودشان غافل بمانند؛ از آن چیزی که خدا از آنها خواسته است و پایه‌ی اصلی مسئولیت آنهاست، غافل بمانند؛ به چیزهای کم‌اهمیت سرگرم و مشغول شوند؛ به نفع خود و نفع پرستی خود سرگرم و مشغول شوند؛ دل آنها به جای تبیین برای وظیفه‌ی الهی، برای مسائل کوچک و حقیر بتپد. مسئولان در همه‌ی رده‌ها، در همه‌ی بخشها و در همه‌ی سازمانهای

۱. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۴

۲. همان

۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۷

۴. بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۱۰/۴

کشوری و لشکری نظام، باید متوجه این مسئولیت باشند و خدا را در نظر داشته باشند. عوامل قدرت در میان این ملت و در این نظام به‌وفور وجود دارد و این عوامل معنوی، قدرت خود را در طول این بیست سال نشان داده است و از میدانهای دشوار و تجربه‌های سخت، سرافراز بیرون آمده است. این عوامل را باید حفظ کنید.^۱

امروز استکبار جهانی و قلدرهای سیاسی عالم و امپراتوریهای زر و زور در سرتاسر جهان که در فساد و انحطاط غرقند، با اسلام و نظام اسلامی دشمن هستند؛ زیرا افشاگر و تهدیدکننده‌ی آنها، اسلام و بیداری مسلمین است. طبیعی است هر کاری که علیه اسلام و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی از عهده‌ی آنها برآید، میکنند. در یک صورت، نظام جمهوری اسلامی میتواند خود را به‌طور کامل از خطر و آسیب دشمن مصون نگه دارد و آن، وقتی است که با اقتدار خویش آنها را مأیوس کند. روزی که جمهوری اسلامی، با اثبات اقتدار سیاسی و اقتصادی خود و با اثبات قدرت ادامه‌ی زندگی، دشمن را مأیوس کرد، میتوان اطمینان داشت که دشمن از توطئه دست خواهد کشید؛ چون احساس میکند تلاش او بیفایده است.^۲

این «توانایی ماندن»، این «اقتدار»، این «ظرفیت بقا» بایستی حفظ شود. اینجور نیست که ما هر جور عمل کنیم- ولو بی تفاوت، ولو با عدم توجه به وظایف حساس و مهم- باز هم همین ظرفیت مقاومت باقی بماند؛ نه، بایستی نظام جمهوری اسلامی را به معنای حقیقی کلمه‌اش حفظ کرد، تا بتوان از منافع این ملت، از منافع این کشور، این ملت را بهره‌مند کرد؛ تا بتوان این ملت را به اوج ترقی و آرزوها و آرمانهای خودش رساند.^۳

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت «روز پاسدار» ۱۳۷۸/۸/۲۲

۲. بیانات در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش، معلمان و دانش‌آموزان تهران ۱۳۶۸/۳/۲۶

۳. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴

فصل نهم ————— ❁

اقشار مورد هدف دشمن

۱) خواص

لزوم موقعیت‌شناسی خواص در برابر تهدیدات دشمن

بارها گفته‌ایم که به‌هیچ‌وجه نمیتوانیم ادعا کنیم که ایران قطعاً مورد حمله قرار خواهد گرفت، نه؛ چنین چیزی معلوم نیست؛ اما قطعاً تهدید متوجه ماست. این ما هستیم که باید بتوانیم این تهدیدی را که متوجه ماست، خنثی کنیم و از بین ببریم و این احتیاج دارد به اینکه زبندگان و نخبگان کشور، مسئولان و خواص که عمدتاً شما هستید. که در این مجلس جمع شده‌اید. موقعیت را درست بشناسید؛ وظیفه را درست تشخیص دهید؛ بار سنگین مسئولیت را بر دوش خودتان درست حس کنید. ما امروز حق نداریم اشتباه کنیم. این تهدیدی که وجود دارد. چون رئیس‌جمهور آمریکا علناً و صریحاً اسم آورد؛ البته شصت کشور را مورد اشاره قرار داد؛ منتها سه کشور، از جمله کشور ما را اسم آورد. از لحاظ زمینه و انگیزه‌هایش یک قضیه‌ی مرکب و چندعنصری است که باید عناصر آن را شناخت.^۱

مرزبندی خواص در برابر دشمن

عقل سالم حکم میکند و شرع هم همین را قاطعاً بیان میکند علاج عبارت است از صراحت در تبیین حق، صراحت در بیان حق. وقتی شما

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

میبیند یک حرکتی به بهانه‌ی انتخابات شروع میشود بعد یک عامل «دشمن»ی در این فضای غبارآلوده وارد میدان شد، وقتی میبیند عامل دشمن که حرف او شعار او حاکی از مافی‌الضمیر اوست آمد توی میدان، اینجا باید خط را مشخص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند، بیشتر از همه خواص و در میان خواص بیشتر از همه آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند، این وظیفه است دیگر مرزها روشن بشود و معلوم بشود که کی چی میگوید، اینجور نباشد که باطل خودش را در لابه‌لای گرد و غبار برخاسته‌ی در میدان مخفی کند، ضربه بزند و جبهه‌ی حق نداند از کجا دارد ضربه میخورد. این است که حرف دوپهلوی زدن از خواص مطلوب نیست. خواص باید حرف را روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. این مخصوص یک گرایش سیاسی خاص هم نیست، در داخل نظام اسلامی همه‌ی گرایشهایی که در مجموعه‌ی نظام قرار دارند اینها باید صریح مشخص کنند که بالاخره آن حمایتی که مستکبرین عالم میکنند مورد قبول است یا مورد قبول نیست. وقتی که سران استکبار، سران ظلم، اشغالگران کشورهای اسلامی، کُشندگان انسانهای مظلوم در فلسطین و در عراق و افغانستان و خیلی جاهای دیگر می‌آیند وارد میدان میشوند، حرف میزنند، موضع میگیرند خوب باید معلوم بشود این کسی که در نظام جمهوری اسلامی است در مقابل این چه موضعی دارد. حاضر است تبری بجوید بگوید من دشمن شمایم.^۱

تکلیف خواص

عزیزان من! امروز دولتها، کشورها، مجامع و مجموعه‌های بین‌المللی، برای این که خود را در عرصه مبارزه زندگی موفق کنند، از همه‌ی امکانات خودشان- امکانات جغرافیایی، امکانات تاریخی، امکانات قومی- استفاده میکنند. چرا مسلمانان، از این امکان عظیم موهوب به آنها از طرف پروردگار، استفاده نمیکنند؟ امروز منطقه‌ی جغرافیایی مسلمانان،

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۸۸/۱۰/۲۹

فصل نهم: اقشار مورد هدف دشمن / ۳۲۵

مهمترین مناطق عالم است. کشورهای آنها از لحاظ طبیعی، جزو ثروتمندترین کشورهای عالم است. امروز دروازه‌ی آسیا به اروپا، دروازه‌ی اروپا به آسیا و آفریقا، آفریقا به اروپا و آسیا، متعلق به مسلمانان است. این منطقه‌ی سوق‌الجیشی و سرزمینهای بابرکتی که در اختیار مسلمانان است، امروز حامل و حاوی امکاناتی چون نفت و گاز و امثال اینهاست که بشر برای تمدن خود، به صورت روزمره به آن احتیاج دارد. یک میلیارد و چند صد میلیون نفر مسلمان هستند؛ یعنی بیش از یک پنجم مردم دنیا. این همه جمعیت، در چنین منطقه‌ای؛ آن هم با برافراشته شدن پرچم اسلام در قلب این منطقه- یعنی در ایران اسلامی که امروز قلب و مرکز اصلی دنیای اسلام است- چرا باید از این استفاده نشود؟ این، یک امکان بزرگ در اختیار مسلمانان است. وسوسه‌ی جدایی دین از سیاست را که یک روز انگلیسیها گفتند، یک روز آمریکاییها ترویج نمودند و یک روز ایادی آنها در بوق کردند، برای این است که مسلمانان از این امکان و از این موقعیت غفلت کنند. در این زمینه، بیشترین وظیفه را هم خواص دارند. خواص، یعنی علما و روشنفکران و شعرا و خطبا و روزنامه‌نگاران و صاحبان نفوذ در بین گروههای مردمی. اینها هستند که بیشترین تکلیف را دارند. وقت آن رسیده است که دنیای اسلام به خود آید و اسلام را بعنوان صراط‌المستقیم الهی و راه نجات انتخاب کند و در آن، با استحکام قدم بردارد. وقت آن رسیده است که دنیای اسلام، اتحاد خود را حفظ کند و در مقابل دشمن مشترکی که همه‌ی گروههای اسلامی، آسیب آن دشمن را دیده‌اند- یعنی استکبار و صهیونیسم- به‌طور متحد بایستند، شعارهای واحدی بدهد، تبلیغ واحدی بکند و راه واحدی را بپیماید. ان‌شاءالله مورد تأیید پروردگار و مورد حمایت قوانین و سنن الهی هم خواهد بود و پیش خواهد رفت.^۱

۱. بیانات در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سالروز میلاد خجسته‌ی پیامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) ۱۳۷۶/۵/۱

خطرهای تأثیرگذار در خواص

کسانی که روی مردم اثر می‌گذارند- کسانی که حرفشان، اقدامشان، عملشان، منش‌شان، نوشته‌شان، روی مردم اثر می‌گذارد- چند خطر بزرگ آنها تهدیدشان میکند که باید بسیار مراقب باشند. یکی خطر خسته شدن است، یکی خطر راحت‌طلبی است، یکی خطر میل به سازش است، یکی خطر چسبیدن به منافع نقد است؛ همان بلایی که بر سر کسانی که انقلاب فلسطین را منحرف کردند، آمد؛ همان خطری که بر سر همه‌ی رهبرانی آمد که ملت‌های خودشان را از مسیر درست و راهی که شروع کرده بودند، منحرف کردند و بازداشتند. بارهای سنگین بر روی نیروهای اثرگذار روی ذهن‌های مردم است. باید ایمان و پارسایی خودشان را تقویت کنند؛ باید اتکای خودشان را به لطف و فضل خدا زیاد کنند؛ باید به دشمن لحظه‌ای خوشبین نباشند؛ دشمن درصدد ضربه زدن است. اگر خواص یک کشور- یعنی نیروهایی که با زبانشان، با قلمشان، با رفتارشان، با امضایشان، بر روی مسیر یک ملت اثر می‌گذارند- میل به سازش و راحت‌طلبی و زندگی مرفه و خوشگذرانی پیدا کنند و از حضور در میدان‌های خطر خسته شوند، آن وقت خطر تهدید میکند. لذاست که شما ببینید امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران خلافت کوتاه خود، بیشترین خطایش، بیشتری ملامتش، بیشترین توصیه‌اش و بیشترین تذکرش، به کسانی است که به آنها مسئولیت داده بود تا بخش‌های مختلفی را در آن کشور بزرگی که در اختیار آن حضرت بود، اداره کنند. امام بزرگوار ما بارها و بارها به مسئولان کشور، به ما، به شاگردان خودش، به دست‌پورندگان خودش، تذکر می‌داد. مضمون آن تذکر این بود که مبادا به چرب و شیرین زندگی راحت، خودشان را عادت بدهند و از مجاهدت در راه خدا باز بمانند.^۱

۱. بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۷۹/۳/۱۴

فصل نهم: اقصاء مورد هدف دشمن / ۳۲۷

هوشیاری در حرف زدن و اقدام کردن

مردم بر خلاف تحلیل تعداد انگشت‌شمار اشخاص مغرض یا فریب‌خورده، پشتیبان نیرومند انقلاب و اسلام و امام‌اند. کسانی که بر اثر تلقین اطرافیان ناباب و نامطمئن پنداشته‌اند که نظام جمهوری اسلامی دوران ضعف و انحلال را میگذرانند، خودشان در دوران ضعف و انحلالند. دشمنان سوگندخورده‌ی انقلاب که یک‌روز هم با امام و امت دل صاف و مهربان نداشته‌اند با این تلقینها میخواهند مردم را مأیوس، جوانان را گمراه، و بعضی پیران موجّه ولی بیخبر را مدّعی امام و انقلاب کنند. در چنین شرایطی حرف زدن و اقدام کردن هوشیاری بیشتری مبطلبد و اندک غفلتی دشمنان داخلی و خارجی را در سوءاستفاده و سوءنیت خود گستاخ میسازد و جفای بزرگی به این ملت مظلوم است.^۱

آمریکا برای عملی کردن تهدید خود در ایران تنها کمبودی که دارد وجود یک پایگاه مستحکم مردمی است که بتواند با استفاده از آن انتقام خود را از انقلاب و اسلام و امام بگیرد و برای سرکوب این ملت آزاد و شجاع، یک دیکتاتوری سیاه شبیه دیکتاتوری پهلوی در این کشور مستقر کند. البته این خواب بی‌تعبیر و خیال‌آحمقانه‌ی آنان مانند تحلیلهای غلط همیشگی‌شان نسبت به مسائل کشور، برای آنان جز خسران و یأس چیزی به بار نخواهد آورد. مهم آن است که خواص ملت نگذارند هیچ حرکت و اقدام آنان در خدمت آن هدف شوم قرار گیرد.^۲

در اینجا این مردم‌اند که شعارها را میسازند هدفها را معین میکنند دشمن را شناسایی و معرفی و تعقیب میکنند آینده‌ی مطلوب را. اگر چه به اجمال. ترسیم میکنند و در نتیجه اجازه‌ی انحراف و سازش با دشمن و تغییر مسیر را به خواص سازشکار و آلوده و به طریق اولی به عوامل نفوذی دشمن نمیدهند.^۳

۱. پیام به مناسبت انتشار نامه‌ی آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری امام جمعه‌ی اصفهان
۱۳۸۱/۴/۲۰

۲. همان

۳. بیانات در نخستین اجلاس بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۶/۲۶

۲) روحانیت**روحانیت آماج حملات دشمن**

امروز یکی از آماج‌های حملات دشمنان بلاشک روحانیت است. روحانیت را با کلیت‌ش می‌خواهند از بین ببرند؛ در این هیچ تردید نکنید. درست است که در بین روحانیون کسانی را برای آماج قرار دادن، هدف قرار می‌دهند و برایش اولویت قائل می‌شوند؛ اما در نهایت، از نظر دشمن، کلیت روحانیت مخل و مضر و مزاحم است؛ چون روحانیت پایبند به معارف دینی است، مگر آن روحانی‌ای که به‌طور کامل در دام شیطان غلتیده باشد؛ که البته چنین چیزی هم خیلی کم اتفاق می‌افتد. امروز روشنگری دینی مهمترین زرهی است که جامعه‌ی اسلامی ما می‌تواند بر تن خودش بکند و در مقابل حملات دشمن بایستد؛ لذا با روحانیت و حضور فعال روحانی مخالفند. اگر روحانی مؤمن و فعال و کارآمد و هوشمند و هوشیاری باشد، با او بیشتر مخالفند و او را بیشتر آماج حملات خودشان قرار می‌دهند. لذا امروز حفظ حوزه‌های علمیه و تربیت طلاب فاضل و علمای بزرگ یک وظیفه‌ی اساسی است؛ این وظیفه در کرمان هم وجود دارد، در شهرستان‌های این استان هم وجود دارد، در همه جای کشور هم وجود دارد. باید فضیلت آگاه، عالم، فقیه، فیلسوف، متکلم، مفسر و محدث که درعین‌حال با مسائل جهان و تاریخ و عملکردهای دشمن آشنا باشند، در حوزه‌های علمیه تربیت شوند. برای این هدف باید فکر کرد^۱

تضعیف پشتوانه‌ی معنوی انقلاب

امروزه قلم‌های مزدور و دست‌های فروخته شده به دشمن، در کار آنند که این پشتوانه‌ی معنوی انقلاب را در چشم مردم تضعیف کنند. دشمن انقلاب، جامعه‌ی روحانیت را در صورتی تحمل می‌کند که روحانیون از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند و مانند جمعی از روحانیون بیخبر و متحجر گذشته و حال، به کنج مدارس

۱. بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱

فصل نهم: اقصاء مورد هدف دشمن / ۳۲۹

و مساجد اکتفا کنند و کشور و زندگی مردم را به آنان بسپارند و از جمله‌ی پدیده‌های پرمعنی آن است که در تمام مدت مبارزات و نیز سالهای پس از پیروزی، علمای متحجّر و بیخبر از حوادث کشور و دور از جریانهای سیاسی، هیچگاه در معرض تهاجم دشمنان قرار نگرفتند؛ بلکه حتی گاه مورد ستایش و تمجید نیز واقع شدند و حملات جسمی و تبلیغی و حتی تهمت ارتجاع و واپسگرایی از سوی روشنفکر نمایان عامل بیگانه، تنها متوجه علما و روحانیونی شد که از لحاظ اندیشه‌ی سیاسی و نوآوریهای عرصه‌ی علم و عمل، درخشیده و بعنوان قشری پیشرو و مترقی و آگاه، شناخته شده‌اند.^۱

روحانیت؛ هدف اصلی حملات وحشیانه‌ی دشمن

در دوران مبارزات پانزده ساله، حوزه‌های علمیه‌ی قم و دیگر حوزه‌های علمیه و چهره‌های سرشناس روحانیت، کانونهای اصلی مبارزه و بالطبع هدفهای اصلی حملات وحشیانه‌ی دشمن بودند؛ لیکن این شدت عملهای بی‌حد و حساب، به اراده‌ی الهی موجب آن نشد که روحانیت از راه پرافتخار خود- که پیمودن آن، وظیفه‌ی تخلف‌ناپذیر اسلامی او بود- قدم باز پس نهد؛ بلکه در این دوران، فکر اسلامی شکوفاتر، صیقل‌خورده‌تر و فقه قرآن، پربارتر و شخصیت روحانیون مبارز، آبدیده‌تر شد و زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم آمد. پس از انقلاب تاکنون نیز روحانیت، بخصوص عناصر برجسته‌ی آن- که مستقیماً در خدمت نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند- بی‌وقفه آماج حملات مسموم دشمن بوده‌اند؛ چه در عرصه‌ی تبلیغات و چه در عرصه‌ی تروریزم خائنانه و آلت دست دشمن. و شهدای گرانقدری، هم در جبهه‌ی جنگ تحمیلی و هم در جبهه‌های فعالیت‌های جهادی خود تقدیم داشته‌اند و محراب نماز جمعه و عرصه‌ی علم و سیاست و تبلیغ دین را با خون مطهر خود رنگین ساخته‌اند. ملت عزیز ما میدانند که انگیزه‌ی دشمن از این حملات همه‌جانبه به علمای دین، جز این نیست

۱. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

که به‌وضوح میدانند روحانیت نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیلی داشته و دارند و آنان حمله به روحانیت را با هدف تضعیف و محو انقلاب انجام می‌دهند.^۱

موضعگیربهای دشمنان، به‌درستی همان حقیقتی را برای مردم آگاه و جامعه‌ی روحانیت متعهد و انقلابی آشکار می‌سازد که امام حکیم و روشن‌بین ما بارها آن را بیان کرده‌اند. یعنی اولاً اینکه قدرشناسی از روحانیون بزرگوار و تبعیت از آنان، وظیفه‌ای دینی و ملی و انقلابی است که هیچ‌گونه غفلت از آن جایز نیست. ثانیاً اینکه تحجر و واپسگرایی در میان روحانیون و یا خدای نخواستہ توجه به منافع شخصی و دنیاطلبی و روی آوردن به زیورهای مادی و سوءاستفاده از مکانات اجتماعی، خطرش برای روحانیت، کمتر از حملات دشمن نیست؛ بلکه به‌مراتب از آن بیشتر است. و ثالثاً وضعیّت دوران انقلاب و توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی، ایجاب می‌کند که علمای دین، با بینشی کاملاً نو و با استفاده از ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین و با اسلوب فقاہت سنتی و اجتهاد زنده و پویا، راه جامعه‌ی اسلامی را هموار نمایند و حوزه‌های علمیّه با تحوّل‌ی اساسی، خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق دهند و نوآوری را جهت و سمت برنامه‌های خود قرار دهند و البتّه با اعمال دقت لازم و برجسته کردن اصول و مبانی فقاہت، راه را بر النقاط و کجروی ببندند. رابعاً انزوا و دوری از فعالیت سیاسی را- که خواست دشمنان و خلاف وظیفه‌ی اسلامی است- به‌هیچ‌وجه در زندگی خود و حوزه‌های علمیّه راه ندهند و همواره مخصوصاً در مواقع خطر، پیشاپیش صفوف مردم، به تلاشی مخلصانه و خستگی‌ناپذیر مشغول باشند و علم را با عمل و تفقّه را با جهاد و معرفت را با تبلیغ قولی و عملی همراه سازند و هر سه سنگر: مدرسه، مسجد و جبهه را پر کنند.^۲

۱. همان

۲. پیام به مناسبت اوّلین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

عدم فتح لباس روحانیت توسط دشمن

این لباس^۱ همان چیزی است که دشمن نتوانسته آن را فتح کند. کسانی از اهل این لباس فاسد شدند و در طول تاریخ، فسادشان هم ضررهای بسیار شدید و لطمه‌های بزرگی به اسلام و مسلمین زده؛ اما دشمن نتوانسته این حصار منیع را فتح کند. با اهل این لباس خیلی هم مبارزه کردند؛ خیلی هم توی سرشان زدند؛ خیلی هم دام بر سر راهشان گسترده؛ اینها در طول این سالهایی بود که ما یادمان است، یا قریب به زمان ما بود؛ مثل زمان رضاخان که بنده یادم نیست، اما قضایایش را اجمالاً شنیده‌ام. جاها و جاذبه‌هایی درست کردند، تا طلبه را که در مضیقه‌هایی گرفتار میشود، از درس و بحث و حوزه به آنجاها بکشاند و دهانش را با یک آب‌نبات شیرین کنند؛ برای اینکه از این سمت منخلعش کنند. البته یک عده از سست‌عنصرها و آدمهایی که آن نضح شخصیتی لازم را نداشتند، رفتند و مجذوب هم شدند؛ اما آنها قادر نشدند که این قلعه را فتح کنند.^۲

دشمنی با روحانیت

شما طلبه‌ی جوانی هستید در مدرسه‌ی آقای آخوند، یا مدرسه‌ی زنگنه، یا مدرسه‌ی مرحوم آقای آقا شیخ علی دامغانی، و دارید در همدان، در ملایر، در فامنین و هر جای دیگر درس می‌خوانید. اگر بحث سیاستهای جهانی و استکبار جهانی و آمریکای با آن عظمت ظاهری بشود و بگویند اینها با شما مخالفند، شما نباید بگویید مگر من چه کسی هستم که با من مخالفند؛ من یک طلبه‌ی گوشه‌ی مدرسه‌ی آقای آخوند در همدان هستم. من میخواهم بگویم این فکر اشتباه است. اینها با یک‌یک شما نه تنها مخالفند، بلکه دشمن‌اند. به هر کدام از شماها به چشم منبعی برای روشنگری و افشاگری نگاه میکنند؛ که اگر این منبع فعال شود و کار بکند و باطن و استعداد و ظرفیت خودش را بروز دهد،

۱. منظور لباس روحانیت است

۲. ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

کار بر استکبار دشمن دشوار خواهد شد. از نظر آنها هر یک از شما بالقوه یک امام خمینی هستید. اینها با یک‌یک عمامه‌به‌سرها و طلبه‌ها و روحانیون دشمن‌اند؛ چرا؟ چون بنای کار آنها بر ظلمات، بر چشم‌بندی و بر کتمان حقیقت و پرده روی کار کشیدن است.^۱

نقش پرشور مرجعیت در خنثی‌سازی توطئه دشمنان

یکی از برکات مهم الهی برای این کشور، وجود مراجع آگاه است. مرجع تقلید آگاه، برای مردم از هر نعمتی بالاتر است. مرجع تقلید آگاه، مرجعی که فریب نمیخورد، مرجعی که ذهن او را تبلیغات دشمن نمیسازد، مرجعی که تحلیل سیاسی خود را از رادیو اسرائیل نمیگیرد، خیلی ارزش دارد. دیدید که مراجع، چطور در مقابل این زمزمه‌ها و شایعه‌های دشمن‌ساز، ایستادند؛ بعد هم حوزه و روحانیت قم، بعد هم شهرهای مهم و مختلف کشور، موضع خودشان را مشخص کردند. معلوم شد که ملت ایران، بیدار است.^۲

انتقام از مرجعیت

در اوایل بیماری مرحوم آیت‌الله‌العظمی اراکی، میخواستند (دشمن)^۳ چند مطلب را به مردم بگویند. یک مطلب این بود که وانمود کنند مرجعیت دیگر آن شأن و مکان همیشگی را ندارد. گذشت زمانی که یک مرجع تقلید از دنیا میرفت و ایران تکان میخورد؛ اکنون دیگر مرجع اینقدر اهمیت ندارد. این مطلب را در بیاناتشان در همین رادیوهای بیگانه، مکرر تکرار میکردند. در گوشه و کنار دنیا چند نفر از آخوندهای بیسواد یا فراری و بدنام و روسیاه را هم پیدا کرده‌اند و اسمشان را «آیت‌الله» گذاشته‌اند! میکروفونها را جلو دهن آنها میبرند، پولی هم در مشتشان میگذارند؛ آنها هم دهن باز میکنند و هرچه اینها میخواهند،

۱. بیانات در دیدار علما و روحانیون استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۵

۲. بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

۳. دشمن

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۳۳

میگویند. آنها کیستند؟ یا بیسوادانی از خدا فرار کرده و از اسلام گریخته و پشت کرده به ملت و فراری‌اند، یا آدمهایی بددل و خبیث! میخواهند از زبان آنها چیزهایی را به خورد مردم بدهند. میپرسند: «آقا! مرجعیت مثل سابق در ایران اهمیت دارد؟» آنها هم میگویند: «نه آقا، مرجعیت دیگر تمام شده است و مردم به مرجعیت چندان اهمیت نمیدهند» و از این حرفها. میخواستند این مطلب را در ذهن مردم جا بیندازند. قصدشان این بود که موقعیت مرجعیت را که یک موقعیت عالی و الهی است و در اعماق جان مسلمین دارای تأثیر و نفوذ است، پایین بیاورند. چون از مرجعیت خوب و تودهنی خورده‌اند، خواستند از مرجعیت انتقام بگیرند، نه از یک مرجع خاص. این، یکی از مطالبی است که تبلیغات دشمن، طی چهل روز بیماری آن بزرگوار دنبال میکرد. مطلب دومی که میخواستند در ذهن مردم جا بیندازند، این بود که «در سطح کشور ایران، دیگر کسی نیست تا مقام مرجعیت را در دست گیرد؛ آن علمای بزرگ و آن ریشه‌های قوی دیگر تمام شدند؛ آیت‌الله‌العظمی اراکی آخرینشان بود و تمام شد.» این مطلب را میخواستند جا بیندازند و در این باره مفصلاً حرف زدند.^۱

آن عالمی که شریف نباشد، حمیت و غیرت دفاع از کشور و ملت و آرمانها و ارزشهای ملی و دینی خود را نداشته باشد، آن عالمی که دشمن را بر خودی ترجیح بدهد و خود را در اختیار دشمن ملت قرار بدهد، از هر جاهلی بدتر است؛ همان دزدی است که با چراغ به دزدی میرود و بیشتر صدمه میزند.^۲

۱. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز ولادت باسعادت حضرت جواد(ع) و در آستانه‌ی

میلاد با برکت حضرت علی(ع) ۱۳۷۳/۹/۲۳

۲. بیانات در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد، گروهی از خانواده‌های معظّم شهدا و جانبازان استانهای تهران و مازندران، مردم و مسئولان شهرهای نور و محمودآباد، و اساتید و

دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۰/۶/۱۳

۳) نماز جمعه و ائمه‌ی جمعه

مأیوس نمودن دشمن از نفوذ ذهنی در ملت از وظایف ائمه‌ی جمعه

در این نظام، مجموعه و صحنه‌ی عظیمی پر از مردم را تصور کنید. اگر در وسط این تشکیلات، مرکز هدایت عمومی- یعنی دستگاه رهبری- را فرض کنیم، آن پایگاهها و مراکز نزدیک به ذهن و گوش و جسم مردم در سرتاسر کشور، نمازهای جمعه است. یعنی نمازهای جمعه در هر جایی از نقاط کشور، بهر و بخشی از کار دستگاه رهبری این کشور را انجام میدهند، مردم را توجیه میکنند، به استقامت در راه وادار مینمایند، از اشتباهات دور نگه میدارند، ذهن مردم را با معارف لازم آشنا میکنند، دشمنان را نسبت به نفوذ در اذهان مردم مأیوس میکنند، از اینکه دشمن بتواند روی مردم اثر سوء بگذارد، مانع میشوند و مردم را به حرکت و تلاش در مجموعه‌ی کلی نظام وادار میکنند. وقتی نظام مردمی است، همه‌ی مردم باید حرکت کنند، تا نظام راه بیفتد؛ والا اگر عده‌ای از مردم حرکت نکردند، حرکت نظام، کند خواهد شد.^۱

تبلیغات وسیع دشمنان نسبت به نماز جمعه

هر هفته تبلیغات سنگین حجیمی از طرف دشمنان نسبت به نماز جمعه صورت میگرفت. حرفهایی میزدند که تقصیر هم نداشتند؛ چون ملت ایران را نمیشناختند. به ضرر خودشان حرف میزدند؛ مثل بسیاری از جاهای دیگر که رادیوهای بیگانه و صداهای دشمن، نسبت به مردم ایران حرف میزدند و اظهار نظر میکنند. اینها در واقع خود را پیش ملت ایران رسوا میکنند و بیخبری خودشان را نشان میدهند. حرفها میزدند که مایه‌ی خنده‌ی مردم شرکت‌کننده در نماز جمعه بود. میگفتند به هر کدام از افراد شرکت‌کننده در نماز جمعه‌ی تهران، فلان قدر پول میدهند، فلان قدر جنس میدهند! اینها همان مردمی بودند که با پشتیبانیهای مالی خودشان، آن جنگ عظیم را پشتیبانی کردند. در همین نماز جمعه‌ی تهران، انبوه پول و جنس و هدایای مردمی به سمت جبهه‌ها روانه میشد.

۱. بیانات در دیدار با ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۹/۳/۷

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۳۵

اینقدر این ایرانی‌ناشناسها، درباره‌ی این مردم اشتباه میکردند، جفا مینمودند و سخن به یاوه میگفتند!

آنها به تبلیغات هم اکتفا نکردند و نماز جمعه را مورد تهاجم خونین قرار دادند. پنج امام جمعه‌ی معتبر معروف را به شهادت رساندند: مرحوم آیت‌الله قاضی، مرحوم آیت‌الله مدنی، مرحوم آیت‌الله صدوقی، مرحوم آیت‌الله دستغیب، مرحوم آیت‌الله اشرفی. پنج عالم مجتهد پیرمرد باتقوای پرهیزکار پارسا و پاکدامن را که هر هفته مردم با دل و جان پشت سر آنها می‌ایستادند و به آنها اقتدا میکردند، جلو چشم همین مردم در نماز جمعه به شهادت رساندند. به بسیاری دیگر هم سوءقصد کردند که بحمدالله به جایی نرسید. همین نماز جمعه‌ی تهران و همین محوطه‌ای که در آن نشستهاید، بسیاری از شما به یاد دارید که شاهد چه حوادثی بوده است. در موشکباران طولانی‌مدت تهران که در چند نوبت بود، مردم در نماز جمعه شرکت میکردند. یک نوبت که در حدود پنجاه روز یا دو ماه بود و هر روز و شبی موشکهای دشمن به این شهر فرود می‌آمد، این نماز جمعه با اجتماعی عظیم- شاید بشود گفت بیش از سایر اوقات- مملو از جمعیت میشد. چون خطر بود و مردم احساس میکردند که حضورشان در اینجا خطرپذیری است و برای خداست، لذا برای ثواب مضاعف شرکت میکردند! بنده نماز جمعه‌هایی را به یاد دارم که در اثنای آن، صدای انفجار موشکها از اطراف همین محل نماز جمعه می‌آمد. در همین نماز جمعه، دشمن انفجار خونینی را به راه انداخت و جلو چشم مردم در همین نقطه عده‌ای به شهادت رسیدند؛ اما این مردم مثل کوه استوار ایستادند و تکان نخوردند. بنده آن روز در همین جا ایستاده بودم که آن انفجار اتفاق افتاد. اول خیال کردیم موشک یا بمباران هوایی است؛ نگران شدم که نماز جمعه به هم خواهد خورد. معلوم میشود که ما هم مردم‌مان را درست نشناخته بودیم. خدا میداند که این صفها تکان نخورد. یک گله جا این انفجار واقع شد و چند لحظه همان‌جا یک هیاهویی شد، بعد شهدا و مجروحان را بردند؛ اما مردم همان‌جا نشستند و نماز جمعه و خطبه‌ها ادامه پیدا کرد! این نماز جمعه، چنین مناظری را شاهد بوده

است. نماز جمعه‌ی تهران، بخاطر همان آثار و برکاتی که عرض شد، مرکز و آماج سخت‌ترین حملات دشمن قرار گرفت.^۱

نماز جمعه حربه‌ای برای آگاهی از توطئه‌های دشمن

نماز جمعه یک عمل صرفاً عبادی نیست؛ عملی است که در ذات و ترکیب خود، آگاهی‌بخش است؛ هم اجتماع عظیم مسلمانان را هر هفته تشکیل می‌دهد و به رخ دوست و دشمن میکشد و هم به وسیله‌ی خطیب جمعه، اوضاع و احوال سیاسی برای آنها تشریح و تبیین میشود. حقیقتاً نماز جمعه در اسلام ترکیب عجیبی است؛ از یک طرف، توصیه‌ی مردم به تقوا و پاکدامنی و اعراض از هواهای نفسانی است و از طرف دیگر، آگاه کردن مردم از جریانهای سیاسی و توطئه‌های دشمنان و نیازهای دوستان و اوضاع دنیای اسلام است. قدر این فریضه‌ی عظیم را باید خیلی دانست.^۲

۴) دانشگاه و مدارس

دانشگاه مورد حمله‌ی دشمن

در نظام جمهوری اسلامی که یک نظام صددرصد مردمی است، دانشجو باید بارزتر از دیگر دانشجویان در هر جای دیگر دنیا، نقش داشته باشد. درست است که همه‌ی ملت‌ها و جوانها به کشور و سرنوشت و ملتشان علاقه‌مندند، اما فرق است بین نظامی که براساس انقلاب مردمی و متکی به اراده و احساس عامه‌ی مردم بنا شده و حرکت کرده و با دشمن درافتاده و موانع را برداشته باشد و یکایک آحاد مردم با آن احساس پیوند عمیقی کنند، و نظامی که این چنین نباشد. عزیزان دانشجو و جوانهای خوب و باصفا و سالم! تا آنجا که در توان و قدرت شماست، در محیط دانشگاه یکپارچگی خود را حفظ بکنید و نگذارید نامهای گوناگون، به معنای جهتگیریهای گوناگون تلقی شود و نیروهایی که باید

۱. بیانات در خطبه‌های هزارمین نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۸/۸

۲. بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور ۱۳۸۱/۵/۵

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۳۷

به سمت دشمن بایستند و موضع بگیرند، روبه‌روی هم قرار گیرند؛ مواظب این خطر باشید. مطلقاً نباید اسمها و عنوانها، دیوار به وجود آورند و مرز ایجاد کنند. طرح عناوینی مثل دانشجوی این وزارت و دانشجوی آن وزارت، دانشجوی این دانشگاه و دانشجوی آن دانشگاه، دانشجوی دانشگاه دولتی و دانشجوی دانشگاه غیردولتی، انجمن اسلامی اینجا و انجمن اسلامی آنجا، خطرآفرین است.^۱

اگر از طرف بیگانگان و دشمنان خطری دانشگاه را تهدید کند، بمباران همین دو مرکز اساسی و مهم است؛ اعتماد به نفس را از دانشگاهی بگیرند، بخواهند فکرها و تئوریهای ترجمه‌ای را وارد محیط دانشگاه کنند و به مغز دانشجو و استاد رسوخ دهند و آنها را از ایمان و دلبستگیهای مردم جدا کنند. این، آن خطر اساسی است. علاج هم عبارت است از حفظ اتصال فکری با توده‌های مردم و به‌شدت چسبیدن و متمسک شدن به ریشه‌های اصولی انقلاب. عزیزان من! ارتباط با انقلاب را هرچه بیشتر باید مستحکم کرد. ما ملت ایران، در محیط بین‌المللی، شأن و جایگاه و هویت خودمان را گم کرده بودیم. انقلاب این هویت و جایگاه و شأن را به ملت ایران برگرداند.^۲

سعی دشمن، ناامنی در دانشگاهها

در دانشگاهها ناامنی ایجاد میکنند. این کار را در یکی، دو مورد تجربه کردند، اما خود دانشجویان توی دهن دشمن زدند و نگذاشتند؛ البته در جاهایی هم ممکن است دشمن توفیقاتی به دست آورده باشد. سعی‌شان این است که در محیط دانشجویی و در دانشگاهها، با ایجاد تشنج، با ایجاد ناامنی، به اسم شعار، به اسم تظاهرات، به اسم فلان، کلاسها را از فعالیت و نشاط و تلاش بیندازند و استاد و دانشجو را بیکار کنند. همه میبینند که امروز دانشجویان ما استعدادهای درخشانی را نشان میدهند. ما در جاهایی در میان کارهای دانشجویی، چیزهایی را مشاهده

۱. بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان ۱۳۶۸/۳/۲۳

۲. بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

می‌کنیم که حقیقتاً امیدبخش است و نشان‌دهنده‌ی آینده‌ی خوب و روشن است. یکی از کارهای دشمن، ایجاد ناامنی در محیط دانشگاه‌هاست؛ یعنی کاری کنند که درس خواندن، کلاس رفتن، درس گفتن و آزمایشگاه، یک امر ناممکن و دشوار شود. یا ناامنیهای شهری به وجود آورند؛ مثل همان وضعیتی که در ۲۱ و ۲۲ تیرماه سال ۷۸ در تهران پیش آوردند؛ جان انسانها، جان جوانان و کودکان، جان زنان، جان رهگذران، جان آن کسی که پشت پنجره‌ی اتاقش نشسته، در معرض تهدید قرار گیرد؛ چرا؟ چون عده‌ای با یک حرکت خشن و عنید، ترجیح دادند به خیابان بیایند و ایجاد اغتشاش کنند؛ ماشین آتش بزنند، یا شیشه بشکنند؛ بهانه‌ای هم بالاخره برایش جور میکنند! کدام بهانه مجوز این است که مجموعه‌ای در یک کشور، در خانه‌ی خودش - اینجا خانه‌ی بیگانه که نیست - ناامنی و اغتشاش ایجاد کند؟ بدیهی است وقتی چنین حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، نیروهای امنیتی، نیروهای نظامی و نیروهای بسیج، بیکار که نمی‌مانند و ساکت نمی‌نشینند. کسی که باید در مقابل اینگونه ناامنیها هوشیار باشد، کیست؟ آن، خود مردمند؛ خود جوانانند؛ خود کارگرانند؛ خود دانشجویانند؛ خود آن محیط‌هایی هستند که آماج چنین توطئه و سوءنیتی قرار می‌گیرند. باید توجه کنند، اگر دیدند یک نفر در تحریک، بسیار پیش میرود، مچش را بگیرند؛ بدانند که زبان دشمن است که دارد حرف می‌زند، صدای دشمن است که از حنجره‌ی این فرد دارد بیرون می‌آید؛ کمالیکه هر جا هم کاوش کردند، در هر موردی، همینطور چیزهایی را هم پیدا کردند. مسئولیت ایجاد امنیت، پس از هوشیاری آحاد مردم، دستگاههای ذیربطند؛ وزارت اطلاعات، وزارت کشور، نیروی انتظامی، دستگاه قضایی و... مهمترین مطالبه‌ی مردم از دستگاه حکومت این است و این مهمترین مطالبه‌ی بنده از دستگاههای ذیربط است. همه باید توجه کنند و مراقب باشند. همه باید با قضایا هوشیارانه برخورد کنند. ما که نباید اجازه دهیم دشمن هر کاری که میخواهد، انجام دهد.^۱

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) در مشهد مقدس ۱۳۷۹/۱/۶

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۳۹

جلوگیری از نفوذ دشمن در دانشگاه

دانشجو و محیط دانشگاه باید نگاه کلان به هدفهای انقلاب داشته باشد؛ دنبال آنها برود. مراقب باشید دشمن نتواند از محیط دانشگاه و از عنصر دانشجو و استاد استفاده کند. این آن چیزی است که من روی آن تأکید میکنم. میبینید یک حادثه‌ی کوچکی اتفاق می‌افتاد، حالا در همین دانشگاه خودتان، یک تعدادی مثلاً شاید در یک قضیه‌ای گله‌مندند، معترضند؛ ببینید بلافاصله در دنیا روی آن تفسیر می‌گذارند، تحلیل می‌گذارند، نه با جهتی که آن دانشجو بخاطر آن جهت این حرکت را انجام داده، این اقدام را کرده، بلکه درست در نقطه‌ی مقابل آن جهت. یعنی حاکمیت را، نظام را، اسلام را زیر سؤال می‌برند با این وسائل. باید هشیار بود؛ در محیط دانشگاه این هشیاری از همیشه لازمتر است.^۱

تلاش دشمن در منحرف کردن دانشگاه از دین و روحیه‌ی انقلابی

همه می‌توانند ببینند که دشمن امروز هم در تلاش است که دانشگاه را از صراط مستقیم علم و دین و روحیه‌ی انقلابی منحرف کند. بزرگترین مسئولیت در مقابله با توطئه دشمنان، بر دوش خود دانشگاهیان عزیز چه اساتید و چه دانشجویان است، و یقیناً مانند برخی مقاطع حساس گذشته به این مسئولیت عمل خواهند کرد. انتظار اینجانب از فرزندان دانشجوییم آن است که هوشیارانه حوادث سیاسی جهان و کشور را زیر نظر داشته باشند. دشمن را در هر جا و با هر چهره‌ای بشناسند و هدفها و روشهای خصمانه را با تیزبینی تشخیص دهند. در هیچ شرایطی اجازه‌ی اخلال در روند علم و دین را در دانشگاه به کسی ندهند و محیط مصفاً و پرنشاط دانشجویی را برای پیشرفت سریع علمی همراه با تعهد و تدین و تلاش انقلابی حفظ کنند.^۲

امروز دانشجویید، امروز دانش‌آموزید و فردا گردانندگان چرخهای

۱. بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

۲. پیام به مناسبت بازگشایی دانشگاهها ۱۳۷۸/۷/۶

این کشورید. امروز خودتان را بسازید. دانشگاهها را بسازید. محیط دانشگاه را محیط انقلابی و اسلامی کنید. محیط دبیرستانها را نیز همینطور. نمیبینید که دشمن، بیشترین توجهش را به این محیطها معطوف کرده است؟! این، برای چیست؟ برای این است که از این محیطها میترسد. در محیط دانشگاه، جوانان انقلابی و مسلمان باید مانند یک دست، مانند یک تن، با یک فکر- فکر اسلام و انقلاب- حرکت کنند. محیط را محیط انقلابی و اسلامی کنید. از هر چیزی که مٌخلاً به این یگانگی در راه خدا و در راه انقلاب باشد پرهیز کنید، تا بتوانید دانشگاهی را بسازید که فردای ایران را تأمین کند؛ جمهوری اسلامی را در مقابل دشمنان و بدخواهان و ملت ایران را در مقابل دوستان و امیدواران عالم روسفید کند. محیط دبیرستانها نیز همینطور.^۱

غافل نبودن دشمن از دانشگاه

یک رکن مهم ایستادگی، علم است. این علم است که به ما اعتماد به نفس داده. اگر امروز نفت ما را شرکتهای خارجی باید می‌آمدند استخراج و پالایش میکردند، گاز ما را باید آنها لوله‌کشی میکردند، اگر نظام سلامت ما وابسته‌ی به متخصصین خارجی و عمدتاً فرنگی بود، اگر تغذیه‌ی ما دست آنها بود، اگر کشت و صنعت ما دست اسرائیلیها بود، اگر صنعت هسته‌ای ما در صورتی که بنا نبود در آرزوی آن بمیریم و یک چیزی وجود میداشت، در اختیار فرانسه و آلمان و دیگران بود، ما امروز این اعتماد به نفس را نداشتیم، قدرت این ایستادگی نبود، این عزت و این شرف وجود نمیداشت. اگر ما برای ساختن یک سد، برای ساختن یک نیروگاه، برای ساختن یک بزرگراه، برای ساختن یک تونل، برای ساختن سیلوهای گندم، دستان به سمت صنعتگران و دانشمندان شرق و غرب دنیا دراز بود، ملت ما احساس عزت نمیکرد؛ مسئولین کشور هم آبروی اظهار وجود در قبال استکبار جهانی را نداشتند؛ نه

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و پرستاران، به مناسبت روز ۱۳ آبان

فصل نهم: اقشار مورد هدف دشمن / ۳۴۱

چنین اعتماد به نفسی وجود داشت، نه چنین قوت اراده‌ای وجود داشت، نه چنین عزمی وجود داشت. کی برای ما جاده ساخت و تونل ساخت و نیروگاه ساخت و سد و پل و بزرگراه و سلولهای بنیادی و انرژی هسته‌ای را درست کرد؟ دانشگاه. این دانشگاه بود که به ملت ایران کمک کرد تا بتواند عزت نفس خودش را حفظ کند، آبروی خودش را حفظ کند و در مقابل زیاده‌خواهی دشمنان سینه سپر کند. مسئولین کشور هم از این جهت مدیون دانشگاهند.

من قصدم این نیست که مناقب دانشگاه را در جمع دانشگاهیها بگویم؛ من از این می‌خواهم یک نتیجه‌ای بگیرم. دشمن ما از این مرکز قدرت‌افزایی غافل نیست و غافل نخواهد بود؛ این را همه بدانیم. هر چیزی که مایه‌ی عزت کشور و عزت ملت و ایستادگی ملت و استقامت ملت است، بدون شک آماجی از آماجهای دشمن است. احساس دینی، احساس انقلابی، استقلال‌طلبی و هرچه که در این زمینه هست. از جمله با این بیانی که عرض شد، دانشگاه. آماج دشمن است. در دانشگاه چه کار می‌خواهند بکنند؟ دشمن علی‌القاعده دو تا کار را برای دانشگاه ما برنامه‌ریزی میکند: یکی علم‌زدایی، یکی دین‌زدایی؛ از دانشگاه علم‌زدایی بشود، از دانشگاه دین‌زدایی بشود. علم‌زدایی از دانشگاه چگونه است؟ یکی از کارهای کوچکش همین ترور دانشمندان است؛ که آخری‌اش همین دو سه تا دانشمند عزیز هسته‌ای ما بودند که در این یک سال اخیر از دست ما گرفته شدند. برنامه، وسیعتر از اینهاست؛ این یکی از آسانترینهاش است. پیچیده‌تر از این، این است که دانشگاه ما را، استاد ما را و دانشجوی ما را به کار غیرعلمی سرگرم کنند؛ نگذارند این شکوفایی علمی که آرزوی ماست، تحقق پیدا کند.^۱

سعی دشمن در تعطیلی علم و تحقیق

هر وقت حرکت سازنده‌ای در کشور به وجود می‌آید، از آن طرف دشمن برای اینکه جمهوری اسلامی نتواند حرکات سازنده را انجام دهد،

۱. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها ۱۳۹۰/۶/۲

تحریکاتی در کنارش به راه می‌اندازد. الان چندی است که راجع به علم و تحقیق و اهمّیت آن، حرفهایی جدی وجود دارد. در ملاقات با بنده- چه استاد، چه دانشجو، چه رؤسای مراکز علمی و دانشگاهی- هر کدام که درباره‌ی مسائل دانشگاه حرف می‌زنند- که مکرّر هم اتفاق می‌افتد- راجع به اهمّیت علم صحبت میکنند و از عقب‌ماندگیهای ما در مسائل مربوط به علم و تحقیق و پژوهش و امثال اینها گله و شکوه میکنند. بنده هم به مسئولان بارها تذکر داده‌ام و تصمیمهای خوبی هم گرفته‌اند و کارهایی را هم کرده‌اند. بنابراین حرکت به سمت رونق دادن به بازار علم و تحقیق و زبده‌پروری و ذهنها را در دانشگاهها و مراکز علمی پرورش دادن، چندی است که جدیتر از گذشته شروع شده است؛ اما یک وقت شما ببینید در دانشگاه بهانه‌ای پیدا میشود برای اینکه نه تنها علم و تحقیق، بلکه اصل جریان و روال معمول دانشگاهها هم به خطر بیفتد و دچار وقفه و تعطیل شود! این کار کیست؟ این کار دشمن نیست؟ همان وقتی که کشور نهایت احتیاج را دارد به اینکه جوانان دنبال علم و تحقیق و پرورش نیروی فکری خود باشند و نظام هم برای این کار برنامه‌ریزی میکند و جدیتر از گذشته آن را دنبال مینماید و این یک نیاز طبیعی است و همه آن را احساس میکنند، ناگهان عده‌ای پیدا شوند و دانشگاه و دانشجو و استاد و محقق را از کار معمولی خود باز بدارند یا مزاحمت ایجاد کنند.^۱

دانشجویان و دانشگاهیان، آماج تبلیغات خصمانه‌ی دشمن

ساده‌انگاری است اگر امید و طمع دشمن بر رجعت دانشگاه به آن گذشته‌ی آفت‌زا، نادیده گرفته شود. امروز آماج بسیاری از تبلیغات خصمانه‌ی دشمنان، در درجه‌ی اول، دانشجویان و دانشگاهیانند. امروز در حالی که نسل جوان روشنفکر در بسیاری از کشورهای اسلامی، مجذوب امام و انقلاب و اسلام ناب محمدی ﷺ است، طراحان تبلیغاتی نظام سلطه‌ی جهانی، درصدد آنند که نسل جوان و نوخاسته‌ی کشور

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۹/۱

فصل نهم: اقشار مورد هدف دشمن / ۳۴۳

انقلاب را با آرمانهای انقلاب، بیگانه و از ریشه‌ی خود جدا کنند. دستهای طرّار و مغزهای مکار و دلارهای بشمار در تلاشی بیهوده، نسل جوان انقلاب را هدف گرفته‌اند. آنان از بیداری جوانان و قدرت تحلیلی که در پرتو انقلاب به آنان داده شده، غافل‌اند. با این حال جوانان دانشور، طلبه و دانشجو، و اساتید متعهد، دانشگاهی و روحانی، باید مسئولیت سنگین روشنگری و جهاد فکری و علمی را بیش از پیش بر دوش خود احساس کنند و در میدان علم و دین و آرمانگرایی به مسابقه‌ای الهی که پاداش آن بهشت دنیوی و اخروی است، بپردازند.^۱

نفوذ دشمن در دانشجویان به قصد فساد و تباهی

حرف من به دانشجویان این است که مراقب دشمن باشید؛ دشمن را خوب بشناسید؛ مبدا از شناسایی دشمن غفلت کنید. غریبه‌هایی را که در لباس خودی خودشان را در همه جا داخل میکنند بشناسید؛ دستهای پنهان را ببینید. هیچکس بخاطر غفلت ستایش نمیشود. هیچکس بخاطر چشمها را بر هم گذاشتن، مدح نمیشود. اگر بر آدم غافل ضربه‌ای وارد شد، اوّل کسی که مسئول و مذموم است، خود اوست؛ مراقب باشید. دانشجو، قشر فاخر و باارزشی است. دشمن، دانشجو را هدف گرفته است. چند سال است سعی میکنند بلکه بتوانند دانشجویان را در مقابل نظام قرار دهند؛ اما موفق نشدند؛ بعد از این هم موفق نخواهند شد. اگر یک عده نفوذی خواستند از فرصتی استفاده کنند و از آب گل‌آلودی ماهی بگیرند. وارد اجتماع دانشجویان شدند و شعارهایی درست کردند و حرفهایی زدند. خیال نکنند که ما اشتباه خواهیم کرد؛ نه، ما اشتباه نخواهیم کرد. ما مخاطب و طرف خودمان را میشناسیم. دانشجو، فرزند ماست؛ متعلق به ماست؛ متعلق به این کشور است. دشمن است که میخواهد با نام دانشجو یا با نام نفوذ در میان دانشجویان، فساد و تباهی کند؛ خود دانشجویان بایستی هوشیارانه متوجه باشند.^۲

۱. پیام به گردهمایی ویژه دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی(ره)

۱۳۷۸/۳/۱۲

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱

وارد کردن دانشجویان از محاسبات دشمن

دانشجویان عزیز! ببینید که دشمن در محاسبات خود عنصر دانشجو را وارد میکند. البته از مدتی پیش وارد کرده است؛ اما حالا دشمن به صورت عملی میخواهد با عنصر دانشجو، بازی کند. هوشیاری شما، آگاهی شما، ایمان شما و دقت نظر شما باید دشمن را ناکام کند. هرچه میتوانید، در موضع یک انسان آگاه و هوشیار عمل کنید. مملکت متعلق به شماست. ما که رفتنی هستیم؛ نسل شماست که این مملکت را میگیرد. پدران و نسل قبل از شما توانستند این کشور را از چنگ غارتگران خارجی- و عمدتاً آمریکایی- خارج کنند. آنها هنوز هم دست و پا میزنند، پنجه میکشند و تلاش میکنند! این شما هستید که باید خودتان را مجهز کنید و کشورتان را نگه دارید. نگذارید این کشور، این منابع، این قدرت عظیم و این منطقه حسّاس به دست دشمن بیفتد. خودتان را آماده کنید.^۱

جوانان ما، مخصوصاً دانشجویان، شور انگیزی در مبارزه با دشمن و مقابله با تهاجم او بر دوش دارند. انجمنهای اسلامی و دیگر تشکلهای اسلامی دانشگاهها، باید خود را در صفوف مقدم این مبارزه پرشور قرار دهند.^۲

در یک چنین موقعیت و فصل حسّاسی مثل این فصل سال (فصل امتحانات دانشجویی، فصل کنکور) که همه‌ی خانواده‌هایی که جوانی دارند، این فصل که میشود، همه‌ی همّت خودشان را میگذارند که جوانشان حواسش جمع باشد و بتواند در امتحان یا در کنکور موفق شود- آن کدام دستی است، آن کدام دشمن آینده‌ی این مملکت و دانشگاه این مملکت است که اینطور جوانان را به یک سمت انحرافی میکشاند، سرگرمی درست میکند و تشویق مینماید به اینکه سراغ درس

۱. ۱۳۸۷/۵/۸

۲. پیام به مناسبت گردهمایی مسئولان انجمنهای اسلامی دانشگاهها ۱۳۷۷/۵/۱۰

فصل نهم: افشار مورد هدف دشمن / ۳۴۵

و سراغ امتحان نروید؛ اجتماع کنید؟! اول کسی که اینجا باید هوشیارانه چشم خود را باز کند و تصمیم بگیرد، خود دانشجوی است.^۱

مقابله با افزار تبلیغی و فرهنگی دشمن

در صحنه‌ای که دشمن با ابزار فرهنگی و تکیه بر سلاح تبلیغ، مزورانه به میدان می‌آید، چه کسی شایسته‌تر از دانشجو و طلبه است که در صفوف مقدم این دفاع مقدس قرار بگیرد و با تکیه بر ایمان صادقانه و منطق قوی و عمل صالح خود، دشمن را مغلوب و رسوا کند. آری، بسیج مدرسه‌ی عشق است، و در همه‌ی میدانهای دشوار، فقط حضور عاشقانه و مخلصانه است که میتواند پرچم حق و عدل و راستی و ایمان را به اهتزاز درآورد و جنود شیطان را منهزم سازد. دانشجوی بسیجی کسی است که دشمن کمین‌گرفته را از یاد نمیرد و غافلانه، خود و دانشگاه و کشورش را به دست تطاول دشمن نمی‌سپرد. دانشجوی بسیجی، جوانی خود را مغتنم می‌شمرد و از لحظه‌های گرانبهای آن برای خودسازی علمی و فکری و روحی بهره می‌گیرد. دانشجوی بسیجی، پیکار فرهنگی و فکری و عقلانی را نیز مانند حضور در میدانهای جنگ، با تکیه بر هوشمندی و تلاش و توکل به پیش می‌برد و خود را در همه حال، سرباز اسلام و انقلاب و فرزند خمینی کبیر می‌شمرد. بسیج دانشجویی در عین آنکه یک تشکل نظم‌یافته و برخوردار از سازماندهی است، نه در جناحهای سیاسی، هضم و حل میشود و نه خود را رقیب سازمانهای دانشجویی متعارف می‌شمرد. هر دانشجویی با هر سلیقه‌ی سیاسی، اگر پایبند به ارزشهای انقلاب و آماده‌ی حضور در عرصه‌ی مبارزه‌ی فرهنگی و سیاسی با استکبار و ایادی آشکار و نقابدار آن است، میتواند در خیل بسیجیان دانشگاه و عضوی از بسیج دانشجویی باشد.^۲

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه افشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱

۲. پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی ۱۳۷۷/۷/۱۴

اخلال دشمن در میدان تعلیم و تربیت

اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید، خدای نخواستہ، آن وقتی درمی‌آید که دیگر قابل علاج نیست! جوان جبهه‌رفته‌ی ما را اگر محاصره کردند، اگر اول، یک ویدئو در اختیارش گذاشتند و بعد او را به تماشای فیلمهای جنسی وقیح وادار کردند، شهوت او را تحریک کردند و بعد او را به چند مجلس کشاندند، چه خواهد شد؟ وقتی تشکیلاتی وجود داشته باشد، جوان را در اوج نیروی جوانی فاسد میکنند و حالا دشمن این کار را میکند. من از شهرستانها خبر دارم. از شهرهای مختلف کشور خبر دارم. خبرهای آنچنانی را به ما میدهند. روز و شبی نیست که ما، از اینگونه خبرها نشنویم. این کارها را چه کسی میکند؟ دشمن! جوان، دچار شهوترانی میشود و ایمان خودش را از دست میدهد. در اوایل کار، حتی همان جوان گریه میکند؛ اما بتدریج او را همینطور میبرند. بچه‌مدرسه‌ای‌های ما را، دبیرستانیهای ما را، حتی بچه‌های مدارس راهنمایی ما را، همینطور فاسد میکنند. افرادی را پیدا میکنند که مواد مخدر و عکسهای ناجور به مدرسه میبرند. من میخواهم از شما سؤال کنم: اگر مدیر مدرسه‌ای، نسبت به فاسد شدن پانصد یا ششصد یا هزار نوجوانی که به دست او سپرده‌اند، حساس بود و گوش کسی را که وسیله‌ی دشمن قرار گرفته و داخل آن مدرسه هروئین آورده، پیچاند، ما باید به این مدیر مدرسه چه بگوییم؟ بگوییم: «آقا، شما برخلاف آزادی عمل کردی؟ این چه روشی است؟ شما ضد آزادی هستی؟!» این حرف درست است؟ این درست است که به مدیر یک مدرسه که میگوید «هزار تا جوان را دست من سپرده‌اند؛ من نمیخواهم فردا اینها را هروئینی تحویل مادران و پدرشان بدهم» بگویند: «نخیر! شما باید اجازه بدهی خودشان انتخاب کنند! هر کس نخواست، خودش نکشد! تو برو در مضرات هروئین حرف بزن!» این، یک بخشی از تهاجم فرهنگی است. نظام اسلامی را متهم میکنند که «این مرام، نظامی است و آزادی نمیدهد.» چطور ما آزادی نمیدهیم؟!^۱

۱. بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور

فصل نهم: اقصاء مورد هدف دشمن / ۳۴۷

تلاش دشمن در خارج کردن خوشنامی معلمان

جامعه‌ی معلمان، امروز یک جامعه‌ی خوشنام در کشور ما است؛ اما بعضی تصمیم گرفته‌اند اینها را در چشم مردم از این خوشنامی خارج کنند؛ این را ما در بعضی از تلاشها میبینیم. بعضی دانسته به دشمن خدمت میکنند، بعضی هم ندانسته خدمت میکنند؛ نمیفهمند چه میکنند. امروز که کشور احتیاج دارد به اینکه در میدان تعلیم، تربیت، تحقیق و ساختن انسانهای والا، سرعت مضاعف داشته باشد تا عقب‌ماندگیهای دورانهای قبل را جبران کند. و به فضل الهی بسیار هم پیش رفته‌ایم. یکی از کارها این است که بر این حرکت سخته‌ای وارد کنند؛ هم به دانشگاه میپردازند. تا شاید بتوانند دانشگاهها را دچار اختلال کنند. و هم به مدارس میپردازند.^۱

(۵) مسئولین

تبلیغات دشمن جهت فاصله‌اندازی بین مردم و مسئولان

ملت ما واقعیات را لمس میکنند و میبینند که واقعیتهای، درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن میخواهد به مردم تفهیم کند و بیاوراند. مردم میبینند که مسئولان، در دل مردم جا دارند و به آنها محبت میورزند. در زمان حیات حضرت امام(ره) هم، تبلیغات بر این نقطه متمرکز بود که بگویند مردم از امام جدا شدند! البته، مردم ما به باطن و قلب خود که مراجعه میکردند، میدیدند که پر از محبت امام است. این حس اعتمادی که مردم نسبت به مسئولان دارند، چیز بسیار باارزشی است. تبلیغات دشمن سعی میکند این حس اعتماد را از مردم بگیرد؛ در حالی که این حس اعتماد، در طول دوران بعد از انقلاب و حتی پیش از پیروزی آن، برای ملت و انقلاب ما کارساز بود. با همین روح اعتماد بود که مردم حرکت کردند، تجاوز دشمن را دفع نمودند و مملکت را نجات دادند.^۲

۱. بیانات در دیدار معلمان و کارگران ۱۳۸۳/۲/۱۲

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۷/۲۸

دشمن می‌خواهد مردم ایران ناامید شوند؛ اما ملت ایران امیدوار است. دشمن می‌خواهد مردم ایران به اسلام پشت کند؛ اما ملت ایران با همه‌ی وجود به اسلام و قرآن متمسک است. دشمن می‌خواهد میان ملت و مسئولین فاصله و شکاف ایجاد کند؛ اما علقه و رابطه‌ی عاطفی میان مردم و مسئولین دلسوز کشور، روزافزون است. دشمن می‌خواهد مردم به کار و تلاش پشت کنند؛ اما بحمدالله روحیه‌ی کار و تلاش، روزبه‌روز در میان مردم ما بیشتر میشود.^۱

رخنه ایجاد کردن در اراده‌ی مردم و مسئولین

امروز جبهه‌ی مقابل ما- که سردمدار آن جبهه هم آمریکا و صهیونیست‌هایند- به تمام طرقتی که میتواند است متوسل و متشبث بشود، متشبث شده؛ از تمام راهها که میتواند برای مقابله‌ی با ملت ایران بهره‌گیری کند، بهره‌گیری کرده است، برای اینکه بتواند این دو عامل، یعنی عامل تقویت‌کننده‌ی نظام، و عامل ایستادگی مردم در صحنه را تضعیف کند و از بین ببرد. خودشان هم همین را تصریح میکنند؛ میگویند این تحریمهایی که ما بر علیه ایران تصویب و اجرا میکنیم- و با عناد کامل دنبال میکنند- برای این است که مردم را خسته کنیم، مردم از صحنه خارج شوند، مردم به نظام اسلامی پشت کنند. یا این کار صورت بگیرد، یا در اراده‌ی مسئولین رخنه به وجود بیاید؛ مسئولین در محاسبات خودشان تجدیدنظر کنند. تعبیر آنها این است: میگویند میخواهیم مسئولین جمهوری اسلامی احساس کنند که هزینه‌ی تصمیم‌گیریهای آنها بالاست. این یعنی رخنه ایجاد کردن در اراده‌ی مسئولین کشور. با همه‌ی توانشان، با همه‌ی ترفندهایی که بلدند، دارند این دو کار را دنبال میکنند. یا در مردم ایجاد تردید کنند و مردم را از نظام جدا کنند، یا در مسئولین ایجاد تردید کنند و مسئولین را وادار کنند که در تصمیمهای خودشان تجدیدنظر کنند. اشتباه کردند؛ هیچکدام را نمیتوانند انجام دهند. یک روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسید که با شعب

۱. بیانات در دیدار با مردم «یاسوج» در «میدان معلم» این شهر ۱۳۷۳/۳/۱۷

فصل نهم: اقصاء مورد هدف دشمن / ۳۴۹

ابی طالب و محاصره‌ی اقتصادی مسلمانها، آنها را از پا بیندازند؛ اما نتوانستند. این روسیاهای بدمحاسبه‌گر خیال میکنند ما امروز در شرایط شعب ابی‌طالبیم. اینجور نیست. ما امروز در شرایط شعب ابی‌طالب نیستیم؛ ما در شرایط بدر و خیبریم. ما در شرایطی هستیم که ملت ما نشانه‌های پیروزی را به چشم دیده است؛ به آنها نزدیک شده است؛ به بسیاری از مراحل پیروزی، با سرافرازی دست پیدا کرده است. امروز مردم ما را از محاصره‌ی اقتصادی میترسانند؟ با این حرفها، با این ترندها میخواهند مردم را از صحنه بیرون کنند؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ امروز میخواهند در اراده‌ی مسئولین اختلال ایجاد کنند؟ «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی»؛ این راهی است که با بصیرت انتخاب شده است، این راهی است که با مجاهدت باز شده است، این راهی است که با خون عزیزترینها هموار شده است. ما از این راه رفتیم، به قلعه‌هایی هم دست پیدا کردیم. ما متوقف نمیشویم، انشاءالله پیش میرویم؛ ولی تا امروز هم به قلعه‌های بسیاری دست پیدا کرده‌ایم. جمهوری اسلامی، امروز کجا، بیست سال و سی سال قبل کجا؟ دشمنان جمهوری اسلامی، هیمنه و باد و بروت آن روزشان کجا، ضعف و انکسار امروزشان کجا؟ اینها نشانه‌هایی است که ملت ایران را تشویق میکنند. نخیر، در ادامه‌ی راه اسلام- که راه خداست، راه دین است، راه سعادت دنیا و آخرت است- اراده‌ی مسئولین همچنان مستحکم خواهد ماند؛ مردم هم امروز و در آینده، پای ثابت این حرکت عظیم خواهند بود.^۱

مسئولان مردم‌گرا: نقطه‌ی تهاجم دشمن

نقطه‌ی دیگری که برای دشمن بسیار مهم است، موضوع مردمی بودن دولت و مجلس و مسئولان کشور است. در کشورهایی که مثلاً دموکراسی وجود دارد، اگر شما نگاه کنید، میبینید غالباً دولتمردان یا از سرمایه‌داران

۱. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز دی ۱۳۹۰/۱۰/۱۹

و یا وابسته به سرمایه‌دارانند و مجلسهایشان را غالباً افراد متنوّذ، پولدار، قدرتمند و زور دار پر میکنند. در کشورهایی هم که دم از دموکراسی میزنند، وضع به همینگونه است. در کشورهای معروف و نام‌آشنای جهان، غالب کسانی که در رأس حکومتها قرار میگیرند از خانواده‌ها و قشرهای شناخته‌شده‌ی سیاسی، مالی، نظامی و یا اشخاص وابسته به طبقات دارای زر و زورند. در ایران اسلامی اینگونه نیست. مجلس شورای اسلامی متکی به عناصری از متن مردم است. یک معلّم، یک کشاورز، یک روحانی، یک پزشک، یک کاسب یا یک دانشجو، به یک منطقه‌ی انتخاباتی رفته است و مردم او را شناخته‌اند، به او رأی داده‌اند و به مجلس شورای اسلامی وارد شده است. دولت جمهوری اسلامی نیز همینطور است. کسانی که در رأس مسئولیتهای دولتی قرار دارند، افرادی هستند که عمر و جوانی خودشان را در مبارزات و سختیها و شدايد گذرانده‌اند.^۱

اراده‌ی قوی و کارآمدی مسئولان

همه‌ی مسئولین نظام باید به این نکته توجه کنند و به اسلام و احکام اسلام و به ارزشهای اسلامی افتخار کنند. درست است که دشمنان اسلام- یعنی دشمنان ملت ایران- این را نمیپسندند. بدیهی است شما وقتی در مقابل یک دشمنی قرار بگیرید، اراده‌ی قوی داشته باشید، اسلحه‌ی کارآمد داشته باشید، دشمن این را نمیپسندد؛ میخواهد اراده‌ی شما را، از شما بگیرد و شما را تضعیف کند؛ اسلحه را از دستتان بگیرد. دشمنان ایران و ایرانی میدانند که مایه‌ی ایستادگی و اقتدار این ملت و اراده‌ی مستحکم او، همین ایمان اسلامی او بود؛ میخواهند این را از او بگیرند. آنها تبلیغات جهانی را در همین جهت سازماندهی قوه‌ی قضاییه و مجلس باید به وظایف خود عمل کنند. هر کس امروز از وظیفه‌ی اصلی خود سرپیچی کند و خود را به کار دیگری مشغول و

۱. بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۵۱

سرگرم سازد و از انجام وظیفه شانه خالی نماید، خیانت کرده است و دچار لعنت ابدی خواهد شد. ما مسئولان باید روح اسلامی را در خود زنده نگه داریم؛ روح اشرافیگری را دور بیندازیم و میکند. ما باید هوشیار باشیم؛ مسئولین ما باید هوشیار باشند.^۱

اختلاف مسئولان موجبات شادی دشمن

آنجایی که مسئولان در غیرمسائل اصلی نظام- در مسائل کاری، اداری، فهم یک قانون- با هم اختلاف نظری دارند، نباید این اختلاف نظر جلو چشم مردم قرار گیرد و به کوی و بازار کشیده شود. اختلاف نظر نباید نشاندهنده اختلاف مسئولان باشد. چرا؟ چون مردم را میوس و نگران و دشمن را خوشحال میکند. البته اختلاف بین مسئولان در فهم یک وظیفه، یک امر متوقع است. مثلاً ممکن است رئیس جمهور محترم و رئیس محترم قوه قضائیه دربارهی نقطه‌ای از نقاط، دارای دو دید و دو بینش باشند و هر کدام هم برای خود استدلالی داشته باشند. بسیار خوب؛ این راه حل دارد. در قانون اساسی، راه حل اینها معین شده است. هماهنگ‌کنندهی سه قوه، رهبر است و رهبری میتواند این مشکلات را برطرف کند. معیار همکاری، قانون اساسی است؛ که وظایف، حکم موارد اختلاف و تنازع، و حکم و مرجع را هم معلوم کرده است. در قانون اساسی، قوهی مجریه وظایفی دارد که مشخص است. مدیریتهای عمدهی کشور، ادارهی همهی امور اجرایی کشور و هزینه کردن بودجهی کلان کشور، بر عهدهی قوهی مجریه است. وظیفهی قوهی مقننه عبارت است از قانونگذاری و نظارت بر عملکرد مسئولان دولتی. وظیفهی قوهی قضائیه عبارت است از تعقیب متخلفان از قانون و احقاق حق، تا کسی به کسی ظلم و تعدی و تجاوز نکند. اگر هر کدام از قوا بخواهند وظایف خود را انجام دهند، آنقدر کار و جهاد خداپسند در این مجموعه کارها وجود دارد که دیگر وقتی باقی نماند. وظیفهی رهبری هم در قانون معلوم شده است. رهبری در کارهای اجرایی کشور هیچ دخالت

۱. بیانات در جمع تعدادی از خانواده‌های شهدا ۱۳۸۸/۳/۳

مستقیمی نمیکند؛ نه در قوه‌ی مجریه، نه در قوه‌ی قضاییه و نه در قوه‌ی مقننه. مهمترین کار رهبری عبارت است از تعیین سیاستهای کلان کشور؛ یعنی آن چیزهایی که جهتگیری کشور را مشخص میکند؛ که همه‌ی قوانین، مقررات و عملکردها باید در این جهت باشد. حضور رهبری در همه‌ی بخشهای کشور، به معنای حضور سیاستهای رهبری است که باید با دقت اجرا شود. و من به شما عرض کنم، هرجایی که این سیاستها اجرا شده، کشور سود کرده است؛ اما در طول سالهای گذشته هر جا از این سیاستها تخلف شده، کشور ضرر کرده است؛ که گاهی ضررش را فهمیده‌اند، گاهی هم بعد از گذشت مدتی ضررش را فهمیده‌اند. بنابراین حضور رهبری، جدی است.^۱

لزوم یکپارچگی و وحدت مسئولان در برابر دشمن

ما در داخل کشورمان کم گرفتاری نداریم. ریشه‌ی گرفتاریها از دو چیز است: اول، از غفلتها و کوتاهیها و تنبلیها و احیاناً بدعمل کردنهای خود ماست؛ در رابطه‌ی با اموال عمومی، در رابطه‌ی با تجمل‌گرایی، در رابطه‌ی با پاسخگویی به مردم در دستگاههای مختلف. ریشه‌ی دوم، دشمنانی هستند که از همین مایه‌ها و زمینه‌ها سوءاستفاده میکنند؛ بر این مردم تنگ میگیرند؛ تهدید میکنند؛ ایجاد اختلاف میکنند؛ دودستگی می‌اندازند؛ محاصره‌ی اقتصادی میکنند. مردم، یکپارچه و مؤمنند؛ اگر بزرگان و مسئولان کشور هم یکپارچه و یک‌دست باشند، دشمن جرأت نمیکند. در این صورت، دیگر هیچ تلاشی علیه این ملت و این کشور به‌ثمر نمیرسد. این اختلافات را رها کنند. بزرگان بایستی کوچکترها را به طریق مستقیم و راه راست بکشانند. آنها اگر اشتباهی میکنند، بایستی آن اشتباه را برایشان توجیه کنند و خودشان هم دنبال سر آنها راه بیفتند، یا احیاناً آنها را به اشتباه بکشانند. نتیجه‌ی این اختلافات، همین چیزهاست. بعضیها هم همشان این است که بنشینند و ذهن و چشم و دست و قلم و زبان مصرف کنند، برای اینکه آتش اختلافی بیفروزند و به اسم مسائل

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۸/۸

فصل نهم: اقشار مورد هدف دشمن / ۳۵۳

خطی و حزبی و گروهی و جناحی، دو دسته را به جان هم بیندازند! این کارها را باید رها کند.^۱

تخطئه‌ی مسئولین توسط دشمن

دشمن و بیگانگان، اینگونه وانمود میکنند که اگر یک مجموعه، برای ایجاد رفاه و حل مشکلات مردم کار میکند، لزوماً به معنای دور افتادن از معنویات و آرمانهاست! این، غلط است. این، تصور افراد ساده‌لوح و تغلیط و تسویل افراد مغرض است. اسلام، برای دنیا و آخرت مردم، برنامه و هدف دارد. مسئولان اداره‌ی کشور موظفند همانقدر به امور مادی مردم برسند که به امور معنوی میرسند.^۲

خدشه‌دار کردن تصمیمات مسئولان، مایه‌ی شادی دشمن

یکی از چیزهایی که دشمن را شاد میکند، همین است که در هر شهر و گوشه‌ای، شروع به خدشه‌دار کردن تصمیمات مسئولان قضایی، مسئولان شهری و مسئولان استانی کنند. این کار، دشمن را خوشحال میکند. بگذارید مسئولان کشور با دست باز آنچه را که مصلحت میبینند، در این دوران انجام بدهند. جابه‌جایی ایرادی ندارد، جابه‌جایی دلیل بر بدی نیست. شما برخاسته‌اید و به تهران آمده‌اید، حرفتان را بگویید- ایرادی هم نیست- اما مبدا شما و علما و دیگران، به بعضی از افراد در آنجا میدان بدهید تا با طرح شعاری، جلوی کار مسئولان را بگیرند. باید مانع این کار بشوید.^۳

مدیران فاسد پایگاه دشمنان خارجی

وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل میشوند. دشمن خارجی از آدمهای فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده میکند. مبارزه با فساد، یک جهاد همه‌جانبه است.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۱۲/۱۱

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۱۳۶۸/۶/۸

۳. بیانات در دیدار با گروهی از روحانیون و مردم رفسنجان ۱۳۶۸/۷/۲۱

من از مسئولان کشور خواهش میکنم این جهاد عظیم را به اغراض سیاسی آلوده نکنند. اگر مسئولان کشور آن خودآگاهی لازم را داشته باشند، آنگاه میفهمند که امروز مبارزه با فساد لازم است و یک جهاد است. نشناختن موقعیت و خطر، همان ناخودآگاهی است که این خود خطر بسیار بزرگی است. من امروز احساس میکنم مردم ما دارای خودآگاهی‌اند؛ اما بعضی از نخبگان ما خودآگاهی ندارند! امروز یکی از ضرورت‌های مهم این است که مسئولان و نخبگان سیاسی و دست‌اندرکاران اداری امور در همه‌ی قوای سه‌گانه و سایر ارکان این کشور، خودآگاهی داشته باشند؛ بفهمند کجا قرار دارند؛ دشمن کجاست و هدف او چیست و راه مقابله‌ی با آن کدام است. مردم ایستاده‌اند و در این راه، محکم حرکت میکنند. با اینکه بخاطر دشمنی‌های دشمنان، بسیاری از خواسته‌های مردم برآورده نشده است؛ درعین حال مردم ایستاده‌اند؛ چرا؟ چون میدانند در صورت ادامه دادن به این راه - یعنی استحکام نظام اسلامی - دنیا و آخرت آنها آباد خواهد شد. این را مردم از اسلام شناخته‌اند و فهمیده‌اند و دشمن میخواهد نگذارد همین کار صورت گیرد. امروز هدف سیاست‌های استکباری و در رأس همه‌ی شیاطین عالم آمریکا این است که نگذارند نظام اسلامی - که به اراده و اختیار و میل مردم متکی است - به اهداف خود برسد. از این طرف مانع از کارایی نظام بشوند، از آن طرف هم وسوسه کنند که مشکل شما این است که با آمریکا رابطه ندارید؛ و اگر رابطه برقرار کنید، همه‌ی مشکلات شما حل خواهد شد! با این کار، میخواهند راه را برای سلطه‌ی مجدد بر این کشور باز کنند.^۱

وظایف مسئولان در برابر آسیب‌رسانی دشمن

به مسئولان می‌گوییم ضعفها را برطرف کنید؛ به شما می‌گوییم متوجه این دشمن باشید تا به شما حمله نکند. وقتی دزدی کمین کرده است،

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی ماه، سالروز قیام مردم قم

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۵۵

وقتی حیوان وحشی‌ای در کمین انسان است، وقتی دشمن سلطه‌گری در کمین یک ملت است، یکی از وظایف اساسی و مهم مسئولان و رهبری کشور این است که به مردم بگویند توجه کنید؛ و نیز کارهایی که میدانند جلو آسیب دشمن را بگیرد، به مردم بگویند و از آنها بخواهند؛ و الاً نخیر، ما مشکلات داخلی کشور را به گردن آمریکا نمی‌اندازیم.^۱

دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن- که متأسفانه در داخل کشور گاهی شعبه‌هایی هم پیدا میکنند- تبلیغ میکنند که بین مسئولان دعا و اختلاف است. خود و دوستان خود را به این دلخوش میکنند که این اختلاف موجب میشود تا از دشمن غافل شوند. من به شما ملت عرض کنم: مسئولان کشور در قوای سه‌گانه، در مقابله با دشمنان اسلام و در دفاع از اصول اسلام، همفکر و همقول و همجهتند. دشمنان اسلام، این آرزو را به گور خواهند برد که ببینند در ارکان نظام اسلامی کسانی وجود دارند که میخواهند با اصول امام و راه روشن این انقلاب و نظام اسلامی مبارزه کنند و میتوانند در دستگاهها و ارکان نظام جمهوری اسلامی مؤثر باشند. همت دشمن این است که عناصر بیگانه را به داخل بدنه‌های حکومت نفوذ دهد. ممکن است دشمن بتواند یا توانسته باشد عناصری را به داخل مجموعه‌ی مسئولان نفوذ دهد، یا عناصر ضعیف و سست‌همتی را به سمت خود جلب کند؛ اما این به‌هیچ‌وجه به کار دشمن نخواهد خورد؛ چون اصول امام، اصول انقلاب و پایه‌های مستحکم آن مورد قبول مسئولان نظام و قوای سه‌گانه و همه‌ی دست‌اندرکاران اصلی این کشور است و پشتوانه‌ی محکم آن هم این ملت بزرگ است. هر که از این راه تخطی کند به سقوط خود کمک کرده است.^۲

۱. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲
 ۲. بیانات در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۲/۳/۱۴

استحکام پایه‌های ایمان از وظایف مسئولان

آنچه که بدخواهان و دشمنان این ملت در پی آن هستند، سلب این انگیزه و ایمان از مردم است. همه باید در مقابل آن اقدام کنند. تلاش دشمن این است که مردم را از نظام اسلامی دلسرد کند؛ اما تلاش مسئولان نظام اسلامی باید این باشد که با عمل خود- نه فقط با زبان خود- مردم را نسبت به خویش دلگرم و امیدوار کنند. تلاش دشمن این است که پایه‌های ایمان و عقیده و عمل دینی را در مردم سست کند؛ اما مسئولان باید بعکس، خود را موظف و متعهد بدانند که پایه‌های ایمان دینی را در دلها محکم کنند. در کشور ما با این جمعیت عظیم جوانان، یکی از اولویتهای اساسی این است: همه‌ی مسئولان- در درجه‌ی اول، مسئولان دولتی و همچنین دیگران- باید هم‌تشان بر این باشد که دلهای پاک این جوانان را با نور اسلام منور کنند؛ پایه‌های ایمان را در دل آنها مستحکم نمایند و نگذارند بر اثر سوءرفتار، سوءتشخیص، سوءتبلیغ، بد فهمیدن حقایق، بد ادا کردن حقیقتهای روشن و میدان دادن به افکار مخرب، دلهای این جوانان از جاده‌ی حقیقت منحرف شود. این مسئولیت بزرگی بر دوش ماست.^۱

امروز وظیفه‌ی بزرگی بر دوش مسئولان است و آن این است که این نعمت عظیم خداوندی را که به آنها داده شده- نعمت خدمت به مردم- شکرگزاری کنند و متوجه باشند که دشمن پشت سر است. آینده هم آینده‌ی خوبی است؛ حرم در پیش است و حرامی در پس! اگر حرکت کنید، به اهداف والا خواهید رسید؛ اما اگر خدای نکرده سستی و تنبلی و کندی و بدعملی کنیم، مورد تهاجم دشمن قرار خواهیم گرفت؛ حدّ وسط ندارد. امروز تلاش همه‌جانبه، وظیفه‌ی مضاعف و بزرگی است که بر دوش همه‌ی ماست.^۲

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت ولادت

نبی‌اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) ۱۳۸۰/۳/۲۰

۲. بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی ۱۳۸۰/۵/۱۱

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۵۷

بصیرت و هوشیاری مسئولان در برابر تبلیغات دشمن

چگونه میشود شکاف ایجاد کرد؟ میتوان دو راه را در پیش گرفت: اینها از یک راه آن تقریباً مأیوس شده‌اند؛ البته نمیگویم کامل، اما از آن راه نتوانسته‌اند عمل کنند. راهی که آنها نتوانستند در آن خیلی مانور کنند و تحرک نشان دهند، راه نفوذ در ارکان حاکمیت بود. اینها نمیتوانند در مراکز بالای حاکمیت نفوذ کنند و هنوز هم نتوانسته‌اند. راه دیگری که همیشه از اول انقلاب آن را طی کرده‌اند و بنده از دوران ریاست جمهوری و بعد از آن، در این زمینه بسیار خاطره‌ها و نمونه‌ها در ذهن دارم، این است که جمعی یا شخصی از حاکمیت را مورد توجه خود قرار دهند؛ از او تمجید و حمایت کنند و خود را طرفدار او نشان دهند؛ شاید بتوانند از این طریق، هم دیگران را به او بدبین کنند، هم او را به خودشان خوشبین نمایند؛ یعنی در حاکمیت شکاف به وجود آورند. این جزو برنامه‌های همیشگی تبلیغات دشمنان بوده است؛ هم قبلاً بوده، هم امروز وجود دارد؛ بارها هم این را تجربه کرده‌اند و در موارد متعددی هم شکست خورده‌اند.^۱

لزوم آگاهی مسئولان در برابر توطئه دشمن

چه اتفاقی می‌افتد که دشمنان- اینهایی که قطعاً دشمن ملت ایران و دشمن مصالح ایرانند و میخواهند سلطه‌ی خودشان را مجدداً بر این کشور مستقر کنند- از اینکه کسی صلاحیتش رد شده یا نشده، نگران میشوند؟ آیا این نشانه‌ی آن نیست که آنچه که بعنوان ردصلاحیت در مراکز قانونی انجام میگیرد، آن چیزی است که درست با منافع قدرتمندان و سلطه‌گران اصطکاک دارد؟ بعضی از کسانی که نمیفهمند چه میگویند و حرفهایشان را ملتفت نیستند، قدری بیشتر باید دقت کنند.^۲

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

۲. بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۷۸/۱۱/۲۶

لزوم هوشیاری مسئولان در برابر توطئه‌های دشمن

امروز مهمترین امید دشمنان ملت ایران و نظام اسلامی و انقلاب یک چیز است و آن این است که دولت و نظام جمهوری اسلامی نتواند خواسته‌های طبیعی ملت را برآورده کند. همه‌ی تلاش سیاسی و تبلیغاتی آنها تا امروز خنثی و بی‌اثر شده است. چشم امید دوخته‌اند که نظام اسلامی نتواند نیازهای مردم را برآورده کند، تا بگویند نظام اسلامی و اسلام نمیتواند؛ تا همان کسانی که دهها سال بر این مملکت حکمرانی همراه با ظلم و فساد کردند، دوباره به پشتیبانی قدرتهای چپاولگر بتوانند این کشور را در کام خود ببلعند. میخواهند نگذارند نظام اسلامی کار کند. راه نگذاشتن چیست؟ در درجه‌ی اول، ایجاد اختلاف و تضعیف نیروهایی است که میخواهند برای استقلال و سربلندی این کشور کار کنند. ایجاد فساد- که فساد در ارکان هر جامعه‌ای به وجود بیاید، در حرکت آن اختلال ایجاد میکند- و نابود کردن منابع کشور، جزو کارهایی است که دشمن روی آنها برنامه‌ریزی میکند. همیشه در هر جمعیت و هر کشوری عناصری پیدا میشوند که دشمن بتواند روی اینها سرمایه‌گذاری کند و اینها را مثل ابزار خود در دست گیرد؛ مسئولان و مردم باید هوشیار باشند.^۱

۶) نیروهای مسلح

نقش نیروهای مسلح در حفظ استقلال کشور

نیروی مسلح ما میخواهد کشور، در اختیار دشمن قرار نگیرد و سلطه‌گران بر آن غلبه پیدا نکنند. این کم چیزی است؟! این هدف کوچکی است؟! هدف از این بالاتر و مقدستر؟! این ارتش است. هر چه میتوانید، به این ارتش، کیفیت بدهید. شما که در دوره‌های مختلف تحصیل کردید و این ارتش به گردنتان حق تعلیم پیدا کرده است، تمام وجود و تلاشتان را در حد میسور، در راه ارتقای کیفیت این ارتش

۱. بیانات در دیدار با کشاورزان، به مناسبت هفته‌ی کشاورزی ۱۳۸۰/۱۰/۱۲

فصل نهم: افسار مورد هدف دشمن / ۳۵۹

صرف کنید. البتّه نقص دارد؛ اما این نقصها باید برطرف شود. از دهها سال پیش، تلاش بر این بوده است که نگذارند این ارتش، از لحاظ تجهیزات، روی پای خودش بایستد. امروز، بحمدالله، جهادهای خودکفایی و دستگاہهای فنی، مشغول کارند. این را هر چه میتوانید، ادامه دهید. سالها کوشش کردند از لحاظ سازماندهی و معیارهای نظامی، ارتش را وابسته کنند. با این باید مقابله کنید. دانش نظامی را از همه باید فراگرفت. دانش را از هر کس و هر جا باید فراگرفت؛ اما وابستگی نظامی، نه!^۱

آمادگی نیروهای مسلح باید طوری باشد که گویا فردا جنگ خواهد بود. دائم باید بیدار باشند. «و ان اخا الحرب الارق، و من نام لم ینم عنه». من این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را، شاید صدبار در خطاب به برادران مسئول در نیروهای مسلح، تکرار کرده‌ام. «مرد جنگ، خواب ندارد. اگر شما خوابیدید، معلوم نیست دشمنی هم که پشت سنگرش نشسته تا بر شما بتازد، در خواب باشد.» باید بیدار باشید. ممکن است ما هیچ جنگی نداشته باشیم. پیش‌بینی بنده هم همین است. اما حضور و آمادگی نیروهای مسلح، یکی از موجبات جنگ نداشتن است. این را بدانید! سستی نیروهای مسلح، دشمن را به جنگ‌افروزی تشویق میکند. استحکام و ایستادگی و نظم و آمادگی و ابتکار و پا به رکاب و کمر بسته‌ی اهداف عالی بودن شما، دشمنی را که قصد جنگ هم دارد، در قصدش مردّد میکند. پس، باید آماده باشید.^۲

علیه ما جنجال میکنند که «جمهوری اسلامی، نظامیگر است.» بوق و قلم و همه چیز در دست دشمن است؛ شما از دشمن چه انتظاری دارید؟! از دشمن انتظار دارید که از اسلام و امام بزرگوار و امت اسلامی و جمهوری اسلامی ستایش و تعریف کند؟! معلوم است که بد میگویند!

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و دانشجویان «نیروی زمینی ارتش» ۱۳۷۲/۷/۲۸

۲. بیانات در دیدار اعضای ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۴/۱/۳۰

معلوم است که تهمت میزنند؛ تهمت نظامیگری هم میزنند! این نباید موجب شود که ما آمادگی نداشته باشیم.^۱

جایگاه نیروهای مسلح در مقابله با تهاجم دشمن

در گذشته، نیروهای مسلح ما اگر چه از جهات ظواهر امر و تجهیزات، پشتیبانی‌هایی میشدند؛ اما هنگامی که در یک جنگ سخت طولانی در مقابل تهاجم دشمن قرار گرفتند و از میهن خود دفاع کردند، توانستند ارزش حقیقی خودشان را بازیابند و در چشم ملت، بلکه ملت‌های مسلمان، عزیز شوند. این، یک حقیقت است. امروز، بعد از اینکه شما نیروهای مسلح، جنگ را بحمدالله با افتخار تمام کردید و اجازه ندادید که حتی یک وجب از میهن عزیزتان در زیر چکمه‌های بیگانگان متجاوز بماند، و بعد از آنکه با تقدیم هزاران شهید از بهترین فرزندان این آب و خاک، صداقت و صمیمیت خودتان را به ثبت رساندید، میتوانید با سر بلندی، خود را یکی از عناصر و ارکان حقیقی نظام اسلامی بدانید و بنامید. نظام جمهوری اسلامی هم موظف است به نیروهای مسلح، چنانکه شایسته‌ی آنان است، رسیدگی کند، و بحمدالله مسئولان کشور، به این وظیفه آشنا هستند.^۲

ممکن است در تبلیغات جهانی، جمهوری اسلامی ایران را به نظامیگری متهم کنند که این هم جزئی از هوشیگری تبلیغاتی استکبار جهانی است. ما امکانات نظامی را برای تجاوز به دیگران نمیخواهیم. ما ارتش و سپاه و بسیج را هرگز برای دست‌اندازی به همسایگان نخواستیم و نمیخواهیم. اما نظام اسلامی، بخاطر طبیعت ظلم‌ستیزش، با ظالمان و مستکبران همیشه روبه‌روست و باید بتواند از خود و حقیقت ارجمندی که در اختیار اوست دفاع کند. دشمنان، خیلی میخواستند و میخواهند که جمهوری اسلامی قدرت دفاع خود را از دست بدهد تا به آسانی بتوانند به خواسته‌های شوم خودشان جامه‌ی عمل بپوشانند. با این

۱. بیانات در مانور عظیم عاشورا توسط «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» ۱۳۷۴/۳/۲۵

۲. بیانات در جمع پرسنل «پایگاه هوایی شهید بابایی» اصفهان ۱۳۷۱/۷/۱۸

فصل نهم: افسار مورد هدف دشمن / ۳۶۱

همه، ما با این حرفها خام نمیشویم. ارزش جنجالهای تبلیغاتی وابسته به استکبار جهانی، مساوی با صفر است. همانهایی که یک روز نظام متجاوز عراق را با انواع سلاح تجهیز کردند، از دهها سال پیش تا امروز، اسرائیل غاصب و متجاوز را پیوسته با سلاحهای گوناگون تجهیز میکنند. در هر جای دنیا رژیم وابسته و سرسپردهی آنهاست، آن را با انواع و اقسام پیشرفتهای تجهیزاتی مجهز میکنند؛ اما وقتی ملتی مظلوم و تنها مثل مسلمانان امروز بوسنی هرزگوین در مقابل تهاجم دشمن قرار میگیرند، با رسیدن یک تفنگ به آنها جنجال به راه می‌اندازند. این، حقیقت تبلیغات ضدانسانی و ظالمانه‌ی وابسته به استکبار جهانی را روشن میکند. پس، جنجال تبلیغاتی آنها چه ارزشی دارد؟^۱

لزوم آمادگی نیروهای مسلح در برابر دشمن

دشمن حمله‌هایی دارد؛ لیکن باز کارآمدترین روش استکبار، ضربه‌ی نظامی است. آن وقتی که قدرتها میخواهند قدرت‌نمایی‌شان را نشان بدهند، به ضربه‌ی نظامی متوسل میشوند. آن وقتی که نتوانند چنین کنند، راههای بلندمدت را در پیش میگیرند. اما میدانید که همیشه روشهای بلندمدت و تدریجی، بعد از یأس از روشهای کوتاهمدت و فوری است. در کوتاهمدت که نتوانستند کاری بکنند، مجبورند سراغ مسائل مدّت طلب بروند. بنابراین، بایستی این نیروهای مسلح، قوی و آماده باشند.^۲

ارتش و سپاه، با کمک و همکاری و رقابت مثبت، خواهند توانست مانند همیشه، سدّی مستحکم در برابر دشمنان اسلام و انقلاب و کشور اسلامی و دولت اسلامی پدید آورند و هر تجاوزی را با قدرت پاسخ گویند و حتی فکر تجاوز را هم از یاد دشمن بزدايند.^۳

۱. بیانات در جمع پرسنل «پایگاه هوایی شهید بابایی» اصفهان ۱۳۷۱/۷/۱۸
۲. بیانات در دیدار با فرماندهان عالی‌رتبه‌ی نیروهای نظامی و انتظامی، و اعطای آیین‌نامه‌ی انضباطی نیروهای مسلح به رئیس ستاد فرماندهی کل قوا ۱۳۶۹/۱۰/۲۲
۳. پیام به مجمع بزرگ فرماندهان سپاه و بسیج ۱۳۶۸/۶/۲۶

لزوم بصیرت نیروهای مسلح در برابر دشمن

بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد؛ و آن ملتی موفق میشود که فریب نخورد. دشمن سعی میکند آرزوهای انقلابی را در نظر یک ملت مؤمن، کوچک کند. سعی میکند نیازهای مادی و کوچک را در نظر او بزرگ کند. نیاز مادی هم نیاز است، اما از جان که بالاتر نیست! ملتی که در راه خدا، جان برایش نثار کردنی است، آنجایی که میدان مبارزه با دشمن است، نیازهای دیگر چه تأثیری میتواند داشته باشد؟! شما الان نگاه کنید! سیاستهای امروز و دیروز دنیا را مشاهده کنید! ببینید چه هنگام بوده است که علیه این نظام مقدس اسلامی، توطئه‌هایی در آستین استکبار و استبداد جهانی نباشد؟ آنها از شیوع اسلام میترسند. علناً اظهار میکنند که احساسات انقلابی اسلامی، در کشورهای اسلامی رو به گسترش است. خود ما هم این را میبینیم. این، یک واقعیت است. امروز ملت ایران یک ملت منزوی نیست. به کشورهای گوناگون در دنیا، مثلاً به قلب اروپا نگاه کنید و از کسانی که به آنجا رفته‌اند بپرسید و بشنوید که چطور ملتی مثل ملت بوسنی هرزگوین که در محاصره‌ی دشمنان انسانیت قرار گرفته است، به نام شما جوانان ایرانی، شعار میدهد و چطور از شما، در بستن پیشانی‌بندها تقلید میکند! ببینید چطور احساس کرده است که راه، آن راهی است که شما رفتید و باید همان راه را برود تا دشمن را شکست دهد! این، احساسات اسلامی است که روزه‌روز گسترش پیدا میکند. کانون این احساسات، همین کشور مقدس اسلامی شما بود و الآن هم هست. از این‌روست که استکبار، به‌طور مداوم برنامه‌ریزی میکند. برنامه‌هایش هم برنامه‌هایی است که انسان اگر با بصیرت نگاه کند، میتواند آنها را بشناسد.^۱

نقش ارتش در مقابله با دشمن

ارتش ما امروز یک ارتش سربلند و بافتخار و بالیمان است. امروز بحمدالله هم ظواهری که در ارتشهای دنیا مورد اهتمام و توجه است در

۱. بیانات در دیدار فرماندهان «بسج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷

فصل نهم: اقصای مورد هدف دشمن / ۳۶۳

ارتش ما وجود دارد و هم ایمان، مجاهدت، تقوا و فداکاری. بالاتر از همه‌ی اینها، ارتش ما یک ارتش مردمی است. ظواهر خوب است، اما کافی نیست. روزی ظواهر ارتش ایران خوب بود و خیلی به آن میرسیدند؛ اما در لحظه‌ی حساس و وقتی که دشمن در سالهای ۱۳۲۰ شمسی به مرزهای این کشور حمله کرد، ارتش، کمترین مقاومتی نکرد. ادعایی که سردمداران رژیم فاسد پهلوی میکردند و میگفتند که «ما به ارتش رسیدگی و ارتش را اداره کرده‌ایم»، رسواییهایش در آن لحظه‌ی حساس آشکار شد. به خیال خود، ارتش را با خرج زیاد درست کردند؛ اما سودش برای کشور، برابر صفر بود؛ چون از این مملکت دفاع نکردند. ما ارتش دوران حکومت اسلامی و نظام سربلند جمهوری اسلامی، در میدانهای نبرد، مردانه ایستاد، مقاومت و فداکاری کرد و شهدای بزرگی داد. همین روزها سالگرد شهادت چند نفر از سرداران بزرگ ارتش و سپاه است. سرداران ارزشمندی در نیروهای سه‌گانه‌ی ارتش در دوران جنگ تحمیلی - قبل از آن و بعد از آن - به برکت اسلام فداکاری نمودند و نام خود و نام ارتش را درخشان و جاودانه کردند. امروز هم که شما ارتش جمهوری اسلامی را نگاه کنید، بحمدالله پر است از افسران مؤمن و سربلندی که افتخار میکنند از میهن اسلامی خود دفاع کنند؛ افسرانی که از دشمن نمیترسند، اما دشمن از آنها میترسد. امروز ارتش و سپاه و نیروی عظیم بسیج مردمی ما، از دشمنان یاوه‌گوی پرگویی و از این ببرهای کاغذی، ذره‌ای ترس در دل ندارند؛ اما دشمنان، حقیقتاً از این نیروی عظیم میترسند. اظهاراتشان هم این را نشان میدهد.^۱

عزیزان من! داشتن وسایل مدرن و پیشرفته‌ای که به وسیله‌ی دیگران به یک کشور و به یک ارتش داده میشود و در مقابل، منابع آن کشور و آن ملت غارت میشود و بر کسانی که صاحبان آن منابعند، تسلط می‌یابند، ارزشی ندارد. ارزش یک ارتش و یک نیروی هوایی به این نیست که

۱. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه افسری و اعطای سردوشی به دانشجویان جدید ۱۳۷۳/۷/۱۳

مدرنترین هواپیماها را، دیگرانی که ساخته‌اند، دیگرانی که آن را می‌شناسند، دیگرانی که آن را تعمیر می‌کنند و دیگرانی که خود را مالک آن میدانند، با بهای گزافی، به یک ارتش، یا به یک نیروی هوایی بدهند و در برابر آن، خود را آقا بالاسر و همه‌کاره و صاحب‌اختیار و کلیددار آن ارتش و آن نیروی هوایی بدانند. این هیچ اعتباری برای یک ارتش و یک نیروی هوایی محسوب نمی‌شود. اعتبار یک ارتش، به استقلال آن است؛ به متصل بودن به منافع ملت است؛ به ایستادن روی پای خود است؛ به داشتن قدرت اقدام در مقابل دشمن است؛ به سرافرازی و غرور و مناعت در مقابل بیگانگان است.^۱

مراقبت از دشمن از خصوصیات دشمن

خصوصیت ارتش این است که مراقب دشمن است؛ چون از مرزها همیشه حراست می‌کند. پس، مراقب دشمن بودن، خصوصیتی است که برای ارتش ناآشنا نیست. ارتشیان عزیز! مراقب دشمن باشید؛ نه فقط دشمنی که از مرز حمله می‌کند، بلکه دشمنی که به مرزهای درون وجود ما حمله می‌کند؛ اراده‌ی ما را تضعیف می‌کند، ایمان ما را تضعیف می‌کند، عزم قاطع ما را بر کار کردن تضعیف می‌کند، عمل ما را از خلوص و صفا خالی می‌کند. دشمن حقیقی این است. اگر ما توانستیم با این دشمن دست و پنجه نرم کنیم و بینی او را به خاک بمالیم، آن وقت در مقابل آن دشمن بیرونی دست ما پر است. آن کسی که در میدان جنگ دچار هزیمت می‌شود، قبلاً در درون خود دچار هزیمت شده است. اگر در درون خود دچار هزیمت نشویم، در بیرون هیچ دشمنی نمیتواند ما را منهزم کند.^۲

۱. بیانات در دیدار جمعی از پرسنل نیروی هوایی ۱۳۷۷/۱۱/۱۹

۲. بیانات در دیدار جمعی از پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز ارتش

۱۳۷۸/۱/۲۵

علت دشمنی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

به فضل پروردگار، نظام جمهوری اسلامی بر این پایه‌های قدرت بنا شد. این نظام، متکی به قدرت معنوی و متکی به ایمان و متکی به پایه‌های مستحکم عقیده است. آن فکری که امروز نظام جمهوری اسلامی پایه‌اش بر آن قرار گرفته است، یک فکر متین، منطقی، محکم، مستدل و غیرقابل خدشه است. ایمان آحاد مردم، عشق آنها به خدا، به اولیای خدا، به پیامبر، به خاندان پیامبر؛ این بزرگترین سرمایه و بزرگترین ابزار و مایه‌ی قدرت برای این کشور است. مجموعه‌ی شما، از جمله‌ی این مجموعه‌های مؤمن است. سپاه پاسداران را با همان عناصر ارزشمندی که با آن به وجود آمد و با آن توانست در مقابل دشمنان قدرت‌نمایی کند و از امنیت مرزها و از استقلال ملی دفاع نماید؛ با همان خصوصیات و با همان پایه‌های مستحکم، حفظ کنید و قدر بدانید و ارج بنهید. امروز دشمن به مراکز اصلی اقتدار این ملت، بیشتر از همه دشمنی میکند و متوجه به آنهاست. یکی از آنها سپاه است. یکی از آن مراکزی که دشمن با آن به شدت دشمن است، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. سعی میکنند آنچه که بتوانند، از این قدرت معنوی کم کنند؛ که این یک کار بلندمدت استکبار است. ترویج ابتذال، ترویج مادیگری و ترویج نفع‌پرستی در بین آحاد مردم، از جمله کارهایی است که اینها بر آن همت گماشته‌اند. حالا چقدر موفق شوند، این بسته به اراده‌ی ملت مؤمن ماست؛ بسته به اراده‌ی دلها و انسانهای منور و باایمان است که خودشان را حفظ کنند. مطمئن باشید اگر شما و هر انسان مؤمنی تصمیم بگیرد و به خدا توکل و اتکا کند، دشمن هیچ توفیقی در این کارهای گمراه‌کننده و مضل خود به دست نخواهد آورد. این پایه‌های معنوی قدرت، این ایمان و این همبستگی-همبستگی و وحدت دلها در میان عناصر سپاه در سرتاسر کشور- را قدر بدانید. نگذارید دلهای شما را با بازیچه‌ها و فریبها و جلوه‌های رنگارنگ دروغین، به سمت خودشان جذب کنند. شما در راه حقیقت مهم و بزرگی دفاع و مبارزه و مجاهدت کردید و پیروز شدید. پیروزی شما همین است که این نظام امروز

بحمدالله با استحکام کامل سرپا ایستاده است و دشمن احساس میکند که نمیتواند این نظام را شکست دهد. این توفیق خیلی بزرگی است.^۱

صف‌آرایی دشمن در مقابل سپاه پاسداران

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مجموعه‌ای است که وجودش امروز برای کشور و ملت ایران و همه‌ی هدفهای والایی که این ملت برای خودش ترسیم کرده است، ضروری و لازم است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فقط برای یک مجموعه‌ی نظامی نیست. یک مجموعه‌ی نظامی میتواند با شکلهای مختلف، با هدفها و با رفتارهای مختلف و با خصلتهای گوناگون باشد. البته بحمدالله امروز در نظام جمهوری اسلامی، همه‌ی سازمانهای نظامی به یک معنا سازمانهای معنوی و الهی و دارای اهداف خدایی هستند؛ ارتش هم همینطور است، نیروی انتظامی هم همینطور است، سپاه پاسداران هم که ولادتش اینطور بوده است. هر کدام خصوصیاتِ دارند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای دفاع از انقلاب، تمامیت انقلاب و هدفهای انقلاب و برای مقابله با دشمنان انقلاب به وجود آمده است. انقلاب هرچه دشمن دارد و دشمنی دارند، به‌طور طبیعی در مقابل سپاه پاسداران صف بسته‌اند و حضور دارند؛ چون پاسدار انقلاب است. همه‌ی آن نیروهایی که در این طبیعت «خداساخته» و در این قوانین و سنن الهی برای دفاع از انقلاب و از حقانیت اسلام وجود دارد. همه‌ی آن نیروهای معنوی، همه‌ی آن تواناییها و استعدادهای درونی. همه در خدمت این مجموعه‌ای است که برای دفاع از انقلاب پدید آمده است.^۲

بسیج مورد تهاجم دشمن

دشمنان میدانند که حضور بسیجی، واقعیت بسیج در کشور و در میان

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و گروه‌کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به

مناسبت «روز پاسدار» ۱۳۷۸/۸/۲۲

۲. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۷۸/۶/۲۴

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۶۷

ملت ایران چقدر اهمّیت دارد؛ لذا همّت می‌گمارند بر اینکه این حقیقت مؤثر و کارآمد و نافذ را مورد تهاجم قرار بدهند. البتّه این مظلومیّت است. مظلومیّت، مطلقاً به معنای ضعف نیست. قویترین انسانهای دنیا هم مظلوم واقع شدند. امیرالمؤمنین نیرومندترین انسان دورانهای گوناگون است و مظلومترین انسانها هم هست. انقلاب ما و نظام جمهوری اسلامی جزو مقتدرترین و نافذترین پدیده‌های دوران معاصر است، اما مظلوم هم هست. شخص امام بزرگوارمان- یک انسان مقتدر و قوی که میتوانست دنیا را تکان بدهد و تکان داد- جزو مظلومترین انسانهای زمان خودش بود. بنابراین مظلومیّت منافات ندارد با اقتدار. بسیج مظلوم است، ولی مقتدر است، نافذ است، اثرگذار است؛ این اثرگذاری باقی خواهد ماند و باید این را روزبه‌روز خود عناصر بسیجی و مجموعه‌های بسیجی تقویت و عمیقتر کنند. تا بسیج هست، نظام اسلامی و جمهوری اسلامی از سوی دشمنان تهدید نخواهد شد؛ این یک رکن اساسی است.^۱

تبلیغ دشمن؛ کنار گذاشتن ارزشهای بسیجی

در شرایط کنونی کشور، بعضی کسان با همان تفسیر غلطی که فکر میکنند بسیج یک مجموعه‌ی نظامی است، یا سپاه و ارتش و نیروهای نظامی، فقط در دوران جنگ حضورشان لازم است و بعد باید بکلی فراموش شوند و کنار بروند، با این تحلیل غلط معتقدند که همه‌ی ارزشهای بسیجی، همه‌ی ارزشهای خوب الهی- که بسیج مظهر آن است- بایستی از جامعه کنار برود! البتّه این تبلیغ دشمن است. وای به حال ملّتی که گوشش به تبلیغ دشمن باشد. دشمن، خیر انسان را که نمیخواهد. دشمن اگر از شما تعریف هم بکند، بایستی نسبت به این تعریف سوءظن پیدا کنید. اگر بدگویی هم بکند، باید به آن بدگویی‌اش لبخند تمسّخر بزنید. اگر بگوید وضعیت خراب است، باید بدانی وضعیت خوب است. اگر بگوید این راهی که می‌روی، غلط است، باید بدانی او از این راه صدمه میبیند. اگر از شما تعریف کند، باید به خودتان نگاه کنید و

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۹/۴

بینید چه کار خلافی از شما سر زده که موجب خوشحالی اوست؛ البته اگر تعریف او واقعی باشد و کلکی در کار نباشد.^۱

بسیج یعنی بیمناک کردن دشمن و امیدوار کردن دوستان

بسیج، عبارت است از مجموعه‌ای که در آن، پاکترین انسانها، فداکارترین و آماده‌به‌کارترین جوانان کشور، در راه اهداف عالی این ملت و برای به کمال رساندن و به خوشبختی نائل کردن این کشور، جمع شده‌اند. بسیج، عبارت است از تشکیلاتی که در آن، افراد متفرق و تنها، به یک مجموعه‌ی عظیم و منسجم و به یک گروه آگاه، متعهد، بصیر و بینای به مسائل کشور و به نیاز ملت، تبدیل میشوند؛ مجموعه‌ای که دشمن را بیمناک و دوستان را امیدوار و خاطر جمع میکند. معنای بسیج، این است.^۲

اگر روزی دشمنی به کشوری حمله‌ی نظامی کند. چه کسی در مقابلش می‌ایستد؟ کسی که از همه به سرزمین خود علاقه‌مندتر است؛ به ملت خود علاقه‌مندتر است؛ به زخارف دنیوی بی‌علاقه‌تر است؛ احساس مسئولیت بیشتری میکند و متعهدتر است. چنین کسی می‌رود دفاع میکند. شما دیدید که در دوران جنگ، چه کسانی رفتند دفاع کردند. عمده‌ی میدان ما را، بسیج پر کرد. بسیج یعنی همین؛ یعنی عنصر مؤمن انقلابی علاقه‌مند به سرنوشت میهن، علاقه‌مند به سرنوشت کشور و یک فرد فداکار. رفت وسط میدان و با فداکاری، دشمن را به زانو درآورد.^۳

عزیزان، سلاح شما ایمان صادقانه و منطق مستحکم و عزم پولادین است. نباید تصور کرد که بسیج دانشجویی حتی در دورانی که کشور در

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار ۱۳۷۷/۹/۲

۲. بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

۳. بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۶۹

حال جنگ مسلحانه نیست، یک مجموعه‌ی نظامی است. سازمان بسیج در دوران حاضر باید کانون رشد و اشاعه‌ی تفکر بسیجی باشد. و تفکر بسیجی ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست، و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی‌ناپذیر... و این است آن حقیقت والایی که امام بزرگوار ما بخاطر آن، بسیجی بودن را افتخار خود میدانست.^۱

۷) جوانان

سرمایه‌گذاری دشمن روی جوانان

من بعنوان فردی که جریانها را میشناسد و از جریانهای جهانی و پشت پرده و توطئه‌های دشمن آگاه است و از اول انقلاب با آنها سروکار داشته است، میگویم که جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه‌گذاریهای زیادی میکند؛ حواستان جمع باشد. عده‌ای را به بی‌تفاوتی میکشاند و عده‌ای را دلسرد و مأیوس میکند. یأس، بزرگترین آفت جوان است. جوانها بدانند که متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا میکند؛ همچنان که امید اینگونه است. در مقابل یأسی که دشمن میخواهد به جوانها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید.^۲

نقطه‌ای که دشمن روی آن سرمایه‌گذاری میکند، جوانان است. در ایران اسلامی، جوانان ما در کوره‌ی انقلاب، افرادی پارسا بار آمدند. پارسایی جوانان ما بی‌نظیر یا لااقل کم‌نظیر است. بنده که نظیری برای آن سراغ ندارم! جوان بری از آلودگیهای مختلف و پاک از شهوات، وارد میدانهای خطر میشود؛ همه چیز را رها میکند؛ آسایش و راحتی را کنار میگذارد؛ به فکر حرکتی الهی است و احساس میکند بار مسئولیت بر دوش اوست. دشمن با چنین جوانی به شدت مخالف است. به همین

۱. پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی ۱۳۷۷/۷/۱۴

۲. بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به‌مناسبت سیزدهم آبان ماه

(روز ملی مبارزه با استکبار) ۱۳۶۸/۸/۱۰

سبب کوشش میکند تا جوانان ما پارسا نمانند. امروز باندها و دست‌هایی را می‌شناسیم که به شکل یک گروهک، می‌خواهند جوانان را فاسد کنند. البته ما با چنان باندها و دست‌هایی برخورد میکنیم و با آنها که نسل جوان را تهدید میکنند، شدیداً مبارزه خواهیم کرد.^۱

تأثیرات تبلیغات و عدم دفاع صحیح از حقایق روی جوان

نسل جوان در حال تباه شدن تدریجی به وسیله‌ی دشمن است؛ ما باید نگذاریم. ما باید نسل جوانی را حفظ کنیم که اگر جنگ بود، دفاع کند؛ اگر حادثه‌ای در داخل بود، حضور پیدا کند؛ آنجا که نوبت علم و تربیت علمی و تحقیقی است، درس بخواند و خودسازی کند؛ آنجایی که صحبت آینده است، خود را آماده کند. روی این نسل جوان که مایه‌ی تکیه و امید است، دارد بتدریج با شکلها و شیوه‌های گوناگون، کار و تلاش میشود؛ این تلاش هم عمدتاً فرهنگی است. البته محافلی برای اینکه جوانان را ببرند و آلوده به فساد بکنند، وجود دارد، که جنبه‌ی غیرفرهنگی و جنبه‌ی عملی دارد؛ لیکن آنچه که بیش از همه خطرناک است، ذهن و فکر و روحیه‌ی جوان است؛ این را باید دریافت. بیشترین چیزی که روی ذهن جوان اثر میکند، دو عامل است: یکی تبلیغات گوناگون دشمن است؛ تبلیغاتی که جوان را نسبت به حقایق مقدس اسلامی و حقایقی که در انقلاب بعنوان مسلمات و پایه‌ها و ستونهای اصلی اعتقاد شناخته شده، سست و بی‌تفاوت کند. و عامل دوم، عدم تبیین و دفاع صحیح از این حقایق و اصول است. من گمان میکنم که تأثیر عامل دوم، کمتر از عامل اول نباشد؛ چون در نظام جمهوری اسلامی، به‌طور صریح و علنی، علیه اسلام و اصول اسلامی و مبانی اسلامی و معارف اسلامی، کمتر تبلیغ میشود و میدان برای تبلیغ وسیع باز نیست؛ بنابراین تبلیغ دشمن فقط سطح معینی را میپوشاند؛ در حالی که عامل دوم، دیگر حد و اندازه‌ای ندارد.^۲

۱. بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان

۱۳۷۱/۱۱/۱۸

۲. بیانات در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۷۰/۶/۲۵

برنامه‌های همه‌جانبه‌ی دشمن در ضایع کردن نسل جوان

در کشورهای اسلامی، برای ضایع کردن نسل جوان، برنامه‌ی همه‌جانبه‌ای شروع شد. میدانید که دوران استعمار- یعنی دست‌اندازی کشورهای غربی به کشورهای آسیایی و آفریقایی- نزدیک به دویست سال قبل شروع شد. آنها میدانستند که این وضع ادامه پیدا نمی‌کند، و اگر جوانان رشد کنند، با فرهنگ بشوند، با اراده باشند، نمیگذارند آب خوش از گلوی بیگانگان و چپاولگران پایین برود؛ لذا برای فاسد کردن نسل جوان برنامه‌ریزی کردند. هر حرکتی که منجر به این بشود که نسل جوان احساس کند باید از صحنه‌ی مقاومت کناره بگیرد، این حرکت، با واسطه یا بی‌واسطه، مربوط به آمریکا و نظام استکباری است؛ این یک معیار کلی است. هر کاری که در کشورهای دیگر کردند، اینجا هم میخواهند بکنند: سرگرم کردن جوانان به مسائل جنسی، سرگرم کردن جوانان به مسائل شخصی، آلوده کردن جوانان به مواد مخدر و مسکر، منحرف کردن ذهن جوانان از آرمانهای انقلابی و اهداف اصلی، متوجه کردن آنها به اهداف کوچک و جزئی و صنفی و امثال اینها، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اسلام، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اصول انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و حتی به امام، و نیز هر چیزی که در راه این مبارزه‌ی عظیم به کار گرفته میشود و وجودش لازم است، آن را در چشم نسل جوان، بی‌رنگ و بی‌اثر و بی‌فایده و مهمل جلوه دادن. اگر شما جایی چیزی در این مضمونها دیدید، در کتابی خواندید، در رمان ترجمه‌شده یا نوشته‌شده‌ای مطالعه کردید، در مقاله‌ی ترجمه‌شده‌ای یا در شعر و یا در فلسفه‌بافی‌ای مشاهده کردید، حتی در تظاهرات به اصطلاح جسورانه و پرخشمی چیزی از این قبیل دیدید، آن را متهم کنید؛ بدانید که تصادفی نیست؛ بدانید که آمریکا از شما میترسد؛ بدانید که بزرگترین پستهای استکبار عالمی، از حضور شما در صحنه، احساس ناامنی میکند. امروز در بعضی از کشورهای به اصطلاح اسلامی، چند میلیون جوان دستشان را در جیبشان میکنند و سوت میزنند و بی‌اعتنا به حوادث عظیم عالم، در خیابان راه میروند و قدم میزنند! امروز چند میلیون جوان، سرگرم مسائل حقیر در زندگی شخصی‌اند و نمیدانند که دشمن انسانیت و دشمن آنها

و دشمن شرف ملتها، با ملتها چه میکند. چنین جوانانی در دنیا هستند. استکبار با خودش میگوید که چرا ما این جوانان را هم به خیل آن جوانان ملحق نکنیم؟ دارند تلاش میکنند؛ باید در مقابل این حرکتها بایستید. در درجه‌ی اول، باید دانشجویان و دانش‌آموزان، و بعد بقیه‌ی جوانان در هر قشری- کارگر، بازاری، روستایی، شهری- این تلاشها را خنثی کنند. چرا کسانی از گفتن ابا میکنند؟ یک عده بر اثر ضعف نفس از گفتن ابا میکنند، یک عده هم خیال میکنند که گفتن فایده‌ای ندارد؛ باید با دست جلو بروند! نه، زبان از دست خیلی مهمتر است. امر به معروف و نهی از منکر را اقامه کنید؛ نگذارید در جوامع جوان- چه در مدرسه‌ها، و چه در دانشگاهها- کار به فساد بکشد. این مراکز برای دشمن هدف است. بدانید که نسل جوان این جامعه و این ایران اسلامی زنده است؛ دشمن هم این را بداند. با بودن شما جوانان مؤمن، حجت بر ما تمام است.^۱

نفوذ دشمن در سنگرهای جوانان

جوان ناسالم و جوان سرگرم شهوات و غرق در مادیات و لهو و لعب و فساد اخلاقی و جنسی و انواع و اقسام فساد چه میشود؟ همان میشود که در بعضی از کشورهای دنیا مشاهده میکنیم؛ که قدرت استکباری بر کرده‌هایشان سوار است و از آنها نفس در نمی‌آید! چرا؟ چون جوان، وقت ندارد! جوانی که مشغول لهو و لعب و می و مطرب و سرگرم فساد و فحشا و شهوت است، مگر فرصت این را دارد که به مبارزه بپردازد یا حرف جدی بزند؟! میخواهند جوانان ما را به این طریق بکشانند. خود جوانان باید مواظب باشند. ما به دولت، به پدران و مادران، به وزارت ارشاد، به صدا و سیما و به دستگاههای مختلف هم سفارش میکنیم؛ امّا، سفارش اصلی من به خود شما جوانان، این است که مراقب باشید؛ مواظب باشید و خاکریزهایتان را محکم کنید تا دشمن نتواند در سنگرهای شما نفوذ کند. با این روحیه‌ی ایمانی و استوار است که

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار) ۱۳۷۰/۸/۱۵

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۷۳

میتوانید شاخ استعمار را بشکنید و اسلحه را از دستش بگیرید تا ملت تان بتواند نفسی بکشد؛ تا بتوانید کشور را بسازید؛ تا بتوانید سطح زندگی را بالا ببرید؛ تا بتوانید مشکلات و گرههایی را که میراث سالها دوران استعمار و سلطه‌ی اجانب است، از بین ببرید. این، موانع درونی است. زن و مرد و دختر و پسر فرق نمیکنند؛ همه باید موانع درونی را از سر راه بردارند. ما نیز همینطور. ای مسنها و پیرها؛ کار ما سخت‌تر از کار جوانان است.^۱

مهمترین برنامه‌ی دشمن؛ از بین بردن هویت جوانان

دشمن میخواهد هویت جوان ایرانی را از او بگیرد؛ اهداف را از بین برد؛ افقها را تیره کند؛ به او بگوید تو یک موجود حقیر و محدود هستی؛ پیش من بیا تا تو را زیر بال بگیرم. معلوم است؛ کشور ثروتمند ایران و منطقه‌ی بسیار مهم و راهبردی ما و تأثیرات فراوانی که این ملت از همه سو میتواند بگذارد، همه از طریق تحقیر شخصیت جوانها، در مشت دشمن می‌آید. امروز برنامه‌ی دشمن نسبت به شما جوانها این است؛ خیلی باید بیدار باشید. این حرفها را به شما نمیزنم تا معنایش این باشد که مسئولان کشور در قبال نسل جوان مسئولیتی ندارند؛ چرا، آن را قبلاً گفتم؛ آنها هم مسئولند؛ مسئولیتهای آنها به جای خود؛ اما شما هم مسئولید.^۲

هجوم دشمن به تفکر و احساس جوانان

باید مواجهه‌ی با دشمن را در حوزه‌ی تفکر و احساس جوانها اهمیتی بدهید و بدانید که دشمن اولین نقطه‌ای را که مورد توجه قرار میدهد، آن نقطه‌ی فعال است که یکی از بخشهای آن، عبارت است از نسل جوان؛ چون امید به نسل جوان است و سازنده‌ی آینده، نسل جوان است، لذا آنجا را دشمن هدف قرار میدهد.^۳

۱. بیانات در اجتماع زائران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در روز عید سعید فطر ۱۳۷۱/۱/۱۵

۲. بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلای رشت ۱۳۸۰/۲/۱۲

۳. بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۳

فسادانگیزی دشمن در نسل جوان

یکی دیگر از توطئه‌های دشمن، توطئه‌ی فسادانگیزی است؛ نفوذ در نسل جوان، ایجاد فساد در میان سربازان واقعی اسلام، جوانان را به مسائل فسادبرانگیز سرگرم و مشغول کردن. جوانان بدانند که این توطئه است، و من به شما عرض میکنم که امروز دست توطئه‌گری با هدایت بیگانه در سطح کشور وجود دارد، تا بذر فساد و لغو در میان جوانان بیفشاند؛ برای اینکه جوانان را سرگرم و مشغول کند. ملتی که جوانانش سرگرم فسق و فجور باشند، راه به جایی نخواهد برد. میخواهند آن جوان بسیجی مؤمن و مخلص و پارسا را که برای جهاد فی سبیل‌الله به میدان جنگ میرفت و پشت سرش را نگاه نمیکرد و زندگی راحت و لذات و همه را پشت‌گوش می‌انداخت، اسیر و پابند کنند؛ هم مسئولان و هم جوانان متوجه باشند. البته مسئولان توجه کرده‌اند و امیدواریم که بتوانند این ریشه‌ی فساد را از بیخ و بن بکنند و دست توطئه‌گر را از عرض و آبروی این ملت قطع کنند.^۱

منزوی کردن مجموعه‌های مؤمن و جوان

یکی از کارهای دشمن، این است که این مجموعه‌های مؤمن را منزوی کند. جوان، بی‌تجربه است. به مجرد اینکه ببیند در یک دستگاه رسمی کشور- مثلاً در یک مرکز فرهنگی کشور- دو نفر به او اخم کردند، به او بی‌اعتنایی کردند، او را تحقیر کردند؛ در حرکتش اثر میگذارد و او را کند میکند. یا مثلاً وقتی ببیند که در مجلات به اصطلاح ادبی و هنری کشور، چهره‌های مخالف با این روش و خط را، بزرگ میکنند، برجسته میکنند، تعریف میکنند، این جوان دلش آب میشود و روحیه‌اش را از دست میدهد. وقتی یک فیلمساز، اثرش را به مراکز میبرد که میتوانند از او استفاده کنند و کاری کنند که بتواند کارش را ادامه دهد؛ اما با بی‌اعتنایی به او میگویند: «نه آقا؛ ما این را قبول نداریم. این‌طورش را قبول نداریم»، و بعد در همان حال ببیند انواع و اقسام

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم خرم‌آباد، ۱۳۷۰/۵/۳۰

فصل نهم: اقصاء مورد هدف دشمن / ۳۷۵

کارهایی که از لحاظ مایه‌های هنری از کار او کمتر است اما چون مایه‌ی اسلامی ندارد مورد قبول آنهاست؛ این جوان به خودی خود، منزوی و ناامید خواهد شد. من بارها از اعماق جان، قلبم برای این جوانان مؤمن و انقلابی، سوخته و گداخته است. بارها تأسّف خورده‌ام که چرا باید به جوانان به این خوبی، بی‌اعتنایی شود؟! اینها هیچ چیزشان از آن کسانی که در جاهایی بعنوان هنرمند معروف شده‌اند، کمتر نیست. در بسیاری از امور، از آنها خیلی هم بهترند. اما به اینها بی‌اعتنایی میشود. وقتی که انسان مطلب را به درستی کاوش میکند، میبند سر رشته میرسد به اراده‌ی خباثت‌آمیزی در نقطه‌ای! مسئولین هم متوجّه نیستند. مسئولین فرهنگی، مردمان خوبی هستند؛ اما در سطوح بالا، از کارهایی که در سطوح متوسط انجام میگیرد، بیخبرند. لذا، این جوان، این مجموعه‌ی جوانان و این جریانها را، ناامید میکنند.^۱

تهی کردن جوانان از امید، توان و تلاش

کاری که آنها^۲ میخواهند، تحقّق پیدا کند، این است که دلبستگیها و انگیزه‌های اساسی‌ای که میتواند این ملت را مقاوم و به صورت یکپارچه در مقابل آنها نگه بدارد، ضعیف کنند؛ باورها را برگردانند، ایمانها را عوض کنند، امیدها را کور کنند و آینده و افق را تیره و تاریک و مبهم جلوه دهند. ابزار کار آنها هم رسانه است. رسانه‌ها در دنیا خیلی قدرت دارند و به نفع صاحبان خود، کارهای خیلی بزرگی را انجام میدهند. بدانید و میدانید که مهمترین رسانه‌های دنیا- چه خبرگزاریها، چه رادیو و تلویزیونها، چه روزنامه‌های بزرگ- متعلّق به سرمایه‌داران است؛ یعنی همان پایه‌های اصلی استکبار جهانی. در خبرهایی که در دنیا پخش میکنند، همه چیز بر طبق منافع و مصالح آنها تنظیم میشود. بنابراین، این هم یک خواسته است که مردم و جوانان را از جانمایه‌ی امید و توان و

۱. بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور

۱۳۷۱/۵/۲۱

۲. منظور دشمن است.

تلاشی که آنها را در مقابل دشمن متجاوز و متعرض ننگه میدارد، تهیدست کنند.^۱

دشمن میخواهد این را از ملت ایران و مسلمین در هر جا که هستند، بگیرد. دشمنان ما میخواهند ملتهای مسلمان به یک عیش ذلت‌بار و غفلت‌آمیز و غرق شدن در گنداب و قبول سلطه‌ی بیگانگان، سرگرم شوند؛ کمالینکه قبل از انقلاب نیز اینگونه بود و امروز هم در بسیاری از کشورهای دنیا همینطور است.^۲

دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط- فرهنگ فساد و فحشا- سعی میکند جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی میکند، یک «تهاجم فرهنگی» بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل‌عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما میکند. چه کسی میتواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و میتواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمیتواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان بااخلاص میتواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی میتواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الآن هم عرض میکنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسئولیت شرعی شماست. امروز مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.^۳

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۳ آبان ۱۳۸۱/۸/۱۳

۲. بیانات در جمع فرماندهان، مسئولان و پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و جمعی از جانبازان انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۴/۱۰/۵

۳. بیانات در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجاد(ع) ۱۳۷۱/۴/۲۲

شیوه‌ی دشمن؛ تضعیف تقوای جوانان

جوان یک کشور اگر بخواند مثل موتور پیش‌برنده‌ای آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سرحال، بانشاط، تندرست، قوی و دل‌بسته‌ی به کار و پیشرفت باشد. برای اینکه این روحیه را در جوان ایرانی از بین ببرند، تلاش میکنند با توطئه‌های گوناگون؛ با ترویج فساد، با ترویج فحشاء، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت‌شده، جوان ایرانی را منصرف کنند. جوان ایرانی باید بهوش باشد. امروز اگر مسئولین نظام جمهوری اسلامی با مواد مخدر به‌سختی مبارزه میکنند، این یک جهاد بزرگ، یک حرکت بسیار عمیق در راه پیشرفت ملت ایران است. اینها نمیخواهند جوان ایرانی در کارگاه، در آزمایشگاه، در دانشگاه، در محیط علمی، در محیط کار و تلاش صنعتی و کشاورزی بانشاط باشد. آن جوانی که سرگرم مسائل شهوانی جنسی باشد یا اسیر مواد مخدر باشد، نه حال کار کردن دارد، نه حوصله‌ی فکر کردن دارد، نه نیروی کار کردن دارد، نه ابتکار دارد، نه عزم و اراده‌ی راسخ و لازم را دارد. امروز مبارزه‌ی با توطئه‌های سازمان‌یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، به مواد مخدر، به سرگرمیهای گوناگون جنسی، یک توطئه‌ی بسیار خطرناکی است. مبارزه‌ی با آن در درجه‌ی اول بر عهده‌ی خود آحاد ملت، بخصوص جوانهاست. جوانها باید هوشیار باشند. دشمن دانسته است که تقوا و پرهیزگاری جوان ایرانی و دینداری جوان ایرانی به پیشرفت او در میدانهای مختلف کمک میکند؛ میخواهد این را تضعیف کند. امام هشدار میدهند؛ هم به جوانها، هم به دانشگاهها، هم به حوزه‌های علمیه، هم به قاطبه‌ی جوانان کشور که بیدار باشند، هشیار باشند. اغفال جوان و سست کردن جوانها، به معنای عقب‌نگه داشتن ملت است. همه‌ی ملت باید احساس مسئولیت کنند و مسئولین هم بایستی با جد و جهد در این راه تلاش کنند که جهاد بزرگی است.^۱

۱. بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴

جدا شدن نسل سوّم از ایده‌های انقلاب؛ محور جنگهای روانی دشمن میگویند نسل سوّم انقلاب از ایده‌های انقلاب جدا شده است! بعد به دنبالش یک فلسفه هم میگذارند. مثل همهی فلسفه‌های قلابی و دروغین و جعلی که فقط برای توجیه یک حرف دروغ و غلط درست میکنند. تا کسی جرأت نکند بگوید این حرف غلط است. میگویند این حرف متکی به یک فلسفه است! آن فلسفه چیست؟ آن فلسفه این است که همواره در همهی انقلابها، نسل سوّم از آن انقلاب رو برگردانده‌اند! حرف دروغ، حرف غلط، حرف چرند! کدام انقلابها را میگویید؟ در سال ۱۷۸۹ در فرانسه انقلاب شده؛ اما نه نسل سوّم، نه نسل دوّم، بلکه همان نسل اوّل از انقلاب برگشتند! بعد از چهار، پنج سال، یک حرکت علیه انقلابیون اوّل به وجود آوردند و سه، چهار سال قدرت را قبضه کردند؛ باز بعد از چهار، پنج سال علیه آنها فعالیت شد. به سال ۱۸۰۲ که رسید، چنان ماهیت این انقلاب دگرگون شده بود که کسی مثل ناپلئون توانست بیاید و تاج پادشاهی را روی سرش بگذارد! یعنی کشوری که علیه سلطنت مبارزه کرده بود و لویی شانزدهم را زیر گیوتین گذاشته بود، بعد از ده، دوازده سال وضعیتش به گونه‌ای شد که ناپلئون بناپارت آمد و تاج شاهی را بر سرش گذاشت و خودش را امپراتور نامید و سالها هم در آن کشور حکومت کرد؛ بعد هم تا نزدیک به هشتاد، نود سال رژیمهای سلطنتی-البته سلطنتهای گوناگون و سلسله‌های مختلف- در فرانسه پابرجا بود، که دائماً در حال جنگ و ابتذال و فساد بودند! آن انقلاب به نسل سوّم که هیچ، به نسل دوّم هم نرسید؛ چون پایه‌های انقلاب، پایه‌های سستی بود. امروز بعد از گذشت دو قرن، بعضی کسان در جمهوری اسلامی خجالت نمیکشند؛ می‌آیند ایده‌هایی که در زمان خودش یک انقلاب را نتوانسته بود به سامان برساند، با تیتراژ درشت به انقلابیون ایران تقدیم میکنند؛ انقلابیونی که توانسته‌اند عظیمترین انقلاب را با پایه‌های مستحکم به وجود آورند و سالهای متمادی آن را در مقابل توفانها حفظ کنند.

انقلاب اکتبر شوروی هم به نسل سوّم نرسید. هنوز شش، هفت سال

فصل نهم: افشار مورد هدف دشمن / ۳۷۹

از پیروزی انقلاب نگذشته بود که استالینسم بر سر کار آمد. استالینی بر سر کار آمد که امروز در دنیا هر کس را بخواهند به گردن کلفتی و زورگویی و ظلم و بی‌ملاحظگی و دوری از انسانیت متهم کنند، به استالین تشبیه میکنند! درست هم هست؛ استالین واقعاً مظهر این صفات بد بود. حکومت به اصطلاح کارگری، که برای طبقات ضعیف تشکیل شده بود، به حکومت استبداد مطلق فردی تبدیل شد! استالین حتی به حزب کمونیست هم که در نظام شوروی همه‌کاره بود، اجازه نمیداد که در زمینه‌هایی تصمیم‌گیری کند. با آن وضعیّت خشن و عظیم، استالین یک حکومت مطلقه سی‌وچند ساله را ادامه داد؛ هیچکس هم جرأت نداشت اعتراض کند. شاید شما ماجرای آن تبعیدهای عجیب را شنیده باشید. اولین کتابی که بعد از فروپاشی حکومت شوروی در تشریح اوضاع اختناق‌آمیز دوران اتحاد جماهیر شوروی منتشر شد، یک رمان است. که الآن اسمش یادم نیست. دو جلدش به فارسی ترجمه شده که من آن را خوانده‌ام؛ بسیار هم قشنگ نوشته و اوضاع آن زمان را تشریح کرده است. این تازه مربوط به اوضاع بعد از استالین است که وضعیّت کاملاً فرق کرد، اما روش آن استبداد باقی ماند. بنابراین مسأله‌ی نسل دوّم و سوّم و این حرفها نبود؛ همان اوایل کار، همه چیز از دست رفته بود. این کدام فلسفه است، با کدام انقلاب تطبیق شده و در کجا تجربه شده که نسلهای سوّم انقلاب، از انقلاب برمیگردند؟ نخیر، این بسته به این است که ایده‌ی آن انقلاب چه باشد. اگر ایده‌های یک انقلاب بتواند نسل دوّم و سوّم و دهم را بخاطر اصالت و صحت خود قانع کند، آن انقلاب عمر ابدی خواهد داشت. ایده‌های انقلاب اسلامی، ایده‌هایی هستند که عمر ابد دارند.^۱

سرگرم کردن جوان به شهوات از تلاشهای دشمن

دشمن میخواهد جوانان ملت ایران را از او بگیرد. چگونه؟ با فاسد کردن؛ با گرفتن احساس مسئولیت از آنها؛ با گرفتن شور و شوق ایمانی

۱. بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

از آنها؛ با سرگرم کردن آنها به لهو و لعب و انداختن آنها در دام شهوات. اگر جوانان یک ملت، سالم و مؤمن باشند، همان اتفاق می‌افتد که شما در جبهه‌های نبرد هشت‌ساله دیدید. جوانان مؤمن، جوانان پرحماسه و جوانان پرشور ما، چنان ایمان و صفایی از خود نشان دادند که در عرفای کهنسال، نظیر آن را کمتر میتوان پیدا کرد. این جوانان در میدان جنگ، به پشتوانه‌ی همان ایمان، توانستند سدهای مستحکم را بشکنند، پای دشمن را قطع نمایند و از تجاوز جلوگیری کنند. اگر این جوانان نبودند؛ اگر این ایمان نبود؛ اگر این شور و شوق نبود، میدانید بر سر این ملت و بر سر این کشور چه می‌آمد؟^۱

مقابله‌ی جوانان با تئوریهای وارداتی غربی

من میخواهم محیط دانشگاه و جوان دانشجوی خودمان را توجّه بدهم که مواظب تئوریهای وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکّم‌آمیز غرب با کشورهایی از قبیل کشور ما را ندارد، باشند. البته تحت نامهای مختلف، بسیار حرفها زده میشود؛ اما هدف یک چیز بیشتر نیست. این انقلاب و این نظام و این حرکت عظیم مردمی آمده و این سلطه و اتوریته‌ی تحکّم‌آمیز غربی را در این کشور شکسته است. امروز در کشور ما ارزشهای غربی به صورت قانونی و رایج وجود ندارد. امروز دادن منافع کشور به بیگانگان، در کشور ما یک امر مذموم محسوب میشود. امروز سفرهای را که با هزاران طمع در این کشور پهن کرده بودند- بخصوص آمریکاییها- جمع شده میبینند. این برای مراکز قدرت و تسلط جهانی، خسارت کمی نیست. برای برگرداندن اوضاع به صورت قبلی چه کار کنند؟ اوایل انقلاب ناشیانه آمدند و جنگ روبه‌رو راه انداختند؛ ولی وقتی بینی‌شان به خاک مالیده شد، فهمیدند راهش این نیست. لذا به جنگ فرهنگی متوسّل شدند. جنگ فرهنگی کار آسانی نیست؛ کار زبندگان است. لذا زبندگان مینشینند فکر میکنند و نسخه مینویسند و متأسفانه عده‌ای هم در داخل همانها را رله میکنند! آنها

۱. بیانات در اجتماع زائران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در روز عید سعید فطر ۱۳۷۱/۱/۱۵

فصل نهم: اقشار مورد هدف دشمن / ۳۸۱

حرفهایی را میزنند، عده‌ای هم فارسی آن را میگویند و شکل بومی به آن حرفها میدهند! باید مراقب اینها بود.^۱

سیل تهاجم تبلیغاتی روی جوان و کودک

من به بعضی از مسئولان تبلیغاتی کشور بارها گفته‌ام، آن روزی که شما توان و استعداد مقابله با تهاجم تبلیغاتی دشمن را داشته باشید، آن کسی که بیش از دیگران میداندار تکثر مطبوعات و روزنامه‌ها و کتاب و فیلم و غیره باشد، بنده هستم؛ اما شما بگویند بینم در مقابل آن فیلمی که پایه‌های فرهنگ مردم، اعتقاد مردم، دین مردم، روحیه انقلابی و اینار و شهادت را در مردم متزلزل میکند- که نه یکی، نه دو تا، نه ده تا است- شما چند فیلم ساخته‌اید؟! اینجا است که من احساس خطر میکنم. البته کار اساسی و بلندمدت این است که برای تولید آنچه که خوب است، فکر کنیم؛ اما تا آنچه خوب است به میدان بیاید، من نمیتوانم قبول کنم و بپذیرم که این سیل لجن بیاید و جوان و کودک و قشرهای مختلف را در خودش غرق کند. از تمام شیوه‌های دشمن شادکن و دشمن‌آموز برای مقابله با تفکر انقلاب استفاده شود؛ اگر کسی هم مخالفت و مقابله کند، فوراً انگ و تهمت بخورد! اینکه آزادی نشد؛ اینکه عاقلانه و خردمندانه نیست؛ اینکه مدیریت کشور نیست. شما مسئولید به نقش رسانه‌ها توجه کنید. این بسیار بسیار مهم است. حساسیت بر روی نقش رسانه‌های مکتوب و روزنامه‌ها- بخصوص در شرایط کنونی ما- بسیار مهم است. با این تصویری که عرض کردم، مشخص میشود که آنها چقدر میتوانند به نفع دشمن نقش ایفا کنند. مدعی آنها هم باید همه‌ی دستگاه و همه‌ی جبهه‌ی متحد طرفدار نظام و مسئولان قوه‌های مختلف و مسئولان بخشهای میانی گوناگون باشند. مدعی آنها فقط دستگاه قضایی یا فلان روحانی نیست. همه باید در این قضیه مدعی باشند.^۲

۱. بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۴/۱۹

دانه پاشیدن دشمنان در مقابل جوانان ما

بدانید امروز یکی از سلاحهای دشمنانی که مرگ بر آنها می‌گویید، این است که در مقابل جوانان ما دانه پاشند. دانه‌ی گناه، دانه‌ی جاذبه‌های گناه، جاذبه‌های فساد. تا بلکه بتوانند آنها را جذب کنند. نفس قوی باید بایستد و تسلیم این جاذبه‌ها نشود. مراقب باشید! جوانان بسیجی ما مؤمنند، مطهرند، پاکند. اما ممکن است در میان آنها افرادی پیدا شوند که روح قوی نداشته باشند و تسلیم ترفند دشمن و شیطان گردند. اینجا، تقوا به درد می‌خورد. تقوا یعنی اینکه دائم مراقب خودمان باشیم و نگذاریم که اشتباه کنیم. یکی از سلاحهای ما، دعاست؛ «لایملک الا الدعاء» ما دعا را داریم؛ سلاح دعا را داریم؛ سلاح تضرع را داریم و سلاح بکاء را داریم. ما از ترس، هیچ وقت گریه نمی‌کنیم. از هیچکس و هیچ قدرتی در دنیا نمی‌ترسیم. اما بزرگترین افتخار برای یک انسان مؤمن این است که در مقابل عظمت خدای خود، اشک بریزد؛ به حال خود گریه کند؛ بر گناهان خود و بر عمری که در گناه گذشته است، تأسف بخورد.^۱

شناخت دوست از دشمن؛ وظیفه‌ی جوانان

برای شما جوانان و نوجوانان عزیز کشور ما هم خیلی خوابها دیدند و خیلی نقشه‌ها کشیدند؛ اما بحمدالله نتوانستند. البته این نتوانستن، بخاطر هوشیاری شماست. این هوشیاری را هم در دانشگاهها و هم در مدارس افزایش دهید و به دنبال فهم صحیح معارف اسلامی و پایبندی به تکالیف دینی و اخلاق نیک باشید. این کشوری را که بیست سال است برای بهروزی خود تلاش میکند و این همه قدمهای بلند در دوران خودتان برداشته است، به یک نقطه‌ی از همه جهت برجسته و پیشرفته تبدیل کنید. این کار شماست و در دست شماست و از امروز باید مقدماتش را در خودتان فراهم کنید. شرط اول هم این است که پارسا باشید، هوشمند باشید، فکر کنید، دوست را بشناسید، دشمن را بشناسید.^۲

۱. بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷

۲. بیانات در خطبه‌های هزارمین نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۸/۸

۸) جناحهای سیاسی

جناح‌بندی خصمانه در کشور از طرف‌دهای دشمن

توطئه و ترفند دیگر دشمن این است که القا کند بین مسئولان و یا مردم، جناح‌بندی حاد خصمانه وجود دارد! مردم نباید این تبلیغات را جدی تلقی کنند. البته از لحاظ سیاسی، اختلاف سلیقه وجود دارد، که طبیعی است و وجود آن خطری را ایجاد نمی‌کند. بارها امام(ره) می‌فرمودند: من از این بحثها نگران نمی‌شوم؛ نگرانی ما زمانی است که اینها را عمده کنیم. نباید تصور کنیم که بخاطر این مباحثات، آحاد ملت از هم جدا میشوند. اگر مسئولان و یا مردم، اختلاف سیاسی و سلیقه‌های مختلف داشته باشند، باز هم دوش‌به‌دوش و دست در دست یکدیگر، برای کشور و نظام کار میکنند. اگرچه در حال حاضر اختلافات سلیقه‌ای کم‌رنگ شده است، ولی مسئولان و مردم نگذارند زمینه‌های اختلاف در جامعه به وجود آید.^۱

گروه‌های مختلف، جناح‌های مختلف، سیاستها و جهت‌گیریهای مختلف، در مقابله با دشمن، باید با هم باشند و کاری نکنند که دشمن سوءاستفاده کند. اختلاف سیاسی مانعی ندارد؛ اختلاف‌نظر مانعی ندارد؛ مبارزات انتخاباتی به شکل سالم، مانعی ندارد؛ اما خراب کردن یکدیگر، خراب کردن چهره‌ی کشور، خراب کردن ذهن مردم و چهره‌ی مسئولین دلسوز، اشکال دارد. ایجاد سؤال و ابهام در ذهن مردم، اشکال دارد. با وحدت و یکپارچگی، «کأنهم بنیان مرصوص»، مثل یک دژ پولادین، در مقابل دشمن بایستید؛ مثل چند برادر در یک خانه. ممکن است دو برادر از یکدیگر کدورت و گله هم داشته باشند، اما در مقابل کسی که به خانه‌ی آنها حمله میکند، دوش‌به‌دوش، باید در کنار هم بایستند. آحاد ملت باید اینگونه باشند. این، یکی از ویژگیهایی است که در این سنگر میتوانید حفظ کنید. دوّم، حضور در صحنه‌های سیاسی است. راهپیمایی

۱. بیانات در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو ۱۳۶۸/۴/۸

روز قدس، بسیار خوب بود. راهپیمایی بیست و دوم بهمن، بسیار خوب بود. ملت عزیز ما، در مقابل دشمن، آزمایش بسیار خوبی داد و دشمن را مأیوس کرد.^۱

اتحاد جریان‌های سیاسی در برابر دشمن

جریان‌ها و خط و خطوط سیاسی با هم اختلاف سلیقه دارند؛ با هم بغض و کینه و دشمنی که ندارند. واسطه‌هایی بودند که شروع به این کار کردند؛ آدم مشخصاً هدف‌هایشان را می‌فهمید. در تبلیغات بیرونی و در همین کارهایی که انجام می‌گرفت، انسان می‌فهمید که اینها تصمیم دارند هر جناحی را علیه جناح دیگر تحریک کنند؛ برای هر جناحی از جناح‌های داخلی کشور، اینطور وانمود کنند که دشمن واقعی شما بیرون این مرزها نیست؛ دشمن واقعی شما همین‌جاست و آن هم آن جناح مقابل شماست! آتش منازعات جناحی را داغ و برافروخته کردند.^۲

حمله‌ی دشمن از راه نفوذ در جناح‌های سیاسی

یک خطر اینکه دو جناح و دو طرف، خودشان غفلت کنند و دچار خطر شوند. اما خطر بزرگتر از این هم وجود دارد. آن چیست؟ آن خطر نفوذ است. از هر دو طرف ممکن است افرادی نفوذ کنند. گاهی یک دشمن از هر دو طرف نفوذ میکند: از آن طرف بعنوان ارزشگرایی می‌آید و با هرگونه تحوّل مخالفت میکند؛ حتی با راه‌های رفته هم مخالفت میکند و میخواهد حرکت انقلابی را برگرداند. از این خطرناکتر، این طرف قضیه است؛ بعنوان تغییر و تحوّل و پیشرفت، کسانی بیایند که با اساس ارزشها و با اصل اسلام و با اصل تدبیر مردم و با اصل عدالت اجتماعی مخالفت؛ دچار همان سرمایه‌سالاری غربی‌اند؛ دنبال کیسه دوختن‌اند؛ با اصل رفع تبعیض طبقاتی مخالفت؛ با نام دین هم مخالفت، ولو به زبان نیاورند! اینها به نام تحوّل، به نام تغییر، به نام پیشرفت، به نام

۱. بیانات در اجتماع زائران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در روز عید سعید فطر ۱۳۷۱/۱/۱۵

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۵/۸

فصل نهم: اقشار مورد هدف دشمن / ۳۸۵

اصلاح، بیایند وارد میدان شوند و میداننداری کنند. اینها ممکن است در بدنه‌ی اقتصادی جامعه نفوذ کنند. اگر اینگونه آدمهای بیگانه و غریبه در بدنه‌ی اقتصادی جامعه نفوذ کنند، البته خطرناک است؛ چون اقتصاد و مال و ثروت در جامعه مهم است و باید دست انسانهای امین باشد. اما از آن خطرناکتر این است که بیایند در مراکز فرهنگی نفوذ کنند؛ ذهن مردم، ایمان مردم، باورهای مردم، خط سیر صحیح مردم را قبضه کنند و در اختیار بگیرند. همان چیزی اتفاق بیفتد که در صحنه‌ی مطبوعات و صدا و سیمای دنیای غرب اتفاق می‌افتد؛ یعنی سرمایه‌سالاری.^۱

به جان هم انداختن جناحهای سیاسی

عزیزان من! این اختلافات سیاسی و جناحی که گاهی بسیار بزرگ نشان داده میشود، به این بزرگی نیست؛ به این اهمیت نیست. مردم راه خودشان را میروند. راه مردم، راه اسلام، راه انقلاب، راه خدا و راه امام بزرگوار است. مردم با این خط‌کشیهای تصنعی و مصنوعی کاری ندارند. دشمن دوست میدارد جناحها را بیشتر به جان هم بیندازد. بنده از روی دلسوزی کامل، بارها در نماز جمعه - که مقدسترین مکانهاست - و در سایر جاهها، جناحهای سیاسی را دعوت کردم؛ گفتم بیایید بنشینید با هم صحبت کنید، با هم مذاکره کنید. بیایید مواردی را که بر روی آن با هم اتفاق نظر دارید، اصل قرار دهید و اختلافات را براساس اینها حل کنید. اگر بر روی اصول پافشاری کنید، موارد جزئی اختلافی و سیاسی اهمیتی هم ندارد. عده‌ای قبول کردند؛ عده‌ای لجاجت کردند و میکنند. این لجاجت چه معنا دارد؟! چرا باید کسانی وحدت ملت را، وحدت ملی را، امنیت ملی را، منافع ملی و مصالح این کشور را قربانی اغراض جناحی کنند؛ که اگر بدون نفوذ دشمن باشد، بسیار بد است و اگر با نفوذ دشمن باشد، چند برابر بدتر است؟^۲

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴

جلوگیری از گسترش نفوذ دشمن

حرف امروز و حرف همیشه‌ی من به جناحها و شخصیت‌های سیاسی در این کشور این است که در مقابل دشمن به‌گونه‌ای نباشید که او احساس کند از این طریق میتواند در دل انقلاب رخنه کند و نفوذ خودش را گسترش دهد. اگر من گاهی از بعضی از اشخاص یا بعضی از مطبوعات در این کشور گله کردم، بخاطر این است. کاری نکنند که این احساس را به دشمن بدهند که میشود از اینجا در داخل نظام رخنه کرد و نفوذ خود را گسترش داد؛ که گفتیم هرچه دشمن نفوذش بیشتر بشود، عزت ملی، اقتدار ملی، عظمت ملی و تأمین آینده‌ی کشور ضعیفتر خواهد شد. نسبت اینها، نسبت معکوس است. اگر کسی به دشمن میدان میدهد؛ اگر کسی روز سیزده آبان را- که روز اعلام خصومت‌های آمریکا است- تبدیل به روز ذلت در مقابل آمریکا میکند و اگر کسی به جای استحکام وحدت ملی، دائم در فکر تفرقه است، یقین بدانید میخواهد نفوذ دشمن را زمینه‌سازی کند. پس این شخص نمیتواند ادعا کند که طرفدار وحدت ملی و مصالح ملی است. این بسیار بد است که در نظام اسلامی عده‌ای دل به دشمن بدهند؛ اکتفا به این هم نکنند، به تکرار حرف‌های دشمن پردازند؛ به این هم اکتفا نکنند، مقدسات نظام را زیر سؤال ببرند؛ به این هم اکتفا نکنند، همان کاری را که دشمن میخواهد، عیناً انجام دهند؛ یعنی آن ایمان را- که شرط اولی بود- در مردم متزلزل کنند؛ آن شجاعت و اعتماد به نفس را در دل جوانها از بین ببرند؛ تیشه بردارند به دیواره‌ی این نظام بزنند، تا رخنه ایجاد کنند! این کارها را بکنند، بعد نظام با آنها برخورد کند و طبق قوانین، مجرمشان بشناسد؛ که مجرم شدن در نظام اسلامی، یک لکه‌ی ننگ ابدی است، مگر آنکه «الا الذین تابوا و اصلحوا و بینوا»^۱ کسی توبه کند؛ چیزی را که افساد کرده، اصلاح کند؛ ابهامی را که ایجاد کرده، تبدیل به تبیین کند؛ خطای گذشته‌ی خودش را روشن کند؛ آن وقت خدای متعال از او خواهد گذشت و جرمش تبدیل به صلاح میشود. ولی مادامی که این کارها را

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۰

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۸۷

نکرده، یک مجرم است؛ آن وقت کسانی برخلاف قانون، به حمایت از این مجرم پردازند که این جزو بدترین کارهاست!^۱

مجادلات سیاسی برای کشور زیانبار است. نه فقط امروز که دشمن ما را تهدید میکند، بلکه همیشه مضر است؛ برای سازندگی و راه انداختن چرخهای اقتصادی مضر است. اگر بعضیها هر روزی به نحوی مسأله‌ی جدیدی درست کنند و افکار عمومی را متوجه به یک مسأله‌ی موهوم کنند، اینها به ضرر کشور است.^۲

عداوت دشمن با هر دو جناح سیاسی

اختلاف سلیقه در کشور وجود دارد؛ اما تبدیل آن به تضاد بنیانی از کارهایی است که دشمن به آن میپردازد و در شکل‌دهی آن مؤثر است. باید مواظب باشیم. مسئولین و جناحهای سیاسی مواظب باشند اختلاف سلیقه را به تضادهای بنیانی تبدیل نکنند. چرا شعارهای دشمن را تکرار میکنید؟! دشمن با هر دو جناح عداوت دارد. خیال نکنید یک جناح را دوست دارد و از جناح دیگر بدش می‌آید. با هر دو جناح دشمن است. گاهی از جناحی حمایت میکند تا دیگری را تضعیف نماید. بعد که یک جناح ضعیف و یا از صحنه خارج و زائل شد، به تضعیف دیگری میپردازد. مردم، مسئولین، سیاسیها و جوانان عزیز ما خیلی مواظب باشند. دشمن، خواهان دسته‌بندیهای سیاسی و جدایی بین صفوف مردم است. خط دشمن در کشور ما عبارت است از جدا کردن مردم از نظام و ایجاد فضای هرج و مرج در جامعه. شاهد بودید که در سال هفتاد و هشت این مسائل را به جنجالهای خیابانی هم کشاندند که قدرت بسیج مردمی جلو تجاوزات آنها را گرفت. جوانان عزیز هوشیار باشند و بدانند که نقشه‌های دشمن در این کشور چیست و چه میخواهد.^۳

۱. بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۹/۸/۱۱

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۱/۱۶

۳. بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس ۱۳۸۲/۱/۱

سوءاستفاده‌ی دشمن از بگومگوهای بیهوده‌ی خودیها

آقایانی که سردمداران خطوط سیاسی و گرایشهای سیاسی هستند، حالا برسید به این حرفی که ما میگوییم شما خودیها وقتی سر قضایای بیهوده اینطور با هم درگیر میشوید، دشمن سوءاستفاده میکند؛ بفرمایید، این یک نمونه؛ دیدید دشمن چطور استفاده کرد؟! دیدید دشمن چگونه نیش خود را زد؟! این مسائل را کنار بگذارید. البته ما اصرار نداریم که همه یک‌طور فکر کنند؛ اما برای کار سیاسی و درگیری سیاسی، حدی قائل شوید و خط قرمزی بگذارید. بی حساب و کتاب با هم مبارزه نکنید که آنقدر مشغول شوید که به دشمن اجازه دهید اینطور بیاید و داخل این میدانها بشود. سر این قضیه‌ی قانون مطبوعات و سر قضایای گوناگون دیگر، چه جنجال و چه دعوایی به راه افتاد! همه‌اش مسائل خط و خطوط! برای چه؟ برای اینکه قانونی در مجلس تصویب میشود! من به یک جریان سیاسی خاص اشاره نمیکنم؛ خطاب من به همه است. برای من، آن خط و این خط و هر خط سیاسی و سلیقه‌ی سیاسی دیگر، تفاوت نمیکنند. برای من، مناط و ملاک، راه خدا و راه امام و راه اسلام و حفظ کشور و رعایت مصالح مردم و حفظ آینده‌ی کشور مطرح است. برای من فرقی نمیکنند که فلان کس متعلق به خط «الف» است، فلان کس متعلق به خط «ب» است. من به همه عرض میکنم؛ شما هم هشیار باشید.^۱

متمرکز شدن روی دشمنان اصلی

دشمن‌ستیزی، مشخص کردن دشمن اصلی و متمرکز شدن روی دشمنان اصلی، از دیگر مسائل مهم است. بگردید دشمن اصلی را بیابید و به مردم معرفی کنید. سعی میشود دشمن‌تراشی شود. بنده شنیدم که بعضی از افراد جناحهای مختلف گفته بودند که امروز دشمن اصلی ما، جناح مقابل ماست! خطای بزرگی در جامعه است که در مجموعه‌ای که همه معتقد به اسلام و انقلاب و نظام اسلامی‌اند، یک جناح، دشمن اصلی خود را جناح مقابل بداند. این خیلی تأسفار است. اگر این حرف

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱

فصل نهم: اقشار مورد هدف دشمن / ۳۸۹

قائم به ذهن یک نفر یا ده نفر یا صد نفر باشد، آدم میگوید به جهنم! بگذار آنطور خیال کنند؛ اما اگر این به صورت یک فرهنگ درآید و در ذهن مجموعه‌ای از مردم جا بگیرد، چیز خیلی خطرناکی خواهد شد. لذاست که بایستی روی دشمن اصلی متمرکز شد و او را معرفی کرد و مردم را به ستیزه با او تشویق نمود.^۱

۹) نخبگان

نیفتادن روشنفکران در دام دشمنان

استکبار و دار و دسته‌ی خبری و تبلیغاتی و قلمها و بوقهای مزدورشان، از اینکه کشوری در اعماق کهنه‌پرستی، و ملت‌ی در حال و هوای سنتهای جاهلی خود سر کند، ولی درهای خزاین مادّی خود را به روی آنان بگشاید و تسلیم فرونخواهی و سلطه‌طلبی آنان شود و فرهنگ فساد و فحشا و مصرف‌زدگی و میخوارگی و شهوترانی را از آنان بپذیرد، نه تنها نگران نیستند، بلکه بسی خشنودند! آنان از بازگشت ملت‌ها به گذشته‌ای که به آنان عزّت و عظمت را یادآوری کند، راه جهاد و شهادت را به روی آنان باز کند، کرامت انسانی را به آنان برگرداند، دست سلطه‌گران را از غارت و چپاول به مال و ناموس آنان قطع کند، آیه‌ی «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۲ را به آنان بیاموزد، کریمه‌ی «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۳ را بر آنان فرو خواند، خطاب «وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ»^۴ را به گوش و دل آنان برساند، فرمان «إِنَّ الْحَكْمَ لِلَّهِ»^۵ را در زندگی آنان اجرا کند و خلاصه، خدا و دین و قرآن را محور زندگی آنان سازد و دست طواغیت مستکبر و مستبد و سلطه‌طلب را از زندگی آنان قطع کند، از بازگشت به چنین گذشته‌ای و

۱. ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۴۱

۳. سوره‌ی منافقین، آیه‌ی ۸

۴. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۵

۵. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۵۷

پیوند با چنین تاریخی، ناخشنود و سراسیمه و بیمناکند و لذا با هر بهایی می‌خواهند از آن مانع شوند.

مسلمین، بخصوص جوامعی که نسیم آزادی و قیام‌الله بر آن وزیده، و بالاخص علما و روشنفکران و پیشگامان آنان، باید مراقب باشند که در این دام نیفتند؛ از عنوان بنیادگرایی نترسند؛ از تهمت ارتجاع و سنت‌گرایی آشفته نشوند؛ برای راضی کردن دشمنان خبیث و حسابگر، از اصل اسلامی خود، از احکام نورانی اسلام، از تصریح به هدفهای جامعه‌ی دینی و نظام توحیدی، تبری نجویند.^۱

وظیفه نخبگان سیاسی در مراقبت از گفتارها

آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریان‌های سیاسی، و یک عده‌ای از اینها حرف‌شنوی دارند، اینها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آنها کمی افراط‌گیری کنند، دامنه‌ی این افراط‌گیری در بدنه‌ی مردم به جاهای بسیار حسّاس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمیتوانند آن را جمع کنند، که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم. افراط وقتی در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطی به افراط‌گیری دیگران دامن می‌زند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خونها و خشونت‌ها و هرج و مرجها، آنهایند. من به همه‌ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه می‌کنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه‌ی صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید؛ گرگهای گرسنه‌ی کمین‌کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش‌یواش دارند از چهره‌هایشان بر میدارند و چهره‌ی حقیقی خودشان را نشان میدهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید.

امروز دیپلماتهای برجسته‌ی چند کشور غربی که تا حالا با تعارفات دیپلماتیک با ما حرف می‌زدند، نقاب از چهره برداشتند؛ چهره‌ی واقعی

۱. پیام به حجّاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

فصل نهم: اقصار مورد هدف دشمن / ۳۹۱

خودشان را دارند نشان میدهند؛ «قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر». دشمنیهای خودشان با نظام اسلامی را دارند نشان میدهند؛ از همه هم خبیتر دولت انگلیس.^۱

باید بصیرت داشت آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسی و گروههای سیاسی انتظار دارد این است که با این حوادث با این خطوط دشمن با بصیرت مواجه بشوند با بصیرت اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند آنوقت وضعیت بهتر خواهد بود بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است این محورهایی که عرض شد. این خطوط دشمن را. ما در عمل خودمان و در اظهارات خودمان باید محاسبه کنیم و باید اینها را در محاسبات خودمان بگنجانیم که اگر اظهارنظری هم میخواهیم بکنیم با توجه به اینها باشد عمل و اقدامی میخواهیم بکنیم با توجه به اینها باشد بینیم آیا داریم به دشمن کمک میکنیم یا نه این به نظر من چیز مهمی است.^۲

نخبگان فکری افسران جنگ نرمند

امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم. که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبتهای شما جوانها هست و الحمدلله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه‌ی خوشحالی است خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیایند؟ قدر مسلم نخبگان فکری‌اند. یعنی شما افسران جوان جبهه‌ی مقابله‌ی با جنگ نرمید.

این که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، اینها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ اینها کارهایی است که

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۳/۲۹

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

خود شماها باید در مجامع اصلی‌تان، فکری‌تان، در اتاقهای فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله‌ی با یک حرکت همه‌جانبه‌ی متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته‌ی علمی رسانه‌ای. باید با این جریان شیطانی خطرناک مقابله شود.^۱

۱۰) مطبوعات

دمیده شدن اثر انگشت (عبدالله بن ابیها) در لابه‌لای قلمها

من میدانم که در بسیاری از این مطبوعات، آدمهای خوب و مؤمنی مشغول کارند. چه کسانی که قلم میزنند، چه کسانی که اداره میکنند. اما در لابه‌لای همینها اثر انگشت «عبدالله بن ابیها» را میبینم: تفرقه‌افکنیها، اختلاف‌افکنیها، تشنج‌آفرینیها، تشویش افکار عمومی، ناامید کردنها، یأس‌پراکنیها، چهره‌سازی عناصر وابسته و مرید دشمن، از نظر انداختن عناصر مفید و مؤمن و مخلص و دلسوز! البته این کارها به جایی هم نخواهد رسید؛ خدای متعال رسوا میکند. من البته مایل نبودم با این صراحت و تفصیل درباره‌ی بعضی از مطبوعات حرف بزنم. در واقع ناگزیر شدم. وقتی که دشمن برای اثرگذاری بر روی اذهان عمومی و ایجاد مسأله‌ی روز برنامه‌ریزی کرده، فرصت نمیدهند که مردم نفس بکشند. اگر مردم در جایی یک شادی هم پیدا کنند، بلافاصله مسأله‌ای را عَلم میکنند و دائم کشمکش راه می‌اندازند!^۲

انتقال سالم اطلاعات؛ جلوگیری از نفوذ دشمن

من بارها به مسئولان دولتی تذکر داده‌ام و به‌طور جدی از آنها خواسته‌ام که جلو این وضعیّت را بگیرند. این اسمش محدود کردن مطبوعات نیست. این اسمش جلوگیری از انتقال آزاد اطلاعات نیست. انتقال سالم اطلاعات مورد تأیید ماست. این معنایش جلوگیری از نفوذ

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۶/۴

۲. بیانات در دیدار با جوانان در مصلّای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

فصل نهم: اقسار مورد هدف دشمن / ۳۹۳

دشمن است. جلوگیری از به ثمر رسیدن توطئه‌ی تبلیغاتی دشمن است. من وجود این جریان تبلیغاتی و مطبوعاتی را به حال کشور، به حال جوانان، به حال آینده، به حال انقلاب و به حال ایمان مردم مضر میدانم. این جریان، دائم در صدد قداست‌شکنی از مسائل اساسی اسلامی است. مباحث اسلامی را زیر سؤال می‌برند؛ انقلاب را زیر سؤال می‌برند؛ نه با بیان منطقی، با روشهای بسیار غلط که جز در مطبوعات ناسالم در دوره‌هایی که بوده، انسان نمیتواند نظیر و شبیه‌اش را پیدا کند! من به‌نظم رسید بعد از آنکه با مسئولان در میان گذاشتم و به رئیس‌جمهور گفتم، این را بعنوان یک درد دل و شکوه- مثل پدری که با فرزندانش مطلبی را در میان می‌گذارد- با شما در میان بگذارم.^۱

سوءاستفاده‌ی دشمن از مطبوعات

من سالها قبل هشدار دادم و برای مردم نقشی را که دستهای بیگانه در مدیریت فرهنگی کشور و رسانه‌ها و تبلیغات کشور به کار می‌گیرند، تبیین کردم. بعضیها انکار کردند؛ اما بالاخره همه تصدیق کردند. دشمنان ما بیکار ننشسته‌اند: از مطبوعات استفاده می‌کنند، از تبلیغات استفاده می‌کنند و از روشهای گوناگون تبلیغی استفاده می‌کنند تا آن ارزشهایی را که ملت به آنها پایبند است و آنها از آن ارزشها خوششان نمی‌آید، در چشم مردم بشکنند. تلاششان را می‌کنند. ما هم در عمل نشان دادیم که مطبوعات آزادند؛ این عملکردهایی که از نظر ما بسیار منفی است، وجود دارد؛ اما مطبوعات آزادانه دارند همان کارها را می‌کنند. این، خود ردّ عملی کسانی است که معتقدند آزادی بیان نیست؛ نخیر، آزادی بیان، نشانه‌اش همین مطبوعاتی است که علیه دولت، علیه نظام و علیه سیاستهای کلی، آزادانه هر چه میخواهند مینویسند؛ کسی هم متعرض آنها نمیشود. البته مردم هم به اینها خیلی اعتنایی نمی‌کنند. این، فضل الهی است.^۲

۱. بیانات در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

۲. بیانات در دیدار مردم گرمسار ۱۳۸۵/۸/۲۱

کسی که قلم به دست می‌گیرد، باید تقوا، صداقت، عفاف و انصاف نسبت به دیگران جزو طبیعت ثانوی‌اش بشود. من در صحبتی که اوایل امسال کردم، گفتم که بعضی از روزنامه‌ها پایگاه دشمنند. بعضی افراد تعجب کردند! من اخیراً شنیدم که اسناد سازمان سیا در خصوص نقش آن سازمان در مطبوعات قبل از ۲۸ مرداد منتشر شده است. البته من خودم آن را ندیدم؛ اما آنچه که نقل کردند، بسیار جالب است. نشان می‌دهد که چه روزنامه‌هایی با پول و هدایت و تغذیه‌ی سازمان سیا برای زمینه‌سازی کودتای ۲۸ مرداد در همین تهران پخش میشد. البته در جاهای دیگر هم نمونه‌هایش را دیده‌ایم: در شیلی دوران سالوادور آلنده، یکی از نقشهای مهم را روزنامه‌ها داشتند؛ برای اینکه حکومت دو ساله‌ی آلنده را ناموفق جلوه دهند و تمام افکار را علیه او بسیج کنند و بالاخره آن بلا را بر سرش بیاورند. البته آن روز کسی اعتراف نکرد؛ اما بعد همه فهمیدند که چه کسانی بوده‌اند و آنهایی که بر سر کار آمدند، انگیزه‌هایشان چه بود و از کجا دستور گرفته بودند و آنهایی که زمینه‌سازی کردند، چه کسانی بودند. نمیشود صبر کرد تا فاجعه اتفاق بیفتد، بعد آن را کشف بکنیم. امروز باید دید و با چشم باز حرکت کرد.^۱

مسئولان آمریکایی، گاه در مقام بیان و خطابه اظهارات ریاکارانه‌ای ابراز میکنند. بعضی وقتها از ملت ایران یک تعریف نیمه‌کاره و یا از بخشی از مسئولان و نظام ایران تعریفی بر زبان می‌آورند. هدف آنها این است که بتوانند بر ایران سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی، و اگر بشود، سلطه‌ی نظامی پیدا کنند. بازارهای ایران مورد طمع آنهاست. منابع ایران مورد طمع آنهاست؛ از همه بالاتر، چون ملت و نظام انقلابی و اسلامی ایران توانسته است خیزش عظیمی را در دنیای اسلام به‌وجود آورد. یک بیداری که به آسانی نمیتواند آن را از بین ببرند. میخواهند با قانع کردن و خاضع کردن ایران، این خیزش جهانی را از بین ببرند؛ یعنی به دنیا

۱. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر

فصل نهم: افشار مورد هدف دشمن / ۳۹۵

اینطور بگویند که اینهایی که خودشان شروع کننده بودند، آمدند در مقابل آمریکا اظهار تسلیم و خضوع کردند! بنابراین، هدف، روابط سالم نیست. آنها در تبلیغاتشان آن حرفها را میزنند؛ عده‌ای هم متأسفانه در مطبوعات کشور و غیره، همان حرفها را تکرار میکنند که گویا ارتباط با آمریکا خواهد توانست همه‌ی مشکلات اقتصادی کشور را حل کند. این دروغ و خلاف است.^۱

انتشار مطالب دروغ و فریب دشمن توسط مطبوعات و رسانه‌ها

دشمن میخواهد مطالب خود را در بین مردم به دروغ و فریب منتشر کند. ما نباید عامل دشمن شویم و کار دشمن را آسان کنیم و همان چیزی را که او میخواهد در فضای فکری و فرهنگی جامعه‌ی ما به وجود آورد، در داخل کشور به وسیله‌ی مطبوعات، رسانه‌ها و تریبونها به خورد مردم دهیم. این خطای بسیار بزرگی است. اگر عمداً و با توجه صورت گیرد، خیانت بزرگی است و اگر از روی غفلت باشد، خطای بزرگی است. باید خیلی آگاه و مراقب بود. امروز شگرد سلطه‌طلبی آمریکا و دستگاههای جهنمی صهیونیستی در دنیا همین است. شما ببینید در فلسطین اشغالی بدترین جنایتها و هولناکترین کشتارها را علیه مردم مظلوم و مغضوب فلسطین انجام میدهند؛ اما در افکار عمومی، فلسطینی را ظالم، و مهاجم و جلاد فلسطینی را مظلوم جلوه میدهند! امروز اینگونه از تبلیغات بهره میبرند. دشمنان علیه هر چیزی که با سلطه‌طلبی و منافع نامشروع آنها تقابل داشته باشد، تبلیغات میکنند. در داخل کشور ما هم همینطور است. راهی که اینها برای مقابله با این ملت بزرگ و عظیم‌الشان و این نظام و کشور عزیز ما در پیش گرفته‌اند و تشخیص داده‌اند، همین تبلیغات است. اینها میدانند که اگر در این کشور مداخله‌ی نظامی کنند، این ملت آنچنان توی دهنشان خواهد زد که پشیمان شوند. میدانند که محاصره‌ی اقتصادی و تلاشهای اقتصادی هم که تقریباً بیست و سه سال است علیه ما اعمال میکنند، اثر چندانی ندارد. محاصره‌ی اقتصادی

۱. بیانات در دیدار با جوانان در مصلا‌ی بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

موجب میشود که نیروهای مؤمن و بااخلاص و پراستعداد داخل کشور، بیشتر به تحرک وادار شوند و تلاش کنند؛ کمالینکه در دوران جنگ تحمیلی که ما را محاصره کردند و ملت ما به ابزارهای جنگی احتیاج داشت، جوانان و مغزهای متفکر ما دنبال ساخت ابزارهای جنگی رفتند و چیزی را که آن روز لازم داشتند، تولید کردند. در بخشهای گوناگون دیگر هم همینطور است. وقتی ملتی را محاصره کنند، آن ملت بیشتر به خود و درون خود متوجه میشود و سعی میکند از استعداد درونی خود استفاده نماید. پس محاصره‌ی اقتصادی هم فایده‌ی آنچنانی ندارد. البته به ملت لطمه میزنند؛ لیکن آن چیزی که آنها میخواهند، تأمین نمیشود.^۱

نظام اسلامی را متهم میکنند که «این مرام، نظامی است و آزادی نمیدهد.» چطور ما آزادی نمیدهیم؟! شما در کدام کشور، این همه مجله و روزنامه و مطبوعات سراغ دارید؟ اینها همه‌اش مال دولت است؟ روزنامه‌های رسمی کشور، علناً و صریحاً، سیاستهای دولت را زیر سؤال میبرند و از آن انتقاد میکنند. دولت هم با کمال بزرگواری گوش میکند و جواب میدهد. اکنون در ایران مجلاتی به چاپ میرسند که اگر کسی مختصر آشنایی‌ای با عناصر فرهنگی کشور از زمان گذشته داشته باشد و بداند هنرمندان شاهنشاهی چه کسانی هستند؛ قلمزنان شاهنشاهی چه کسانی هستند؛ مخلصین و چاکران دستگاههای شاهنشاهی چه کسانی هستند؛ مرعوبین دشمنان چه کسانی هستند؛ آمریکایی‌دوستان چه کسانی هستند؛ میدانند که این مجلات از کجاها پولش می‌آید! قابل حدس هست. ما هم بیخبر نیستیم. بنده هم بیخبر نیستم؛ دستگاه هم بیخبر نیست. اینها چاپ میشوند؛ کاری هم به کارشان نداریم. ما از اینکه مجله‌ای چهار کلمه حرف بنویسد، واهمه‌ای نداریم! ما هم مینویسیم.^۲

۱. بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۸۱/۵/۵

۲. بیانات در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور

۱۳۷۱/۵/۲۱

فصل نهم: اقصای مورد هدف دشمن / ۳۹۷

پیام دشمن با استفاده از فضای آزادی

ای مکت عزیز! آن عزتی که دارید، ناشی از مواضع ایمانی و انقلابی شماست. عزیزان من! در داخل مرزهای مکت ما کسانی هستند که متأسفانه همان حرفی را میزنند که سازمان سیای آمریکا به وسیلهی قلم‌به‌مزدان خود در مجلات و مطبوعات دنیا پخش میکند! یعنی میخواهند بگویند «ارتباط با آمریکا، کلید حل است؛ تا ارتباط با آمریکا پیدا نکنید، نمیشود هیچ کار کرد!» عده‌ای هم در داخل کشور، این پیام دشمن را در روزنامه‌های خود ما با استفاده از فضای آزادی که خوشبختانه نظام جمهوری اسلامی به وجود آورده است و همه میتوانند نظرات خودشان را بگویند، پخش میکنند!^۱

۱. بیانات در صحن مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا(ع) ۱۳۷۷/۱/۱

فصل دهم ————— ❁
عوامل کمک به دشمن

مغرضان و غافلان؛ تسهیل‌کنندگان نفوذ دشمن

دو دسته از مردم، نفوذ دشمن را تسهیل میکنند: دسته‌ی اول، مغرضها و کسانی که با اسلام و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و روحانیت و حاکمیت ارزشهای اسلامی مخالفند. البته اینها بسیار کم هستند ولی بی‌اثر نیستند. و دسته‌ی دوم کسانی هستند که غرض ندارند، اما غافل و ناآگاه و بازی‌خورده‌ی دست مغرضها هستند. دسته‌ی دوم را باید آگاه کرد و نسبت به دسته‌ی اول، مسئولان بخشهای مختلف کشور تصمیم‌گیری میکنند.^۱

تطمیع دشمن توسط بیگانه‌صفتان

عزیزان من! درست به این نکته توجه کنید: هر دستگاه و هر مجموعه‌ای که بتواند در درون خودش، این ایمان شاداب و پرنشاط و فعال و پربرکت را بیشتر حفظ کند، بیشتر به درد این ملت، به درد این مملکت و این نظام و به درد این تاریخ می‌خورد و شما جهادگران، از آن قبیل هستید. شما توانستید این ایمان را در درون خودتان حفظ کنید. ارزش اصلی جهاد به این است. عشق و ارادت بنده به امثال مجموعه‌ی شما بخاطر این است. ما هیچ قوم و خویشی با اشخاص نداریم. اینکه شبانه‌روزی نمیگذرد که من شما جهادگران را بخصوص دعا نکنم،

۱. بیانات در مراسم بیعت امام جمعه و نماینده‌ی ولی‌فقیه و قشرهای مختلف مردم سمنان، کرج، شیروان، قوچان، کازرون و جمعی از بسیجیان نیشابور ۱۳۶۸/۴/۴

بخاطر وجود این گوهر تابناک در درون شما و در میان شماست. این را حفظ کنید. این است که می‌تواند کشور را نجات دهد. این است که به این ملت، نیرو می‌بخشد که بتواند در مقابل فشارها مقاومت کند. فشار، زیاد است. از اوّل انقلاب هم فشار، زیاد بوده است؛ نه اینکه امروز خصوصیتی دارد. البته گاهی اوقات در داخل، بعضی از افراد غریبه- واقعاً باید گفت غریبه- و بیگانه‌صفت، حرفهایی می‌زنند، یا کارهایی میکنند که دشمن، تطمیع و تشجیع میشود و فشارها را زیاد میکند! گاهی هم اینطور نیست. آنچه که این دشمن را در همه‌ی ادوار مایوس و رد کرده است، همین ایمان است. اینکه من نسبت به روزنامه‌ها هشدار دادم و باز هم آن را تکرار میکنم، بخاطر این است. البته بحث همه‌ی روزنامه‌ها نیست؛ بحث تعداد خیلی از روزنامه‌هاست. فرقی نمی‌کند؛ قلیل و کثیر ندارد. بعضی از این طرف و آن طرف فریاد بلند کردند که «آقا مگر شما با آزادی مطبوعات مخالفید؟ شما که گفتید ما حرف مخالف را تحمل میکنیم!» بله؛ حالا هم می‌گوییم. بنده حالا هم می‌گویم: کسانی که نظر مخالفی دارند- در هر مسأله و در هر زمینه- مخالفت خودشان را بنویسند، بگویند، چاپ و منتشر کنند؛ کسی به آن کاری ندارد. اما فرق است بین آن کسی که نظر مخالفی دارد و این نظر مخالف را بیان میکند، با کسی که در زیر نقاب اعلام یک نظر مخالف، توطئه میکند و دشمنی می‌ورزد. اگر امروز کسی از لحاظ اقتصادی در کار این دولت خدمتگزار، اخلال کند، او دشمن ماست، باید با او مقابله کنیم. دشمنی، دشمنی است. دشمنی در عرصه‌ی اقتصادی دشمنی است و باید با آن مقابله کرد. دشمنی در عرصه‌ی نظامی و دشمنی در صحنه‌ی کار امنیتی، دشمنی است و باید با آن مقابله کرد. دشمنی در عرصه‌ی کار فرهنگی هم دشمنی است.^۱

دوستان نادان و غافل

همه‌ی کسانی که در این میدان، کار خلاف میکنند، دشمنان نیستند؛

۱. بیانات در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی ۱۳۷۷/۷/۱۵

فصل دهم: عوامل کمک به دشمن / ۴۰۳

این هم معلوم باشد. بعضی هم دوستان نادانند، بعضی خودیهای غافلند. من از خودیها مصراً میخواهم قدری ذهن خودشان را باز کنند و فکر خودشان را به کار بیندازند؛ بفهمند امروز دشمن کیست، چه میخواهد و چه میکند. و نقشه‌ی دشمن چیست. عقل، این است. شما در جبهه‌ی جنگ باید بدانید که آیا این جبهتی که تیراندازی میکنید، بمباران میکنید، همانجایی نیست که دشمن میخواهد بمباران شود؟ چرا شما کار دشمن را به عهده میگیرید؟! چرا جاده‌ی دشمن را هموار میکنید برای اینکه بتواند نیروهای خودی را دور بزند؟! مسأله این است. تأکیدی که ما همیشه میکنیم بر اینکه افراد، قدرت تحلیل سیاسی داشته باشند، برای این است که اینگونه اشتباهات را نکنند. البته دشمنان نقابدار، دشمنان دورو و منافق، دشمنانی که حتی جرأت ظاهر شدن هم ندارند، پشت عناصر صادق و سالم و احیاناً ساده، خود را پنهان میکنند! آنها را باید شناخت و هشدارشان داد. امروز کشور و ملت، احتیاج دارد به اینکه مردم، تیزبین و هوشیار باشند، بیدار و دشمن‌شناس باشند و بفهمند دشمن چه میکند.^۱

فتنه یعنی انسان نفهمد چه کسی دوست و چه کسی دشمن است

خطرناکترین این حوادث، حادثه‌ای است که فتنه باشد. فتنه، یعنی حادثه‌ی غبارآلودی که انسان نتواند بفهمد چه کسی دوست و چه کسی دشمن است و چه کسی با غرض وارد میدان شده و از کجا تحریک میشود. فتنه‌ها را باید با روشنگری خاموش کرد. هر جا روشنگری باشد، فتنه‌انگیز دستش کوتاه میشود. هر جا حرف بی‌هدف، کار بی‌هدف، تیراندازی بی‌هدف، تهمت زدن بی‌هدف وجود داشته باشد، فتنه‌انگیز خوشحال میگردد؛ چون صحنه شلوغ میشود. لذا مردم عزیز ما که بحمدالله در این بیست سال هوشیاری حقیقی خودشان را در قضایای گوناگون نشان دادند، در این قضیه هم باید هوشیارانه مسائل را تحلیل کنند.^۲

۱. بیانات در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی ۱۳۷۷/۷/۱۵

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۵/۸

شناسایی نفوذیهای خارج از کشور

امروز یکی از کارهای امنیتی مسئولان اطلاعات عبارت است از شناسایی نفوذیهایی که از خارج وارد کشور میشوند و خمپاره و مواد منفجره و امثال اینها را به داخل می‌آورند. از آن طرف هم نمایندگان کنگره‌ی آمریکا و فلان بخش دولتی اروپا به اینها امضا میدهند! معنای این کارها چیست؟ آیا اینها به هم ربط ندارد و به یکدیگر متصل نیست؟ کسانی که اینها را راه می‌اندازند و به داخل میفرستند، همان کسانی هستند که در کنگره‌ی آمریکا یک‌طور و در فلان کشور اروپایی یک‌طور، از رئیس‌جمهور، از نخست‌وزیر و از نماینده‌ی مجلس تأیید و امضا و کمک و تشویق و پول میگیرند. مگر معنای ارتباط با خارج چیست؛ چرا ما باید چشمان خود را ببندیم؟ اگر ما دشمن خود را نبینیم و به فکر مقابله‌ی با او نباشیم، چه کسی ما را تشویق و تحسین میکند؟ ما در داخل کشور، دشمن فرضی درست میکنیم؛ جناحها همدیگر را دشمن عمده میکنند؛ این جناح علیه آن جناح، آن جناح علیه این جناح! آیا این عقلایی است؟! آیا این لازمه‌ی اداره‌ی درست کشور است؟!^۱

روشهای مختلف سر بازگیری دشمن

مطمئناً همچنان‌که شما بعنوان مسئولان کشور و نظام موظفید مهندسی کلی کشور را دائماً در نظر داشته باشید. چون بدون یک مهندسی کلان نمیشود جزئیات را ترتیب داد؛ شما باید اول طرح را در نظر داشته باشید، نقشه را بدانید و مهندسی صحیح کرده باشید تا بتوانید این دیوار را اینجا بالا ببرید، آن خشت را آنجا بگذارید، آن گودال را آنجا بکنید. دشمن شما هم به کشور و نظام شما عیناً یک نگاه کلان و یک مهندسی کلی دارد. این مهندسی هم اجزایی دارد. بلاشک اعتماد و دلگرمی دشمن به کمک عناصر داخلی است. هیچ کشوری هم نیست. از جمله کشور ما. که در داخل، عناصری که دلشان با نظام حاکم نیست، وجود نداشته باشند؛ همه‌جا هستند؛ در کشور ما هم هستند؛ از اول

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای تأمین استانها ۱۳۷۹/۱۱/۲۵

فصل دهم: عوامل کمک به دشمن / ۴۰۵

انقلاب هم بوده‌اند؛ کم و زیاد و پیدا و پنهان و جوراجور دارد؛ لیکن اصلش همیشه بوده، بعد از این هم خواهد بود. عده‌ای با نظام ما خوب نیستند. چشم امید دشمن به کسانی است که در داخل هستند؛ منتها برای یارگیری و سربازگیری، دشمن روشهای گوناگونی دارد. اینطور نیست که همه‌ی کسانی که به دشمن کمک میکنند، کسانی باشند که دشمن را شناخته‌اند و نقشه‌ی کلی و مهندسی کلان او را نسبت به نظام دانسته‌اند و عالماً و عامداً به او کمک میکنند؛ نه، عده‌ای هم هستند که اگر به آنها گفته شود شما دارید به دشمن کمک میکنید، حاضرند یقه‌ی خودشان و شما را بگیرند و پاره کنند و بگویند این حرفها چیست! اینها واقعاً هم با دشمن مخالف و بدند. اگر شما مهندسی کلی و کلان نظام را در نظر داشته باشید، از این پرهیز خواهد شد. هر کس متوجه و مراقب خود و رفتارش باشد، از اینکه نادانسته و ناخواسته کمک دشمن باشد، پرهیز خواهد کرد. وقتی حروف کلمه یا جمله‌ای در جدول گذاشته میشود، باید عبارتی درست شود. بعضیها نمیدانند حرفی که دارند در این خانه میگذارند، مکمل آن عبارت است. تمهیداتی فراهم میشود و اینها می‌آیند این حرف را در این خانه میگذارند. «و هم یحسبون انهم یحسونون صنعا»- دلیل و استدلالی هم برایش درست میکنند؛ اما توجه ندارند که این حرف، آن کلمه یا جمله‌ی پانزده حرفی جدول را یک قدم به تحقق نزدیک کرد؛ درست مثل یک پازل که جاها معین است و معلوم است که چه قطعه‌ای کجا باید گذاشته شود. نادانسته از من نوعی میخواهند که این قطعه را اینجا بگذارم؛ من هم فکر میکنم اشکالی ندارد؛ غافل از اینکه وقتی این جزء با آن نود جزء دیگر همراه شد، آن شکل، ظاهر میشود و من کمک‌کننده‌ی به تشکیل آن بوده‌ام! بعضی اینطوری عمل میکنند. مثلاً اگر دشمن بخواهد برای تحقق آرزوی بزرگ خود- که ریشه‌کنی جمهوری اسلامی و پایین آوردن پرچم اسلام از قله‌ی این کشور است- طراح‌ی کند، طبیعتاً طراح‌ی، اجزا و مقدماتی دارد. ایجاد اختلاف، ایجاد بی‌ایمانی، ایجاد مشکلات برای مردم، عمیق کردن فاصله‌ی طبقاتی، ترویج فساد، بدبین کردن مردم به مسئولان، و

دستگاه‌های ضابط و انضباط‌بخش را از حیثیت انداختن- مثل از حیثیت انداختن قوه‌ی قضائیه، از حیثیت انداختن شورای نگهبان، از حیثیت انداختن مجلس، از حیثیت انداختن دستگاه‌های گوناگون- همه جزو اجزاء اینهاست. بعضیها به این بخش کمک میکنند، بدون اینکه به ارتباط این بخش با دیگران توجه کنند؛ این بر اثر عدم بصیرت است.^۱

عوامل کمک دشمن در پیروزی بر مردم

امروز هر نفسی و هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد و به صدا درآید بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلق به دشمن است. چه صاحب این قلم بداند، چه نداند، دشمن از او استفاده میکند.^۲

بله؛ ما دشمن داریم. زخم‌خوردگان از انقلاب که سالهای اول انقلاب، تودهنی انقلاب را خوردند، از روی صفحه‌ی زمین محو که نشدند- هستند- اینها هم دچار همان اشتباه دوستان آمریکاییشان هستند؛ اوضاع داخلی را بد میفهمند، بد تفسیر میکنند، اشتباه میکنند. در اثر این اشتباه، حرکاتی میکنند که آنها را بیشتر افشا میکند و به ضررشان هم تمام خواهد شد؛ حالا چند صباحی نمیفهمند، ولی بعداً خواهند فهمید.^۳

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۴/۳/۸

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۹/۲۵

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) ۱۳۷۷/۴/۲۱

فصل یازدهم ————— ❁
نقش امام راحل در مقابله با دشمن

امام یک دشمن شناس واقعی

اغلب آن صفاتی که در زمامداران مختلف عالم، مایه‌ی امتیاز آنها میشد، تا آنجایی که من بررسی کردم و به ذهنم رسیده است - ما در امام مجتمع میدیدیم. او، هم عاقل بود، هم دوراندیش بود، هم محتاط بود، هم دشمن شناس بود، هم به دوست اعتماد میکرد و هم ضربه‌ای را که به دشمن وارد میکرد، قاطع وارد میکرد. همه‌ی صفات و خصوصیات که برای یک انسان لازم است تا بتواند در چنین جایگاه حساس و خطیری انجام وظیفه کند و خدا و وجدان خود را راضی نماید، در این مرد جمع بود. در این مملکت، آنچه که برای آمریکا، برای استکبار و برای جهانخواران قابل قبول نیست، استقلال این مملکت و استقلال و بیداری این مردم است؛ آن دست ردی است که این مردم به سینه‌ی دشمنان این کشور و جهانخواران زده‌اند؛ این را نمیخواهند. با اسلام هم که دشمنند، به این علت است که اسلام این بیداری را به مردم داده است؛ با این دشمنند. امام، دشمن را میشناخت؛ روشهای سیاسی و روشهای تبلیغاتی آنها را میفهمید، میشناخت و در مقابل آنها محکم می‌ایستاد.^۱

رمز اساسی کار و پیشرفت امام و موفقیت‌های الهی آن مرد بزرگوار و رهبر استثنایی، در این بود که دشمن را شناخت و با همه‌ی قدرت و

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۳/۱۴

استقامت، بدون کمترین اعتماد به او و تسلیم در مقابل او، ایستاد.^۱

سعی امام بر بیان حقایق

امام در سنین بالای عمر- با حال پیرمردی- از هر فرصتی استفاده کرد برای اینکه حقایق را برای مردم بیان کند. در دستگاههای تبلیغاتی جهانی، نقش تحریف و گمراه‌سازی، نقش فوق‌العاده خطرناکی است که امام به آن توجه داشت. وسایل ارتباطی فکری نامطمئن و وابسته‌ی به دشمنان کشور و ملت، امام را وادار میکرد که هم خود او به‌طور دائم در موضع تبیین و ارشاد و هدایت مردم قرار گیرد و هم به دیگران دائماً توصیه کند که حقایق را به مردم بگویند و افکار آنها را نسبت به حقایقی که دشمن سعی میکند آنها را مکتوم نگه دارد، آشنا کنند. اینکه ما دائماً به صاحبان بیان و قلم و تریبونهای مختلف توصیه میکنیم که هدف و همّت خود را بر تبیین صحیح حقایق قرار دهند، برای این است. عنصر اساسی دیگر که امام آن را در پایه‌های نظام جمهوری اسلامی کار گذاشت- و بحمدالله مایه‌ی ماندگاری نظام شد- مسأله‌ی دشمن‌ستیزی و سلطه‌ستیزی است. امام یک لحظه نه خود از کید و مکر و حيله‌ی دشمن غفلت کرد و نه گذاشت که مسئولان غفلت کنند. نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی که منافع دستگاههای استکباری دنیا را در این نقطه‌ی از عالم و در بسیاری از کشورهای اسلامی تهدید کرده است، بدیهی است که مورد دشمنی است. در ایران عزیز ما، اینها سالهای متمادی مثل ماری بر روی منابع ملی و دستگاههای سیاسی کشور چنبره زده بودند. در نظام سلطنتی غاصب و وابسته، مگر کسی جرأت داشت به کسانی که وارد این کشور شده بودند تا ملت را تحقیر و فقیر و منابع او را غارت کنند و او را عقب‌مانده نگه دارند، اندک اهانتی کند؟! کسی جرأت نداشت به آنها بگوید بالای چشم‌تان ابروست! آمریکاییها و صهیونیستها و دیگر غارتگران و چپاولگران دنیا، در کمال امنیّت و آرامش به ایران

۱. بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)

فصل یازدهم: نقش امام راحل در مقابله با دشمن / ۴۱۱

می آمدند، میرفتند و میبردند. سیاست کشور، در دست آنها؛ آمدن و رفتن حکومتها، در دست آنها؛ آوردن و بردن شاه مملکت، در اختیار آنها؛ تعیین نخست وزیران، با صوابدید آنها؛ و موضعگیریهای سیاسی کشور، تماماً در جهت خواسته‌ها و منافع آنها بود. نظام جمهوری اسلامی آمد و این بساط را به کل به هم ریخت. امام میدانست که این دشمن ساکت نمیشیند و تعرض میکند. اگر در برهه‌ای تعرض کرد و تودهنی خورد، موقتاً عقب‌نشینی میکند تا باز تعرض کند؛ لذا باید هشیار و بیدار بود. امروز من متأسفانه میبینم که کسانی طبق خواسته‌ی آن دشمنان، تبلیغ میکنند که این توهم است! دشمن همین را میخواهد که مردم، مسئولان، کارگزاران حکومت، اداره‌کنندگان کشور و طراحان و قانونگذاران امور زندگی مردم، از تهدید دشمن غفلت کنند. نباید اجازه داد؛ باید دشمن و شیوه‌های دشمنی او را شناخت. این آن چیزی است که باید برای همیشه به یاد ما بماند و امام بر روی این نکته تأکید میکرد. اینکه میدیدید امام میفرمود: «هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید»، بخاطر این است.^۱

علت دشمنی استکبار با امام راحل(ره)

بی دلیل نیست که با امام اینقدر دشمن بودند. هنوز هم با جمهوری اسلامی و با پرچم اسلام که در دست جمهوری اسلامی است، دشمنی میکنند؛ ولی با پرچم اسلام در دست آدمهای سازشکار وابسته و متعلق به خودشان، هیچ کاری ندارند. از آنها هیچ واهمه‌ای ندارند، هیچ ترسی ندارند، هیچ ملاحظه‌ای ندارند و هیچ دشمنی‌ای ندارند. اما با جمهوری اسلامی چرا. با شخصیت‌هایش هم دشمنند، با ملت‌ش هم دشمنند، با دولت‌ش هم دشمنند، با رئیس‌جمهورش هم دشمنند، با مجلسش هم دشمنند، با احکام قضایی و مسئولین قضایی‌اش هم دشمنند. با هر چه که این نظام را سرپا نگه میدارد، دشمنند. حتی با شعارهای شما هم دشمنند. آنها شعار امر به معروف و نهی از منکر را تمسخر میکنند؛ شعار حزب‌اللّهی‌گری را تمسخر میکنند و شما را متهم مینمایند. اما حقیقت

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۳/۱۴

این است که همان امر به معروف و نهی از منکر و همان حرکت حزب‌اللّٰهی و همان پایبندی به اصول است که می‌تواند در مقابل انحرافها و خطاهای فاحش دنیای امروز بایستد. هیچ چیز دیگر نمیتواند. ملت‌ها هم این را میخواهند.^۱

بینش خردمندانه‌ی امام در برابر دشمن

کسانی که حاضر نبودند برای انقلاب و منافع این کشور یک قدم بردارند، بلکه فقط بلد بودند نق بزنند و علیه انقلاب بهانه‌گیری کنند، باز فشار می‌آوردند که جنگ را تمام کنید. اگر اراده‌ی قوی و مصمّم و ایستادگی امام نبود، مطمئناً جنگ جز با پیروزی دشمن تمام نمیشد. همین نفس‌های خبیثی که آن روز این وسوسه‌ها را در کشور میدمیدند، امروز هم بعضی‌شان سر بلند کرده‌اند و همان حرف‌ها را تکرار میکنند و میگویند چرا بعد از فتح خرم‌شهر آتش‌بس را قبول نکردید؟! بعد از فتح خرم‌شهر، هنوز بخش عظیمی از سرزمینهای ما- مرزها و شهرهای ما- و نیز گروه کثیری از مردم ما در اختیار رژیم متجاوز بودند. تهدید بالای سر مرزهای ما بود و دشمن از همه طرف تجهیز میشد. باید شر دشمن از سر مرزها کم میشد؛ این یک بینش خردمندانه بود. آن روز همه‌ی دلسوزان کشور، از مسئولان نظامی و غیره، این منطق را برای همه اثبات میکردند. امام یک انسان منطقی بود و تصمیم گرفت و عمل کرد و به فضل پروردگار توانست ملت ایران را سرافراز کند.^۲

ایستادن امام در برابر تهدید و ارباب دشمن

همه‌ی شما دیدید که در پایان وصیتنامه‌ی ایشان، به مواردی اشاره شده بود که امام قبلاً نسبت به طرح آنها سکوت کرده بودند. در زمان بنی‌صدر که من خدمت امام(ره) رسیده بودم، ایشان میگفتند: حرفهایی که او از قول من میگوید، همه‌اش خلاف واقع است و حقیقت ندارد.

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث ۱۳۷۱/۱۱/۱

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرم‌شهر ۱۳۸۱/۳/۱

فصل یازدهم: نقش امام راحل در مقابله با دشمن / ۴۱۳

بنابراین، هر حرفی که زده میشد، فوراً او را نمی‌آشفت و تحریک نمیکرد و درصدد پاسخ سریع بر نمی‌آمد. این متانت، بردباری، حلم، تسلط بر نفس و سعه‌ی صدر، در هرکس که باشد، از او یک انسان بزرگ خواهد ساخت. درعین حال اگر امام(ره) آن عوامل اصلی معنویت، ارتباط با خدا، کار برای رضای او، تقوا و انجام تکلیف را نمیداشت، نه انقلاب به پیروزی میرسید، نه شما مردم اینگونه عاشقش میشدید، نه میتوانست این طوفان را در دنیا به وجود آورد، و نه قادر بود در مقابل تهدید و ارباب دشمن، مثل کوه بایستد.^۱

ایستادن امام با جرأت و شهامت خود در مقابل دنیایی از دشمن

او چون مرد خدا بود و برای خود کار نمیکرد، خدا نیز بنده‌ی صالحش را هدایت کرد و به دل و ذهن او صفا و روشنی‌ای بخشید، تا راه را پیدا کند. به او جرأت و شهامت داد، تا در مقابل دنیایی از دشمن بایستد؛ و با دل او انس گرفت، تا از روگردانی انسانها در روزگار غربت، وحشت نکند. اگر به گذشته نگاه کنید و ایمان و فداکاری و عشق و خلوص مردم را در نظر بگیرید و خصومت و تهدید دشمنان ما را که به جایی نرسید و عملی نشد، مرور کنید، خواهید دید که چگونه به برکت رهبری آن مرد خدایی و انسان پیامبرگونه- نه پیامبر، بلکه شاگرد پیامبر و حرکت‌کننده به روش آنان؛ بهانه‌طلبها و وسوسه‌گرها به دنبال بهانه‌جویی نباشند!- راه دشوار آینده هموار شده است. در آینده باز هم دشواری خواهیم داشت؛ اما راه باز است و دشمن بخاطر ضرباتی که بر او وارد آمده است، کمتر از گذشته جرأت میکند به ما نزدیک شود.^۲

هدف امام، استقامت و ایستادگی در برابر دشمنان

بدیهی است که راه حفظ این دستاوردها و به وجود آوردن

۱. بیانات در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸
 ۲. بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از مردم استان همدان و شهرهای ساری و ساوه
 ۱۳۶۸/۴/۵

دستاوردهای بیشتر، این است که ملت ایران و مسئولین، خط نشانی را که امام بزرگوار با عمل خود کشیده است؛ یعنی خط استقامت و ایستادگی در مقابل توقعات دشمنان و ایستادگی در مقابل یاه‌گوییها و پرگوییهای کسانی که در بیرون این مرزها نسبت به این ملت ابراز توقع میکنند، ادامه دهند. اما اینکه مکرر گفته میشود «راه امام و خط امام» منظور چیست؟ اگر بگوییم «خط امام، اسلام و انقلاب است» این، مطلبی کلی است. معلوم است که خط امام، انقلاب و اسلام است! هیچکس هم مخالف با اسلام و انقلاب نیست. آن عاملی که میتواند مقصود امام بزرگوار را- که پدر این انقلاب و معمار ایران اسلامی است- برآورده کند، استقامتی است که او در رفتار خود نشان داد. در مقابل دشمن، کوتاه نیامد؛ از دشمن نهراسید و نترسید و تهدیدها او را متزلزل نکرد. هیچکس هم نمیتواند امام بزرگوار را به این متهم کند که آنچه انجام داد، خلاف تدبیر صحیح بود. همه‌ی عقلای عالم، اگر دقت کنند، میفهمند و تحلیل میکنند که راه درست، همان راهی بود که آن مرد رفت؛ راهی به سوی هدفهای خود او. هر کس آن هدف را داشته باشد، راهش همانی است که آن بزرگوار پیمود. این، عرض من در سالگرد هفتم امام بزرگوار است.^۱

آشنایی امام با ریزه‌کاریهای دشمن

بعد قدرت رهبری، شجاعت سیاسی امام، آشنایی با ریزه‌کاریهای کارهای دشمن، هوشیاری نسبت به هدفهای دشمنان؛ این بعد در عمل آشکار شد. سال ۴۲- یعنی سال دوّم مبارزه- رسید که سال شدت عملها و فشارها و کشتارها بود. آنجا امام مثل خورشیدی در آسمان امیدهای ملت ایران ظاهر شد. در موضع یک مرد فداکار و یک آتشفشان؛ کسی که همه‌ی احساسات لازم برای یک مرد جهانی، یک مرد میهنی، یک مرد اسلامی در او جمع است؛ شجاعت لازم را دارد، قدرت بسیج عظیم مردم را دارد، صراحت لازم را دارد؛ چه در اوّل سال ۴۲ که ماجرای حمله‌ی

۱. بیانات در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۳/۱۴

فصل یازدهم: نقش امام راحل در مقابله با دشمن / ۴۱۵

کماندوها به مدرسه‌ی فیضیه و حوزه‌ی قم پیش آمد و چه در پانزده خرداد سال ۴۲ که عظمت امام در آنجا آشکار شد. ملت ایران ناگهان احساس کرد که پشت و پناهی دارد؛ قلّه‌ی عظیمی وجود دارد که میتواند به او چشم بدوزد و به آن توجه کند. امام در پانزده خرداد اینگونه در صحنه ظاهر شد. بعد از این ماجرا، زندان و تبعید و فشارهای فراوان وجود داشت و امام در آن روز جوان نبود. برای ما که آن روز جوان بودیم، زندان رفتن و ماجراهای مشکلی که پیش می‌آمد، خیلی سخت نبود؛ بیشتر شبیه یک سرگرمی بود؛ اما امام در آن سال - در سال شروع مبارزه - شصت و سه ساله بود. در شصت و سه سالگی، این مرد با جوشش احساس خود میتواند احساسات یک ملت را به جوشش آورد. زندان رفتن و تبعید شدن برای کسی در آن سنین، کار آسانی نبود؛ اما این فداکاری و از خودگذشتگی و خطرپذیری در این مرد آشکار شد. این هم بُعد جدیدی بود؛ یعنی مردی که در راه آرمانهای بزرگ و در راه تکلیف شرعی، هیچ مشکلی نمیتوانست مانع راه او بشود. این جریان، در سال ۴۲ و ۴۳ به تبعید چهارده ساله‌ی امام، اول به ترکیه و بعد هم به عراق منتهی شد.^۱

عدم تردید امام در برابر تهدید دشمن

در تمام عمر ده ساله‌ی حیات مبارک امام علیه السلام، پس از پیروزی انقلاب، یک لحظه اتفاق نیفتاد که او بنحاطر سنگینی بار تهدید دشمن، در هر بُعدی از ابعاد، دچار تردید شود. این، یعنی همان برخورداری از روحیه‌ی حسینی. جنگ، تلفات دارد. جان یک انسان، برای امام خیلی عزیز بود. امام بزرگواری، گاهی برای انسانی که رنج میبرد، اشک میریخت و یا در چشمانش اشک جمع میشد! ما بارها این حالت را در امام مشاهده کرده بودیم. انسانی رحیم و عطوف، دارای دلی سرشار از محبت و انسانیت بود. اما همین دل سرشار از محبت، در مقابل تهدید شهرها به بمباران هوایی، پایش نلرزید و نلغزید. از راه برنگشت و عقب‌نشینی نکرد.

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۳/۱۴

همه‌ی دشمنان انقلاب در طول این ده سال، فهمیدند و تجربه کردند که امام را نمیشود ترساند. این، نعمت بسیار بزرگی است که دشمن احساس کند عنصری چون امام، با ترس و تهدید از میدان خارج نمیشود. امام، با منش و شخصیت درخشان خود، کاری کرد که همه در دنیا، این نکته را فهمیدند. فهمیدند که این مرد را از میدان نمیشود خارج کرد؛ تهدید نمیشود کرد؛ با فشار و با تهدیدهای عملی هم نمیشود او را از راه خود منصرف کرد. لذا مجبور شدند خودشان را با انقلاب تطبیق دهند.^۱

اهمیت جهاد از منظر امام راحل(ره) برای مقابله با دشمن

این نکته در فرهنگ اسلامی، نکته‌ی برجسته‌ای است، که گفتیم نمونه‌هایی هم در میدانهای مختلف دارد. در روزگار ما هم، وقتی ندای مقابله با رژیم منحوس پهلوی از حلقوم امام علیه السلام و همکاران ایشان در سال ۱۳۴۱ بیرون آمد، جهاد شروع شد. پیش از امام هم، البته جهاد به صورت محدود و پراکنده وجود داشت که حائز اهمیت نبود. هنگامی که مبارزه‌ی امام شروع شد، جهاد اهمیت پیدا کرد تا اینکه به مرحله‌ی پیروزی خود، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی رسید. بعد از آن هم، تا به امروز، در این کشور جهاد بوده است. چون ما دشمن داریم. چون دشمنان ما، از لحاظ نیروی مادی، قوی هستند. چون اطراف و جوانب ما را، از همه جهت، دشمنان گرفته‌اند. آنها در دشمنی با ایران اسلامی، جدی هستند و سر شوخی ندارند؛ چون میخواهند از هر راهی که شد ضربه بزنند. پس، در ایران اسلامی، هر کس به نحوی در مقابل دشمن - که از اطراف، تیرهای زهرآگین را به پیکر انقلاب و کشور اسلامی، نشانه رفته است - تلاشی بکند، جهاد فی سبیل الله کرده است. بحمدالله، شعله‌ی جهاد بوده است و هست و خواهد بود.^۲

۱. بیانات در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۳/۱۴

۲. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص)/ عوام و خواص ۱۳۷۵/۳/۲۰

فصل دوازدهم ————— ❁
ایستادگی مردم در برابر دشمن

نقش توده‌ی مردم در مقابله با دشمن در کلام حضرت علی علیه السلام

این حرفها خطاب به مالک اشتر بزرگوار است و اما آنچه ما از کلمات حضرت در این نامه انتخاب کردیم، چند جمله است: «و أبطأ عذراً عند المنع»^۱؛ وقتی انسان چیزی به آنها نمیدهد، اگر عذری هم داشته باشد، اینها عذر را قبول نمیکنند. «و اضعف صبراً عند ملمات الدهر»^۲؛ وقتی مشکلات زمانه پیش می‌آید، اینها از همه کم‌صبرترند. اگر بلای طبیعی یا بلايای اجتماعی پیش بیاید، از همه کم‌صبرتر و نوزن‌تر اینهايند؛ بی‌صبری نشان میدهند و هی پا به زمین میکوبند. «و انما عماد الدين و جماع المسلمين و العدة للاعداء العامة من الامة»^۳؛ پایه‌ی دین، توده‌ی مردمند. این جمله را امیرالمؤمنین دارد میگوید. این اگر پوپولیسیم هم هست، پوپولیسیم علوی است؛ مورد احترام و تقدیس ماست. «والعدة للاعداء»^۴؛ در مقابل دشمن، عده و امکان و استعداد عبارتند از همین عامه. «فليكن صغوك لهم و ميلك معهم»^۵؛ میل و گرایش عمومی‌ات به طرف عامه باشد.^۶

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳

۲. همان

۳. همان

۴. همان

۵. همان

۶. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۷/۱۷

وظیفه‌ی منتظران موعود در برابر دشمن

بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت میکردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده‌ی دفاع از ارزشها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام است، میتواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را میبازند و زانوانشان سست میشود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد، انجام دهند؛ اینها چطور میتوانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.^۱

فهم دشمن از راز پیروزی ملت ایران

دشمن فهمید که راز پیروزی ملت ایران چیست؛ لذا درصدد برآمد تا سیاسیون و سردمداران دولتی را از روحانیت و دین جدا کند. آنها را از آیت‌الله کاشانی جدا کردند و بینشان فاصله انداختند و متأسفانه موفق هم شدند. از سی تیر ۱۳۳۱ که مرحوم آیت‌الله کاشانی توانست ملت ایران را آنطور به صحنه بیاورد، تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که عوامل آمریکا در تهران توانستند مصدق را سرنگون و تمام بساط او را جمع کنند و مردم هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، یک سال و یک ماه بیشتر طول نکشید. در این یک سال و یک ماه، با وساطت ایادی ضد استقلال این کشور و با توطئه‌ی دشمنان این ملت، دکتر مصدق مرتب فاصله خود را با آقای کاشانی زیاد کرد، تا اینکه مرحوم آیت‌الله کاشانی چند روز قبل از

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به‌مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالای تهران ۱۳۸۱/۷/۳۰

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۲۱

ماجرای ۲۸ مرداد نامه نوشت. همه‌ی این نامه‌ها موجود است. و گفت من می‌ترسم با این وضعی که دارید، علیه شما کودتا کنند و مشکلی به وجود آورند. دکتر مصدق گفت: من مستظهر به پشتیبانی مردم ایران هستم! اشتباه او همین‌جا بود. ملت ایران را سرانگشت روحانیت. کسی مثل آیت‌الله کاشانی. و ادار می‌کرد که صحنه‌ها را پُر کند و به میدان بیاید و جان خود را به خطر بیندازد. در ۲۸ مرداد که کاشانی منزوی و خانه‌نشین بود. و در واقع دولت مصدق او را منزوی و از خود جدا کرده بود. عدم حضور او در صحنه موجب شد که مردم نیز در صحنه حضور نداشته باشند؛ لذا کودتایچه‌های مأمور مستقیم آمریکا توانستند بیایند و به راحتی بخشی از ارتش را به تصرف درآورند و کودتا کنند. یک مشت اوباش و الواط تهران را هم راه انداختند و مصدق را سرنگون کردند. پس از آن، دیکتاتوری محمدرضاشاهی به وجود آمد که بیست و پنج سال این ملت زیر چکمه‌های دیکتاتوری او لگدمال شد و ملی شدن صنعت نفت هم در واقع هیچ و پوچ گردید؛ چون همان نفت را به کنسرسیومی دادند که آمریکاییها طراحي آن را کردند. هرچه دشمن خواست، همان شد؛ بخاطر جدا شدن از روحانیت و دین. اینها عبرت است.^۱

شکست نخوردن نظام اسلامی در برابر حرکات مذبوحانه

دشمن بداند با چه حقیقتی روبه‌رو است؛ در فهم نظام اسلامی و انقلاب اسلامی دچار اشتباه نشوند؛ خیال نکنند انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را با اینجور کارهای پیش پا افتاده میتوان به زانو درآورد. نظام اسلامی زنده است. خیال نکنند با یک تقلید مغلوط از حضور عظیم مردمی در انقلاب سال ۱۳۵۷، یک کاریکاتور از آن انقلاب، میتوانند به عظمت انقلاب و نظام اسلامی ضربه بزنند. این تجربه برای دشمن باید پیش آمده باشد. اشتباه نکنند؛ نظام اسلامی با این حرفها شکست نخواهد خورد.

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۸/۲۰

عدم شکست ملت با مسجد ضرار

عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشه‌داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملت، ملت باایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمیشود این ملت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه‌هایی را از این داریم: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَّارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ». با تقلید از رهبر عزیز و عظیم‌الشأن انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همه‌ی وجود غرق در قرآن بود، نمیشود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است؛ این مردم آگاهند؛ جوانهای ما آگاهند. این تجربه‌ای است برای دشمن.^۲

وظیفه‌ی ملت شناسایی دشمن و اهداف او

مردمی هوشیار، جوانانی مصمم، پنجه‌هایی قوی و نیرومند، زنان و مردانی که دلشان از عشق به میهن و فداکاری برای اسلام میتپد، در این نقطه‌ی حساس گوش به زنگ باشند؛ دوست را بشناسند، دشمن را بشناسند و وظیفه را بفهمند. پیشرفت همه‌جانبه‌ی این استان، به امنیت این کشور هم- به‌طور مستقیم و غیرمستقیم- ارتباط پیدا میکند، که باید به فضل پروردگار همه‌ی این کارها انجام گیرد. البته نقش شما آحاد مردم، بخصوص نقش جوانان و بالخصوص نقش کسانی که از آنها انتظار تخصص و مهارت و آمادگیهای گوناگون برای کارهای مختلف هست، بسیار حساس و تعیین‌کننده خواهد بود.^۳

خنثی کردن پاتک دشمن

گاهی بعضی افراد دژی را فتح میکنند، لیکن به‌سرعت آن را از دست

۱. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۷

۲. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره‌ی ریاست جمهوری ۱۳۸۸/۵/۱۲

۳. بیانات مهم رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ مردم بندرعباس ۱۳۷۶/۱۱/۲۸

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۲۳

میدهند. در میان جمع حاضر یقیناً عده‌ی زیادی در جنگ تحمیلی حضور داشتند و دیده‌اند که گاهی انسان یک دژ را، یک منطقه را، یک شهر را، یک روستا را میگیرد؛ اما در نگهداری آن غفلت میکند. یعنی اوّل انگیزه دارد، اما بعد انگیزه‌ی خود را از دست میدهد؛ دشمن هم بدون درنگ مجدداً حمله میکند. به اصطلاح نظامیها، پاتک میکنند. و آنچه را که با زحمت، جانفشانی، انگیزه و ایمان از او گرفته شده، پس میگیرد. هنر ملت ایران تا امروز این بوده که پاتک دشمن را در همه جا خستی کرده است. نه اینکه دشمن نمیخواسته پاتک کند؛ دشمن همیشه درصدد ضربه زدن به ما بوده است.^۱

این ملت، ملتی نیست که با تهدید و ارعاب و حضور تهدیدآمیز قدرتهای مادی- که عادت کرده‌اند حرف خود را علیه ملتها و جوامع به کرسی بنشانند- پا عقب بگذارد، قدرت خود را فراموش کند و به ضعف تلقینی دشمن گوش دهد. این ملت میدانند که قوی است و فهمیده که دارای اقتدار است. معنای این مانورها و این اجتماعات مبارک و منور این است. مانور ما، تهدید هیچ همسایه و هیچ ملت و دولتی نیست. علی‌رغم تبلیغات آمریکایی و صهیونیستی و بوقهایی که در طول این هجده سال، همواره خواسته‌اند ایران اسلامی را تهدیدی علیه کشورهای خلیج فارس نشان دهند، ملت ایران علیه کشورهای خلیج فارس و ملتهای همسایه و هیچ کشور دیگری که متعرض به آن نباشد، تهدیدی به وجود نمی‌آورد.^۲

موفقیت ملت در پیشرفتهای

موفقیت هر ملتی در پیشرفتهای خود، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان و دشمنان در آن کشور دارد. اینها نسبتشان متعکس است؛ یعنی هرگاه بیگانه و یک قدرت خارجی- ولو آن قدرت خارجی علناً اظهار

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از مردم قم ۱۳۷۹/۱۰/۱۹

۲. بیانات در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق‌القدس ۱۳۷۶/۲/۳

دشمنی نکرده باشد. نفوذش در بین مردم، قشرهای مختلف و فضای سیاسی بیشتر باشد، این ملت از آینده‌ای همراه با عزت و همراه با افتخار و تأمین‌شده، فاصله‌اش بیشتر است. نه اینکه با هر بیگانه‌ای باید ستیزه‌گری کرد؛ نه، گاهی هم انسان بخاطر مصالح، با بیگانه‌ای دوستی میکند؛ اما به همان بیگانه‌ی دوست هم نباید اجازه داد که در امور داخل این خانه، این خانواده، این کشور و این جامعه بتواند نقش ایفا کند. از اوّل انقلاب که بکلی رشته‌های نفوذ آمریکا و دیگر قدرتمندان فقط هم آمریکا نبود؛ منتها بدترینشان آمریکا بود. در این کشور گسسته شد، اینها دائم در فکر بودند که به نحوی در داخل کشور نفوذ کنند و به پیاده کردن فکر خودشان، حرف خودشان، کار خودشان و مقاصد و هدفهای خودشان پردازند. از همه‌ی راهها هم برای این کار استفاده میکنند.^۱

عمل صالح یعنی از دشمن نترسیدن

وقتی یک ملت مورد تهدید قرار میگیرد، عمل صالح این است که انسانهایی در مقابل تهدید دشمنان متجاوز سینه سپر کنند؛ امکانات خودشان را متمرکز کنند؛ از همه‌ی نیرو و استعداد خودشان بهره بگیرند؛ علم و عمل و ابتکار و شجاعت را با هم بیامیزند و در مقابل دشمن زورگو و متجاوز بایستند و مقاومت کنند. وقتی ایمان با عمل صالح همراه شد، انسان از خسران نجات پیدا میکند؛ آن وقت ملتها پیروز میشوند. چیزی که ایران اسلامی کارخانه‌ی منحصربه‌فرد آن را در درون خود داشته است، ایمان است. دشمنان ما هم از این کارخانه میترسند و از این تولید واهمه دارند؛ بقیه‌ی حرفها دروغ و بهانه و تزویر است. شما جوانان مؤمن، روزی که دانش و ایمان و شجاعت و ابتکار و نواندیشی و اغتنام فرصت را با هم بیامیزید و در میدان علم و عمل آن را به کار بگیرید، برترین فرآورده‌های این کارخانه‌اید.^۲

۱. بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۹/۸/۱۱

۲. بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های سه‌گانه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳/۷/۲۲

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۲۵

هوشیاری در برابر پیچیدگی روشهای دشمن

من به شما عرض کنم که توطئه‌ی دشمن، در گذشته یک تفاوت با امروز داشت. در گذشته، توطئه‌ی دشمن از روی بی‌تجربگی بود. یعنی آمریکا، استکبار جهانی، کمپانی‌داران بزرگ صهیونیست و امثال آنها که میخواستند با ملت و انقلاب ایران مبارزه کنند، از روشهای ساده‌تری استفاده میکردند که برای همه، قابل افشا بود. مثلاً تحریک به حمله‌ی نظامی و راه انداختن جنگ، توطئه بود؛ اما همه، این را میشناختند. توطئه روشن میشد؛ مردم به پا میخواستند و مقابله میکردند. یا مثل حمله‌ی آمریکاییها به صحرای طبس و از این قبیل، آنچه که انجام دادند- محاصره‌ی اقتصادی، حملات تبلیغی و غیره- کارهایی آشکار بود. به مرور فهمیدند که نمیشود ملت ایران و انقلاب اسلامی را با این توطئه‌ها و کارها شکست داد. این تجربه، موجب شده است که روشهای خودشان را پیچیده‌تر کنند. به همان نسبتی که آنها روشها را پیچیده‌تر میکنند، ملت ایران هم بایستی هوشیاریش را بیشتر کند. جوانان بایستی آمادگیشان را بیشتر کنند. نه آمادگی جنگی؛ چون امروز بحث جنگ نظامی نیست. البته آمادگی رزمی هم برای روز مبادا ضروری است؛ اما آن چیزی که برای همه لازم است، آمادگی معنوی؛ یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی و حفظ وحدت، اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه‌ی ملت و دولت و شناختن چهره‌ی دشمن در هر لباسی است. دشمن با شکلهای مختلفی خود را به مقابله با انقلاب میکشاند. همیشه با لباس نظامی وابسته به فلان دولت بیگانه، جلو نمی‌آید.^۱

عزم و جدیت ملت راه مقابله با توطئه‌ی دشمن

دانستن این حقیقت و توجه به ابعاد گوناگون آن، هوشیاری و عزم و جدیت عموم ملت ایران و مسلمانان جهان را در چگونگی مقابله با توطئه‌هایی که از سوی دشمن طراحی میشود، طلب میکند. ملت ما البته

۱. بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته‌ی بسیج ۱۳۷۶/۹/۵

در طول دهساله‌ی گذشته با انواع توطئه‌های دشمنان آشنا شده و با آنها دست و پنجه نرم کرده و بحمدالله بر بیشتر آنها فایق هم شده است؛ و سنت مسلم الهی آن است که در چنین میدانی- در میدانی که ملتی مؤمن و انقلابی و برحق و هوشیار و بااراده، در آن با دشمنانی مادی و زورگو و نابحق و شیطان‌صفت مبارزه میکنند- پیروزی از آن جبهه‌ی حق است که از کمک خدا و اراده‌ی راسخ و روح فداکاری برخوردار است؛ و این همان چیزی است که ما در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب تا امروز تجربه کرده‌ایم؛ و همان چیزی است که در سراسر تاریخ نبوتها تحقق یافته و قرآن بارها از آن خبر داده است. ولی شرط پیروزی، اتکال و اعتماد به خدا، هوشیار و جدی و آماده بودن، حفظ وحدت، و فریب تبلیغات دشمن را نخوردن است. امروز یکی از تلاشهای دشمنان صرف آن میشود که نور امید را در دل ملت ما خاموش کنند و آنان را به اوضاع کشور و به دست‌اندرکاران و مجریان امور بدبین سازند. فاصله‌ای که دشمنان ملت مایلند میان ملت و دولت به وجود آید، همان چیزی است که اگر خدای نخواستہ موفق شوند، دست آنان و ایادی حقیر و ریاکار و خبیث آنان در داخل را برای ضربه زدن به کشور و انقلاب باز خواهد کرد. این، هدف همیشگی دشمن بوده و هست؛ و لذا اصرار همیشگی امام فقید و عظیم آن بود که پیوند میان ملت و مجریان امور مستحکمتر شود.^۱

البته باید پشتیبانی عظیم مردمی شما حفظ شود. مردم باید هوشیاری اطلاعاتی خود را حفظ کنند و در مقابل تحرک دشمن حساسیت داشته باشند. در نظام جمهوری اسلامی، حضور عظیم مردم، اقتدار الهی را نشان میدهد و به میزان زیادی دشمن را مأیوس میکند؛ اما این نکته به معنای آن نیست که تحرکات دشمن و خباثتهای او تمام شده است؛ خیر، نمیتوان انتظار داشت که دشمن خباثتهای خود را متوقف کند. آنچه

۱. پیام به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج، به مناسبت سالروز انتشار پیام رهبر فقید انقلاب برای تشکیل بسیج مستضعفان و گرامیداشت هفته‌ی بسیج ۱۳۶۸/۹/۲

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۲۷

موجب میشود که دشمن نتواند ادامه دهد، هوشیاری مردم است. ارتباط با مردم را قوی کنید و اخلاص و تقوا و رابطه‌ی با خدا را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهید.^۱

حیرت و گنجی دشمن از مبارزه و مقاومت ملت

ما در اوآن پیروزی انقلاب اسلامی بخوبی مشاهده میکردیم که دشمن، حیرت‌زده و گیج است و نمیفهمد چه اتفاق افتاده است. در حقیقت، استکبار نمیتوانست تحلیل درستی از آنچه که واقع شده بود پیدا کند. اما بعد از آنکه جمهوری اسلامی تشکیل شد، مبارزه‌ی ملت ما با آن قدرت ادامه پیدا کرد؛ جنگ تحمیلی پیش آمد؛ مقاومت این ملت پیش آمد؛ رهبری قاطعانه‌ی امام خود را در میدانهای مختلف نشان داد و پیوند اسلامی میان مردم و امام، ابعاد مختلف خودش را شناساند؛ دشمن بیدار و هشیار شد و تجربه پیدا کرد. این نکته، برای ما ملت ایران و نیز برای مسلمانان در سایر نقاط عالم، مهم است. با این حال، مسلمانان در سایر نقاط عالم باید توجه کنند که مبارزات اسلامی، مثل یک جنگ نظامی سنتی و کلاسیک است. عیناً مشخصات همان برخورد را دارد. در جنگ نظامی، وقتی میبینید دشمن حرکتی ابتکاری از خود نشان میدهد، سعی میکنید ضد آن حرکت را انجام دهید. همین که دشمن سلاح جدیدی به دست می‌آورد، سعی میکنید ضد آن سلاح را فراهم کنید. او تانک برای خود فراهم میکند، شما ضد تانک فراهم میکنید. او هواپیمای جنگی برای خود تحصیل میکند، شما ضد هوایی درست میکنید. به معنای دقیقتر، هر حرکتی را که دشمن انجام داد شما مینشینید، فکر و تلاش میکنید و با ابتکار و هوشمندی، حرکت مقابل او را انجام میدهید. در مبارزات اسلامی نیز همینطور است. در نهضت اسلامی نیز همین وضع وجود دارد. دشمن چون نسبت به انقلاب اسلامی تجربه پیدا کرده است، روشهای جدیدی را به کار میگیرد. لذا مسلمانان عالم باید هشیار باشند.^۲

۱. بیانات در مراسم بیعت وزارت اطلاعات و پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی ۱۳۶۸/۳/۳۰

۲. بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان

بیداری، شرط تحقق پیروزی مؤمنین و شکست دادن دشمنان

فشارهایی که در دنیا انجام میگیرد، محکوم به شکست است؛ شکست خواهد خورد. این چیزی است که تجربه به ما نشان داده، غیر از وعده‌ی الهی که: «و لینصرنّ الله من ینصره» و آیات زیادی که در این جهت هست. فشارها غالباً محکوم به شکست است. یک مدّتی فشار می‌آورند، وقتی که ایستادگی مشاهده شد از این طرف، آن فشار تمام میشود. جنگ، جنگ اراده‌هاست؛ جنگ عزمهای راسخ است؛ هر که عزمش بیشتر بود، او برنده است. بنابراین، اینها شکست میخورند. اگر قرار بود نظام اسلامی با این فشارها شکست بخورد، باید همان دهی اوّل شکست میخورد. آن وقت - گفتم - دشمن قویتر بود، ما ضعیفتر بودیم، توانایی‌ها مان کمتر بود، امکاناتمان کمتر بود، دنیاشناسی‌مان کمتر بود، تجربه‌مان کمتر بود؛ امروز بحمدالله این کمبودها و کمیهای آن وقتها جبران شده و خیلی از اشکالاتی که آن وقت وجود داشت، وجود ندارد. مردم روحیه‌هاشان هم خوب است. امروز انگیزه‌ها خیلی بالاست. اگر خدای نکرده یک وقتی یک جنگی اتفاق بیفتد که حضور در جبهه را برای مردم و جوانها ایجاب کند، آن وقت خواهید دید که جوان امروز ما که نسل سوّم انقلاب است، همّتش و فداکاری‌اش از جوان آن روز کمتر نیست؛ شاید بیشتر هم هست. یک چنین حالتی وجود دارد. بنابراین، این فشارها محکوم به شکست است؛ لکن مهم این است که ما بیدار باشیم. به شرط اینکه ما بیدار باشیم؛ به شرط اینکه خوابمان نبرد، غفلت نکنیم. این زنگهای هشداردهنده و بیدارباش، ما را بیدار نگه دارد؛ این شرطش است.^۱

نقش همبستگی ملی در مقابل دشمن

مهمترین سلاح ملت ایران برای خنثی کردن تهدیدها، همبستگی ملی و همدلی است. ملت ایران برای خنثی کردن تهدیدهای دشمن احتیاج به بمب اتمی و سلاح هسته‌ای ندارد. همدلی و همبستگی شما مردم و

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۲۹

چنگ زدن شما به ریسمان الهی و ایمان دینی، مهمترین سلاح ملت ایران است؛ این سلاحی است که بعد از پیروزی انقلاب تا امروز کارایی خود را نشان داده و بعد از این هم نشان خواهد داد.^۱

مقاومت و خودباوری ملت ایران برای دشمن

خداوند متعال با اشاره به یکی از ملتهای مؤمن گذشته میفرماید: «و ما نعموا منهم ألّا ان يؤمنوا بالله العزيز الحمید»^۲؛ دشمنان، چون آنها را مؤمن یافته بودند و انسان مؤمن تسلیم زور و استکبار نمیشود. بخاطر ایمانشان از آنها انتقام میگرفتند. ایمان، ایستادگی، مقاومت و خودباوری ملت ایران برای دشمن ناگوار است. آنها حکومتهای مطیع و فرمانبر و ملتهای بیحال و تسلیم در مقابل زورگوییهایشان را میپسندند. امروز فریاد اسلامخواهی ملت ایران که اول بار از زبان امام امت برخاست، ملتها را بیدار کرده و دلها را تکان داده و در منطقه روح بیداری و خودباوری به وجود آورده است. دشمنان از این مسائل نگران و سراسیمه‌اند؛ اما ملت ایران بر این توطئه‌ها پیروز خواهد شد.^۳

استقامت؛ لازمی رسیدن به اهداف عالی اسلامی

نکته‌ی مهمی وجود دارد، که آیه‌ی شریفه‌ی قرآن در سوره‌ی فتح درباره‌ی همین نکته است: «إِنَّ الَّذینَ یبایعونک إِنَّمَا یبایعون اللّٰهَ ید اللّٰهَ فوق أیدیهم فمن نکث فَإِنَّمَا ینکث علی نفسه و من أوفیٰ بما عاهد علیہ اللّٰهَ فسیؤتیہ أجراً عظیماً»^۴. وقتی یک ملت راهی را آغاز کرد، رسیدن به نتایج، احتیاج دارد به استقامت در آن راه، به پیشرفت در آن راه، به متوقف نشدن میان راه، به قانع نشدن به دستاوردهای میانه‌ی راه. یکی از آفات ما این است که تصور کنیم این مقداری که پیشرفت کردیم، نتایج نهایی

۱. بیانات در صحن جامع رضوی ۱۳۸۴/۱/۱

۲. سوره‌ی بروج، آیه‌ی ۸۵

۳. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۶

۴. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۱۰

است؛ همین‌جا توقّف کنیم. آفت دیگر این است که تصوّر کنیم چون تا این دوره و در این ملت به هدفهای نهایی نرسیدیم، پس چراغ امید را در دل خودمان خاموش کنیم؛ فکر کنیم دیگر دسترسی نخواهیم داشت. راهی که خداوند متعال و اسلام به ما می‌آموزد، این است: «فلذلک فادع و استقم كما أمرت و لا تتبع أهواءهم»؛ راهی را که شناختید، با دقت پیش بروید، قدمها را محکم و استوار بردارید و استقامت به خرج بدهید. اگر استقامت به خرج دادیم، آن وقت به اهداف عالی اسلامی خواهیم رسید.^۲

تدبیر و شجاعت در برابر دشمنیها

ملت و مسئولان کشور باید هوشیار باشند؛ محاسبه‌ی این دشمنیها را بکنند؛ در مقابله‌ی با این دشمنیها، با تدبیر و با شجاعت عمل کنند. هم تدبیر لازم است، هم شجاعت لازم است. اگر شجاعت وجود نداشته باشد، در مقابل ابهت و هیبت و چهره‌ی عبوس دولتهای مستکبر، کسی دل خود را ببازد، قطعاً شکست خورده است. دولتهای مستکبر یکی از کارهایشان همین تشر زدن است؛ چهره‌ی عبوس گرفتن است؛ حق را ناحق کردن است. در مقابل اینها اگر شجاعتی وجود نداشته باشد، مسئولان کشور اگر نتوانند در مقابله‌ی با این حرکت‌های نمایشی خصمانه و مستکبرانه روی پای خودشان بایستند، قطعاً کلاهشان پس معرکه است؛ هم خود شکست می‌خورند، هم ملت را به شکست میکشانند. بنابراین شجاعت لازم است.

تدبیر هم لازم است. تدبیر یعنی آگاهی از آنچه که در برنامه‌ی دشمن است، و تصمیم درست و بجا در مقابله‌ی با آن. دشمن به شکل‌های مختلفی ظاهر میشود. شما امروز ملاحظه کنید؛ در مقابل ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، صهیونیستها هستند، دولت آمریکا قرار دارد؛ گاهی لباس گرگ میپوشند، گاهی لباس روباه میپوشند؛ گاهی چهره‌ی خشن و خصمانه‌ی خودشان را نشان میدهند، گاهی چهره‌ی فریگیرانه

۱. سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۱۵

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم کنگاور ۱۳۹۰/۰۷/۲۷

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۳۱

نشان میدهند؛ باید متوجه بود.^۱

اگر دستگاه استکباری، با انگیزه‌ی شوم و خباثت‌آمیز و با تکیه به پول و ارتباطات سیاسی و قدرت پوشش رسانه‌ای خود توانست در داخل کشور پایگاهی درست کند و انسانهای فریب‌خورده و زبونی را علیه مصالح کشورشان به خدمت گیرد و اینها در جهت خواست دشمن، عملی انجام دهند، این جنایت از آن جنایت مالی به مراتب بالاتر است. چه کسی میخواهد در مقابل این بی‌عدالتی علیه ملت ایران بایستد؟ این کار، شجاعت و اقتدار و انگیزه لازم دارد. عزیزان! کار بزرگی بر عهده گرفته‌اید.^۲

شناخت ملت از حیلۀ دشمن

ملت ایران و مسئولان کشور با عبرتگیری از سرنوشت ملت‌هایی که در پنجه‌ی استکبار جهانی گرفتار شده‌اند، حیلۀ شیطان بزرگ را در اتهاماتی که به نظام مقتدر جمهوری اسلامی وارد می‌سازد بخوبی شناخته و هدف او را که سیطره بر ایران عزیز و تأمین منافع نامشروع خود از ثروتهای مادی و معنوی ملت مظلوم ماست، به‌درستی تشخیص داده‌اند.^۳

اجازه ندادن ملت نسبت به فتنه‌انگیزی دشمن

دشمنان زبون و حقیر اسلام و انقلاب گمان کرده‌اند، انقلاب و مردم مؤمن و انقلابی به آنان اجازه خواهند داد که با فتنه‌انگیزی خود، راه سلطه‌ی آمریکای جنایتکار را بر میهن عزیز ما هموار کنند. گروهکهای وابسته و معاند، طبق تحلیل اربابان و معلمان خود، گمان کرده‌اند مردم ایران از اسلام و انقلاب، دست برداشته‌اند، و به خیال باطل خود میخواهند از انقلاب اسلامی انتقام بگیرند؛ ولی غافل از اینکه ملت مؤمن

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

۲. بیانات در دیدار مسئولان قوه‌ی قضائیه، خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از قضات
۱۳۸۰/۴/۷

۳. پیام به مناسبت راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۳۸۰/۱۱/۲۳

و شجاع و هوشیار به آنان و اربابان و پشتیبانان آنان اجازه‌ی ادامه‌ی شرارت را نخواهند داد و نظام مقتدر اسلامی، آنان را به شدت منکوب خواهد کرد.^۱

رها نکردن منافع ملت در مقابل احم دشمنان

ملت ایران بایستی هوشیارانه تصمیم بگیرند، و ما ان شاء الله به توفیق الهی هوشیارانه تصمیم میگیریم. ما منافع ملت خود را در مقابل تشر و احم دشمنان، هرگز رها نخواهیم کرد. آنچه را که در راه پیشرفت این ملت لازم است، اقدام میکنیم و مطمئنیم و میدانیم که این ملت پیروز است.^۲

توطئه‌های دشمن و عزم راسخ ملت ما

باید تأکید کنم که خطر هست، ولی راه مصونیت از آن نیز هست. توجه به خطر نباید ملت‌ها را بترساند. بگذارید دشمنانتان از شما بترسند و بدانید که: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانْ ضَعِيفًا»^۳. خداوند درباره‌ی گروهی از مجاهدان صدر اسلام میفرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»^۴. خطرها را باید شناخت تا در مواجهه با آن حیرت و تردید پیش نیاید و چاره و علاج، شناخته شده باشد.

ما با این خطرها پس از پیروزی انقلاب اسلامی روبه‌رو شدیم و آنها را شناختیم و تجربه کردیم و به خواست خدا و رهبری امام خمینی و بصیرت و فداکاری مردمان، از بیشتر آنها به سلامت گذشتیم. البته توطئه‌ها از سوی دشمن و عزم راسخ از سوی ملت ما همچنان ادامه دارد.^۵

۱. پیام به ملت رشید ایران ۱۳۷۸/۴/۲۲

۲. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

۳. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶

۴. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۷۳

۵. بیانات در نخستین اجلاس بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۳۳

خسته شدن ملت خواست دشمن

راه عزت، راه کرامت، راه سربلندی در دنیا و کسب رضای الهی در آخرت، راه انقلاب و راه ایستادگی در مقابل دشمنان خداست. دشمن می‌خواهد ملت ایران را خسته کند؛ غافل از اینکه این ملت با این عظمت و با این همه خون ریخته شده در راه خدا، هرگز از ادامه‌ی راه خدا خسته نخواهد شد. دشمن می‌خواهد این سرمشق را از ملت‌های مسلمان بگیرد؛ می‌خواهد وانمود کند که این ملت خسته شده و در راه خود متزلزل گردیده است. شما همیشه نشان داده‌اید که دشمن دروغ گفته است؛ باز هم باید نشان بدهید؛ باز هم باید ادعای دروغ دشمن را تخطئه کنید؛ و این با حضور در صحنه‌های انقلاب است. البته یک قانون دیگر هست: اگر بخاطر حق، مبارزه انجام بگیرد، هیچ باطلی قادر نخواهد بود جلو بیاید. اگر مبارزه و مجاهدت بشود، خدای متعال کمک و هدایت میکند؛ اما اگر مجاهدت نشود، اگر بیکار بنشینیم، اگر هوشیاری به خرج ندهیم، اگر در سنگر بنحواسیم، آیا باز هم دشمن نمی‌آید سنگر ما را فتح کند؟ چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ ما باید تلاش کنیم، تا دشمن ناکام بشود. اگر ما تلاش نکردیم، دشمن کامیاب خواهد شد؛ و نستجیر بالله من ذلک. ما نباید بگذاریم در زمان ما و با مسئولیت ما و روی دوش ما، این چنین شود. به همین خاطر، تکلیف علما از این جهت هم بسیار مهم است.^۱

انسجام ملت در برابر نفوذ دشمن

باید نیروی ملت منسجم شود و با ایمان حرکت کند و به خدا تکیه دهد و از سختیها نترسد و پا عقب نکشد، تا هیچگاه دشمن به خود اجازه‌ی نفوذ ندهد. در گذشته افرادی بودند که سطحی فکر میکردند و ظاهربین بودند. هرچند نمیشود به آنها اتهام غرض‌ورزی زد، ولی نمیتوانستند باور کنند که توان مقابله با دشمن در ملت وجود دارد. اما آن

۱. بیانات در جمع روحانیون و طلاب حوزه‌ی علمیه و ائمه‌ی جمعه و جماعات استان بوشهر

کسی که راز حرکت تاریخ و سنتهای الهی را میدانست، ایستادگی میکرد و انسجام میبخشید و اراده را تقویت میکرد.^۱

حرکت ملت، فراتر از تحلیلهای دشمن

این ملت بحمدالله، روش و حرکت و پیشرفتش، هنوز بسیار فراتر از تحلیلهای دشمنان است. ما در تحلیلهای و اظهارنظرهایشان میبینیم که چقدر نسبت به فهم واقعیات این کشور، بر خطا و در غلط و اشتباه هستند. خوب؛ همان تحلیلهای و تصمیم‌گیریهایی خطا را به آنها املا میکنند و تصمیم‌گیری خطا هم، شکست را بر آنها تحمیل میکنند. لذا، پشت سر هم شکست میخورند؛ چون ملت، انقلاب و کشور ما را نمیشناسند. خدای متعال اراده کرده است که پرچمش در اهتزاز بماند و دینش عزت پیدا کند. چرا؟ چون مؤمنین به این دین کمر بسته‌اند.^۲

دشمنان نمیتوانند کاری بکنند. با یک ملت، چه کار میتوانند بکنند؟! علیه حکومتی که به مردم متصل نباشد و ریشه نداشته باشد، هزار کار میتوانند بکنند و میکنند. لذا، میبینید که دولتها و رژیمهایی که به مردم خودشان وصل نیستند و پشتوانه‌ی مردمی ندارند، راحت زیر بار آمریکا و دیگران میروند و از ترس، حرفهای آنها را قبول میکنند. اما با انبوه میلیونی یک ملت، آن هم ملت آگاه، مبارز، نترس، اهل خدا و متوکل به خدا و آزموده و آزمایش‌داده، چه کار میتوانند بکنند؟! این همانجایی است که امام بزرگوار در مقابله با دشمنیهای آمریکا، مکرر فرمود: «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.» هیچ غلطی نمیتواند بکند؛ چون طرف مقابلش یک ملت عظیم است.^۳

۱. بیانات در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو و ۱۳۶۸/۴/۸
 ۲. بیانات در دیدار «نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی» ۱۳۷۴/۳/۸
 ۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در «صحن امام خمینی» حرم حضرت علی‌بن موسی الرضا(ع) ۱۳۷۴/۱/۳

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۳۵

ما امروز، ملتی آگاه‌تر، هوشیارتر، کارآمدتر و مجرب‌تر داریم و میتوانیم پیش برویم. دشمن هم باید بداند که این ملت، آن روزی که اول کارش بود، استکبار را درست آزمایش نکرده بود، ممکن بود تهدید و ارباب و تطمیع دشمنان جسیم و علی‌الظاهر بزرگ خود را در دنیا جدی بگیرد و فریب بخورد، آن روز از تهدید و تحیب و تطمیع دشمنان، فریب نخورد. امروز که مجرب شده، راهی طولانی پشت سر گذاشته، آگاهیهای مضاعفی پیدا کرده، دوستان و دشمنان را در صحنه‌ی بین‌المللی، بیش از همیشه شناخته؛ به طریق اولی، گول تهدید و تطمیع دشمنان بزرگ را نخواهد خورد.^۱

حجم کثیر دشمنی دشمنان با ملت

حجم مقابله و دشمنی دشمنان با ما، بسیار بالاست؛ اما قدرت و توان مقابله و مبارزه‌ی ما- چه مبارزه‌ی تهاجمی ما با دشمن و چه مبارزه‌ی دفاعی ما- نیز بسیار بالاست. اگر ما به مبارزه‌ی با تهاجم دشمن تصمیم داشته باشیم- بر این معنا تصمیم بگیریم و به خدای متعال اتکال و از ظرفیت خودمان استفاده کنیم- توان دشمن بسیار کمتر از توان ماست. ما در بین مردم خودمان هستیم؛ ما با مردم خودمان مواجهیم، ما با زبان مردم خودمان حرف میزنیم؛ اما دشمن این امکانات را ندارد یا به قدر ما ندارد. لذا ما میتوانیم حتی روی افکار عمومی دنیا اثر بگذاریم.^۲

من میگویم ملت ایران نباید خودش را لخت بیندازد تا دشمن با مدرنترین شیوه‌ها، آنچه را که خودش میخواهد، از تفاله‌های دست دوم فرهنگش به جسم ملت ایران تزریق کند.^۳

۱. بیانات در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری در نخستین روز از سال نو و در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۶۹/۱/۱

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵

۳. بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلا‌ی رشت ۱۳۸۰/۲/۱۲

تبلیغات گسترده‌ی دشمن علیه ملت

تبلیغات دشمن، هر وقتی برای هر دسته از مخاطبان سعی میکند یکی از این مراکز را بمباران تبلیغاتی کند؛ برای اینکه رابطه و امید و اطمینان مردم را از آنها سلب کند. من عرض میکنم، همه‌ی این دستگاهها باید مورد اعتماد مردم باشند؛ ملت به آنها اعتماد کند؛ آنها امین مردمند. نمیگویم خطا نمیشود؛ ممکن است خطا بشود؛ اما هر خطایی راه جبرانی دارد. اگر پیوند میان مردم و دستگاههای قانونی گسسته شود، راه جبران ندارد. دشمن این را میخواهد.^۱

اتخاذ روشهای گوناگون توسط مردم برای مقابله با دشمن

ساده‌اندیشی و ساده‌لوحی است که کسی خیال کند ما در خارج از مرزهای خودمان- بلکه در داخل مرزها- هیچ دشمن و بدخواهی نداریم و کسی علیه ما کار نمیکند! مگر ما از همه‌ی ملتها و دولتها و همه‌ی جوامعی که در طول تاریخ بوده‌اند، مستثنی هستیم؟ آنها همه دشمن داشته‌اند، ما هم دشمن داریم. آنها در مقابل دشمن، روشهای گوناگونی را اتخاذ کردند که سرنوشتشان را رقم زده است. بعضی هوشیارانه و مدبرانه و حکیمانه و سرسختانه ایستادند و پیروز شدند؛ بعضی هم سست‌عنصری و زودباوری و سهل‌اندیشی و ساده‌لوحی به خرج دادند و شکست خوردند! ما باید درس بگیریم. خوشبختانه گذشته خود از همین درسها و تجربه‌ها پر است.^۲

سالها این ملت در سختیهای ناشی از سلطه‌ی بیگانه گذراند تا اینکه زمینه برای انقلاب اسلامی آماده شد. رهبری حکیم، پرقدرت، با اراده و عزم راسخ و نافذ در همه‌ی دلها، در میان مردم به‌وجود آمد و وارد میدان شد؛ ملت هم تجربه پیدا کرده بودند؛ لذا انقلاب اسلامی شکل گرفت و این دفعه ترفند دشمن بی‌اثر ماند؛ چون ملت و رهبران در انقلاب اسلامی تجربه پیدا کرده بودند. در دوره‌ی مشروطه، رهبران و مردم

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴

۲. پیام به ملت شریف ایران، به مناسبت حلول سال ۱۳۷۷/۱/۱

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۳۷

نمیدانستند کمین بیگانگان با آمادگیهای قبلی چقدر خطرناک است؛ لذا حصارهای خودشان را برچیدند و مهتای قبول حمله‌ی دشمن شدند؛ دشمن هم آمد و هر کار خواست، در این کشور کرد. این دفعه در انقلاب اسلامی، با استفاده‌ی از تجربه‌ی مشروطیت، هم ملت ما، هم رهبران روحانی ما و هم روشنفکران صادق ما فهمیدند که باید حصار معنوی- یعنی حصار ایمان، ارزشهای انقلابی و حصار بیداری- را در مقابل توطئه‌های دشمن محکم نگه دارند.^۱

ما باید تلاش کنیم که خودمان را به آن الگو نزدیک نماییم. باید تلاش کنیم که نظام اسلامی را هم به آن نمونه‌ی کامل نزدیک کنیم. این، وظیفه‌ی ماست. مادام که در راه این وظیفه حرکت کنید، هیچ یک از قدرتهای عالم نه آمریکا و نه غیرآمریکا قادر به این نخواهند بود که بتوانند بر شما فائق آیند و غالب شوند. ممکن است ضربه بزنند، اذیت کنند، موزیگری کنند اینها هست. از دشمن که توقع محبت و ملامت نیست. نمیشود داشت! اما، بر شما مسلط و غالب نخواهند شد و نمیتوانند شما را از حرکتتان به سمت کمال بازدارند. بر شما علو پیدا نخواهند کرد.^۲

انگیزه‌ی تمام‌نشدنی ملت در برابر دشمن

ملت ایران کاری کنند که انگیزه‌ی تمام‌نشدنی آنها برای دشمن مشخص شود؛ این، دشمن را مأیوس میکند. دشمن اگر احتمال بدهد که با جنجال‌آفرینی و با غوغا و تبلیغات توانسته انگیزه‌ی مردم را ضعیف کند، امیدش بیشتر میشود، تهاجمش شدیدتر میشود. باید دشمن احساس کند که انگیزه‌ی این ملت تمام‌نشدنی است، و این در دور دوم انتخابات خودش را باید نشان بدهد، و این ان‌شاءالله به توفیق الهی و به دست قدرت الهی و تأثیر پروردگار در دل‌های مردم بعون‌الله تعالی انجام خواهد گرفت؛ ملت ایران این بار هم اقبال نشان خواهد داد.^۳

۱. بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان ۱۳۸۳/۱۲/۲۴

۲. بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری، به مناسبت «عید غدیر» ۱۳۷۲/۳/۱۹

۳. بیانات در دیدار گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان ۱۳۸۷/۲/۴

حرکت خودجوش ملت در برابر جدیت دشمن

مردم وقتی احساس میکنند دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، می‌آیند توی میدان. این حرکت ایمانی است، این حرکت قلبی است؛ این چیزی است که انگیزه‌ی خدایی در آن وجود دارد؛ دست قدرت خداست، دست اراده‌ی الهی است؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دلها دست خداست. اراده‌ها مقهور اراده‌ی پروردگار است. وقتی حرکت خدایی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود، خدای متعال اینجور دفاع میکند.^۱

یأس دشمن به واسطه‌ی حضور همه‌جانبه و وسیع مردم

استقامت و استحکامتان را حفظ کنید. دشمنها خیال میکردند که در خلأ وجود حضرت امام(ره) خواهند توانست شیطنت و شرارت کنند. الحمدلله حضور مردم، آنها را مایوس کرد. نباید صرفاً به حضور مردم در شهرها که به مناسبت ایام عزاداری امام انجام میشود، اکتفا کرد. عامه‌ی مردم حضورشان همین است؛ ولی حضور شما در مراکز خدمت‌تان است. باید قوی و محکم، با سوداگران مرگ و بدخواهان و توطئه‌گران، در محدوده‌ی مسئولیت و قلمرو فعالیت کمیته‌ی انقلاب اسلامی، برخورد کنید. باید نشان دهید که امت امام و فرزندان، این نکته را از او یاد گرفته‌اند که همیشه خدا را شاهد و ناظر اعمال خود بدانند، و اگر امامشان در قید حیات نیست، خدای امامشان با آنهاست. مسئولیتها و مأموریتها را خیلی قوی و محکم و با قاطعیت کامل و با حضور وسیع و همه‌جانبه انجام دهید و دشمن را مایوس کنید. نوع دشمنیهایی که علیه نظام ما میشود، در تاریخ نظامهای انقلابی دنیا بی‌سابقه است. در کجا سراغ دارید که بلوک شرق و غرب متفقاً با همدیگر تصمیم بگیرند به دولتی کمک نکنند و به دشمن او کمک برسانند؟! معمولاً اینگونه است که اگر به کشوری توسط قدرتی فشار وارد شد، بلوک دیگر با کمکهای خود سعی میکند فشار وارد شده را خنثی کند. کشور ما در دوران

۱. بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۸/۱۱/۱۹

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۳۹

سختیهای خود، از هر دو بلوک تحت فشار بود. هشت سال جنگ تحمیلی، مصداق بارز اینگونه فشارهاست.^۱

روحیه‌ی دفاع مردمی؛ مانع تحقق نیات دشمن

ما میگوییم که دفاع از جامعه‌ی انقلابی، همیشه یک واجب اهم و ضروری است؛ چون تهدید علیه جامعه‌ی انقلابی، موضوعی تقریباً دائمی است. نمیگوییم جنگ دائمی است. تهدید وجود دارد؛ اما بسته به این است که ملت ما چگونه در مقابل تهدید، خود را نشان بدهد و آمادگی خود را در چه حدی حفظ کند. اگر ملت انقلابی، همیشه آمادگی خود را حفظ کرد، یعنی جوانها عضویت در بسیج و کار در میدان تمرین و آموزش را همیشه برای خودشان نگه داشتند و اگر مردم، روحیه‌ی دفاع را برای خودشان حفظ کردند و اگر چهره و قیافه‌ی جامعه طوری بود که هرکس به آن نگاه کرد، احساس کند ملت آماده و مستعد دفاع از کشور است، در این صورت تهدیدها عملی نخواهد شد و نیت دشمن به تحقق نخواهد پیوست.^۲

اینکه شما مشاهده کردید و افراد مسن خودشان دیدند و افراد جوان خبرش را شنیدند که در صد و پنجاه سال اخیر، استعمار روی فرهنگ کشور و جوانان و آموزش و پرورش ما اعمال نفوذ کرد و مردم را به بیکارگی و فساد و تباهی و اختلاف سوق داد، بدین علت بود که میخواستند ملت ما از منافع و شخصیت و مصلحت و آینده‌ی خود نتواند دفاع کند. اگر دشمن به این نتیجه رسید که جامعه دیگر نمیتواند از خودش دفاع کند، بدانید که تهدید جدی است و نیت دشمن عملی خواهد شد و ضربه‌اش را وارد خواهد کرد.^۳

۱. بیانات در مراسم بیعت فرماندهان و پرسنل منتخب نیروهای سه‌گانه و وزارت دفاع

۱۳۶۸/۳/۱۸

۲. بیانات در دیدار با جمعی از بسیجیان و روحانیون تهران، مدرسان و طلب‌اهل سنت استان

خراسان و گروهی از اعضای حزب‌الله لبنان ۱۳۶۸/۷/۵

۳. همان

افزایش آمادگی ملت

بعضی ممکن است هیچ تهدیدی را متوجه نظام ندانند، بگویند نه، هیچ تهدیدی متوجه نظام نیست. بعضی ممکن است تهدید را قبول کنند، اما آن را متوجه به بخشی از نظام بدانند، نه به همه‌ی نظام و خود را خارج از آن بخش مورد تهدید بپندارند. بعضی نیز ممکن است تهدید را جدی بدانند، اما راه حل آن را تسلیم و پوزش‌خواهی گمان کنند. همه‌ی این راه‌ها غلط است. تهدید هست، متوجه به همه‌ی نظام هم هست. هیچکس خیال نکند که متجاوز مستکبر سرکش به چیزی کمتر از سلطه‌ی کامل قانع خواهد شد و به کسی ابقا خواهد کرد. البته از تاکتیکهای شناخته‌شده و معروف و کهنه‌شده‌ی دنیا این است که سعی کنند در بین یک گروه دشمن، عده‌ای را علی‌العجاله از دایره دشمنی، خارج وانمود کنند تا بتوانند آن بخش دیگر را از بین ببرند، بعد هم به سراغ اینها بیایند. تهدید هست؛ تهدید، عمومی است. راه حل آن هم حفظ و افزایش عناصر قدرت در درون نظام است.

ما عناصر قدرت فراوانی داریم. اینها را باید حفظ کنیم و روزبه‌روز افزایش دهیم. ما ضعیف نیستیم، باید در مقابل تهدید آمادگی داشته باشیم. اگر نداریم، باید آمادگی ایجاد کنیم و اگر داریم، حفظ کنیم و افزایش دهیم. در مقابل اعلان جنگ، اعلان دفاع همه‌جانبه. روی «همه‌جانبه» تکیه و تأکید می‌کنم. و در مقابل اقدام به جنگ، اقدام به دفاع و ضربه متقابل.^۱

این آمادگی، که می‌گویید «آماده‌ایم» خیلی باارزش است. اما بدانید که این آمادگی، سخت‌تر از آمادگی در جبهه است. این، آمادگی خیلی مشکلی است. آن آمادگیها، در صورتی میسر خواهد شد که انسان اینجا آمادگی پیدا کند. آنجا کسانی توانستند محکم بایستند که دل‌هایشان را از این محبت‌ها خالی کرده بودند. خود شما، مراجعه‌ای به آن تاریخ و خاطره‌های خودتان بکنید! به یاد بیاورید که چطور به فکر هیچ چیز در

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۴۱

این دنیا نبودید! به فکر مال، ثروت، خانه، زندگی، پدر و مادر، عیال و فرزند نبودید! اگر کسی به شما میگفت که میخواهیم یک خانه خیلی خوب، در فلان جای شهر به شما بدهیم، اصلاً به ریشش میخندیدید که «خانه چیست؟!» اینطور پاک بودید که توانستید آن کارهای بزرگ را انجام دهید. کسانی که آنجا، در مقابل هوسهای مادی، پاها و زانوانشان میلرزید، نمیتوانستند مقاومت کنند. برگردید به قرآن کریم و داستان جالوت را بخوانید! «و قتل داوود جالوت». این داستان را با دقت و تأمل بخوانید تا ببینید که نقش مقاومت و استقامت در میدانهای سخت، چه نقش ارزنده و مهمی است.^۱

تنها چیزی که میتواند کشور ایران و نظام اسلامی را حفظ کند، استحکام داخلی و عزم جزم بر دفاع مشروع و منطقی است. در بیست و پنج سال گذشته هم همین کار بدون تکیه بر دیگران صورت گرفته است. بعضی خیال میکنند اگر ما بخواهیم به آمریکا «نه» بگوییم، باید به اروپا تکیه کنیم. مگر ما وقتی در دوره جنگ، با آمریکا مقابل بودیم، به شوروی- که با آمریکا دشمن و مخالف هم بود- تکیه کردیم؟ دشمنی شوروی سابق در دوره جنگ، کمتر از آمریکا در صحنه عمل نبود. اگر من و شما به شرایط استحکام داخلی عمل کنیم- ملت که عمل میکند- دشمن نمیتواند ضربه بزند.^۲

ملتی که نمیتواند از خودش دفاع کند، دشمن را نسبت به خود جری و گستاخ خواهد کرد. ما باید بتوانیم از خودمان دفاع کنیم تا دشمن احساس کند که به این ملت نمیشود زور گفت و بر آن چیزی را تحمیل کرد. ملت ما از ملتهای بی‌ریشه‌ی بی‌تاریخ فاقد افتخارات نیست که بتوانند هر چه میخواهند به آن بگویند. این ملت ریشه‌ای عمیق و کهن

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، به مناسبت «روز

پاسدار» ۱۳۷۳/۱۰/۱۵

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

دارد و از درخشانترین تاریخها و بزرگترین فرهنگها برخوردار است. از همه‌ی اینها بالاتر، ایمان دارد و متکی و معتقد به خداست.^۱

استقلال ملت، عدم اجازه‌ی دخالت به دشمنان

وقتی شما به اطراف عالم نگاه میکنید، از هر طرف، فریاد خصمانه‌ی یک جمع و مرکز و گروهی، از روز اول تا امروز، علیه انقلاب وجود داشته، هنوز هم هست و بعد از این هم خواهد بود؛ تعجبی هم ندارد. طبیعت این حرکت، که ملت ایران را مستقل می‌خواهد، دخالت بیگانگان را اجازه نمی‌دهد، دستهای دخالتگر را قطع میکند، در سیاستها مستقل می‌اندیشد، کمپانیها را- که همه چیز دنیا، در دست آنهاست- ندیده می‌گیرد و شبکه‌ی سرطانی جهنمی صهیونیسم را دشمن میدارد، بدیهی است که علیه‌اش دشمنی زیاد است. اینها مایلند، در ایران و در هر کشور دیگری، رژیمهایی بر سر کار باشند که از مردم منقطع باشند، به آن قدرتها متصل باشند، منافع مردم را زیر پا لگد کنند، منافع کمپانیهای جهانخواران را تأمین کنند، بر طبق تشخیص مردم و به خیر و صلاح آنها حرکت نکنند و طبق اشاره‌ی انگشت استکبار حرکت کنند. رژیمهای مرتجع‌ی که شما میبینید، اینگونه‌اند و چقدر هم برای این زمامداران آمریکا، محبوب و مطلوبند. اما نظام مقدس اسلامی، نظامی است که همه‌ی مردم در آن بیدار و هوشیارند؛ با اراده تصمیم میگیرند، در صحنه‌ی مسائل زندگی حضور دارند، مسئولان کشور- دولت، دستگاه قضایی، قوه‌ی مقننه- آزاد و اسلامی فکر میکنند، برای خدا حرکت میکنند، به تهدید دشمن اعتنا نمیکنند و از تطمیع کسی به طمع نمی‌افتند. چنین نظامی، برای آنها مطلوب نیست. ما حق کسی را نگرفتیم، ما کسی را تهدید نکردیم. علی‌رغم خباثتها و وسوسه‌های دشمنان در خلیج فارس نسبت به همسایگان هم، هیچ وقت برای هیچ همسایه‌ای تهدید نبوده‌ایم. همسایه‌ها، علیه ما تهدید درست کرده‌اند؛ اما ملت ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی، علیه هیچ دولت و ملت و کشوری، تهدید نبوده است.

۱. بیانات در «مانور بزرگ ولایت» ۱۳۷۵/۳/۳

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۴۳

ما همیشه کمک کرده‌ایم. ملت و نظام جمهوری اسلامی، این است: ملتی در موضع حق، طرفدار حق، دشمن با باطل، دشمن با ظلم و ستم و زورگویی؛ ملت و دولتی که اهل زورگویی و تجاوز و تعرض نیست و فقط با متعرضانی که می‌خواهند به حقوقش تجاوز و تعرض کنند، مبارزه و مقابله میکند و محکم می‌ایستد و تسلیم زورگوهای دنیا نمیشود. جرم ملت ایران، فقط این است.^۱

تهدیدات دشمن نشان از قدرتمندی ملت ایران

شما ملت عزیز ایران بدانید- و میدانید- که قدرتمند هستید. همین که دشمن میخواهد شما را از هویت دینی و ملی خودتان خالی کند و نتوانسته، دلیل بر قدرت شماست. همین که دشمن دست به تهدید میزند، نشانه‌ی قدرتمندی ملت ایران است. این قدرتمندی را روزبه‌روز زیاد کنید و نشان دهید که در صحنه حضور دارید. هر ملتی که از صحنه بیرون رفت و فضای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور را رها کرد، سوءاستفاده‌کنها و بیگانه‌ها فوری به آن فضا می‌آیند و مالک و صاحب آن میشوند. کشورتان را نگه دارید. کشور برای شماست؛ ایران برای شماست و برای هیچکس دیگر نیست. خودتان این کشور و این نظام را با ایمان، عزم، وحدت و قدرتی که خدا به شما داده است، نگه دارید.^۲

نیرومند و مقاوم در برابر فشارهای دشمن

فشارهای دشمن و شرایط سخت، ما را ضعیف نکرده. سختیها و تنگنایی که در این سی سال وجود داشته، ما را تضعیف نکرده؛ بلکه ما را نیرومند و مقاوم هم کرده. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لا و إنَّ الشَّجَرَةَ البرِّيَّةَ أَصْلَبُ عوداً و الرِّوَاتِعُ الخَضْرَاءُ أَرْقُ جلوداً و النَّابِتاتُ العَذِيَّةُ أَقْوَى و قوداً»^۳؛ هم محکمتر است، هم وقتی که آن را آتش زدی، آتشش

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم ۱۳۸۲/۱۰/۱۸

۳. نهج‌البلاغه، نامه ۴۵

ماندگارتر است. خاصیت شرایط سخت این است. شرایط سخت، شرایط پرچالش، ملت‌ها را مقاوم می‌کند؛ رؤسا و مدیران و مسئولان و رهبران کشورها را مقاوم می‌کند؛ مثل یک ورزش، آنها را تقویت می‌کند، نیروی آنها را مضاعف می‌کند، همت آنها را مضاعف می‌کند، می‌روند دنبال کارهای بزرگتر. و این بحمدالله اتفاق افتاده است.^۱

ایستادگی اسلامی و هضم نشدن در مقابل دشمن

استقلال اسلامی، ایستادگی اسلامی، هضم نشدن در مقابل دشمن، نترسیدن از دشمن، قدرت پوشالی دشمن را به حساب نیاوردن، عظمت آتکای به نفس و توکل به خدا را در همه‌ی امور زندگی فهمیدن و تشخیص دادن است. ملت ایران، در همه‌ی قضایای این را نشان داده است؛ بعد از این هم باید نشان دهد. ملت ایران نشان داده است که به هیچ وجه حاضر نیست در مقابل پروویها و افزون‌طلبیها و طلب‌کاریهای دشمن، یک قدم عقب‌نشینی کند و مبانی اسلامی را بخاطر دیدگاههای دشمن و راضی کردن او، رها سازد و کنار بگذارد. این، خوب رویه‌ای است. در همین قضایای مهم جاری روز، در زمینه‌ی مسائل سیاست خارجی، در زمینه‌ی مسائل انتخابات ریاست جمهوری، بحمدالله ملت ایران مواضع خوبی نشان داده است و نشان خواهد داد. در همه‌ی این قضایای سیاسی یا فرهنگی، دشمن میکوشد برای خود جای پا باز کند و وارد معنای ذهنی فرهنگی ملت ایران شود. ملت ایران هم محکم ایستاده است و باید بایستد. حتی دیده شده است که دشمنان نسبت به کاندیداهای ریاست جمهوری اظهارنظر میکنند، حرف می‌زنند، تحلیل میکنند. می‌گویند این فرد به غرب نزدیکتر است، این فرد از اسلام بیشتر دفاع می‌کند، آن شخص کمتر دفاع می‌کند! یعنی دشمنان میخواهند در همه‌ی امور دخالت کنند. ملت ایران در همه‌ی این میدانها، بر اصول اسلامی پای خواهد فشرد. این را همه‌ی دنیا باید بدانند. از جمله‌ی این اصول، ایستادگی در مقابل استکبار و روحیه‌ی استکباری دولتهایی است که میخواهند در

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۴۵

مسائل داخلی کشور ما جای پای باز کنند و دخالت نمایند؛ ولی ملت ما با دقت نگاه خواهد کرد و باید دقت کند. اگر کسی از نامزدهای ریاست جمهوری، کمترین نشانه‌ی نرمشی در مقابل آمریکا، در مقابل دخالت‌های دولتهای غربی، در مقابل تجاوزهای فرهنگی و سیاسی بیگانگان نشان دهد، همه‌ی دنیا باید بدانند که ملت ما به چنین کسی قطعاً رأی نخواهد داد. مردم به کسی رأی میدهند که بدانند در مقابل آمریکا و افزون‌طلبیهای دولتهای متجاوز و پرتوقع و خودکامه و کسانی که میخواهند اراده‌ی خود را بر ملت ایران تحمیل کنند، خواهد ایستاد و نیز در مقابل تهاجم فرهنگ بیگانه ایستادگی خواهد کرد. مردم به کسی که بیشتر این مواضع را از او ملاحظه کنند، بیشتر گرایش پیدا میکنند. البته ما متن مردم را میگوییم. ممکن است در گوشه‌ای، چهار نفر آدم هم باشند که دارای سلیق مخصوصی باشند و عکس متن مردم فکر کنند. ما به آنها کاری نداریم. متن ملت ایران، این است. مواضع ملت ایران، همان مواضعی است که بخاطر آن انقلاب کرده، هجده سال مقاومت کرده و هشت سال جنگ تحمیلی را اداره کرده است. این را باید همه‌ی مردم دنیا بدانند و خواهند دانست. من از تفضلات الهی و توجهات خاص حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه) و ادعیه‌ی زاکیه‌ی روح مطهر امام بزرگوار اطمینان دارم که پروردگار کمک خواهد کرد و در این تجربه هم مردم ان‌شاءالله آنچه را که به صلاح دین و دنیای آنهاست، همان را پیش خواهند برد و ان‌شاءالله ملت ایران به لطف پروردگار، شاهد دوران دیگری از پیشرفت و ترقی خواهد بود.^۱

عقلانیت؛ مایه‌ی ایستادگی ملت در برابر دشمن

عقلانیت و محاسبه که میگوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقلگرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحوّل بی‌مناک است؛ هرگونه تغییر و

۱. بیانات در دیدار با خانواده‌های سرداران شهید استان تهران ۱۳۷۶/۲/۱۷

تحوّلی را بر نمی‌تابد و از تحوّل و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت اینطور نیست؛ محاسبه‌ی عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. اینطور نبود که مردم همینطور بی‌حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آنچنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. در طول سالهای متمادی- به تعبیر رایج امروز- یک گفتمان حق‌طلبی، عدالتخواهی و آزادیخواهی در بین مردم به وجود آمده بود و منتهی شد به اینکه نیروهای مردم را استخدام کند و به میدان جهاد عظیم بیاورد و در مقابل آن دشمن صف‌آرایی کند و بر آن دشمن پیروز کند. بنابراین عقلانیت گاهی منشأ چنین تحولات عظیمی است. الآن هم همینطور است. الآن در نظام ما برخی از تحولات هست که منتهی یک نگاه عقلانی و دقیق و موشکافانه‌ی به وضع موجود و وضع دنیاست. من در زمینه‌ی مسائل گوناگون این را دارم مشاهده می‌کنم. حالت خواب‌رفتگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومی سیاسی و اقتصادی دنیا دارد میگذرد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعه‌ی ماست و اگر کسی درست بفهمد و بیندیشد، میفهمد که باید با یک تحرک و تحوّل، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی. بنابراین عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه‌ی عقلانی را با محاسبه‌ی محافظه‌کارانه به‌هیچ‌وجه مخلوط نکنید؛ اینها دو چیز است.^۱

ایستادگی علمی ملت ایران در برابر جبهه‌بندی دشمنان

یکی از ارکان و ستونهای اصلی ایستادگی کنونی ملت ایران عبارت است از پیشرفتهای علمی کشور؛ که به دنبال این پیشرفتهای علمی، پیشرفتهای عملی و اجرایی هم در موارد بسیاری بوده. ایستادگی ملت ایران، در دنیا یک حادثه‌ی باشکوه است. ما توی قضیه قرار داریم. آن کسانی که از بیرون نگاه میکنند، عظمت این ایستادگی را بیشتر احساس

۱. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

میکنند.

شما ملاحظه کنید؛ قدرتهای اقتصادی اوّل دنیا، قدرتهای علمی درجه‌ی یک دنیا، قدرتهای نظامی و امنیتی ردیف اوّل دنیا، امروز یک جبهه‌ی وسیعی را در مقابل این ملّت تشکیل دادند. اینجور نیست؟ هر کاری هم از دستشان برمی‌آید، دارند می‌کنند. تهدید امنیتی می‌کنند، تهدید اجتماعی می‌کنند، تهدید سیاسی می‌کنند، دانشمند ما را ترور می‌کنند، تحریم می‌کنند، فشارهای سیاسی فراوان وارد می‌کنند، دائم تهدید به تحرک نظامی می‌کنند، در داخل تا هر جا دستشان برسد، فتنه‌انگیزی و آشوب‌آفرینی می‌کنند؛ امّا ملّت ایران و جمهوری اسلامی با کمال قدرت و استقامت در مقابل همه‌ی اینها ایستاده؛ آن «بله»ای را که به‌زور می‌خواهند از او بگیرند، آن «بله» را نمیدهد. آن «بله» عبارت است از تعظیم در مقابل قدرت مسلط جهانی- نظام سلطه- این کار را نمی‌کند. ما که در مقابل نظام سلطه‌ی جهانی «نه» می‌گوییم، این نه، «نه»ی به علم نیست، «نه»ی به تمدن نیست، «نه»ی به پیشرفت نیست، «نه»ی به تجربه‌های متراکم بشری نیست؛ «نه» به سلطه‌طلبی و زیاده‌خواهی و استعباد و به زیر مهمیز کشیدن ملّتهاست؛ این «نه» را ما گفتیم، پایش هم ایستادیم؛ «انّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا». ایستادگی ملّت ایران، خیلی ایستادگی باشکوهی است.

یک رکن مهم این ایستادگی، علم است. این علم است که به ما اعتماد به نفس داده. اگر امروز نفت ما را شرکتهای خارجی باید می‌آمدند استخراج و پالایش می‌کردند، گاز ما را باید آنها لوله‌کشی می‌کردند، اگر نظام سلامت ما وابسته‌ی به متخصصین خارجی و عمدتاً فرنگی بود، اگر تغذیه‌ی ما دست آنها بود، اگر کشت و صنعت ما دست اسرائیلیها بود، اگر صنعت هسته‌ای ما در صورتی که بنا نبود در آرزوی آن بمیریم و یک چیزی وجود میداشت، در اختیار فرانسه و آلمان و دیگران بود، ما امروز این اعتماد به نفس را نداشتیم، قدرت این ایستادگی نبود، این عزّت و این شرف وجود نمیداشت. اگر ما برای ساختن یک سد، برای ساختن یک نیروگاه، برای ساختن یک بزرگراه، برای ساختن یک تونل،

برای ساختن سیلوه‌های گندم، دستمان به سمت صنعتگران و دانشمندان شرق و غرب دنیا دراز بود، ملت ما احساس عزت نمی‌کرد؛ مسئولین کشور هم آبروی اظهار وجود در قبال استکبار جهانی را نداشتند؛ نه چنین اعتماد به نفسی وجود داشت، نه چنین قوت اراده‌ای وجود داشت، نه چنین عزمی وجود داشت. کی برای ما جاده ساخت و تونل ساخت و نیروگاه ساخت و سد و پل و بزرگراه و سلولهای بنیادی و انرژی هسته‌ای را درست کرد؟ دانشگاه. این دانشگاه بود که به ملت ایران کمک کرد تا بتواند عزت نفس خودش را حفظ کند، آبروی خودش را حفظ کند و در مقابل زیاده‌خواهی دشمنان سینه سپر کند. مسئولین کشور هم از این جهت مدیون دانشگاهند.^۱

نشان دادن عکس‌العمل ملت در برابر سران استکبار

ما اخطار می‌کنیم؛ ملت ایران به سران بعضی از کشورها که سعی می‌کنند از یک مسأله‌ی داخلی کشورمان علیه ملت ایران استفاده کنند، اخطار می‌کند: حواستان جمع باشد، ملت ایران عکس‌العمل نشان می‌دهد. اولاً این را همه بدانند، سران کشورهای استکباری بدانند، مداخله‌گران فضول در مسائل جمهوری اسلامی بدانند: ملت ایران بین خودشان اگر اختلاف هم داشته باشند، وقتی پای شما دشمنان ملت ایران به میان بیاید، همه با هم متحد میشوند؛ یک دست واحد، یک مشت محکم علیه شما میشوند.

اینجور نیست که شما خیال کنید وقتی از یک جریانی به خیال خودتان دفاع کردید، حمایت کردید، این جریان به شما متمایل خواهد شد؛ ابداً. ما سی سال تجربه داریم؛ سی سال این ملت در حافظه‌ی خود دشمنیهای شما را ثبت کرده است؛ ضبط کرده است. ملت می‌فهمد شما چه کار می‌خواهید بکنید، چه کار دارید می‌کنید. اسم بعضیها را می‌آورند بعنوان اینکه ما مدافع آنها هستیم؛ دروغ می‌گویند؛ مدافع آنها هم نیستند؛ قصدشان ایجاد اختلاف است، قصدشان ایجاد بدبینی ملت ایران و

۱. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها ۱۳۹۰/۰۶/۰۲

نخبگان ایران نسبت به یکدیگر است؛ دروغ میگویند. آنچه در دل‌های پرکینه‌ی آنها وجود دارد، این است که آرزو میکنند این نظام مستقل، این مجد و عزت سر برافراشته‌ی از این کشور که در مقابل زورگوییهای آنها ایستاده، نباشد. آرزوی آنها این است. اینجور نیست که در نظام جمهوری اسلامی با زیدی خوب باشند، با عمروی بد باشند؛ نه. هر کسی که به این نظام پایبند است، هر کسی که به این قانون اساسی پایبند است، هر کسی که به آرمانهای ملت ایران پایبند است، از نظر آنها دشمن است. آنها میخواهند جمهوری اسلامی نباشد، یک نظام دست‌نشانده‌ی مطیع متقاد در مقابل آنها، مجدداً مثل دوران گذشته، در این کشور پا بگیرد. آنها دنبال این‌اند. این خواب آشفته‌ی باطل آنهاست. سی سال تجربه‌ی ایستادگی نظام جمهوری اسلامی هنوز بیدارشان نکرده است. تودهنیهایی که این ملت به سران زورگو و متجاوز آنها زده‌اند، اینها را به خود نیاورده است، به‌هوش نیاورده است؛ هنوز در کشور ما و در ملت ما، اینها طمع دارند. اشتباه میکنند؛ اشتباه میکنند. چوب این اشتباه خودشان را هم خواهند خورد بلاشک.

ما این اظهارات خصمانه را، این رفتارهای خصمانه را از این دولت‌ها محاسبه خواهیم کرد، اینها را در حسابشان خواهیم نوشت؛ این را بدانند. در آینده‌ی روابط و تعامل جمهوری اسلامی با این مداخله‌گرها، این رفتار تأثیر منفی خواهد داشت؛ بلاشک؛ این را بدانند، بفهمند. ملت ایران ملتی نیست که زور را تحمل نکند. ملت ایران، ملت مقتدری است. نظام جمهوری اسلامی، نظام ریشه‌دار و تثبیت شده است. مسئولین جمهوری اسلامی اگر صد تا هم با هم اختلاف داشته باشند، در ایستادگی در مقابل دشمن، در حفظ استقلال این کشور، همه با هم یک کلام و یک دست‌اند. این را دشمنان بدانند؛ خیال نکنند که میتوانند بین ملت انشقاق بیندازند.^۱

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین(ع) ۱۳۸۸/۴/۱۵

ضروری بودن حضور فداییان انقلاب در برابر دشمن

تذکر مشفقانه‌ی اینجانب به شما عزیزان- که میدانم شما خود با همه‌ی دل آگاه، آن را در می‌یابید- آن است که تا حرکت در خط اسلام ناب محمدی ﷺ هست، دشمن کمین گرفته و دست‌کین گشاده نیز هست، و توطئه و خیانت و مفسده‌انگیزی نسبت به نظام مقدّس اسلامی نیز هست. و تا این تهدیدها هست، حضور فداییان انقلاب و فرزندان صمیمی و بازوان قدرتمند آن نیز ضرورتی حیاتی است. شما با این بینش و دریافت است که باید سپاه را سازماندهی و فرماندهی کنید و آن را منضبط و آموزش‌دیده و روشن‌بین و کارآمد سازید.^۱

هر کدام از این حرکتها و ابراز احساسات، ضربه‌ای بر دشمن وارد میکند؛ دشمنانی که ملت بزرگ ما را در حال سرگشتگی و حیرت و تفرّق و جدایی می‌پسندیدند و میخواستند جمهوری اسلامی، ضعیف و ناتوان باشد. خدا را سپاس می‌گوییم که همیشه آنها را مأیوس، و جمهوری اسلامی را روزبه‌روز قویتر و باثبات‌تر کرده است.^۲

خوب کار کردن در برابر مسلط نشدن دشمن

ببینید دشمن چه طوری است. ببینید دشمن چقدر بی‌انصاف و بی‌رحم و وقیح است. اگر بخواهید دشمن بر شما مسلط نشود، باید خوب کار کنید. همه باید خوب کار کنند، همه باید کار را برای خدا و دقیق انجام دهند، تا ان‌شاءالله این کشور اسلامی و این ایران سرافراز و سربلند، بتواند در مقابل دشمن بایستد و به همه بفهماند که به برکت اسلام- که «الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه» هیچکس نمیتواند نسبت به این

۱. پیام به چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۷۰/۶/۲۵

۲. بیانات در مراسم بیعت نیروهای بسیج پایگاههای شهریار، دانشجویان مدرسه‌ی عالی تربیتی و قضایی قم و خانواده‌های شهدای از نای لرستان ۱۳۶۸/۴/۱

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۵۱

ملت، استعلا و استکباری داشته باشد.^۱

کسانی که به عزت مردم ایران و استقلال کشور و شرف و کرامتی که این ملت برای آن ارزش قائل است، اهمیت نمیدهند، آن روز و امروز و در طول سالها، همیشه با توصیه‌های ناجوانمردانه و بزدلانه‌ی خود سعی کرده‌اند ملت ایران را ذلیل و ضعیف کنند؛ همیشه هم تکیه‌شان به این است که ما نمیتوانیم! در دل خودشان ضعف موج میزند؛ اما این را به ملت ایران نسبت میدهند. در دل خودشان فروغ ایمان نیست؛ این را به مردم مؤمن نسبت میدهند. این جفای به مردم مؤمن است. ملت ما ثابت کرده آنجایی که پای شرف، کرامت و دفاع از ارزشهای کشور و ارزشهای والای اسلامی در میان است، از همه‌ی توان خود استفاده و دشمن را مغلوب میکند.^۲

وظیفه‌ی ما نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان

وظیفه‌ی ما چیست؟ وظیفه‌ی ما این است که درست نقطه‌ی مقابل خواست آنها عمل کنیم. مسئولان دولتی باید یک لحظه از کار برای مردم و تلاش پیگیر برای آبادسازی مملکت و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی کشور غفلت نکنند. من همیشه هشدار داده‌ام که منازعات سیاسی نمیگذارد مسئولان کار کنند. آن مسئولی که سرگرم «آری» یا «نه»‌های حزبی و گروهی و جناحی و سیاسی است، فرصت ندارد وقت خود را صرف امور مردم کند. البته ما پیشرفتهای فراوانی داشته‌ایم. من مخالفم که کسی پیشرفت دولتهای متوالی جمهوری اسلامی را از اوّل انقلاب تا امروز ندیده بگیرد و تحقیر کند. خود کوچک‌بینی، درست مثل خود بزرگ‌بینی، یک بیماری ملی است. همواره دشمنان سعی کرده‌اند تا ما خود را تحقیر کنیم؛ پیشرفتهای خود را ندیده بگیریم و کارهایی را که شده است، با چشم کم نگاه کنیم، یا اصلاً به حساب نیاوریم. این کشور بعد از انقلاب

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از کارگران و معلمان در آستانه‌ی روز کارگر و روز معلم

۱۳۷۶/۲/۱۰

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر ۱۳۸۱/۳/۱

در همه شئون عمرانی و آبادانی و فرهنگی، آنچه‌ان به جلو حرکت کرده است که اگر به سالهای متمادی عمر آن رژیمهای ظالم و سلطه‌گر نگاه کنید، بخشی از آنچه را که در این بیست سال اتفاق افتاده است، نمی‌بینید. بنابراین نباید اینها را ندیده گرفت.

نگاه مسئولان دولتی در رژیم پهلوی و قبلش در رژیم قاجار به کشور، نگاه یک مالک به ملک خود بود؛ یعنی هر مقدار برای جیبشان فایده می‌داشت، برای آن تلاش می‌کردند. مالکی را فرض کنید که هزاران هکتار زمین دارد؛ یک جا حاصل بیشتری دارد، زحمت کمتری دارد، لذا اعتبار بیشتری برای او می‌آورد و در آنجا سرمایه‌گذاری می‌کند؛ یک جا اینطور نیست، نه جلو چشم است و نه برای او محصول چندان دارد، لذا در آنجا سرمایه‌گذاری نمی‌کند. در کشور ما مسأله این بود: هر جا جلو چشم دشمن بود، هر جا مربوط به اشخاص خودشان بود، هر جا مربوط به منافع درباریان و وابستگان بود، هر جا مربوط به شرکتهای متعلق به مراکز اقتصادی دنیا بود، هر جا مربوط به صهیونیستها بود، آباد بود، از امکانات دولتی برخوردار بود، از تلاش برخوردار بود، از بودجه کشور برخوردار بود؛ اما هر جا اینگونه نبود، اصلاً به چشم نمی‌آمد؛ نه جاده، نه سد، نه کارهای زیربنایی دیگر، نه دانشگاه، نه دانشجو، نه علم، نه فرهنگ، نه صنعت، نه هنر و نه هیچ چیز دیگری به آنها معطوف نمیشد.^۱

عدم آشنایی دشمن به تأثیر تفکرات معنوی مردم

نباید خیال کرد که این مبارزه سازمان‌یافته برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، مربوط به این اواخر است؛ نه، از روز اول بروز این فکر- یعنی از همان لحظه‌ای که فهمیدند این نظام به اسلام متمسک است- این مبارزه به صورت فعال شروع شد. منتها مشکل دشمنان ما همیشه این بوده و امروز هم تا حدود زیادی این مشکل را دارند که با مسائل ملت ایران آشنا نیستند و مردم را نمی‌شناسند. نمیتوانند چگونگی تأثیر و تأثر تفکرات معنوی و اسلامی را در مردم، درست کشف کنند. نمیتوانند عنصر روحانیت، جایگاه و تأثیر آن و چگونگی این تأثیر را

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۸/۲۰

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۵۳

درست بفهمند. بنابراین بیگانگی آنها از این حقایق، برای آنها مشکل ساز بوده و تا امروز هم هست.

در این چند سال، همه کارهایی را که میتوانستند بکنند، کردند؛ کارهایی که برای آنها کم‌هزینه باشد و هزینه‌های سنگین را بر آنها تحمیل نکند و مقاصدشان را برآورده کند. واقعاً انسان وقتی نگاه میکند، میبیند اینها هر کاری میتوانند، کردند؛ از ترتیب دادن کودتا، از تحریک کردن عناصری در داخل، از راه انداختن جریان‌های علیه نظام، از مطرح کردن شعار، از دادن پول، از پشتیبانی فکری و نرم‌افزاری؛ حمله نظامی هم کردند و از مهاجم نظامی هم سالها حمایت کردند.

آنچه در این اواخر پیش آمده است و اینها به حالت تهدید زبانی و تهدید به جنگ بازگشته‌اند، از یک جهت مایه مزده است. پیداست که فعالیت‌های سیاسی و امنیتی و تبلیغاتی آنها، مقصود مورد نظرشان را تأمین نکرده است؛ و الا اگر اینها با کار سیاسی و تبلیغاتی و پوشش‌های گوناگون خبری و این همه کارهایی که در آنها استاد و مجرب هم هستند، توانسته بودند به مقصود خود دست پیدا کنند، مسلماً به سمت کارهای پرهزینه نمی‌آمدند؛ چون برای هر دولتی در دنیا، برخورد نظامی، کار بسیار پرهزینه و خطرناکی است. اینکه لحن را خشن کردند و رئیس‌جمهور آمریکا اینطور علیه ایران و ملت ما و نظام جمهوری اسلامی حرف میزند، از ناکامی در آنچه که میخواستند در طول سالهای متمادی با روشهای سیاسی و تبلیغاتی و امنیتی انجام دهند، حکایت میکند. هدف از همه اینها این است که آن بساط برچیده گذشته را دوباره سر پا کنند؛ آن سلطه و نفوذ نامشروع و جهنمی را بار دیگر بر ملت و کشور ایران، با اقتضائات این زمانه برقرار کنند. امیدشان به این است که شاید مسئولان جمهوری اسلامی مرعوب شوند. امیدشان به این است که شاید بین آنها اختلاف به وجود آید؛ امیدشان به این است که شاید بتوانند مردم را دچار تردید و تزلزل کنند.^۱

۱. بیانات در پایان درس خارج فقه ۱۳۸۰/۱۱/۲۱

روحیه‌ی ایثارگری نجاتبخش یک کشور

ما در تشخیص هدفهایمان و تعیین راه به این هدفها، هرگز دچار تردید نشدیم؛ در راه خودمان شک نکردیم؛ خدا را شکر میکنیم. خدای متعال هیچگاه دلهای ما را خالی از نور امید نگذاشت. و در واقعیت دیدیم که این امیدها، امیدهای واهی نبود؛ امیدهای درستی بود.

یک روزی بود که وقتی کسانی به صحنه نگاه میکردند، بظاهر هیچ چیز امیدبخشی در صحنه به چشم نمی‌آمد؛ اما مردمان بصیر- در رأس همه، امام بزرگوار- به ما امید میدادند، نوید میدادند. گاهی ما تعبداً گوش میکردیم، اما قادر به تحلیل نبودیم. تعبداً قبول میکردیم، بعد میدیدیم همین‌جور شد؛ بعد میدیدیم همین امید الهی، همین نوید آسمانی تحقق پیدا کرد. و امروز وقتی به تجربه‌ی چندین ساله انقلاب نگاه میکنیم، پی‌درپی موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی را میبینیم.

در دیدارهای با خانواده‌های معظم شهیدان و جانبازان عزیز و ایثارگران، آن چیزی که در درجه‌ی اول مورد اهتمام این حقیر است، بعد از تجلیل و احترام و تقدیم مراتب تشکر و قدردانی به خانواده‌های عزیز، این است که مجموعه‌ی ملت عزیز ما توجه کنند که روحیه‌ی ایثارگری، نجاتبخش یک کشور است، نجاتبخش یک ملت است. روحیه‌ی گذشت، روحیه‌ی فداکاری، وقت انجام وظیفه را شناختن، کار را به وقت و به موقع انجام دادن، نجاتبخش است.

خوشبختانه امروز ما آثار پیشرفت و موفقیت را در کشورمان مشاهده میکنیم؛ میبینیم که داریم پیش میرویم؛ البته تلاش لازم است، کار لازم است. کارها به سمت ظریفتر شدن و پیچیده‌تر بودن پیش می‌رود. هوشمندی امروز مردم ما هم به مراتب از سالهای گذشته بیشتر است. بحمدالله مردمان مؤمن، پایبند، معتقد و متعهد به آرمانها در جامعه‌ی ما زیاد است.^۱

ما امروز در همه‌ی ابعاد، با یک نگاه راهبردی داریم پیش می‌رویم.

۱. بیانات در جمع خانواده‌ی شهدا و ایثارگران استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۱

فصل دوازدهم: ایستادگی مردم در برابر دشمن / ۴۵۵

ممکن است در یک بخشی، در یک گوشه‌ای، یک کوتاهی‌ای وجود داشته باشد، اما حرکت عظیم به‌طور عموم به طرف جلو بوده است و ملت اجازه نداده است که دشمن از توطئه‌ای که میکند، شاد بشود. همه کار کردند: جوانهای ما را توی خیابانها شهید کردند؛ دانشمندان ما را به‌وسیله‌ی مزدوران قاتل خودشان، تروریستهای خودشان، به شهادت رساندند؛ کار سیاسی، کار تبلیغاتی، کار اقتصادی، کار امنیتی- جاسوس بفرستند- از این کارها مرتب دارند میکنند؛ خرج هم میکنند چه جور، برای اینکه بتوانند ملت ایران را خسته کنند. شما نگاه کنید ببینید ملت ایران امروز بانشاطتر و شادابتر و عازمتر از همیشه است. جوان امروز از جوان ده سال و بیست سال قبل اگر سرحالتر و بانشاطتر و پُرانگیزه‌تر نباشد، کمتر نیست. این نشانه‌ی حرکت به جلوی ملت ایران و عقب‌نشینی آنهاست.^۱

دست دوستی دراز نکردن ملت به سوی دشمن

با توجه به این حقایق روشن، چگونه ممکن است که ملت و دولت ایران، به سوی دشمنی که هنوز هم با دلی پرکینه و کامی تلخ از شکستهای پی‌درپی، درصدد ضربه زدن به ایران و ایرانی است، دست دوستی دراز کند و فریب لبخند زهرآگین دشمن را که همین امروز هم با خنجری زهرآلود، در دست وی همراه است، بخورد؟!^۲

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، خانواده‌ی شهدا و ایشارگران در آستانه‌ی انتخابات

مجلس نهم ۱۳۹۰/۱۲/۱۰

۲. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۷/۱/۱۲

فصل سیزدهم ————— ❁
رسانه و دشمن

سلاح ارتباطات رسانه‌ای؛ عامل رهنمود دادن دشمن به طرفدارانش

امروز مؤثرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قویترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناکتر است. این سلاح دشمن را شما در بلوهای بعد از انتخابات ندیدید؟ دشمن با همین سلاح، لحظه به لحظه، قضایای ما را دنبال میکرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند، رهنمود میداد. «و إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إلی أَوْلِيَاءِهِمْ لِيَجَادِلُوكُمْ»؛ دائم به اولیاء خودشان ایحاء میکردند. خوب، این حضور دشمن است دیگر؛ حضور دشمن را از این واضحتر و روشتر میشود فرض کرد؟^۲

رسانه‌های خبری بیگانه که مظهر تمایلات و سیاستها و نیات خصمانه و اغراض خبیث سردمداران سیاستهای جهانی، بر روی هر کلمه و هر اشاره‌ای که از آن، بوی اختلاف و دودستگی استشمام شود و یا بتوان چنین وانمود کرد، شدیداً حساسیت نشان داده و با بزرگ کردن نکته‌های ریز و مطرح ساختن استنباطهای دروغین از گفته‌ها و نوشته‌ها در ایران، به‌طور دائم در تلاشند که شاید بتوانند تصویری مشوش و آلوده به اختلافات و زدو خورد داخلی از ایران اسلامی - که بحمدالله برخوردار از وحدت و یکپارچگی کم‌نظیری است - به مردم ایران و جهان ارائه دهند و زمینه‌ی دودستگی و نفاق را با این وسوسه‌ها به وجود آورند. اینها همه

۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۱

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

نشانه‌ی آن است که امروزه دشمن از همه‌ی راهها برای تضعیف جمهوری اسلامی عاجز مانده و بدخواهانه در کمین اختلافات داخلی و شکست وحدت عمومی نشسته است.^۱

بعضی از خبرهای دنیا، برای مردم ما اصلاً جالب نیست. حالا دانستند، دانستند؛ ندانستند، ندانستند. طبیعتاً این خبرها حذف میشود. بعضی از خبرها، اصلاً مضر است. حادثه‌ای را در جایی درست میکنند و میلیونها و میلیاردها دلار خرج میکنند، تا آن را به گوش ما برسانند. آنگاه ما بیاییم، همین حادثه را از طریق رسانه‌های گروهی خودمان، به گوش مردمان برسانیم! آیا این عاقلانه است؟! آن چیزی که دشمن درست کرده و میلیاردها دلار خرجش میکند، تا به گوش ما برساند، ما حتی جلویش را هم میگیریم و اگر بخواهد برساند، ما پارازیت هم پخش میکنیم که پخش نشود؛ ولی چه داعی‌ای داریم که ما آن خبرها را بدهیم؟ پس ببینید، هر خبری گفتنی نیست. ممکن است اکثریت خبرها گفتنی باشد؛ اما گاهی ممکن است، حتی اکثریت هم نباشد.^۲

ارزش نداشتن رسانه‌های دشمن

به تبلیغات دشمن نگاه نکنید. رسانه‌هایی که با پولهای حرام زورمندان و زرمندان اداره میشوند و جهت می‌یابند ارزشی ندارند. حرفهای آنها که از رادیوها پخش میشود فاقد ارزش است و قیمتی ندارد. آنها در حقیقت، برف انبار میکنند. معلوم است که هرچه میگویند ناشی از حقد و حسد و بغض نسبت به اسلام است. بالاتر از همه، ناشی از آن است که از اسلام میترسند. معلوم است که اسلام و قرآن برای زورمداران و قدرتمدارانی که دنیا را برای خودشان میخواهند و امروز، ملت ما بحق، آنها را استکبار جهانی مینامد، خطرناک است. خودشان هم میگویند خطرناک است. راست هم میگویند. حقیقتش نیز همین است. از

۱. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

۲. بیانات در دیدار با مدیران و مسئولان بخشهای خبری صدا و سیما ۱۳۶۹/۱۲/۲۱

فصل سیزدهم: رسانه و دشمن / ۴۶۱

روی حقد حسد و بغض و کینه، عبارات و الفاظ را با هم درمی‌آمیزند، انواع و اقسام شیوه‌های تبلیغاتی را همراهش میکنند و برای یک رادیو، ساعتها خوراک تدارک میبینند! حرفهای بی‌پایه و اساس که دلیل نمیشود.^۱

وظیفه‌ی رسانه‌ها در برابر بهانه‌جوییهای دشمن

دشمنان این کشور، دشمنان این انقلاب و دشمنان دین، با توجه به همین حقیقت، مدتهاست که برای مخاطبین جوان برنامه‌ریزی میکنند. ممکن است ما غفلت کرده باشیم؛ اما دشمن ما غفلت نکرده است! سعی دارند به‌وسیله‌ی رادیوها، جزوه‌ها، ابزارها و روشهایی که متناسب با طبیعت جوان و شهوات قشرهایی از جوانان هم هست، دلها و فکرهای آنها را متوجه و تسخیر کنند و در آنها اعمال نفوذ نمایند. این هم دلیل دیگری است که باید توجه بیشتر شما به جوانان باشد. بایستی اینها را برای مردم، بخصوص برای جوانان تبیین کنید. اگرچه ملت ما بحمدالله این بخش مسأله را از بن دندان معتقدند، آن را پذیرفته‌اند، با همه‌ی وجود از آن دفاع کردند و در هشت سال دفاع مقدس، خونهایشان را در حاکمیت دین خدا دادند و امروز هم همانطور است؛ لیکن نباید از کید دشمن غافل شد. نباید از تلاش دشمن غافل شد. آنها کار میکنند، برای اینکه در درازمدت، بهره‌ی آن را ببرند؛ استفاده‌ی آن را بکنند.^۲

لزوم آگاهی در برابر پیشرفتهای فناوری دشمن

امروز سلطه‌گران در همه جای دنیا- هر جایی به تناسب- در فکر سلطه‌ی فرهنگیند؛ یک نمونه‌اش هم همین ماهواره است که حالا باز هم میبینم بحث ماهواره را مطرح کرده‌اند. این منطق درست نیست که ما بگوییم چون تا پنج سال دیگر فناوری ماهواره پیشرفت خواهد کرد و بدون بشقاب هم مردم ممکن است تصاویر ماهواره را بگیرند، پس از

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث ۱۳۷۳/۱۰/۱۰

۲. بیانات در دیدار علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۷/۲/۲

حالا جلوی‌ش را باز کنیم! این منطق، منطق صحیحی نیست. آن کسی که این منطق را مطرح میکند، باید بگوید برای جلوگیری از آن، چه کار تازه‌ای باید کرد. این منطق و استدلال، اینگونه باید نتیجه بدهد. البته دشمن فناوری را پیشرفته میکند. در مقابل، شما باید فکر کنید که با تطوّر و پیشرفت فناوری ماهواره، چه کارهایی را میتوانید انجام دهید تا از نفوذ ماهواره جلوگیری کنید. اما این استدلال، که چون دشمن پیشرفت میکند، پس ما بیاییم هر مانعی را از جلو راهش برداریم، منطقی نیست.^۱

من به بعضی از مسئولان تبلیغاتی کشور بارها گفته‌ام، آن روزی که شما توان و استعداد مقابله با تهاجم تبلیغاتی دشمن را داشته باشید، آن کسی که بیش از دیگران میداندار تکثر مطبوعات و روزنامه‌ها و کتاب و فیلم و غیره باشد، بنده هستم؛ اما شما بگویید ببینم در مقابل آن فیلمی که پایه‌های فرهنگ مردم، اعتقاد مردم، دین مردم، روحیه انقلابی و ایثار و شهادت را در مردم متزلزل میکند - که نه یکی، نه دو تا، نه ده تا است - شما چند فیلم ساخته‌اید؟! اینجاست که من احساس خطر میکنم. البته کار اساسی و بلندمدت این است که برای تولید آنچه که خوب است، فکر کنیم؛ اما تا آنچه خوب است به میدان بیاید، من نمیتوانم قبول کنم و بپذیرم که این سیل لجن بیاید و جوان و کودک و قشرهای مختلف را در خودش غرق کند. از تمام شیوه‌های دشمن شادکن و دشمن‌آموز برای مقابله با تفکر انقلاب استفاده شود؛ اگر کسی هم مخالفت و مقابله کند، فوراً انگ و تهمت بخورد! اینکه آزادی نشد؛ اینکه عاقلانه و خردمندانه نیست؛ اینکه مدیریت کشور نیست. شما مسئولید به نقش رسانه‌ها توجه کنید. این بسیار بسیار مهم است. حساسیت بر روی نقش رسانه‌های مکتوب و روزنامه‌ها - بخصوص در شرایط کنونی ما - بسیار مهم است. با این تصویری که عرض کردم، مشخص میشود که آنها چقدر میتوانند به نفع دشمن نقش ایفا کنند. مدعی آنها هم باید همه‌ی

۱. بیانات پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی (ره) ۱۳۷۸/۲/۲۸

فصل سیزدهم: رسانه و دشمن / ۴۶۳

دستگاه و همه‌ی جبهه‌ی متحد طرفدار نظام و مسئولان قوه‌های مختلف و مسئولان بخشهای میانی گوناگون باشند. مدعی آنها فقط دستگاه قضائی یا فلان روحانی نیست. همه باید در این قضیه مدعی باشند.^۱

جهتگیریها نقطه‌ی مقابل جهتگیری دشمن

ببینید برای این رادیوها و تلویزیونها و این شبکه‌های اطلاع‌رسانی که هدفشان کشور ماست، چقدر سرمایه‌گذاری شده است. آنها چند برابر سرمایه‌گذاری‌ای که ما برای صدا و سیمای خودمان میکنیم، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. اگر آنطور که آنها پیش خودشان محاسبه کرده بودند پیش میرفت، امروز باید اثری از اسلام و ایمان و جمهوری اسلامی باقی نمانده باشد؛ چون فعالیت آنها مربوط به امروز و دیروز که نیست، بلکه آنها از روز اول پیروزی انقلاب کارشان شروع شد و روزبه‌روز دارند کار خود را توسعه میدهند و شدت میبخشند. الحمدلله رسانه‌ی ملی ما به خودش پرداخته و واقعاً خودش را متناسب با حضور در این میدان، تا آنجایی که میتوانسته، حاضریراق و آماده کرده و وارد میدان شده است؛ شما میتوانید.

من به شما عرض کنم که جهتگیری اساسی صدا و سیما باید درست نقطه‌ی مقابل همان جهتگیری‌ای باشد که آنها دارند. آنها میخواهند فرهنگ ملت را از گرایش به ایمان، ارزشها و گرایش به اصول اسلامی و استقلال هویت ملی برگردانند. شما باید درست نقطه‌ی مقابل این کار را مورد اهتمام خودتان قرار دهید. آنها میخواهند وحدت ملی را از بین ببرند؛ آنها میخواهند اتکا به نفس جوانان را از بین ببرند؛ آنها میخواهند افق مقابل چشم نسل جوان ما را تیره و مبهم و وهم‌آلود جلوه بدهند؛ آنها میخواهند حتی مدیران ارشد سیاسی کشور را از اقدام شجاعانه در مسائل گوناگون منصرف کنند و آنها را بترسانند. از مهمترین ابزارهای استکبار؛ همین قدرتها و سلطه‌های جهانی، ترساندن است. از قدیم هم

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۴/۱۹

همینطور بوده است. این نامه‌هایی که «فان الحرب اولها كلام» در آغاز جنگها شنیده‌اید و دیده‌اید که پادشاهان برای رقبای سیاسی خودشان به کشورهای مختلف میفرستادند، پُر از تهدید و پُر از به رخ کشیدن قدرت خود بود. اینها برای این بود که تهدید؛ تهدیدی که منجر بشود به ترسیدن طرف مقابل، نقش مهمی را در پیروزی ایفا میکند، که امروز هم سرمایه‌گذاری مهمی برای این کار میشود. تا جرأت اقدام را از اینها بگیرند و این مدیران را نگران وضعیّت آینده کنند؛ آنها همچنین جوانان را یک‌طور، آحاد مردم را یک‌طور، مدیران را یک‌طور، سیاستمداران را یک‌طور و مبتکران و فعالان علمی را یک‌طور در تیررس رسانه‌های معارض خود با جمهوری اسلامی قرار میدهند. شما باید درست نقطه‌ی مقابل آنها حرکت کنید.^۱

سینه سپر کردن رسانه‌ی ملی در مقابل تبلیغات دشمن

صدا و سیما باید در مقابل تبلیغات دشمن نسبت به انقلاب، سینه سپر کند. الآن رسانه‌های زیادی در دنیا هستند که با تبلیغات خود، کار براندازی را به شکل سستی انجام میدهند! این کار، خیلی هم عملی است. یعنی اگر واقعاً نظامی روی پای خود محکم نباشد، راحت میشود آن را با یک رادیوی برون‌مرزی از صحنه خارج نمود و نابود کرد؛ همین کاری که الآن ابرقدرتها نسبت به انقلابهای گوناگون و بیش از همه نسبت به ما میکنند. منتها آنها کور خوانده‌اند؛ چون نظام ما پایه‌ی محکمی دارد و روی دوش مردم و در دل آنهاست.^۲

شما باید در مقابل این حرکت موزیانه‌ی رسانه‌ها، واقعاً سینه سپر کنید. هر جا رسانه‌ها روی نقطه‌ای تکیه میکنند، شما اگر قبلاً پادزهرش را نداده‌اید، بعداً بدهید. تبلیغات دروغی که آنها الآن میکنند، رسانه‌های ما باید در مقابلش خیلی قوی بایستند. شما بایستی ابتکار هم بکنید. یعنی

۱. بیانات در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۲/۲۸

۲. بیانات در دیدار با مسئولان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹/۵/۷

فصل سیزدهم: رسانه و دشمن / ۴۶۵

باید به‌طور همه‌جانبه، آن سخن درست و آن نکته‌ی بجا را ببینند و مطالعه کنند و در مقابل، آنچه را که دشمن می‌گوید، بیرون بیاورند و نقاط زیبای نظام را به چشم مردم بکشانند.^۱

بایستی فهرست پیامها را شناخت. نخست ببینیم که ما چه چیز را باید به ذهن مردم منتقل کنیم تا مردم قدرت پیدا کنند در مقابل زیاده‌خواهی، اقتدارطلبی و تهاجمهای گوناگون دشمن به دفاع از خود پردازند و دستگاههای مسئول کشور بتوانند به نیروی مردم اعتماد و تکیه کنند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند. پس، اول باید این پیامها را شناخت؛ بعد که شناخته شد، باید تولید شود. تولید کلام و تصویر و فضا و محیطی که بشود آن پیام را القا کرد، یکی از مهمترین کارهایی است که امروز هنر تبلیغ و پیام‌رسانی به آن متکی است. اگر در تولید، پیمان بلند یا بلغزد، اشتباه یا کوتاهی بکنیم، حتماً ضربه را خورده‌ایم. بعد از آنکه این پیامها تولید شد، باید آنها را مدیریت کرد؛ چون هنگامی یک مجموعه کالای مطلوب به نتیجه و به سرمنزل حقیقی و صحیح خود خواهد رسید که مدیریتی بالای سرش باشد. این پیام در کجا باید داده شود، به چه اندازه باید داده شود، بهنگام باشد، با زبان مناسب باشد و تلفیق اینها در قالبهای گوناگون قابل قبول باشد. ما بارها در ملاقات با دوستان صدا و سیما- شاید جمعی از شما هم بوده‌اید- راجع به اینکه فضای پیامها فضای اعصاب‌خردکن و تشنج‌آور برای ذهن و اعصاب مردم نباشد، صحبت کرده‌ایم. خب؛ در این سالهای اخیر مقداری به مسائل تفریحی یا به قول شما طنز و فکاهیات سرگرم‌کننده و فیلمهای هنری و اینها پرداخته‌اید. این کار درستی است و همینطور بایستی حرکت کرد.^۲

۱. همان

۲. بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۴

فصل چهاردهم ————— ❁
استعمار فرانو و صهیونیسم؛ بزرگترین دشمن ملت ایران

استعمار فرانو بالاتر از استعمار نو

ببینید امروز دنیا در پنجه‌ی خونریز استکبار جهانی در چه وضعیتی است. امروز همان داستان استعمار است، منتها با شیوه‌ی نو. یک روز استعمار کهنه بود- استعماری که بعدها اسمش را گذاشتند استعمار کهنه و کهن- میرفتند بر کشورها تسلط پیدا میکردند؛ مثل هند، مثل الجزایر، مثل خیلی از کشورهای دیگر. با بیداری ملت‌ها این استعمار از بین رفت و دیگر نتوانستند ادامه دهند. البته در سال‌های دوران استعمار، ملت‌ها را فشرده و واقعاً رفق آنها را گرفتند؛ ولی به‌رحال استعمار کهن از بین رفت و جای آن، استعمار نو را آوردند. استعمار نو این بود که در رأس کشورها بیگانگان نمی‌آمدند حکومت کنند؛ مثل دوران استعمار قدیم نبود که حاکم انگلیسی برود در هند حکومت کند؛ نه، از خود کشورها کسانی را میگماشتند؛ مثل رژیم طاغوت، مثل رضاخان و پسرش، و مثل بسیاری از دولتهای دیگر کشورهای جهان سوم- به قول خودشان- و از جمله کشورهای اسلامی. سال‌های متمادی ملت‌ها را فشرده؛ مستبدان را آوردند؛ نظامیهای کودتاجی را سر کار آوردند و هر طور توانستند، از حضور ملت‌ها مانع شدند. امروز میبینند این هم بردی ندارد؛ لذا راه دیگری را برای تسلط بر کشورها در پیش گرفته‌اند و آن، نفوذ در ملت‌هاست؛ که این همان چیزی است که من چندی پیش گفتم استعمار فرانو. بالاتر از استعمار نو، یک نوع استعمار دیگر است. ایادی خودشان را به کشورها بفرستند و با پول و تبلیغات و اغواگریهای گوناگون و

رنگین نشان دادن و موجّه نشان دادن چهره‌ی مستکبران ظالم عالم، بخشی از ملت‌ها را اغوا و تحریک کند. البته این هم به جایی نخواهد رسید؛ چون چهره‌ی استعمار و استکبار زشت‌تر از این حرف‌هاست؛ نمیتواند ظلم و ستمگری و ددمنشی خود را پنهان کند.^۱

مفهوم استعمار فرانو

امروز سیاست استکباری، استعمار فرانو است؛ یعنی از استعمار نوینی که در دهها سال قرن گذشته وجود داشت، یک قدم بالاتر. استعمار فرانو یعنی چه؟ یعنی دستگاه استکباری کاری کند که عناصری از ملت‌ی که این مستکبر میخواهد آن را قبضه و تصرف کند، بدون اینکه بدانند، به او کمک کنند. دشمن، ایمان شما را سد مستحکم خود میبیند و دلش میخواهد این سد برداشته شود. حالا عناصری از میان خود ما بیایند و بنا کنند این دیوار را تراشیدن یا سوراخ کردن. اینها گرچه خودی هستند، اما دارند برای دشمن کار میکنند؛ دشمن هم روی اینها سرمایه‌گذاری میکند. دیدید که آمریکاییها حتی در کنگره‌شان تصویب کردند که به عناصری در داخل کشور ما پول بدهند تا برای آنها کار کنند؛ اینطور علنی و صریح! این استعمار فرانو است. این، مثل این است که دونده‌ای نتواند بر رقیبش فائق بیاید؛ کاری کند که رقیب، خودزنی کند؛ مثلاً وادارش کند معتاد شود. وقتی طرف معتاد شد، دیگر حال دویدن ندارد؛ به خودی خود به نفع رقیبش کار کرده است. بنابراین وقتی حال دویدن نداشت، رقیبش برنده میشود. در استعمار فرانو این کار را میکنند؛ جوانها خیلی باید هشیار باشند؛ دخترها خیلی باید هشیار باشند؛ معلمین و معلمات و پدر و مادرها خیلی باید متوجّه و هشیار باشند؛ بخصوص کسانی که جایگاهی در اشاره به افکار عمومی دارند؛ گوینده‌اند، نویسنده‌اند، اهل هنر و اهل فعالیت گوناگون هستند.^۲

۱. بیانات در دیدار مردم استان قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۸۳/۱۰/۱۹

۲. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۲

فصل چهاردهم: استعمار فرانو و صهیونیسم؛ بزرگترین دشمن ملت ایران / ۴۷۱

تجربه از دوران استعمار فرانویین

تردید نباید کرد که دنیای استکبار، بیداری مسلمانان و اتحاد اسلامی و پیشرفت ملت‌های ما در میدان‌های دانش و سیاست و نوآوری را، بزرگترین مانع سلطه و سیطره‌ی جهانی خود می‌شمارد و با همه‌ی توان با آن می‌ستیزد. تجربه‌ی دوران استعمار و نواستعماری پیش روی ما ملت‌های مسلمان است. امروز که دوران استعمار فرانویین است باید از آن تجربه‌ها درس بیاموزیم و بار دیگر برای مدتی طولانی، دشمن را بر سرنوشت خود مسلط نکنیم.^۱

علت مخالفت و دشمنی صهیونیسم با جمهوری اسلامی

این انقلاب و این ملت، منافع عظیمی را که رژیم‌های استعمارگر آمریکا و انگلیس در ایران داشته‌اند، قطع کرده است. بدیهی است که به خودشان حق میدهند از این ملت، انتقام بگیرند. مسأله این است که آنها دشمنند؛ دشمن! آن وقت یک عده می‌آیند و به اصطلاح از سر عقل، ریش می‌جنبانند و به ما می‌گویند: «بیایید عاقلانه فکر کنید!» آخر این چه حرفی است؟! دشمنان ما از انقلاب زخم خورده‌اند و روزی خشنود و راضی میشوند که این انقلاب کنار برود و به آنها گفته شود: «آقایان دزدها! بفرمایید وسط! بیایید در ایران!» آن روز اینها راضی میشوند و به کمتر از این راضی نیستند. صهیونیستها هم که حق دارند دشمن ما باشند! ما می‌گوییم: «ریشه‌ی صهیونیستها باید از خاورمیانه کنده شود.» جمهوری اسلامی، بارها قاطعانه گفته است و خواهد گفت که «حتماً باید صهیونیسم ریشه‌کن شود.» مسلماً با چنین موضعگیری که ما داریم، دلشان با جمهوری اسلامی، صاف نمیشود.^۲

جمهوری اسلامی ایران از روز اوّل، موضعش را در مقابل این پدیده‌ی زشت، روشن کرده است. موضع جمهوری اسلامی ایران که امام

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی سوّم رمضان ۱۴۱۵ ۱۳۷۳/۱۱/۱۴

فرمودند، بارها مسئولان گفته‌اند و ما هم بارها تأکید کرده‌ایم، این است که اساساً این غده‌ی سرطانی اسرائیل باید از این منطقه کنده شود. این یک فرمول کاملاً انسانی قابل قبول هم دارد و آن این است که همه‌ی مردم فلسطین- نه مردمی که از جاهای دیگر دنیا به فلسطین مهاجرت کرده‌اند- از اردوگاهها و از همه جای دنیا به فلسطین برگردند و تکلیف حکومت خودشان را- که از آنها باید تشکیل شود- تعیین کنند. البته بدیهی است که هرگز هیچ فلسطینی‌ای- چه مسلمان باشد، که اکثریت قاطعشان مسلمانند؛ چه مسیحی و یهودی باشد، که اقلیت کوچکی هم مسیحی و یهودی در آنجا هستند- راضی نیست و اجازه نخواهد داد که یک عده از کوچه‌گردهای لندن، یا از خانواده‌های توسری‌خورده‌ی مسکو، یا از هرزه‌های آمریکا بیایند و در کشور آنها یک دولت تشکیل دهند و بر آنها حکومت کنند. کسانی که روزی چاقوکشی و قداره‌کشی میکردند و فقط هنرشان این بود که میتوانستند خوب بزنند، خوب بکشند و بر طبق خواسته‌ی سرمایه‌داران صهیونیست و یهودی خوب عمل کنند، اگر بیایند و بر فلسطین حکومت کنند؛ بدیهی است که ملت فلسطین و دنیای اسلام چنین چیزی را اجازه نخواهد داد. این فرمول، فرمول دنیاسندی است. کسانی که میگویند ما معتقد به آراء مردم و معتقد به قطع‌هی از دنیا که در اینجا قرار دارد، مردمی داشته است؛ این مردم امروز هم هستند و زنده‌اند؛ چند میلیون نفر در همان جا زندگی میکنند، چند میلیون نفر هم در خارج از آنجا- در لبنان و اردن و نقاط دیگر- زندگی میکنند؛ اینها بیایند در همانجا اجتماع پیدا کنند و خودشان حکومت خود را انتخاب کنند؛ این روش بسیار درستی است. آنچه که مسلم است، این است که حکومت صهیونیستی که امروز حاکم است و هر حکومت صهیونیستی دیگر، حق بقا و حاکمیت در سرزمین فلسطین را ندارد.^۱

ملت کنونی صهیونیست اشغالگر، یک ملت ساختگی است. هیچ

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵

فصل چهاردهم: استعمار فرانو و صهیونیسم؛ بزرگترین دشمن ملت ایران / ۴۷۳

عنصری از عناصر اصلی یک ملت در اشغالگران نیست، از جاهای مختلف عالم، با دیدگاههای مختلف، با مناشئ اجتماعی مختلف و با عقاید گوناگون آمده‌اند؛ صرفاً از جهت اینکه به نژاد بنی‌اسرائیل اتصال و ارتباط دارند! قرن‌ها از هم جدا بوده‌اند، ولی آنها را بعنوان یک ملت تلقی کرده‌اند. یک ملت تصنعی و دروغین؛ برای اینکه بتوانند در این نقطه‌ی حساس از جهان- یعنی قلب خاورمیانه و قلب جهان اسلام- پایگاهی برای استکبار باشند. روز اوّل، انگلیسیها آنها را به وجود آوردند؛ امروز هم رژیم آمریکا حداکثر استفاده را از آن میبرد و اهداف استکباری خود را تأمین میکند.^۱

نابودی صهیونیسم از علل دشمنی دشمنان با ما

همان کسانی که پانزده یا بیست سال قبل، دولت صهیونیست را بعنوان دولت غاصب، مورد قطع رابطه و محاصره‌ی اقتصادی قرار داده بودند، امروز برای ایجاد ارتباط اقتصادی با او، مسابقه میگذارند! این، همان انفعال است. فشار گوناگون دستگاههای متمرکز استکبار، چه از لحاظ تبلیغات و چه از لحاظ مسائل اقتصادی و غیره، به قدری بر اینها به‌طور متوالی وارد می‌آید، که احساس میکنند ناچارند عقب‌نشینی کنند، و عقب‌نشینی میکنند. این، خودباختگی و انفعال در زمینه‌ی مسائل سیاسی است.

از دیدگاه آمریکا و مستکبرین، یکی از جرمهای بزرگ جمهوری اسلامی ایران این است که در مسائل جهانی، تحت‌تأثیر نظر آمریکا و امثال آمریکا قرار نمیگیرد. امروز شما نگاه کنید! یک مثال واضحش، مسأله فلسطین است. روی کشورهای عرب و بسیاری از کشورهای اسلامی فشار آوردند که مسأله‌ی فلسطین را ندیده بگیرند و متأسفانه بسیاری از دولتها هم تحت‌تأثیر این فشار قرار گرفتند و آن را قبول کردند. اما جمهوری اسلامی، حرف صریح خود را در یک جمله رسا و روشن بیان کرده است که همه‌ی منصفین عالم، آن را قبول میکنند. آن

۱. بیانات در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۶/۳/۱۴

جمله این است که فلسطین متعلق به مردم فلسطین است. یکی دیگر از علل دشمنیهای استکبار با ما، همین موضوع است که گفته‌ایم: دولت غاصب صهیونیست، باید بساط خود را جمع کند. یهودیها میتوانند در فلسطین بمانند، اما حکومت در فلسطین، متعلق به ملت فلسطین و فلسطینیهاست و آنها، مثل همه‌ی کشورهای دیگر، هرکس را خواستند آنجا نگه میدارند. اما دولت صهیونیست، دولت غاصبی است. این، موضع ما در قبال مسأله‌ی فلسطین است. امام راحل، بارها این موضع را اعلام کرده‌اند و نظر قطعی جمهوری اسلامی ایران است. این را ما گفته‌ایم و باز هم خواهیم گفت. اعلام این موضع، از موضوعهایی است که دشمنان استکباری را از ما عصبانی میکند.^۱

صهیونیسم، دشمن اصلی ملت ایران

ملت ایران، در شناخت دشمن اصلی، اشتباه نخواهد کرد. این را همه‌ی مردم دنیا بدانند. دشمن اصلی، در مقابل نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، اولاً صهیونیستها هستند که میدانند از نظر ملت ایران، رژیم غاصب آنها در فلسطین، یک رژیم غیرمقبول و شناخته‌نشده و غیررسمی و رو به اضمحلال است. بیشتر دشمنیها هم، از طرف آنهاست. سرمایه‌داران صهیونیست، در اطراف دنیا، مخصوصاً در آمریکا و اروپا، مشغول فعالیتند. رادیوها، روزنامه‌ها، وسایل ارتباط جمعی و بسیاری از امکانات، در اختیار آنهاست و علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملت ایران، فعالیت میکنند. دشمن دیگر هم، رژیم آمریکاست که در واقع، روی دیگر این سکه است. آن دشمنی هم، بخاطر این است که پایگاه عظیم اقتصادی و سیاسی و نظامی آمریکا در ایران- که آن را پیش‌بینی کرده و ترتیب داده بود- از دستش رفته است.^۲

اتحاد نامقدس زمامداران آمریکا با غاصبان صهیونیست سرزمین

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۲/۳/۱۴

۲. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان سراسر کشور ۱۳۷۵/۸/۳۰

فصل چهاردهم: استعمار فرانو و صهیونیسم؛ بزرگترین دشمن ملت ایران / ۴۷۵

فلسطین^۹ علیه ملت ایران، برای این ملت یک افتخار است. ما افتخار میکنیم که زشتروی‌ترین و سیاهکارترین عناصر سیاسی دنیا، با ملت و دولت ایران مخالفند. بگذار مخالف باشند! هر کس که قلدران عالم از او تعریف کنند، باید احساس خجالت کند. هر کس که سیاهکاران عالم از او بد بگویند، باید افتخار کند. سیاهکاران، از هر که ضد سیاهکاری است، ناراحتند. دولت جمهوری اسلامی و ملت ایران، افتخار میکنند که با زور و غصب کنار نمی‌آیند. رژیم غاصب صهیونیست تروریست نژادپرست را یک روز هم نپذیرفته‌اند و نخواهند پذیرفت. هر کس که از زورگویان حمایت میکند، سیاهکار است. ملت ایران، در طول این هفده سال توانسته است ثابت کند که قدرتمند، رشید و صبور است. راه خود را با طمأنینه، آرامش و با اتکای به نفس ادامه میدهد. هفده سال پیش، ملت ما، این ارتش، این نیروی هوایی، این نظم و سطح عالی دانش در نیروهای مسلح و این دانشجو و استاد و چنین فرماندهان و مسئولان دانشگاهی را نداشت، و این، آسان به دست نیامده است. تلاشها و کوششها شده است. ان‌شاءالله، از این هم پیشتر خواهیم رفت. نیروهای مسلح، روزبه‌روز، به هدفهای خود نزدیکتر خواهند شد، و روزبه‌روز تواناییهای بیشتری به دست خواهند آورد. این تواناییها، فقط توانایی نظامی نیست. توانایی علمی، صنعتی و روحی هم هست. اتکای به نفس هم هست. دشمن هرچه میتواند، تلاش کند. بانوی ما، زینب کبری علیها السلام، خطاب به سیه‌روی‌ترین انسانهای زمان خود فرمود: «کد کیدک، واسع سعیک فوالله لاتمحووا ذکرنا» دلم از تو چون برنجد که به وهم در ننگجد که جواب تلخ گویی تو بدین شکر دهانی. امروز ملت ایران و مسئولان این کشور، همان سخن را به دشمنان زورگو و یاوه‌گوی جمهوری اسلامی میگویند. آنهایی که در موضع مسئولان کشور آمریکا یا هر گوشه دیگر دنیا، علیه ملت ایران سخنان یاوه میگویند و زشتیهای خودشان را به ملت و دولت ایران نسبت میدهند، خودشان تروریست و زورگویند. آنان بدکاره و نژادپرستند. آنان از حل کردن ابتدایی‌ترین مشکلات اجتماعی خود، یعنی مسأله‌ی نژاد و سیاه و سفید، عاجزند. امروز همین

سخنان را ملت و نظام ایران خطاب به آنها میگوید: «کدکدک. واسع سعیک. فوالله لاتمحووا ذکرنا.» مگر شما میتوانید کمترین آسیبی به جمهوری اسلامی برسانید؟! شما خواهید مُرد. شما خواهید رفت. شما مانند آن امپراتوری دیگر، زایل خواهید شد و پرچم اسلام روزه‌روز، برافراشته‌تر خواهد شد. ملت ایران و هرکس که متمسک به اسلام است، روزه‌روز زنده‌تر خواهد شد.^۱

گناه جمهوری اسلامی این است که این حرف را میزند! جمهوری اسلامی بر خلاف دولتهای دیگر که از ترس یا با تطمیع آمریکا همین حرف حق را کتمان کرده و پوشیده داشتند، این حرف را به صراحت میزند و میگوید حق، حق است و باطل، باطل است. ما نمیتوانیم انکار کنیم که ملت فلسطین وجود داشته، ولی امروز آواره است. نمیتوانیم انکار کنیم که سرزمین فلسطین، از مردم فلسطین غصب شده است؛ آن هم نه با یک روش ظاهراً بانزاکت، بلکه با کشتار و آدمکشی و فریب و دروغ و اعمال زور و سفاکی و قتل عام. دولت اسرائیل با قتل عام و غدر و فریب و سفاکی و لگد زدن به ارزشهای انسانی به وجود آمد. حقوق یک ملت در مقابل پای مهاجرین صهیونیست که وارد فلسطین اشغالی شدند، قربانی شد. در طول قریب پنجاه سالی که از عمر این دولت جعلی میگذرد، دائماً سرکوب و قتل نفس و دروغ و فریب و تجاوز و حمله به انسانها و بیگناهان، مایه‌ی حیات و تداوم زندگی آن بوده است.^۲

توطئه‌های دشمن صهیونیسم علیه نام حکومت اسلامی

صهیونیستها وقتی میخواهند به جمهوری اسلامی بدگویی کنند، میگویند حکومت اسلامی! به نظر آنها حکومت اسلامی فحش است! ما افتخار میکنیم، تواضع میکنیم و میگوییم ما کجا و حکومت اسلامی کجا؟

۱. بیانات در مراسم صبحگاه «نیروی هوایی» ۱۳۷۴/۹/۲۶

۲. بیانات در دیدار با مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در صحن حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۵/۱/۴

فصل چهاردهم: استعمار فرانو و صهیونیسم؛ بزرگترین دشمن ملت ایران / ۴۷۷

ما هنوز بسیار با حکومت اسلامی فاصله داریم. ان شاء الله در راهش هستیم. ما رسیدن به حکومت اسلامی را یک آرزوی بزرگ و یک نقطه‌ی رفیع میدانیم. اما آنها بعنوان فحش با آن برخورد میکنند. میخواهید صهیونیست لجوج عنود دنیاطلب قسّی القلب ضدّ مسلمان ضدّ بشر نژادپرست از حکومت اسلامی خشنود باشد؟ معلوم است که بدش می‌آید. اما مسلمان چرا باید بدش بیاید؟ آنچه که من احساس میکنم، در صحنه‌ی دنیای اسلام این است. بنده میبینم که ملت‌های مسلمان بیدارند و بیدارتر شده‌اند. ملت‌های مسلمان، آن حالت ضعف مزمن و تسلیم مزمنی را که در طول صدوپنجاه یا دویست سال بر آنها تحمیل شده بود، بتدریج کنار گذاشتند. این موضوع، بسیار مهم است. خود این، عید است. ملت‌های مسلمان، آن حالت خودباختگی و رنگ‌باختگی در مقابل غرب را بکلی کنار گذاشتند. راز حرکت و پیشرفت یک ملت به سمت عروج معنوی و مادی همین است. اول باید به خود ایمان بیاورد و خودباختگی را کنار بگذارد. اگر به خود اعتقاد پیدا کرد و احساس نمود که به آقابالاسری از ملت‌ها و دولت‌های بیگانه نیاز ندارد و خود را در مقابل آنها کوچک و حقیر و ناچیز نداند، راه پیشرفت در مقابلش باز میشود. اگر ملتی، مثل بچه مکتب‌های قدیم - که اگر میخواستند یک کلمه حرف بزنند، باید از آخوند مکتبی اجازه میگرفتند - چشمش به این باشد که دولت‌های دیگر چه میگویند و نظام دلخواه آمریکاییها چیست؛ تا ابد به جایی نخواهد رسید. روحیه‌ی اسلامی، روحیه‌ی تسلیم را از ملت‌ها گرفته و آنها را بیدار کرده و به خود متکی و معتقد ساخته است. این، آن امید بزرگی است که مشاهده میشود. امروز وقت آن است که دولت‌های اسلامی از این روحیه‌ی ملت‌ها استفاده کنند، خودشان را به ملت‌ها متکی نمایند و با دولت‌های بزرگ، مثل شرکا یا رقبای همسنگ حرف بزنند؛ نه اینکه برای آنها اولویت قائل شوند.^۱

۱. بیانات در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام در روز عید سعید فطر ۱۳۷۳/۱۲/۱۱

لزوم ایستادگی در مقابل صهیونیسم؛ بزرگترین دشمن جهان اسلام
امروز دولت غاصب صهیونیست، بزرگترین خطر برای حال و آینده‌ی
جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع
ظلمی به این عظمت، درصدد علاج و چاره باشند. متأسفانه رفتار و
گفتار اغلب سران کشورهای اسلامی، هیچ اشاره‌ای را به عزم آنان بر
علاج این خطر بزرگ- که چیزی جز محور رژیم صهیونیست نژادپرست
نیست- نشان نمیدهد؛ بلکه بعکس، نشانه‌هایی از گسترش کمپ‌دیوید و
تکمیل خیانت «سادات» نیز در برخی از دولتهای عربی به چشم میخورد؛
و من نمیدانم آیا این دولتها با این رفتار ذلتبار و تسلیم‌نگ‌آور در برابر
دشمن عنود مسلمین و اعراب، چه پاسخی برای ملت‌های خود و نیز در
پیشگاه خداوند آماده کرده‌اند؟^۱

۱. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

کلام آخر ————— ❁

پایان رویارویی ما با دشمنان چه وقت خواهد بود؟

پایان این رویارویی و مقابله چه خواهد بود؟ این مهم است. همه‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی غرب و بخصوص آمریکا- دستگاه‌های هنری، دستگاه‌های مطبوعاتی، دستگاه‌های گوناگون تبلیغاتی، دستگاه‌های به‌ظاهر پژوهشی سیاسی یا علمی- تلاش میکنند این‌جور وانمود کنند که پایان این راه برای ملت ایران بن‌بست است و آمریکا در راه خود پیش میرود! این، دروغ محض است؛ قضیه عکس است. پایان این راه، بن‌بست برای رژیم طاغوت و رژیم استکبارگر آمریکاست. دلیل واضحش این است که اگر قرار بود آنها بتوانند ملت ایران را شکست بدهند، آن روزی میتوانند شکست بدهند که این ملت نه این همه جوان داشت، نه این پیشرفت‌ها را داشت، نه این تجربه‌ها را داشت، نه در یک نبرد و کارزار عظیمی مثل دفاع مقدس پیروز شده بود، نه در عرصه‌های سیاسی گوناگون قدرت خودش را نشان داده بود؛ آن روز میتوانند- اگر بنا بود بتوانند ملت ایران را شکست بدهند- و آن روز شکست میدادند؛ نه امروز که ملت ایران تجربه‌اش بیشتر است، دستش قویتر است، امکانات علمی‌اش به‌مراتب از آن گذشته پیشرفته‌تر است، تواناییهای نظامی‌اش چندین و چندین برابر آن روزهاست، زبان نافذش در بین ملتها بیشتر از گذشته است و جوانهای بیشتری از آن روز دارد. آن روز ملت ایران در بین جمعیت ۴۰ میلیونی و ۴۰ و پنج میلیونی و بتدریج پنجاه

میلیونی‌اش جوانها در اقلیت بودند، امروز در جمعیت هفتاد و چند میلیونی ملت ایران، جوانها در اکثریتند. آن روز آمریکا در دنیا آبرویش خیلی بیشتر از امروز بود. امروز آمریکا در دنیا بی‌آبروست.^۱

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان

نمایه

ارتش، ۲۴۶، ۴۲۱، ۴۷۵	۲۸ مرداد، ۴۲۰
ارزشها، ۲۱۶، ۲۵۸، ۲۶۲، ۲۸۵	اباحیگری، ۱۹۸، ۱۹۹
۳۰۷، ۴۲۰، ۴۶۳	ابتدال، ۲۲۹
اروپا، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۱۰	ابتکار، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۶۴
۲۲۲، ۲۲۵، ۳۱۲، ۴۰۴، ۴۴۱	ابن‌زیاد، ۲۴۳
۴۷۴	اتحاد، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۳۷، ۴۷۴
آزادگان، ۱۹۶	اتم، ۲۲۸، ۲۶۳، ۳۰۴، ۴۵۹
آزادی، ۱۹۹، ۲۳۱، ۲۷۹، ۳۱۳	احکام، ۲۱۸، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴
۴۰۲، ۴۶۲	۴۱۱
استبداد، ۱۹۵، ۲۱۰، ۲۱۶	اختلاف، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۲۱
استعمار، ۲۱۹، ۴۳۹	۲۲۲، ۲۲۷، ۲۵۴، ۲۷۹، ۲۸۸
استقامت، ۲۱۷، ۲۴۸، ۲۶۸، ۲۸۳	۲۹۲، ۲۹۷، ۳۰۹، ۴۰۵، ۴۳۹
۲۹۱، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۲۹	۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۳، ۴۵۹
۴۳۸، ۴۴۱، ۴۴۷	اختلافات، ۲۰۹، ۲۲۶، ۲۷۹
استقلال، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۶۶	۳۱۰، ۴۵۹
۲۶۸، ۲۷۲، ۲۹۲، ۳۰۶، ۳۱۳	اخلاص، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۵۱، ۲۵۴
۴۰۹، ۴۲۰، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۹	۴۳۸، ۴۲۷
۴۵۱، ۴۶۳	اخلاق، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۴۸

۲۸۴، ۲۹۳، ۳۱۹، ۴۰۴، ۴۰۹	۲۱۱، ۲۰۸، ۲۰۵، ۱۹۹	استکبار،
۴۱۰، ۴۲۶، ۴۳۶، ۴۴۷، ۴۶۵	۲۱۳، ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۳۲، ۲۵۱	
اعتماد به نفس، ۴۴۷	۲۵۸، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۸، ۲۸۳	
افریقا، ۲۰۸، ۲۲۳، ۲۹۵	۲۹۱، ۳۰۰، ۳۲۰، ۴۰۹، ۴۲۵	
افغانستان، ۲۱۷	۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۴۲	
آقای طالقانی، ۲۷۵	۴۴۴، ۴۴۸، ۴۷۳	
اقتدار، ۲۵۱، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۷۱	استکبار جهانی، ۲۲۳، ۲۵۱، ۲۷۲	
۳۱۲، ۳۲۰، ۴۲۳، ۴۲۶، ۴۳۱	۲۸۳، ۲۹۱، ۳۲۰، ۴۲۵، ۴۳۱	
اقتصاد، ۲۶۳، ۲۶۸، ۳۰۲	۴۴۸	
آگاهی، ۲۶۷، ۲۷۱، ۲۹۰، ۲۹۵	اسرائیل، ۲۷۹، ۴۷۲	
۳۱۱، ۴۳۰	اسلام، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹	
الجزایر، ۲۲۳	۲۰۰، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۱۸	
الفت، ۲۰۲، ۲۹۷	۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۹	
آلمان، ۴۴۷	۲۳۳، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۹	
امام، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۱۴	۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷	
۲۱۵، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۴۱	۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۱، ۲۷۲	
۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶	۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۸۷	
۲۴۸، ۲۵۳، ۲۶۰، ۲۷۰، ۲۷۲	۲۹۲، ۲۹۴، ۳۰۰، ۳۰۳، ۳۰۵	
۲۷۵، ۲۷۸، ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۶	۳۰۷، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۷	
۲۹۷، ۳۰۷، ۳۰۹، ۴۰۹، ۴۱۰	۳۱۸، ۳۲۰، ۴۰۱، ۴۰۵، ۴۰۹	
۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵	۴۱۱، ۴۱۴، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۹	
۴۱۶، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۲۷	۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۴۴، ۴۵۰	
۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۸، ۴۴۵	۴۵۲، ۴۶۰، ۴۶۳، ۴۷۲، ۴۷۳	
۴۵۴، ۴۷۱، ۴۷۴	۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸	
امام حسین، ۲۴۲، ۲۷۸	آسیا، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۶۸	
امام سجاد، ۲۴۴، ۲۹۷	اعتماد، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۶۶	

نمایه / ۴۸۵

انبیا، ۲۴۴، ۲۶۶	امامت، ۳۰۷
انتخابات، ۲۲۳، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵	امت اسلامی، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۹۲
۲۳۶، ۲۷۰، ۴۳۷، ۴۴۴، ۴۵۹	امر به معروف و نهی از منکر،
انتظار، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۴۸، ۲۷۷	۴۱۲
۳۱۷، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۶	امریکا، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷
انحراف، ۱۹۵، ۴۲۰	۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۲
انرژی، ۴۴۸	۲۲۳، ۲۲۵، ۲۴۱، ۲۵۰، ۲۵۳
انشقاق، ۴۴۹	۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۶
انقلاب، ۳، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰	۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۹
۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۵	۲۸۳، ۲۸۶، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۴
۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰	۳۰۴، ۳۱۲، ۳۱۴، ۴۰۴، ۴۰۹
۲۲۳، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲	۴۱۱، ۴۱۲، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۳۰، ۴۳۴
۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۵۰، ۲۵۱	۴۳۷، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۷۱
۲۵۳، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۷۲، ۲۷۴	۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۸۱
۲۷۵، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۰	امنیت، ۲۲۱، ۳۱۶، ۴۱۰، ۴۲۲
۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۲	امنیت اجتماعی، ۲۰۰، ۲۱۱
۳۰۵، ۳۰۷، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۵	۲۱۶، ۲۵۰، ۲۶۳، ۲۸۷، ۲۹۷
۴۰۶، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵	۳۰۹، ۳۱۸، ۴۱۹، ۴۴۷، ۴۷۳
۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۵	۴۷۵
۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۱	امنیت اخلاقی، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۲
۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۳۸	۲۰۴، ۲۲۴، ۲۴۲، ۲۶۲، ۴۲۰
۴۴۲، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۵۰، ۴۵۱	امید، ۲۰۱، ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۳۰
۴۵۴، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴	۲۳۵، ۲۷۷، ۳۰۹، ۴۰۵، ۴۲۶
۴۷۱	۴۳۰، ۴۳۶، ۴۵۴، ۴۷۷
انگلیس، ۲۱۰، ۳۰۲، ۴۷۱	امیرالمؤمنین، ۲۱۱، ۲۲۷، ۲۴۱
اهل سنت، ۲۱۳	۲۴۸، ۲۴۹، ۴۱۹، ۴۴۳

بازار، ۲۴۹، ۲۵۸	اهل بیت، ۲۱۴
بحران، ۲۲۵	آیت الله کاشانی، ۴۲۰، ۴۲۱
بردبار، ۲۴۹	ایران، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵
بسیج، ۲۴۵، ۲۵۴، ۴۱۴، ۴۳۹	۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۷
بصیر، ۴۵۴	۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۱
بصیرت، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۴۳، ۲۴۵	۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۱
۴۰۶، ۴۳۲	۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۵۷
بعثت، ۲۷۳	۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۵
بنی امیه، ۲۴۳	۲۹۱، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۳، ۳۰۶
بوشهر، ۳۰۲	۴۱۰، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۰
بیداری، ۲۰۱، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۳۳	۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۸، ۴۲۹
۳۰۸، ۳۲۰، ۴۰۹، ۴۲۹، ۴۳۷	۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۴۱
بیداری اسلامی، ۲۲۲	۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷
بیگانه، ۱۹۵، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۳	۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۳
۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۳، ۲۶۴، ۴۲۳	۴۵۵، ۴۵۹، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۵
۴۲۵، ۴۳۶، ۴۴۵، ۴۵۹، ۴۷۷	۴۸۱
پوپولیسیم، ۴۱۹	ایمان، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۲۱، ۲۲۴
پیامبر، ۱۹۶، ۲۲۴، ۲۴۶، ۲۹۷	۲۲۷، ۲۳۱، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۴
۳۱۶، ۳۱۷، ۴۱۳	۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۸۸
پیشرفت، ۲۰۳، ۲۲۱، ۲۶۶، ۲۷۶	۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۰۴
۲۸۷، ۲۹۶، ۳۰۲، ۳۰۵، ۴۰۹	۳۱۵، ۳۱۶، ۴۱۳، ۴۲۲، ۴۲۳
۴۲۲، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۴۵، ۴۴۷	۴۲۴، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۷، ۴۴۲
۴۵۱، ۴۵۴، ۴۶۱، ۴۷۷	۴۴۳، ۴۵۱، ۴۶۳، ۴۷۷
پیغمبر، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۷۵	ایتنرت، ۲۰۶
۳۱۸	آینده، ۲۱۶، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۶۱
تبری، ۲۸۷، ۲۸۹	۲۷۱، ۲۷۷، ۳۱۹، ۴۱۳، ۴۶۴

تزلزل، ۲۲۹، ۴۵۳	تبلیغ، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۱۲، ۲۴۳
تشیع، ۲۱۳	۲۵۰، ۲۸۷، ۲۹۱، ۳۰۰، ۴۱۱
تطمیع، ۴۰۲، ۴۳۵، ۴۴۲، ۴۷۶	۴۶۵
تعرض، ۲۵۷، ۳۰۲	تبلیغات، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱
تعلیم، ۲۴۸، ۲۶۹	۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۲۷، ۲۳۱
تفرقه، ۲۰۲، ۲۹۲	۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۴۳، ۲۵۰
تقلب، ۲۳۵	۲۷۴، ۲۹۱، ۴۲۳، ۴۲۶، ۴۳۶
تلویزیون، ۲۱۴، ۲۷۵، ۲۹۹	۴۳۷، ۴۳۹، ۴۶۰، ۴۶۴، ۴۷۳
تملن، ۴۴۷	تجاوز، ۲۷۴، ۲۹۲، ۳۱۲، ۴۴۳
تنگه هرمز، ۲۰۸	۴۷۶
تهدید، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۵۱، ۲۵۹	تحریف، ۴۱۰
۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۳	تحریم، ۲۲۹، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۵
۲۷۹، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۵	۲۷۰، ۳۱۲، ۴۴۷
۴۲۰، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۳۵، ۴۳۹	تحقیق، ۲۷۷
۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۷، ۴۵۳	تحلیل، ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۲۸، ۲۳۶
۴۶۴	۲۸۸، ۲۸۹، ۳۱۳، ۴۰۳، ۴۱۴
تهران، ۲۱۱، ۲۳۶، ۳۱۴، ۴۲۰	۴۲۷، ۴۳۱، ۴۴۴، ۴۵۴
تهمت، ۲۱۴، ۲۲۴، ۳۰۱، ۴۰۳	تخطئه، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۳۴، ۲۷۹
۴۶۲	۴۳۳
توسعه، ۲۵۵، ۴۵۱، ۴۶۳	تدبیر، ۲۶۴، ۳۰۲، ۴۱۴، ۴۳۰
توطئه، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۱۳	تربیت، ۱۹۷، ۲۴۸، ۲۶۷، ۲۷۶
۲۲۱، ۲۷۰، ۲۷۱، ۳۰۸، ۳۱۱	تردید، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۳۰
۳۲۰، ۴۰۲، ۴۲۰، ۴۲۵، ۴۵۰	۲۴۶، ۲۵۹، ۲۶۲، ۴۱۵، ۴۳۲
توکل، ۲۴۱، ۲۷۷، ۳۱۹، ۴۴۴	۴۵۳، ۴۵۴
توکی، ۲۸۷، ۲۸۹	ترور، ۲۲۹، ۴۴۷
تولید، ۲۸۴، ۴۲۴، ۴۶۲، ۴۶۵	تروریسم، ۲۲۲، ۲۲۴

۲۲۹، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۳	تیمور، ۳۱۲
۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۶	ثروت ملی، ۲۸۵
۲۷۰، ۲۷۵، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۷	جاسوس، ۴۵۵
۳۰۸، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۷، ۴۰۳	جامعه، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۱۱
۴۱۲، ۴۱۵، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۲۷	۲۱۹، ۲۲۰، ۲۴۲، ۲۴۹، ۲۵۳
۴۲۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۵	۲۷۳، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۰۷
۴۵۳	۴۳۹، ۴۲۴
جنگ نظامی، ۴۲۵، ۴۲۷	جامعه‌ی اسلامی، ۲۱۸، ۲۲۰
جهاد، ۲۴۸، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸	۳۰۱
۲۷۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۷	جبهه‌ی خلق، ۳۰۴
۳۱۳، ۴۰۱، ۴۱۶، ۴۴۶	جبهه‌ی سفیانی، ۲۴۳
جوامع اسلامی، ۲۱۸، ۲۲۴	جمهوری اسلامی، ۱۹۷، ۲۰۴
جوان، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۶	۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳
۲۱۹، ۲۳۰، ۲۴۳، ۲۵۸، ۲۶۷	۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۷
۲۸۲، ۳۰۸، ۳۱۳، ۴۱۵، ۴۲۸	۲۳۳، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۶
۴۳۹، ۴۵۵، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳	۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۷۴
۴۸۱	۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۹۳
جوانان، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۷	۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۰۵
۲۱۰، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۴۱، ۲۴۵	۳۰۶، ۳۱۱، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰
۲۵۰، ۲۵۸، ۲۶۲، ۲۷۹، ۲۸۳	۴۰۱، ۴۰۵، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۲۲
۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۶، ۳۱۲	۴۲۶، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۴۲
۳۱۳، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۳۹	۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۴
۴۶۱، ۴۶۳	۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶
چنگیز، ۳۱۲	جناح، ۴۰۴
حدیبیه، ۲۴۶	جنگ، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۱۰
حزب‌الله، ۲۰۵، ۳۰۴	۲۱۱، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۶

نمایه / ۴۸۹

- حسین، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۷۸،
 ۲۹۳
 حضرت مهدی (عج)، ۲۵۰
 حق و باطل، ۲۴۳، ۲۶۰
 حقوق بشر، ۲۶۲، ۲۶۸، ۴۷۶
 حکمت، ۲۷۵، ۳۱۴
 حکومت، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۵۳،
 ۲۶۰، ۲۷۳، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۲،
 ۳۱۳، ۴۱۱، ۴۷۲، ۴۷۶
 حکومت اسلامی، ۴۷۶
 حماس، ۳۰۴
 حوزه علمیه، ۲۰۱
 خاطره، ۲۴۳
 خانواده، ۴۲۴
 خاورمیانه، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۸،
 ۲۶۸، ۴۷۱، ۴۷۳
 خدعه، ۲۰۶
 خرمشهر، ۴۱۲
 خشونت، ۲۵۲
 خلیج فارس، ۲۰۸، ۲۶۸، ۴۲۳،
 ۴۴۲
 خواص، ۲۲۶، ۲۴۲
 خودباوری، ۱۹۹، ۲۲۶، ۴۲۹
 خودی، ۲۰۷، ۲۵۳، ۲۹۸، ۴۰۳
 خیابان ارم، ۲۰۱
 خیابان چهارمردان، ۲۰۱
- دانش، ۲۷۰، ۳۱۲، ۴۲۴، ۴۷۵
 دانشجو، ۴۵۲، ۴۷۵
 دانشگاه، ۲۵۸، ۲۸۲، ۳۱۳، ۳۱۴،
 ۴۴۸، ۴۵۲
 دانشمندان، ۳۰۶، ۴۴۸، ۴۵۵
 دروغ، ۲۰۱، ۲۷۳، ۲۹۰، ۳۰۷،
 ۴۲۴، ۴۳۳، ۴۴۸، ۴۷۶، ۴۸۱
 دفاع مقدس، ۲۱۶، ۲۸۴، ۴۲۰،
 ۴۸۱
 دنیای اسلام، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۲۲،
 ۲۴۱
 دنیای عرب، ۱۹۶، ۲۱۱، ۲۱۳،
 ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۴۱،
 ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۸، ۳۰۷، ۳۱۲،
 ۴۱۲، ۴۴۵، ۴۷۲، ۴۷۷
 دولت اسلامی، ۲۲۴، ۲۹۴، ۳۱۶
 دولتهای غربی، ۲۲۲، ۴۴۵
 دین، ۱۹۹، ۲۱۶، ۲۳۷، ۲۴۳،
 ۲۴۴، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۶،
 ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۶،
 ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۱۵، ۴۱۹، ۴۲۰،
 ۴۳۴، ۴۴۵، ۴۶۱، ۴۶۲
 رادیو، ۲۱۲، ۴۶۱
 رژیم پهلوی، ۲۰۰
 رژیم طاغوت، ۴۸۱
 رسانه، ۲۰۶، ۲۳۷، ۴۶۳، ۴۶۴

۲۵۵، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۹۱، ۳۰۲، ۳۱۱، ۳۱۸، ۴۱۱، ۴۴۴	رسول اکرم، ۱۹۵، ۱۹۶، ۳۱۴ رضاخان، ۲۰۴، ۲۲۵
سینما، ۲۹۹ شام، ۲۴۳، ۲۹۷ شاه، ۲۸۴، ۲۹۳، ۴۱۱	رهبری، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۸۲، ۴۱۳ ۴۱۴، ۴۲۷، ۴۳۲، ۴۳۶
شجاعت، ۱۹۶، ۲۴۱، ۲۷۲، ۲۷۷، ۲۹۳، ۲۹۴، ۴۱۴، ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۳۱	روحانیت، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۳۷ ۴۰۱، ۴۲۰، ۴۵۲ روزنامه، ۲۰۶، ۲۱۲ روش‌فکر، ۲۶۲
شریعت، ۲۵۳ شناخت دشمن، ۴۷۴ شهادت، ۲۱۱، ۲۴۲، ۳۰۳، ۳۰۴	زبان فارسی، ۲۹۹ زن، ۲۴۳، ۲۷۸، ۳۰۴ زینب کبری، ۲۴۹، ۴۷۵
شهوات، ۳۰۵، ۴۶۱ شهید، ۲۲۹، ۲۸۴، ۴۵۵ شهید رضایی‌نژاد، ۲۲۹ شهید شهریار، ۲۲۹ شهیدان، ۴۵۴ شهید علی‌محمدی، ۲۲۹	سادات، ۴۷۸ سازمان فتح، ۳۰۴ سازندگی، ۲۲۳، ۲۴۸، ۲۵۵ سپاه، ۴۵۰ سلطه، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۶
شوروی، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۵۹، ۳۱۲ ۴۴۱ شیطان، ۲۲۰، ۲۴۸، ۲۸۸، ۲۸۹ ۲۹۴، ۴۳۱ شیعه، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۴ صالح، ۲۸۸، ۴۲۴ صبر، ۲۸۳، ۳۰۳، ۳۱۵ صحیفه سجّادیه، ۲۴۴	۲۱۸، ۲۲۱، ۲۴۵، ۲۹۴، ۴۴۰، ۴۴۷، ۴۵۲، ۴۵۳ سلولهای بنیادی، ۴۴۸ سند چشم‌انداز، ۳۰۱ سنّی، ۲۱۴، ۲۲۴ سوره آل‌عمران، ۲۴۷ سوره فتح، ۴۲۹ سیاست، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۳ ۲۲۵، ۲۳۰، ۲۴۶، ۲۵۲، ۲۵۴

نمایه / ۴۹۱

عمل، ۱۹۵، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۲۹،	صدا و سیما، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵
۲۳۰، ۲۳۳، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۶۹،	صدام، ۲۸۴، ۳۱۲
۲۷۶، ۲۷۸، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۵،	صدر اسلام، ۲۱۶، ۲۴۱، ۲۵۵،
۳۰۶، ۳۱۵، ۳۲۰، ۴۰۵، ۴۱۲،	۳۰۸، ۴۱۳، ۴۳۲
۴۱۴، ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۴۱، ۴۵۱،	صف‌آرایی، ۴۴۶
۴۷۲	صلح، ۲۴۵، ۲۵۳
غرب، ۲۰۴، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۴۵،	صهیونیست، ۲۰۶، ۲۷۰، ۲۹۱،
۲۵۹، ۲۶۳، ۳۱۲، ۴۳۸، ۴۴۴،	۴۲۵، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۶،
۴۴۸، ۴۷۷، ۴۸۱	۴۷۸، ۴۷۷
غرض‌ورزی، ۲۴۹، ۴۳۳	صهیونیسم، ۴۴۲، ۴۷۱
غرور، ۲۹۶	ضدانقلاب، ۲۱۱، ۲۳۲
غزه، ۲۷۰	طاغوت، ۳۱۶
غفلت، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۷۸، ۳۱۱،	طلاب، ۲۴۳
۴۱۰، ۴۲۳، ۴۲۸، ۴۵۱، ۴۶۱،	عاشورا، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۸،
فتنه، ۴۰۳	عبادت، ۲۵۷
فداکاری، ۲۴۳، ۳۰۴، ۴۱۳، ۴۱۵،	عدالت، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۴۵، ۲۷۳،
۴۲۲، ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۵۴،	۲۸۷
فرانسه، ۴۴۷	عدالت اجتماعی، ۲۱۶
فرهنگ، ۱۹۸، ۲۱۹، ۲۵۵، ۲۶۳،	عراق، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۹،
۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۶، ۲۶۸، ۳۰۲،	۴۱۵
۳۱۱، ۴۱۶، ۴۳۹، ۴۴۵، ۴۵۲،	عرب، ۴۷۳
۴۶۲، ۴۶۳	عقیده، ۱۹۶، ۲۳۰، ۳۰۹
فروع دین، ۲۸۷، ۲۸۹	علم، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۶۳، ۲۷۱،
فرب، ۲۴۳، ۲۷۳، ۲۹۰، ۳۱۶،	۲۸۵، ۲۹۸، ۳۱۱، ۳۱۵، ۴۲۴،
۴۲۲، ۴۲۶، ۴۳۵، ۴۵۵، ۴۷۶،	۴۴۷، ۴۵۲
فساد، ۲۱۰، ۲۴۲، ۲۴۹، ۲۸۳،	علماء، ۲۴۳، ۲۸۷، ۲۸۹، ۴۳۳،

کارآمد، ۲۲۳، ۲۵۴، ۲۷۷، ۴۵۰	۳۲۰، ۳۱۲، ۳۰۷، ۳۰۱، ۲۹۰
کارگر، ۲۲۸	۴۳۹، ۴۰۵
کانال سوئز، ۲۰۸	فقیر، ۲۸۷، ۲۹۰
کتاب، ۲۰۳، ۲۱۴، ۴۴۶، ۴۶۲	فقه، ۲۵۴
کرامت، ۱۹۹، ۴۳۳، ۴۵۱	فقیر، ۴۱۰
کریلا، ۲۷۸	فکر، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۲۲
کرد، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۰	۲۲۳، ۲۲۵، ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۵۳
۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۷	۲۵۷، ۲۶۷، ۲۷۸، ۲۸۴، ۳۰۷
۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۷	۳۱۲، ۳۱۳، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵
۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۴۳	۴۲۴، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۴۲
۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۶	۴۴۵، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۷۱
۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳	فلسطین، ۲۰۵، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۷۰
۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۳	۳۰۴، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶
۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۲	فناوری، ۲۰۲، ۲۱۱
۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷	فیلم، ۲۹۹، ۳۰۰، ۴۶۲
۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۴، ۲۹۶	قاجار، ۴۵۲
۲۹۷، ۳۰۰، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۰۴	قانون، ۲۱۸، ۲۵۳، ۲۵۴، ۳۰۱
۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۴	۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۷، ۴۳۳، ۴۴۹
۳۱۷، ۳۲۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳	قرآن، ۲۲۴، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۵۲
۴۰۵، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۵	۲۵۳، ۲۵۷، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۰
۴۱۶، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۹	۲۷۲، ۲۸۶، ۲۹۰، ۲۹۴، ۳۰۰
۴۳۲، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۱	۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۱۸
۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹	۴۲۲، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۴۱، ۴۶۰
۴۵۴، ۴۵۹، ۴۶۱، ۴۶۴، ۴۶۵	قریش، ۳۱۵
۴۷۴، ۴۷۷	قم، ۲۰۱، ۴۱۵
کشاورزی، ۲۰۲، ۲۳۲	قومیتها، ۲۶۵

نمایه / ۴۹۳

مجلس شورای اسلامی، ۳۰۰	کشورهای اسلامی، ۲۰۵، ۲۱۳
محاصره اقتصادی، ۲۹۵، ۴۲۵	۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۶۳، ۴۱۰
۴۷۳	۴۷۸
محافظه کار، ۲۲۷	کمپ دیوید، ۴۷۸
محبت، ۲۱۴، ۲۷۶، ۲۸۷، ۲۸۸	کوفه، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۹۷
۲۹۶، ۲۹۷، ۴۱۵، ۴۳۷	کینه، ۲۸۸، ۲۸۷
محمدرضا، ۲۲۵، ۲۸۴، ۲۹۱	گاز، ۴۴۷
۳۰۷	گروهکها، ۲۱۱
مدیترانه، ۲۰۸	گفتمان، ۲۵۹، ۴۴۶
مدینه، ۲۴۳، ۲۴۶، ۳۱۴، ۳۱۵	گویندگان، ۲۴۴، ۲۹۰
مرجفون، ۳۱۸	لبنان، ۲۷۰، ۴۷۲
مرحوم آیه الله طالقانی، ۲۷۵	مالک اشتر، ۴۱۹
مرد، ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۶۴، ۳۰۴	ماهواره، ۲۰۶، ۳۰۰، ۴۶۱
۴۰۹، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۷۶	مأیوس، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۷۴
مرعوب، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۹۱	۲۹۱، ۳۱۹، ۳۲۰، ۴۰۲، ۴۰۶
۲۹۶، ۴۵۳	۴۲۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۵۰
مسئولین، ۲۰۷، ۲۱۷، ۲۶۲، ۲۶۶	مبارزه، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۱۸
۲۷۵، ۲۹۳، ۳۰۵، ۴۱۱، ۴۱۴	۲۴۲، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۷، ۲۵۸
۴۴۸، ۴۴۹	۲۶۲، ۲۸۵، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۱۳
مسجد، ۲۹۸، ۴۲۲	۳۱۵، ۴۱۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۳
مسجد ضرار، ۴۲۲	۴۴۳، ۴۵۲
مسیحی، ۲۱۴، ۴۷۲	مبّلعین، ۲۴۳
مسیحیت، ۱۹۶	متحجر، ۲۲۲
مشروطه، ۴۳۶	متواضع، ۲۴۹
مشروطیت، ۴۳۷	مجاهدان، ۴۳۲
مشهد، ۲۱۱	مجلات، ۲۰۲، ۲۰۷

۴۸۱	مصدق، ۲۲۵، ۴۲۰، ۴۲۱
منافع ملی، ۳۱۱	مصرف، ۲۰۳
منافق، ۴۰۳	مصعب‌بن‌زبیر، ۲۴۲
منکر، ۲۳۱، ۳۰۱، ۴۱۱	مطالعه، ۲۰۳، ۲۰۴، ۴۶۵
مهدویّت، ۲۵۰	مطبوعات، ۲۰۰، ۲۱۲، ۲۶۷
مواد مخدر، ۲۲۹	۴۶۲، ۴۰۲
ناامید، ۲۰۷، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۲	معروف، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۳۱، ۲۷۸
۲۳۶، ۲۴۴، ۲۵۴، ۴۰۶	۳۰۱، ۴۱۱، ۴۴۰
ناامیدی، ۲۲۰، ۲۲۷، ۳۰۹	معنویّت، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۷۳، ۳۰۷
ناتو، ۲۰۶	۴۱۳، ۳۱۵
ناتوی فرهنگی، ۲۰۶	مقاومت، ۲۱۵، ۲۵۸، ۲۷۰، ۲۸۳
ناسیونالیسم، ۲۰۳	۲۹۳، ۲۹۶، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۶
نخبگان، ۲۶۴، ۴۴۹	۳۰۸، ۳۲۰، ۴۰۲، ۴۲۴، ۴۲۷
نشاط، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۶۴	۴۲۹، ۴۴۱، ۴۴۵
نظام اسلامی، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۱۱	ملت ایران، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۴
۲۲۰، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۵۴	۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۶
۲۷۵، ۲۸۷، ۲۹۲، ۳۰۱، ۳۰۶	۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۱
۳۱۴، ۳۱۷، ۳۲۰، ۴۲۱، ۴۲۸	۲۴۹، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱
۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۱	۲۶۲، ۲۶۶، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۸
نفت، ۲۰۳، ۲۱۴، ۴۲۱، ۴۴۷	۲۷۹، ۲۸۳، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۴
نفرت، ۲۹۵	۲۹۵، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۵
نفس، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۷۲، ۲۹۲	۳۱۸، ۳۱۹، ۴۱۴، ۴۲۰، ۴۲۳
۲۹۳، ۳۰۰، ۳۰۵، ۴۱۳، ۴۴۴	۴۲۵، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰
۴۴۷، ۴۶۳، ۴۷۵، ۴۷۶	۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۴۲، ۴۴۳
نماز جمعه، ۲۱۱	۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹
نمایندگان، ۲۷۳، ۴۰۴	۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۷۴، ۴۷۵

نمایه / ۴۹۵

۴۳۲	نهج البلاغه، ۲۴۸
هویت، ۲۰۵، ۲۲۴، ۲۳۰، ۳۱۱،	نوجوانان، ۳۰۰
۴۶۳، ۴۴۳	نویسندگان، ۲۹۰
وابستگی، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۹۷، ۳۰۷،	نیروهای مسلح، ۳۱۴، ۴۷۵
۳۱۱	نیروی هوایی، ۴۷۵
وحدت، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۵۵،	همبستگی، ۲۷۵، ۴۲۸
۲۶۲، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۴، ۲۷۷،	همّت، ۲۰۹، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۷۴
۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۶، ۳۰۹،	هند، ۳۰۲
۴۲۵، ۴۲۶، ۴۴۳، ۴۵۹، ۴۶۳،	هنر، ۲۰۲، ۲۶۷، ۲۹۷، ۲۹۸،
و غاظ، ۲۴۳	۲۹۹، ۴۲۳، ۴۵۲، ۴۶۵
ولایت، ۱۹۵، ۲۱۴، ۲۸۲	هنرمند، ۲۰۷، ۲۹۸، ۲۹۹
ولایت مطلقه، ۱۹۵	هوشمندی، ۴۲۷، ۴۵۴
یهود، ۳۱۴، ۳۱۵	هوشیار، ۲۰۵، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۳۵،
	۲۶۳، ۴۰۳، ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۳۰،